فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی

فارسی - انگلیسی

تدوین

محمد تقی اکبری، احمد رضوانی، محمد تقی منشی طوسی
حسن سلطانی فر و دیگران
«گروه ترجمهٔ بنیاد پژوهشهای اسلامی»

ویراستهٔ
بهاءالدین خرمشاهی

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی

آستان قدس رضوی

بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگ اصطلاحات علوم
و تمدّن اسلامی

(فارسی ـ انگلیسی)

تدوین

محمدتقی اکبری، احمد رضوانی، محمدتقی منشی طوسی
حسن سلطانی فر، و دیگران

ویراستهٔ

بهاءالدین خرمشاهی

فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی / گرد آورندگان محمد تقی اکبری... [ودیگران] . -
مشهد : آستان قدس رضوی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۳۷۰.
۷۱۰ ص .
۱ . اسلام - واژه نامه ها - انگلیسی . ۲. اسلام - اصطلاحها - انگلیسی .
الف . اکبری ، محمدتقی ، گرد آورنده .

۲۹۷/۰۳ BP ۵/۵

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

نام کتاب: فرهنگ اصطلاحات علوم وتمدن اسلامی (فارسی - انگلیسی)

گردآورند گان: محمدتقی اکبری، احمدرضوانی، محمدتقی منشی طوسی، حسن سلطانی فر

ویراستار: بهاء الدین خرمشاهی

ناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، صندوق پستی ۹۱۷۳۵/۳۶۶

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: چاپ اول، ۱۳۷۰

چاپ: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار ویراستار

سپاس خداوند جان آفرین را که به توفیق پیدا و پنهانش فرهنگ *اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی* صورت تألیف، و طبع و انتشار یافت. فرهنگی که در دست دارید برابرنامهٔ اصطلاحات علوم و فنون و کلمات فرهنگدار پرتداول و پرتواتر تمدن اسلامی است.

این فرهنگ در دو روایت فارسی ـ انگلیسی، و انگلیسی ـ فارسی تدوین شده است. مراد از فارسی، فارسی و عربی توأم است. زیرا اغلب اصطلاحات علوم و معارف و فنون اسلامی به زبان عربی است و به همان صورت اصلی عربی قرنهاست که در سراسر جهان اسلام و مخصوصاً ایران رواج داشته است.

در تدوین این فرهنگ، در مرتبهٔ بعد از فرهنگ و تمدن اسلامی، برای فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، تأکید قائل بوده‌ایم. نیز برای زبان فارسی، در درجهٔ بعد از زبان عربی که زبان علمی و اصطلاحی سراسر جهان اسلام است.

در فرهنگ اسلامی و ایرانی و در قلمرو زبان عربی و فارسی، با آنکه تنظیم و تدوین فرهنگهای توضیح‌دار نظیر کتاب *الحدود* ابن‌سینا و *تعریفات* میرسید شریف جرجانی و کشاف *اصطلاحات الفنون* تهانوی سابقه دارد، ولی پیشینهٔ «برابرنامه» به

شکل فرهنگ حاضر، در ایران در حدود دو و حداکثر سه دهه بیشتر نیست. در سالهای اخیر مرکز نشر دانشگاهی در زمینهٔ علوم محض و علوم تجربی به آن اهتمام دارد.

در زمینهٔ فلسفه و علوم اجتماعی و انسانی تاکنون چند «برابرنامه» انتشار یافته است. از همه قدیمتر و اصیل‌تر و روشمندتر *واژه‌نامهٔ فلسفی*، تدوین سهیل محسن افنان است که اهم لغات و اصطلاحات فلسفی (اسلامی) را به فارسی و عربی با برابر نهاده‌های انگلیسی، فرانسه، پهلوی، یونانی، لاتین به دست داده است (چاپ دوم تهران، نشر نقره، ۱۳۶۲، ۳۳۲ ص). دیگر *واژگان فلسفه و علوم اجتماعی*، برابر نهاده‌های مترجمان و مؤلفان ایرانی. ویرایش داریوش آشوری. جلد اول انگلیسی ـ فارسی، جلد دوم فرانسه ـ فارسی (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۵)؛ و دیگر *فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی*، انگلیسی ـ فارسی از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی (تهران، بدون تاریخ)، که اخیراً ویرایش و گسترش یافته و «روز آمد» شده و معادلات و برابر نهاده‌های بیش از سیصد متن ترجمه شده از انگلیسی به فارسی را در زمینهٔ فلسفه و علوم اجتماعی و علوم انسانی، با ذکر مأخذ هر واژه، تا پایان سال ۱۳۶۷ به دست می‌دهد و در حال حاضر در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی تحت طبع است و اینجانب همکاری ناچیزی در ویرایش آن داشته‌ام.

جدیدترین معادل نامه و اصطلاحنامهٔ تخصصی در زمینهٔ علوم انسانی، تا به امروز *فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی*، تألیف دکتر محمد طباطبائی است (مشهد، بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۷).

در زمینهٔ نزدیک‌تر به فرهنگ حاضر، چند فرهنگ اصطلاحات اسلامی نیز در دو دهٔ اخیر در ایران انتشار یافته است که بعضی از آنها ــ با جرح و تعدیل و نظر نقادانه ــ جزو منابع فرهنگ حاضر بوده و مشخصات آنها در فهرست منابع یاد شده است.

ساختمان این فرهنگ

اندیشهٔ تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی در سال ۱۳۶۶ در بنیاد

پژوهشهای اسلامی، وابسته به آستان قدس رضوی، به منظور تسهیل کار پژوهندگان و اسلامشناسان و ایرانشناسان سراسر جهان و مخصوصاً محققان و مترجمان مسلمان شکل گرفت. تدوین کنندگان اصلی این فرهنگ آقایان محمدتقی اکبری، احمد رضوانی، محمدتقی منشی طوسی، حسن سلطانی فر هستند. چند تن دیگر از همکاران بنیاد پژوهشهای اسلامی آقایان احمد نمایی، حسن لاهوتی، محمدحسین نظری نژاد، عباس هوتکانی، محمدرحیم رحیم زاده و علی آخشینی در استخراج واژه ها و سایر مراحل تدوین این اثر با گروه نخست همکاری مستمر داشته اند. بدینوسیله بنیاد پژوهشهای اسلامی و ویراستار سپاس خود را از یاریهای این عزیزان عرضه می دارند.

تدوین کنندگان اصلی به ابتکار خود، و بعدها با مشورت اینجانب، منابع معتنابهی از ترجمه های متون عربی به انگلیسی، نظیر فی المثل ترجمه های معتبر قرآن مجید، یا *نهج البلاغه*، یا مقدمهٔ ابن خلدون، یا متون فارسی ترجمه شده به انگلیسی نظیر *اخلاق ناصری*، مثنوی معنوی، یا *کشف المحجوب* هجویری را برگرفته و با مقابلهٔ متن اصلی و ترجمهٔ انگلیسی، از کلماتی که کلیدی و اصطلاح یا اصطلاح گونه تشخیص داده اند، فیش تهیه کرده و آنها را به اصطلاح «خارج نویس» کرده اند.

برای آنکه معلوم باشد هر لغت از چه منبعی اخذ شده، یك شمارهٔ ردیف مسلسل یا «کد» به هر منبع داده اند. طبعاً این شماره ها برابر با شماره های ردیف منابع در فهرست منابع است. یعنی شمارهٔ «۱» ترجمهٔ انگلیسی تفسیر *المیزان* است و شمارهٔ «۱۰۰» ترجمهٔ انگلیسی آربری از قرآن مجید و شمارهٔ «۱۲۹»: *واژه نامهٔ راه و ساختمان و معماری* تدوین آقای مهندس حبیب معروف.

اینجانب در تابستان سال ۱۳۶۶ که به دعوت بنیاد پژوهشهای اسلامی، برای بحث و تبادل نظر دربارهٔ مسائل مختلف مربوط به ترجمه و ویرایش و آماده سازی متون به آن مؤسسه رفته بودم، دستنویس اولیهٔ این فرهنگ را اجمالاً مطالعه و مرور کردم و به دوست دانشورم آقای محمدتقی منشی طوسی که سرپرستی این کار را با همکاری گروه یاد شده به عهده داشتند، پیشنهاد کردم که منابع بیشتری از جمله *دایرة المعارف اسلام* (به انگلیسی، طبع لیدن) و دهها متن اساسی دیگر که در زمینهٔ معارف و فرهنگ و تمدن اسلامی رأساً به انگلیسی نوشته شده است، یا متونی که از

فارسی و عربی به انگلیسی ترجمه شده است، به این طرح افزوده شود و افزوده شد تا تعداد منابع به بیش از دو برابر آنچه در سال اول بود، بالغ گردید. از یك منبع غیر کتابی نیز در این کار با کمال احتیاط استفاده شده و آن رأی و نظر و تشخیص و پیشنهاد پژوهشگران است (علامت اختصاری آن «پ»).

گفتنی است که یازده منبع از میان این منابع برگه‌های استخراج شده از کتابهای نامبردهٔ زیر است که زیر نظر استاد فرزانه جناب آقای دکتر مهدی محقق، به همت دانشجویان دورهٔ فوق لیسانس دانشگاه تربیت مدرس فراهم شده است:

۱. *تهافت الفلاسفه*
۲. *تهافت التهافت*
۳. شرح عقائد النسفیة
۴. دلالة الحائرین ابن میمون
۵. عرشیه‌ی ملاصدرا
۶. التعرف
۷. الدّرة الفاخرة
۸. ارشاد شیخ مفید
۹. فصول قشیری
۱۰. دانشنامهٔ علائی
۱۱. مواقف نِفَّری

برگه‌های مستخرج از این منابع که حاوی تقریباً چهار هزار اصطلاح فلسفی، کلامی، عرفانی و منطقی بود، در سایر برگه‌ها ادغام شد و فرهنگ حاضر را از نظر علوم معقول بسیار غنی کرد؛ با تشکر از استاد دکتر محقق و دانشجویان دانشپژوه ایشان.

این توضیح نیز لازم است که کار واژه‌گزینی در اصل مبتنی بر مقابلهٔ متون فارسی و عربی با ترجمهٔ انگلیسی آنها بوده است؛ مگر در مواردی که در یك متن انگلیسی مثلاً *دایرة المعارف اسلام* یك اصطلاح فارسی یا عربی آوانویسی یا به تعبیر دقیقتر حرف به حرف‌نویسی (transliteration) شده و معادل انگلیسی آن هم در جنب

آن آمده باشد، یا در مواردی که فقط به واژه نامهٔ کتابها یا پانوشتهای آنها اکتفا شده است.

دامنهٔ شمول و محتویات فرهنگ

فرهنگ *اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی* شامل کلمات کلیدی و اصطلاحات علوم اسلامی و علوم انسانی قدیم و کلمات فرهنگداری است که نمایانگر وجهی از فرهنگ و تمدن اسلام است. به عبارت دیگر علومی چون طب، داروشناسی، گیاهشناسی، کشاورزی، نجوم، شیمی در آن راه ندارد، مگر اصطلاحاتی از آنها که تداول عام یافته و جزو اطلاعات و معارف عمومی قدما بوده است و به متون نظم و نثر یا فرهنگها و دایرة‌المعارفها راه یافته بوده است.

مراد از *اصطلاحات علوم اسلامی*، در درجهٔ اول کلمات کلیدی قرآن مجید است (نظیر: اسوه، اصحاب کهف، اصنام، ام‌الکتاب، امی)؛ و اصطلاحات *علم تفسیر و تجوید* (نظیر: متشابه، ترتیل، انزال، تنزیل، تفسیر، تأویل، غُنّه)؛ *علم حدیث* (نظیر: اسناد، تواتر، ثابت، ثقه، راوی، جرح، تعدیل، مرسل)؛ *علم اصول فقه* (نظیر: اجتهاد، تقلید، اعلم، اجماع، جری، حَظر)؛ *علم فقه* (نظیر: اشربه، اعتکاف، افلاس، ایقاعات، متعه)؛ *علم منطق* (نظیر: اشتراط، تلازم، تمثیل، متناقض، متواطی)؛ *فلسفه* (نظیر: اشتداد، تکون و تکوین، جوهر، حیّز، صدور)؛ *علم کلام* (نظیر: اقنوم، اسماء‌الحسنی، الحاد، متکلم، مجبّره)؛ *تصوف و عرفان* (نظیر: اشراق، انانیت، انس، اوتاد، جذبه، مجذوب)؛ *علم اخلاق* (نظیر: انصاف، تواضع، جبن، ایثار، صدق)؛ *صرف و نحو و دستور زبان فارسی* (نظیر: اسم، اشتقاق، ضمیر، اجوف، تثنیه، ثلاثی مجرد، مخارج حروف)؛ *علوم بلاغی*، شامل معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه (نظیر: اطناب، اعنات، التفات، ایهام، بدیع، براعت استهلال، ردالصدر علی‌العجز، ردالعجز علی‌الصدر)؛ *تاریخ* (نظیر: اصناف، اغالبه، امتیاز تنباکو، انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی ایران)؛ *جغرافیا* (نظیر: اقلیم، اقیانوس، بیت‌المقدس، بحرالمیت، بین‌النهرین، جَزْر)؛ *ریاضیات* (نظیر: حساب، ضرب، تقسیم، اصم، اعداد متحابه، جذر، مجذور)؛ نجوم (نظیر: برج، حمل، ثور، جوزا...؛ نجم، اعتدال، اوج، ارتفاع،

اهلهٔ قمر)؛ طب (نظیر: بلغم، سودا، قراباذین، مالیخولیا، بلسان، داغ)؛ و حتی علوم غریبه (نظیر: رمل، جفر، نیرنجات، افسون، طلسم، تعویذ، اصابت‌العین).

چنانکه اشاره شد اصطلاحات علوم انسانی نیز به فراوانی در این فرهنگ وارد شده است. مراد از علوم انسانی، علوم و معارفی است که در فرهنگ اسلام و ایران سابقهٔ تعلیم و تعلم دارد، ولی مستقیماً جزو علوم شرعی نیستند نظیر: فلسفه، اغلب علوم بلاغی و ادبی و زبانی علی‌الخصوص صرف و نحو و دستور زبان و تاریخ و جغرافیا.

همچنین اصطلاحات مهم و معروف فنونی چون معماری، نقاشی، تذهیب، خطاطی، موسیقی، صحافی و کتابسازی نیز در این فرهنگ گردآوری شده است، ولی نه در حدی که بسیار تخصصی باشد.

ویژگیهای دیگر و طرز استفاده

۱. تنظیم فرهنگ حاضر به صورت الفبائی حرف به حرف است.

۲. «ال» در اول کلمات و نیز در درج کلام به حساب نیامده است.

۳. از اول کلمات انگلیسی غالباً to, an, a, the حذف شده است، تا اخلالی در امر الفبائی کردن یا تشخیص حدود کلمات پیش نیاورد (مخصوصاً در روایت انگلیسی ـ فارسی)

۴. الف مقصوره (= یٰ) همانند «ی» منظور شده است.

۵. غالباً در برابر هر اصطلاح عربی، فارسی عمدتاً یك معادل انگلیسی و نیز در روایت انگلیسی ـ فارسی برابر هر کلمهٔ انگلیسی حتی‌المقدور یك کلمهٔ عربی یا فارسی بیشتر یاد نشده است و به ندرت و به ضرورت، گاه دو یا چند معادل یاد شده است.

۶. برای راهنمائی بیشتر و بازشناسی آسانتر بسیاری از اصطلاحات (ولی نه همهٔ آنها) حروف اختصاری علم و فن یا زمینهٔ کاربرد آن اصطلاح یاد شده است. نظیر فی‌المثل: *اخ.* برای اخلاق؛ منط. (منطق)، *فل.* (فلسفه)، *تخ.* (تاریخ)، جغ. (جغرافیا). فهرست کامل این حروف اختصاری — که غالباً از فهرست اختصارات فرهنگ فارسی (معین) اقتباس و با افزود و کاستهائی نسبت به آن

تنظیم شده، پس از پیشگفتار در صفحه‌ای جداگانه یاد خواهد شد. در این میان فقط کلمات قرآنی است که تبرکاً همین لفظ (یعنی کلمهٔ «قرآنی») به طور کامل در برابر آنها یاد شده است. چه تعیین حرف اختصاری دیگر هم برای آن دشوار بود. چنانکه «ق» سالهاست که در عرف و تداول فارسی حرف اختصاری و علامت «قمری» یا «هجری قمری» است.

امروز علامت پیکان (←) برای ارجاع فراوان به کار می‌رود و در کتب مرجع تداول تام پیدا کرده است. با این حساب، این علامت (←) یعنی «نگاه کنید به»، و (نیز ←) یعنی «نیز نگاه کنید به». علامت (←) یك مترادف را ــ که مدخل اصلی قرار نگرفته است ــ به مدخل اصلی ارجاع می‌دهد؛ و علامت (نیز ←) مدخلهای مشابه و به نوعی هم‌موضوع یا هم‌حوزه را به همدیگر ربط و پیوند می‌دهد.

ویراستاری

اهم کارهائی که در ویرایش انجام گرفته فهرست‌وار عبارتند از:

۱. همکاری و مشورت در انتخاب متون و منابع

۲. وارسی یکایك مدخلها و برابر نهاده‌ها و مقابلهٔ آنها با بیش از ۱۰ منبع جدید (فرهنگها و دایرة‌المعارفها) برای آنکه اگر اصطلاح مهمی از قلم افتاده، یعنی در منابع اولیه و اصلی در کار نبوده است، در این مرحله استدراك و بازیابی شود. از این رهگذر بیش از سه هزار اصطلاح مهم و پر مراجعه و «با فرهنگ» به این مجموعه افزوده شده است. مخصوصاً کمال دقت به عمل آمده که کلیه یا حداکثر اصطلاحات و مفاهیم کلیدی قرآن مجید در این فرهنگ راه یابد.

۳. حذف کلمات و عباراتی که در حوزهٔ هدف *فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی* قرار نمی‌گرفت و صرفاً به پیروی از منابع در دستنویس اولیهٔ فرهنگ راه یافته بود، و بسیاری از این گونه کلمات که بیشتر واژهٔ عادی بود تا «اصطلاح» یك علم و فن خاص، حذف شد.

۴. ساختن معادل برای اصطلاحات و کلمات کلیدی مهم که معادل انگلیسی آنها در هیچیك از منابع، و نیز منابع آزاد دیگر یافت نشده، نظیر «خارج»، «سطح»،

«آیة الله»، «استصحاب»، «درایت» و چندین مورد دیگر که با علامت پ (که علامت اختصاری «پیشنهاد» است) متمایز شده است.

۵. اعرابگذاریهای لازم و مفید برای درست‌تر خواندن بعضی کلمات و اصطلاحات.

۶. افزودن توضیح کوتاه و لازم برای شناساندن یك اصطلاح یا فرق نهادن بین اصطلاحات مشابه. فی المثل توضیحی که در معرفی ستون حنانه آمده است.

۷. افزودن توضیحات ریشه‌شناسی در بعضی موارد فی المثل طسق یا عبقری.

۸. تعیین و تصریح به *قرآنی* بودن یك کلمه یا اصطلاح. نظر به اینکه در فرهنگ و تمدن اسلامی، متنی مهم‌تر و مؤثرتر و فرهنگ آفرین‌تر و تمدن‌سازتر و در عین حال قدیمتر و اصیل‌تر از قرآن نداریم، به دلایل و وجوه عدیده، تصریح به قرآنی بودن واژه‌ها، حائز کمال اهمیت است. این کار با دقت و استقصای تمام، در روایت یا مجلّد فارسی ـ انگلیسی این فرهنگ انجام گرفته است. خوب است این شیوه، ولو اینکه مبتکر آن در عصر جدید مستشرقان و اسلامشناسان غربی بوده باشند، در تحقیقات مشابه فرهنگی و لغوی رسم شود.

۹. بررسی صحت املا و ضبط اصطلاحات و ساختمان نحوی عبارات، چه فارسی و عربی، چه انگلیسی.

۱۰. تعیین «فاصله به جا» یعنی فاصلهٔ قانونی بین کلمات، در مورد واژگان و معادلهای مرکب، که امری به ظاهر ساده، یا حتی به چشم نیامدنی، و در واقع امری بسیار حساس و دشوار است و به کلی غیرقیاسی و غیرقانونمند است و در موارد تردید، یا تشتت ضبطها، چاره‌ای جز مراجعهٔ مکرر به فرهنگهای اصیل انگلیسی از جمله وبستر سه جلدی بزرگ و *OED* نیست.

به این مثالها توجه کنید: thanksgiving, almsgiving به همین صورت که نوشته شده، یعنی بیفاصله نوشته می‌شوند، ولی law giving که همان ساختار و ساختمان دستوری را دارد، با فاصله نوشته می‌شود.

مثال دیگر notebook, guidebook, handbook هر سه به همین صورت بدون فاصله نوشته می‌شوند، ولی travel book به معنای سفرنامه ــ که با کمال تعجب در هیچ واژه‌نامهٔ معتبر یا غیر معتبر انگلیسی ثبت یعنی وارد نشده است! ــ با فاصله

نوشته می‌شود.

مثال جالب توجه دیگر: common sense وقتی که اسم است با فاصله نوشته می‌شود، چنانکه هم‌اکنون با فاصله نوشته شد. ولی هنگامی که به صورت صفت در می‌آید، به صورتهای زیر و بدون فاصله نوشته می‌شود:

– commonsense

– commonsensical

۱۱. تعیین حروف بزرگ آغازین یعنی مسألهٔ باریك و بغرنج capitalization این مورد از مورد پیشین آسانتر نیست، و فرهنگهای معتبر هم اتفاق نظر و یکنواختی ندارند. این مورد را هم با ذکر مثال بهتر می‌توان نشان داد. god یعنی «اله»؛ و الله باید با G به صورت God باشد. deity یعنی الوهیت و ربوبیت و خدایگانی به معنای عام و غیر متشخص، ولی Deity یعنی الهیت و حتی توسعاً برابر با خداست. divine یعنی لاهوتی یا الوهی به معنای عام و تا حدودی مبهم، اما Divine یعنی الهی و خدائی. heaven یعنی آسمان، ولی Heaven یعنی بهشت. scripture مطلق متن و نوشته معنی می‌دهد، ولی Scripture (با اس بزرگ) یعنی کتاب مقدس (عهدین).

M در Muslim یا Moslem همواره باید بزرگ باشد.

یا pilgrimage با p کوچك یعنی مطلق زیارت و سیاحت، اما Pilgrimage (با پی بزرگ) در متون اسلامی یعنی حج گزاردن و Pilgim (با پی بزرگ) یعنی حاج. همینطور ویراستار یکایك اجزاء اسماءالله الحسنی و نام سوره‌های قرآن را با حروف آغازین بزرگ در فرهنگ حاضر وارد کرده است. این رشته سر دراز دارد، بهتر است این بحث را در همینجا به پایان ببریم.

۱۲. حذف اعلامی که معادل انگلیسی آنها، همانا حرف نویسی یا دگرنویسی کلمات و اصطلاحات اسلامی است به الفبای انگلیسی مانند Thamud (ثمود) یا Harut (هاروت) یا Haman (هامان). ولی آنجا که املای یك اسم در سنت اروپائی یا غیر اسلامی با اسلامی فرق داشته است حفظ شده اند، مانند: Ager (هاجر)، Aaron (هارون)، Mary (مریم)، Jesus (عیسی)، Galen (جالینوس) یا همچنین Arzachel

(زرقالی، منجم مسلمان اسپانیائی قرن پنجم).

در مورد املای انگلیسی «قرآن» گفتنی است که انگلیسی زبانان آن را به دو صورت Koran, Qur'an می‌نویسند. در فرهنگ حاضر بسته به منبعی که منقولٌ عنه بوده است، هر دو شکل به کار برده شده است.

یاد و سپاس

ویراستار در کلیهٔ مراحل اصلاح و آماده‌سازی و بازنگری این فرهنگ از همکاری و اشراف علمی هیئت مدیرهٔ بنیاد پژوهشهای اسلامی و مدیر فاضل آن بنیاد جناب حجة‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر الهی‌خراسانی و معاونت فرهنگی آستان قدس و پژوهشگران این طرح به ویژه آقای محمدتقی منشی‌طوسی برخوردار بوده است. همچنین از مشورت و نظرهای اصلاحی و ارشادی و انتقادی سروران دانشور آقایان دکتر مهدی محقق، دکتر احمد طاهری عراقی، کامران فانی، و شهرام پازوکی بهره‌مند بوده است.

مسؤولان محترم مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس نیز در تولید و طبع و نشر این اثر نهایت حوصله و همت را مبذول داشته‌اند. سلیقه و ظرافتی که در حروفچینی و صفحه‌آرائی و تولید فنی فرهنگ مشهود است، حاصل تجربه و هنرمندی آقایان بیوک رضائی و مجید گوهری است. والحمدلله اولاً و آخراً.

بهاءالدّین خُرّمشاهی

تهران، نوروز ۱۳۷۰.

نشانه‌های اختصاری

اخـ.	اخلاق
ادا.	اداری
ادبـ.	ادبیات
اقـ.	اقتصاد
باز.	بازرگانی
بانک.	بانکداری
بع.	بدیع
پ.	پیشنهاد گروه تهیه کننده و ویراستار
پز.	پزشکی
تجو.	تجوید
تخ.	تاریخ
تصـ.	تصوف
ج.	جمع
جغـ.	جغرافیا
جلـ.	جلدسازی
حد.	حدیث (علم)
حسـ.	حساب
حقـ.	حقوق
دسـ.	دستور زبان
رضـ.	ریاضی
سیـ.	سیاست
ع.	عربی
عر.	عروض
عرفـ.	عرفان
فقـ.	فقه
فلـ.	فلسفه
قرآنی	واژهٔ قرآنی
قصـ.	قصص
کلـ.	کلام (علم)
گیا.	گیاه‌شناسی
مسـ.	موسیقی
معمـ.	معماری
مقـ.	مقابل
منط.	منطق
نجـ.	نجوم
نقا.	نقاشی
هنـ.	هنر
←	نگاه کنید به:
نیز ←	نیز نگاه کنید به:

فهرست منابع

(در متن فرهنگ فقط به شماره‌های ردیف این منابع اشاره شده است)

1. *Al-Mizan, An Exegesis of the Quran,* by al-Allamah as-Sayyid Mohammad Husayn at-Tabataba'i, translated by Sayyid Saeed Akhtar Rizvi, Vol. 1, Tehran, WOFIS, 1983.

2. *Nahj Al-Balaghah,* by Amir Al-Mu'minin Ali Ibn Abi Talib, translated by Seyd Ali Raza, Tehran, World Organization For Islamic Services (WOFIS), 1979.

3. *Nahjul Balagha,* by Imam Ali, translated by S. Ali Raza, Qum, Ansariyan Publication, 1981.

4. *Polarization around the character of Ali Ibn Abi Talib,* by Murtada Mutahary, translated by Board of Writing, Translation and Publication, Tehran, WOFIS, 1981.

5 (1-2-3-4). *Iqtisādunā, Our Economics,* by Muḥammad Bāqir Aṣ-Ṣadr, English translation, (translated from Arabic by WOFIS), Volume one (part one, part two), Volume two (part one, part two), Tehran, World Organization For Islamic Services, first edition, 1982/1402.

6. *Alkafi,* by Ash-shaykh Abu Ja'far Muhammad Ibn Ya'qūb Ibn Isḥāq Al-Kulaynī Ar-Razī, translated and published by World Organization For Islamic

Services, vol. 1, part 2, Tehran 1982.

7- *Holy Qur'an*, translated by M.H. Shakir, New York, Tahrike Tarsile Qur'an inc. 1985.

8. *The Constitution of the Islàmic Republic of Iran*, translated by I.P.O. Tehran, Islamic Propagation Organization (I.P.O.).

9. *Spiritual Sayings*, by Ayatullah Murtaza Mutahari, translated by Dr. Alauddin Pazargadi, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1983.

10. *The Philosophy of Kalam*, by Austryn Wolfson, Cambridge, Massachusetts and London, Harvard University Press, 1976.

۱۱. *سیر فلسفه در ایران*، اثر محمد اقبال لاهوری، ترجمهٔ امیرحسین آریانپور، نشر سوم، تهران، موسسهٔ فرهنگی منطقه‌ای با همکاری سازمان انتشارات بامداد، ۱۳۵۴.

12. *Shi'a*, by Allamah Sayyid Muhammad Husayn Tabataba'i, translated by Seyyed Hossein Nasr, Qum, Ansarian Publication, 1981.

13. *Three Muslim Sages*, by Seyyed Hossein Nasr, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press, 1964.

14. *Muslim Saints and Mystics*, by Farid al - Din 'Attar, translated by A.J. Arberry, Persian Heritage Series, London and Boston, Routledge & Kegan Paul, 1966, Reprinted 1973.

15. *The Rights of Women in Islam*, by Murtada Mutahari, translated by Board of Writing, translation and Publication, first edition, Tehran, World Organization For Islamic Services, 1981.

16. *Society and History*, by Murtada Mutahhari, translated and published by Islamic Propagation Organization, 2nd edition, Tehran,1985.

17. *Logic*, by W. Stanley Jevons, New York, American book Company.

18. *The Ilahi - nama or Book of God of Farid al - Din 'Attar*, translated by John Andrew Boyle, Persian Heritage Series, Manchester University Press, 1976.

19. *Nuzhat - al - Qulub* (the geographical part of), by Hamd - allah Mustawfi of Qazwin, translated by G. le Strange, London, Luzac & Co.,1919.

20. *The Practical Laws of Islam*, an Abridged Version of Imam Khomeini's

Taudhih - al - Masa'il, translated and published by I.P.O., 2nd Edition, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1985/1406.

21. *The Kashf al - Mahjub, the Oldest Persian Treatise on Sufism,* by 'Ali b. Uthman al - Jullabi al - Hujwiri, translated by R.A. Nicholson, London, 1911.

22. *The Jewels of the Qur'an, Al - Ghazali's Theory,* translated by Muhammad Abul Quasem, London, Kegan Paul International, 1983.

23. *The Recitation and Interpretation of the Qur'an, Al - Ghazali's Theory,* translated by Muhammad Abul Quasem, London, Kegan Paul International, 1982.

24. *A Shi'ite Creed: (I'tiqadatu'l - Imamyyah),* by ash - Shaykh as - Saduq, translated by Asaf A.A. Fyzee, Tehran, WOFIS, 1982.

25. *Gulistan of Seikh Sa'di,* translated by Major R.P. Anderson, Pakistan, Iran Pakistan Institute of Persian Studies, 1984.

26-1. *A Literary History of Persia, Vol. I, from the Earliest Times until Firdawsi,* by Edward G. Browne, Cambridge, 1969.

تاریخ ادبی ایران، ج ۱، اثر ادوارد جی براون، ترجمهٔ علی پاشاصالح، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۵.

26-2. *A Literary History of Persia, Vol. II, from Firdawsi to Sa'di,* by Edward G Browne, Cambridge, 1969.

تاریخ ادبی ایران، ج ۲، اثر ادوارد جی براون، ترجمهٔ علی پاشاصالح، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.

27. *Modern Islamic Political Thought,* by Hamid Enayat, London, Macmillan Press, 1982.

اندیشهٔ سیاسی در اسلام معاصر، اثر حمید عنایت، ترجمهٔ بهاء الدین خرمشاهی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.

28. *A Sufi Martyr, The Apologia of 'Ain al Qudat al - Hamadhani,* translated by A.J. Arberry, London, George Allen & Unwin Ltd., 1972.

دفاعیات عین‌القضاة همدانی، ترجمه و تحشیه دکتر قاسم انصاری، تهران، کتابخانه منوچهری، ۱۳۶۰.

29. *A Few Words on Knowing ALLAH*, translated by Mohammad Javad Mohammadi Towfigh, Tehran, 1363.

30. *Glimpses of the Nahj al - Balaghah*, by Martyr Murtada Mutahhari, translated by 'Ali Quli Qara'i, Al - TAWHID, vol. III, No.1, Tehran, October - December 1985.

31. *A Comprehensive Persian - English Dictionary*, by F. Steingass, Seventh impression, London, Routledge & Kegan Paul, 1984.

۳۲. *حدود یا تعریفات ابن‌سینا*، تصنیف ابن‌سینا، ترجمه محمدمهدی فولادوند، انتشارات انجمن فلسفه ایران، شمارهٔ ۵۰، شهریور ۱۳۵۸.

33. *The Glory of The Shia World, the Tale of a Pilgrimage*, by Sir Percy Molesworth Sykes assisted by Khan Bahadur Ahmad Din Khan, London, Macmillan, 1910.

34. *Gulshan i Raz (The Mystic Rose Garden)*, by Mahmud Shabistary, translated by E.H. Whinfield, Pakistan, Iran - Pakistan Institute of Persian Studies, 1978.

۳۵. *شناخت مقدماتی ستارگان*، اثر اس.ان. لی‌پینکات و جی.ام. جوزف، ترجمه و اقتباس توفیق حیدرزاده، گیتاشناسی، شماره انتشاراتی ۱۴۶.

۳۶. *نجوم به زبان ساده*، اثر مایروگانی، ترجمهٔ محمدرضا خواجه‌پور، انتشارات گیتاشناسی، شماره انتشاراتی ۱۱۵.

۳۷. *فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی (فارسی ـ انگلیسی)*، اثر محمدعلی طالقانی، تهران، ۱۳۵۷.

38. *Dictionary of Islam*, by Thomas Patrick Hughes, first Indian edition, oriental reprint, New Delhi, 1976.

39. *Handbook of Muslim Jurisprudence*, by Ibn - Abu - Zayd, translated by Alexander David Russell & Abdullah - al - Mamum Suhravardy, Delhi, Seema, 1976.

۴۰. واژه‌نامهٔ فلسفه، گردآورنده سهیل‌محسن افنان، چاپ دوّم، نشر نقره، ۱۳۶۲.

41. *The Qur'an in Islam*, by M.H. Tabataba'i, translated by Alaedin Pazargadi, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1984/1405.

۴۲. فرهنگ اصطلاحات اسلامی، فارسی ـ انگلیسی، اثر سیدعلی محمد نقوی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰.
۴۳. فرهنگ مترجم، اثر غلامحسین صدری افشار و دیگران، تهران، نشر آفتاب، ۱۳۶۳.
۴۴. علم و دین، اثر ایان باربور، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.

45. *Shorter Encyclopaedia of Islam,* edited by H.A.R. Gibb and J.K. Kramers, Leiden, E.J. Brill, 1965.

۴۶. عرفان و فلسفه، اثر و.ت. استیس، ترجمهٔ بهاء الدّین خرمشاهی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۵۸.

47. *State and Government in Medieval Islam,* by Ann K.S. Lambton, London, Oxford University Press, 1985.

48. *Encyclopaedia Iranica,* Vol. 1, fascicle 1. edited by Ehsan Yarshater, London, Routledge & Kegan Paul, 1982.

49. *The Religious Reformers in Islam,* by Huseyin Hilmi Islk, Istanbul, Islk Ketabevi, 1976.

50- *The Islamic Threat to the Soviet State,* by Alexander Bennigson and Marie Broxup, London & Sydney, Croom Helm Ltd., 1985.

51. *Islam in the World,* by Malise Ruthven, England, Penguin, 1984.

52. *The Bustan of Sheikh Moslehedin Saadi Shirazi,* translated by G.M. Wickens, published by the Iranian National Commission for Unesco, No. 46.

53. *Ibn Taimiya's Struggle against Popular Religion,* by Mohammad Omar Memon, Hungary, Mouton & Co. 1976.

54. *Islamic Science, an illustrated study,* by Seyyed Hossein Nasr, World of Islam Festival Publishing Co. Ltd., 1976.

55. *Hafiz of Shiraz: A Selection from his poems,* translated by Herman Bicknell, Tehran, Islamic Publications and Educational Organization, 1976.

56. *The Wisdom of the Throne,* by Mulla Sadra, translated by James Winston Morris, Princeton University Press, 1981.

(حکمت العرشیه، اثر ملاصدرای شیرازی)

57. *Ghazali's Theory of Virtue*, by Mohamed A. Sherif, State University of New York Press, 1975.

58. *Sufi Essays*, by Seyyed Hossein Nasr, London, George Allen & Unwin Ltd., 1972.

59. *An Introduction to Islamic Cosmological Doctrines*, by Seyyed Hossein Nasr, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press, 1964.

60. *The Life of Ibn Sina, A Critical Edition and Annotated Translation*, by William E. Gohlman, first Edition, Published by State University of New York Press, 1974.

۶۱. فرهنگ حقوق انگلیسی به فارسی، اثر بهمن کشاورز، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۶.

62. *The Roots of Religion*, by Islamic Institute, Qum, Islamic Institute, 1982.

۶۳. مجمع اللغات، فرهنگ مصطلحات به چهار زبان: عربی، فارسی، فرانسه، انگلیسی، ترجمه و تنظیم بخش فارسی آیت‌الله زاده شیرازی، دکتر سیدمرتضی و دیگران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۳.

64. *The Holy Qur'an*, translated by A. Yusuf Ali, U.S.A., Amana Corp, 1983.

65. *A Grammar of the Arabic Language*, (translated from the German of Caspari and edited with numerous additions and Corrections) by W. Wright, third Edition (revised by W. Robertson Smith and M.J. De Goeje), Cambridge, London, Cambridge University Press, 1967.

66. *Sufi Expressions of the Mystic Quest*, by Laleh Bakhtiar, London, Thames and Hudson, 1976.

67. *Book XX of Al-Ghazali's Ihya Ulum Al-Din*, translated by L. Zolondek, Netherlands, Leiden E.J. Brill, 1963.

68. *Religion and State in Iran*, by Hamid Algar, Berkeley and Los Angeles, University of California Press, 1969.

۶۹. اخلاق ناصری، اثر خواجه نصیرالدین طوسی، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، بهمن‌ماه ۱۳۶۰.

69. *The Naserean Ethics*, by Nasir ad-Din Tusi, translated by G.M. Wickens,

London, George Allen & Unwin Ltd., 1964.

70. *An Introduction to Modern Literary Arabic,* by David Cowan, Cambridge University Press, 1958.

71. *Studies in Arabic and Persian Medical Literature,* by Dr. Muhammad Zubayr Siddiqi, Calcutta, Calcutta University 1959.

72. *A Grammar of the Persian Language,* by Duncan Forbes, Calcutta, Brown & Co., 1876.

73. *Ten Decades of Ulama's Struggle,* by Aqiqi Bakhshayeshi, translated by Alaedin Pazargadi, first edition, Tehran, Islamic Propagation Organization, 1985/1405.

۷۴. فرهنگ گیتاشناسی، گردآورنده و مترجم عباس جعفری، چاپ اوّل، تهران، مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۶۰.

۷۵. فرهنگ علوم اقتصادی انگلیسی به فارسی، اثر دکتر منوچهر فرهنگ، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آزاده، ۱۳۶۳.

۷۶. اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، اثر مارتین مکدرموت، ترجمهٔ احمد آرام، تهران، ۱۳۶۳.

۷۷. فرهنگ اصطلاحات مدیریت، فارسی - انگلیسی، انگلیسی - فارسی، اثر محمّد طباطبائی، چاپ دوّم، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۲.

۷۸. واژه نامهٔ مصوّر هنرهای تجسمی، اثر پرویز مرزبان و حبیب معروف، تهران، سروش ۱۳۶۵.

79. *A Shi'ite Anthology,* by Allamah Sayyid Muhammad Husayn Tabataba'i, translated by William C. Chitick, Qum, Iran, Ansariyan Publication, 1982.

80-1. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition,* edited by: H.A.R. Gibb, J.H. Kramers, E. Levi - Provencal, J. Schacht, Vol. I, A – B, Leiden, E.J. Brill, 1986.

80-2. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition,* edited by: B. Lewis, Ch. Pellat and J. Schacht, Vol. II, C–G, Leiden, E.J. Brill, 1983.

80-3. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition,* edited by: B. Lewis, V.L. Menage, Ch. Pellat and J. Schacht, Vol. III, H – IRAM, Leiden, E.J. Brill, 1986.

80-4. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition,* edited by: E. Van Donzel, B.

Lewis and Ch. Pellat, C.E. Bosworth, Vol. IV, Leiden, E.J. Brill, 1978.

80-5. *The Encyclopaedia of Islam, New Edition,* edited by: C.E. Bosworth, E. Van Donzel, B. Lewis and Ch. Pellat, Vol. V, Leiden, E.J. Brill, 1986.

81. *Islamic Rationalism, the Ethics of 'Abd al - Jabbar,* by George Faldo Hourani, Oxford, Clarendon Press, 1971.

82-4. *The Cambridge History of Iran,* Vol. 4, edited by R.N. Frye, Cambridge University Press, 1975.

82-5. *The Cambridge History of Iran,* Vol. 5, edited by J.A. Boyle, Cambridge University Press, 1968.

83. *The Origin of Muhammadan Jurisprudence,* by Joseph Schacht, London, Oxford University Press, 1967.

84. *The Life of Muhammad, A Translation of Ibn ISHAQ's Sirat Rasul Allah,* translated by A. Guillaume, Karachi, Oxford University Press, 1980.

85. *An Introduction to Islamic Law,* by Joseph Schacht, Oxford University Press, 1982.

86. *A History of Islamic Law (2),* by N.J. Coulson, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1946.

87. *The Glorious Koran,* bilingual edition, translated by Marmaduke Pickthal, Printed in Great Britain, Reproduced by photo - lithography from the Hyderabad Edition by W.& J. Mackay Ltd. Chatham Kent, George Allen & Unwin.

88. *Introduction to the Qur'an,* by Bell and Watt, Revised and enlarged by W. Montgomery Watt, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1970.

89. *What is Sufism?*, by Martin Lings, London, George Allen & Unwin Ltd., 1975.

90. *The Doctrine of Sufis,* by Abu Bakr al - Kalabadhi translated by A.J. Arberry, Cambridge University, 1935.

التعرف لمذهب اهل‌التصوف، اثر ابوبکر محمدالکلاباذی، قاهره، ۱۳۸۰ ق.

91. *Islamic Philosophy and Theology,* by M. Montgomery Watt, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1979.

92. *The Metaphisica of Avicenna (Ibn Sina)*, translated by Parviz Morewedge, Persian Heritage Series, London, Routledge & Kegan Paul, 1973.

93. *A History of Islamic Philosophy*, by Majid Fakhry, London, Longman New York, Columbia University Press, 1983.

۹۴. مدخل منطق صورت، اثر غلامحسین مصاحب، چاپ دوّم، انتشارات حکمت، پائیز ۱۳۶۶.

۹۵. فرهنگ فلسفی، اثر دکتر جمیل صلیبا، ترجمهٔ منوچهر صانعی درّه بیدی، اضافات و نشر: انتشارات حکمت، پائیز ۱۳۶۶.

۹۶. یادداشتهایی در باب *فصوص الحکم ابن عربی*، اثر ا.نیکلسون، با مقدمه و ترجمه اوانس اوانسیان، تهران، بعثت، ۱۳۶۳.

۹۷. *کشّاف اصطلاحات الفنون*، تألیف الشیخ الاجل المولوی محمداعلی بن علی التهانوی، المجلدالثانی، بنگال، کلکته، ۱۸۶۲.

A Dictionary of the Technical Terms Used in the sciences of the Musulmans, part II, edited by: Mowlawies Mohammad Wajih, Abdal - Haqq, and Gholam Kadir, published by the Asiatic society of Bengal, 1862.

۹۸. *الشفاء، المنطق، ۴ـ القیاس*، اثر ابن سینا، راجعه و قدّم له الدکتور ابراهیم مدکور، به تحقیق سعید زاید، قاهره، ۱۳۸۳ هـ/۱۹۶۴ م، قم، ایران، ۱۴۰۴ هـ.

The Propositional Logic of Avicenna, a translation from *al - Shefa' ; al - Qiyas*, translated by Nabil Shehaby, Boston U.S.A/Dor Drecht - Holland, D. Reided publishing Company, 1973.

۹۹. مقدّمه، اثر عبدالرحمن ابن‌خلدون، ترجمهٔ محمدپروین گنابادی، جلد اول و دوّم، چاپ چهارم، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

المقدمه، العلامه ابن‌خلدون، الطبعة الرابعة، لبنان، بیروت، احیاء الراث العربی

The Muqaddimah, An Introduction to History, by Ibn Khaldun, translated from the Arabic by Franz Rosenthal, in three Volumes, Bollingen Series XL III, Second Edition, U.S.A, Princeton University Press, 1967.

100. *The Koran Interpreted*, translated by Arthur J. Arberry, London, Oxford University Press, 1964.

101. *The Encyclopaedia of Islam, New edition*, edited by: C.E. BOS worth, E.

Van Donzel, B. Lewis And Ch. Pellat, Supplement, Fascicules 1-2, 3-4, 5-6, Leiden, E.J. Brill, 1980, 1981, 1982.

۱۰۲. *شرح غررالفرائد*، معروف به شرح منظومهٔ حکمت، قسمت امور عامّه و جوهر و عرض، اثر حاجی ملاهادی سبزواری، به تصحیح و مقدمه و تعلیقات مهدی محقّق و توشی هیکوایزوتسو، تهران، ۱۳۴۸.

۱۰۳. مثنوی معنوی، اثر جلال‌الدین محمدبن محمدبن‌الحسین البلخی ثم‌الرومی، تصحیح رینولد، ا.، نیکلسون، به اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۶۳ (چهار جلدی).

Mathnawi, by Jalalu'ddin Rumi, translated by Reynold A. Nicholson, E.J.W. Gibb Memorial Series, 1977, (three Volumes).

۱۰۴. *تهافت الفلاسفه*، تألیف غزالی.

Al - Ghazali's *Tahafut Al - falasifah* [= *Incoherence of the Philosophers*,]. translated by Sabih Ahmad Kamali. Lahore, Pakistan Philosophical congress, 1963.

۱۰۵. *تهافت‌التهافت*، اثر ابن رشد، به کوشش دکتر سلیمان‌دنیا.

Tahafut al - Tahafut, by Averroes, translated by S.V.D. Bergh, London. Trustees of the «E.J.W. Gibb Memorial» 1954.

۱۰۶. *شرح العقائدالنسفیه*،اثر التفتازانی.

A Commentary on the Creed of Islam, by Al - Taftazani. Translated with Introduction and Notes by Earl Edgar Elder. New York, Books for Libraries. A Division of Arno Press, 1980.

۱۰۷. *دلالة‌الحائرین*، اثر موسی‌ابن میمون.

The Guide for the Perplexed, by M. Maimonides. Translated by M. Fridlander, London, 1881, 1904.

۱۰۸. *الدّرة الفاخره*، اثر نورالدین عبدالرحمن الجامی.

al - Durrat al - Fakhira, translated by N. Heer

۱۰۹. *الارشاد*، اثر شیخ مفید.

Kitab al - Irshad, by Shaykh al - Mufid, translated by I.K.A. Howard, London, 1981.

۱۱۰. الفصول، اثر قشیری.
Al - Fusul. By Qushairi. Translated by Richard M. Frank.

۱۱۱. دانش‌نامه علائی، اثر ابن سینا، به تصحیح احمد خراسانی.
The Metaphysica, by Avicenna, translated by Parviz Morewedge, London, Routledge & Kegan Paul, 1973.

112. *Companion to the Qur'an,* Based on the Arberry translation, by W. Montgomery Watt, London, George Allen and Unwin Ltd. 1967.

113. *The Qur'an and its Interpreters,* Vol.1, by Dr. Mahmoud M. Ayoub, Albany, State University of New York Press, 1984.

114. *Tadhkirat Al - Muluk;A Manual of Safavid Administration,* Translated and explained by V. Minorsky, Cambridge, E.J.W. Gibb Memorial Trust, 1980.

115. *Art of Islam, Language and Meaning,* by Titus Burckhardt, England, World of Islam Festival Publishing Company, 1976.
هنر اسلامی، زبان و بیان، اثر تیتوس بورکهارت، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات سروش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۶۵.

۱۱۶. صحافی و جلدهای اسلامی، اثر دانکن هالدین، ترجمهٔ هوش آذر آذرنوش، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶.

۱۱۷. مصطلحات الفلسفة، باللغات الفرنسيّة و الانجليزيّة و العربيّة، اثر: ابوالعلا عفیفی، زکی نجیب محمود، عبدالرحمن بدوی، محمد ثابت الفندی، قاهره، ۱۹۶۴.

۱۱۸. کتاب المواقف، ویلیه کتاب المخاطبات لمحمدبن عبدالجبار بن الحسن النفّری. بعناية و تصحیح و اهتمام ارثر یوحنا آربری. القاهرة، دارالکتب المصرية، ۱۹۳۴.
The Mawaqif and Mukhatabat of Muhammad Ibn 'Abdi' l -Jabbar Al - Niffari. Edited by Arthur John Arberry. London, Cambridge University Press, 1935.

۱۱۹. کتاب المخاطبات [همراه با کتاب المواقف طبع و ترجمه شده است. به مشخصات کتاب پیشین - شمارهٔ ۱۱۸ - مراجعه کنید.]

۱۲۰. فرهنگ جامع فارسی - انگلیسی، تألیف سلیمان حییم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۴.

121. *A Dictionary of Modern Written Arabic,* by Hans Wehr, edited by J. Milton Cowan, Wiesbaden, Otto Harrasso witz, 1971.

122. *Arabic - English Lexicon*, by E.W. Lane, 2nd Edition, Cambridge, The Islamic Texts Society, 1984.

۱۲۳. *القاموس العصری*، عربی ـ انکلیزی، تألیف الیاس انطون الیاس، و ادوار ا.الیاس، الطبعة التاسعة، القاهرة، المطبة العصریة، ۱۹۶۵.

۱۲۴. فرهنگ فارسی، تألیف دکتر محمد معین، ۶ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.

۱۲۵. دایرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۵.

126. *Arabic - English and English - Arabic Dictionary*, by John Wortabet and Harvey Porter.
تجدید چاپ به طریقهٔ افست، تهران، ققنوس، ۱۳۶۴.

۱۲۷. *القاموس الفلکی* انکلیزی ـ عربی، تألیف منصور حنّاجَرداق، لبنان، مکتبة لبنان، ۱۹۵۰.

۱۲۸. فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی، تألیف دکتر محمّد طباطبائی، مشهد، بنیاد فرهنگی رضوی، ۱۳۶۷.

۱۲۹. واژه‌نامهٔ راه و ساختمان و معماری، انگلیسی ـ فارسی و فهرست الفبائی لغات و ترکیبات فارسی، تدوین مهندس معروف، ویرایش دوّم، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۶۴.

آ

آب	۲۰	water
آب باران(فقـ.)	پ	rain water
آب جاری (فقـ.)	۲۰ ،۱۲۹	running water
آب چاه (فقـ.)	پ	water of well
آب حیات (قصـ.)	۳۱ ،۱۰۳	water of life
	۳۴	well spring of life
آب حیوان ← آب حیات		
آب زندگانی ← آب حیات		
آب طَهور (فقـ.)	۱۰۳	purifying water
آب قلیل	پ	under - Kurr water
آب کُر(فقـ.)	پ	Kurr water
آب مضاف(فقـ.)	پ	mixed water
آب مطلق (فقـ.)	پ	pure water; clean water
آباء(قرآنی)	۶،۷، ۲۴،۸۷	ancestors,forefathers; fathers
	۹۹	forebears
آب انبار	۱۲۹	cistern; water reservoir
آبدست ← وضو		
آبراهه (جغـ.) [نیز ← قنات]	۷۴	canal
آبریزگاه (نیز ← مستراح)	۱۲۹	urinal; water closet
آبستنی (فقـ.)	۱۲۰	pregnancy
آبشار (جغـ.)	۱۲۹	cascade ; fall
آبق (فقـ.) [مشتق از این ماده به صورت ابق در قرآن به کار رفته است.]	۸۵	runaway slave

آبله (پز.)	۷۱	small pox
آب و هوا	۱۲۰	climate, weather
آبیاری	۷۴،۱۲۹	irrigation
آبیاری زیرزمینی	۱۲۹	subbing; subsoil irrigation
آپوکریف ← ابوکریفا		
آتش پرست (کلـ.)	۱۰۳	fire-worshipper
آتش دوزخ (نیز ← جهنم؛ جحیم)	۱۰۹	Hell-fire
آتشفشان (جغـ.)	۱۲۹	volcano
آثار علوی [= کائنات جوّ]	۶۹	meteorology
آثار علویه (فلـ.)	۸۰	meteorological phenomena
آجر	۸۰ـ۵	fired brick
آجر عایق (معمـ.)	۷۸	insulating brick
آجر فشاری (معمـ.)	۷۸	pressed brick; repressed brick
آجر قلمدانی (معمـ.)	۷۸	queen closer
آجر کاشی (معمـ.)	۱۲۹	enamelled brick
آجر لعابدار (معمـ.)	۱۲۹	glazed brick
آجر مربع (معمـ.)	۷۸ ،۱۲۹	whole brick
آجر مشمس (معمـ.)	۷۸	sundried brick
آجرپز (معمـ.)	۱۲۹	brickmaker
آجرپزی (معمـ.)	۷۸	brickworks
	۱۲۹	brickmaking; fire bricks
آجر تراش (معمـ.)	۱۲۹	brick cutter
آجر فرش	۱۲۹	paver; brick paving; pavement brick ; paviour
آجر کاری	۱۲۹	brickworks
آحاد	۱۰۸	units
آخر [الآخر، اسم الهی] (قرآنی)	۱۱ ،۴۵،۸۰ ،۸۷	The Last;
آخرالزمان (کلـ.)	۳۱	the end of Time, the last day
آخرت (قرآنی)	۲۹،۸۷،۱۰۰	the Hereafter
	۱۰۹ ،۲	next world

	۲۵	futurity
	۳	the next life
	۸۷	the Last Day
آخوند	۵ _ ۸۰	religious chief
	۴۲	religious teacher
آداب	۱۶	rites; etiquette
	۸۰	arts; ethical injunction; rules of civility
	۹۰	prescriptions
	۷۵.۵۷	manners
	۳۱	civilities; ceremonies
	۲۱	rules of discipline
آداب الصلوة (فقـ.)	۴ _ ۸۰	canonical prayer
آداب تخلّی (فقـ.)	۲۰	elimination
آداب دینی	۱۱۵	liturgy
آداب سفر (فقـ.)	۵۷	manners of travel
آداب سماع و وجد (تصـ.)	۵۷	manners of singing and ecstasy
آداب عبادات (فقـ.)	۶۷	arts of worship
آدم [حضرت آدم] (قرآنی)	۴۳	Adam
آدینه ← جمعه		
آذین	۱۲۹	ornament
آراء عمومی (سیـ.)	۸	general votes of people
آرامگاه (نیز ← قبر؛ مقبره)	۱۱۵و ۷۸	mausoleum
	۱۲۹	tomb
آرزاکل ← زَرقالی		
آز (اخـ.)	۱۶.۱۸	avarice
آزاد کردن بنده (نیز ← اعتاق؛ عتاق)	۳۹	manumit
	۱۰۰	ransom a slave
	۲۲	emancipation of slave

آزادی (سیـ.) نیز ← عتق	۸	freedom
آزادی اراده ← اختیار		
آستان	۱۰۳	threshold; sublime court
آستان قدس	۳۳	sacred threshold
آستانه	۱۲۹، ۱۱۵، ۹۵	threshold; shrine
	۱۲۹	sill
آستر بدرقه (جلـ.)	۱۱۶	paper paste-down
آشکوب (معمـ.)	۱۲۹	floor; stair well
آشور (جغـ.)	۲۶	Assyria
آطام [= دژها، استحکامات]	۴ _ ۸۰	strongholds
آفات (اخـ.)	۲۱	corruptions
آفات طبع (اخـ.)	۲۱	sensual corruptions
آفات نفس (اخـ.)	۲۱	cankers of the soul
آفاق (قرآنی)	۳۴	heavens
آفاق و انفس [جهان کبیر و جهان صغیر]	۱۲	macrocosm and microcosm; horizons and one's own soul
آفاقی (عرفـ.)	۴۶	extrovertive
آفت (اخـ. پز.)	۹۲	disease
	۹۰	impediment
	۲۱	contamination
آفریدگار (نیز ← خالق)	۹۲، ۳۱، ۴	Creator
	۹۵	Demiurge
آفریده (نیز ← مخلوق)	۱۱	created being
آفرینش (نیز ← خلق)	۴۰	creation
آفریننده ← آفریدگار		
آکله [خوره، پز.]نیز ← غانغرایا [= قانقاریا]	۷۱	gangrene; phagedaenic ulcer
آل		
	۵۱	clan, house
	۳۸	offspring; prosterity

family	۱۰۹	
descendant	۲	
the house of Abraham; the family of Abraham	۸۷	آل ابراهیم(ع) (قرآنی)
the progeny of Ibrahim	۲ _ ۶	
Talibids	۴۵	آل ابوطالب [= طالبیان]
Buyids	۴۲	آل بویه
Buwayhids	۱ _ ۲۶	
the house of David	۸۷	آل داود (قرآنی)
the family of Dawood	۷	
Ziyarids	۱ _ ۲۶	آل زیار
the family of Imran	۴۲،۸۷	آل عمران (قرآنی)
the house of Imran	۱۰۰، ۲۳	
the people of Pharaoh	۶۴	آل فرعون (قرآنی)
Pharaoh's folk	۸۷	
the progeny of Muhammad	۲ _ ۶	آل محمد(ص)
the family of Muhammad	۹۹، ۴	
the house of Moses	۸۷	آل موسی (ع) (قرآنی)
folk of Moses	۱۰۰	
the family of the Prophet	۸۰	آل نبی
the house of Aaron	۸۷	آل هارون(ع) (قرآنی)
Aaron's folk	۱۰۰	
bounties	۲ _ ۶، ۷	آلاء (قرآنی)
favours	۸۷	
ceiling batten	۱۲۹	آلت [= توفال] (معمـ.)
instrument; means	۱۰۴	آلت
organ	۴۰	
mechanism	۹۵	
panoply of war	۱۴	آلت حرب
horn socket	۱۲۹	آلت صید

آلت قانونیّه	۹۷	canonic organon
آلت نقّاله	۱۲۹	protractor
آلفراگانوس ← فرغانی		
آمر به معروف	۱۶	one who orders to obey God's command
آمرزش (نیز ← استغفار)	۳۱	forgiveness; absolution
آمرزش خواستن (نیز ← استغفار)	۴	pray forgiveness
آمودریا [= جیحون]	۸۰	the river Oxus; Amu Darya
آمین	۱۱۳	amen; so be it
آن [= لحظه]	۱۰۲	moment; unit of time
آنات (کلـ.)	۱۰	nows
آناتولیا ← آناطولی		
آناطولی	۷۸	Asia Minor
	۸۰	Anatolia
آناکساگوراس ← انکساغورس		
آهار (نقا.)	۱۲۰	starch
	۷۸	size
آهک (معمـ.)	۷۸،۱۲۹	lime
آهک زنده	۷۸،۱۲۹	quick lime
آهک مرده	۱۲۹	air slaked lime; slaked lime
آهکپز	۱۲۹	lime burner
آهکپزی	۷۸،۱۲۹	lime burning; lime works
آیات (قرآنی) (نیز ← آیه) [۱. به معنی جملات قرآن ۲. پدیده‌های شگرف، و گاه معجزه]	۸۷	1. verses ۷ : revelations
	۸۷	2. sign ۷ : portents
آیات الحفظ	۳۸	verses of protection
آیات الهی	۲۹	divine signs
آیات بیّنات	۵۶	clear signs
آیات خدا	۱۰۳	God's signs
آیات قرآنی	۱۶	Quranic verses

آیات کبری	۳۴	greatest of signs
آیات متشابهات	۷،۸۷	allegorical verses
	۱۰۰	ambiguous verses
آیات محکمات	۷	decisive verses
	۱۰۰	clear verses
آیت ← آیة		
آیة الفتح	۳۸	verse of victory
آیة الکرسی	۱۱۳	the Throne verse
	۲۲	the verse of the Throne
آیةالمواریث	۳۸	the verse of inheritances
آیةالله [۱. معنای قدیمی این کلمه آیت الهی و حاکی از چیزی است که شگرف و ممتاز باشد ۲. معنائی که در عصر جدید در تشیع اثنی عشری یافته است، مقام ممتازی در روحانیت است، و به مجتهدان بزرگ و مرجع تقلید اطلاق می گردد.]	۱۰۱	1. miraculous sign of God 2. title of chief mudjtahids in hierarchy of Shii clergy (ed.)
آیه [۱. به معنی جمله‌ای از قرآن، ۲. نشانه‌ای شگرف از نعمت یا قدرت الهی، گاه شبیه به معجزه]	۱۰۰	1. verse
	۸۷	revelation
	۱۰۰	2. sign
	۸۰ ـ ۴	miraculous sign
آیة سجده	۴۲	prostration verse
آیة متشابه ← آیات متشابهات		
آیة محکم ← آیات محکمات		
آیة منسوخ	۴۱،۹۹	abrogated verse
آیة ناسخ	۴۱	abrogative verse
	۹۹	abrogating verse
آیینه	۱۲۹	mirror

آیینه سکندر (قصـ.)	۵۵	the mirror of Sikandar

الف

ائتلاف	۶۱	coalition
ائمةالاسماء [= حیّ، عالم، مرید، قادر، سمیع، بصیر، متکلّم]	۴۲	the seven leading names of God
	۳۸	the leading names
ائمةالحدیث	۴۲	authorities on tradition
ائمة الضلال	۱۰۹	Leaders of error
ائمةالکفر (قرآنی)	۷، ۲ ـ ۶	the Imams (leaders) of unbelief
ائمةالهدی	۲ ـ ۶	the Imams (leaders) of right guidance
	۴ ـ ۸۰	guides to salvation
اباحت [= اباحه]	۲۱	permissibility
	۳ ـ ۸۰	permission; antinomianism; allowances
اباحت الزراعت	۴ ـ ۸۰	the cultivation of the land permissible
اباحه ← اباحت		
ابتداع	۴۵	innovating
ابتلاء (قرآنی)	۱۱۸،۸۷،۷	try; affliction
ابتهاج (اخـ.)	۴ ـ ۸۰	ineffable joy
ابتهال (قرآنی. تصـ.) (نیز ← مباهله)	۱۰۰، ۸۷	(to) pray humbly
	۱۰۳	supplication

	lamentation	۱۲۱
ابتیاع	purchase	۱۲۱
ابجد	arithmatical arrangement of the Arabic alphabet	۳۸
ابد (فلـ.) [ابد به صورت «ابداً» به معنای هرگز یا همیشه، درقرآن مجید به کار رفته است]	future eternity; eternity without end	۱۱
	eternity	۹۵ ،۱۱۸
	post-eternity	۴۰
	everlastingness	۱۰۳
ابداع (کلـ.)	direct creation	۴۰
	absolute creation; primordial innovation	۸۰_۳
ابداع (بعـ.)	reoriginating	۲۶ _ ۲
ابداعی (فلـ.)	creative	۹۳
آبدال (تصـ.)	the elect	۵۲
	the righteous; the substitutes	۸۰ _ ۵
اِبدال (دسـ.)	permutation	۲۸
اِبدال (تجو.)	assimilation; regressive assimilation	۱۲۸
آبدی (فلـ.) (نیز ← ابد)	without end	۱۱۳
	eternal	۴
ابدیت	everlasting	۱۰۸
ابدیت عالم	everlasting nature of the world	۱۰۴
ابراء (قرآنی)	acquittance	۸۵
	heal	۷ ،۸۷
ابرار (قرآنی)	the pious	۱۴ ،۸۰ ،۱۰۰
	the righteous	۲۴،۸۷
	the (spiritually) free	۱۰۳
ابراهیم(ع) (قرآنی)	Abraham	۴۳ ،۸۷ ،۱۰۰
ابراهیم خلیل‌الله	Abraham the Friend of God	۱۹

ابرص (قرآنی) (نیز ـــ برص)	۱۰۰	leper
ابرهه (قرآنی)	۸۷	Abraha
ابریشم دوزی(هنـ.)	۷۸	silk-embroidery
ابریق [جمع این کلمه به صورت اباریق قرآنی است. خود کلمه ابریق، معرب کلمهٔ آبریز فارسی است ← فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی]	۴ _ ۸۰	ewer
ابصار (قرآنی)	۸۷، ۷	See
	۱۲	vision
ابطال (فلـ.) (قرآنی)	۱۰۵،۹۵، ۱۱	refutation
	۴۰	nullification
	۹۰	abolishing
	۸۰	reducing to the absurd
ابطال (منط.)	۹۷	disproving
ابلاغ (قرآنی)	۸۷، ۷، ۶	deliver;communicate
	۷۷	disseminate
ابلیس (قرآنی)	۱۱۲	fallen angel; devil
	۲	Satan
	۱۰۳، ۱۰۰، ۱۴	Iblis
ابن السبیل (قرآنی)	۲ _ ۸۰	needy traveller
	۴۲، ۸۰، ۸۷	wayfarer
ابن العبری [= با رهبرایوس]	۱۲۵	Barhebraeus
ابن الوقت	۱۰۳	son of the (present) time
ابن باجّه	۴۲	Avempace
ابن داوود	۱۳	Avendeuth
ابن رشد	۹۹، ۳۷	Averroes
ابن رشدگرایی [= مکتب ابن رشد]	۱۱	Averroism

ابن سینا	۴۰	Avicenna
ابن سیناگرایی [= مکتب ابن سینا]	۱۱	Avicennism
ابن طفیل ← ابوبکربن طفیل		
ابواب	۲ ـ ۸۰	categories; classifications
	۱۲	headings
ابواب الله	۵۶	gateways to God
ابوالبشر	۱۰۳، ۸۰	The Father of mankind
ابوالهول	۴۲	the Sphinx
ابوبکربن طفیل	۴۲	Abubacer
ابوّت [مصدر از اَبْ]	۱۰۴	fatherhood
ابوکریفا [= ابوکریف: ملحقات کتابهای عهد قدیم و جدید]	۱۲۵	Apocrypha
ابهام (ادب)	۱۲۱	obscurity, ambiguity, vagueness
ابهام (انگشت)	۱۲۶، ۱۲۱	thumb
اپیکور ← افیغورس		
اِتّباع (قرآنی)	۹۸، ۴۵، ۷	following
	۸۳	unquestioning submission to tradition
اتّحاد (تصـ.)	۱۱، ۸۰، ۹۵، ۱۰۸	union
	۸۰،۲	unity
	۳۴	communion
	۳ـ۸۰	unification
	۲۹	solidarity
	۱۰۳	oneness
	۴۵	identification
اتّحاد اسلام	۲۷	Pan Islamism
اتّحاد حقیقی	۱۱	Substantial union
اتّحاد عاقل و معقول	۱۱	identity of subject and object
اتّحاد عالم و معلوم	۱۱	identity of the knower and the known

اتّحاد عقل و عاقل و معقول	۱۱	union of the intellect, intelligent and intelligible
اتّحاد مادّه و صورت	۱۰۲	unity of matter and form
اتّحادیهٔ اصناف (اقـ.)	۷۵	trade guild
اتصّاف (فلـ.)	۱۰۲	qualification
اتصّال [در درودگری]	۱۲۹	joint
اتصّال انگشتی [چوبکاری]	۱۲۹	finger joint
اتصّال کام و زبانه	۱۲۹	tenon and mortise joint
اتصّال دم چلچله	۱۲۹	dovetail joint
اتصّال (منط.)	۵۹	continuity
	۹۳	conjunction; contact
	۹۰	union
	۱۲۹	coupling
	۹۸،۱۲۹	connection
اتصال بالله	۴۲	union with God
اتصال تام (منط.)	۹۸	complete connection
اتصال غیرتام (منط.)	۹۸	incomplete connection
اتصال ناقص (منط.)	۹۸	deficient connection
اتفّاق (فلـ.)	۱۰۲	incidence
اتفّاق (منط.)	۹۸	chance connection
اتفّاق گرایی	۱۱	casualism
اتّقاء (قرآنی)	۱۲۰	piety; virtuousness
اتقان (قرآنی)	۸۷	perfection
	۱۲۶	skillful elaboration
اتقان صنع، برهان ← برهان اتقان صنع		
اتم گرایی [ذره گرایی؛ فلسفه ذری]	۱۱	atomism
اتهّام	۴	accusation
	۸	charge

اتهام جنایت (حقـ.)	۶۱	crimination
اتهام شرکت در جرم (حقـ.)	۶۳	charge of complicity
اتیان [= انجام، اجرا (قرآنی)]	۱۲۱	accomplish; achieve
اثاث (قرآنی)	۱۲۰، ۱۲۲	furniture
اثبات [مقـ. نفی]	۱۰۴، ۱۱، ۱۰۳	affirmation
	۸۰ _ ۴	confirm
	۱۱	proof
اثر (فلـ. کلـ.)	۶۲،۱۰۳	effect
	۱۱۸،۱۱۹،۷۹	trace
اثر الشریف	۳۸	the sacred relic
اثقال [علم]	۱۱۱	mechanics
اثم (قرآنی)	۴۲،۸۰،۸۷	sin
اثناعشریه (نیز ← شیعه)	۴۲،۴۵،۹۹	Twelvers
	۳۸	Twelveans
اثنینیت (کلـ.)	۱۰۴،۱۰۵،۱۰۸	duality
اثیر (فلـ.)	۴۰	ether
	۱۱،۱۰۳	aether
اجابت[مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷،۸۷،۱۰۳	answer
اجاره (فقـ.)	۳۸،۴۵	hire
	۱۵،۱۱۴،۱۲۹	lease
	۸۰_۲،۸۶	contract of hire or lease
اجارهٔ اعمال	۸۰ _ ۳	the hire of service
اجارهٔ اعیان	۸۰ _ ۳	the hire of things
مدت اجاره	۶۱	period of hire
اجاره بها	۶۱	rental
اجازه	۴۵،۸۰،۱۰۱	authorisation
	۸۰	ratification; licence
	۴۵	sanction; permit; diploma of initiation

اجاق (معمـ.)	۷۸	hearth; ingle
	۱۲۹	fire place; oven
اجاق [در طبقه بندی ایل]	۸۰ ـ ۴	families
اجتباء [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← مجتبی)	۸۷و ۷	choose
اجتماع (فلـ.)	۱۰۲	collectedness; collection
اجتماع (کلـ.)	۱۰	aggregation
اجتماع دینی [اُمّت]	۱۱	religious community
اجتماع متقابلین	۱۰۲	agreement of two opposites
اجتماع و ترکیب (کلـ.)	۵۹	assembling and combining
اجتهاد (اصول فقـ.)	۳۸،۱۰۳	exertion
	۸۳	discretion
	۸۵	independent reasoning; individual reasoning
	۲۸،۹۳	independent judgement
اجر (قرآنی)	۶،۸۵،۱۰۰	wage
	۸۰	reward (for pious deeds)
اجر جزیل	۱۴	an ample reward
اجر عظیم	۸۷	an immense reward
اجرا (حقـ.)	۶۱	execution
اجرام فلکی [= الاجرام الفلکیة]	۱۱،۹۷	heavenly bodies
اجرت المثل (فقـ.)	۵	adequate payment
اجرت المسمّیٰ [اجارهٔ معیّن و مسلّم]	۶۱	assize rent
اَجزاء (کلـ.)	۱۰،۹۶،۱۰۲	parts
اجزاء حدّیه (فلـ.)	۱۰۲	constituent parts of a definition
اجزاء عینیّه (فلـ.)	۱۰۲	concrete parts
اجزاء کلام (دسـ.)	۱۲۸	parts of speech

اجزاء لایتجزی	۹۶	atoms
اجزاء مؤلفه (کلـ.)	۱۰	combined parts
اجزاء مرکب حقیقی (فلـ.)	۱۰۲	parts of a real composite
اجساد	۸۰ـ۵	bodies
اجسام	۸۰ـ۵	bodies
اجسام الدُهنیة	۸۰ـ۵	viscous substances
اجسام و اجرام [= الاجسام السماویة والارضیة]	۴۲،۱۰۴	celestial and terrestrial bodies
اجل (قرآنی)	۸۵،۱۰۰	term
	۵۲	fate
	۱۰	span of life
	۱۱۳	end
	۱۰۳	death
	۹۹	life`s final term
اجل مسمی (قرآنی)	۷،۵۶،۸۷	appointed end (term, time)
اجل ممدود	۷۹	extended term
اجماع (فقـ.) [این کلمه ریشهٔ اصلی ولی غیر اصطلاحی در قرآن دارد]	۱۱،۴۵،۹۹،۱۰۸،۱۱۰	consensus
	۹۵،۸۰	unanimity
اجماع (کلـ.)	۲۸	combination
اجمال	۳۴	epitome
اجناس (منط. فلـ.)	۱۰،۹۹،۱۰۴،۱۰۵	genera
	۶۹	classes
اجناس فضایل (اخـ.)	۶۹	kinds of virtues
اجنبی (فقـ.)	۳۸	foreigner
	۸۵	stranger; third party
اجوف (دسـ.)	۲۸	hollow
اجیر (فقـ.)	۸۵	hired servant

	۶۱،۱۲۱	hired worker, employee
احادیث ← حدیث		
احاطه (قرآنی)	۸۷،۹۷،۱۰۰	encompass; preserve
احالت	۴۰	reduction
احبار (قرآنی)	۸۴	rabbis
	۱۶	jewish scribes
	۳۱	learned men
احباط [= حبط. (قرآنی)]	۹۵	frustration
	۴۵	cancellation
	۱۰۰	make to fail
احتجاب	۷۹	seclusion
احتجاج (نیز ← حجت؛ محاجه)	۱۱	argumentation
	۱۳	dialectic
	۱۰۵،۱۰۷	argument
احتجام (= حجامت) (پز.)	۳۱	cupping; scarifying
احتضار (فقـ.) (نیز ← مراسم احتضار)	۴۲	agony; being at the point of death
احتکار (فقـ.)	۳۱،۴۲،۹۹	hoarding; monopoly
	۳۸	hoarding up
احتکار کالا	۶۳	cornering the goods
احتلال [= اشغال]	۱۲۱	occupation
احتلام (فقـ.) [= حُلُم]	۴۲	Seminal emission
	۳۸	pollutio nocturna
	۳۹	puberty
	۳۱	nocturnal pollution
احتمال (منط. فلـ.)	۴	contingency
	۱۱	probability
احتیاط (اخلـ.)	۴۲،۸۵	precaution
احجار کریمه [= سنگهای قیمتی،	۱۲۰	Precious stones

اصطلاح	صفحه	English
جواهرات]		
أُحجيّه	۱۲۱	riddle, puzzle, enigma
أَحَد (قرآنی)	۷،۸۷،۱۰۳،۱۱۳	One
	۲۴	absolutely unique
	۹۶	single
الأحَد [اسم الهی] (غیرقرآنی)	۸۰	The One
	۱۱	The Absolute One
احداث	۴۲	creation
	۱۰۵	temporal production of a thing
	۱۰۴	existence
احداد [ترک زینت پس از فوت شوهر]	۳۹	mourning
احدی الحسنیین (قرآنی)	۸۷	One of two good things; good
	پ	alternatives
احدّیت	۳۸	unity; concord
	۱۰۸	singleness
	۸۰	oneness
الاحدیة الذاتیة (عر.)	۱۰۸	essential Oneness
	۱۱۰	unitary in being
احراج [برهان ذوالحدّین]	۱۱	dilemma
احرار (نیز ← حرّ)	۱۸	the noble
	۳۱	the ingenuous
	۱۰۳	the righteous
إحرام (فقـ.) (قرآنی)	۱۱۳،۱۰۹	consecration
	۱۱۲	state of ritual taboo
	۵۱	state of ritual consecration
	۱۰۰	pilgrim sanctity
	۸۴	pilgrim garment
	۳۱،۴۲	pilgrim's garb

احزاب (قرآنی)	۴۲.۸۸.۱۰۰.۱۱۲	confederates
الاحزاب [سوره]	۸۷	The Clans
	۷	The Allies
احساس (فلـ. کلـ.)	۲۹	sentiment
	۱۱	sensation
احسان (اخـ.) (قرآنی)	۶۹.۸۷.۹۰	kindness
	۴ ـ ۸۰	goodness
	۵۷	benevolence
احسن الخالقین (اسم الهی)(قرآنی)	۸۷	The Best of Creators
احسن تقویم (قرآنی)	۱۵	fairest stature
	۵۸.۸۷	best stature
	۱۰۳	most excellent in constitution
احسن نظام	۱۰۸	best order
احصاء (قرآنی)	۷۹.۹۲	enumeration
	۳۱	numbering; describing
	۱	compre hensiveness
احصارالحج (فقـ.)	۴۲	the hindering of the pilgrimage
احصان (قرآنی)	۴۲	keeping a wife
	۱۲۰	marrying; chastity
احضار (حقـ.)	۶۱	calling
احضاریّه (حقـ.)	۶۱	Summons
احضاریه کتبی	۶۳	writ of summons
احقاف [سوره]	۸۹.۱۰۰	The Sand - Dunes
	۷	The Sandhills
احقاق حق	۶۱	adjudication
احکام (فقـ.)	۴۵	judgements; legal provisions
	۱۰۳	ordinances
احکام اولیّهٔ حقیقیّه	۲۷	primary real rules
احکام ثانویّه	۲۷	secondary rules

احکام ثانویّه ظاهریّه	۲۷	secondary apparent rules
احکام خمسه	۸۰،۸۵	five qualifications
احکام سلطانیه	۸۵	constitutional and administrative laws
احکام سمعیّه	۸۱	revealed judgements
احکام شرعیّه	۴۵	revealed prescripts
احکام شریعت	۲۱	ordinances of the law
احکام عشره [ده فرمان]	۴۳	Ten Commandments; The Decalogue
احکام عقلی [احکام عقلیه]	۶۹	intellectual judgments
	۸۱	rational judgments
احکام مذهبی	۴۱	religious injunctions
احکام نجوم	۳۶	astrology
احکم‌الحاکمین (اسم‌الهی)(قرآنی)	۸۷	The most just of Judges
	۴۲	The most just of Rulers
احوال (فلـ. کلـ.)	۱۱۳،۴۲	states
	۵۸	spiritual states
	۱۰،۸۰،۱۰۱	modes
احوال النفس	۱۰۴	the states of the soul
اِحیاء (قرآنی)	۲۷،۹۳	revival
	۴	bringing to life; re-establish; revive
احیاء اراضی موات [= احیاء الموات](نیز ← زمین‌موات)	۶۱	cultivation of waste land
	۴۲	reviving dead lands
	۸۰_۵	revival of the dead lands; revivification of dead lands
	۸۵	cultivating waste land
اخّاذی (حقـ.)	۶۱	extortion
اخافه (حقـ.)(نیز ← ارعاب؛ تخویف)	۶۱	intimidation
اخاله	۸۰_۵	assumption

اِخاوه	۸۰_۴	brotherliness
اَخبار [نیز ← حدیث]	۹۱	traditions
اخبار صحاح	۲۱	genuine traditions
اخبار غیبی	۱	prophecies and information of unseen
اِخبار	۸۰ _ ۴	information
اخباریّون (کلـ.)	۴۲	Traditionists
اخباریین [= مورّخان]	۲۶ _ ۱	historians
اختبار	۱۰۷	trials
اختتان [= ختنه]	۹۹	circumcision
اخترگوئی ← احکام نجوم		
اخترشناسی ← نجوم		
اختلاج (پز.)	۷۱	palpitation
اختلاس (حقـ.)	۶۱	embezzlement
	۸	misappropriation
اختلاف (فقـ.)	۸۰،۴	doctrinal difference
اختلاف مذاهب	۸۰،۴	divergences between schools
اختلاف منظر (نجـ.)	۳۶،۱۲۹	Parallax
اختلاق (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	invention
اختناق (سیـ.)	۱۵	suppression of beliefs
اختیار (اخـ. فلـ.)	۴۰،۸۰،۱۰۵،۱۰۸،۱۱۸	choice
	۱۱،۹۰،۱۰۳	free will
اختیار تام (حقـ.)	۶۱	full power
اختیارات	۸۰	certain positions adopted
اختیاری	۱۱	arbitrary
	۸۰،۴	free
اختیاریّه	۴۵	voluntary
اُخدود ← اصحاب اخدود		
اخذ الطّریق	۸۰_۵	embarkation on the way
اخراج (قرآنی)	۸۷	expulsion

اُخروی	۴۲	Other worldly
اخسّ (منط.)	۱۰۴	the lowest rank
اخصّ (منط.)	۹۷	more peculiar
	۱۰	most proper
	۸۰_۵	more particular
اخطاریّه (حقـ.)	۶۳	letter of advice
اِخفات (قرآنی) (مقـ. جهر، با صدای آهسته خواندن نماز) (فقـ.)	۱۲۱	to lower one's voice
اخلاص (اخـ.) (قرآنی)	۱۶،۴۲،۹۰،۱۰۳	sincerity
	۴۲،۹۵	loyalty
	۱۰۳	devotion
اخلاص [سوره]	۱۰۰	Sincere Religion
	۸۷	The Unity
اخلاط اربعه (نیز ← خلط)	۱۱	four-fold humours
اخلاق	۱۱،۹۵	morals
	۱۶	morality
	۱۱،۸۰	ethics
اخلاق اسلامی	۸	Islamic ethics
اخلاق حَسَن	۵۷	good character quality
اخلاق حمیده	۴۲	fair virtues; commandable moral qualities
اخلاق ردیئه	۵۷	bad character qualities
اخلاق روحانی	۱۱	spiritual ethics
اخلاق فاضله	۱	excellent ethics
اخلاق محموده	۵۷	commandable character traits
اخلاقی	۱۶	ethical
اخماس (نیز ← تخمیس)	۲۳	five parts
اخوان الصفا	۴۰	Brethren of Purity
اخوان المسلمین	۲۷	Muslim Brothers

اخوت	۴۲	brotherhood
اخیار (قرآنی)	۲۴	the select
	۷	the elect
	۴۲	the chosen ones
اداء (قرآنی)	۳۸،۸۰	payment
	۸۰	accomplishment
	۳۸	satis faction; completing (prayers...)
ادات (نیز ← ادوات)	۹۷	tool; syncategorematic
	۴۰	particle; instrument
	۹۴	connective
ادات تشبیه (بع.)	۱۲۸	words of comparison
اداره	۵ ـ ۸۰	administration
اداره ثبت اسناد	۷۵	register office
ادا [انجام دادن وظیفه]	۶	fulfil
	۲۱	perform
ادالیه ← انطالیه		
ادام‌الله	۴۲	May God prolong
ادای فرایض (نیز ← اتیان؛ فریضه؛ فرض)	۲۱	performing obligatory duties
ادای نذر (نیز ← نذر)	۸۰ـ۲	fulfill a vow
	۳۸	perform a vow
ادب	۶۹،۱۰۳	discipline
	۴۷	courtesy; urbanity
	۶۹	literature
	۸۰ـ۳	belles lettres
	۴۰	education; culture
ادبار	۱۶	disaster
ادراك (فلـ. کلـ.)	۴۶،۸۱،۹۵،۹۹،۱۰۲	perception
	۱۰۲	cognition

comprehension	۱۰	
percept	۱۱	
perception by essence	۶۹	ادراک بذات
immediate perception	۱۱	ادراک بی‌واسطه
sense perception; sensuous perception	۱۱	ادراک حسی
sensual perception	۹۹	
intellectual perception	۱۰۷	ادراک عقلی
non - sensory perception	۱۱	ادراک غیر حسّی
Adrianople	۴۲	ادرنه (جغـ.)
Enoch	۴۲،۴۵	ادریس (قرآنی)
Andreas	۴۵	
Idrisids	۹۹	ادریسیان (= ادارسه)
assimilation	۸۰ـ۵،۱۲۸	ادغام (تجو.)
regressive assimilation	۱۲۸	
contraction	۲۸	
arguments	۱۰۵،۱۰۴	ادلّه (نیز ← برهان؛ کتاب؛ سنت؛ عقل؛ اجماع)
proofs	۸۰ـ۳،۱۰۶	
traditional or authoritative proofs	۸۰ـ۳	ادلّه سمعیّه
intellectual proofs	۱۰	ادلّه عقلی
rational proofs	۸۰ـ۳	
decisive proofs	۱۰۶	ادلّه قطعی
question words; interrogatives	۱۲۸	ادوات استفهام (دسـ.)
periods of revolution	۸۰ ـ ۴	ادوار
composite drugs; compound drugs	۸۰ـ۵	ادویهٔ مرکبه (پز.)
simple drugs	۸۰ـ۵	ادویهٔ مفرده (پز.)
revealed religions	۱۲	ادیان آسمانی [= ادیان وحیانی]
learned	۳۱	ادیب

اصطلاح	صفحه	English
اذان (قرآنی)	۶۴،۸۷،۱۰۰	proclamation
	۲۲،۶۸،۸۲	call to prayer
	۴۵،۸۰	announcement
	۴۲	prayer call
اذعان [مشتقی از این کلمه به صورت مذعنین در قرآن به کار رفته است.]	۱۰۶	acknowledgment
اذن (قرآنی)	۶،۸۷	leave
	۲۹،۶۱،۸۵	permission
	۸۰_۳	authori zation
	۳۹	consent
اذن شرع	۱۰۴	authority of the sacred law
اذن محض (حقـ.)	۶۱	simple permission
ارادت (تصـ.)	۵۸	discipleship
	۴	fellowship
	۲۱	devotion to God
اراده (اخـ. فلـ.) (قرآنی)	۵۷،۱۰۴،۱۰۵،۱۰۷،۱۰۸	will
	۹۰	desire
	۱۱۰	act of willing
اراده ازلیه	۱۰۵	eternal will
اراده الهی	۹۶	Divine Will
اراده حادثه	۱۰۵	temporal will
اراده فاعل	۱۰۵	will of the agent
اراده قدیمه	۱۰۵	eternal will
اراده متشخَص	۱۱	personal will
ارادی	۱۱	voluntary
	۱۰۴	volitional
غیر ارادی	۱۰۴	non - volitional
اراذل (قرآنی)	۱۶	the vilest; the lowest

	۷	the meamest
	۸۷	the most abject
اراضی موات (نیز ← احیاء اراضی موات)	۴۲	waste - lands
ارباب (نیز ← رب)	۱۳	masters
ارباب احلام صادقه	۱۰۷	men that have true dreams
ارباب انواع	۱۳	masters of species
ارباب حال	۲۱	mystics
ارباب حِرَف	۶۱	artisans
ارباب رجوع	۷۷	general public
ارباب سیوف	۹۹	military men
	۴ _ ۸۰	the military
ارباب شرع	۳۱	law officers
ارباب طلسم	۱۳	masters of theurgies
ارباب معنی	۳۴	masters of mystery
اربعینات (تصـ.) (نیز ← چله)	۵۸	forty days (of spiritual retreat)
اُربُون [بیعانه] [در عربی این کلمه را به صورت عربون می نویسند]	۸۵	earnest money
ارتباط	۱۱	communication
ارتجاع (سیـ.)	۱۲۱	reaction (ism)
ارتجاعی (سیـ.)	۱۵	reactionary
ارتجال	۴۰	improvisation
ارتحال (نیز ← رحلت)	۴۲	departure
	۱۲۱	pass away
ارتداد (فقـ. کلـ.) (نیز ← رِدّه)	۶۱	apostatize
	۴۲	apostasy
	۶۴	become renegade
ارتشاء (حقـ. فقـ.) (نیز ← راشی)	۶۱	bribery
ارتضاع (فقـ.) (نیز ← رضاع)	۳۱	sucking; taking the suck

ارتفاع (نجـ.)	۸۰ـ۵،۳۶	altitude
	۱۲۹	height
ارتفاع نقیضین ← امتناع ارتفاع نقیضین		
ارتفاق (حقـ.)	۶۱	easement
ارتکاب	۴	perpetration
درحین ارتکاب (حقـ.)	۶۱	in the very act
ارتماس (فقـ.)	۳۱	plunging; diving
ارث (فقـ.)	۸،۱۰۹	inheritance
	۶	heritage
ارث بر (فقـ.)	۳۹	legatee
ارث بردن (فقـ.)	۶	inherit
ارث گذاشتن (فقـ.)	۱۵	bequeath
ارحام [= خویشاوند] (قرآنی) (نیز ← اولواالارحام)	۳۱،۸۷	relations by the mother; uterine kindred
ارحم‌الراحمین (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	The Most Merciful of all merciful
ارذل [جمع این کلمه به صورت الارذلون و اراذل قرآنی است]	۱۶	vilest; lowest
ارزاق	۸۰ـ۳	means of subsistence
ارس [رود] (جغـ.)	۱۹	Araxes
ارسال رسل ← رسول؛ رسالت		
ارسال المثل (بع.)	۲۶	proverbial commission
	۱۲۸	paroemia
ارسطاطالیس [ارسطو]	۴۰	Aristotle
ارسطوگرایی (نیز ← آیین مشّاء، فلسفه ارسطو)	۱۱	Aristotelianism
اُرسی (معمـ.)	۷۸،۱۲۹	sash; sash window
ارشاد	۱۰۳،۱۰۹	guidance

Persian	English	Ref.
	spiritual guidance	۵۸
	innovative guidance	۱۲
ارض (قرآنی)	soil, land	۸۰_۵
	earth	۷،۸۷،۱۰۳
ارض الکبیره	Calabria	۸۰ _ ۴
ارض الله (قرآنی)	God's earth	۱۰۳
	Allah's earth	۷
ارض المقدسه	Holy Land	۸۰ _ ۵
ارضی	terrestrial	۴۲
	territorial	۱۲۹
ارعاب (نیز ← اخافه؛ رعب)	terrorising	۲۷
ارکان (نیز ← رکن)	pillars	۶،۴۲،۱۰۶،۱۱۴
	corner stones	۸۰ _ ۲
	columns	۲
	fondations	۴۲
	first principles	۶۰
ارکان الایمان	foundations of faith	۴۲
ارکان الخمسه	five pillars of the prayers	۴۲
ارم ← بهشت شداد		
ارواح ← روح		
اروقه ← رواق		
ازار	wrapper	۶۷
ازاره (معمـ.)	dado	۷۸
ازاغه (قرآنی) (نیز ← زیغ؛ زائغین)	cause to swerve	۱۰۰
ازاله	remove	۱۰۷
ازاله بکارت (فقـ. حقـ.)	defloration	۶۱
ازدواج (فقـ. حقـ.) (نیز ← نکاح)	marriage	۲۰
ازدواج دایم	permanent marriage	۱۵

ازدواج موقّت	۱۵	temporary marriage; fixed term marriage
ازدواج (فل. منط.)	۴۲	coupling of premises
ازرقیّه (کلـ.)	۴۲	Azraquites
از کارافتادگی ساختمان (معمـ.)	۷۸	obsolescence
ازل (فلـ.)	۴۰،۴۵،۸۰	pre-eternity
	۱۰۳،۱۰۶	eternity
	۱۱	eternity without beginning
ازلام (قرآنی) (فقـ.)	۴۲	casting lots
	۱۰۰	divining - arrows
ازلی (فلـ.)	۵۹	pre - eternal
	۱۱۳	without beginning
ازلیّت (فلـ.)	۴۵،۸۰،۱۰۵	eternity
	۲۹	pre - existence
	۷۹	beginniglessness
	۸۰ _ ۳	perenniality
ازمیر (جغـ.)	۴۲	Smyrna
ازنیق [نیقیه] (جغـ.)	۸۰ _ ۴	Nicaea
ازواج مطهره (قرآنی)	۵۶	pure companions
اژدها [از صور فلکی] (نجـ.)	۳۵	Draco
اساس	۹۵	foundation
	۱۲۹	element; corner - stone
اسّ اساس	۴۶	*fons et origo*
اساس الاساس	۱۰۴	foundation of foundation
اساطیرالاولین (قرآنی)	۸۰ _ ۳	fables of the ancients
	۸۸	old world tales
	۱۰۰	fairy tales of the ancients
اسباب (کلـ.)	۱۰،۸۰،۹۰،۱۰۵	causes
	۶	means

اسباب عِلّی	۶	causal means
اسباب نزول [= شأن نزول]	۸۸	occasions of revelation
اسباط (قرآنی)	۴۲،۱۰۰	Tribes
استان	۷۷	province; county ; shire
استانبول ← اسلامبول		
استاندار	۷۷	governer - general
استبداد (سیـ.)	۱۶	despotism
استبداد صغیر (سیـ.)	۷۳	Short Despotism
استبدال (قرآنی)	۱	replacement, substitution
استبراء (فقـ.)	۸۰	confirmation of emptiness
	۸۵	waiting period of a female slave after a change owner
استبرق (قرآنی)	۸۷	silk embroidery
	۱۲۱	brocade
استثمار (سیـ.)	۲۹	exploitation
استثمارگر (سیـ.)	۱۶	exploiter
استثنا [به معنای گفتن «ان شاءالله» اصطلاحی قرآنی است.]	۹۵، ۴ ـ ۸۰	exception
	۷۵	exclusion
	۱۰۳	saving clause
	پ	saying‘ In Sha‘a Allah’ [if God wills]
استجابت (قرآنی)	۱۲۱	fulfillment
	۳۱،۱۲۰	answering
استحاضه (فقـ.)	۴۲	menstrual irregular discharges
استحالت [= استحاله]	۹۲،۱۱۱	metamorphosis
	۹۹	transformation
	۵۶	transubstantiation
	۱۰۵	impossibility
استحباب [اصل این کلمه به معنای	۸۵، ۸۳، ۴۷	preference

دوست داشتن یا خوش(تر) داشتن چیزی، قرآنی است، ولی معنای نفل و نافله، که در جنب سایر احکام خمسه یافته است قرآنی نیست]

استحسان (فقـ.)	۸۳	preference
	۴۲ ،۹۵	approbation
	۴۲،۹۰	approval
	۲۷،۸۶	juristic preference
استحلاف (نیز ← حلف) (فقـ.)	۳۱	adjuring; causing to swear
استحلال (نیز ← حِلّ) (فقـ.)	۳۱	considering a thing lawful
استحمام (نیز ← حمام)	۳۱	taking a bath
استخاره (فقـ.)	۳۱	bibliomancy; stichomancy
	۳۸	asking favours
	۲۱	ask a blessing
	۸۰ ـ ۵	formulate a prayer to obtain a favour
استخر (معمـ.)	۱۲۹	pond; pool ; reservoir; water reservoir
استخر سرپوشیده (معمـ.)	۷۸	natatorium
استخلاف (قرآنی (نیز ← جانشینی؛ خلافت)	۱۶	succession
	۸۷	make to succeed
استخوانبندی بنا (معمـ.)	۷۸	carcass; frame work
استدراج (قرآنی)	۳۸	miracles wrought by the assistance of the Devil with the permission of God
	۳۱	consigning to punishment
استدراك	۳۱	emendation

	۱۲۳	to make up for
استدلال	۱۷.۹۵	reasoning
	۸۰	inference
استدلال استقرائی	۱۷	inductive reasoning
استدلال اِنّی	۱۱	posteriori reason
استدلال تمثیلی	۱۷	reasoning by analogy
استدلال دوری [مصادره به مطلوب]	۱۱	circular reasoning
استدلال عقلی	۱۳	rational demonstration
استدلال غلط (نیز ← مغالطه)	۱۷	fallacy
استدلال قیاسی	۱۷	deductive reasoning
استدلال منطقی	۳۴	logical reasoning
استراق سمع	۱	eavesdrop
استرجاع (نیز: گفتن انا لله وانا الیه راجعون)	۳۸	returning
	پ	saying «inna li - llahi wa - inna ilaihi rajiun»
استسقا (قرآنی)	۵ _ ۸۰	pray for rain; supplication for rain
	۳۸.۴۵	prayer for rain
	۷.۶۴	pray for water
	۷.۸۷	asking for water
استسقاء (پز.) (نیز ← مستسقی)	۷۱	dropsy
استسلام	۱۱۳	submission to God
استشاره	۴۲	consultation
استشراق (نیز ← مستشرق)	۱۲۱	oriental studies
استشفاع (نیز ← شفاعت؛ شفیع)	۳۱	imploring (one) to intercede
استشفاء (نیز ← شفا)	۱۲۱	seeking of a cure

استشهاد (حقـ.)	۶۱	obtestation
استشهاد (ادب.)	پ	recitation
	۱۲	summoning witnesses
استصحاب (فقـ.)	پ	authorizing the previous state
استصلاح (فقـ.)	۸۶	consideration of the public interest
	۸۵	taking the public interest into account
استضعاف [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۶	subjugation
استطاعت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] نیز ← مستطیع	۲۴،۸۰	capacity
	۳۱ ،۴۵ ،۸۰	ability
	۳۱،۸۰	power
	۱۰۷	free will
استطراد	۱۲۱	digression; divagation; excursus
استعاذه (قرآنی)	۶۴ ،۸۷	seek refuge [to God]
استعاره (بع.)	۸۰ ،۱۲۸	metaphor
استعاره بالکنایه	۱۲۸	submerged metaphor
استعاره تملیحیه ← تهکم		
استعاره تهکمیه ← تهکم		
استعاره عنادیّه	۱۲۸	oxymoron; antisyzygy
استعاره مجرّده	۱۲۸	simple metaphor
استعاره مرکب	۱۲۸	telescoped metaphor; complex metaphor; Subdued metaphor
استعاره مستحسنه	۸۰	elegant metaphor
استعاره مستهجنه	۸۰	ungainly metaphor
استعاره مطلقه	۱۲۸	absolute metaphor; antimetaphor;

		paralogical metaphor
استعانت (قرآنی)	۸۷، ۴۲، ۳۸	seeking aid (help) (from God)
استعباد	۹۹	subdue; enslavement
استعداد (فلـ.)	۱۰۲، ۹۹، ۶۶	preparedness
	۸۰، ۴۰	disposition
	۱۰۸	predisposition
استعراض [عرض؛ سان دیدن]	۸۰	mustering; passing in review and inspectation of the troops
استعفاء	۳۱	resignation
استعمار [دراصل به معنای آباد کردن است و يك بار درقرآن به کار رفته است.] (سیـ.)	۴	colonialism
استعمارگران (سیـ.)	۷۳	colonizers
استعمال [= کاربرد]	۵ _ ۸۰	usage
استغاثه (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۴۶	orision; calling upon; asking for help
	۵۳	intercessory petition; call for succor
استغراق (تصـ.)	۱۰۳، ۹۵، ۴۶	absorption [in God]
	۸۹	seeking to be drowned
استغفار (قرآنی)	۸۷، ۴۲، ۲	seeking (asking) [God's] forgiveness
	۱	asking for divine pardon
	۸۷	implore forgiveness
	۴۵	God's pardon
	۹	penitence
	۱۰۹	forgiveness
استغفار کردن	۱۰۳	to pray God to forgive; ask pardon of God

	۱۰۰	pray forgiveness
استغفرالله	۴۲	I seek God forgiveness;God forbid!
	۳۴	God pardon my error
	۳۱	God forgive me!
استغفرالله واتوبُ الیه	۸۴	I ask God's forgiveness and I repent towards Him
استغنا (قرآنی)	۱۸	self sufficiency
	۱۰	sufficiency
استفتاء (فقـ.) (قرآنی) (نیز ← افتاء؛ فتویٰ.)	۳۱.۶۴.۸۷.۱۰۰	consult [a lawyer or a mufti]; ask for pronouncement
	۳۱	taking a legal opinion
استفتاء کردن (حقـ.)	۶۱	reference
استفتاح (حقـ.) (قرآنی)	۸۷.۱۰۰	to seek judgement
استفسار کردن	۶۱	ask questions
استفهام (دسـ.)	۱۲۸	question
استفهام (بع.)	۸۰.۱۲۸	interrogation
	۱۲۸	erotesis
استقامت (قرآنی)	۴۰	straightness
	۹۹	straightforwardness
	۲۱	steadfastness
استقبال (عر.)	۱۲۸	imitation
استقبال (نجـ.)	۸۰	opposition of sun and moon
استقبال (فقـ.) (نیز ← قبله)	پ	orientation toward Qibla (Mecca, Ka'aba)
استقراء	۶۹.۹۴.۹۵.۹۷.۹۸	induction
	۸۰ ـ ۵	exhaustive study
استقراء ناقص	۱۱	incomplete induction
استقرار (قرآنی)	۸۷ .۱۰۰	stand still; stay fast

استقصاء	۴۰	research
	۶۱	deep investigation
استقلال	۸، ۹۴	independence
استقلال از ترتیب عوامل (منط.)	۹۴	commutativity
استقلال ذاتی [خودمختاری]	۹۵	autonomy
استکبار [اخـ.] (قرآنی)	۳۱، ۸۷	arrogance
استکتاب (فقـ. حقـ.)	۳۱	asking or ordering one to write; dictating
استلام حجر [دست سودن و بوسیدن حجرالاسود] (فقـ.)	۳۱	touching the Black Stone of the K‘abah with hand or mouth
استلحاق (فقـ.)	۳۱	adopting
	۱۲۱	annexation
استلزام (منط.)	۱۱، ۹۴	implication
	۹۷	necessitate
استلزام اکید	۹۴	strict implication
استلزام مادّی	۹۴	material implication
استلقاء (ستان خفتن؛ طاقباز خوابیدن)	۳۱	falling on one’s back; decubitus
استماع (قرآنی)	۱۰۰	giving ear to
استمتاع (فقـ.) (قرآنی)	۱۲۱	enjoyment; love of pleasure
	۳۱	receiving the usufruct enjoyment (of a woman)
استمرار	۱۱	duration; continuum
	۱۰۴	perpetuity
استمرار توالد و تناسل	۱۰۴	perpetuity of development and procreation
استمرار چهاربعدی	۱۱	four - dimensional continuum
استمزاج	۳۱	sounding one’s temper or intention; asking an opinion
استمناء	۴۲	masturbation

استمهال	۳۱	petitioning for a delay; begging respite; asking for time
استناد	پ	quote; refer to, dependence
استنباط	۸۰، ۴۲	deduction
	۴۲	inference; presumption
	۳۱	drawing a conclusion
استنباط کردن	۶	deduce
استنتاج (منط.)	۹۴، ۱۷	inferrence
	۹۵، ۹۴	deduction
استنتاج استقرایی	۱۷	inductive inference
استنتاج بی‌واسطه	۹۴	immediate inference; eduction
استنتاج ریاضی	۱۱	mathematical deduction
استنتاج قیاسی	۱۷	deductive inference
استنجاء (فقـ.)	۳۸	abstersion
	۴۲	purification after easing nature
اُستُنِ حنّانه ← ستون حنّانه		
استنزال [تسخیر جن و ملك و روح]	۴ ـ ۸۰	hydromancy
استنساخ (قرآنی)	۸۷،۱۰۰،۱۱۵	epigraphy; (to) recompose; (to) record
	۴۲	transcription; reproduction
استنشاق (فقـ.)	۳۱	drawing up water through the nostrils
استنطاق (حقـ.)	۶۱	interrogation
استنکاف (قرآنی)	۸۷، ۳۱	disdaining; refusing
	۶۱	abstention
استوا (جغـ.)	۹۹، ۸۰	equator
استواء عالم (جغـ.)	۷۴	celestial equator
استواء (قرآنی)	۲۸	being seated

استوانه	۱۲۹	cylinder; drum
استهزاء (اخـ.) (قرآنی)	۲۴	mockery
استهزاء کردن	۸۷	deride
	۱۰۰	scoff at
استهلاك	۷۵	sinking; depreciation
استهلال [= دیدن ماه نو] (فقـ.)	۱۲۲	appearing of or seeing the new moon
استیفا	۸۵	receiving; taking possession
استیضاح (سیـ.)	۲۷	accountability
	۶۱	interpellation
استیلا	۹۹	domination
استیلاد (فقـ.)	۳۸	claim of offspring
اسحاق (قرآنی)	۲ ،۱۰۰	Issac
اسد (نجـ.)	۳۶ ،۹۹	Leo
اسدِ اصغر (نجـ.)	۳۶	Leo Minor
اسدالاخصر (فلـ.)	۱۰۲	the most solid and concise (proof)
اسدالله الغالب [عمدتاً لقب علی بن ابی طالب(ع)]	۴۵	The Lion of God; The Victorious
اِسْراء (نیز ← معراج) (قرآنی)	۱۱۲	night journey
اسراء [الاسراء، سوره] [نام دیگر این سوره بنی اسرائیل است.]	۸۰،۸۸،۱۰۰	The Night - Journey
	۸۷	The Children of Israel
اسرار الست	۵۸	eternal mysteries
اسرار الهی	۱۰۴	the secrets of God
	۵۸	divine mysteries
اسرار خودی [اصطلاح علامه محمد اقبال]	۳ ـ ۸۰	secrets of the self
اسرار ربانی	۲۱	divine mysteries

اسرار ملکوت السموات	۱۰۴	the secrets of the Kingdom of heaven
اسراف (اخلـ.) (قرآنی)	۸۰	immoderation
	۸	wastage
	۳۸	extravagance
اسرافکاری	۹۹	prodigality
اسرافیل (قرآنی)	۱۰۳	Seraphiel
اسرائیل (قرآنی، لقب یعقوب(ع))	۱۰۰، ۸۷، ۳۸	Jacob, Israel
اسرع الحاسبین (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷، ۵۶	The Speediest of Reckoners
	پ	The Most Swift of Reckoners
اسطرلاب (نجـ.)	۸۰، ۴۲	astrolabe
اسطرلاب خطّی	۸۰	linear astrolabe
اسطرلاب مسطح	۸۰	flat astrolabe
اسطقس [آخشیج] (فلـ.)	۱۰۷، ۹۵، ۳۲	element
	۴۶	substratum
	۸۰، ۱۱	stoicheion; primary element
اسطوره [جمع این کلمه به صورت اساطیر کلمه‌ای قرآنی است.]	۴۲	myth
	۸۷	fable
اسعار (فقـ.)	۷۵	foreign money
اسفار [قرآنی ۱. جمع سفر یعنی مسافرتها ۲. جمع سِفر یعنی کتابها]	۳،۸۷ ـ ۸۰	1. journeys
	۹۹، ۸۷	2. tomes; books
اسفار اربعه [عرف. و نیز نام بزرگترین اثر صدرالمتألهین شیرازی]	۹۳	four journeys
اسفار خمسه [تورات] (کلـ.)	۴۴	Pentateuch
اسفل السافلین (قرآنی)	۱۱	lowest point

	۸۷، ۵۸	the lowest of the low
اسقاط (حقـ.)	۸۵	relinquishment (of a claim)
اسقاط (عرف.)	۲۸	rejection
اسقلبیوس	۱۳	Asclepius
اسکنه (نجـ.)	۳۵	caelum
اسلاف	۱۲۰	predecessors
اسلام (قرآنی)	۸۸، ۸۴، ۴ ـ ۸۰	Islam; submission; total surrender (to God)
اسلام التقاطی	پ	mixed Islam
اسلام آوردن	۸۴، ۳	accept Islam
	۴	choose Islam
اسلامبول [= استنبول / استانبول / قسطنطنیه]	۴۲	Constantinople
اسلام شناس	۵۸	Islamicist
اسلحه خانه	۱۱۵	armoury
اسلوب	۹۵	style
	۱۲۹	technique; method
اسلوب الحکیم [= القول بالموجب] (بع.)	۱۲۸	asteismus
اسلوب دار (جلـ.)	۱۱۶	stylized
اسلیمی (هنـ.)	۱۱۶، ۷۸	arabesque
اسم (دستـ.)	۶۵	noun
اسم اشاره	۶۵	noun of indication; demonstrative pronoun
اسم اعظم (عرف.)	۵۶	The Greatest Name (of God)
	۱۰۷	Tetragrammaton
	۳۸	The Exalted Name of God
اسم جلالی (عرف.)	۴ ـ ۸۰	Name of Majesty
اسم جمالی (عرف.)	۸۰	Name of Beauty

collective noun	۶۵	اسم جمع (دستـ.)
common noun	۶۵	اسم جنس (دستـ.)
generic noun	۵۳	
noun of time	۶۵	اسم زمان (دستـ.)
numeral adjective; noun of number	۶۵	اسم عدد (دستـ.)
proper noun	۶۵	اسم عَلَم [خاصّ] (دستـ.)
proper name	۹۷	
concrete noun	۶۵	اسم عین [ذات] (دستـ.)
active participle	۷۰	اسم فاعل (دستـ.)
noun - agent	۱	
abstract noun of quality	۶۵	اسم کیفیّت (دستـ. فلـ.)
diminutive	۶۵	اسم مصغّر (دستـ.)
abstract noun	۶۵	اسم معنی (دستـ.)
participle	۶۵	اسم مفعول (دستـ.)
passive participle	۷۰	
noun of place	۶۵	اسم مکان (دستـ.)
referred noun	۶۵	اسم منسوب (دستـ.)
relative pronoun; noun that is united with a relative clause	۶۵	اسم موصول (دستـ.)
noun of kind or manner	۶۵	اسم نوع (دستـ. فلـ.)
Divine Attributes	۴۵	اسماء [نامها و صفات خداوند]
The Names Most Beautiful	۱۰۰ ،۱۱۲	اسماء الحسنی (قرآنی) [نیز ← یکایك اسماء الحسنی دراین فرهنگ.]
The Most Beautiful Names (of God)	۳۷،۵۷،۸۰،۱۰۲	
the assimilation names of God	۱۰۲	اسماء اللّه التشبیهیه
the purifying names of God	۱۰۲	اسماء اللّه التنزیهیّه
Divine names	۹۶	اسماء الهی [نیز ← یکایك اسماء

الهی در این فرهنگ.]		
اسماء کلی الهی	۵ _ ۸۰	universal Divine names
اسماعیل (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	Ishmael
	۲	Ismael
اسماعیلیّه (کلـ.)	۱۲	Isma'ilism
اسمره / اسمرا [پایتخت اریتره،و منسوب به آنجا]	۴۳	Asmara; Asmera
اسمی	۹۵	nominal
اسمیّت [= نام انگاری؛ اصالت تسمیه]	۹۵	nominalism
اسناد (حد.)	۹۷	refering
	۴۸	attribution
	۱۱۳	proper transmission
اِسناد حدیث	۴۲	chain of transmitters of a tradition
	۴۵	chain of traditionists
اسناد صحیح	۶	sound tradition
اسنادی (دسـ.)	۶۵	predicative
اُسوه (قرآنی)	۱۰۰، ۴۲	example
	۴۴	exemplar
	۲۷	paradigm
اُسوه حسنه (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۲۷	noble paradigm; good example; goodly pattern
اسیر (قرآنی)	۱۰۰، ۸۰	captive
	۸۷، ۴	prisoner
اشاره	۱۰۸، ۹۵، ۴۰	sign
	۹۰، ۴_۸۰	allusion; point
	۹۲، ۳۴	indication
	۲۱	allegory
اشاره الهی	۱۰۳	Divine suggestion

اشاره حسی	۹۲	sensible indication
اشاره عقلی	۹۲	intelligible indication
اشاره معهوده (فقـ.)	۸۵	conclusive act
اشاعره (کلـ.)	۱۲	Ash'arites
اشباع	۴	satiation
اشبیلیه [در اسپانیا، = سویل]	۴۲ ،۹۹	Seville; Sevilla
اشتداد (فلـ.)	۱۲۱	intensification; increase
اشتراء (قرآنی)	۳۱	trade; barter; commerce
اشتراط (منط.)	۹۸	condition
	۱۲۱	provision
اشتراك	۸۰ _ ۳	community
	۸۵	joint ownership
	۱۶	commonness; association
	۱۰	participation
	۱۲۱	subscription
اشتراکیه	۱۲۱	socialism
اشتغال	۷۵	employment
اشتقاق (دسـ.)	۴۰.۵۶.۸۰.۹۵.۱۲۸	derivation
اشتقاق (بع.)	۱۲۸	multiclination; paregmenon; plyptoton
	۸۰ _ ۴	etymology
اشراط الساعه	۱۲۱	the portents (signs) of the Day of Judgment
اشراف	۸۰ ،۹۹	notables; nobles
اشراق (عرف. فلـ.) [این کلمه اصل قرآنی دارد ولی معنای اصطلاحی آن قرآنی نیست.] (نیز ← شیخ اشراق)	۱۱.۳۷.۹۵.۱۰۲.۱۱۳	illumination
	۱۱۳	shining forth
	۲۳	intuition

Persian	Page	English
اشراقات	۸۰	intelligible irradiations
اشراقی	۸۰، ۱۳	illuminationist
	۱۱	illuminate
اشراقیون	۴ ـ ۸۰	adepts of illuminative wisdom
اشراك ← شرك		
اشربه (فقـ.)	۳۸	drinkables
اشرف	۱۱	superior
اشرف انبیاء	۷۲	the most illustrious of the prophets
اشعریّه	۹۹	Ash'arites
اشعّه (نجـ.)	۳۶	radiation; rays
اشقیاء	۵۶	the wretched
اشهدُاَن لااله‌الاالله	۴۵	I testify that there is no god besides Allah
اشهدُاَن محمداً رسول‌الله	۴۵	I testify that Mohammad is the Apostle of Allah
اصابت العین [= چشم زخم]	۴۲	evil eye
اصالت (فلـ.)	۹۵	authenticity
	۱۶	essentiality; primariness
	۵۶	priority
	۱۰۲، ۱۳، ۱۱	principality
اصالت ماده	۱، ۹۵	materialism
اصالت ماهیّت	۱۳	principality of essence
اصالت وجود	۵ ـ ۸۰	basicality of being
	۵۶	priority of being
اصحاب [به ویژه یاران پیامبر (ص) وائمه(ع) نیز ← صحابه]	۱۰۹، ۴	companions
	۶	associates
	۱۰۷	friends
اصحاب آثار	۱۰۹	traditionists

اصحاب اخدود (قرآنی)	۴۵	People of the Ditch
	۱۰۰	Men of the Pit
اصحاب ایکه (قرآنی)	۴۲	People of the Grove
	۱۰۰	People of the Thicket
اصحاب توحید	۱۰	partisans of unity
اصحاب جرایم	۹۹	criminals
اصحاب جنّت (قرآنی)	۸۷	Owners of the Garden; Dwellers of the Gorden
	۱۰۰	Inhabitants of Paradise
اصحاب حدیث	۴۷ ،۸۰	followers of tradition; traditionists
	۴۷	partisans of traditions
اصحاب رأی	۸۰	those who use reason; the people of personal opinion; followers of opinion
اصحاب رس (قرآنی)	۸۰	People of the Ditch; People of the Wall
	۱۰۰	the Men of Er-Rass
	۸۷	The Dwellers in Ar-Rass
اصحاب رقیم (قرآنی)	۱۲۴	People of the Inscription
اصحاب سبت (قرآنی)	۱۰۰	Sabbath - men
	۸۷	Sabbath - breakers
	۴۳	Sabbatarians
اصحاب سعیر (قرآنی) [=دوزخیان]	۱۰۰	Inhabitants of the Blaze
اصحاب سیَر [= سیره نویسان]	۱۰۹	Biographers of Prophet
اصحاب شمال [اصحاب مشئمه]	۱۰۳، ۱	The People of the Left (hand)
اصحاب صفّه	۵۸	Companions of the Ledge
اصحاب صلاح	۸۱	partisans of the most advantageous
اصحاب عقول	۸۰	reasoning creatures

اصحاب عمامه	۸۰	the guild of the educated
اصحاب فیل (قرآنی)	۱۱۲، ۱۰۰	Men of the Elephant
	۴۲	The People of the Elephant
اصحاب کسا	۴۵	Privileged Ones of the Cloak
اصحاب کلام	۶	the experts in disputation
اصحاب کهف (قرآنی)	۱۱۲، ۱۰۳	Men of the Cave
	۸۷، ۴۵	The People of the Cave
	۴۵، ۴۳	The Seven Sleepers of Ephesus
	۳۱	The Companions of the Cave
اصحاب محبت	۶۹	School of Love
اصحاب مدین (قرآنی)	۱۰۰	Men of Midian
اصحاب مشئمه ← اصحاب شمال		
اصحاب میمنه ← اصحاب یمین		
اصحاب نار (قرآنی)	۸۷	Owners of the Fire; Dwellers of the Fire
	۱۰۰	Inhabitants of the Fire
اصحاب یمین	۱	The People of the Right Hand
اصطفاء (قرآنی)	۱۱۹، ۱۱۸، ۸۷	choosing
	۲۱	electness
اصطلاح	۲ _ ۸۰	technical term
	پ	term
اصغر	۹۷	minor
اصفیا	۲۱	the pure
اصل	۱۱۱،۹۷،۹۲،۸۱،۳۴	root
	۱۰۳	fundamental; origin
	۴۵، ۲۹	essence
	۸۳،۸۱	source
	۱۰۲، ۴۰	principle
	۴۵	substance

اصل [مقـ. وصف]	۸۵	nature of a transaction
اصل متعارف [امر بدیهی]	۹۴، ۱۱	axiom
اصل مسلّم	۹۴، ۱۱	postulate
اصل موضوع ← اصل مسلّم		
اصلاح (قرآنی)	۸۷، ۸۰، ۴	reform
	۴ ـ ۸۰	reformism
	۸۷، ۶۴	reconciliation
اصلاح کردن	۶۴	make peace
اصلح	۱۱۴	most pious
	۸۰	most suitable or fitting
	۳۱	most advisable
اصله وحبّه (حقـ.)	۶۱	root and seed
اصلین	۱۰۷	hypotheses
اصمّ (حسـ.)	۲۸	incommensurable
	۱۲۵	irrational; surd
اصناف	۱۲۰	guilds
اصنام (قرآنی)	۱۰۷، ۸۷	idols
اصوات (دسـ.)	۶۵	interjections
اصول (نیز نام علم اصول فقه)	۱۰۴، ۸۵، ۶۵	roots; principles
	۸۰	legal theory; fundamental dogmas
	۹۳	fundamentals of belief
	۸۶	major sources of law; roots of law
علم اصول. [= اصول عقاید؛ با اصول فقه اشتباه نشود]		theology
علم دین	۸۰	dogmatic theology
	۸۹	theological principles
	۴۲	fundamentals of religion
	۳۷	principles of the faith
	۴۴	Creed

علم شرع	۸۰	sources of the law
علم عقاید	۱۵	principles of belief
	۱۳	tenets
علم فقه	۴۸ ،۹۹	Principles of (Islamic) jurisprudence
	۸۰	ethic - juristic methodology; legal methodology
	۴۲ ،۸۶	Roots of Jurisprudence
	۵۳	Sources of Jurisprudence
	۱۰۱	methodology of Jurisprudence
	۸۲	Principles of the Law
اصولی [در اصطلاح قدما به متکلمین و در اصطلاح متأخرین به مجتهدین گفته می‌شود.]	۲۸	specialist in first principles
اصولی [عالم به اصول فقه]	۸۰	theoretician in law
اضافت ← اضافه		
اضافه (کل.)	۴۰،۵۶،۹۵،۱۱۱	relation
	۴۰	correlation
اضافه (دسـ.)	۶۵	annexation
	۱۲۸	genitive case
اضافه اشراقیّه	۵۶ ،۱۰۲	illuminative relation
اضافه بیانی [= توضیحی]	۱۲۸	appositive genitive
اضافه تخصیصی	۱۲۸	descriptive genitive
اضافه حقیقی (دسـ.)	۶۵	proper or real annexation
اضافه غیرحقیقی (دسـ.)	۶۵	improper annexation
اضافه مقولیّه	۱۰۲	categorical relation
اضافه ملکی	۱۲۸	possessive genitive
اضافیّه	۱۰۸	relative
اُضحیه [گوسفند یا حیوان دیگری	۴۲	sacrificed animal

که در عید اضحی قربانی کنند.
جمع: اضاحی]

اضداد (فلـ.)	۱۰۵	contraries
اضداد متقابله	۱۰۵	opposite contraries
اضطرار (قرآنی)	۸۰، ۴۲	constraint
	۸۰، ۷۹	coercion
	۸۰	compulsion
اضطرار (حقـ.)	۶۱	exigency
اضطراری	۸۰ ـ ۴	constrained
أضغاث احلام (قرآنی)	۹۹	confused dreams
	۱۲۴، ۸۷	jumbled dreams
اِضلال (قرآنی)	۱	misguidance
	۱۰۰، ۸۸	leading astray
	۱۰۳	mislead
اضمار (منط.)	۹۸	implicit statement
اضمار (دسـ.)	۸۰	imply
اطاعت (قرآنی)	۸۷، ۴۲، ۶	obedience
	۴۲	submission
اطاعت مفروضه	۶	binding obedience
اطاق	۱۲۹	room
اطاق نشیمن	۱۲۹	living room; dwelling room
اطاق ناهارخوری	۱۲۹	dining room; triclinium
اطّراد ← مُطّرِد		
اطعام (فقـ.) (قرآنی) (نیز ← طعام)	۸۷، ۳۱	feeding; giving victuals
اطلاق (فلـ.)	۴۰	absoluteness
	۱۶	absolutism
اطلاق عینی (منط.)	۹۴	suppositio materialis
اطلاق وضعی (منط.)	۹۴	suppositio formalis

اطلاقات	۴۵	generalities
اطمینان (تصـ.) [= املای قرآنی آن اطمئنان است.]	۵۸	tranquility; (to) feel secure
اطمینان خاطر	۶۲	peace of mind
اطناب (بع.)	۱۲۸	periphrasis; ambage; circumlocution
اطناب حمل (بع.)	۱۲۸	tautology
اطوار جمادی	۳۴	inanimate matter
اطوار وجود	۳۴	modes of being
اَطهار	۱۰۷	the Clean
اظهار (حقـ.)	۷۵	statement
اظهارنامه	۳۱	manifesto
اعادهٔ مالکیّت	۶۱	reconversion
اعادهٔ حیات	۱۰۴	restoration of life
اعاذه (قرآنی)	۳۱	taking under one s (God's) protection
	۸۷	craving the protection of
اعاره (عاریه دادن)	۳۱	iending
اعتاق (نیز ← آزاد کردن بنده؛ عتاق)	۶۱، ۴۲	emancipation (of slave)
	۳۱،۱۲۰	manumission
اعتبار	۱۶	authenticity
اعتبار (فلـ.)	۱۰۲	subjective consideration
	۸۰، ۱۰	consideration
اعتبار (اقـ.)	۷۵	credit
اعتبارنامه (باز.)	۶۳	letter of credit
	۳۱	credential
اعتباری (فلـ.)	۳۴	imaginary
	۱۶	hypostatized
اعتداء (قرآنی)	۱۰۰، ۴۲	aggression
اعتدال	۵ ـ ۸۰	right degree

	۴۲	moderation; temperance
	۵۷ ،۱۱۳	equilibrium
اعتدال (نجـ.)	۳۶	equinox
اعتدال پاییزی	۳۶ ،۳۷	autumnal equinox
اعتدالِ خریفی ← اعتدال پاییزی		
اعتدال ربیعی	۳۷ ،۱۱۵	spring equinox
اعتدال لیل و نهار	۴۲	equinox
اعتذار (قرآنی)	۸۰_۳،۸۷،۱۰۰	Justification with excuse;(to) make excuse
اعتراض	۱۰۵	objection
اعتراف (قرآنی)	۶۱	confession; acknowledge
	۴	confess
اعتزال (نیز معتزلی بودن یا شدن ← معتزله)	۸۰، ۴۲	seclusion
	۴۲	keeping aloof
	۱۰۹	withdrawal
	۱۱	separation
اعتصاب (سیـ.)	۷۵	strike
اعتصاب نادرست (اقـ.)	۷۵	wild cat strike
اعتصام [=تمسک] (قرآنی)	۶ ،۸۷	(to) hold fast; cling
اعتقاد	۱۰۷	faith
	۱۱۱	conviction
اعتکاف (فقـ.)[مشتقات دیگر این کلمه: عکف و عاکف و معکوف در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۰	spiritual retreat
	۴۲	spiritual retirement
	۱۰۰	cleave (to the mosque)
	۳۷	retire from the world (in a holy shrine or mosque)

اعتلا	۱۶	rise
	۷۳	exaltation
اعتلاء نفس	۴۴	self - transcending
	۴۰	impulse
اعتماد		
اعتمار (قرآنی) ← حج عمره		
اعتیاد	۱۲۰، ۳۱	addiction
اعجاز	۱	miracle
اعجاز قرآن	۵ـ ۸۰	the inimitability of Kur'an
اعجمی (قرآنی)	۸۷	Outlandish; foreign (er)
	۱۲۱	non-Arabic; non-Arab; Persian
اعداد متحابّه (رضـ.)	۱۲۵	amicable numbers
اعدام (فلـ.)	۱۲۰، ۴ ـ ۸۰	non - existence; annihilation
اعدام (فقـ. حقـ.)	پ	execution
اِعراب (دستـ.)	۸۰	grammatical inflection; desinential inflexion
	۶۵	declension
اَعراب [۱. کلمه‌ای قرآنی به معنای بادیه نشینان عرب ۲. قوم و نژاد عرب علی‌الاطلاق]	۱۰۰	1. Bedouins
	۱۲۰	2. Arabs
اعرابی (نیز ← بادیه نشین)	۳۱	an Arab of the desert
اعراض (قرآنی)	۲۱	turning one's back on
	۱۰۰، ۸۷	aversion
	۸۷	desertion
	۱۰۳	turn aside
اَعراض [ج. عَرَض] (منط.)	۹۶	phenomena
	۸۰ـ۵،۹۶،۱۰۲،۱۰۴	accidents
اعراض خاصه	۱۰	accident in the peculiar sense of the term
اعراض ذاتیه	۹۷	essential accidents

اعراض عامه	۱۰	accidents in the general sense of the term
اعراض غریبه	۹۷	foreign accidents
اعراض نسبیّه	۱۰۲	relative accidents
اعراف (قرآنی)	۸۰	elevated places
	۲۴	Purgatory
	۱۰۰	Battlements; Ramparts
	۴۲	Place or wall between the Hell and Paradise
اعراف [سوره]	۸۷، ۸۸	The Heights
اعسار (حقـ. (نیز ← عسر)	۱۲۰، ۶۱، ۳۱	indigence; being poor
اعشار	۱۲۰	tenths; decimals; decades
اعقاب (نیز ← سلاله؛ ذریه؛ زاد وولد)	۳۱	descendants
	۲	posterity
اعلال (تجو.)	۱۲۸	vowel contraction
اعلامیّه (حقـ.)	۶۱	manifesto
اعلامیّه وصول	۷۵	recovery advice
اعلان (قرآنی)	۶۱	proclamation; declaration
اعلان جنگ	۶۱	declaration of war
اعلان ورشکستگی	۶۱	declaration of bankruptcy
اعلم (قرآنی)	۸۷	best aware
	۲۷	most learned
اعلی [الأعلیٰ اسم الهی] (قرآنی)	۴۵	The Most High
	۴۲،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Exalted
اعلی علیین	۱۱	higher place
	۱۴	topmost heights of Heaven
	۵۹	highest of the high
اعَم (منط.)	۹۷	more general; extensive

	۵ ـ ۸۰	more universal
اعمال (قرآنی)	۴۳	acts
	۴۵،۱۱۸	works
	۸۰	deeds
اعمال شاقّه (حقـ.)	۶۱	the galleys
اعمال صالح	۴۵	good works
اعنات (عر.)	۱۲۸	perfect rhyme; full rhyme
اعوجاج (معمـ.)	۷۸	contortion
اعوذبالله (قرآنی)	۱۰۰، ۴۲	I take refuge in (with) God
	۸۷	allah forbid
اعیان [مقـ. عرصه]	۶۱	standing property
اعیان [اشراف]	۸۰	notables
اعیان (فلـ.)	۱۰۴	real objects
	۹۳	entities
	۱۱۰	concrete entities
	۱۰۶	substances
	۱۱۵، ۹۶	essences
اعیان ثابته	۱۱۵، ۵۴	immutable essences
	۹۳	fixed entities
	۱۰۲، ۱۱	permanent archetypes
	۳۷	archetypes
اعیان خارجی	۴۴	external objects
اغالبه [= بنوالاغلب: سلسله‌ای از سلاطین عرب شمال آفریقا... ← دایرةالمعارف فارسی]	۹۹	the Aghalabid
اغراض	۵ ـ ۸۰	aims
اغراق	۳۱	exaggeration
اغراق (بع.)	۱۲۸	hyperbole
اغریقی [= یونانی]	۱۲۳	Greek; Grecian

اصطلاح	صفحه	English
اغفال (حقـ.)	۶۱	elusion
اغفال کردن	۶۱	beguile
اغما	۱۲۵، ۱۲۰	fainting; coma
اغماض	۱۲۰	connivance
اغوا	۱۲۰، ۳۱	seduction
اغیاء	۱۰۷	hyperbole
افاضهٔ آسمانی	۱۲	divine gift
افاعیل عروضی	۱۲۸	metrical feet
افاقه (قرآنی)	۱۲۱، ۱۲۰، ۱۰۰	awakening ; recovery
افّاك (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	liar; imposter
	۴۵	great liar
افامیه [= فامیه، شهری قدیمی و ویران شده در غرب سوریه]	۴۲	Apamea
افئده (قرآنی)	۱۱۸، ۸۷	hearts
افتاء (قرآنی) (نیز ← فتوی؛ استفتاء)	۷	giving decree
افتتاح	۱۲۰	opening
افترا (قرآنی)	۸۷، ۹	calumny; invention
	۵۳	fabrication; false allegation
	۱۰۰	forging (against)
	۶۱	belie
افتراق (نیز ← تفریق)	۹۰، ۱۶، ۱۰	separation
	۹۶	contrast
	۱۰	segregation
	۵۶	separability
	۱۰۴	parting
	۱۶	dissociation
افتقار (نیز ← فقر)	۱۱۳	privation
افراد	۴۵	separation

افراط (نیز ← فرط)	۶۱ ،۹۵	excess
	۴۰	hyperbole
افراط و تفریط (نیز ← تفریط)	۳۴	excess and defect
افراط و تفریط کردن	۶۱	go to extremes
افروطاغورس [= پروتاگوراس]	۴۲	Protagores
افسون	۳۸	exorcism
	۲۴	charms
	۱۰۳	spells
افضل	۱۰۱ ،۱۰۹	most meritorious
	۴۷	most excellent
افطار (فقـ.)	۳۱	breaking a fast
افعال	۴۲ ،۱۰۷	actions
	۶۵	verbs
افعال اختیاری	۴۲	voluntary actions
افعال تعجّب (دسـ.)	۶۵	verbs of surprise or wonder
افعال حسّ (دسـ.)	۶۵	verbs of sense
افعال شروع (دسـ.)	۶۵	verbs of beginning
افعال غیراختیاری	۴۲	involuntary actions
افعال مدح و ذمّ (دسـ.)	۶۵	verbs of praise and blame
افعال مقاربه (دسـ.)	۶۵	verbs of appropinquation
افق	۳۵ ،۱۰۳	horizon
الافق الاعلی (قرآنی)	۸۰ ،۸۷،۱۰۰	higher (uppermost) horizon; super heavenly site
	۴۲	loftiest track
الافق المبین (قرآنی)	۷ ،۸۷	clear horizon
اِفك (قرآنی)	۸۷	slander
افلاس (فقـ.)	۳۹	become destitute
افلاطون	۴۳ ،۸۰	Plato
افلاطون الهی	۶۹	Plato the metaphysician

افلاطون گرایی (نیز ← فلسفهٔ آکادمی)	۱۱	Platonism
افلاطون گرایی نو [نوافلاطون گرایی]	۱۱	Neo - Platonism
افلاک (نجـ.) [مفرد این کلمه ـ فَلَك ـ کلمه‌ای قرآنی است.]	۱۰۷، ۱۰۴	spheres
	۱۳	heavens
افلاک مرئی	۱۳	visible heavens
افلاک نجومی	۱۳	astronomical heavens
افلاکی (نجـ.)	۲۱	astronomer
	۱۰۳	celestial
افلوطین گرایی [آیین پلوتینوس]	۱۱	Plotinism
افیغورس [= اپیکور]	۴۰	Epicures
افیون (پز.)	۱۲۰	opium
اقارب (نیز ← اقربا؛ ارحام؛ اولوالارحام)	۳۱	nearest kindred
اقاله (فقـ.)	۸۵	reversal (of a sale)
	۴ ـ ۸۰	mutual consent
	۴۲	dissolution of contract
	۳۱	cancelling a bargain
اقالیم (نیز ← اقلیم)	۵ ـ ۸۰	districts
اقالیم هفتگانه	۹۹	Seven Zones
اقامه (قرآنی)	۱۰۹	perform
	۲۳	establish
	۳۸	cause to stand
اقامهٔ جماعت	۲۳	establishment of a congregation
اقامهٔ نماز	۶	perform the prayer
اقانیم (کلـ.) (نیز ← اقنوم)	۱۰۶	Godhead
	۳۸	essences

اقانیم ثلاثه	۳۸	three essences
اقبال	۲۵	prosperity
اقتباس (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	borrow; seek
اقتباس	۴۰	participation
	۱۲۰	adaptation
	۲۶	quotation
اقتباس [استشهاد] (بع.)		
اقتدا (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۶۷	imitation, follow
اقتراح	۱۲۱	improvisation; proposition
اقترانی	۹۵	conjunctive
اقتسام (فلـ.)	۱۰۲	division
اقتسام فکّی (فلـ.)	۱۰۲	real (not imaginary) division
اقتسام وهمی	۱۰۲	imaginary division
اقتصاد	۷۵	economy
	۴۲	moderation
اقتصاد (به معنای میانه روی) نیز ← مقتصد		
اقتضاء	۱۰۲	requirement; requiring
اقتضاء ذاتی	۱۰۲	essential requirement
اقتضاء غیری	۱۰۲	requirement coming from something else
اقراباذین ← قرابادین		
اقرار (حقـ. فقـ.)	۸۶، ۳۸.۴۵.۸۵	confession
	۸۵، ۸۰، ۳۸	acknowledgement
	۸۰	affirmation
	۴۰.۸۶	admission
اقرار بالنسَب	۳ ـ ۸۰	recognition of relationship
اقرار بالنکاح	۳ ـ ۸۰	recognition of marriage
اقرار کردن	۶	acknowledge
اقرار نامه	۶۱	abond
اقربا (نیز ← اقارب)	۳۷	kindred

آقِریطِشْ (جغـ.) [= کِرِت ← دایرة‌المعارف فارسی]	۹۹	Crete
اقسام اعتباریه	۴ ـ ۸۰	distinctions made by reason
اِقطاع (اقـ.)	۳ ـ ۵، ۵ ـ ۸۲	fief
اقلیّت	۸	minority
اقلیّت دینی	۸	religious minority
اقلیدس	۴۲	Euclid
اقلیم (جغـ.)	۸۰، ۱۹	clime
	۱۲۹، ۱۲۵، ۵۹	climate
	۲ ـ ۸۰	region
	۹۹	zone
	۴ ـ ۸۰	province
اقناع	۱۲۱، ۱۲۰	satisfaction
اقنوم (کلـ.) (نیز ← اقانیم)	۱۰۶، ۱۰	person
	۹۵، ۴۲	hypostasis
	۴۲	essence
اقونیطون [گیاهی مخدر و مسکن که قسمی از آن را تاج الملوك گویند.]	۴۲	Aconite
اقیانوس (جغـ.)	۱۲۹	ocean
اکبر	۹۷	major
اکتساب (قرآنی)	۸۷، ۴۵	(to) earn; acquiring
	۱۰۳،۹۵،۹۱،۶۱	acquisition
اکتسابی	۱۰۶	aquired
اکتشاف	۱۲۰	discovery; exploration
اکثریت	۶۱	majority
اکثریت تام	۶۱	full majority
اکرام (اخـ.) (قرآنی)	۱۰۳، ۱۰۰، ۸۷	(to)honour;munificence
	۸۰	generosity

اکرام حقّ	۱۰۳	grace
	۱۰۳	grace of God
اکراه (اخـ. فقـ.) (قرآنی)	۱۰۰، ۹۰، ۸۷، ۴۲	compulsion
	۱۰۱، ۸۵، ۳۷	duress
	۱۲۱	coercion
اکراه بحق	۱۰۱	fawful duress
اکراه تام	۱۰۱	grave duress
اکراه غیرمشروع	۱۰۱	unlawful duress
اکراه ناقص	۱۰۱	slight duress
اکراهیه [از انواع تقیّه]	۲۷	enforced
اکرم (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	The Most Generous
اکسیر (نیز ← کیمیا)	۴	elixir
	۱۲۰، ۳۱	alchemy
	۱۱۱	spheres
اکل میته	۴۲	eating carrion
اکمل	۴۲	most perfect or complete
اکمه (قرآنی)	۱۲۱، ۸۷	blind; born blind
اکوان (فلـ.)	۴۲	generated bodies
	۱۰	modes of being
التباس [مشتقاتی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۱، ۳۱	confusion; ambiguity; obscurity
التزام	۹۵	commitment
	۹۷	nexus
التزام دادن	۶۱	be bound over
التزام گرفتن	۶۱	bind over
التفات (بع.)	۲۶	turning from one person to another
	۱۲۸	apostrophe; a versio
التفات کردن	۲۵	take notice of
التقاط	۹۵	eclecticism

التقاطی	۱۱	eclectic
التقاطیگری	۲۷	eclecticism
الحاد (کلـ.)	۴۵، ۲۱	heresy
	۹۵، ۱۱	atheism
الحاق (قرآنی)	۱۲۰، ۶۱، ۷	joining; annexation
	۱۲۹	merging
الحمدُلله ← ردیف الفبائی ح م د		
الردّ عَلی الامتناع (منط.)	۱۲۸	reductio ad impossible
الزام	۹۵	obligation
	۹۷	refute
اَلَست (تصـ.) [اصل این اصطلاح از آیهٔ ۱۷۲ سورهٔ اعراف از عبارت الست بربکم؟ - آیا من پروردگار شما نیستم؟ - گرفته شده است.]	۱۰۳	world of pre-existence
الغاء	۱۵	annulment
	۹	abolition
	۶۱	abrogation
الغاز [نیز ← لُغز]	۳ ـ ۸۰	puzzles
الفاظ (کلـ.)	۱۰	mere verbal utterances
	۱۲۰، ۳۱	words
الفبا	۱۲۰	alphabet
الفیّه و شلفیّه	۱۲۰	pornography
القاء (قرآنی)	۱۰۸، ۸۷، ۴۲	injecting; (to) cast dowm
	۳ ـ ۸۰	inspiration
	۴۲	infusing
القول بالموجب ← اسلوب الحکیم (بع.)		
الکل [اصل این کلمه، کلمه الکُحل عربی است.]	۱۲۵، ۱۲۰	alcohol

الله (قرآنی)	God ;Allah	۸۰، ۸۷، ۱۰۰
الله‌اعلم	God knoweth best	۱۰۳
الله‌اکبر	God is most great	۸۰
	God is the greatest	۴۲
الله تعالی	God most high	۱۰۳
آلَم (نیز ← الیم)	pain	۹۵، ۱۰۴
آلَم السرمدی	eternal pain	۱۰۴
آلَم المنقضی	transient pain	۱۰۴
المثنی (← ردیف الفبائی مـثـنـ)		
الواح موسیٰ(ع)	Tablets of Musâ.	۶
الوار (معمـ.)	lumber; timber	۷۸، ۱۲۹
	plank; carcassing timber	۱۲۹
الوهیّت [= الوهة] (نیز ← الهیت)	divinity	۱۴، ۸۰، ۹۶، ۹۹
	God ship; Godhead; deity	۱۱، ۳۱
	God [= god]	۸۷، ۱۰۳
اله (اسم الهی) (قرآنی)	deity	۳۴، ۸۰
اله الناس (اسم الهی) (قرآنی)	The God of Men (mankind)	۸۷، ۱۰۰
الهام (قرآنی)	inspiration	۱۱، ۴۵، ۸۷، ۹۵، ۹۹، ۱۰۳، ۱۲۸
	afflatus	۱۲۸
	divine revelation	۸۰
	minor inspiration	۴۵
	instinctive desire	۹۹
اللهم (قرآنی)	O God!; O Allah!	۸۷، ۱۲۱
الهی [= الوهی]	Divine, divine	۴۰
الهیّات	theology	۳۱، ۸۰، ۹۳
	metaphysics	۳۱، ۴۲، ۹۲، ۱۰۷
	rational theology	۸۰
الهیّات ارسطو	Aristotle's metaphysics	۴۲
الهیّت (نیز ← الوهیت)	godhood	۱۰

	۲۱	godhead
	۸۰ _ ۵	holiness
الیاس (قرآنی)	۷،۴۵،۸۷،۱۰۰	Elias
	۴۲ ،۱۱۳	Elijah
	۳۸	Elija
الیسع (قرآنی)	۱۱۳	Elisha
الی غیرالنهایه	۱۰۵	infinite regress; infinite series
	۳۱	endlessly
امارت	۹۹	commandership; leadership
	۱۲	governorship
	۲	governance
ام (قرآنی)	۳۱ ،۵۵ ،۸۷	mother; source; origin
امالخبائث [غالباً کنایه از شراب است.]	۵۵	Mother of all Woes
امالقرآن	۱۱۳	Mother of the Qur`an
	۱	The Source of the Book
امالقری [مکّه] (قرآنی)	۴۵ ،۱۰۰	Mother of Cities
	۸۷ ،۹۹	Mother of Villages
امالکتاب (قرآنی)	۲۴،۸۰،۹۹،۱۱۳	Mother of the Book
	۶ ،۱۰۰	Essence of the Book
	۸۷	The Source of Ordinance
امالمؤمنین [لقب همسران پیامبر(ص)]	۱۲	Mother of the Faithful
امولد (فقـ.)	۴۲ ،۸۵	a female slave who has born a child to her master (owner)
اماته (قرآنی)		bringing to death
امّاره ← نفس امّاره		
اماله (تجو.)	۱۲۸	umlaut
امام (قرآنی)	۴۵ ،۱۰۹	imam

	۱۶،۸۵،۸۷،۱۱۲	leader
	۸۵	caliph
	۱۱۲	leader of a religious community; model; example to be followed
	۶	guide
امام اعظم	۴ ـ ۸۲	Grand Imam
امام جماعت	۴	prayer leader
امام صامت	۴۵	Silent Imam
امام عادل	۱۰۹	Just Imam
امام فاجر	۱۰۹	Sinful Imam
امام مبین (قرآنی)	۴۲ ،۸۷	clear register; clear model
امام ناطق	۴۵	prophetic Imam
امامت	۴۲،۸۰،۹۹،۱۰۹	Imamate
	۴۲	leadership
	۲۷	custodianship
امامت المفضول	۹۱	imamate of the inferior
امامزاده	۱۲۰	The offspring of an Imam; a shrine, where a descendent of an Imam is buried
امامیّه	۴۲	Shi`as; Twelvers
امان	۴۵ ،۸۰ ـ ۵	security
	۴۲ ،۸۰ ،۱۱۹	protection
	۸۰	safety
	۴۲	asylum; giving shelter
امانت (قرآنی)	۴۲،۸۰،۸۵،۸۷،۱۰۰	trust
	۴۲،۸۵	deposite
	۲	trustworthiness
	۱۰۳	faithfulness
امانت ربانی	۶۹	Divine deposit

آمانی	۶۱	deposited
امپدوکلس ← انباذقلس		
امپراطوری	۱۲۰	empire
امپراطوری عثمانی	پ	Ottoman Empire
امّت (قرآنی)	۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۳،۱۰۹،۱۱۲،۱۱۳	community
	۳۱،۸۷،۱۰۷،۱۱۲	nation
	۳۱،۴۵	people
	۳۱	sect; religious community; coreligionists
	۴۲ ،۵۱	community of believers
	۸۰ ـ ۳	Muslim community
	۳	followers
امّت احمد [= مسلمانان]	۱۰۳	The People of Ahmad
امتحان (قرآنی)	۲۱ ،۸۷ ،۱۲۱	examination; test; probation
امتحان الهی	۳۱	Divine visitation
امتزاج	۱۰۴	mingling; combination
	۲۱	incorporation
امتناع (فلـ. کلـ. منط.)	۱۳ ،۱۰۲	impossibility
	۱۱	negative necessity
امتناع اجتماع نقیضین(منط.)	پ	law of non - contradiction
امتناع ارتفاع نقیضین (منط.)	پ	law of excluded middle
امتناع بالذات	۱۰۲	impossibility by itself
امتناع مطلق	۱۱	absolute impossibility
امتیاز تنباکو (تخ.)	۷۳	Tobacco Concession
امتیاز عبور (اقـ.)	۷۵	transit privilege
امتیازنامه (حقـ.)	۶۱	concession deed
امثال (قرآنی)	۸۰ ـ ۴ ،۸۷	similitudes;precedent
	۱۰۷	allegories
	۳۱	proverbs
امر (قرآنی)	۸۰ ،۸۷	commandment

	۱۰۸، ۱۱۸	command
	۵۹	Divine commandment
	۸۰	Divine order
امر الهی	۴	Divine decree
امر به معروف (قرآنی) [= الامربالمعروف]	۲۷ ،۸۰	enjoin the good
	۱۶ ،۸۷	enjoin right conduct
	۳ ،۶	bid for good / bid to good
	۱۰۰	bid to honour
	۲	command for good
امر تکلیف (کلـ.)	۱۰	obligatory command
امر تکوین (کلـ.)	۱۰	creative command
امر عدمی		negative entity
امر مشروط	۱۱	conditional imperative; hypothetical imperative
امساك (اخـ.)	۲۱ ،۴۵	abstinence
	۱۰۳	niggadliness
	۷۵	thriftiness
امساك به معروف (قرآنی)	۱۵ ،۸۷	(to) retain in honour ;honourable retention
امشاج (قرآنی)	۸۰_۴،۸۷،۱۰۰	mingling; thickend fluid;ingredients
امضاء [نوشتن نام به طرز مخصوص که معروف است.]	۱۲۰	signature
امضاء [به معنای تأیید و تقریر، نه علامت پای نامه‌ها و اسناد]	۸۵	ratification
امکان (فلـ. منط.)	۱۱،۹۷،۱۰۲،۱۰۵	possibility
	۱۰۸	contingency
	۶۹	potentiality

امکان اخصّ (فلـ.)	۱۰۲	more special possibility
امکان استعدادی (فلـ.)	۱۰۲	possibility through preparedness
امکان استقبالی (فلـ.)	۱۰۲	future possibility
امکان بالذات (فلـ.)	۱۰۲	possibility by itself
امکان بالغیر (فلـ.)	۱۰۲	possibility by something else
امکان زمانی	۱۰۴	temporal possibility
امکان صرف	۱۰۵	pure possibility
	۱۰۴	bare possibility
امکان مادّی	۱۱	material potentiality
امکان مجرّد	۱۱	abstract possibility
امکان مطلق	۱۱	absolute possibility
امکان مکانی	۱۰۴	spatial possibility
امکان وقوعی	۱۰۲	occuring possibility
امکان و واقع	۱۱	possibility and reality
أمَل (قرآنی)	۱۸	desire
	۸۷، ۷	hope
املاء [۱. بر دیگران خواندن ونویساندن ۲. شیوهٔ کتابت، تقریباً برابر با رسم‌الخط]	۱۲۱ ۸۰	1. dictation; transmission 2. orthogrophy
اِملاق (قرآنی)	۸۷	penury
املاک خاصّه (تخ.)	۸۰ ـ ۵	private estates
املاک خالصه [دولتی] (تخ.)	۸۰ ـ ۴	crown lands
	۷۵	public domain
املاک دولتی ← املاک خالصه		
امن (قرآنی)	۱۱۸، ۹۰	security
	۱۱۳، ۸۷	safety
امناء	۸۲ ـ ۵	trustees
	۳۱	faithful ones
	۳۱	superintendents

Persian	English	Pages
امنیّت	security	۴
اموات (قرآنی)	the deceased	۹
اموال غیرمنقول (حقـ.)	landed properties; real properties; immovables	
اموال منقول (حقـ.)	personal effects; res mobiles	۷۵
	movable properties; movables	۱۲۰،۱۲۱
امور طبیعیّه	physical things	۱۰۴
امور عامه (کلـ. فلـ.)	general principles	۸۰ ـ ۲
	ontology	پ
امویان [= بنی امیه]	Umayids	۴
	Umayyads	۹۹
أمه	a female slave	۴۵
اُمّه ← امّت		
امهات ← ام		
امهال (قرآنی)	(giving a) respite	۸۷ ،۱۰۰
امّی (قرآنی)	of the common folk; illiterate	۲۱ ،۹۸ ،۱۰۰
	who can neither read nor write; unlettered	۴۲ ،۸۷ ،۱۱۳
	unschooled	۴۲
امیر	commander	۴۸ ،۸۰
	military commander	۴۷
	commander-in-chief	۴۲ ،۸۰
امیرالامرا	senior amirate	۸۲ ـ ۴
	Chief Emir	۸۰
امیرالبحر	admiral	۱۲۰
امیرالمؤمنین	Commander of the Faithful	۴۲،۴۵،۹۹،۱۰۳،۱۰۹
	Commander of the Believers	۴،۸۰،۱۱۰
	The Leader of the Believers	۶
	Commander of the Truly Faithful	۵۶

امیرالنّاس	۹۹	Commander of all people
امین (قرآنی)	۸۴، ۸۰، ۴۲	trust worthy
	۱۰۳	trusty
	۸۷، ۴۲	trustee; trusted
	۶۱	depositary
امین صلح	۶۱	justice of the peace
سهم امین	۷۵	trustee stock
امّیون [برابر با امیین]	۱۱۲	The Common folk
امّیین (قرآنی)	۸۷	the Gentiles
انائیت (تصـ.)	۹۳	selfhood
انابت [انابه] (قرآنی)	۸۷، ۲۳	repentance
	۵۸	conversion
انابه ← انابت		
اناس (قرآنی)	۸۷	folk
انالوطیقا [تحلیلات] (منط.)	۴۲	Analitiques
انانیت (تصـ. اخـ.)	۸۰، ۱۱	I-ness
	۹۵	egoism
	۳۱	egotism; self worship
	۴۴	self assertion
انباذقلس [امپدوکلس]	۴۲، ۱۳	Empedocles
انبیاء (← نبی)		
انبیاء (الانبیاء. سوره)	۸۷	The Prophets
انبیق [لفظ آلامبیك اروپائی، از همین کلمه است. اصل انبیق، کلمهٔ یونانی آمبیکس است.]	۳۱	alembic
	۱۲۹	retort
انتاج	۹۸	productivity
انتباه (تصـ.)	۹۵	attention
	۱۸	wakening of the spirit

انتحاء [گرایش]	۹۵	tropism
انتحار کردن (فقـ.)	۶۱	commit suicide
انتحال (نیز ← سرقت ادبی)	۱۲۱ ،۱۲۳	plagiarism; literary theft
	۱۲۸	copying
انتخابات (حقـ.)	۶۱	election
حوزهٔ انتخابات	۶۱	electorate
انتخاب کننده (حقـ.)	۶۱	elector
انتزاع (فلـ.)	۱۰۲	extraction; abstraction
انتظار (قرآنی)	۸۷ ،۱۲۰	expectation; (to) await
انتظام	۵۷	self-discipline
	۴۶	orderliness
انتقاد	۱۱	criticism
انتقال	۱۱	transition
انتقال نفس [تناسخ]	۱۱	metemsychosis
انجاس	۹۰	defilements
انجزام (کلـ.)	۱۰	decision
انجیل (قرآنی)	۱۱۲	Evangel
	۴۲،۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۰،۱۰۳	Gospel
انجیل لوقا	۴۳	Luke
انجیل متی	۴۳	Mathew
انجیل مرقس	۴۳	Mark
انجیل یوحنا	۴۳	John
اندراج (فلـ.)	۱۰۲	subsumption
اندرزنامه	۴۷	Book of Advice
اندرونی (معمـ.)	۷۸	seraglio
	۱۲۹	indoor; thalamus
اندلس	۱۹ ،۱۲۵	Andalusia
انزال (فقـ.)	۴۲	ejaculation (sperm)
انزال کتاب (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	(to) send dowm the Book; (to)

reveal the Scripture

انزجار	۴	aversion
انزوا (تصـ.)	۴	retreat
اُنس (اخـ. تصـ.)	۲۸،۸۹،۹۰،۱۱۸	intimacy
	۵۸ ،۱۱۹	familiarity
	۴۵	fellowship of God
	۴ ـ ۸۰	intimate ease
اِنس (قرآنی)	۱۰۳، ۱۰۰	mankind
	۸۷	humankind
	۴۲	human being
انساب (قرآنی) (نیز ← علم انساب)	۱۰۰، ۸۷	kinship
انسان (قرآنی)	۸۷ ،۸۸،۹۵،۹۶،۱۰۰	man
انسان صغیر	۳۷	Micro Anthropo
انسان طبیعی	۵۶	Man of Soul
انسان عقلی	۵۶	Man of Intellect
انسان کبیر	۳۷	Macro Anthropo
	۹۶	Great Man
	۸۰	meg anthropo
انسان مطلق	۱۰۴	Man-in-general
انسان‌فرهیخته ← انسان آراسته		
انسان کامل	۵۸	Universal or Perfect Man
	۸۰	The most Perfect human being
انسان نخستین	۱۱	primal man
انسان نفسانی	۵۶	a man of soul
انسانیّت	۱۱	humanity
	۱۶	humanhood
	۴۰	humanness
انسداد	۱۶	closure

product; command; creation	۸۰ ـ ۴،۸۷،۱۰۰	انشاء (فلـ.) (قرآنی)
construction	۹۵	
interjection	۹۷	
composition	۱۲۰	انشاء (ادب)
if God Will(s)	۲۱،۸۰،۹۹،۱۱۲	ان شاءالله
if it pleases God	۸۰ ـ ۳	
if Allah Will(s)	۸۷	
God - Willing	۴۲	
if it be the will of Allah	۴۵	
The Expansion	۷	انشراح [سوره]
The Expanding	۸۸	
connection, diverging; service branch; signing intersection	۱۲۹	انشعاب (معمـ.)
The Sundering	۸۷	انشقاق [سوره]
The Rending	۸۸ ،۱۰۰	
The Bursting Asunder		
idols; sculptures	۳۸ ،۸۷	انصاب (قرآنی)
The Helpers	۶،۴۵،۸۰،۸۴،۱۰۶	انصار [مقـ. مهاجرین] (قرآنی)
Ansar	۴ ،۸۷	
The Helpers of the Prophet	۴۵	انصار النبی
equity	۸۰ ـ ۳ ،۹۵	انصاف (اخـ.)
fairness	۹۹	
impartial judgement	۸۰ ـ ۳	
justice	۲۱	
Cattle	۸۷ ،۸۸ ،۱۰۰	أنعام [سوره]
to bestow financial award	۸۰ ـ ۳ ،۸۷	اِنعام (قرآنی)
grants; present	۱۱۴	
bounty	۱۰۳	
bestow	۶۴	انعام کردن

اصطلاح	صفحه	English
انعدام (نیز ← اعدام؛ امحاء)	۱۰۴	annihilation
انعکاس	۱۲۵	reflection
انفاق (قرآنی)	۸۷، ۴۲	spend; expending
	۱۰۳	prodigality
	۳۱	disbursing
	۲۷	payment of the alms - tax
اَنفال [سوره]	۸۷، ۷	The Spoils of War
انفال [غنایم جنگی] (قرآنی)	۱۱۲، ۱۰۰، ۸۸، ۸۷، ۴۲	spoils
انفصال (حقـ.)	۶۱	disunion
انفصال (ادا.)	۷۷	separation
انفطار [سوره]	۸۷	The Cleaving
	۷	The Cleaving Asunder
	۱۰۰، ۸۸	The Splitting
انفعال	۱۰۷، ۱۰۲، ۵۶	affection
	۱۰۵، ۱۱	passivity
	۱۱	passion
انفعالیّه	۱۰۷	passive
انفکاک	۱۲۰، ۱۰۸	separation
انقباض (تصـ.)	۴۲	contraction
انقسام	۵۶	divisibility
انقلاب (نیز ← الثورة)	۹۵	revolution
انقلاب (فلـ.)	۱۰۲، ۵۶	transformation
انقلاب اسلامی ایران (تخ.)	پ	Islamic Revolution of Iran
انقلاب مشروطیّت (تخ.)	۲۷	Constitutional Revolution
انقلابی (سیـ.)	۱۶	revolutionary
انقلابین (جغـ.)	۱۲۵و ۷۴	Solstices
انکار (حقـ. فقـ.)	۱۱۹، ۱۰۳، ۳۹	denial
	۱۰۳	disbelief
	۶۱	negation

Persian	Page	English
انکار کردن	۲۹	negate
	۶۱	abnegate
انکار وجود ماسوی الله ← لاکونیّت		
انکساغورس [= اناکساگوراس]	۴۲	Anaxagoras
انکلایه (جغـ.)	۹۹	Aquileia
انوار	۱۱۹	lights
	۱۰۳	rays
انوار اسفهبدیه (فلـ.)	۱۰۲	The Lordly Lights; the Lights of Divine Commandment
انوار حقّ	۱۰۳	Rays of God
انوار قاهره	۹۳	dominant lights
	۱۰۲	victorious lights
انوار مدّبره	۱۳	regent lights
	۹۳	ministering lights
انوار وحی	۵۶	lights of revelation
انواع	۶۹،۹۹،۱۰۴،۱۰۵	species
انولوطیقای قدیمه (منط.)	۹۸	Prior Analytics
انیّت	۸۰ _ ۳	egoity
	۹۵	This - ness
	۱۰۵	existence
انیسون (گیا. پز.)	۱۲۰ ،۱۲۵	pimpinella anisum; anise
اوائل الصناعات	۸۰ _ ۴	the elements of the sciences
اوتاد (تصـ.)	۸۰	Stakes
	۴۲	prop; pillar; four great saints
اوج (نجـ.)	۴۰ ،۹۹ ،۱۰۴	apogee
	۴۰ ،۱۰۳	zenith
	۴ ،۱۲۹	peak
	۱۲۹	apex

اورشلیم ← بیت‌المقدس [= قدس]		
اوزان عروضی (نیز ← علم عروض)	۳۷	meters
اوسط (منط.)	۹۷	middle term
اوصاف	۵ ـ ۸۰	properties
	۱۰۸، ۲۱	qualities
اوصاف متضاده	۱۰۸	contrary qualities
اوصاف مذموم	۲۱	blameworthy qualities
اوقاف (فقـ.)	۴ ـ ۸۲	religious endowments
اوّل [الاوّل اول. اسم الهی] (قرآنی)	۸۷، ۸۰، ۴۵، ۱۱	The First
اول الوجود	۵۶	primary being
	۹۲	the first existence
اولواالابصار (قرآنی)	۴۲	those having foresight
	۱۰۰	men possesed of eyes
اولواالارحام (قرآنی)	۸۷	those who are akin
	۱۰۰	those related by blood
اولواالالباب [اولی الالباب] (قرآنی)	۱۰۰	men possessed of minds
	۸۷، ۴۲	men of understanding
	۲۵	the great personages
اولواالامر (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۶	those in authority
	۹۹	the people in authority
	۴ ـ ۸۰	political and religious chiefs; legitimate custodians of authority
	۴۷	those possessed of authority
	۲۷	Holders of Authority
اولواالعزم (قرآنی)	۴۲، ۱۲	Possessors of determination

	Arch - prophets	۴۲
	Steadfast Seers	۵۲
	possessors of constancy	۳۸ ،۱۰۰
اوّلون	primitive theologians	۱۰۶
اولویّت	precedence	۶
	preponderance	۱۰۲
	superiority	
اولیاء (قرآنی)	saints; friends	۴۲،۸۰،۸۷،۹۹،۱۰۴،۱۱۰،۱۱۸
	favourites of God	۳۸ ،۴۲
	patrons	۹۰
اولیاءالله (قرآنی)	God's saints; friends of Allah	۸۷ ،۹۹
اولیاء شیطان (قرآنی)	minions of the devil	۸۷
اولیّات (منط.)	Axioms	۹۷
	First principles	۴۲ ،۹۵ ،۹۷
	primary premises	۴۲
اولی الابصار اولواالابصار	men possessed of eyes	۱۰۰،۴۲
اولی الالباب ← اولواالالباب		
اولی الامر ← اولواالامر		
اوّلیة	primity	۱۱۸
اوهام	fancies	۱۰۶
اهانت (قرآنی)	disdain; scorn, despise	۸۷ ،۹۰ ،۱۰۰
اهتداء (قرآنی)	being directed right; being guided	۳۱ ،۸۷ ،۱۰۰
اهجاس (تصـ.)	wicked thoughts	۹۰
اهرام (جغـ.)	Pyramids	۱۲۵
اهرمن [اهریمن]	Devil	۱۰۳
اهل	people; family	۱۱۲
اهل الآخره	people of Hereafter	۱۰۸
اهل الآراء	individual reasoning	۱۰۹

اهل الله	۳۱	people of God
اهل اهواء	۳۱	heretics
اهل البدع	۱۰۴	innovators
اهل البصر	۹۹	people of insight
اهل البيت (قرآنی)		People of house; The Prophet's House; Muhammad's descendants
	۸۲، ۴۲	The Prophet's Family
	۸۷	Folk of Household
اهل التقوی (قرآنی) [در قرآن مجید این اصطلاح، نه به عنوان صفتی برای مؤمنان، بلکه برای خداوند به کار رفته است.]	۱۰۷، ۱۰۰، ۸۷	worthy to be feared; sinfearing men; fount of fear
	۴۲	the virtuous
اهل الحدیث	۸۰، ۴۲	partisans of traditions
	۴۵	people of tradition
	۸۶، ۸۰	traditionists
اهل الحقّ [از فرقه‌های اسلامی که علی‌اللهی‌ها شعبه‌ای از آنها هستند.]	۸۰، ۴۵، ۴۲	Men of God
	۴۲	Followers of Truth
	۱۰۵	Men of Truth
	۱۰۸، ۱۰	People of Truth
اهل الحل و العقد	۴۲	prominent members of community
	۸۰	people who are qualified to unbind and to bind
	۲۷	people who loose and bind
اهل الذّکر (قرآنی)	۱۰۰، ۶	people of remembrance
	۸۰	possessors of edification

اهل الذمّه [معاهدون]	۵ ـ ۸۰	protected people
	۴۵	people of the convenant or obligation; protégés in accordance with an agreement
	۱۹	the tributary
اهل الرأی	۸۶	party of reasoning
	۹۹	representatives of opinion (reasoning)
اهل السیر	۱۰۹	historians
اهل العدل والتوحید [نامی که معتزله برخود نهادند]	۱۱۳	people of justice and divine oneness
اهل القبله	۱۰۹	Muslims
	۱۶	Ka'bites
اهل الکتاب (قرآنی)	۴۱،۴۲،۴۳،۴۵،۱۰۰،۱۱۲	People of The Book
	۴۲،۴۵ ،۸۷	People of The Scripture
	۲۹	Followers of The Book
	۳۹	Scriptual men
	۸۰	Possessors of The Scripture
اهل الکشف	۵۶	people of spiritual intuition
اهل الکهف (نیز ← اصحاب کهف)	۹۹	The Seven Sleepers
اهل المغفرة (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	worthy to forgive; fount of Mercy
اهل النّار (نیز ← اصحاب نار)	۴۲ ،۸۷	people of the Hell; dweller in the Fire
	۱۰۳	people of (destined for) the Fire
اهل النظر	۴۲	men of insight; experts
	۳۱	the sagacious
	۸۰	those who apply reasoning; those who have professed dialectic

اهل الهواء	۴۲	Libertines
اهل الیقین	۵۶	people of certainty
اهل انجیل	۱۰۰	people of the Gospel
اهل بهشت (نیز ← اصحاب جنت)	۴۲	the blessed
	۱۰۳	the people of Paradise
	۱۰۰	the inhabitants of Paradise
اهل تجلّی	۹۹	people of revelation
اهل تسویه	۸۲	people of equality
اهل توحید	۲۴	monotheists
اهل توحید و عدل	۸۰	the people of unity and justice
اهل جنّت ← اهلِ بهشت		
اهل حرم	۸۴	people of the sanctuary
اهل دل	۳۴،۱۰۳	men of heart
اهل دوزخ (نیز ← اصحاب نار؛ اهل النار)	۱۴	the denizens of Hell
اهل دین	۱۰۳	followers of (Mohammedan) religion
اهل ذوق	۳۱	voluptuary
اهل ریاضت	۱۲	people following ascetic practices
اهل سُکر	۹۶	God - intoxicated men
اهل سنّت	۴	The Sunnis
	۴۲	Sunnites
اهل سنّت و جماعت	۸۰	men of tradition and community
اهل شرک	۲۴	polytheists
اهل شکّ	۲۴	sceptics
اهل شیعه		Shiites
اهل صفّه	۲۱	People of the Veranda
اهل ظاهر	۱۴	followers of formal religion

	۴۲	exoterist
اهل علم	۳۱	learned; learned person
اهل قبور	۳۱	the dead
اهل کسا (نیز ← اصحاب کسا)	۸۰	The People of the Cloak
اهل معرفت	۶۹	the learned
	۳۱	possessed of the knowledge of God
اهل معنی	۱۰۳	followers of reality
اهلّه (قرآنی)	۱۰۰	the new moons
اهلّه قمر (نجـ.)	۷۴	phases of the moon
اهمال (اخـ.)	۵۷	carelessness
اهمال (منط.)	۹۸	indefiniteness
اهواء	۱۰۶	desires
ایارجات (پز.) [انواع ملیّن و مسهل]	۵ ـ ۸۰	hallowed substances
ایالت	۸۰	province
ایام نیز ← یوم		
ایام‌الله (قرآنی)	۱۰۰ ،۱۰۲	The Days of God; Divine Days
	۸۷	The Days of Allah
ایام البیض	۴۲	the days of bright nights
	۲۱	the white days
ایام‌التشریق	۱۲۱ ،۱۲۲	tree days following the Day of Immolation - sacrifice - (10 th of zu'lhijja) during the hadj
ایام المحظوره	۱۰۷	certain days
ایام النّحر	۴۲	the season of sacrifice during the pilgrimage
ایبری (شبه جزیره) ← اندلس		
ایثار (اخـ.) (قرآنی)	۳۷ ،۵۷ ،۸۰ ،۹۵	altruism

	۱۶	self sacrifice
	۲۱ ،۸۷	preference
ایجاب (منط.)	۲۸،۳۱،۵۶،۶۱،۹۵،۹۸،۱۰۲	affirmation
	۱۰۲ ،۱۰۸	necessitation
ایجاب (فقـ.)	۸۰ ،۸۵	offer
	۸۰	making definite; binding; due
ایجابی	۳۷	positive
	۵۳	somethingmandatory; compulsory
ایجاد	۲۹	originating
	۱۰۳	bringing into existence
	۷۵ ،۱۰۳ ،۱۰۵	Creation
ایجاد الباری	۱۰۵	God's act of creation
ایجاز (ادب.)	۲۳	conciseness
	۳۱	abridgement; epitome
	۸۰	concision
	۱۲۸	brevity; brevitas
ایجاز مُخل [= اخلال؛ اختصار مخِل]	۱۲۸	brachiology
ایحاء (نیز ← وحی)	۹۵	suggestion
ایذاء (حقـ.) (قرآنی)	۶۱ ،۸۷	persecution;vexation;molestation
ایراد ضرب و جرح (حقـ.)	۶۱	battery
ایزد (نیز ← الله)	۹۲ ،۱۱۱	God
ایزد تعالی	۹۲ ،۱۱۱	God Almighty
ایزدی (نیز ← الهی)	۳۴	Divine
ایصاء (فقـ.)[= وصیت کردن؛ نیز ← وصیت؛ وصی؛ موصی]	۳۱	admonishing; making a will or testament
ایقاع (ادب. مسـ.)[هماهنگ ساختن آوازها]	۶۱	cadence
	۴۰،۹۵،۱۲۸	rhythm

	۱۲۸	measure
ایقاعات (حقـ.فقـ.)	۴۵	onesided dispositions
ایقان (قرآنی)	۳۱	being sure; Knowing for certain
	۱۱	certitude
ایکه (نیز ← اصحاب ایکه)	۱۱۲	Thicket
ایل (تخـ.)	۸۰، ۴۸	nomadic tribe
ایلاء (فقـ.) (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	forswear a woman (one's wife)
	۲۸	oath of sexual abstention
	۸۵	oath of abstinence from intercourse by the husband
	۸۷	forswear
ایمان (قرآنی)	۱۰۳،۹۵،۸۷،۸۰،۶	faith
	۱۱۰، ۲	belief
ایمان داشتن	۶	blieve
اِیمن [تلفظ و املای اصلی قرآنی این کلمه آمن است]	۱۰۳	safe
	۶	secure
ایمنی	۱۰۳	security
ایوان (معمـ.)	۱۲۹، ۶۶، ۳۳	porch
	۱۲۹، ۵۲	portico
	۱۲۹	balcony; access balcony; veranda
	۹۹	vaulted hall
	۴۵	arched hall; niche - like hall
ایوان برونی (معمـ.)	۱۲۹	veranda
ایوان درونی	۱۲۹	loggia
ایوان ستوندار (معمـ.)	۱۲۹، ۷۸	peristyle
	۱۲۹	colonnade
ایوان طلا	۳۳	Golden Porch
ایوان کسری	۱۹	Hall of the Chosroes

Reception Hall of Khosraw	۹۹	
Job	۷،۴۵،۸۷،۱۰۰،۱۰۳،۱۱۲	ایّوب(ع) (قرآنی)
ambiguity	۸۰، ۴۵، ۴۴	ایهام (ادب. هنـ.)
homonomy; amphibological congruity	۲۶	ایهام (بع.) [= توریه؛ تخییل؛ تخیّل؛ توهیم]
amphiboly; paronomasia; pun	۱۲۸	

ب

section	۸۰ _ ۴	باب [فصل]
gate	۱۰۳، ۸۷، ۸۴	باب (قرآنی)
mode	۱۱۵	باب (دسـ.)
verbal mode	۱۱۵	باب فعل
Babylon	۱۰۰، ۱۹	بابِل (قرآنی)
Babylonian	۱۳	بابِلی
swamp	۱۲۹، ۷۴	باتلاق (جغـ.)
marsh; bog; mire	۱۲۹	
dues; tribute; toll	۱۲۰، ۳ _ ۸۰	باج (نیز ← جزیه؛ خراج)
toll charge	۱۲۹	
vela; sail	۱۲۰، ۳۵	بادبان [شراع] (نجـ.)
Creator	۱۱۰	بادی [= کنایه از خداوند]
initiator	۴۰	
Bedouin	۸۵، ۲	بادیه نشین [= عرب بدوی، اعرابی] (نیز ← اعراب)
		باذاخوث ← بطلیوس
The Benefactor	۴۵	بارّ [البارّ](اسم الهی)(غیر قرآنی)

بار عام	۳۱	public audience
بارگاه	۵۲	audience - chamber
با رهبر ایوس ← ابن العبری		
باری [الباری] (اسم الهی) (قرآنی)	۳۱،۴۵،۸۰،۸۷،۱۱۰	The Creator
	۸۰	The Producer
	۱۰۰	The Maker
	۹۳	Demiurgus
بازار	۱۲۰ ،۱۲۹	market; bazaar
بازداری / بازیاری	پ	falconry; hawking
بأساء (قرآنی)	۸۷	tribulation
باسط [الباسط] (اسم الهی و غیرقرآنی)	۴۵	The Spreader
	۸۰	He who expands
باسمه (هنـ.)	۷۸	print; stamp
باسمهٔ چوبی (هنـ.)	۷۸	wood block; wood cut; wood - engraving
باطل (قرآنی)	۲۴،۴۵،۸۰،۸۵	null and void
	۱۶،۸۷،۱۰۹،۱۱۸	falsehood
	۴۰،۴۵،۹۵	false
	۲ ،۴۵	wrong
باطن [الباطن] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۰ ،۸۷	The Inward; The Hidden; The Latent
باطن	۵۴،۸۵،۹۰،۱۰۳،۱۱۸	inward (state or aspect)
	۶ ،۸۰	innermost part
	۳۱ ،۸۰	interrior; esoteric
	۳۱	intrinsic
	۸۰ _ ۴	hidden meaning
باطنی	۴۰ ،۹۵	esoteric
	۴	latent

	۱۱	mystic
باطنیگری	۲۷	esoterism
باطنیّه	۴ ـ ۸۲	Esoterics
		Batínís
باعث [الباعث] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۸۰	The Revivifier
	۴۵	The Sender of the dead from the grave
باغی	۸۵، ۴۷	rebel
باقی [الباقی] (اسم الهی غیرقرآنی)	۸۰	The Eternal; Who permanes
	۴۵	The Enduring
	۲۱	Subsistent
	۱۰۳	Everlasting
باکره (فقـ.)	۴۲	virgin
بالاخانه (معمـ.)	۱۲۹	solar; penthouse; upper floor
بالبدیهه (نیز ← بدیهه گوئی، بدیهه سرائی)	۴	impromptu
بالتشکیک	۱۰۸	analogousness
بالذات	۱۰۵، ۳۱	essentially
بالطبع	۱۶	intrinsically; by nature
بالعَرَض	۱۰۵	accidental
بالغ (نیز ← بلوغ)	۱۰۱، ۴۵	adult
	۸۰	of full age; major
	۴۵	full - grown
بالفعل	۵۶	in actuality
	۳۱	in fact; actually; effectually
بالقوّه	۴ ـ ۸۰	passive intellect
	۵۶	in potency
بالکنایه	۴ ـ ۸۰	metonymically
بالملکه	۹۲	habitual

بام	۱۲۹، ۷۸	roof
بانک	۷۵	bank
بانک رهنی	۷۵	mortgage bank
بانک کارگشایی	۷۵	pawn bank
البانک [البنک] اللاربوی [= بانک غیر ربوی: اصطلاح شهید سیدمحمد باقرصدر]	پ	interest-less bank;interest- free bank
بانی	۲۹	author
بایع (فقـ.)	۳۷، ۳۱	vendor; seller
بئرایّوب	۴۵	the well of Job
بت (کلـ.)	۱۰۹، ۱۰۳، ۲	idol
بت‌پرست (کلـ.)	۱۰۳، ۹	idolater
	۱۲	idol - worshipper
بت‌پرستی (نیز ← عبادت الاوثان)	۳۴	idolatry
بتخانه	۳۱	idol temple
	۵ ـ ۸۲	pagoda
بت‌شکن	۴ ـ ۸۰، ۴۲	iconoclast
	۴	idol - breaker
بتول [نیز لقب حضرت فاطمه و حضرت مریم علیهما السلام است.]	۴۵	Virgin
بچه دزد (حقـ.)	۶۱	kidnapper
بچهٔ سقط شده	۲۰	aborted fetus
بچه‌کشی [گاه کنایه از سقط جنین]	۱۵	infanticide
بحت	۳۱	pure; genuine; unmixed
بحث	۹۷، ۴۰	inquiry
	۳۱، ۲۹	debate
	۳۱	dispute

	۱۲	discussion
	۱	discourse; polemic
بحثیّه	۹۳	the discoursive
بحر (عر.) (نیز ← اوزان عروضی؛ علم عروضی)	۲۸، ۱۲۸	metre (meter)
	۱۲۸	measure
بحر سالم [= وزن سالم]	۱۲۸	complete meter; acatalectic meter
بحر [دریا]	۴۲	sea
بحرالازرق [نیل آبی]	۴۳	Blue Nile River
بحرالابیض [نیل سفید]	۴۳	White Nile River
	۴۲	White Sea
بحرالاحمر	۴۲	The Red Sea
بحرالاخضر	۸۰	Green Sea
بحرالاسود	۴۲	Black Sea
بحرالبنادقه	۹۹	Adriatic Sea
بحرالجبل	۴۳	Bahral - Jebel
بحرالجزائر	۴۲	Archipelago
بحرالروم [= دریای شام]	۴۳	Mediterranean Sea
بحرالسلام	۴۳	Angareb
بحرالظلمات	۸۰	Sea of Darkness
بحرالعرب	۴۳	Bahr al - Arab
بحرالقلزم ← بحرالاحمر		
بحرالمحیط	۳۷	Atlantic Ocean
	۸۰ ،۹۹	Surrounding Sea
	۳۱	Circumambient Ocean
بحرالمیّت [بحرلوط]	۴۳	Dead Sea; Bahret Lut; Lacus Asphaltites
بحرالهند	۸۰	Indian Ocean
بحر خزر	۴۲	Caspian Sea

بحریه	۸۰، ۱۲۰	Navy; marine
بحمدالله	۳۱	God be praised
	۱۲۰	thanks (be) to God
بخت نصر	۴۲، ۸۰، ۹۹	Nebuchadnezzar
بخل (قرآنی)	۳۱،۸۰،۸۷،۱۰۳	avarice
	۳۱	parsimony; stinginess
بخور (پز.)		incens; fumigation
بخیل (اخلـ.)	۱۰۰	niggardly
	۴	miser
بداء (کلـ.)	۴۵	appearance; emergence
	۸۰	change in an earlier divine ruling
بداهت	۹۵	evidence
بدین	۳۱	impious; irriligious; heretic
بدر (نجـ.)	۳۱، ۸۰ ـ ۴	full moon
بدر (جغـ.)	۸۷	Badr
بدعت	۴۲،۴۵،۸۰،۸۶،۹۹،۱۱۳	innovation
	۴۲،۴۵،۱۱۴	novelty
	۴۲،۴۵،۹۳،۱۰۹	heresy
	۸۲	heretical practice
بدعت حسنه	۴۵	good innovation
بدعت خبیثه	۴۵	evil innovation
بدعت گذار	۹۹	innovator
بدله [حلّه]	۸۰ ـ ۴	garments and ensembles
بدن مثالی (فلـ. کلـ.)	۱۱	ideal body
بدو	۸۰	pastoral nomads of Arabian blood, speech, and culture
بدوی	۴۲، ۱۰۹	Bedouin; nomad
بدهکار	۲۰	debter
بدهی (اقـ.)	۷۵	debt

بدیع السماوات والارض (اسم الهی) (قرآنی)	۸۹، ۸۷	The Originator of the heavens and the earth
بدیع (ادب.) (نیز ← علم بدیع)	۳ _ ۸۰	rhetorical ornaments
	۱۲۸	rhetoric
بدیع لفظی ← صنایع لفظی		
بدیع معنوی ← صنایع معنوی		
بدیهه گوئی، بدیهه سرائی	۱۲۰	impovisation
بدیهی	۱۱	self evident
بدیهیّات	۱۰۶	immediate perceptions
	۱۶	postulates
بذاته	۱۰۵، ۱۱	by itself
	۱۰۸	through his essence
بذله (ادب.)	۱۲۰، ۳۱	wit; witticism; joke
بَرّ [البَرّ. اسم الهی] (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	Benign ;All-benign
بِرّ (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۸۰	piety
	۸۰	pious goodness
	۱۱۴	pious contributions
	۲۱	kindness
برائت (قرآنی)	۱۱۲، ۱۰۰، ۴۲	acquittance
	۱۱۳، ۸۷	immunity
	۱۱۳	disassociation
	۳۱	innocence; being free (from faults)
برائت ذمّه	۶۱	acquittal; clearance from obligation
برات تجاری (اقـ.) (نیز ← چك؛ سفته)	۷۵	trade draft
برات حواله‌ای (اقـ.)	۷۵	order bill of exchange

برادر	۳۹	brother
برادر بطنی [برادر مادری یا رحمی یا امی]	۳۹	brother uterine
برادر رضاعی	۱۲۰	foster brother
برادر شقیق [برادر اصلی، از یك پدر و مادر]	۳۹	brother german
برادر صلبی [برادر پدری]	۳۹	brother consanguinean
براعت استهلال (بع.، عر.)	۱۲۸	amblysia; diorthosis
بُراق [مرکبی که پیامبر(ص) سوار بر آن به معراج رفت.]	۱۴	Heavenly horse
برامکه	۱۴، ۲۶، ۹۹	Barmecides
بَربَر	۹۹	Berber
برج	۳۱	tower; station of a planet; sign of zodiac
	۱۲۹	peel; tower
	۴۵	fortress
	۲۵	bastion
	۴۰	zodiac
برج اسد (نجـ.)	۹۹	Leo
برج پرچم (معمـ.)	۷۸	bartizan
برج پلکانی (معمـ.)	۷۸	stair tower; stair turret
برج دیده بان (معمـ.)	۷۸	barbican; light house
برج ساعت (معمـ.)	۱۲۹	tower clock
برجسته کاری (معمـ.)	۷۸	raised work
برجسته کاری (جلـ.)	۱۱۶	repoussé work
برجیس (نجـ.) [= مشتری]	۴۲	Jupiter
بردگی (فقـ.)	۹	enslavement
	۱۶	servitude
بَرده (فقـ.)	پ	slave
	۱۰۳	captive

اصطلاح	صفحه	English
برزخ (قرآنی) (نیز ← عالم برزخ)	۱۳،۸۰،۸۷،۸۹،۱۰۰	barrier; isthmus
	۱۱، ۱۰۸	intermediate world
	۴۲، ۱۰۳	intermediate state
	۴۲، ۹۹	Purgatory
	۴۲	interval; partition
	۳۴	Hades
	۱۰۳	barrier
برزخ (فلـ. اشراق)	۴۵	illuminating
برساوش (نجـ.) [= برشاوش]	۳۶، ۱۲۵	Perseus
بَرَص (نیز ← ابرص)	۷۱	leprosy
برغمه [= پرگاموس / پرگاموم: شهری باستانی در شمال غربی آسیای صغیر]	۱۲۴، ۱۲۵	Pergamos; Pergamum
بُرقع	۱۸، ۴۵	veil
بُرُقُلُس [= پروکلوس]	۱۳	Proclus
برقلیطس	۸۴	Praclete
برکت [جمع این کلمه به صورت برکات در قرآن مجید به کار رفته است.]	۶،۴۵،۵۱،۸۰،۹۹،۱۱۳	blessing
	۵۸، ۱۱۳	divine grace
	۵۱	sanctity
برمکیان ← برامکه		
برمنیدس [= پارمنیدس]	۴۰	Parmenides
برنج آلیاژ	۱۲۹	brass
برنج پوش کردن	۱۲۹	braze
برنیک ← بنغازی		
بروج (قرآنی)	۸۰، ۸۹، ۱۰۰	Constellations
	۳۸	celestial signs
بروج [سوره]	۷، ۸۷	The Mansions of the Stars

بروج مشیّده (قرآنی)	۱۰۰	raised up towers
برهان (قرآنی)	۱۱،۴۰،۹۳،۹۷،۱۱۱	demonstration
	۱۱،۲۱،۳۴،۴۵،۸۷،۱۰۵	proof
	۱۰۵	demonstrative proof
	۸۰	decisive proof; clear demonstration
		demonstrative syllogism
	۴۰	argumentation
	۴۴ ،۹۹	argument
	۲۱ ،۱۰۳	evidence
	۴۲	reasoning
برهان اتقان صنع	۴۴	argument from design
برهان انّی	۱۱	posteriori demonstration
	۴۲	posteriory reasoning
	۹۷	quiatic demonstration
برهان حرکت	۲۹	demonstration of movement
برهان خُلف	۱۱	proof by reductio ad absurdum
	۴۲	demonstration per-impossible
برهان ذوالحدّین [= احراج، برهان ذوالوجهین]	۱۱	dilemma
برهان ذوالوجهین ← برهان ذوالحدّین		
برهان عقلی	۲۱	intellectual proof
برهان عنایت	۲۹	proof of Divine Grace
برهان غائی	۶۶	teleological argument
برهان فطرت	۲۹	proof of human nature
برهان قاطع	۴۲	convincing proof
برهان لمّی	۴۲	causal proof; priory reasoning
	۱۱	priori demonstration
	۹۷	propteric demonstration

برهان نظم	۲۹	argumentation of order
برهان وجوب و امکان	۲۹	demonstration of necessity and possibility
برهان هستی	۴۴	cosmological argument
برهانی	۴۴	demonstrable
بَرید	۳۱،۸۰،۱۲۰،۱۲۱،۱۲۳	Post and Intelligence; verdus courier; mail
بری الذمّه	۴۲	clear of obligation; discharged
بسائط (فلـ.)	۱۰۴	the simples
بست	۸۰	sanctuary; asylum
بسط	۸۰	dilation of the heart; relaxation
	۴۵	expand
بسم الله الرحمن الرحیم [کلمهٔ بسم الله الرحمن الرحیم بر سر ۱۱۳ سورهٔ قرآن مجید ـ جز سورهٔ براءت یا توبه ـ آمده است و یك بار دیگر در سورهٔ نمل آیهٔ ۳۰ ظاهر گردیده است.]	۱۰۰و ۸۰	in the name of God, the Merciful, the Benefactor (the Compassionate)
بِسْمِل [قربانی، یا حیوان ذبح شده، مشتق از بسم الله است چون هنگام ذبح بسم الله گفته می شود]	۳۱	sacrificed; slaughtered
بسمله [بسم الله گفتن]	۱۲۱	to utter the invocation «in the name of God»
بسیج	۱۲۹	mobilization
بسیج عمومی	۶۱	general mobilization
بسیط	۳۷ ،۹۲ ،۹۵	simple
	۴۲ ،۹۷	indivisible (whole)
بشارت	۶۴ ،۸۷ ،۱۰۳	glad tidings
	۶	good tidings

بشریّت	۴۲ ،۱۱۹	humanity
	۴۲	mankind
	۲۱	human nature
	۱۴	fleshy nature
بشیر (قرآنی)	۱۰۰	bearer of good tidings
	۸۷	bringer of glad tidings
	۶۴	bearer of glad tidings
	۸۸	announcer
بشیر و نذیر (قرآنی)	۵۲	tidings - bearer and warner
بصائر (قرآنی)	۳۱	evident proofs; sights
بصر [= چشم] (قرآنی)	۸۷	eye; sight
بصر [= بینائی]	۱۱۰	act of vision
بصیر [البصیر] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۹ ،۴۵،۸۰ ،۸۷ ،۱۰۸	The Seer
	۴۲	The All - seeing
	۱۰۶	The Seeing
	۸۰	The Clearsighted
	۹۹	The Discerning
بصیرت (قرآنی)	۴۲ ،۱۱۹	insight
	۸۷ ،۱۰۰	sure knowledge
	۴۲	perception; prudence
	۱۰۳	spiritual insight
بضاعت مزجاة (قرآنی)	۸۷	poor merchandise
بطالت (اخلـ.)	۳۱	absurdity; falsity; vanity
بِطانة (قرآنی) [= دوست نزدیك و محرم]	۸۷ ،۱۰	intimate
بطانه (معمـ.)	۷۸	putty
بَطَر (قرآنی)	۳۱ ،۸۷ ،۱۲۰	boastfulness; exulting; insolence; petulance

بِطریق [= بَطرَک، بطریرک]	۱۲۵، ۱۲۰، ۳۱	Patriarch
بطلان (فلـ. منطـ.)	۸۰، ۶۱، ۳۷	nulity
	۳۱	vanity; falseness
	۱۱	falsity
بطلیموس	۹۹، ۲۶	Ptolemy
	۳۷	Ptolemaeus
بَطَلْیُوس [= باذاخوث، شهری در غرب اسپانیا]	۱۲۵	Badajoz
بطن [درقبیله]	۴ ـ ۸۰	belly -division
	۲۸	sub - tribe
بطن الحوت (نجـ.)	۳۵	Merch
بعث (قرآنی) (نیز ← باعث)	۱۰۶	quickening of the dead
	۴۰، ۸۷	resurrection
بعث و نشور	۱۰۴	reinfusion or resurgence
بعثت	۸۴، ۳۱	mission
	۳۱	embassy
بُعد	۱۰۶، ۹۵، ۳۲	dimension
	۳۲	extension
	۱۰	remoteness
	۱۱۹	farness
بعد (نجـ.)	۳۶	right ascension
بعدالتحریر	۱۲۰	postscript [=P.S.]
بعلبک [= هلیوپولیس]	۱۲۵، ۱۲۱	Heliopolis
بعینه	۳۱	exactly; word by word
بغاء (قرآنی)	۱۰۱، ۱۰۰	prostitution
	۸۷	whoredom
بغات (نیز ← باغی)	۴۵، ۴۲	rebels
	۴۵	oppressers
بغض (اخلـ.)	۹۰، ۶	hatred

بغی (قرآنی)	۱۰۰	insolence
	۸۷	rebellion
بقا	۲۱،۴۵،۸۰،۸۹،۱۱۳	subsistence
	۸۰، ۳۴	permanence
	۴۵، ۶	existence
	۱۱۸، ۲۸	continuance
	۹۳، ۱۰	duration
بقاءالذّات	۱۰۴	continuity of entity
بقراط	۱۰۱، ۳۷	Hippocrates
بقره [سوره]	۱۰۰، ۸۸، ۸۷	The Cow
	۶۴	The Heifer
بقعه (معمـ.)	۳۱	convent
	۷۸	Sacellum; shrine; turbeh
بقوت ← بالقوه		
بقیةالسّیف	۴۲	remnants; what has escaped the swords
بقیةالله (قرآنی)	۱۰۰	God s remainder
بُکاء [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۱	weeping; lamentation
بَکاء [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۱	weeper
بکارت (فقـ.)	۱۵	virginity
بکر (قرآنی)	۸۷	immature
	۳۹	virgin
بلاء (قرآنی)	۴	misfortune
	۱۱۳، ۸۷	trial
	۵۷، ۲۱	affliction
	۲	calamity
	۱۰۳	woe

	۱۱۰	tribulation
بلاط	۸۰، ۹۹	nave; palace
بلاط الشهداء [جنگی بین شارل مارتل و عبدالرحمن غافقی]	۸۰	Battle of Poitiers
بلاعزل	۱۵	irrevocable
بلاعوض	۶۱	exgratia
بَلاغ (قرآنی)	۱۰۰	deliverance
	۸۷	message
	۶۴	conveyance
بَلاغ [البلاغ. از اسامی قرآن کریم]	۴۲	The Message
بلاغت (ادب.)	۲، ۹۹	rhetorics
	۸۰	eloquence
بلاغت کلام	۱۲۸	decorum
بلاغت متکلم	۱۲۸	eloquence
	۹۹	stylistic form
بلافصل	۱۱	immediate
بلاکیف (فلـ.)	۸۰	without how
	۹۳	ask not how
	۴۵	without enquiring how
بلاکیف ولاتشبیه	۴۵	without enquiring how and without making comparison
بلبل (نیز ← مرغ سحر)	۸۰	nightingale
بَلَد [سوره]	۸۸، ۱۰۰	The Land
	۸۷	The City
بلد میّت (قرآنی)	۸۷	dead land
بلدیّه	۸۰	municipality
بلسان (پز. قدیم)	۷۱	balm
بلغم (پز. قدیم)	۷۱، ۱۲۰	phlegm; humour; lymph

بلغمی	۳۷	phlegmatic
بلقیس [= ملکهٔ سبا]	۳۳،۸۰،۱۲۱،۱۲۵	Bilkis; Queen of Sheba
بلوغ (نیز ← بالغ)	۱۵	puberty
بنّا	۱۲۹	bricklayer; mason
بنات النعش (نجـ.)	۳۱	the constellation of the Bear
بنت [شکل دیگر این کلمه به صورت «ابنت» و جمع آن بنات قرآنی است.]	۱۲۰	daughter
بنت لبون (فقـ.)	۴۲	a two - year - old she camel
بندر	۳۱ ،۱۲۰	port; harbour
بندکشی (معمـ.)	۷۸	pointing
بندکشی تزیینی (معمـ.)	۷۸	tuck pointing
بندگی	۲۱	submission
	۳۱	servitude; devotion
بنده	۴ ،۱۰۳	slave
	۱۰۳	servant
بنده حَق	۱۰۳	servant of God
بنغازی [= برنیك]	۴۳	Banghazi; Benghazi; Bengasi; Berenice
بنی‌آدم (قرآنی)	۱۹،۸۷،۱۰۰	Children of Adam
	۱۸	mankind
بنی ادریس	۹۹	Idrisids
بنی اسرائیل (قرآنی)	۷ ،۴۲ ،۹۹	Israelites
	۸۷ ،۱۰۰ ،۱۱۳	Children of Israel
بنی اغلب (نیز ← اغالبه)	۴۲	Aghlabids
بنی افطس	۴۲	Aftasids
بنیامین	۴۲ ،۱۲۰	Benjamin
بنی‌امیّه	۴۲ ،۸۵	Umayyads
بنیان مرصوص (قرآنی)	۹۹	strongly constructed building

	۸۷	solid structure
بنی جرهم	۱۹	Jurhamites
بنی حسن	۴۵	Hasanids
بنی حسین	۴۵	Husainids
بنی زیّان	۴۲	Zayyanids
بنی عبّاد	۴۲ ،۱۲۵	Abbadids
بنی عباس	۸۵ ،۹۹	Abbasids
بنی عبدالواد	پ	Wadids
بنی عم	۱۲۰	uncle's son (s); cousin(s)
بنی عیصو	۹۹	Children of Esau
بنی قحطبه	۹۹	Qahtabah family
بنی مدرار	۹۹	The Midrarid
بنی مدین	۹۹	Midyanites
بنی مرین	پ	Marinids
بنی‌هاشم	۴۳	Hashemites; Hasimite
بواسیر (پز.)	۳۱ ،۱۲۰ ،۱۲۳	hemorrhoids; emerods
بواعث	۸۰ ـ ۵	grounds of procedure
بوالبشر ← ابوالبشر		
بوالعجب ← ابوالعجب		
بوالفضول ← ابوالفضول		
بودجه ← بیت‌المال		
بوزانتیون ← بیزانس		
بوطیقا [= بوطیقی: فن شعر]	۱۲۸	poetics
بوق	۱۲۶	trumpet
بول (فقـ.)	۲۰	urination
	۳۱	urine
بومی	۱۲۹	endemic
بهائم (نیز ← بهیمه)	۳۱	beasts; brutes; wild beasts
	۵۶	brute beasts

Persian	Pages	English
بهتان (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۵۲	calumny
	۹۹	affront
	۳۱	false accusation
بهجت (قرآنی)	۴۶	beatitude
	۸۷	joy
بهرام ← مرّیخ		
به رکوع رفتن ← رکوع		
بهره [= نزول]	۷۵	interest
به سجده رفتن ← سجده؛ سجود		
بهشت (نیز ← جنت)	۴۰	Paradise
	۲۰	Heaven
بهشت شدّاد	۱	the «Iram» of Shaddad
بهشت عدن	۲۹	garden of Eden
بهشتی	۳۱	Paradisical
به ملکه ← بالملکه		
بهمن (جغـ.)	۱۲۹، ۷۴	avalanche
بهیمه (نیز ← بهائم)	۳۱	beast; wild beast; brute
بهیمةالانعام (قرآنی)	۱۰۰	the beast of the flocks
	۸۷	the beast of cattle
بیان (قرآنی)	۱۰۰، ۴۰	exposition
علم بیان ← علم بیان	۴	explanation
بیان (کلـ.)	۱۰	demonstration
بیت [شعر]	۲ ـ ۲۶	couplet
	۱۲۸	verse; distich
	۸۰	line
بیت [خانه]	۳۷	house
بیت الاحزان	۳۷	House of mourning
بیت الادب ← بیت الخلاء		
بیت الجماعه	۴ ـ ۸۰	Common room

	۲،۸۷،۱۱۳	Sacred (Forbidden) House
بيت الحرام (قرآنی)	۵۲	House of Sanctity
	۱۰۰	Holy House
	۳۱	Temple of Mecca
بيت الحكمه	۵ ـ ۸۰	academy
بيت الخلاء	۱۲۱	toilet; water - closet
بيت الرحمه	۶	house of Mercy
بيت العتيق (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	Ancient House
بيت العنكبوت (قرآنی)	۸۷	spider's house
	۱۲۶	cobweb
بيت اللحم	۴۳	Bethlehem; Baytlahm
بيت الله	۱۰۴	House of God
بيت المال	۲	Muslim public treasury
	۴	Treasury of the Muslims
	۸۵ ،۱۰۳	public treasury
	۴۵	state treasury
	۸۰	treasury
بيت المعمور (قرآنی)	۱۱۳	populous house
	۱۰۰	The House inhabited
	۱۸	Frequented temple
	۳۸	inhabited house
	۸۴	immortal mansion
بيت المقدس [= قدس]	۲۱	Jerusalem
بيتوته	۳۱ ،۱۲۰	passing the night
بی حجاب (فقـ.)	۳۱	unveiled; immodest
بيداری (عرف.)	۱۰۳	(spiritual) wakefulness
بی دين	۴	irreligious
	۳۱	infidle
بی دينی	۱۳	irreligiosity

بیرق	۲	banner
بیزانس [= بوزانتیون] (نیز ← روم)	۱۲۵، ۳۷	Byzantine
بیزره ← بازداری / بازیاری		
بیسان [بیت شان، سکوتوپولیس]	۴۳	Baysan; Beisan; Bet-shan; Bet she'an; Scythopolis
بیطار (پز.)	۱۲۳، ۱۲۱	veterinarian
بیطره	۵ ـ ۸۰	veterinary medicine
بیع (فقـ.) (قرآنی)	۱۰۰، ۶	trafficking
	۱۵	sale
	۸۵، ۳۸	barter
	۸۵	exchange
	۴۵	commerce
بیع الدین بالدین (فقـ.)	۸۵	exchange of obligation for obligation
بیع العرایا (فقـ.)	۸۵	contract of barter in dates
بیع العهده (فقـ.)	۸۵	sale of real property with the right of redemption
بیع العینه (فقـ.)	۴۵	purchase on credit
	۸۰	sale on credit
بیع الهواء (فقـ.)	۸۶	sale of the air
بیع سَلَم (فقـ.)	۶۱	advanced sale
بیع شرط (فقـ.)	۶۱	conditional sale
	۱۱۴	mortgaging
بیعانه (فقـ.)	۳۱	earnest money; down payment
	۷۵	hand money
بِیعة [جمع این کلمه به صورت بِیَع در قرآن به کار رفته است]	۱۲۱	church; synagogue
بیعت (نیز ← مبایعه)		

	۱۰۹	allegiance
	۳۱	swearing allegiance
	۹۹	oath of allegiance
	۸۰	homage; convenant
بیعت الحرب	۸۰	pledge of war
بیعت الرضوان	۳ ـ ۸۰	pledge of Good pleasure
بیعت النساء	۸۰	pledge of women
بیعتان فی بیع (فقـ.)	۸۵	double sale; a group of devices for evading the prohibition of interest
بیعت کردن	۳۱، ۲	pay allegiance; swear allegiance
بیعت گرفتن	۲	secure allegiance
بی کَیف	۱۰۳	unconditioned
بیگلربیگی	۶۸	constable
بیمارخانه	۵ ـ ۸۰	mental hospital
بیمارستان [= مارستان] (نیز ← دارالشفا)		hospital
بیمه	۷۵	insurance
بینّات ← بینه		
بین الدفتَین	پ	book (form)
بین الطّلوعین (فقـ. نجـ.)	۷۴	twilight
بین النهرین (جغـ.)	۴۳	Mesopotamia
بینه [سوره]	۸۷	The Clear Proof
	۷	The Clear Evidence
	۱۰۰	The Clear Sign
بینه (فقـ.)	۸۸، ۸۵، ۳۱	evidence
	۱۱۲، ۱۰۰، ۶	clear sign
	۳۱	evident proof
	۸۷	clear proof (of Allah's sovereignty)

بینهایت (رضـ.)	۱۲۵	infinity
بی‌واسطه	۲۹	without an intermediary
	۱۱	immediate
بیوتات	۱۱۴	divisions and workshops
	۴ ـ ۸۰	royal workshops
بیوت عظیمه [بیت‌الحرام، بیت‌العتیق، بیت‌المقدس]	۹۹	venerated buildings
بیوت معظم ← بیوت عظیمه		

پ

پادری	۳۱	priest
پاراکلتوس ← فارقلیط		
پاراقلیط ← فارقلیط		
پادزهر	۱۲۵، ۳۱	antidote;antitoxin; bezoarstone
پارمنیدس ← برمنیدس		
پارو	۱۲۹	paddle
پرستش (نیز ← عبادت)	۱۰۹، ۳۱، ۳۰	worship
	۳۰	service
پرستش کردن	۶۴	adore
پرگار (هنـ.)	۱۲۵	compass
	۱۲۹، ۱۲۰، ۳۱	compasses
پرگاموس / پرگاموم ← برغمه		
پروتاگوراس ← افروطاغورس		
پروردگار	۲	sustainer; Creator
پروکسیمای قنطورس (نجـ.)	۳۶	Proxima Centauri

پروکلوس ← برقلس		
پرویزن	۱۲۹	sieve; riddle
پروین (نجـ.) [= ثریا]	۲۵	Pleiades
پرهیزگار (اخلـ.)	۲	pious
	۳	God - fearing
پرهیزگاری (نیز ← اتّقاء)	۲۹	piety
	۹۹	austerity
پَری (نیز ← جن)	۵۵	peri
	۵۲	fairy
پژوهشخوانده [= مستأنف علیه] (حقـ.)	۶۱	appellee
پژوهشخواه [= مستأنف] (حقـ.)	۶۱	appellant
پسرخواندگی (نیز ← تبنّی)	۱۲۰	adoption
پسرخوانده (فقـ.)	۱۲۰	adopted son
پطرس رسول [پطرس حواری]	۴۳، ۱۲۵	Saint Peter the Apostle
	۸۴	Peter the disciple
پل (معمـ.)	۱۲۹، ۱۲۵	bridge
پُلبندی (معمـ.)	۷۸	bridging
پل سازی	۱۲۹	bridge building
پل صراط	۶	Sirat (the bridge over Hell leading to Paradise)
پنج تن پاك	۳۱	the five holy Ones
پود [مقـ. تار]	۱۱۵	weft
پوست (جلـ.)	۱۱۶	parchment; vellum
پولس ← پطرس رسول		
پیامبر	۸	prophet
	۳۰	apostle
پیامبر اکرم [غالباً کنایه از پیامبر اسلام(ص)]	۴۱	Holy Prophet

پیامبر اولوا العزم ← اولوا العزم		
پیتاگوراس ← فیثاغورث		
پیر (تصـ.)	۴۵	master
	۵۱	Sufi master
	۸۰، ۲۱	spiritual director
پیر طریقت	۴	Sufi Shaykh
	۲۵	spiritual guide
پیر کامل	۸۰	perfect spiritual director
پیر مغان (قصـ.)	۴	Keeper of the tavern
	۵۸	Wise Magi
	۵۵	Aged Magian
پیراهن یوسف (قصـ.)	۴۳	Joseph's Coat
پیروی کردن	۶	follow
پیشخان (معمـ.)	۷۸	anticum
	۱۲۹	counter; porch
پیشخان چهارستونی (معمـ.)	۷۸	tetrastyle
پیشخان ستوندار	۷۸	loggia
پیشخان هفت ستونی	۷۸	heptastyle
پیش نماز (فقـ.)	۶۸	prayer - leader
	۳۱	leader in prayer; chaplain
پیغمبر	۴	prophet
پیغمبر اسلام (ص)		the Prophet of Islam
پیغمبر اولوا العزم ← اولوا العزم		
پیغمبر خاتم	۴	Last Prophet
پیکر	۱۲۹	image
پیکر تراش	۱۲۹	sculptor
پیکر تراشی	۱۲۹، ۱۱۵	sculpture
پیکر سازی [= پیکره سازی]	۱۲۹	sculpture
پیمان ← عهد، تعاهد، معاهده، بیعت		

ت

تائب (نیز ← توبه؛ تواب)	۱۲۰، ۶۴	repentant
	۱۲۰، ۱۴	penitent
تابعون / تابعین	۱۰۶، ۸۴	followers
	۸۰	successors
	۹۳	immediate successors
	۹۹	men of the second generation
	۱	disciples of the companions
تابوت (قرآنی)	۱۲۰،۱۱۵،۱۱۲،۱۰۷،۱۰۰،۶۴	Ark; Coffin
تابوت عهد (نیز ← سکینه)	۱۱۵، ۹۹	Ark of the Covenant
تاج الملوك ← اقونیطون		
تاجر	۳۱	merchant
تاجریزی (گیا. پز.)	۱۲۰، ۳۱	felon - wort
تار [مقـ. پود]	۱۱۵	wrap
تار و پود	۷۸	texture
تاریخ [علم]	۱۱	history
تاریخ (عهد، دوره)	۴۵	era; chronology
	۷۵	date
تازی	۱۲۰، ۳۱	Arab; Arabic
تازیانه	۳۱	lash; whip
تازیانه زدن	۴۵	scourge
تازیها (نجـ.)	۳۵	Canes Venatici
تالار (معمـ.)	۱۲۹، ۷۸	hall
	۱۲۹	Salle
تالار بار عام	۷۸	audience hall

Term	Pages	English
تالی (منط.)	۱۷،۹۴،۹۵،۹۸،۱۰۲،۱۰۴	consequent
	۹۴	successor; apodasis; thesis
تأثّر	۲۹	sorrow
	۹۶ ،۱۰۶	impression
تأثیر	۴۰	affection; effect
	۸۱	influence
	۸۰ ـ ۳	efficacy
تأثیر متقابل	۱۶	reciprocal causation
تأثیر و تأثّر	۲۹	influence and effect
تأخّر	۱۰۴	postponement
	۱۰۵	posterity
	۱۱ ،۱۰۴	posteriority
تأخیر	۶۱	delay
تأدّب (اخلـ.)	۴۵	courtesy
تأدیب (اخلـ.)	۶۱	correction
تأدیه	۴۰	transmisson; leading to
تأذّی (حقـ.)	۶۱	annoyance
تاسوعا	۱۲۰	The ninth day of Moharram
تأسّی	۱۲۰	imitation; following
تأسیس	۳۱ ،۱۲۰	establishment; foundation; institution
تأکیدالمدح بمایشبه‌الذم (بع.)	۲۶ ـ ۲	emphasis of praise by apparent censure
تالله	۱۲۶	I swear by God
تألّه	۳۱	being devout and pious
	۹۳ ،۱۰۲	theosophy
	۸۹	deification
تألیف (حقـ.)	۶۱	compilation
تألیف (منط.)	۴۰ ،۹۸	combination
تألیف [درخلق]	۴۰	harmony

	۴ ـ ۸۰	harmonious company of creatures
تألیف کردن	۶۱	compile
تألیه	۹۵	deism; deification
	۲۷	apotheosis
تأنیث (دستـ.)	۱۲۰، ۳۱	(putting in) the feminine gender
تأمیم [= ملی کردن]	۲۷	nationalisation
تأوّل	۴ ـ ۸۰	analysis
تأویل (قرآنی)	۱۱۸،۱۰۷،۱۰۳،۱۰۰، ۸۷،۸۰،۲۳،۲	interpretation
	۴۵،۳۷،۱۰	allegorical interpretation
	۱۲	esoteric exegesis
	۳۷	esoteric interpretation
	۴ ـ ۸۲	esoteric commentary
	۲۷	hermeneutics
تأویلات ← تأویل		
تأیید (قرآنی)	۸۷، ۵۷	(God's) support
	۱۰۳	aid
تأیید الهی	۱۰۳	Divine aid; God's aid
تأیید حق ← تأیید الهی		
تأیید خدا ← تأیید الهی		
تأییدیّه (حقـ.)	۶۳	letter of confirmation
تب (پز.)	۷۱	fever
تب راجع (پز. قدیم)	۱۲۰	recurrent fever
تب شدید (پز. قدیم)	۷۱	acute fever
تب لازم (پز. قدیم)	۱۲۰	hectic fever; consumption
تب مزمن (پز. قدیم)	۷۱	chronic fever
تب نوبتی چهار روزه (پز. قدیم)	۷۱	quartan fever
تب نوبتی سه روزه (پز. قدیم)	۷۱	tertian fever

تب نوبتی سه یا چهار روزه (پز. قدیم)	۷۱	semitertian
تب نوبه (پز. قدیم)	۱۲۰	intermittent fever
تبارك الله (قرآنی)	۱۰۰	Blessed be God
	۶۴	Blessed be Allah
تبانی (حقـ.)	۶۱	collusion
تبانی کردن (حقـ.)	۶۱	collude
تباین	۹۷	heterogeneousness
	۱۰۲	difference
تباین جزئی	۹۷	particular heterogeneousness
تباین عزلی	۱۰۲	difference of complete separation
تباین کلّی	۹۷	Universal heterogeneousness
تباین وصفی	۱۰۲	difference of attributes
تبّت (جغـ.)	۱۹	Tibet
تبّت [سوره] ← لهب		
تبخیر	۱۲۵	evaporation
تبدیل (قرآنی)	۸۷،۹۵،۱۰۰	(to) change; (to) alter; transformation
تبدیل [در قرائت]	۸۰ _ ۵	conservation; alleviation
تبذیر (اخلـ.) (قرآنی)	۶۴ ،۸۷ ،۹۹	squandering
	۵۷	extravagance
	۶۴	wanton
تبرئه (قرآنی)	۸۷	exculpate
تبرئه (حقـ.)	۶۱	acquittal
تبرئه کردن	۱۵	exonerate
تبرع	۸۱	an act of volunteering
تبرك	۳۱ ،۴۵ ،۱۰۷	blessing
	۳۱	benediction
تبرکاً	۳۱	as a blessing; as a sacred relic

تبرّی (قرآنی)	۳ ـ ۸۰	dissociate (from)
	۸۷	disown
تبرّی (حقـ.)	۶۱	exoneration
تبرّی جستن	۴	denounce
تبرید	۱۲۹	refrigeration
تبریك		congratulation
تَبَع	۴۲	followers
تبع التابعین	۴۲	The follwers of the followers (third generation of the Muslims after the Prophet)
تبعیّت	۴۲	subordination
تبعید	۶۱	banishment
تبعید کردن	۶۱	banish
تبکیت (منط.)	۱۲۸	refutation
تبلیغ (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۴۲	deliver propagation
	۲۷	propaganda
تبلیغات	۱۲۵	propaganda
تبنّی [= پسر خواندگی]	۳۸	adoption
تبیان (قرآنی)	۸۷، ۶	exposition; explanation
	۱۰۹	clear explanation
تبیین [مشتقات این مصدر در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۱	illustrating; explaining
	۱۱	explanation
تتابع	۴۴	succession
	۵ ـ ۸۰	concatenation
تتالی [توالی]	۳۲	succession in series
	۹۵	succession
تتمّه	۱۲۱	supplement
	۱۲۳	complement

تثبیت (قرآنی)	۹۵	fixation
	۸۷	strengthening
	۴۰	proof
تثلیث (کل.)	۱۰۴	threefoldness
	۲۹	Trinity
	۹۶	Triplicity
	۹۴	Trichotomy
تثلیث زاویه (رض.)	۱۲۵	trisection
تثلیث گرایی	۱۱	Trinitarianism
تثلیثی	۱۱	Trinitarian
تثنیه (دس.)	۱۵	dual (referring to two persons)
تثویب [الصلوة خیرٌ من النّوم] (فق.)	۴۲	repeating the phrase: «prayer is better than sleep»
تجاذب	۴۲ ،۹۵	inter - attraction
تجارت (اق.) (قرآنی)	۷۵.۸۷	trade
	۸۰ _ ۵	commerce
تجارت پایاپای ← تهاتر		
تجارتخانه	۷۵	merchantile establishment
تجاسر	۲۵	impertinence; presumption
تجافی (قرآنی)	۳۱ ،۸۷	(to) forsake; being separated; not touching; distant
تجاهل العارف (بع.)	۲۶	aporia or «the doubtful»
	۱۲۸	epiplexis; epitimesis; rhetorical question
تجاهل کردن (حق.)	۶۱	feign ignorance
تجدّد	۵۶ ،۱۰۲	renewal
	۵۶	modernity
	۱۰۴	production
تجدّد خواه	۴۲	modernist

تجرّد (فلـ.)	۱۱	immateriality
	۵۶	separation
	۴۲	abstraction; isolation
تجرّد [عدم تأهل]	۴۲	celibacy
تجرع (قرآنی)	۳۱ ،۱۲۰	drinking by draughts; sipping .
تجرید فلـ.)	۱۱،۴۵،۹۴،۹۵	abstraction
	۲۱ ،۹۰	detachment (from the world)
	۵۸ ،۸۲ ـ ۴	catharsis
	۱۴	disassociation
تجرید ذات	۶۹	stripping the essence
تجزّء	۴۵	partition
تجزّی	۴۲	division
تجزیه	۱۱	analysis
	۱۰۸	division
تجسّد	۱۱	re - incarnation; Incarnation
تجسّس (قرآنی)	۱۶،۸۷،۱۰۰،۱۲۱	inquisitiveness; spying; espionage
تجسّم	۱۳	embodiment
	۷۹	corporealization
تجسّم اعمال	۱	embodiment of deeds
تجسیم	۴۲	incarnation
	۴۵	anthropomorphism
	۳۷	humanization of God
تجلّی (قرآنی)	۴۲ ،۸۰،۱۱۳	manifestation
	۲۸،۸۷،۹۰ ،۹۹	revelation
	۵۶،۸۹،۹۶،۱۰۲	self-manifestation
	۴۲،۸۰ ،۱۰۲	theophany
	۳۴ ،۹۶	epiphany
	۹۶	self - unveiling
تجلید (جلـ.)	۱۲۰	binding; book binding

تجلی کردن	۵۶	emanate
تجمّل پرستی (اخلـ.)	۹۹	luxury
تجنیس (بع.)	۱ _ ۲۶	amphibology
تجنیس تام (بع.)	۲ _ ۲۶	complete homonymy; complete word - play
تجنیس زائد (بع.)	۲ _ ۲۶	redundant word - play
تَجَوهُر (نیز ← جوهر)	۴ _ ۸۰	consubstantiation
تجوید	۴۵	recitation; vocalisation
	۳۷	art of reciting the Quran
تجویز (حق.) نیز ← مجوز	۶۱	authorization
تجهیز (قرآنی)	۱۲۰	furnishing
	۱۰۰	equipping
تحاسُد (نیز ← حسد؛ منافسه، تنافس)	۹۹	mutual jealousy
تحاکم [محاکمه بردن به نزد کسی] (قرآنی) (نیز ← تحکیم، محاکمه)	۱۰۰	taking dispute to
تحت الحفظ (حق.)	۶۱	under arrest
تحت الحمایه	۷۴ ،۱۲۵	protected state; protectorate
تحت الحنك	۱۲۰	a fold of turban passed under the chin
تحت اللفظی	۱۲۰	literal
تحت تضاد	۱۱	subcontrary
تحت تکفّل	۷۷	dependant
تحدّی	۳ _ ۸۰، ۳۱	challenge
	۹۹	advance challenge
تحدیث [= نقل حدیث] (نیز ← حدیث، محدّث] (حد.)	۱۲۲	relating tradition (s)
تحدید	۹۵، ۱۲	limitation
	۷۹	delimitation

	۳۱	defining logically
تحدید حدود کردن (حق.)	۶۱	delimit
تحذیر (قرآنی)	۱۲۱، ۱۰۰	warning, beware
تحرّی (قرآنی)	۱۲۳	inquiry; investigation; to seek; to pursue
تحریر رقبه (قرآنی = آزاد کردن بنده) (نیز ← آزاد کردن بنده؛ اعتاق)	۱۰۰	set free a slave
تحریض (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	urge on
تحریف (قرآنی)	۸۷	change
	۷	alter
	۴۲	corruption of a scripture
	۶	changing of meaning
	۱۱۳	alteration; addition and omission
تحریف (حق.)	۶۱	falsification
تحریف کردن	۶۴	pervert
	۴	distort
تحریف و قلب (بع.)	۱ ـ ۲۶	anagram
تحریم (قرآنی)	۱۰۰، ۸۸، ۴۲	prohibition; forbidding
تحریم [سوره]	۸۷	Banning
	۱۰۰	The Forbidding
تحریم تنباکو	۷۳	Tobacco Ban
تحریمه (فق.)	۱۲۰، ۳۱	saying Allaho - akbar at the beginning of prayer; assumption of a pilgrim's garb
تحصیل الحاصل	۹۵، ۴۲	tautology
	۱۰۲	acquiring what has already been acquired; actualization of what has already been actualized

تحکّمی	۹۵	arbitrary
تحکیم [= حَکَم قرار دادن] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← تحاکم، محاکمه)	۴۲	arbiteration
	۷ ،۸۷	to make [someone] judge
	۸۰	the task of the arbitrators
تحلّم (اخل.)	۵۷	suppression of anger
تحلیف (نیز ← حلف)	۱۲۱	swearing in
تحلیق ← حلق		
تحلیل	۴۰ ،۹۴ ،۱۰۲	analysis
	۹۴	analyse
تحلیل نهائی (اق.)	۷۵	marginal analysis
تحلیل (فق.)	۳۱ ،۸۷ ،۱۲۰	making (rendering) lawful
تحلیلات اولی	۱۳	prior Analytics
تحلیلات ثانیه	۱۳	posterior Analytics
تحویل (منط.)	۹۴	reduction
تحویل سال	۱۲۰	transition to the new year
تحیّت (قرآنی)	۶۴ ،۱۰۰ ،۱۲۰	greeting; salutation
تحیّز (نیز ← حیّز)	۱۰۶	boundaries
تخته پوست (جل.)	۱۱۶	pelt
تخطئه	۳۱ ،۱۲۰	leading into error; charging with error
تخطی	۳۱ ،۱۰۷ ،۱۲۰	mislead; erring; passing beyond
تخفیف (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	lighten; alleviation
تخفیف (اقـ.)	۷۵	discount; allowance
تخفیف تجاری	۷۵	trade allowance; trade discount
تخفیف مالیاتی	۷۵	tax abatement
تخلّص	۳۷ ،۸۰ ،۱۲۰	pen name (nom de plume)

	۸۰	pseudonym; poetical name; nom de guerre
تخلّف	۸	offence; violation
تخلّق	۱۲۰	imitating the manner of another
	۳۱	assuming another`s manners
تخلّل	۹۶	permeation
	۵ ـ ۸۰	interference
تخلّل عدَم	۱۰۲	infiltration of non - existence
تخلیه	۱۶	dissociation; abandonment
تخلیه امعاء	۱۲۰	evacuation of the bowels
تخمه	۴۰	germ; race
تُخَمَه ← تُخَمَه (پز. قدیم) [اصل این کلمه وُخَمَه است. ـ لسان‌العرب]	۷۱	indigestion
تخمیر	۱۲۰، ۳۱	fermentation
تخمیس (ادب.)	۱۲۰، ۳۱	dividing into five parts
تخمین	۶۱	estimation
تخویف (قرآنی) (نیز ← ارعاب؛ اخافه)	۶۱	intimidation
	۸۷	appal
تداخل (منط.)	۹۸	subaltern
تداول	۱۲۳، ۱۲۱	circulation, alternation; currency
تداین [وام دادن و گرفتن] (قرآنی)	۸۷، ۷	contracting a debt
تدبّر (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۵۶	reflection
	۱۰۰	meditation
	۸۷	(to) ponder
	۹۹	think over
	۲ ـ ۶	ponder; think deeply
تدبیر (قرآنی)	۱۱۱، ۹۲	management

	۸۷	(to) direct
	۲۹	prudence
	۱۱	governance; control
	۹۹	administration
	۲۱	forethought
تدبیر منزل	۶۱	household economy
	۹۹	administration of home
تدبیر (فلـ.)	۹۳	guardianship
تدبیر (فقـ.)	۴۵	liberation (of a slave after his owner's death)
تدخین	۱۲۱، ۱۲۰	fumigation
	۱۲۱	smoking
تدرج [سلسله مراتب]	۹۵	hierarchy
تدریس	۳۱	teaching; instruction; lecturing
تدفین (فقـ.)	۱۲۰	burial
تدلیس (فقـ.)	۳ ـ ۸۰	concealing defects
تدویر (نجـ.)	۱۲۵، ۱۰۷	epicycle
	۵۹	rotation
تدویر [درتجوید]	۱۲۱، ۴۵	medium recitation
تدوین	۱۲۰	collection; compilation
تدهین	۴۲	ointment
تدیّن	۱۱۴، ۵۳	piety
	۵۳	religiosity; godliness
تذبذب [صیغهٔ دیگری از همین کلمه به صورت مذبذبین درقرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۰	hesitation
تذکر (قرآنی)	۱۱۸	reminding
	۸۷	reflect (ion)
	۹۵، ۳۴	reminiscence

	۶۹	recall
	۴۰	recollection
تذکره (قرآنی)	۱۰۰	Reminder
	۴۲	The Exhortation
تذکره (ادب.)	۳۱	biographical memoir
	۳۷	hagiology
	۲ _ ۸۰	memorandum
تذکرهٔ شهدا ← شهید شناسی		
تذکره نویسی	۱۱	memorialism
تذکیر (دستـ.)	۱۲۰	(putting in) the masculine gender
تذهیب [= تذهیب کاری]	۳۱	illuminating (a manuscript)
	۱۲۹، ۱۱۶	illumination
تذییل	۱۲۰، ۳۱	appendix
تراب (قرآنی)	۴ _ ۸۰	earth
	۱۰۴، ۸۷	dust
تراث ← ارث		
تراز بنایی	۱۲۹	builder's level; level
تراضی (قرآنی)	۸۷	mutual consent
تراخم (پز.)	۱۲۵	trachoma
تراخی [مقـ. فور، در اصول فقه]	پ	delay
ترازو ← میزان		
تراقی (قرآنی)	۱۰۰	clavicle
تراویح (فقـ.)	۲۱	nightly prayers of Ramadan
تُربت	۸۰	funeral building; soil
تربت الحمراء [گوگرد]	۵ _ ۸۰	the red soil
تربیت (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۸۰	education; raise up; take care
	۱۵	up - bringing
	۱۱	training
تربیت روحانی	۱۱	spiritual training

تربیتی	۴	educative
تربیع	۷۴	quarter of the moon
تربیع دایره	۱۲۵	quadrature (squaring) of the circle
ترتّب	۱۰۲	successive order
ترتیل (قرآنی)	۱۱۳	simple chant
	۲۳	read the Quran in a slow and distinct manner
	۴۵	slow recitation
ترجح	۱۰۶	preponderance
ترجح بلامرجح	۱۰۲	preponderance without there being a preponderant
ترجمان [= مترجم]	۱۲۳	interpreter; translator; dragoman
ترجمه	۱۲۰، ۳۱	translation; interpretation
ترجمهٔ تحت‌اللفظی	۱۲۳	literal translation
ترجمهٔ تفسیری یا آزاد	۱۲۳	paraphrase; free translation
ترجمه (شرح حال)	۱۲۰	biography
ترجیح (کلـ.)	۱۰	preponderance
ترجیع بند (ادب.)	۴ _ ۸۰	strophe - poem; refrain
	۲ _ ۲۶	return tie
ترحیم	۱۲۱	intercessory prayer for the dead
ترسا (کلـ.)	۱۰۳، ۳۱	Christian
ترسّل (ادب.)	۴ _ ۸۰	correspondence
	۱۲۸	epistolary
ترصیعکاری (معمـ.)	۱۲۹	inlay
ترعه	۱۲۰	canal; channel
ترف [تموّل] [مشتقات دیگر این ریشه یعنی اتراف و مترفین در قرآن مجید به کار رفته است ← مترف]	۱۶	opulence

ترک (قرآنی)	۱۰۸	abstaining
	۸۷	leave
	۱۰۳	abandonment
ترک دعوی (حقـ.)	۶۱	desistement
ترک دنیا [زهادة]	۶	renunciation
	۱۰۳	abandon the world; renounce this world
	۲ ـ ۸۰	renunciation of the world
ترک سنّت	۲۱	neglect of an Apostolic Custom
ترک لذّت	۱۰۳	abandonment of pleasure
ترک وظیفه (حقـ.)	۷۵	breach of duty
ترکب	۱۰۸	superimposition
ترک دعوی کردن (حقـ.)	۶۱	disclaim
ترک کردن افراد واجب النفقه (حقـ.)	۶۱	desertion
ترکه (فقـ.)	۴۲	bequest
	۸۵	estate
ترکیب	۹۲،۹۳،۱۰۲،۱۰۴،۱۰۵،۱۰۸	composition
	۱۱ ،۹۵	synthesis
	۴۰	combination
ترکیب اتحادّی (منط.)	۱۰۲	composition by way of unification
ترکیب ارزشی (منط.)	۹۴	truth functional compound
ترکیب انضمامی (منط.)	۱۰۲	composition by way of annexation
ترکیب تقییدی (منط.)	۹۷	limitative sentence
ترکیب حقیقی (منط.)	۱۰۲	real composition
ترکیب خبری (منط.)	۹۷	informative sentence
ترکیب عطفی (منط.)	۹۴	conjunction
ترکیب فصلی (منط.)	۹۴	disjunction; alternation
ترکیب بند [از انواع شعر]	۲۶ ـ ۲ ،۱۲۸	composit - tie

ترنجی (هنـ.)	۷۸	cartouche
ترنجی (معمـ.)	۷۸	medallion
ترویه [درحج] (فقـ.)	۳ ـ ۸۰، ۳۱	moistening
تریاق [پز. قدیم] [پادزهر]	۷۱،۸۹	theriaca; treacle
	۸۹ ،۱۲۱	antidote
تریاك [= افیون]	۳۱	opium
تریپولیس ← طرابلس شام		
تزکیه (قرآنی)	۴۲ ،۸۷	purification; purify
	۱۰۴ ،۱۶	purity
	۵۷	refinement
	۱۱	catharsis
	۵۷	refinement of the soul
تزکیهٔ روح	۴۲	purification of soul
تزکیهٔ نفس	۱۶	Purity of soul
	۴۴	self - righteousness
	۶۴	sanctify
تَزوّد [زاد و توشه برگرفتن] (قرآنی)	۱۰۰	take provision
	۷ ،۸	make provision
تزیین (هنـ.)	۱۱۵ ،۱۲۹	decoration
تزیین جلد	۱۱۶	tooling; tool work
	۱۱۶	meshwork
تسامح	۹۵	toleration
تساوی	۱۵	equality
	۴۰	equivalence
تساوی حقوق	۱۵	parity of rights
تساهل	۱۲۱	indulgence; tolerance
تسبیح [= تنزیه] (قرآنی)	۱،۲۹،۱۰۰،۱۰۳	glorifying; praising
	۹،۱۰۳	glorification

تسبیح [= سبحه]	۴۲	rosary
تسبیحات	۳۱	hymns; anthems
تسبیح کردن	۱۰۰	give glory
	۲	extol
	۲۲	glorify
تسبیح گفتن ← تسبیح کردن		
تسجیع (بع.، عر.)	۱۲۸	internal rhyme
تسدید	۵۷	leading
تسرّی	۴۴	extension
تسریح (قرآنی)	۱۰۰، ۱۵	setting free
تسریح باحسان (قرآنی)	۱۵	setting free kindly
تسطیح	۱۲۹	clearing
تسعیر	۱۲۳، ۱۲۱	pricing; price fixing; estimation
تسلسل (فلـ.)	۱۰۶	endless chain
	۱۰۲، ۱۱	infinite regress
	۴۵، ۱۱	infinite series (back wards)
	۹۷	(interminable) chain
	۱۱۰	infinite regression
تسلیت	۴۲	condolence; consolation
تسلیت گفتن	۳	condole
تسمیه	۶۳	nomination
	۹۵	denomination
	۳۸	giving a name
تسنّن (نیز ← اهل سنت)	۱۱	Sunnism
تسنیم (قرآنی)	۴۲	a fountain in the Paradise
تسوید (نیز ← مسوده)	۱۲۱، ۳۱	rough draft
	۱۲۰	copying
تسویل (قرآنی)	۱۰۰	temptation
	۸۷، ۷	beguile

تسویه کردن (اقـ.)	۷۵	settle
تسهیم به نسبت (رضـ.)	۷۵	proportion partition
تشابه (قرآنی)	۸۰، ۹۵	resemblance
	۴۰	similarity
	۱۵	uniformity; identicalness
	۵۶	analogy
تشاور (قرآنی)	۶۴،۸۷	consultation
تشبیب (ادب.)	۲۶ ،۸۰	exordium
تشبیه (ادب.)	۲۲	resemblance
	۸۰ ،۳۴ ،۱۰۲	assimilation
	۴۵	assimilating
تشبیه [مقـ. تنزیه] (کلـ.)	۴۲،۴۵،۹۵،۸۰،۱۰۹،۹۹	anthropomorphism
	۸۰	anthropomorphist theodicy
تشبیه (بع.)	۸۰_۴ ،۲۶ ،۱۲۸	simile
تشبیه اضمار (بع.)	۲ _ ۲۶	implicit simile
تشبیه تأکید (بع.)	۲ _ ۲۶	emphatic simile
تشبیه تسویه (بع.)	۲ _ ۲۶	equivalent simile
تشبیه تفضیل (بع.)	۲ _ ۲۶	comparative simile
تشبیه عکس (بع.)	۲ _ ۲۶	antithetical simile
تشبیه کنایه (بع.)	۲ _ ۲۶	metaphorical simile
تشبیه محذوف (بع.)	۴ _ ۸۰	shortened simile
تشبیه مرکب (بع.)	۱۲۸	antapodosis; redditio contraria
تشبیه مشروط (بع.)	۲ _ ۲۶	conditional simile
تشبیه مطلق (بع.)	۲ _ ۲۶	absolute simile
تشخَص (فلـ.)	۵۶ ،۱۰۲	individuation
تشدید (دسـ. تجو.)	۱۲۸	gemination
تشرف به اسلام	۴۲	embrace Islam
تشریح [= کالبدشناسی] (پز.)	۱۲۵	anatomy
تشریع	۳۷	divine legislation

تشریع		
	۱۵	Provision
	۸۰	legislation; law
تشریف	۸۰ _ ۴	honouring
	۱	protocol of honour
تشریفات	۸۰ _ ۲	ceremonial
تشریق ← ایام‌التشریق		
تشعیر [حواشی مزیّن] (جلـ.)	۱۱۶	florally decorated borders
تشکّك (فلـ.)	۱۰۲	gradation
تشکیك (فلـ.)	۱۰۲	analogicity; analogical gradation
تشکیك الواقع	۱۰۸	analogy
تشنج (پز.)	۷۱	convulsion
	۲۹	fit
تشهّد	۵۳	the act of testifying the unity of God
	۴۲	testimony; an act in the daily prayers
	۲۱	making profession of faith
تشیع	۴	Shi'ism; Shi'ite Islam
تشیع حَسَن	۸۲ _ ۵	moderate Shi'ism
تشییع جنازه	۳۱	following a funeral
	۴۲	escorting a funeral; obsequies
	۱۸	funeral procession
تصاعد	۳۶	progression
تصاعد حسابی	۳۶	arithmetic progression
تصاعد هندسی	۳۶	geometric progression
تصافح [= مصافحه]	۳۱	shaking hands
تصحیف	۱۲۰	misreading
تصدق	۱۲۰	almsgiving; sacrifice
تصدیق	۴۰.۸۰.۹۳.۹۵	assent
	۹۷	declaration
	۶	affirmation

English	Page	Persian
judgement	۱۰۲	
assertion	۱۰۶	
acknowledgement	۶۹	تصدیق [مق. تصوّر]
attestation	۶۱	تصدیق امضاء (حقـ.)
prejudgement	۱۱	تصدیق بلاتصور [پیشداوری]
affirm; confirm the truth	۶	تصدیق کردن
domination	۷۹	تصرّف
personal initiative	۲۱	
morphology; philology	۸۰	تصریف (دسـ.)
etymology	۵۶	
conjugation	۱۲۸	تصریف بزرگ (دسـ.)
Divine disposition	۱۰۳	تصریف خدا
inflection; declension	۱۲۸	تصریف کوچک
sublimation	۹۹، ۹۵	تصعید
vaporisation	۴ ـ ۸۰	
putting (a noun) into the diminutive form	۳۱	تصغیر (دسـ.)
diminution	۱۲۸، ۱۲۰	
examination; scrutinization	۱۲۱	تصفح
purification	۴۲	تصفیه (تصـ.)
winding up	۷۵	تصفیه (اقـ.)
crucify (ing)	۸۷، ۷	تصلیب (قرآنی) [= صلیب کشیدن، دارزدن]
literary composition	۳۱	تصنیف
classification	۹۵	تصنیف [طبقه بندی]
apprehension	۹۷	تصوّر
conception	۹۵	
conceiving	۱۰۸	
imagination	۱۰۳	

	۱۱	notion
	۶۹	concept
تصوّر ذهنیه	۹۷	intellective apprehension
تصوّر فی النفس	۹۷	apprehension in mind
تصوّری	۱۱	notional
	۱۲۰	imaginative
تصوّف (نیز ← عرفان)	۴۸ ،۴۲ ،۹۹	Sufism
	۴۲ ،۹۵ ،۸۰	mysticism
	۴۸	Islamic mysticism
تصویب	۱۵	approbation
	۱۲۰	approval
تصویر	۱۲۹	picture
تضاد	۱۵ ،۹۵	contrast
	۱۶	contradiction
	۱۱	contrariness; contrariety
تضاد (منط.)	۹۸	contrary
تضاعف	۱۲۱	doubling; multiplying
تضاعیف	۱۲۱	contents; text; folds; space between the lines
تضامن	۹۵ ،۱۲۱	solidarity
تضامن (حقـ.)	۶۱	Standing surety for each other
تضایف (فلـ. منط.)	۱۱ ،۹۵	correlation
	۱۰۲	mutual correlation
	۵۶	reduplication
تضرع	۵۷	supplication
تضلیل (قرآنی)	۱۰۰	to go stray
	۴۰	fallacy
تضمّن	۹۷	implication
تضمین [در شعر]	۸۰ ،۲۶ ،۱۲۸	quotation

تطبیق	۴ _ ۸۰	citation
	۱۰۶	tallying
	۱۲۰	comparing; checking
تطبیق حساب (اق.)	۷۵	rconcilement of account
تطفیف ← مطففین؛ کم فروشی		
تطوع (قرآنی)	۱۰۰، ۸۱	an act of volunteering
	۵۳	a voluntary act
	۱۴	a work of supererogation
تطویل (بع.)	۱۰۴	prolixity
	۱۲۸	macrology; macrologia
	۲۳	prolongation
تطهیر (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	cleanse
	۶، ۳۱	purification
	۳۱	sanctification
	۹۵	catharsis
تطهیر کردن	۶	sanctify; purify
	۲۷	expurgate
تطیّر [فال بد زدن] (قرآنی) (نیز ← طائر؛ فال بد زدن)	۸۷، ۷	augur evil
	۷	ill luck
تظلّم	۵۲	crying for justice
	۱۲۰	complaining of an injustice
تعارض	۶۹	contradiction
تعارض ادلّه	۶۹	contradiction of arguments
تعارف (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۷	know (ing) one another (each other)
تعارف (در آداب معاشرت)	۱۲۰	compliment (s); cortesies
تعالیٰ (قرآنی) (با فحوای اسم)	۶	The Sublime
تعالیٰ (به صورت فعل)	۸۷، ۷	be (He) exalted

English		Persian
The Exalted (one)	۲ ،۸۰	
The Almighty	۸۰	
God is high exalted	۱۰۰	تعالی الله
transcendence	۹۵ ،۴۲	تعالی
sublimity	۹۶ ،۱۶	
cooperation	۸ ،۹۵	تعاون (قرآنی)
help one another	۷ ،۸۷	
mutual cooperation	۹۹	
mutual agreement	۱۲۰	تعاهد (نیز ← عهد؛ معاهده)
confederation	۳۱	
devotion; cultivating devotional feelings	۳۱	تعبّد
acts of worship	۸۱	
service of God	۸۰ ـ ۴	
interpretation	۲۲ ،۹۴ ،۸۰	تعبیر
expression	۹۵	
oneiromancy	۵۹	
interpretation of dreams (visions)	۸۰ ـ ۵	تعبیرالرّؤیا
polygamy	۴۲	تعدد زوجات (فقـ.)
polygyny	۱۵	
transgression	۸۰	تعدّی (قرآنی)
aggression	۱۰۰	
transgressing	۳۱	
fault; illicit act; tort	۸۵	
excessive use	۶۱	تعدّی (حقـ.)
transgress	۶۴	تعدّی کردن
adjustment	۹۹	تعدیل
equation of time	۷۴	تعدیل زمان (جغـ.)
adjustment and tabulation	۹۹	تعدیل و تقویم [هیئت]

تعدیل کردن	۶۱	adjust
تعذیب (نیز ← عذاب)	۴	agonizing
	۳۱	punishing
تعرفه (اق.)	۱۲۰، ۱۲۹	tariff
تعرق	۱۲۹	transpiration
تعریب	۱۲۰، ۱۲۱	Arabicizing; translation into Arabic
تعریض	۴ ـ ۸۰	allusion
تعریض (بع.)	۱۲۸	irony
تعریف (منط.)	۱۷،۹۵،۹۷،۱۰۲،۱۲۸	definition
تعریف اسمی	۱۱، ۹۴	nominal definition
تعریف المجهول بالمجهول	۱۲۸	ignatum per ignotius
تعریف بالاشاره	۱۱	ostentatious definition
تعریف به تجرید	۹۴	definition by abstraction
تعریف به حد	۱۱	essential definition
تعریف دوری	۹۴	circular definition
تعریف به رسم	۱۲۸	descriptive definition; definition by description
تعریف ضمنی	۹۴	contextual definition
تعریف لفظی	۱۰۲	literal definition
تعریه (عرف.)	۱۰۸	spiritual nudity
تعزیر (فق.)	۴۷، ۸۵	discretionary punishment
	۴۲	discretionary correction
	۳۱، ۴۲	punishment
	۸۰	arbitrary punishment
تعزیه	۳۱، ۴۵	mournig for the dead
	۲۷، ۴۲، ۴۵	passion play (concerning the martyrdom of Shia Imams)
تعصّب	۲۸، ۳۱	bigotry

	۴۲، ۹۵، ۱۱	fanaticism
	۳۱	zeal
	۱۱	prejudice
تعصّب دینی	۱۱	religious prejudice
	۴۲	religious zeal; religious fanaticism
تعطیل (کلـ.)	۲۱	nullification
	۸۰	negative theology
	۱۰۲	agnosticism
	۴۵	emptying ; devesting (God of all attributes)
تعظیم [مشتقات این مصدر در قرآن مجید به کار رفته است.]	۹۰، ۸۷، ۵۷	glorification
	۳۱	veneration
تعفّف (قرآنی)	۱۰۰	abstinence
	پ	chastity
تعقّلی	۴۴	conceptual
تعقید (ادب.)	۱۲۰	obscurity; complication
	۱۲۸	hyperbaton
تعقید لفظی (بع.)	۱۲۸	cacosyntheton; care syntheton; male collocatum
تعقید معنوی (بع.)	۱۲۸	metalepsis; transumptio
تعلّق	۱۰۸	connection; attachment
تعلّق الکَونیّه	۱۰۸	worldly attachment
تعلیق	۸۰، ۸۶	suspension
	۸۰	gloss; hanging together
تعلیق مجازات (حقـ.)	۶۱	probation
تعلیل (فلـ. کلـ.)	۸۰	causal inference
	۹۳	causal interpretation
	۳۱	causation

argumentation	۱۲۱	
aetiology [= etiology]	۲۶ ـ ۱	تعلیل (بع.)
education	۴	تعلیم
teaching	۴، ۹۵، ۳۰	
instructing	۶۴	
indoctrination	۱۶	
didactic	۱۳	تعلیمی
rational laboring	۱۰۲	تعمّل (ذهنی)
putting on a turban	۳۱	تعمّم [= عمامه بستن]
generalization	۱۲۰، ۹۵، ۱۱	تعمیم
amulet ; charm	۳۸	تعویذ
substitution	۹۴	تعویض (منط.)
engagement	۳۱	تعهد (نیز ← تعاهد؛ معاهده)
individuation	۱۰۸	تعیّن (فل.) (نیز ← لاتعیّن)
determination	۱۰۲،۹۵،۴۶،۱۱	
determinateness	۱۱	
specification	۱۱۸	
eternal specification	۱۱۸	تعیّن سرمدی
phenomenalization	۳۴	تعیّن (عرف.)
determination	۱۱	تعیین
appointment	۱۲۰	
assignment; specifying	۳۱	
identification	۶۱	تعیین هویّت (حقـ.)
Mutual Fraud	۱۰۰، ۸۸	تغابن [سوره]
Mutual Disillusion	۸۷	
Loss and Gain	۷	
Defrauding; Mutual Deception	۳۱	
banishment	۳۸	تغریب [تبعید]
erotic poetry	۳ ـ ۸۰	تغزّل (ادب.)

تغنّی	۱۱۳	musical chanting
تفاخر (قرآنی)	۱۰۰	boasting
	۳۱	boast
تفاضل (رضـ.)	۱۲۹	difference
تفأل (نیز ← فال؛ تطیّر)	۳۷	divination
	۱۲۰	bibliomancy
	۱۲۰، ۳۱	augury
	۱۲۰	bibliomancy
تفتیش	۵ ـ ۸۰	investigation
	پ	inquisitiveness
تفتیش عقاید	۸	persecution of beliefs
	پ	inquisition
تفخیم (مقـ. اماله)	۳۱	pronouncing (a letter) full or open
تفرد (عرفـ..)	۱۲۰	isolation
	۱۲۰، ۳۱	singularity
تفرقه	۹۰	separation
	۲	division; disunity
	۲۱	dispersion
	۴	schism
	۲۸	parting
تفرید (عرفـ.)	۹۰، ۲۱	separation
	۱۱	individualization
	۵۸	aloneness
	۳۱	leading a solitary life; retiring
تفریط (قرآنی) (نیز ← فرط؛ افراط)	۶۹، ۷	neglect
	۳۴	defect
تفریع	۱۰۸	ramification
تفریق (قرآنی)	۵ ـ ۸۰، ۴۵	dispersion
	۱۰۰	dividing

dissolution of a marriage	۸۵	
substraction	۱۲۵	تفریق (رضـ.) [= منها کردن]
explanation	۲۶، ۴۵، ۴۲، ۲۲	تفسیر (قرآنی)
exposition	۱۰۰	
commentary	۴۵، ۴۲، ۳۱	
interpretation	۱۱۳، ۹۹، ۳۱	
(Quranic) commentary	۴ ـ ۸۲	
exegesis	۳۷، ۴۲	
explication	۹۵	
interpretation of Qur'an by personal opinion	۲۳	تفسیر به رأی
patent explanation	۲ ـ ۲۶	تفسیر جلی (بع.)
latent explanation	۲ ـ ۲۶	تفسیر خفی (بع.)
interpretive	۱۱	تفسیری
calling one profligate	۳۱	تفسیق [نسبت فسق به کسی دادن]
detailed specification	۸۱	تفصیل (قرآنی)
distinguishing	۱۰۰	
details of the theory	۱۰۴	تفصیل المذهب
excellence	۷	تفضیل (قرآنی)
respective merits; hierarchical order	۸۰	
prefering	۱۰۰	
review	۱۰۰	تفقّد (قرآنی)
(to) become learned	۱۰۰	تفقّه (قرآنی)
(to) obtain understanding	۸۷	
meditation	۸۲، ۵۸	تفکّر (قرآنی)
contemplation	۴۲	
thinking	۱۱	
cogitation	۱۰۶	

تفلسف	۴۶	philosophize
تفلسف کاذب [فلسفه پردازی، فلسفه بافی]	۹۵	philodoxy
تفویض (قرآنی)	۱۰۰	entrusting
	۹۰	submission; renunciation
	۳۱	consigning; confining
	۴۲	surrender; resignation
	۶۱	handing over
تفویض اختیار (حقـ.)	۷۷	delegation (of authority)
تفویض قدرت (حقـ.)	۶۳	delegation of powers
تفویض قضائی (حقـ.)	۶۳	delegation of powers by justice
تقابض (فقـ.)	۸۵	taking possession reciprocally
تقابل	۱۱،۹۵،۹۸،۱۰۲،۱۲۹	opposition
	۱۰۴	antithesis
تقابل منطقی	۱۱	logical opposition
تقارب	۹۵	convergency
	۱۲۵	convergence
تقارن (منط.)	۹۴ ،۱۲۹	symmetry
تقاص [= قصاص]	۱۲۰	retaliation; vengeance
تقاضا	۷۵	demand
تقاضانامه (حقـ.)	۶۱	written application
تقاعد	۱۲۱	retirement
تقدّس	۱۱	sacredness
	۱۵	inviolability
تقدّم	۴۲ ،۱۰۴ ،۱۰۵	priority
	۴۲	anteriority
	۱۰۷	approach
تقدّم الباری	۱۰۴	God's priority
تقدّم بالذات والرتبه	۱۰۴	priority in essence and rank

تقدمةالمعرفه (پز)	۱۲۰	prognosis
تقدیر (قرآنی)	۸۷	measuring
	۱۰۰	ordaining
تقدیر (کلـ. فلـ.)	۴۲	destiny; predestination
	۹۳	divine pre-ordination
	۱۱	fate
	۱۰۴	supposition
	۸۰	determining the proportions
تقدیرالله	۳۸،۱۰۴	the Decree of God
	۱۰۳	Predestination of God
تقدیر حادث	۱۰۴	event
تقدیس (قرآنی)	۱۶	sanctity
	۸۷	santify
	۴۲	sanctification; canonizing
تقدیم اعتدالین (نجـ.)	۷۴،۳۶،۱۲۵	procession of the equinoxes
تقرّب	۶،۷۳	proximity
	۹	affinity
	۳۸،۴۲	striving to draw near
	۳۸	seeking admittance
تقرّب الی الله	۱۰۴	seking to be nearer to God
تقرب جستن (به حق تعالی)	۱۰۳	draw nigh to God; gain access (to God)
تقرّر	۱۰۸	establishment
تقریب	۱۰۲ ،۱۲۹	approximation
تقریر	۱۱۹	acknowledgement
	۹۵	assertion
	۸۱	stipulate
تقریر [به معنای بازنوشت شرح درسها]	۳۱	account; exposition

تقریظ	۲۷	introduction
	۳۱	review
	۱۲۰،۱۲۱	eulogy
	۱۲۰	commendation
تقسیم (رضـ.)	۱۰۸	division
تقسیم المعنوی	۱۰۸	division in meaning
تقصیر	۱۱۳	negligence
	۴	fault
تقصیر (فقـ.) [یکی از اعمال حج است. حاجی باید موی سر و تن و ناخن خود را کوتاه کند و پس از فراغت از حج جامهٔ خود را بشوید و آن را سفید نماید. فرهنگ معین- اسم فاعل جمع این کلمه به صورت مقصِّرین در قرآن به کار رفته است.]	۷	hair cut
	۱۲۱	shortening, curtailment
تقطیر	۹۹،۱۲۱،۱۲۵،۱۲۹	distillation
تقطیع (عر.)	۱۲۸، ۲_۲۶	scansion, scanning
تقطیع عروضی	۱۲۸	quantitative scansion
تقلید (نیز ـ مقلد؛ مجتهد؛ اجتهاد)	۲۷،۲۹،۳۱،۸۶،۹۵	imitation
	۴۲	following; imitating
	۵۳	unconditional following
	۶۸	adherence to the exemplary model
	۳۸	following a religious leader
تقلید از میّت	۲۷	imitation of deceased authorities
تقلید کورکورانه	۲۹	blind imitation
تقمّص	۹۵	reincarnation
تقنین	۱۵	legislation

تقویٰ (قرآنی)	۴،۱۶،۵۷،۸۷،۹۰،۱۰۴،۱۰۷	piety
	۱۰۰	Godfearing
	۴	virtue
	۸۰ ،۸۲	reverent (reverential)
	۳۸	abstinence
تقویم [گاهنما؛ گاهشماری]	۳۶	almanac
	۱۲۵	calendar
	۸۲ _ ۵	astronomical table
تقویم [برآورد] (حقـ.)	۶۱	appraisal
تقیدّ	۱۰۲	being determined
	۱۰۸	determination
	۱۱	limitation; non-ostentatiousness
تقیّه (کلـ.)	۱۰۹	precautionary dissimulation
	۱۱	precautionary concealment (dissembling)
	۸۰	practice dissimulation
	۴۵	concealing of faith
	۵۸	concealment
	۴۵	caution; fear
	۹۳	circumspection
	۸۵	simulation
	۱۱۲	verbal denial of Islam when in danger of one's life
تقیید	۱۰۲	determination
تکاثر [سوره]	۱۰۰ ،۸۸	Rivalry
	۸۷	Rivalry in Worldly Increase
	۷	Multiplication of Wealth and Children
تکاثف	۳۲	becoming thick or dense; density
تکاثف (فلـ.)	۸۰_۳	condensation

تکافل	۵ـ۲	reciprocal responsibility
تکافل اجتماعی	۲۷	mutual social responsibility
تکافل عام	۵ـ۲	general reciprocal responsibility
تکافو (منط.) (نیز ← مکافئه)	۹۸، ۹۵	equivalency
تکامل	۱۲۰	equality
	۹۵	integration
	۱۱	development
	۱۲۱	perfection
تکامل روحانی	۱۱	spiritual development
تکامل عقلی	۱۱	intellectual evolution
تکبّر (قرآنی)	۷، ۱۰۳	pride
	۲۱	arrogance
	۱۸	vainglory
تکبیر (قرآنی)	۷	proclaim His greatness
	۷، ۱۰۰	magnifying
تکبیر گفتن (افقـ.)	پ	saying «Allahu Akbar»
تکبیرةالاحرام (فقـ.)	۲۷	inaugural phrase «God is Great»
تکدی [این کلمه عربی فصیح نیست، و به نظر اغلب فرهنگنویسان از کلمهٔ «گدا»ی فارسی ساخته شده است.]	۱۲۰	mendicity; begging
تکذیب (قرآنی)	۸۷، ۸۰ـ۳	denial
	۶۱	rebut, refute, deny
	۱۰۰	cry lies
	۶	attribute untruth
تکریم (قرآنی)	۸۷، ۲۹	honouring
تکفل (حقـ.)	۱۵	defraying
	۶۱	guaranteeing

تکفیر (فقـ. کلـ.)	۱۲۵، ۸۰، ۴۲	excommunication
	۴۲	interdiction
	۲۷	anathemisation
تکفین (فقـ.)	۳۱	shrouding (the dead)
تکلّف	۵۲	adulation
تکلّم (قرآنی)	۸۷، ۷	speaking
تکلیس [عملی درشیمی، حرارت دادن زیاد]	۱۲۵	calcination
تکلیف (قرآنی)	۴۲،۱۱۳،۲۴،۲۱	obligation
	۸۷	impose
	۱۰۰	charge
	۹۰	effort
	۲۴	responsibility
	۸۱	imposition of obligation
تکلیف شرعی	۴۲، ۲۱	religious obligation
تکلیم (قرآنی)	۸۷،۷	speak
تکمله	۸۰	completion; sequel
	۱۲۱	supplement
تکوّن (فلـ.)	۱۲	generation
تکویر [سوره]	۷	The Covering up
	۸۸	The Veiling
	۱۰۰	The Darkening
	۸۷	The Overthrowing
تکوین (فلـ.)	۹۹، ۸۰، ۵۳	creation
	۹۵، ۴۲	genesis
	۱۱۳، ۱۰۶	bringing into being
	۱۱۹	bring into existence
	۹۹	generation
	۴۵	making to be

	۹۰	making
	۵۳	act of creating
تکوینی	۴۴	genetic
تکیّف	۹۵	adaptation
تکیه	۴۵	monastery
تکییف	۹۰	qualification
تلازم (کلـ.)	۱۰	necessary interrelation
تلازم (منط.)	۹۷	cohesion
	۹۸	equipollence; mutual implication
تلازم شرطیات (منط.)	۹۷	cohesion of hypotheticals
تلاقی (قرآنی)	۷ ،۸۷	meeting
تلاوت (قرآنی)	۷،۸۷،۸۰ _ ۴	reading
	۴۲	chanting the Quran; recital of the Quran
	۶ _ ۲	recitation
	۶۴	rehearsing
تلاوت کردن	۶	recite
	۶۴	rehearse
تلبیس	۲۱	concealment
	۳۱	covering; concealing (the truth)
	۳۴	self conceit
	۶۱	guile
تلبیه (فقـ.) (نیز ← لبیک)	۴۲	standing for orders (in Pilgrimage)
	۳۱	saying labbaika
تلخیص	۹۳	compendia
	۱۳	epitom
تلف (فقـ.)	۱۲۳	damage; harm;injury
تلفّظ	۱۲۰	pronunciation
تلفیق	۸۵	combine the doctrines of more than one school

	۸۶	piece to gether
تلقّی (قرآنی)	۸۷، ۱۰۷	receive
تلقیح	۱۲۵	inoculation
تلقین	۴۲	instructing; a funeral rite
	۲۹	indoctrination
	۱۶، ۱۲۵	suggestion
تلمیح (بع.)	۲۶_۲	allusion
تلمیذ	۱۲۳	student; pupil; apprentice
تلویح	۱۲۱	alusion; intimation
تلویحات	۱۳	intimations
تلوین (تصـ.)	۶۶	chang
تماثل	۵۶	resemblance
	۱۰۲	sharing one species
	۹۵	analogy
تماثیل (قرآنی)		images
تماشاخانه	۱۲۹	theatre
تمامیّت (منط.)	۹۴، ۴۰	completeness
تمامیّت بیانی	۹۴	expressive completeness
تمامیّت قیاسی	۹۴	deductive completeness
تمانع (کلـ.)	۱۰	mutual hindering
	۱۰۶	mutual hinderance
	۹۹	mutual antagonism
تمایز (منط.)	۹۴	diversity
تمتع (قرآنی) (نیز ← حج اکبر)	۳۸	reaping advantage
	۷	enjoy
	۶۱	enjoyment
	۱۱۳	indulgence
تمتیع (قرآنی)	۷	make provision
	۸۷	provision

Term	Pages	English
تمثال (هنـ.) (نیز ← تماثیل)	۷۸	image; portrait
تمثیل (منط.)	۹۷	example
	۱۲۹،۱۰۸،۸۰،۱۱	analogy
	۵ ـ ۸۰	assimilation of one thing to another
	۹۶	allegory
	۱۰۵	comparison
	۳۴	illustration
تمثیلی	۳۴	allegorical
تمحیص (قرآنی)	۸۷، ۱۰۰	prove
	۷	purge
تمجید	۳۱	glorifying; the glorification of God
تمدّن	۲۹	civilization
	۹۹	urbanization
	۶۹	civilized life
تمدید	۶۱	extention
	۶۳	prolongation
تمرّد	۳ـ۸۰	rebellion
	۶۱	obstinacy
تمساح	۱۲۶	crocodile
تمکّن (کلـ.)	۱۰	inhabitation
تمکین (قرآنی)	۲۱	fixity; steadfastness
	۱۰۰، ۷	establish
تملّق (اخـ.)	۱۲۰	flattery
تملّك (فقـ.)	۹۵	appropriation
تملیك (حقـ.)	۶۱	giving possession
تمنی (قرآنی)	۱۰۰، ۹۷، ۷	long for; whining
تمهید (قرآنی)	۳۱	preparation; disposition
	۷	adjust affairs

تمیّز	۱۰۲	distinction
تمیز دادن	۶	discriminate
تمیستیوس ← ثامسطیوس		
تمیمه [بازوبند، تعدیذ، جمع آن: تمائم]	۱۲۱	amulet
تمییز	۸۰ ـ ۵	power of discrimination
تمییز (دسـ.)	۶۵	specification; explanation
تمییز عدد	۶۵	specification of number
تنازع احکام	۱۱	antinomy
تناسب (کلـ.)	۱۰، ۱۰۲	proportionality
	۱۰	relationship
تناسخ	۲۶،۴۵،۹۵،۹۹،۱۰۴، ۱۰۸	metempsychosis
	۴۵،۸۰،۵۶،۱۰۴	transmigration
	۵۶	reincarnation
تناظر (منط.)	۴۴، ۹۴	correspondence
تنافر (هنـ.)	۹۵	incompatibility
تنافس (قرآنی) (نیز ← متنافسون؛ منافسه)	۱۲۱	mutual competition; rivalry
	۸۷، ۱۰۰	strive
تنافی (فلـ. منط.)	۱۲۱	mutual incompatibility
تناقض (منط.)	،۹۵،۹۷،۱۰۲،۱۰۵ ۱۶،۹۴	contradiction
	۹۸	contradictory
	۱۰۴	incoherence
	۱۵	incompatibility
تناقض گویی (حقـ.)	۶۱	self contradiction
تناهی	۴۴، ۱۰۴	finitude
	۹۵	finitism
	۱۱	finiteness

تناهی الجسم	۱۰۴	finitude of body
تنباکو [به عربی:تَبغ؛ و طَباق]	۱۲۶	tobacco
تنبوشه	۱۲۹	earthenware pipe; clay pipe
تنبیه	۲۱ ،۳۱	admonition
	۸۰	indication
	۹۷	warning
تنجیم [اخترگونی، نجامت، احکام نجوم که طریقه‌ای برای غیبگونی بر مبنای اوضاع و حرکات کواکب است. با علم نجوم یا اخترشناسی astronomy اشتباه نشود]	۱۲۱ ،۱۲۵	astrology
تنخواه (اقـ.)	۳۱	cash
	۱۲۰	funds
تندیس (هنـ.)	۷۸	sculprute; statue
	۱۲۹	figure; image; statue
تنزل (قرآنی)	۱۰۸	descend
	۷،۸۷	bring down
	۷۷	demotion
تنزل مقام [= تنزیل مقام]	۷۷	demotion; downgrading
تنزّه	۸۵	religious scruple
تنزیل (قرآنی)	۴۱،۸۱،۸۷	revelation
	۸۱،۸۸،۱۱۳	sending down
	۸۱	what has been sent down
تنزیل (اقـ.)	۷۵	discount
تنزیه	۱۱،۲۱،۸۰	purification
	۱۰۳،۵۹،۴۲	transcendence
	۱۱۳	elevation (of God)
	۷۹	incomparability
	۳۴	God's remoteness

	۱۰	deanthropomorphization
	۴۵	removal; keeping (God) pure
	۴۲	establishing transcendence of God
تنزیه صرف	۶۹	absolute removal
تنسک	۳۱	devotion
	۱۲۱	devoutness
تنسیق	۳۱	arranging
تنسیق الصفات (بع.)	۲۶_۲	arrangement of attributes
	۱۲۸	symphoresis; synathroesmus; accumulatio; congeries; heaping figures
تنصیص (نیز ← منصوص علیه)	۱۲۱	appointment; specify
تنعم	۳۱	prosperity
	۳۸.۱۶	luxury
تنفیذ	۹۵	execution
	۳۱	transmitting (an order or letter)
تنفیذ کردن (حقـ.)	۶۱	authorize
تنفیل [نافله]	۴۲	supererogatory
تنقیح	۱۲۱	checking; (re-) examination; revision; correction
تنقیح کردن (حقـ.)	۶۱	expurgate
تنکه سازی (معمـ.)	۱۲۹	panel work
تنگهٔ جبل طارق (جغـ.)	۱۹	Strait of Gibraltar
تنّور (قرآنی)	۸۰ .۸۷	oven
	۱۲۹	kiln
تنویع [تقسیم به انواع]	۹۵	specification
تنوین (دسـ.)	۳۱	nunnation
توّاب [التّواب توّاب اسم الهی] (قرآنی)	۸۰	The Repentant

	۴۵	The Repenter
	۶۴،۸۷	The Relenting
	۸۷	Ever -Relenting
	۶۴	oft- returning
توابین [عده‌ای از شیعهٔ کوفه که چندسالی پس از واقعهٔ کربلا از قصور و تقصیری که در یاری امام حسین(ع) کرده بودند، تائب و پشیمان گشتند... ← دایرةالمعارف فارسی]	۴۲	Penitents
تواتر (حد.)	۸۰،۵	successive transmission
	۱۱۳	unbroken transmission
	۱۰۹	wide scale
تواجد (تصـ.)	۴۶	hyperemotionalism
توارث (فقـ.)	۲۹، ۴۲	inheritance
نظام توارث.	۲۹	the law of inheritance
توارد (ادب.)	۳۳	coincidence
توازی (فلـ.)	۱۰۲	sharing one position
تواضع (اخـ.)	۵۷، ۹۰	humility
	۹۵	modesty
توالد (نیز ← تولید مثل)	۳۱	begetting; propagating
توالی	۴۲،۱۵	succession
	۹۵،۱۶	sequence
توالی منطقی	۱۶	coherent sequence
توالی نسلی	۱۵	succession
توبه [سوره]	۸۰،۸۵،۸۷،۸۸،۱۰۳،۱۱۳	Repentance
توبه (نیز ← تائب) (تواب) (قرآنی)	۷	repentance
	۶۴	penance
	۳۱	penitence

توبهٔ نصوح (قرآنی)[= توبةً نصوحاً]	۲۱،۱۰۰	sincere repentance
	۳۱	sincere, unrelapsing penitence
توبه کردن	۶ ،۱۰۰	repent
	۸۷	relent
توبیخ رسمی (حقـ.)	۶۱	reprimand
توتون	۳۱	tobacco
توتیا (پز.)	۱۸	collyrium
	۵۲	salves
	۳۱ ،۱۲۰	tutty
توثیق	۱۲۱	consolidation; authentication
	پ	authorization
توجیه	۱۱	justification
توحّد	۴	unification
توحید (کلـ.)	۱۶،۴۵،۸۰،۸۲،۱۰۸،۱۰۹،۱۱۱	Unity (of God)
	۵۷،۸۰،۱۰۳،۱۰۶	Divine Unity
	۲ ،۹۹ ،۱۱۳	Oneness (of God)
	۱۶،۴۱،۸۰ ،۲۳	monotheism
	۹۰ ،۱۰۲	unification
	۳۴	unitarianism
	۲۹	theism
توحید افعالی	۱۰۲	Unity of Divine Acts
توحید خالص	۲۳	pure monotheism
توحید ذات	۱۰۲	Unity of the Divine Essence
توحید علمی	۱	monotheism in belief
توحید عملی	۱	monotheism in deeds
توحیدی	۴۴	theistic
تودیع	۲۵	farewell
تورات (قرآنی)	۴۲،۴۳،۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۰	Torah [Pentateuch; Sefer Torah]

	۱۵	Mosaic Law
تورّم (پز.)	۱۲۰	inflammation; swelling
تورّم (اقـ.)	۶۱	inflation
توروس ← صور (شهر)		
توریه ← ایهام		
توسّل	۲۹	supplicating; imploring for help
توسّم [اسم فاعل جمع این کلمه به صورت متوسّمین در قرآن به کار رفته است.]	۱۰۹	immediate recognition
توشیح (ادب.)	۱۲۸	acrostic; mesostich
توفال (معمـ.)	۷۸،۱۲۹	batten; lath; wood lath
	۱۲۹	ceiling batten; stud; roof batten
توفال‌کوبی (معمـ.)	۷۸،۱۲۹	lathing
	۱۲۹	lath
توفیق (قرآنی)	۲۱	success given by God
	۱۰۰	succour
	۸۰،۲	Divine aid
	۵۸	Divine succor
	۵۷	Divine assistance
	۸۷	welfare
	۴۲	grace; favor
توقیت (کلـ.)	۷۹	subjection to time
توقیع (نیز ← طغرا)	۱۲۰	signature; seal; decree
توقیف اموال (حقـ.)	۶۳	extent of property
توقیف اموال غیرمنقول (حقـ.)	۶۳	attachment on real estate
توقیف اموال منقول (حقـ.)	۶۳	seizure of movable property
توکّل (قرآنی)	۷،۵۷،۸۰،۹۰،۱۰۳،۱۱۳	trust
	۵۸ ،۸۰	confidence
	۴۲	confidence in God; reliance

	۸۰، ۲۵	resignation to (the will of) God
توکّل کردن	۱۰۰	put trust in (God)
	۲	rely on (God)
	۱۰۳	trust in God
تولّد (فلـ. کلـ.)	۹۳، ۱۰	generation
	۱۰۴	development
تولد و ← طلیطله		
تولیٰ (قرآنی)	۸۷	take for friend
	۳ ـ ۸۰	declare one's solidarity with...
تولیت (فقـ.)	۳۱	trusteeship
	۶۱	custodianship
تولید (اقـ.)	۲ ـ ۵	production
تولید مثل (نیز ← توالد)	۱۱	reproduction
	۲۹	procreation
تومار ← طومار		
توهّم	۱۶	misconception
	۸۳	unfounded assumption
	۳ ـ ۸۰	supposing
توهین	۶۱	affront
توهین به مقدسات	۱۲۰	sacrilege
تویزه (هنـ.)	۱۱۵	rib
تویزه‌های درهم رفته (معمـ.)	۱۱۵	interlacing ribs
تهاتر (فقـ.)	۸۵	conflict of equivalent testimonies
تهاتر (اقـ.)	۲ ـ ۵	barter
تهاتر (باز.)	۶۳	compensation; clearing
اتاق تهاتر. (باز.)	۶۳	clearing - house
تهافت	۵۷	incoherence
تهجُد (قرآنی) (فقـ.)	۴۵	keep a vigil; perform the night salat; nightly recitation of the Koran

Persian	Page	English
تهجّی	۱۲۰	spelling ; orthography
تهدید (حقـ.)	۶۳	intimidation
	۱۲۰	threat
تهذیب (اخـ.)	۴، ۱۰۷	refining
	۶۷	refinement
	۱۲	purification
تهذیب اخلاق	۹۳	cultivation of morals
	۶۷	refinement of character
	۶۹	ethics
تهذیب صفات	۶۹	refining the attributes
تهذیب نفس	۱۲	purification of the carnal soul
تهذیب کردن	۴	refine
	۲۹	edify
تهستون (معمـ.)	۱۲۹	column base
تهکم (بع.) [= استعاره تهکمیه]	۱۲۸	antiphrasis
تَهْلُکَه (قرآنی)	۱۰۰	destruction
تهلیل (لااله الاالله گفتن)	۳۸	the ejaculation «la ilaha illallah!»
تهمت (حقـ.)	۶۱	accusation; charge
تهمت متقابله (حقـ.)	۶۱	counter charge
تهمت زدن	۱۵	denigrate
تهنیت	۳۱، ۱۲۰	congratulation
تهوّر (اخـ.)	۵۷	rashness; recklessness
تهوع (پز.)	۱۲۰	nausea
تیر (معمـ.)	۱۲۹	beam; mast; joist; post; girder
تیراندازی ← رمایه		
تیر حمّال (معمـ.)	۱۲۹	supporting beam
تیره [در طبقه‌بندی ایلی]	۸۰ـ۴	oba
تیسفون (جغـ.)	۱۹، ۹۹، ۱۱۵	Ctesiphon
تیسیر (قرآنی)	۸۰ـ۵	God's preparing

	۷،۸۷	make easy
تیمچه	۱۲۹	passage; commercial building
تیمّم (قرآنی) (فقـ.)	۲۰	dry ablution
	۷	betake to earth
	۸۰ ،۱۱۳	ablution with sand
تیمّم کردن (فقـ.)	۱۰۰	have recourse to dust
	۱۴	make ablution in sand
تیمّن	۴۶	blessedness
تیمور لنگ	۳۷	Tamerlane
تین [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰	The Fig

ث

ثابت	۱۰۷	**stationary**
	۱۰۲	**subsistent**
	۵۳	affirmed
ثابت (منط. رضـ.)	۹۴	constant
ثابت (فلـ.)	۸۰	positive
ثابت (حد.)	۸۳	well-authenticated
ثابت‌العین (فلـ.)	۱۰۲	self subsistent
ثابت منطقی (منط.)	۹۴	logical constant
ثار [= ثأر] (فقـ.)	۱۲۲	blood - revenge
ثامسطیوس	۱۲۵	Themistius
ثبات	۸۰، ۲۹	stability
	۱۱	fixity
	۹۵	perseverance

	۵۷	fortitude
ثبت اسناد	۱۲۰	registration of documents
ثبت املاک	۱۲۹	land register
ثبوت	۵۳	affirmation
	۱۰۳	subsistence
	۱۱	positiveness
ثبوتیه	۵۶	affirmed
صفات ثبوتیه.(کلـ.)	۴۲	positive attributes
ثریا (نجـ.) [=پروین]	۵۲	Pleiades
ثرید [=ترید]	۵ ـ ۸۰	broth
ثعبان (نجـ.)	۳۵	Thuban
ثعلب (داءالثعلب) ← داءالثعلب		
ثغورالجزیره	۸۰	Mesopotamian marches
ثغورالشام [= ثغور شامیه]	۸۰	Syrian marches
ثقافت رأی (اخـ.)	۵۷	penetration of idea
ثقل	۱۲۹	gravitation
ثقل الاصغر (کنایه از اهل بیت)	۱۱۳	The Lesser Weight (the people of The House of the Prophet)
ثقل الاکبر (کنایه از قرآن)	۱۱۳	The Greater Weight (the Quran)
ثقلان [= ثقلین] (قرآنی)	۳۱	Mankind and the jinn [= gennii, fairy]
	۱۰۰	weights
ثقل سنجی (جغـ.)	۷۴	graimetry
ثقه (حد.)	۸۰ .۸۵	trustworthy (person)
	۴۵	reliable
ثلاثی مجرد (دسـ.)	۲۸	triliteral [Arabic root]
ثمن (قرآنی)	۷.۴۵.۸۰.۸۵.۸۷.۹۵	price
ثمن المثل	۲ ـ ۸	habitual price of something equivalent
ثمن بخس (قرآنی)	۱۰۰	paltry price

ثنا	۱۰۳، ۴۵	praise
	۲	eulogy
	۳۱	eulogium
ثنوی	۲۱	dualist
ثنویت (کلـ.)	۱۱	duality
	۹۵، ۴۵، ۱۶	dualism
ثنویگری ← ثنویت		
ثواب (قرآنی)	۱۰۴،۹۶،۹۰،۸۷،۸۱،۲۳	reward
	۲۱	recompence
ثوابت (نجـ.)	۳۷	fixed stars
ثواب دادن	۲۹	recompensate
ثور (نجـ.)	۹۹و ۳۶	Taurus
الثورة [= انقلاب]	۱۲۳	revolution

ج

جائر	۴۷	tyrant; tyrannical; illegitimate
جائز (فقـ.)	۴۵	current; allowable; permissible
	۱۱۵	tolerated
جائز (فلـ. برابر با ممکن)	۴۲، ۹۷	contingent
جائز (مقـ. لازم)	۶۱	voidable
جائزالخطا	۶۱	fallible
	۴۴	falsible
جائزالوجود (منط.)	۹۸	possible
جاثلیق [یونانی کاتولیکوس، عنوان رئیس مذهبی در بعضی	۱۲۵	Catholicos

کلیساهای شرقی... به قول بعضی مآخذ اسلامی مقامات روحانی پایینتر از جاثلیق بترتیب بطرك (بطریق)، مطران، اسقف، قسیس (کشیش) و شمّاس بوده است. *دایرةالمعارف فارسی*]

جاثیه [سوره]	۱۰۰، ۸۸	Hobbling
	۸۷	Crouching
	۷	The Kneeling
جاچراغی	۱۲۹	lamp holder
جادو ← سحر		
جاده	۱۲۹	roadway
جاذبه	۱۲۰	attraction; gravity
جاذبه و دافعه	۴	polarization
جار (فقـ.) (قرآنی)	۸۷، ۴۲، ۷	neighbour
	۸۸	protected neighbour
جار (اعلام همگانی یك خبر)	۱۲۰	proclamation
جاری (نیز ← آب جاری)	۵ ـ ۸۰	flowing
جاریه (فقـ.)	۸۵، ۸۰،۴۵،۴۲	female slave
	۴۵	slave girl
جاسوس	۱۰۳	spy
جالوت (قرآنی)	۱۱۲، ۱۰۰،۸۷،۸۰،۴۵،۷	Goliath
جالینوس	۱۰۳،۹۹،۸۰،۲۶	Galen
جام جم (قصـ.)	۵۵، ۱۸	goblet of Jam (Jamshid)
	۲ ـ ۸۰	magic cup
جام جهان نما (قصـ.)	۵۵	world - revealing bowl
	۴۴	crystal ball
جامد (دسـ.)	۶۵	primitive
جامد (مقـ. مایع و گاز)	۱۲۰	solid

English	Page	Persian
The Assembler	۸۰	جامع [الجامع] (اسم الهی) (غیرقرآنی)
The Assembler of all again at the Last	۴۵	
consistent	۱۰۸	جامع
mosque	۲۵	جامع [مسجد]
connecting link	۹۷	جامع (منط.)
qualified	۸	جامع الشرایط
fully qualified	۶۱	
encyclopedia	۳۱	جامع العلوم
comprising all perfection	۳۱	جامع الکمالات
thalweg	۱۲۹	جامع المیاه
Gatherer of men	۷	جامع الناس (اسم الهی) (قرآنی)
syllogism	۴۰	جامعه (فلـ.)
society	۲۷، ۱۱	جامعه [اجتماع]
community	۴	
sociology	۷۵	جامعه شناسی
comprehensiveness; totality	۴۴	جامعیّت
soul	۳۴،۹۲،۱۰۳،۱۱۱	جان
life ; spirit	۱۰۳	
		جانّ ← جن
the beloved	۳۴	جانان
self - sacrificing	۴	جان بازی
guard rail; hand rail; parapet; railing; safety fence	۱۲۹	جان‌پناه (معمـ.)
give up one's life	۱۰۳	جان دادن (نیز ← احتضار)
yeild (surrender) one's life	۱۰۳	جان سپردن
successor	۱۰۹، ۴	جانشین [خلیفه]
succession	۱۲	جانشینی (نیز ← خلافت؛ استخلاف)

جانماز	۱۱۴	prayer carpet
	۴۲	prayer - mat
جانورنگاری (هنـ.)	۱۱۵	zoomorphic
جانی	۶۱	criminal
	۳۱	sinner
جاودانگی	۱۶	eternity
	پ	immortality
جاودانی	۴	eternal
	۲۹	immortal
جاه [معرب «گاه» فارسی است. ← فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی]	۲۲	worldly influence
	۱۴	prominence
	۲۵	dignity, rank
جاهل (قرآنی)	۶، ۱۰۳، ۷	ignorant
	۱۵	naive
جاهلی [عرب]	۳ ـ ۸۰	Pagan
	۴۵	a Pagan Arab
جاهلیت (قرآنی)	۸۷، ۳۱، ۲۱، ۷	Ignorance; Paganism
	۷۹	Age of Ignorance
	۱۰۰	Pagandom
جایز ← جائز		
جایزالخطا ← جائزالخطا		
جایزه	۳۱	gift, reward
	۱۲۶	prize; present
جُب (قرآنی)	۸۷، ۷	pit
جبائر ← جبیره		
جبّار [الجبّار] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۳، ۲۱، ۱۸	The Almighty
	۱۰۰	The All-mighty

English		Persian
All - compeller	۱۰۰	جبّار (قرآنی)
The Omnipotent	۴۲	
arrogant	۱۰۰	
opposer	۷	
potentate	۸۷	
the compeller	۲۹ ،۵۶	
Orion	۳۶ ،۱۲۵	جبّار (نجـ.)
Almightiness	۱۰۳	جبّاری
mountains	۷ ،۸۷	جبال (قرآنی)
coward	۴	جبان (اخـ.)
levying (of taxes)	۱۲۱	جِبایت [باج و خراج گرفتن]
collecting tributes	۳۱	
idol (s)	۷،۸۷	جبت (قرآنی)
		جبر (کلـ.)
compulsion	۱۰،۱۶،۴۵،۸۰،۹۰،۹۱،۱۰۳،۱۰۸	
predestination	۲۱،۴۵	
determinism	۱۶	
predestinarianism	۲۷	
momentum of time	۱۵	جبر زمان
compulsion (suffered by) the vulgar	۱۰۳	جبر عامّه
constraint and delegation	۲۴	جبر و تفویض
compulsion and delegation	۱	
algebra	۴۲ ،۹۵	جبر (رضـ.)
Gabriel	۲،۴۳،۱۰۰ ،۱۱۳	جبرائیل [قرآنی: جبریل]
amends	۶۱	جبران (حقـ.)
compensation	۱۲۰	
make up for the past	۶۱	جبران مافات کردن (حقـ.)
		جبرئیل ← جبرائیل
grandeur	۲۸	جبروت (کلـ. عرف.)

	۸۰	All - power; Ruling power
	۱۱۳	realm (world) of power
	۹۰	omnipotence
	۱۱۸	sovereignty
	۷۹	splender of His Power
	۱۰۲	world of pure intelligences; world of spiritual realities
جبری	۱۰۳	necessitarian
	۴۴	determinist; deterministic
	۱۶	irresistible
جبریّت	۹۵	fatalism
جبریل ← جبرائیل		
جبریّه	۳۸	Necessitarians
جبَل (قرآنی)	۷	mountain
	۱۰۰، ۸۷	hill
جبل طارق	۳۷	Gibraltar
جبلّة (قرآنی)	۸۷	generation
	۷	nation
جبلت (فل. کلـ.)	۲۵	nature; constitution
	۶۹	disposition
جبلت اوّل	۶۹	primary disposition
جبل موسی [طور]	۳۸	Mount Sinai; Mount of Moses
جبلّی	۱۲۰	in borne; innate
جبن (اخـ.)	۴	cowardice
جبّه	۲	apparel
	۱۴	robe
جبیره (فقـ.)	۱۲۱، ۳۱	splint; bandage
جبین (قرآنی)	۱۲۱، ۷	forehead
	۱۰۰	brow

جبهه (معمـ.)	۱۲۹، ۷۴، ۴۳	front
	۱۲۹	face; flank; front view
جحیم (قرآنی) (نیز ← جهنم)	۴۲	Hell
	۲۱	Hell - fire
جَدّ	۱۲۶، ۶۱	ancestor; grandfather
	۶	forefather
جداعلی	۶۱	great grandfather
جِدّ	۸۰ ـ ۴	serious, assiduous action
جدال (قرآنی)	۸۷، ۱۰۰	disputation
جدایی ← طلاق		
جُدَری ← آبله		
جدل (قرآنی)	۷	contention
جدل (فلـ.)	۹۹، ۹۵، ۴۰	dialectics
جدلی	۳۷	polemicist
	۵۶، ۱۱	dialectician
	۱۰۵	dialectical
جدول (معمـ.)	۱۲۹	border stone; curb; kerb
جدول (نجـ.)	۸۰	divination
جدول ستارگان (نجـ.)	۳۶	star catalogue
جدّه [شهر]	۱۹	Jiddah
جدّه [مادربزرگ]	۳۹	grandmother
	۶۱	ancestress
جِدَه (منط.)	۴۰	category of state
جَدی (نجـ.) [دهمین صورت فلکی در منطقه البروج]	۱۲۵، ۹۹	Capricorn (us)
	۹۹، ۳۴	Capricorn
جُدَی (نجـ.) [ستاره ای از صورت فلکی دبّ اصغر]	۳۶	Polaris
جدیدالمذهب	۴۲	proselyte; a new convert

جذام (پز.)	۵ ـ ۸۰	elephantiasis
	۱۲۶	leprosy
جذامی	پ	leper
جذب	۴	attraction
جذبه (تصـ.)	۴۶، ۴۲	trance
	۴	ecstacy
	۴۲	attraction
جذبه الهی	۴۲	Divine attraction; mystic trance
	۴	Divine Charisma
جذر [رضـ. ریشهٔ دوم]	۱۲۵، ۲۸	root; square root
جذراصمّ ← اصمّ		
جِذم ← قبیله		
جَرَب (پز.)	۸۰، ۷۱	dry scab
	۱۲۵	scabies; itch
جَرْبُزه (اخـ.)	۵۷	slyness
	۱۲۱	deception
جرّاثقال [ابزار]	۱۲۹، ۱۲۰	crane
جراثقال [علم]	۱۲۶، ۱۲۰	mechanics
جرّاح	۱۲۶، ۱۲۰	surgeon
جراحی	۱۲۶، ۱۲۰	surgery
جرثومه	۱۲۶	root; germ
جرجیس	۲ ـ ۸۰، ۴۲	St. George
جرح و تعدیل (حد.)	۴۵	wounding and authentication
جرح و تعدیل (حقـ.)	۶۱	adaption
جرح و تعدیل کردن (حقـ.)	۶۱	adapt
جِرز (معمـ.)	۱۲۹، ۷۸	pier
	۱۱۵	pillar
	۱۲۹	post; buttress
جَرَس	۱۲۱	bell

Persian	Pages	English
جرعه	۱۰۳	draught
جرکس ← چرکس		
جِرم (نجـ.)	۴۰، ۱۰۴	body
جرم‌الاقصی	۱۰۴	body of the first sphere
جُرم	۸، ۱۲۵	crime
	۶۳	felony
جَریْ (اصول فقه)	۴۱	applicability
	۱	to flow
جریده	۸۰ ـ ۴	register
	۱۲۰	newspaper; journal
جزا (قرآنی)	۸۷	reward
	۸۰، ۱۰۰	recompense
	۴۲	sanction (punishment or reward)
جزا (منط.، دسـ.)	۹۸	apodosis
	۱۲۸	
جزا دادن (نیز ← جبران)	۶	recompense
جزا دیدن	۲	be recompensed
جَزاف (فلـ.)	۱۰۲	vain act
جزاك الله	۳۱	May God reward thee
جزالت (بع.)	۱۲۸	synthesis; compositio
جزایر خالدات (جغـ.)	۱۹	Islands of Eternity
جزایی	۸	penal
جزء [درقرآن]	۸۷	part
جزء (منط.)	۱۱،۸۰،۸۷،۹۷،۹۸، ۱۰۵	part
	۹۲	constituent
	۱۱۱	element
جزء حقیقی یك مجموعه (منط.)	۹۴	proper subclass; proper subset
جزء لایتجزی (منط.)	۵۴، ۱۲۵	atom; a particle which is indivisible

جزء لاینفک	۱۱، ۱۲۹	integral part
	۹۷	part and all
جزء نامتجزی ← جزء لایتجزی		
جزء و کل	۱۱	part and whole
جزء یك مجموعه	۹۴	subclass; subset
جزئی (منط.)	۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۱	particular
	۱۰۵	individual
	۱۱	singular
جزئی اضافی	۹۷	relative particular
جزئی حقیقی	۹۷	veritable particular
جزئیّت (منط)	۹۴	inclusion
جزر (جغـ.) (مقـ. مدّ)	۷۴	low tide
	۱۲۶	ebb
جَزَع [فعل این مصدر یا اسم در قرآن به کار گرفته است.]	۷	impatience
	۱۲۱	anxiety; anguish, fear
جزم [جزم اندیشی]	۱۱، ۹۶	dogma
جزمی	۱۱	dogmatic
جزمیّت [وثوقیّت]	۹۶	dogma
	۹۵	dogmatism
جزو ← جزء		
جَزوع (قرآنی)	۸۷	fretful
	۱۰۰	impatient
جزیره	۱۲۶	island
جزیرةالخضراء	۴۲	Algeiras
جزیرةالعرب	۱۳	Arabia
	۸۰	Arabian Peninsula; «The Island of the Arabs»
جزیل	۱۲۶	abundant; much

English	Pages	Term
poll - tax	۲۲،۴۵،۸۰،۸۵،۹۹،۱۱۳	جزیه (قرآنی)
tribute	۴۲ ،۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۰،۱۱۲	
capitation	۴۲،۸۰	
undue daring or insolence	۵۷	جسارت (اخـ.)
watchful	۲ _ ۸۰	جسّاس
body	۱۰۳ ،۸۷ ،۷	جسد (قرآنی)
bridge	۵۶	جِسر
physique	۷	جسم (قرآنی)
bodily substance	۸۰	
stature		
body	۱۰۰،۸۰،۵۹،۱۰۳،۴۵،۱۰۵،۱۱۹	
physical being	۲۹	
corporial substance	۷۹	
first body	۱۱	جسم اوّل (فلـ.)
mathematical body	۱۰۲	جسم تعلیمی (فلـ.)
earthly body	۱۰۳	جسم خاکی
natural organic body	۱۰۵	جسم طبیعی آلی
subtle body	۲۱	جسم لطیف
material body	۱۱	جسم مادی
finite body	۱۰۴	جسم متناهی
body belonging to the world of similtudes	۱۰۲	جسم مثالی
astral body	۱۱	جسم نجمی
corporeal	۳۱	جسمانی
carnal	۲۲	
corporeality	۱۱	جسمانیّت
corporality	۱۰۷	
corporeal pleasures	۲ _ ۸۰	جسمیّات
materiality	۹۲	جسمیّت

فارسی	صفحه	English
	۸۰، ۱۱۴	corporeality
	۳ _ ۸۰	corporeity
جشن	۳۱	feast
جُعاله [با حرکات سه گانهٔ جیم]	۳۱	hire, price, fee
	۱۲۱	pay; wages
جعبه آینه	۱۲۹	mirror frame; show case
جَعل [مشتقات این مصدر در قرآن به کار رفته است.]	۱۰۲	making
	۱۲	forgery
جَعل المهیّه	۱۰۲	quiddity being made
جعل بالذات	۱۰۲	essential making
جعل بالعرض	۱۰۲	accidental making
جعل بسیط	۱۰۲	simple (non-composite) making
جعل تألیفی	۱۰۲	composite making
جعل ترکیبی ← جعل تألیفی		
جُعِلتُ فداك [= فدایت گردم، عبارتی که در نامه‌نگاری قدیم عربی و فارسی به کار می‌رفت.]	۱۲۱	could I but sacrifice myself for you
جُعْل	۱۰۲	reward for bringing back a fugitive Slave
جَعل کردن (حقـ.)	۶۱	concoct
جعلی	۱۲۰	forged; counterfeit
جغرافیا	۷۴	geography
جفا (خـ.)	۱۰۳	cruelty
	۹۰	tyranny
	۲۵	oppression
جفت (حسـ.) [مقـ. طاق]	۴۲	even number
جفت (منط.)	۹۴	dual
جَفر (علوم غریبه)	۴۲	science of numerical symbolism

Term	Pages	English
	۹۹	divination
	۴ _ ۸۲	esoteric science of letters
	۴ _ ۸۰	onomatomancy
جلا (هنـ.)	۷۸	glaze; glass; varnish
جلاء [= جلای وطن] (قرآنی)	۱۰۰	dispersal
جلابیب [= حجاب زنان] (قرآنی)	۱۰۰	veils
	۷	over- garments
	۸۷	cloaks
جلّاد	۱۲۶	executioner
جلاکاری (هنـ.)	۷۸	glazing
جلال (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۰،۱۱۳	majesty
	۷ ،۲۲ ،۸۷	glory
	۳۴	Divine Majesty and Wrath
	۱۱ ،۹۰	splendour
جلب (حقـ.)	۶۱	apprehension
جلّ جلاله [فقط در مورد خداوند به کار می‌رود.]	۶۶	Glory be to His Majesty
	۴۲	Great be His Glory
	۶	His Majesty is Glorified
جلد [پوشش سخت یا نرم کتاب]	۱۲۰	cover
جلد[مجلّدی از مجلّدات یك اثر]	۱۲۰	volume
جلد اندرونی (جلـ.)	۱۱۶	doublure
جَلْدَة (قرآنی) [تازیانه]	۸۷ ،۱۰۰	stripes
جلگه (جغـ.)	۷۴	plain
جلوخان (معمـ.)	۱۲۹	forecourt
جلودار	۳	vanguard
جلوس (تخ.)	۱۲۱	sitting; accession to the throne
جلوه (تصـ.)	۴	manifestation
	۱۰۳	unveiling

جلیل [الجلیل] (اسم الهی)	۴۵، ۸۰، ۹۰	The Majestic
(غیرقرآنی)	۹۶	Majestical
	۴۲، ۹۵	Sublime
	۱۰۳	Exalted
	۹۲	Glorious
جماد	۱۰۳	inanimate thing
جماد المطلق	۱۰۴	matter in general
جمادات	۴	inanimate bodies
	۱۰۶	solid bodies
جمادی	۳۱، ۱۰۳	inanimate (thing)
	۳۱	inorganic
جماع	۶۱	copulate
	۱۲۱	sexual intercourse
جماعت (نیز ← نماز جماعت)	۴۲، ۱۰۶	community
	۹۵	society
	۲۳	congregation
جماعت المسلمین	۴۷	The Muslim Community
جماعت خانه	۸۰ _ ۵	assembly and prayer hall
جمال (قرآنی)	۷، ۴۵، ۸۷، ۹۲، ۹۵، ۱۰۳	beauty
	۳۴	Divine beauty
جمال الأتَم	۱۰۴	the completest beauty
جمال باقی	۱۰۳	the lasting beauty
جمال ذوالجلال	۱۰۳	the beauty of Glorious One
جمال سرمدی	۱۱	eternal beauty
جَمْره (فقـ.) (نیز ← رمی جمره)	۴۵	lapidation; pebble
جمع [مقـ. تفرقه]	۸۰ _ ۵	combination; associating; assembling
جمع [مقـ. پریشان]	۱۸	carefree
	۴۵	reuniting

جمع (تصـ.)	۱۱۹، ۸۰، ۲۱	union
جمع (عرفـ.)	۲۸ ،۹۰	concentration
جمع (حسـ.)	۹۵	addition
جمع منطقی	۹۵	logical sum
جمع (دسـ.)	۶۵	plural
جمع الجمع (دسـ.)	۳۸	plural of a plural
جمع مؤنث سالم (دسـ.)	۷۰	sound feminine plural
جمع مذکر سالم (دسـ.)	۷۰	sound masculin plural
جمع مکسّر (دسـ.)	۷۰	broken plural
جمع منتهی الجموع	۱۲۰	double plural
جمع الاصول	۵ ـ ۸۰	Encyclopedia of Principles
جمع الاضداد	۶۶	gathering of opposites
	پ	coincidence of opposites
جمعه [نیز نام سوره‌ای از قرآن] [تلفظ قرآنی و عربی این کلمه به ضم اول و دوم است.]	۸۷،۸۸،۱۰۰	The Congregation
	۷	**Friday**
	۴۳	**Jumah**
جمعیّت [مقـ. پریشانی]	۱۰۸	**concentration**
	۵۶	coherence
جمعیّت خاطر	۲۵	ease of mind
جمعیّت	۷۵	population
جمعیّت فعال (اقـ.)	۷۵	working population
جمعیّت مطلوب (جغـ.)	۷۴	optimum population
جَمّ غفیر	۱۲۶	great number; crowd
جَمَل ← جنگ جمل		
جُمَّل ← حساب جُمَّل		
جمله (دسـ.)	۱۲۱	clause
	۶۵	sentence; proposition

	۸۰	phrase
جمله اِخباریه [= خبریه]		declarative sentence
جمله اسمیّه	۶۵	nominal sentence
جمله انشائیه	۱۲۱	exclamatory sentence
جمله حالیه	۱۲۱	circumstantial clause
جمله شرطیه	۱۲۱	conditional clause
جمله فعلیّه	۸۰	verbal phrase
	۶۵	verbal sentence
جمله معترضه	۱۲۱	parenthetical clause
جمود	۱۵	inflexibility; conventionalism
	۹۵	inertia
	۴ ـ ۸۰	stubbor conservatism
جمهور	۹۹، ۸۰، ۴۲	mass
	۸۰	population; generality
	۹۵	public
	۱۰۹	populace
	۱۰۶	multitude
جمهوری	۸	Republic
جمهوری اسلامی ایران	۸	Islamic Republic of Iran
جمهوریَت	۹۵	republic
جمیل (قرآنی)	۹۶	beautiful
جنّ [سوره]	۱۰۰،۸۸،۸۷، ۷	Jinn; genie
جناب		Excellency
جنابت (فقـ.)	۸۰، ۴۵	major ritual impurity
	۴۲	nocturnal pollution; ritual impurity
	۲۰	Janabah (sexual pollution)

جنّات ← جنت

جنات المأوی ← جنت المأوی

جنات النعیم ← جنت النعیم

Persian	Ref.	English
جنات عدن ← جنت عدن؛ عدن.		
جنات معروشات (قرآنی)	۱۰۰	trellised gardens
جُناح [قرآنی، این کلمه معرب «گناه» فارسی است. ← فرهنگ *واژه های فارسی در زبان عربی*]	۷	blame
	۸۷	sin
جنازه	۴،۴۵،۸۰	corpse
	۳۸ ،۸۰	bier
	۴۵	stretcher; funeral
جناس (بع.)	۸۰ _ ۵	paronomasia
	۱۲۸	pun; play upon words
	۲۶ _ ۲	word - play
جناس خطّی	۲۶ _ ۲	scriptory word - play
جناس قلب [= جناس مقلوب]	۱۲۸	sotadic ; sotadean ; palindrome
جناس مرکب	۲۶ _ ۲	compound word - play
جناس مطَرف	۲۶ _ ۲	partial or lateral word - play
جناس مقلوب ← جناس قلب		
جناس مکرّر	۲۶ _ ۲	repeated word - play
جناس ناقص	۲۶ _ ۲	defective word - play
جنان	۹۶	paradise
جنایت (حقـ. فقـ.)	۴ ،۴۲	crime
	۶۱	felony
	۴۲	offence committed against persons
جُنُب (فقـ.) (قرآنی)	۶۴ ،۸۷	polluted
	۱۰۰	defiled
جنّت (قرآنی) (نیز ← بهشت)	۱۰۳، ۸۷، ۷، ۶	Paradise
	۴۲ ،۱۰۰	Garden
	۵۵	Jannah

جنّت الخلد (قرآنی)	۳۸ ،۱۰۰	Garden of Eternity
جنّت الفردوس [فردوس اصل فارسی و اوستائی دارد و با الف و لام در قرآن مجید به کار رفته است. ولی «جنةالفردوس» به این صورت قرآنی نیست.]	۳۸	Garden of Paradise
جنت المأوی (قرآنی)	۸۰ ـ ۲	Garden of Retreat
	۳۸ ،۱۰۰	Garden of Refuge
جنّت النعیم	۷ ،۱۰۰	Garden of Bliss
	۳۸ ،۸۰ ،۸۷	Garden of Delight
جنّت عدن [= جنات عدن ـ درقرآن مجید، ترکیب «جنات عدن» یازده مرتبه به کار رفته است، ولی جنةعدن به کار نرفته است.]	۳۸	Garden of Eden
جنت محسوسه	۵۶	Sensible Garden
جنّت مکان	۱۲۰	resting in Paradise
جُنحه	۱۲۰	offense
	۱۲۰ ،۱۲۱	misdemeanor
جُند (قرآنی) [جمع این کلمه: جنود نیز کلمه‌ای قرآنی است]	۷ ،۸۷	host
جند بیدستر (پز. قدیم)	۷۱	castoreum
جنس (منط.)	۴۲،۸۰،۹۲،۹۵،۹۷،۱۰۵،۱۰۸،۱۱۱	genus
	۴۲ ،۸۰ ،۹۷	genre
	۸۰ ،۸۱	species
	۱۱۰	class
جنس الاجناس	۴۰	genus of genera
	۹۷	genus generum
جنس القریب	۵۶ ،۱۰۲	proximate genus

	۹۷	near genus
جنس بعید	۹۷	remote genus
جنس سافل	۴۲	lower genus
جنس عالی	۹۷	high (summum) genus
	۴۲	higher genus
جنس قریب ← جنس القریب		
جنس متوسط	۴۲	middle genus
جنس (دسـ.)	۱۲۸	gender
جنس حقیقی	۱۲۸	sex gender; natural gender
جنس خنثی	۱۲۸	neuter gender
جنس مؤنث	۱۲۸	feminine gender
جنس مجازی	۱۲۸	grammatical gender
جنس مذکر	۱۲۸	masculine gender
جنس مشترک	۱۲۸	common gender
جنسی	۱۲۱	sexual
جنگ	۷۳	fight
	۸۷	war
	۱۲	battle
جنگ جمل	۱۲	the battle of Camel
جنگ خندق	۸۴	the battle of the Ditch
	۸۷	the war of the Trench
جنگ فجار [از ریشهٔ فجور، جنگهای بین قبیله‌ای در عصر جاهلیت که تا اوایل عصر بعثت هم کشیده شد و چون ماههای حرام را رعایت نمی کردند، بدین نام خوانده شده است.]	۸۶	the Sacrilegious War
جنگهای صلیبی (نیز ← صلیبیون)	۳۷	Crusades
	۴۲	Crusade Wars

جنگیر	۱۲۰	exorcist
جنوب	۳۱	south
جنود (قرآنی)	۱۰۰	hosts
جنون (فقـ.)	۹۹، ۹۵، ۵۷	insanity
	۳۱	lunacy
	۱۲۰	madness; mania
جنین (فقـ.) [جمع این کلمه به صورت اجنّه، قرآنی است.]	۹۹، ۲۹، ۷	embryo
جنین ساقط شده (حقـ.)	۶۱	abortive foetus [= fetus]
جنین شناسی	۱ ـ ۲۶	embryology
جَوّ (قرآنی)	۱۰۰	air
	۱۲۵، ۷۴	atmosphere
جواد (نیز ← جود)	۱۰۴، ۹۰	generous
جوار	۱۱۹، ۱۱۸	neighbourhood
جوارح (اندامهای بدن)	۱۰	bodily organs
	۶	parts of body
	۷۹	members
جوارح (حیوانات شکاری، مانند سگ و باز و غیره) (قرآنی)	۸۷، ۷	the beasts and birds of prey
جواز (کلـ.)	۱۰	admissibility
جواز (فقـ.)	۳۱	permission; lawfulness
جواسیس ← جاسوس		
جواسیس القلوب	۱۰۳	spies on hearts
جوانمرد	۲۵	gallant
جوانمردی (نیز ← فتوت)	۱۴	chivalry
جواهر [= گوهرهای زینتی] (نیز ←جوهر، گوهر؛ احجار کریمه)	۱۲۵	gem; jewels
جواهر (فلـ.)	۴۲	substances
جواهر اولی (فلـ.)	۴۲	primary substances

جواهر ثانیه	۴۲	secondary substances
جواهر عقلیّه	۹۷	mental Substances
جواهر قائمه بأنفسها	۱۰۴	self subsisting substances
جواهر مجرّده	۶۹	abstract substances
جود (اخـ.) (نیز ← جواد)	۱۰،۸۰ ،۹۹،۱۰۳	generosity
	۵۲ ،۱۰۳	bounty
	۲۱ ،۱۰۸	liberality
	۴	benevolence
	۴۰	providence; munificence
جود محض	۹۲	absolute generosity
	۱۰۳	absolute bounty
جود مطلق ← جود محض		
جودت ذهن (اخـ.)	۵۷	excellence of discernment
جور (اخـ. سیـ.)	۴۰،۸۱،۹۹ ،۱۰۳	injustice
	۱۰۳	cruelty
	۱۰۶	tyranny
جور فلک	۱۰۳	injustice of heaven
جوزاء (نجـ.)	۳۴ ،۹۹	Gemini
جوشن (نیز ← زره)	۲۱	mail-coat
	۳۱ ،۱۲۰	coat of mail
جوع (قرآنی)	۷،۸۰،۸۷،۱۰۳ ،۱۰۴	hunger
جوع البقر	۱۲۰	bulimia; polyphagia
جوع الکلب	۱۲۰	pica; bulimia
جوعیّه	۹۰	starvers
جوهر [مقـ. عرض]	۱۱،۴۲،۴۵،۸۰،۱۰۲،۱۰۳،۱۰۵،۱۱۱	substance
	۴۲،۱۰۵،۱۰۷،۱۱۵	essence
جوهر الجواهر	۴۲	essence of the essences
جوهر الشئ	۱۰۷	essence
جوهر الفرد	۱۰۴	individual atom

	۱۰۶	pure atom
جوهر الموجود	۱۰۵	essence of the effect
جوهر بالفعل	۹۲	actual substance
جوهر بسیط	۱۱	simple substance
جوهر ثابت	۱۱۵	immutable essence
جوهر جنسی	۱۰۲	generic substance
جوهر حال	۱۰۲	inhering substance
جوهر خاص	۹۲	particular substance
جوهر ذات	۵۶	substance of essence
جوهر ذهنی	۱۰۲	mental substance
جوهر روحانی	۱۰۴	spiritual substance
جوهر عام	۹۲	universal substance; general substance
جوهر عقلی	۹۲	intelligence substance
	۴ ـ ۸۰	intellectual substance
جوهر غیرمادّی	۴۲	spiritual substance
جوهر مادّی	۱۰۲، ۱۱	material substance
جوهر مجرّد	۱۱	immaterial substance
	۱۰۲	non - material substance
	۴۲	pure entity; essence
جوهر محَل	۱۰۲	locus substance; a substance constituting the locus
جوهر مفارق	۱۰۲	non - material substance
جوهر مفرد	۹۲	distinct substance
جوهر منفرد	۳ ـ ۸۰	an atom
جوهر نوعی	۱۰۲	specific substance
جوهری	۱۶	mutational
جوهری [= گوهری، گوهرشناس، جواهر فروش]	۱۲۶	jeweller

جوهریت	۱۰۲، ۱۱	substantiality
جهات اربعه	۱۲۰	four cardinal points
جهات ستّه	پ	six cardinal points
جهات فرعی (جغـ.)	۷۴	sub - polar points
جهاد (قرآنی)	۹۹، ۴۵، ۴۲	Holy War
	۴	holy struggle
	۵۷	holy strife
جهاد اصغر	۳۱	the lesser warfare
	۱۰۳	outward warfare
جهاد اکبر	۳۱	the greater warfare
	۱۰۳	inner warfare
جهاد فی سبیل الله	۴۲	struggle in the way of God
جهاد کردن	۶۴	strive
	۶	fight
جهاز (نیز ← جهیزیه)	۴ ـ ۸۰، ۱۸	dowry
	۳۸	wedding trousseau
جُهّال	۹۹	the ignorant
جهالت (قرآنی)	۸۷، ۴	ignorance
	۴۵	being ignorant
	۱۵	naivity; instability
جهان	۱۲۵، ۱۱	world; universe
جهان آفرین	۴۲	The Creator
جهان بینی	۱۱	(world-) out look;
	۲۷	world - view
[کلمهٔ آلمانی متداول در زبانهای اروپایی]	۹۶	weltanschauung
جهان بینی توحیدی	۱۶	Divine unity
جهان شناسی	۱۳	cosmology
جِهبِذ [صراف ماهر، نقاد. این کلمه	۴ ـ ۸۰	assayer - money changer

از «گاه‌بد» فارسی به معنی خزانه‌دار گرفته شده است و جمع مکسر عربی آن جهابذه است.]

جهت (نیز ← جهات)	۱۱،۹۲،۱۱۸،۱۱۹	direction
جهت (منط.)	۱۱، ۹۴	modality
	۹۷	mode
	۱۰۴	dimension
جهت یابی	پ	orientation
جهر (مقـ. اخفات، با صدای بلند خواندن نماز) (فقـ.)	۱۲۱	raise the voice
جهل [مشتقات این ماده در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۶،۹۵،۱۰۳،۱۱۸	ignorance
جهل بسیط	۶۹، ۱۲۱	simple ignorance
جهل مرکب	۴۵،۶۹، ۹۷	compound ignorance
	۱۱و۱۲۱	double ignorance
جهنّم (قرآنی) (نیز ← جحیم)	۸۸، ۱۰۰	Gehenna
	۴، ۸۸	Hell
جهود [یهودی] (نیز ← بنی اسرائیل)	۴۳	Jew
جهود محله	۴۳	Ghetto
جهول (قرآنی)	۷، ۱۵	ignorant
	۱۰۰	foolish
جهیزیّه (نیز ← جهاز)	۶۱، ۱۲۱	dowry
جیحون (جغـ.)	۱۹، ۹۹	Oxus
جیفه	۳۱، ۳۸	carcase
جیوه [= زیبق، سیماب]	۱۲۵	mercury
	۱۲۰	quick silver
جیهان (جغـ.)	۱۹، ۴۳	Pyramus
	۴۳	Ceyhan; Jihun

چ

چاپ	۱۲۹، ۱۲۵، ۷۸	printing; print
چاپار	۱۲۰، ۳۱	courier; post; mail
چاپارخانه	۱۲۰، ۳۱	relay station
چاپخانه (نیز ← مطبعه)		printing house
چاپلوسی	۳۱	flattery
چادر (نیز ← حجاب؛ مقنعه)	۴۲	veil
چادرنشینی	۱۲۵	nomadism
چاووش	۳۱	herald; pursuivant
چاه	۱۲۵	well
	۱۲۹	pit; pit well
چاه زمزم (نیز ← زمزم)	۱۹	The Well Zamzam
چاه‌زنی	۱۲۹	drilling
چاه فاضلاب	۱۲۹، ۷۸	leacking pit; cesspool
	۱۲۹	soakaway
	۱۲۹	sink hole
چاهك (معمـ.)	۱۲۹	test hole
چاه گمانه (معمـ.)	۱۲۹	fascine
چَپَر (معمـ.)	۱۲۵	pipe
چُپُق	۱۲۰، ۳۱	umbrella; parasol
چتر	۱۲۹	cast iron (C.I).
چدن	۱۲۰، ۳۱	(festive) illumination
چراغان		
چراکسه ← چرکس		
چرخ	۴۰	wheel of heaven; heavenly sphere
چرخ اطلس	۳۴	crystalline sphere

چرخ برین	۱۰۳	highest sphere
چرخ خراطی	۷۸	lathe; turner's lathe
چرخ سمباده	۱۲۹	emery wheel
چرخ طیار	۱۲۹	fly wheel
چرخ کبود [کنایه از آسمان]	۵۵	cerulean wheel [= heaven, sky]
چرخ کوزه گری	۷۸	potter's wheel
چرخ ناری	۱۰۳	fiery sphere
چرخ نخریسی	۷۸	spinning wheel
چَرکَس [گروهی از قبایل مسلمان قفقاز شمالی ← *دایرة‌المعارف فارسی*]	۱۲۱	Circassians
چرم	۱۲۵	leather
چشم انداز [= منظر؛ دورنمای سه بعدی]	۱۲۹	perspective
چشم خروس [= عین الدیك] (پز.)	۱۲۵	abrus precatorius
چشم دل	۱۰۳	heart's eye; eye of heart
چشم زخم	پ	evil eye
چشم ظاهر	۱۰۳	outward eye
چشمه	۳۱	fountain
	۱۲۵	spring
چشمهٔ حیات	۵۵، ۲۵	fountain of life
چشمهٔ حیوان ← چشمهٔ حیات		
چَفت [= طاق] (معمـ.)	۱۲۹	arch
چِفت	۱۲۹	hasp; notch
چك (اقـ.) [این کلمه به فتح اول و فارسی است و معرب آن صك است و از فارسی به زبانهای اروپائی رفته است.] (نیز ← برات؛ سفته)	۷۵	cheque

چلچراغ	۳۳	candelabrum
چله (تصـ.) (نیز ← اربعینات)	۲۱	a fast of forty days duration
	۳۷	Quadragesimal fast
چله نشستن	۱۴	observe forty days' seclusion
چند خدایی ← شرك		
چند همسری ← تعدد زوجات		
چوگان	۱۲۵، ۲ ـ ۸۰	polo (- stick)
چهار تکبیر زدن (در معنای کنائی)		abandon
چهارده معصوم (نیز ← عصمت؛ معصوم)	۲۷	The Fourteen Impeccables
	۱۰۱	Fourteen Sinless ones
چهار راه	۱۲۹	crossway; crossroad
چهارسو [= چهارراه یا فصل مشترك (هندسه)]	۱۲۹	intersection
چهارسو [= برخوردگاه]	۱۲۹	junction
چهار طبایع [= چهار عنصر؛ عناصر اربعه]	۹۲	The Four Elements
چیستی (نیز ← ماهیت؛ کیفیت)	۴۰	quiddity

ح

حائز شرایط	۷۷	eligible; qualified
حائض (فقـ.)	۴۵	menstruating
حائضه (نیز ← حیض؛ محیض)	۳۸	menstruous woman
حائل	۴۵	obstacle
حاج (نیز ← سقایةالحاج)	۱۲۰	pilgrim (to Mecca)

حاجب	۴۷ ،۸۲	chamberlain
	۹۹	door keeper
حاجب‌الحجّاب	۴ ـ ۸۰	grand chamberlain
حاجت (قرآنی)	۷۹	request
	۹۰	recourse
	۹۵	need
	۲۱ ،۱۸	boon
	۴	necessity
حاجت خواستن	۲۱	ask a boon
حاجز	۴۵	hindrance
حاجیه	۱۲۰	female Pilgrim (to Mecca)
حادث	۴۵ ،۵۶ ،۱۰۶	originated
	۵ ـ ۸۰	result of an origin
	۱۱	creatable
	۹۳	a contingent accident
	۱۰۵	temporal; product
حادث اسمی	۱۰۲	nominal contingent
حادث اوّل [اوّل الحوادث]	۱۰۴	the first temporal being
حادث دهری	۱۰۲	contingent at the level of perpetual duration
حادث زمانی	۱۱۰	temporally contingent
حادّه ← زاویهٔ حادّه		
حادی	۲۱	camel driver
حاذق	۲۵	ingenious; skilful
حاسب [جمع این کلمه به صورت حاسبین درقرآن به کار رفته است.]	۹۹	calculator
حاسد (قرآنی)	۴۲	envious; jealous
	۱۰۰	envier

حاسّه [= حس]	۱۲۰	sense
حاش لله [= حاشا] (قرآنی)	۱۲۰	God forbid
	۱۰۰	God save us
حاشیه (نویسی)	۴۸	marginal notes; annotations; commentary
	۸۰	super- commentary; gloss
حاشیه (جلـ.)	۱۱۶	outline
حاشیه (هنـ.)	۷۸	mat; margine
حاشیه تزیینی (جلـ.)	۱۱۶، ۱۲۹	frieze
	۷۸	ornamental margin; limbus
حاصل	۱۱۱	actuality
	۱۰۸	gist
حاصل جمع (منط.)	۹۴	sum
حاصل ضرب (منط.)	۹۴	product
حاصل مستقیم (منط.)	۹۴	direct product; Cartesian product
حاصل منطقی (منط.)	۹۴	logical product
حاصل مصدر (دسـ.)	۱۲۸	nomen actionis
حافظ [الحافظ] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۵،۸۰،۸۷	The Guardian
حافظ قرآن	۱۲۱	one who knows the Koran by heart
حافظه	۱۳	memory
	۱۰۷	keepth
حاق	پ	inner most, uttermost
	۳۱	middle of anything
حاقّه [سوره]	۸۸ ،۱۰۰	The Indubitable
	۷	The Sure Calamity
	۸۷	The Reality
حاکم	۲	arbitrator

	۴	ruler
حاکم شرع	۱۱۴	Islamic judge
حاکمیّت	۸ ،۲۹	sovereignty
	۴	governing
	۲۹	jurisdiction
حال (تصـ.)	۳۴	ecstasy
	۴۵	spiritual state
	۵۸	state of soul
	۴۰،۵۷،۹۵،۱۰۳،۱۰۶،۱۱۹	state
	۱۰۳	passing state
	۴۰ ،۵۷	disposition
	۱۰۸	situation
	۱۱۱	condition
	۹۳	spiritual condition
حال الترک (تصـ.)	۱۰۴	state of leaving off
حال الحجاب (تصـ.)	۴ _ ۸۰	state of the veil
حال الشروع (تصـ.)	۱۰۴	state of taking up
حال [مقـ. قال]	۱۰۳	(spiritual) feelings
حال (دسـ.)	۱۲۸	participial phrase
حال (عر.)	۱۲۸	mood
حالات اسم (دسـ.)	۱۲۸	cases of noun
حالت اضافه (دسـ.)	۱۲۸	genitive case
حالت فاعلی (دسـ.)	۱۲۸	nominative case
حالت مجهول (دسـ.) [= فعل مجهول]	۱۲۸	passive voice
حالت معلوم (دسـ.) [= فعل معلوم]	۱۲۸	active voice
حالت مفعولی (دسـ.)	۱۲۸	objective case
حالت ندایی (دسـ.)	۱۲۸	vocative case
حام [پسر نوح]	۱۹	Ham, Hami

حاملگی (نیز ← حمل)	۱۲۰	pregnancy
حامله	۱۲۰	pregnant
حایل	۱۲۹	brace
	۱۲۹	saddle
حامی	۳۱	patron
	۶	supporter
حَبّ (قرآنی)	۷ ،۸۷	grain
حُبّ (قرآنی)	۶،۷،۸۷،۹۵،۱۱۸،۱۱۹	love
حب الوطن	۱۸	love of home
	۱۲۰	patriotism
حُبّ ذات	۴	amour - propre
	۱۲۰	egotism
حبر ← احبار		
حبس	۶۱ ،۸۵	imprisonment
	۸۵	lien; retention of a thing in order to secure a claim
حبس ابد (جقـ.)	۶۱	life imprisonment
حبس با اعمال شاقه	۱۲۰	penal servitude
حبس تأدیبی	۱۲۰	correctional confinement
حبشه [اتیوپی]	۴۳،۸۴،۸۷،۱۲۵	Ethiopia; Abyssinia
حبشی	۴۳	Abyssinian
حبط ← احباط [= حبط (قرآنی)]		
حبل الله (قرآنی)	۲۳	rope of God
	۸۷	rope of Allah
	۶۴ ،۸۷	cable of Allah
	۱۰۰	God's bond
حبل المتین	۵۶	firm cable
حبل الورید (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	Jugular vein
حبوه (فقـ.)	۳۷	primogeniture
حبیب الله [لقب حضرت رسول (ص)]	۲۱ ،۱۰۳	Beloved of God

حتف	۳۱	death
حجّ [سوره]	۸۷	The Pilgrimage
حج (قرآنی)	۲۰،۱۰۰،۱۰۴،۱۰۹،۱۱۲	pilgrimage
حج اکبر [تمتع] (قرآنی)	۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۲	greater pilgrimage
حج عمره [اصطلاح قرآنی آن اعتمار است]	۱۰۹	lesser pilgremage
حجاب (قرآنی) [حجاب به معنای مصطلح امروز یعنی پوشش خاص زنان، کلمهٔ قرآنی نیست و اصطلاح خاص قرآنی آن جلابیب است.]	۶،۲۱،۳۴، ۴۵، ۱۱۸، ۱۱۹	veil
	۷، ۸۷، ۴۵	curtain
حجاب حاجز (پز.)	۱۲۶	diaphragm
حجاب رینی (تصـ.)	۲۱	veil of covering
حجاب زنان (نیز ← جلابیب)	۲۱، ۴۲	veiling of women
حجاب ظلمت	۳۴	veil of darkness
حجاب غینی	۲۱	veil of clouding
حجابه	۵ ـ ۸۰	custodianship of the Ka'ba
حجّاری (هنـ.)	۱۱۵	stone work
حجّام	۱۰۱	cupper
حجامت	۴۲	blood - letting
	۱۲۶	cupping
حَجب (حقـ.)	۶۱	exclusion from inheritance
حجّت (نیز ← احتجاج؛ محاجه) (قرآنی)	۷،۱۱،۸۷،۹۵،۹۷،۱۰۶،۱۱۱	argument
	۶،۴۰،۸۰،۸۳،۱۰۹،۱۱۳	proof
	۴۹	evidence
	۳۴	authority
	۸۰	inner reasoning

Persian	Page	English
	۶	guidance
حجّت اقناعیه	۱۰۶	convincing argument
حجّت الاسلام	۴۲	His Eminence; His Holiness
حجّت الالهیّه	۱۰۴	divine proof
حجّت الله	۵۸	witness of God
	۱۰۹	proof of God
حجّت بالغه [الحجّة البالغة] (قرآنی)	۱۰۰	argument conclusive
	۴۹	most perfect evidence
حجّت ثابته	۸۳	decisive proof
حجّت خدا	۲	Allah's Authority
حجّت شرعیّه	۸۰	legal proof
حجّت عقلی	۱۲	intellectual proof
حَجة الوداع (تخـ.)	۱۰۹، ۸۴، ۴۵، ۴۲	Farewell Pilgrimage
حجر [سوره]	۸۸، ۸۷	Al - Hijr
حِجر (حقـ.) (نیز ← محجور)	۴۲، ۱۵	legal interdiction
	۸۵، ۸۰	interdiction
	۶۱	wardship
حَجْر (فقـ.)	۶۳	confinement; internment
	۹۹	seclusion
حَجْر دیوانه	۶۳	confinement of a mad
حُجُرات [سوره]	۸۸، ۷	The Chambers
	۱۰۰	Apartments
حَجَر الاسود	۴۵، ۲۱، ۱۴	Black Stone
حجر الفلاسفه (قصـ.)	۵۴	philosophers' stone
حجره	۱۲۱	cell
	۸۰	small hut
حجله	۳۱	bridal chamber; marriage bed
حجیّت	۸۰	validity; probative validity

	۴۴	authority
حجیّت اجماع	۴۴	authority of consensus
	۲۷	sanctity of the consensus
حجیّت عقل	۲۷	competence of reason
حجیج [جمع حاج] ← حاج		
حدّ [= کران، مرز، اندازه]	۱۱۳، ۴۵، ۱۱	
		limit
	۶	restriction
	۱۱۳	bound
	۴۵	boundary; barrier; stipulation
حدّ (فقـ.) [= مجازات شرعی]	۳۷،۴۲،۱۰۹،۱۱۲	punishment
	۸۵	fixed punishment for certain crimes
	۲، ۴۲	penalty
	۸۰	fixed penalty; legal sanction
	۶۹	penal law
حد زنا	۴۲	punishment for fornication or adultery
حدّ شرب	۴۲	punishment for wine drinking
حدّ (منط.) [= تعریف]	۱۱،۱۷،۴۰،۶۹،۱۰۴	term
	۱۷،۴۵،۹۵،۱۰۲،۱۰۸،۱۱۱	definition
	۴۰	extreme
	۹۷	boundary
حدّ اصغر (منط.)	۱۷، ۹۴	minor term (of the syllogism)
حدّ اکبر (منط.)	۱۱، ۹۴	major term
حدّ اوسط (منط.)	۱۷، ۹۴، ۱۰۴	middle term
حدّ اولیّه (منط.)		primitive term
حدّ تام (منط.)	۹۷	perfect boundary; limes perfectus
حدّ جمع (منط.)	۱۷	collective term
حدّ خاصّ (منط.)	۱۷	singular term
حدّ ذات (منط.)	۱۷	concrete term

	۱۰۲	essential boundary
حدّ عام (منط.)	۱۷	general term
حدّ کهین (منط.)	۴۰	minor extreme
حدّ گزاره‌ها (منط.)	۹۴	sentential term; propositional term
حدّ متوسّط (منط.)	۴۰	middle term
حدّ مثبت (منط.)	۹۴، ۱۷	positive term
حدّ محمولات (منط.)	۹۴	predicate term; functional term
حدّ مشترک (منط.)	۱۰۲	common boundary
حدّ معرف (منط.)	۹۴	defined term
حدّ معنوی (منط.)	۶۹	intelligible definition
حدّ معنی (منط.)	۱۷	abstract term
حدّ منفی (منط.)	۹۴، ۱۷	negative term
حدّ مهین (منط.)	۴۰	major extreme
حدّ ناقص (منط.)	۹۷	imperfect boundary; limes imperfectus
حدّ وسط (منط.)	۹۷	middle term
حدث (فل.)	۲	phenomenon
	۴۰	creation in time
حَدَث (فقـ.)	۴۲	state of uncleanliness
	۴۵	ritual impurity
حدث اصغر (فقـ.)	۸۰، ۴۵	minor ritual impurity
حَدَث اکبر (فقـ.)	۴۵	major ritual impurity
حذر [در تجوید]	۴۵	rapid recitation
حد زدن (فقـ.) نیز ← حد [= مجازات شرعی]	۴	give lashes
حدس	۱۰۶	surmise
حدس	۱۲۱	conjecture
	۹۳	power of intuition
حدسیات	۹۷	acumenalia; guesses
حدّ کردن	۴۰	define

حدّنصاب (حقـ.)	۶۱	quorum
حدوث [مقـ. قدم]	۱۱۰، ۱۰۲، ۴۴	contingency
	۱۱۰	temporal contingency
	۱۰۵	temporal existence
	۶۹	phenomenality
	۱۰۲	temporal origination
	۵۶، ۱۰	origination
	۹۳	coming-to-be; contingent entities
	۱۱	transience; non-eternity; creatableness
	۸۰	novelty; creation
	۱۰۹	occurence
حدوث اضافی	۱۰۲	relative contingency
حدوث حقیقی	۱۰۲	real contingency
حدوث دهری	۱۰۲	contingency through perpetual duration
حدوث ذاتی	۱۰۲	essential contingency
حدوث زمانی	۱۱۰، ۱۰۲	temporal contingency
حدوث عالم	۱۰۵	temporal creation of the world
	۱۰۹	creation of the world
	۹۳	createdness of the world
حدوث هستی از نیستی [خلق من لاشیء] نیز ← خلق از عدم	۱۱	creation out of nothing
حدود ← حد		
حدودالله (قرآنی)	۱۰۰	God's bounds
	۸۳	religious sanctions
حدودشرعی حد [=مجازات شرعی]		
حد و رسم (منط.)	۹۲	definition and description
حدیث (حد.)	۹۹،۵۸،۴۲،۴۰،۳۴،۲۳	tradition
	۹۹	prophetic tradition

Persian term	Page	English
	۴۲	prophet's saying
حدیث ثقه (حد.)	۴۲	reliable tradition
حدیث حَسَن (حد.)	۴۲	acceptable tradition
	۹۹	good tradition
	۴۵	beautiful tradition
حدیث حفظ (حد.)	۲۴	well - remembered tradition
حدیث دوات و قرطاس (حد.)	۱۲	hadith of «ink and paper»
حدیث شاذ (حد.)	۹۹	singular tradition
حدیث صحیح (حد.)	۴۲	genuine tradition
	۹۹	sound tradition
حدیث ضعیف (حد.)	۹۹، ۴۵، ۴۲	weak tradition
حدیث عبا [= حدیث کسا]	۸۰	tradition of the mantle
حدیث غریب (حد.)	۴۲	poor tradition
	۹۹	unusual tradition
حدیث قدسی (حد.)	۱۱۳	divine utterance
	۸۹، ۴۵، ۳۴	holy tradition
	۴۵	divine tradition
	۶	divine saying
حدیث کسا [= حدیث عبا]	۵۸	tradition of the garment
	۸۰	tradition of the mantle
حدیث متشابه (حد.)	۲	indefinite tradition
	۲۴	ambiguous tradition
حدیث متصّل (حد.)	۴۲	connected tradition
حدیث متواتر (حد.)	۴۲	repeatedly stated tradition
حدیث مُحدث (حد)	۴۵	originated tradition
حدیث محفوظ (حد.)	۲	exact tradition
حدیث محکم (حد.)	۲	definite tradition
حدیث مرسل (حد.)	۴۲	loose tradition
حدیث مستفیض (حد.)	۴۲	diffused tradition

حدیث مُسند (حد.)	۴۵	supported tradition
حدیث مقطوع (حد.)	۴۲	inter-sected tradition (a tradition which is narrated from one of the Tabaeen)
حدیث منقطع (حد.)	۴۲	disconnected tradition (where all of the narrators are not mentioned)
حدیث منکر (حد.)	۹۹	singular and suspect tradition
حدیث موضوع (حد.)	۴۲	forged tradition; fabricated tradition; apocryphal tradition
	۴۵	invented tradition
حدیث موقوف (حد.)	۴۲	restricted tradition (which is narrated from one of the Companions)
حدیث موهوم (حد.)	۲	surmised tradition
حدیث منسوخ (حد.)	۲	repealed tradition
حدیث نبوی (حد.)	۷۹	prophetic hadith
	۸۰	prophetical tradition
	۴۵	tradition of prophet
حدیث کردن	۶	relate
حدیث نفس [= با خود سخن گفتن]	پ	soliloquy
حدید [سوره]	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	The Iron
حَذَر (قرآنی)	۷، ۸۷، ۱۰۰	fear
حذف	۲۳	omission
	۵۹	elimination
حذف و اضمار	۲۳	omission and suppression of words
حُرّ (نیز ← احرار) (قرآنی)	۱۶	liberated
	۷	free

	۸۵	free person
	۵۲	freeborn
	۱۰۰، ۴۵، ۸۷	freeman
حراج	۱۲۰	auction
حرارت	۱۲۹	heat
حرام (قرآنی)	۱۱۳، ۴۲، ۷،۶،۲	unlawful
	۱۱۰، ۹۹،۸۷،۸۶،۸۵،۴۵،۴۲،۲۰	forbidden
	۸۶، ۴۲، ۳۹	prohibited
	۱۱۰، ۵۳	illicit
	۹۵، ۴۲	taboo
	۳۹	illegal
حرام خوار	۳۱	a venal or corrupt person
حرام زاده (حقـ.)	۶۱	adulterine; bastard
	۱۵	illegitimate
حرام کردن (نیز ← تحریم)	۶	prohibit
	۳۹	forbid
حرامی	۱۲۱	thief; robber; bandit
حرّان [شهری بسیار قدیمی دربین النهرین]	۱۲۵	Carrhae
حرب (قرآنی)	۸۷، ۴۲، ۷	war
	۶	warfare
حَربی	۸۵، ۸۰	enemy alien
حَرْث (قرآنی)	۱۰۰	tillage
حَرج (قرآنی)	۱۰۰، ۶	impediment
	۸۷	heaviness
حِرْز	۲۴	guarded thing
	۲ ـ ۸۰	amulet
	۸۵	custody (of things)
	۹۹	refuge

حرص (اخـ.)	۱۶،۱۸،۵۷،۱۰۳،۱۰۴	greed
	۴،۱۰۳	covetousness
	۱۰۳	concupiscence
	۳۴	gluttony
حرص و آز	۱۶،۱۸	greed and avarice
حرف	۴۰،۱۲۸	letter
	۴۰	verb
حرف (دسـ.)	۶۵	particle
حرف استثناء (دسـ.)	۶۵	exceptive particle
حرف استفهام (دسـ.)	۶۵	particle of questioning
حرف اضافه (دسـ.)	۱۲۸	preposition; postposition
حرف ترتیب (دسـ.)	۶۵	particle of classification or gradation
حرف تعریف (دسـ.)	۱۲۸	definite article
حرف جرّ (دسـ.)	۶۵	preposition; particle of attraction
حرف حصر (دسـ.)	۶۵	particle of limitation or restriction
حرف ربط (دسـ.)	۱۲۸	conjunction
حرف ساکن (دسـ.)	۶۵	quiescent letter
حرف شرط (دسـ.)	۶۵	conditional particle
حرف عطف (دسـ.)	۶۵	conjunction; connective particle
حرف متحرك (دسـ.)	۶۵	movent letter
حرف مقطعه (دسـ.)	۸۰ ـ ۲	detached letter
حرفه	۳۱	trade, craft, art
	۱۲۰	craft
حرکت (منط.)	۷۱،۷۹،۱۰۴،۱۰۵	movement
	۱۱،۱۳،۳۶،۴۲،۴۴،۵۶،۱۰۴،۱۰۶	motion
	۹۵	move
	۱۰۷	locomotion
حرکت ارادی (منط.)	۷۱	voluntary movement
	۱۰۴	volitional movement

voluntary motion	۵۶	
involuntary movement	۷۱	حرکت اضطراری (منط.)
movement of spheres	۱۰۴	حرکت افلاك (منط.)
acquired motion	۴۲	حرکت اکتساب (منط.)
revolution	۳۶	حرکت انتقالی (نجـ.)
passive motion	۱۱	حرکت انفعالی (منط.)
precession	۳۶	حرکت تقدیمی (نجـ.)
transubstantiation	۵۶	حرکت جوهری (منط.)
movement of substances	۵ ـ ۸۰	
motion in the category of substance	۱۳	
trans - substantial motion	۴۲	
proper motion	۳۶	حرکت خاص (نجـ.)
circular motion	۱۰۴، ۱۱	حرکت دورانی
rotary motion	۱۰۴	
		حرکت دوری ← حرکت دورانی
corpuscular motion	۴۴	حرکت ذره ای (منط.)
rotary celestial motion	۱۰۴	حرکت سماوی دوری
planetary motion	۳۶	حرکت سیّارات (نجـ.)
natural movement	۱۰۴، ۷۱	حرکت طبیعی (منط.)
common motion	۳۶	حرکت عام (نجـ.)
cross motion	۳۶	حرکت عَرْضی (نجـ.)
unnatural movement	۷۱	حرکت قسری (منط.)
projectile movement	۱۳	
constrained motion	۵۶	
constrained movement	۱۰۴	
uniform motion	۱۲۹	حرکت متشابه
circular motion	۱۲۹	حرکت مستدیر
rectilinear motion	۱۰۷	حرکت مستقیم (منط.)
psychic movement	۱۰۴	حرکت نفسی (منط.)

حرکت وضعی (نجـ.)	۳۵	rotation
حرکت و سکون (فلـ.)	۱۰۴، ۸۰، ۵۶	motion and rest
	۷۹	movement and stillness
حَرَم (قرآنی)	۸۷، ۸۰، ۴۴، ۴۲	sanctuary
	۹۹	sacred precinct
	۲۱	sacred territory
	۸۰	sacred zone
	۴۲	sacred place
حرم مکّه	۴۲	sacred premises of Mecca
حرمان	۲۵	repulse; disappointment
	۹۵	privation
حرمت [۱. احترام ۲.حرام بودن]	۳_۸۰، ۴۴	1. reverence
	۱۱۳	1. sanctity
	۱۱۵، ۲۷	2. prohibition
حرمت ابدی (حقـ.) (فقـ.)	۶۱	permanent bar
حرمت تمثال نگاری (فقـ.) [= حرمت تصویر و تمثال]	۱۱۵	prohibition of images
حرمت عهاره	۱۰۷	prohibiting prostitution
حرمسرا	۱۲۰	women's apartments; harem
حَرَمین	۵ _ ۸۲	two holy places (Mecca and Madina)
حروریّه	۲۴	fire - worshippers
حروف (نیز ← حرف)	۶۵	letters
حروف حلقی (دسـ.)	۶۵	gutturals
حروف شفهی (تجو.) [= حروف شفوی]	۱۲۸	labial consonats
حروف علّه (دسـ.)	۶۵	weak letters
حروف غنّة (تجو.)	۱۲۸	nasal consonants
حروف لین (تجو.)	۱۲۸	diphthongs

soft letters	۶۵	حروف لینه (دسـ.)
voiced consonants	۱۲۸	حروف مجهوره (تجو.)
particles which resemble the vrebs	۶۵	حروف مشبهه به فعل (دسـ.)
pointed letters	۶۵	حروف معجمه (دسـ.)
short vowels	۱۲۸	حروف مقصوره (تجو.)
long vowels	۱۲۸	حروف ممدوده (تجو.)
unpointed letters	۶۵	حروف مُهمله (دسـ.)
letters of the alphabet	۶۵	حروف هجاء (دسـ.)
lettering; typesetting	۷۸	حروف چینی [درچاپ] (نیز ← چاپ)
Literalists (a heretical sect)	۴۲	حروفیه (کلـ.)
freedom; liberty; frankness	۳۱	حریّت
silk	۸۷، ۷	حریر (قرآنی)
solicitous	۷	حریص (قرآنی)
sanctuary	۹۰، ۸۲، ۳۱	حریم
enclosure	۲ ـ ۸۰	
inviolable place	۴ ـ ۸۲	
sect	۸۷	حزب (قرآنی) (نیز ← احزاب)
party	۳ ـ ۸۰، ۸، ۱۰۰	
part; portion; group	۳ ـ ۸۰، ۷	
God's People	۱۰۹	حزب الله
Party of God	۱۰۰، ۸۰	
Ezekiel	۴۵، ۴۲	حزقیل نبی
prudence	۱۲۱	حزم
sorrow	۱۰۰، ۸۷، ۴۰	حزن (قرآنی)
grief	۷	
sense	۱۱،۴۰،۴۲،۹۵،۱۰۳	حسّ
sensation	۱۱۱، ۹۲	
sense of sight	۱۲۰	حسّ باصره

حسّ باطنی	۱۱	internal sense
حس بدن	۱۰۳	bodily sense
حس خارجی	۱۱ ،۴۰	external sense
حس ذائقه	۴۲	sense of taste
حس سامعه	۴۲	sense of hearing
حس شامّه	۴۲	sense of smell
حس ظاهر ← حس خارجی		
حس لامسه	۴۲	sense of touch
حس مشترک	۱۱،۹۲،۹۹،۱۰۳ ،۱۰۶	common sense
	۱۳ ،۱۰۴	sensus communis
	۳۱	sensorium
حساب (قرآنی)	۶۰	calculation
	۶،۷،۱۹،۸۰ ،۸۷	reckoning
	۱۰۶	acounting
حساب (رضـ.)	۱۲۵	arithmatic
حساب ابجد (رضـ.)	۱۹	abjad reckoning
حساب العقد (رضـ.)	۶۰	dactylonomy
حساب الهند (رضـ.)	۶۰	Indian calculation
حساب (بانک. اقـ.)	۷۵	account
حساب پس‌انداز (بانک.)	۷۵	saving (s) account
حساب جُمَّل (نیز ← ابجد)	۳۱	reckoning of the alphabet by abjad
حساب سرراست (بانک.)	۷۵	even money
حساب سود و زیان (اقـ.)	۷۵	summary account
حساب عملکرد (اقـ.)	۷۵	trading account (s)
حسّاس	۴۰	sensitive
	۴	galvanised
حَسَب	۴۰	noble birth
	۹۹	prestige

حِسبَةً لله	۱۲۰	for God's sake
حِسبه	۹۹	market supervisor
حَسْبی الله	۱۰۰	God is enough for me
	۷	Allah is sufficient for me
حَسَد (قرآنی)	۷.۵۷.۸۷.۹۵.۱۰۳ .۱۰۴	envy
	۲۹	jealousy
حُسن (اخـ.) (قرآنی)	۸۷	kindness
	۵۲ .۵۷	beauty
	۷	goodness
حسن تدبیر	۵۷	discretion
حسن تعبیر (بع.)	۱۲۸	euphemism
حسن تعلیل (بع.)	۲ _ ۲۶	poetical actiology
	۱۲۸	etiologia
حُسن تفاهم (حقـ.)	۶۱	cordial understanding
حسن خلق (اخـ.)	۴۲	good disposition
	۸۰	good character
حسن شهرت	۲۷	impeccable reputation
حسن طلب (بع.)	۲ _ ۲۶	beauty of demand
حسن ظنّ	۴۲	favourable opinion
	۹۹	good opinion
حسن مخلص (بع.)	۲ _ ۲۶	apt transition
حسن مطلع (بع.)	۲ _ ۲۶	beauty of exórdium
حسن مقطع (بع.)	۲ _ ۲۶	beauty of conclusion
حسن نظر	۹۹	good speculative mind
حسن همجواری (اخـ.)	۵۷	good neighbourliness
حَسَن (قرآنی)	۷	good
	۹۰	fair
حسنات (قرآنی)	۷ .۸۷	good deeds
حَسَنه (قرآنی)	۲۴	good act

	۱۰۰، ۸۷، ۶	good deed
حسیات	۱۰۶	sense perception
	۹۷	sensualia
	۴۲	sense data
حسیب [الحسیب] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷، ۴۵، ۴۲	The Reckoner
	۸۰	The Calculator
حشاشین [پیروان حسن صباح] (نیز ← حشیش)	۴۲	Assassins
حشر [سوره]	۷	The Banishment
	۸۷	Exile
	۱۱۲، ۱۰۰، ۸۸	mustering
	۸۰، ۵۶	gathering
	۱۰۴	revivification
حشرالاجساد	۱۰۴	revivification of bodies
	۱۰۲	resurrection of the bodies
حشر و نشر [= الحشر والنشر]	۱۰۴	resurrection
حشفه (فقـ.)	۳۱	glans penis
حشو (کلـ.) [افراط در تشبیه و انسان‌وار انگاری صفات الهی]	۲۱	anthropomorphism
حشو (بع.)	۴۶	verbiage
	۱۲۸	parelcon
حشو قبیح (بع.)	۲ ـ ۲۶	cacopleonasm
	۱۲۸	pleonasm; pleonasmus; tautologia
حشو متوسط (بع.)	۲ ـ ۲۶	indifferent pleonasm
	۱۲۸	redundancy
حشو ملیح (بع.)	۲ ـ ۲۶	eupleonasm
حشویه	۹۳	the literalists

	پ	anthropomorphists
حشیش	۱۲۰	cannabis; hemp; hashish
	پ	grass
حَصاد [درو، برداشت] (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	harvest
حصار	۱۱۵	citadel
	۱۲۹	hedge
حصبه	۱۲۰ ،۱۲۵	typhoid fever
حصر	۱۱ ،۸۰	restriction
حصن [جمع این کلمه حُصون کلمه‌ای قرآنی است.]	۸۰ ،۱۰۱	fortress
حصور (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	chaste
حصول	۱۰۴	acquisition
	۹۷	perception
	۱۰۸	occurence
حصول الاستعداد	۱۰۴	acquisition of the capacity
حصولی	۱۱	acquired
حصّه	۱۰۸	portion
	۱۸	lot
	۶۱	dole
حصیر	۱۲۹	mat; reed mat; roofing mat; rushes
حضارت	۹۹	sedentary culture
حضانت (فقـ.)	۳۹	custody of children
	۸۰	right of custody
	۸۵	care of a child by the mother
	۸۶	care and custody of young children
حضرات الخمس (عرفـ.)	۴۲	Five Divine Existences
حضرت	۴۵،۹۹ ،۱۱۸،۱۱۹	presence

His Holliness; His Highness	۳۳	
presence of being	۴۵	حضرت الوجود
presence	۱۱ ،۵۸ ،۱۰۴	حضور
Divine presence	۵۸	حضور حقّ
eternal presence	۱۱	حضور سرمدی
omnipresence	۱۱	حضور مطلق
presence of the time	۱۰۴	حضور وقت
nadir	۳۴،۱۰۳	حضیض (نجـ.) [از کلمهٔ عربی «نظیر» گرفته شده است.]
perigee	۹۹،۱۰۴،۱۲۵	
a division of Hell	۴۲	حُطَمه (قرآنی)
Crusher	۱۰۰	
repentence	۸۷	حِطّه (قرآنی)
unburdening	۱۰۰	
putting away	۸۴	
prohibition	۲۴	حَظْر (اصول فقه)
The Domain of Holiness	۵۶	حظیرةالقدس
excavator	۱۲۹	حفّار
cavity	۱۲۹	حفره
conservation	۹۵	حفظ
guarding; preservation; protection	۱۲۰	
prophylamis; hygiene and public health	۵۴	حفظ الصحّه
defending the absent		حفظ الغیب
Guardian	۱۰۰	حفیظ [الحفیظ] (اسم الهی) (قرآنی)
Warder	۸۷	
truth	۱۶،۸۷،۹۹،۱۰۷ ،۱۱۱	حقّ (قرآنی)
divine truth	۵۹	

	۴۵ ،۹۶	reality
	۲	right
	۴۵ ،۹۳ ،۹۶	real
حقّ [الحقّ] (اسم الهی)(قرآنی)	۸۷، ۸۰، ۱۱، ۷	The Truth
	۳۴	The Truth Most High
	۱۱،۸۰،۹۳،۹۶ ،۱۱۸	The Real
	۸۰	Supreme Truth
حق (حقـ.)	۲ ،۶۱	right
حق ارتفاق	۶۱	right of easement
حق اقامهٔ دعوی [حق ترافع]	۶۱	right of action
حق التولیه	۶۱	remuneration of custodianship
حق الجعاله [= حق العمل]	۱۲۰	commission
حق السکوت	۶۸	silence money
	۶۱	blackmail
حق السکوت دادن	۶۱	bribe to silence
حق الضرب (اقـ.)	۷۵	mintage
	۱۲۰	seignorage, coinage
حق العباد	۴۲	what is due to men
	۳ ـ ۸۰	rights of man
حق الله	۴۲	what is due to God
	۳۱ ،۴۵	right of God
حق المبین (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	The Manifest Truth
حق الناس	۳۱	rights of man
حق الیقین	۵۸ ،۸۹ ،۱۱۳	truth of certainty
حق انتفاع	۶۱.	right of exploitation
حق تأهُل	۷۷	family allowance
حق ترافع	۶۱	right of action
حق تصنیف	۳۱	copyright

حق تقدّم	۷۵	preferential right
	۱۲۰	priority
	۶۱	right of priority
حق دفاع از خود	۶۳	right of self - defence
حق رأی	۶۱	right to vote
حق رجوع	۶۳	right of recourse
حق شفعه	۴۲	right of pre - emption
حق طبع		copyright
حق عبور	۶۱	right of passage
	۱۲۹	right of way
حق عمری	۶۱	life - estate; life interest
حق عینی	۶۱	actual right
حق مرور زمان	۶۳	prescriptive right
حق مسلّم	۶۳	clear title
حقاً	۶۱	rightfully
	۴۵	in verity; really
حقارت	۱۶	humiliation
حقانیّت	۷۳	rightfulness
	۲۹	legitimacy
حقایق [نیز ← حقیقت]	۵۶	realities
حقایق الأسماء	۸۰ _ ۳	realities of the Divine names
حقایق الایمان	۷۹	verities of faith
حقایق المتأصلّه	۵۶	primordial realities
حقایق المحصلّه	۵۶	actual reality
حق‌پرست	۱۰۳	worshipper of God
حق تعالی	۳۱	God Almighty
	۳۴	The Truth Most High
حقد	۱۰۳	rancour
	۴	grudges

	۱۰۴	malice
حقوق [علم]	۶۱	jurisprudence; law
حقوق (اقـ.)	پ	salary
حقوق بازرگانی (باز.)	۶۳	mercantile law
حقوق بازنشستگی (حقـ.)	۶۱	old age pension
حقوق بیت‌المال (فقـ.)	۸۰	assets of the treasury
حقوق بین‌الملل (حقـ.)	۶۱	international law
حقوق جزایی (حقـ.)	۲۹	penal code
حقوق زوجیّت (حقـ.)	۶۱	conjugal rights
حقوق عقد (فقـ.)	۸۰	contractual rights
حقوق موضوعه (حقـ.)	۶۱	positive law
حقیقت	۴،۵۶،۱۰۲،۱۰۴	reality
	۷۹ ،۹۷	verity
	۱۱ ،۶۱ ،۹۵	truth
	۹۲ ،۱۱۱	essence
	۱۰۶	real essence
حقیقت [مقـ. مجاز]	۸۰	veritative expression
حقیقت حق	۸۰	The essential reality of the Real
حقیقت حقایق	۱۱	truth of truths
حقیقت کلّی	۱۰۸	universal reality
حقیقت محمّدی	۸۲	the Reality of Mohammad
	پ	Logos
حقیقت مسلّم	۶۱	approving truth
حقیقت نسبی	۱۱	relative truth
حقیقت وجود	۵۶	reality of being
	۱۰۲	reality of existence
حقیقی	۱۱	true
	۹۵	real
	۳۸	literal

حك	۱۲۰	engraving; erasing
حکّاك (هنـ.)	۷۸ ،۱۲۹	engraver
حکاکی روی سنگ [= چاپ سنگی]	۱۲۹	lithograph
حکاکی کردن	۱۲۹	engrave
حکایت	۲۱	anecdote
	۱۳	recital
	۳ _ ۸۰	tale; narrative; story; legend
حکایت تمثیلی	۱۳	visionary recital
حَکَم	۸۵، ۴۵، ۴	arbitrator
	۸۷، ۸۰	arbiter
حُکم (فقـ. اصول فقه)	۱۰۹،۱۰۵،۹۷،۴۷،۴۲،۴۰	judgement
	۴۲، ۱۲، ۶	command
	۱۰۳،۹۶،۴۷،۴۲	decree
	۸۷، ۸۰	decision
	۴۷	ordinance
	۴۲	regulation; commandment
	۴۵	legal decision
	۴۴	assertion
	۸۰	legal status
	۴۰	proposition
	۱۰	predicate
حکم ارزشی [تقویمی]	۱۱	judgement of value
حکم الله	۱۰۳، ۹۶	decree of God
حکم تقریری	۱۱	judgement of fact
حکم تقویمی ← حکم ارزشی		
حکم حدسی	۱۰۲	intuitive judgement
حکم شرعی	۲	injunction
	۳	command of religion

	۳۱	judicial decree
حکم طلاق	۶۳	bill of divorcement
حکم علی المعدوم	۱۰۲	affirmative judgement on a non existent
حکم قیمومت (حقـ.)	۶۱	mandate
حکم معروف	۸۳	fixed decision
حکمت (قرآنی)	۷،۲۷،۴۲،۴۷،۵۷،۸۷،۹۰،۱۰۷،۱۱۸	wisdom
حکمت (جز در معنای قرآنی)	۱۳ ،۴۲ ،۵۸	theosophy
	۱۳ ،۴۲	sophia
	۵۸	traditional philosophy
	۹۹	philosophy
	۱	sagacity
حکمت اشراق	۱۳	illuminationist theosophy
	۸۰ ـ ۴	illuminative wisdom
	۵۶ ،۸۰	philosophy of illumination
حکمت الهی	۴۲ ،۱۰۳	Divine wisdom; theology
حکمت تدریج	۲۷	wisdom of gradualness
حکمت جاودانی [= حکمت خالده = جاویدان خرد]	۱۳	philosophia perennis
حکمت حقیقی	۶۹	true wisdom
حکمت خُلقی	۶۹	moral wisdom; ethics
حکت عالیه	۲۹	supreme prudence
حکمت عتیقه	۱۳	ancient wisdom
حکمت علمی	۱۰۲	theoretical philosophy
حکمت عملی	۳۱	practical knowledge
	۱۰۲	practical philosophy
	۵۷	practical science
	۴۶	ethics
حکمت کلّی	۱۳	philosophia universalis
حکمت لدنّی	۱۳	Divine Wisdom

حکمت متعالی	۵۴	transcendent theosophy
	۱۰۲	transcendental knowledye
	۴۲	transcendental wisdom
حکمت مدنی	۶۹	politics
حکمت مطلق	۱۱	all - wisdom
حکمت نظری	۶۹	speculative philosophy
	۵۷	theoretical science
حکم دادن	۲	pass judgement
حکمیّت	۶۱، ۴	arbitration
	۶۱	arbitrament
حِکمیه (بع.)	۲ _ ۲۶	philosophical
حکومت (نیز ← سیاست) (سیـ.)	۴۲، ۸	government
	۸، ۲۷	state
	۲۷	rule
حکومت استبدادی	۴۲	despotism
حکومت اسلامی	۴۲، ۸	Islamic government
	۴۲	theocracy of Islam
	۲۷	Islamic state
حکومت اشراف	۹۵	aristocracy
حکومت الهی	۴۲، ۲۷	theocracy
حکومت دینی ← حکومت الهی		
حکومت عامه	۹۵	democracy
حکومت قانون	۲۷	nomocracy
حکومت مدنی	۲۷	civic rule
حکومت مشروطه	۴۲	constitutional government
حکومت ملّی	۴ _ ۸۰	popular government
حکیم [الحکیم] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰، ۵۶	All - Wise
	۴۲،۴۵،۸۰،۸۷،۹۵	The Wise

	The Supreme Judge; The Sage	۸۰
حکیم	sage	۴۲.۵۴.۱۰۳.۱۰۷
	wiseman	۴ .۵۴
	philosopher	۵۴ .۵۹ .۹۹
	theosophist	۴۲
	metaphysician	۵۹
حکیم [در معنای طبیب]	traditional physician	۵۴
حکیم مطلق	All - wise	۱۱
حلّ (بع.)	prose paraphrase	۱۲۸
حِلّ	being lawful; dissolution of an oath; doffing the pilgrim's garb	۳۱
حِلّ [= حلال] (قرآنی)	lawful	۷ .۸۷
حلائل [مفرد آن حلیله = زوجه] (قرآنی)	wives	۷.۸۷
حلال (قرآنی)	lawful	۴۲.۴۵.۸۷.۱۰۰.۱۱۳.۱۱۴
	allowed	۴۵ .۱۱۰
	licit	۱۱۰
	permitted	۴۲ .۱۰۰
	not fordidden	۸۵
	licit according to the divine law of Islam	۵۳
حلّال	thinner	۱۲۹
حَلّ العَقْد	dissolution of the agreement	۴۲
حلال کردن	make lawful	۶۴ .۸۷
	allow	۶
حلاوت	pleasure	۱۴
	sweetness	۱۰۳
حلب (جغـ.)	Aleppo	۴۳ .۸۰
حلزون	snail	۱۲۰

اصطلاح	صفحه	English
حلزونی (هنـ.)	۷۸	helix; helical; spiral
حلف (قرآنی)	۷ ،۸۷	swear
حلف الفضول (تخـ.)	۴۲	The oath of Futhul
حلف بالطلاق (فقـ.)	۴ _ ۸۰	the oath of repudiation
حلف بالعتق (فقـ.)	۴ _ ۸۰	the oath of enfranchisement
حَلق [= تراشیدن] (فقـ.)	۱۲۱، ۳۱	shaving; shaving close (The head)
حلقوم (قرآنی)	۷ ،۸۷	throat
حِلم [شکیبائی] (اخـ.)	۱۰۱، ۱۱۰، ۲	forbearance
	۵۷، ۴۰	gentleness
	۱۰۹، ۱۰۳	clemency
	۶	patience
	۹۹، ۲۱	mildness
	۸۰	self-control; self mastery; leniency
حُلُم [احتلام، بلوغ] (قرآنی)	۷ ،۸۷	puberty
حُلُم [رؤیا]	۴۰	dream
حلوا	۳۱	sweetmeat; an electuary
حلول (کلـ.)	۹۹، ۸۰، ۴۵، ۴۲	incarnation
	۴۲	transmigration
	۱۱	immanence
	۴ _ ۸۰	infusion
	۱۰۸	inhering
	۸۰، ۱۰	indwelling
حلول و انفعال	۱۰۲	being inherent and being affected
حلولی [درون بودی]	۱۱	immanent
حلیت [حِلّ]	ب	lawfulness
حلیه	۱۲۶	adornment
حلیف [= همقَسَم، هم‌پیمان]	۸۰، ۴۵، ۴۲	confederate
حلیم [الحلیم] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۴۵	The Clement

	۸۷	Indulgent
	۸۰	Endowed with Gentleness
حم [سوره]		Ha Mim
حمائل	۳۸	amulets
حماسه	۱۲۵	epic
	۴۵	talismans
حمّال (نجـ.)	۳۶	Carina
حمّام	۱۲۶	bath
حمد [سورهٔ قرآن]	۱۱۳	The Surah of Praise
حمد	۱۱۳	thanksgiving
	۲۲	praise
الحمدُلِلّه (قرآنی)	۱۰۰، ۸۰، ۳۸	praise belongs to God (Allah)
	۸۷	praise be to Allah
	۹۹	praised be God
حمق	۵۷	foolishness
حَمَل (نجـ.)	۱۲۵، ۹۹، ۳۶	Aries
حَمْل [= آبستنی] (قرآنی)	۸۷، ۷	bearing
حَمْل [اِسناد] (منط.)	۱۰۲، ۱۱	predication
حمل اوّلی	۱۰۲	primary predication
حمل اوّلی ذاتی	۱۰۲	primary essential predication
حمل بالاشتقاق	۱۰۲	derivative predication
حمل بالمواطاة	۱۰۲	non - derivative predication
حمل شایع صناعی	۱۰۲	common technical predication
حمل مرکب	۱۱	synthetic predication
حملی (منط.)	۱۱۱، ۹۲، ۲۸	categorical
	۹۸	predicative
حملیّه	۱۰۲	categorical proposition
حمیّت (قرآنی)	۸۷، ۶۴	zealotry
	۷	disdain

	۶۹	sense of honour
حمید [الحمید] (اسم الهی) (قرآنی)	۷	Praised; Praiseworthy
	۸۷	Owner of Praise
	۸۰	Worthy of Praise
حنا	۱۲۵، ۱۲۳	Lawsonia inermis; henna
حنّان (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۲۳	The Compassionate
حنان	۱۲۱،۹۵	tenderness
		sympathy; affection
حنّانه ← ستون حنّانه		
حنبلی (فقـ.)	۱۲۱	Hanbalite
حنظل	۱۲۶، ۱۲۳	colocynth
حنفی (فقـ.)	۱۹	Hanafite
حنوط	۴۲	embalmment
حنیف (قرآنی)	۱۱۲	pure in faith
	۸۷، ۷	upright
	۴۲	Hanif (pre - Islamic monotheistic religion in Arabia)
حنین بن اسحاق	۴۲	Johannitius
حوّاء	۱۲۵، ۲۹	Eve
حوّاء (نجـ.)	۱۲۵	Ophiuchus, Serpentarius
حوادث	۱۰۴	temporal events
حواری (قرآنی) [جمع سالم این کلمه در قرآن مَجید به کار رفته است.]	۸۷، ۸۴، ۶۴	disciple
	۱۱۲،۱۰۰،۸۰،۳۸	Apostle
حواس	۴۲، ۶۹	senses
حواس اندرونی	۹۲	internal senses
حواس باطن	۶۹	internal senses

حواس بیرونی	۹۲	external senses
حواس ظاهر	۴۲	external senses
حواله	۸۵	bill of exchange; transfer of debts
حوالهٔ بازرگانی	۷۵	trade bill
حوالهٔ مدت دار	۷۵	time draft
حوت (نجـ.)	۳۵ ،۹۹ ،۱۲۵	Pisces
حور (قرآنی)	۳۱ ،۱۰۰	houri
حورعین (قرآنی)	۱۰۰	wide - eyed houri
	۸۴	dark - eyed houri
حوزه (منط.)	۹۴	domain
حوزهٔ عکس (منط.)	۹۴	converse domain; counter domain
حوزهٔ علمیّه	۴۴	seminary
	۲۹	Theological Center
	۱۰۱	center of religious teaching
حوزهٔ قضایی	۲۹	Jurisdiction
حوزهٔ نظارت (حقـ.)	۶۱	span of control
حوزهٔ وجود	۱۱	sphere of being
حوض	۳۸ ،۱۲۹	pond
حوض کوثر (نیز ← کوثر)	۳۸	The Pond of Abundance
	۱۰۹	The Heavenly Waters
حوضه (جغـ.)	۷۴	basin
حول ← لاحول ولاقوةَالاّ بالله		
حومهٔ شهر	۱۲۹	suburb
حیّ [الحیّ] (اسم الهی) قرآنی)	۱۱،۴۵،۱۰۰،۱۰۳،۱۰۶،۱۱۰	The Living
	۷ ،۲۲	The Ever - living
	۸۷	The Alive
حیّ (قرآنی)	۷ ،۱۰۴	living (being)
	۱۰۷	animate
حیا (اخـ.)	۵۷ ،۷۹	modesty

	۴۰	reverence
	۸۰ _ ۴	reverential awe
	۹۵ .۱۱۸ .۱۱۹	shame
حیات (قرآنی)	۶.۷.۸۰.۸۷.۹۵.۱۰۰.۱۱۰	life
حیات ابدی	۳۱	eternal life; salvation
حیات سرمدی	۱۱	eternal life
حیات طیبه (قرآنی = حیوةً طیبةً)	۱۰۰	goodly life
حیات معنوی	۶۲	spiritual life
حیازت مباحات (حقـ.)	۶۱	occupancy
حیاط [= محوطه]	۱۲۹	compound; court; yard
حیاط اندرونی	۱۲۹	cortile
حیاط خلوت (معمـ.) [= حیاطچه]	۷۸ .۱۲۹	cortile; patio; light ventilation area
	۱۲۹	back yard
حیاط رعیتی	۱۲۹	barnyard
حیث (قرآنی)	۷۹	aspect
	۷ .۱۰۰	wherever
حیثیت	۱۵	dignity; respect; prestige
حیدر کرّار [از القاب و اوصاف حضرت علی (ع)]	۴۵	The Impetuous Lion
حیرت (تصـ.)	۴۵	amazemennt; consternation
	۳۱	purturbation
	۹۶ .۱۰۳	bewilderment
	۸۹	state of perplexity
حیّز (فلـ.)	۱۱	extention
	۴۰	space; spaciality
حیض (نیز ← حائض؛ محیض)	۱۰۹	menstrual cycle
	۳۹	menstruation

فارسی	صفحه	English
حی علی الصلوة (فقـ.)	۴۵	come to prayer
حیّ علی الفلاح (فقـ.)	۴۵	come to salvation
حی علی خیرالعمل (فقـ.)	۴۵	come to the best work
حیله [حیلة] (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	devise
	۸۵	evasion
	۱۸	device
حیلهٔ شرعی	۸۶، ۸۵، ۸۰	legal device
	۸۰	legal stratagem
	۳۷	circumvention of law
حینیّه مطلقه (منطـ.)	۹۷	absolute temporal
حینیّهٔ ممکنه (منطـ.)	۹۷	possible temporal
حیوان مطلق	۱۰۴	animal - in - general
حیوان ناطق (منط.)	۱۰۵، ۹۷، ۱۱	rational animal

خ

فارسی	صفحه	English
خائف (قرآنی) (نیز ← خوف؛ تخویف)	۳۱	fearful; timid;
	۸۷، ۷	fearing
خائن (قرآنی) [درقرآن مجید جمع سالم این کلمه به کار رفته است.]	۸۷	treacherous
خاتم	۱۰۳، ۹۶، ۸۰	seal
	۹۹	seal ring
	۴ ـ ۸۰	signet; signet ring
خاتم‌الانبیاء [معادل و کاربرد	۴،۴۲،۵۶،۸۷،۹۹،۱۰۹	Seal of The Prophets

قرآنی این کلمه خاتم النبیین است.]		
خاتم النبوه	۴۲	seal of the prophecy
خاتم النبیین ← خاتم الانبیاء		
خاتم الولایه	۵۸	seal of sanctity
خاتم سلیمان	۱۸	signet of Solomon
خاتم بندی (هنـ.)	۷۸	inlay; marquetry
خاتم پیامبران ← خاتم الانبیاء		
خاتمساخت (هنـ.)	۷۵	inlaid work
خاتمکاری (هنـ.)	۷۸	inlay
خاتمکاری رنگارنگ (هنـ.)	۷۸	intarsia
خاتون	۳۱	lady
خادم	۱۴	attendant
	۴ ـ ۸۰	servant; domestic
خازن الدّار	۹۹	treasurer
خارج (منط.)	۹۷	reality
خارج [تدریس حوزوی، بدون اتکاء به قرائت متن درسی. ـ مقـ. «سطح»]	پ	seminary lecture not based on reading textbooks
خارجه (عرفـ.)	۱۰۸	external
خارجی	۴ ـ ۸۲	rebel
خارجیّت	۱۱	externality
خارجیگری	۴	Khawarijism
خارق اجماع	پ	anti-consensus; contra-consensus
خارق الطبیعه	۹۵	supernatural
خارق عادت [= خارق العادة]	۴	supernatural event
	۱۲۰	extraordinary
خازن	۴۵	steward
خاسرین (قرآنی)	۱۰۰	the lost

خاشع (قرآنی)	۸۷	the losers
	۱۰۰	humbled
	۸۷	humble - minded
	۶۴	humble
خاصّ [مقـ. عام]	۹۲	particular; peculiar; individual
	۴۰ ،۹۵	proper
	۶	specific
خاصّ الخاصّ	۲۱	super - elect
خاص الله	۱۰۳	the elect of God; God's elect one
خاص و عام	۸۲ _ ۴	experts and the masses
خاصّه (منط.)	۹۷	particular accident
	۱۱ ،۴۰	property
خاصهٔ ذاتی	۱۱	essential property
خاصّه و عامّه	۸۰	the elite and commonality; the notables and the plebs; the aristocracy and the masses
خاصیّت (منط.)	۴۰ ،۹۴	property
	۹۲	peculiarity
خاصیّت اثیری	۱۱	aethereality
خاضع	۳۱	humble; obsequious
خاطر	۲۱	passing thought
	۱۰۳	mind
خاطی	۱۲۰	offender
	۱۲۶	sinner
خافض [الخافض] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۲	The Abaser
خافقین	۳۱	the two horizon, East and West
خاك	۱۲۹	soil; earth; terra; terren
خاك رس	۱۲۹	clay; argil; red oxide

خاکریز	۱۲۹	fill; rampart
خال (منط.)	۹۴	dot
خال [دایی] ← خالو		
خالص (قرآنی)	۷	sincere
	۸۷	pure
خالصه	۸۰	royal estates; crown lands; private Property
خالق [الخالق] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۳،۸۷،۸۰،۴۵،۱۱،۷	The Creator
	۱۰۶، ۸۰	The Producer
خال و خط	۳۴	mole and eyebrow
خاله	۶۱، ۳۹	maternal aunt
خالو	۳۱	maternal uncle
خالی (منط.)	۹۲	void
خامه [= قلم]	۳۱	pen
خان	۴۲	tribal chief
خاندان	۲۵	household
	۱۰۹	family
خانقاه (تصـ.)	۴۸	a Sufi community residence
	۴ _ ۸۰	dervish monastery
	۱۰۳، ۴۵، ۴۲	monastery
	۸۰، ۲۱	convent
	۴۲	a Sufi center
	۱۹	hostelry
خانه [= منزل]	۱۲۹	dwelling; domicile
خانهٔ کعبه	۱۰۹	Sacred House
خاوردور [= شرق اقصی]	۱۲۵	Far East
خاورمیانه [= شرق وسطیٰ]	۱۲۵	Middle East
خاور نزدیک	۱۲۵	Near East

Persian	Pages	English
خبائث (قرآنی)	۳۱	vice; impurity
خبث	۹۹	viciousness
	۲۵	malignity
	۸۰ ،۹۷	information
خبر	۴۰	news; story
	۸۰	report
	۴۰	statement; proposition
	۱۰۶	narration
خبر (دستـ.)	۲۸ ،۶۵	predicate
خبر مقدم (دستـ.)	۶۵	predicate placed in front
خبر [حدیث]	۱۲ ،۴۲ ،۸۳	tradition
خبر صادق	۱۰۶	true narration
خبر لازم	۸۳	binding tradition
خبر متواتر	۴۵	unanimous assertion
خبر واحد	۸۳	isolated tradition
	۱۲	tradition with a single transmitter
خبرگان ← مجلس خبرگان		
خبط و خبال	۱۰۴	conceit and frivolity
خبیث (قرآنی)	۱۰۰	corrupt
	۶	a corrupt thing
خبیر [الخبیر] (اسم الهی)	۴۵،۸۷	The Aware
(قرآنی)	۱۰۰	All - aware
	۸۰	The Sagacious
	۱۰۸	Well - informed
	۸۷	Informed
ختان (نیز ← ختنه؛ مختون)	۴۲ ،۴۵	circumcision
ختم (قرآنی) (مُهر نهادن به معنای مجازی)		

ختم [مهر]	۱۰۳، ۶۹	seal
ختم [مجلس تعزیه]	۴۲	memorial service
ختم [به پایان رساندن درس یا قرائت سراسر قرآن که در مکتبها و مدرسه‌های قدیم برای آن مراسمی برپا می‌داشتند. نیز ختم کردن قرآن به قصد نذر]	۱۱۳	completing a recitation (of the Quran)
	۱۱۴	complete the whole Quran
ختنه (نیز ← ختان، مختون)		
ختنه کردن	۴۲	circumcise
ختونه	۸۰ ـ ۵	marrying
خجل	۱۰۳	shamefaced
خُجند (جغ.)	۸۰	Leninabad
خدا (نیز ← خداوند؛ الله)	۳۸و ۲۹	God
خدای عزّوجلّ	۱۰۹	God Mighty and High
خدای واحد	۲۰	Allah
خدای یگانه	۱۲	The One God
خداپرست	۲۹	theist
	۴	worshipper of God
خداپرستی	۲۹	theology
	۱۱	theism
خداترسی	۱۲۰	God - fearing
خداشاهی	۱۲۵	theocracy
خداشناس	۲۹	believer
خداشناسی	۲۹	theology
	۲۲	knowledge of God
خداناشناسی	۱۱	Godlessness
خدانشناس	پ	atheist
خداوند	۸۰ ـ ۵	God; Master

Lord	۸۰.۱۰۳	
Lord of mystery	۱۰۳	خداوند راز
Lord of the world	۸۰ _ ۵	خداوند عالم
Lord; owner; master	۸۰ _ ۵	خداوندگار
Lordship	۱۰۳	خداوندی
May God forbid [it]	۴.۳۱	خدای نکرده / خدای نخواسته
Godness	۱۱	خدایی
Sovereignty	۴۲	
duplicity	۱	خدعه
trickery	۹۹	
servants; attendants	۳۱	خَدَم
service	۵۸.۹۵	خدمت
obedience	۳۴	
service of the poor	۸۰	خدمت درویشان (تصـ.)
military service	۷۷	خدمت زیر پرچم
broken service	۷۷	خدمت منقطع
viceroy	۴۲	خدیو
lord; prince; ruler	۸۰ _ ۵	
abandonment	۴۲	خذلان (مقـ. توفیق)
abandoning	۸۸	
God`s abandonment	۸۰	
the vintner`s house	۵۵	خرابات
tavern	۳۴	
tavern - haunter	۳۴	خراباتی
recompense	۷	خراج (قرآنی) [= مزد، پاداش]
tribute	۸۷.۱۰۰	خراج [= مالیات زمین؛ گاه نیز مترادف با باج و جزیه به کار می‌رفته است.]
land - tax	۸۵.۸۶.۹۹.۱۱۳ ۴۵.۴۷.۸۰.۸۲	

English	Pages	Persian
tribute	۸۰، ۴۷	
land revenue (levied on non - Muslims)	۴۲	
revenue officer	۳	خراجگیر
ass - mill	۳۱، ۱۴	خَراس
liar; conjecturer	پ	خَرّاص [= دروغزن، جمع سالم آن در قرآن به کار رفته است.]
wood turner	۱۲۹	خراط
wood turning	۷۸	خَرّاطی
lathe	۱۲۹	
ivory turning	۷۸	خَرّاطی عاج
superstition	۳ ـ ۸۰، ۲۹، ۱۵	خرافه / خرافات
myth	۴۰	
fairy tale; legend	۳ ـ ۸۰	
fable; ludicrous saying	۳۱	
ridge	۱۲۹	خرپُشته
tribute	۸۷، ۷	خرج (قرآنی)
expense; expenditure	۱۲۰	
reason	۱۱۱، ۹۲، ۷۹، ۱۱	خِرد
wisdom	۲۹	
ratio	۱۱	
pure reason	۱۱	خِرد ناب [= عقل نظری]
petty land owner	۱۱۴	خرده مالک
small holder	۷۵	
transcender of ordinary human behavior	۱۰۹	خرق عادت (نیز ← خارق عادت؛ استدراج؛ کرامت؛ معجزه)
contrary to nature; miracle	۳۱	
tearing and stitching	پ	خرق و التیام (فلـ.)
robe	۸۰، ۴۲	خرقه

cloak	۸۰، ۵۸	
Sufi cloak	۹۹	
Sufi robe	۸۰	
garment worn by mystics	۴۲	
patched robe	۸۰	
mantle	۸۹	
rough cloak; coarse gown; scapular	۸۰ _ ۵	
rag; frock	۴۵	
religious habit	۲۱	
robe of free - will	۸۰ _ ۵	خرقهٔ ارادت
cloak of blessing	۸۰ _ ۵	خرقهٔ تبرك
cloak of nobility	۸۰ _ ۵	خرقهٔ فتوت
false cowl	۵۵	خرقهٔ سالوس
religious mendicant; dervish	۳۱	خرقه‌پوش
armed revolt	۸۰	خروج بالسيف
rising (against)	۸۰ _ ۳	خروج كردن
make common cause (aginst)	۱۴	
come out	۶	
bargainee	۶۱	خريدار (حقـ.)
forward purchase	۲۰	خريد سلف
map	۸۰ _ ۴	خريطه
autumn	۱۲۶	خريف
treasures of empyrean	۱۰۳	خزائن عرش
treasury; public treasury	۸۰ _ ۴	خزانه [= خزينه]
reservoir; storage	۱۲۹	
Keeper of the treasury	۸۰ _ ۴	خزانه‌دار
treasury general	۷۵	خزانه‌داری كلّ (اقـ.)
ceramics	۸۰ _ ۴	خَزَف

خِزی (قرآنی)	۸۷	ignominy
	۷	disgrace
	۱۰۰	degradation
خزینه ← خزانه		
خَسار (قرآنی)	۷	perdition
	۱۰۰	loss
خسارت (حقـ.)	۶۱	depredation
خسّت	۳۱	meanness; avarice
خسف (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	swallow
خسوف	۱۰۹	eclipse of the moon
خُسران (قرآنی)	۸۷	loss
	۹۵	dereliction
خشت (معمـ.)	۱۱۵، ۷۸	brick
	۱۲۹	mud brick; adobe
خشت پخته	۷۸	baked brick
	۱۲۹	burnt brick
خشت خام	۱۲۹، ۷۸	mud - brick
	۱۱۵	raw brick
خشت موزائیك	۷۸	mosaic tile
خشت پز ← خشتمال		
خشتمال [= آجرپز؛ خشت پز؛ خشتزن؛ خشتگر]	۱۲۹، ۷۸	brickmaker
	۱۲۹	brickmoulder
خشکسال	۱۲۹	dry year
خشکه مقدّسی	۴	sanctimoniousness
خشم (اخـ.)	۳۱	anger; rage; fury
خشم حقّ ← غضب الهی		
خشنودی	۲۹	satisfaction
خشوع (قرآنی)	۸۷، ۷	humility

	۵۷	submission
خشیةالله (قرآنی)	۸۷، ۷	fear of God
خصاصه (قرآنی)	۸۷، ۷	poverty
خصائص (نیز ← خصیصه)	۳۱	properties
خصائل (نیز ← خصیله)	۳۱	manners; morals
خصال ← خصلت		
خِصام (قرآنی)	۸۷	dispute
	۷	contention
خصلت	۵ ـ ۸۰، ۳۱	virtue
	۲۱	quality
خصلت حمیده	۳۱	praiseworthy virtue
خصم (قرآنی)	۱۰۴	opponent
	۸۷، ۷	litigant
	۱۰۳	enemy
خصم برون (تصـ.)	۱۰۳	outward enemy
خصم درون (تصـ.)	۱۰۳	inward (inner) enemy
خصومت	۱۱۱	antagonism
	۸۵	litigation
خُصیه	۱۲۶	testicle
خَصی [= خواجه] (تخـ.) (فقـ.)	۱۲۰، ۸۰، ۴۲	eunuch
	۴ ـ ۸۰	castrated man
خضاب	۳۱	tinging; tincture
	۱۲۱	dye; dye stuff
خضوع	۴۱	humbleness
	۳۱	humility; veneration; submission
	۱۰۶	resignation
خط [= دستخط]	۱۲۰	handwriting
	۸۰	script
خط آهن	۱۲۰	rail; railway

خطا (قرآنی) [تلفظ قرآنی این کلمه خَطَأ بر وزن خَلَا است]	۷	wrong
	۸۷، ۱۰۰	sin
	۶۴	fault
	۴۰، ۹۵	error
	۴۵، ۸۰	mistake
خطاب (قرآنی)	۷، ۱۱۸	address
خطابت [= خطابه]	۴۰، ۹۵، ۹۹، ۱۲۸	rhetoric
	۱۲۸	oratory
خطابیّه (منط.)	۱۰۶	rhetorical syllogism
خط استوا	۱۲۰	equator
خطّاط	۱۲۱	calligrapher
خطّاطی	۴۲	calligraphy
خط افق	۱۲۰	horizon
خط افقی	۱۲۰	horizontal
خط الرأس (جغ.)	۷۴	divide
خط الرمل	۹۹	geomancy (sand writing)
خطایا (قرآنی)	۷	wrongs
	۸۷	sins
خُطبه	۴۲، ۴۵، ۸۰	sermon
	۸۲، ۹۹	Friday sermon
	۴۲	oration
	۴۲، ۴۵، ۸۴	address
خُطبه التوحید [ابن سینا]	۶۰	Discourse of Unity
خُطبه الوداع	۴۲	farewell address
خُطبه الوقفه	۴۲	sermon of standing
خِطبه [= خواستگاری]	۶۴، ۸۰	betrothal
	۸۰	demand in marriage
خِطبه النساء (قرآنی)	۱۰۰	proposal to women

Persian	Page	English
	۴۲	proposing marriage
خط تربیع	۱۲۰	quadratrix
خط تعلیمی	۱۰۲	mathematical line
خطرات (عرفـ.)	۲۸	stray thought
خط سنبلی (هنـ.)	۸۰	hyacinth script
خط شجری (هنـ.)	۸۰	tree - like writing
خط عمودی	۱۲۰	vertical line
خط فاصل	۱۲۰	demarcation
خط قائم	۱۲۰	vertical line
خط مایل	۱۲۰	oblique line
خط متقاطع	۱۲۰	transverse line
خط متوازی	۱۲۰	parallel line
خط مستدیر	۱۲۰	circular line
خط مشی	۱۲۰	policy
خط مماس	۱۲۰	tangent
خط منحنی	۱۲۰	curved line
خط منکسر	۱۲۰	zigzag; broken line
خطمی	۱۲۶، ۳۱	marsh - mallow (s)
خط ناصف	۱۲۰	bisectrix
خطّه	۸۰ _ ۲	a (fixed) zone
خطی ← مخطوط / مخطوطه		
خطیئه (قرآنی)	۱۰۰، ۷	fault
	۴۵	sin (committed on purpose)
	۸۰ _ ۴	moral lapse
خطیب	۸۴، ۸۰، ۴۰	orator
	۴۰	rhetor
	۱۲۶	preacher
خفا	۱۲۶	secret; concealed
خفاض [درزنان]	۸۰ _ ۴	female excision

خفض [در زنان] ← خفاض		
خفض جناح [این تعبیر، با اندکی تغییر نحوی، اصل قرآنی دارد.]	۴۲	humility; lowering the wing
خفقان	۴	suffocation
خفی	۴۲	hidden; occult
خُفیه (قرآنی)	۱۲۶	secretly
	۸۷، ۷	in secret
خلاء	۱۲۹، ۱۰۷، ۱۱	vacuum
	۱۲۹	lacuna
	۹۵، ۱۱	void
	۴ _ ۸۰	emptiness
خلاء مطلق	۱۱	absolute void
خلاف	۹۲	opposition; contrary
خلافت (نیز ← خلیفه)	۱۱۳، ۱۰۳، ۶	vicegerency
	۲۶، ۶	caliphate
	۱۸	vicarate
خلافت اموی	۱ _ ۲۶	Umayyad Caliphate
خلاف شرع	۲۵	contrary to the law
	۱۴	transgressing the law
خلاف شریعت ← خلاف شرع		
خلافیّات	۲۲	disputed problems
	۹۹	controversial questions
خِلال [دوستی] (قرآنی)	۸۷، ۷	befriending
خَلاق (قرآنی)	۸۷	portion
	۷	share
خلاّق [الخلاّق] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷، ۷	The Creator (of all things)
خلاقیت	۱۱	creativity
خلایق	۲	the created

خلّت ← خلال

خلخال ۱۲۰ anklet; ankle - ring

خُلد ← جنة‌الخلد

خلدبرین ۴۲ eternal Paradise

خلسه (تصـ.) ۱۱ ecstasy

خلط ۱۱ humour

خلط بلغمی ۱۲۰ pituitary humor

خلط دموی ۱۲۰ sanguine humor

خلط سودائی ۱۲۰ biliary humor

خلطهای چهارگانه ۱۲۰ the four cardinal humors

خُلع (فقـ.) ۳۹ release

۱۱۳ annulment of marriage or divorce of the wife for a ransom or compensation to be paid to the husband

خلعت ۸۰، ۱۰۳، ۲۱ robe of honour

خلع سلاح ۶۱ disarmament

خلع کردن ۴ remove

خلع ید (حقـ.) ۶۱ dispossession; ouster

خلع ید کردن ۶۱ dispossess

خُلف (فلـ. منطـ.) ۹۸، ۶۹ contradiction

۱۰۲ self - contradiction

۹۵ absurd

۹۸ reductio ad absurdum

۹۷ reductio ad impossible

خلفاء (قرآنی) پ successors

خلفای اموی ۴ Umayyid Caliphs

خلفای راشدین [=الخلفاء الراشدون] ۱۲۱، ۴۲، ۲۶ Orthodox Caliphs

۴۲ Rightly - guided (Well - guided) Caliphs

	۳۸	Well - directed Khalifahs
خلفای عباسی	۱۳	Abbasids
خُلق	۴۲، ۹۵	character
	۴۲	temper; disposition; nature
خَلق (قرآنی)	۱۱،۸۰،۹۳،۱۰۰،۱۱۹	creation
	۱۰۳	creature; created beings
	۵۹	The created universe
	۹۳	phenomenal world
خلق از عدم (کلـ.)	پ	creatio ex nihilo
خلق الله	۸۰ ـ ۵	the people of God
خلق الهی	۱۱	Divine creation
خلق مدام (عرفـ.)	پ	creatio continua
خلق من لاشئ ← حدوث هستی از نیستی؛ خلق از عدم		
خلل	۹۹	disintegration
	۱۲۶	defect
خُلوّ	۱۲۶	emptiness
خلوت (تصـ.)	۸۰، ۱۰۳، ۱۱۸	solitude
	۸۰، ۵۸، ۸۲	spiritual retreat
	۸۰، ۱۰۳، ۱۱۳	seclusion
	۸۵	privacy
خلوت خاص	۱۸	private communion with God
خلوت در انجمن	۸۰ ـ ۴	solitude in society
خلوت صغیر	۵۸	minor retreat
خلوتخانه [= بَست؛ خلوتگاه]	۱۲۹	adytum
خلود (قرآنی)	۳۸، ۹۰	eternity
	۸۷، ۱۱، ۹۵	immortality
	۳۱	being perpetual
	۱	abiding for ever

خلود فی النّار	۱ ،۵۶	abiding in Hell (for ever)
خلوص [مشتقات دیگر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۹، ۱۱	purity
	۴۲	sincerity
خلوص نیّت	۲۹	purity of intent
	۱	pure intention
	۲۱	sincere intention
خلوه ← خلوت		
خلیج فارس	۱۲۰	Persian Gulf
خلیج قسطنطنیه (جغـ.)	۹۹	Straits of Constantinople
خلیع العذار [= لاابالی]	۳۱	unconcerned; listless
خلیفه (قرآنی)	۱.۹.۲۴.۴۵.۹۶.۱۰۳	vicegerent
	۵۶.۸۷.۱۰۰ ،۱۱۲	ciceroy
	۱۳ ،۸۰	vice - regent
	۴۲.۴۵.۱۰۹ ،۱۱۳	successor
	۴۲	caliph
خلیفه الرحمن	۲۴	vicegerent of the Beneficent one
خلیفه الله	۱۸	God's vicar
	۵۶	God's viceroy
	۹ ،۱۲۲	vicegerent of God
خلیفه الله فی ارضه	۱۰۹	representative of God (on His Earth)
خلیل (قرآنی)	۷ ،۸۷	friend
	۶	intimate friend; confident
الخلیل (جغـ.)	۸۰ _ ۴	Hebron
خُم	۱۰۳	vat
خَمّار	۱۰۱	tavern keeper
	۱۲۰ ،۱۲۶	wine - merchant
خمخانه	۳۴	wine house

خمر (قرآنی)	۴۲،۴۵،۱۰۰، ۱۰۳	wine
	۸۷	strong drink
	۸۰ _ ۵	alcoholic drink; fermented drink
	۱۰	grape wine
	۴۲	intoxicating drink
خمریّه [از انواع شعر]	۸۰	wine poem; wine ode
	۸۹	wine song
خمس	۱۰۰، ۱۱۲	the fifth
	۱۰۹	fifth of money (tax for Imam)
	۳	one fifth levy
خنّاس (قرآنی)	۷، ۱۰۰	slinking
خُناق (پز. قدیم)	۷۱	angina
	۱۲۰	diphtheria
	۱۲۶	quinsy
الخنّاق [= جلّاد]	۸۰ _ ۵	suffocater
خنثی [۱. دو جنسی یا نر-ماده؛ نیز ←دو جنسی بودن؛ ۲. بیطرف]	۳۸	1. hermaphrodite
	۱۲۰	2. neuter; neutral
خندق	۲۵، ۴۲، ۴۵	ditch
	۲۵	moat
غزوهٔ خندق.	۴۲	Battle of the Ditch
خنزیر (قرآنی)	۷، ۳۸، ۸۷	swine
خنزیر ابو قَرنَین	۸۰ _ ۵	phacocherus; hylocherus
خنزیر الارض	۸۰ _ ۵	orycterops
خنزیر البحر	۸۰ _ ۵	dolphin; porpoise
خنزیر النهر	۸۰ _ ۵	potamocherus
خنزیر اهلی	۸۰ _ ۵	pig
خنزیر وحشی	۸۰ _ ۵	wild boar
خِنصِر	۱۲۰، ۱۲۱	little finger
خوابگاه [= شبستان]	۱۲۹	bed chamber

Persian	Pages	English
خواتم [آخر سوره‌ها]	۲۳	ends of surahs
خواجه	۱۰۳	lord
	۳۴ ،۱۰۳	master
خواجه [= خصی]	۴۲ ،۸۰	eunuch
	۴۲	servant
خواجه تاش	۳۱	fellow - servant
خوارج	۲۶ ،۹۹	Kharijites
	۸۵	Kharijis
	۴۲ ،۹۹	Rebels
	۳۸	Revolters
	۴۲	Seceders
خوارزمی [الخوارزمی]	۴۲	Algorithmi
خوارق عادات ← خارق عادت؛ خرق عادت		
خواست [مشیت]	۹۲،۱۱۱	will
خواست ایزدی	۹۲	Divine will
خواستگاری (نیز ← خِطبه)	۶۴	betrothal
	۱۵	marriage proposal
خواصّ [مقـ. عوام]	۲۱ ،۹۰	the elect
	۱۲ ،۹۹	elite
	۵۸	the intellectual elite
خواصّ شیعه	۱۲	the elite among the Shi‘ ites
خواطر (تصـ.)	۵ ـ ۸۰	image (s)
خوانچه پوش [= سقفواره؛ کمرپوش] (معمـ.)	۱۲۹	counter ceiling
خواهر رضاعی	۳۹ ،۱۲۰	foster - sister
خُود	۱۲۶	helmet
خود [نفس]	۱۱	self
خودپرستی (اخـ.)	۱۱ ،۲۹ ،۴۰	egoism

واژه	صفحه	English
	۴، ۱۵	egotism
	۱۵	self - aggrandizement
	۴	self - love
	۱۰۳	self conceit
خودخواهی ← خودپرستی		
خوددوستی ← خودپرستی		
خودشناسی	۱۱	self - knowledge
خودکفایی ← خود بسندگی		
خودگرایی ← خودپرستی		
خوش بینی	۱۱	optimism
خوشنویسی	۱۱۵، ۱۲۰	calligraphy
خوشهٔ (نجـ.)	۳۶	Cluster
خوشهٔ باز (نجـ.)	۳۶	open Cluster
خوشهٔ پروین (نجـ.)	۳۶	Pleiades
خوشهٔ ستاره‌ای (نجـ.)	۳۶	Star Cluster; Stellar Cluster
خوشه کروی(نجـ.)	۳۶	globular Cluster
خوض (قرآنی)	۷	vain discourses
خوف (قرآنی)	۷،۴۰،۸۰،۹۳،۹۵،۱۰۳،۱۱۸	fear
خوف و رجاء	۹۰	fear and hope
خوفیّه [از انواع تقیّه]	۲۷	precautionary or apprehensive
خونبها (نیز ← دیه)	۳۱	fine for blood - sheding
	۱۰۳	blood - price
	۴	blood - money
	۸۴، ۱۰۹	blood - wit
خونخواهی (نیز ← ثأر)	۲۷	crying for revenge
	۳	seeking to revenge someone's blood
خوی ← خو		
خویشاوند (نیز ← ارحام؛ اولوالارحام)	۶۱	relative

خویشاوند سببی	۶۱	relative - in - law
خویشاوند نَسَبی	پ	blood relative
خیار (فقـ.)	۸۶، ۸۰، ۶۱، ۴۲	option
	۸۰، ۴۵	right of withdrawal
	۸۰	right of option
خیار بایع	۶۱	put option
خیار تخلّف وصف	۶۱	option of incorrect description
خیار تعیین	۵ ـ ۸۰	designation option
خیار حیوان	۶۱	option of animals
خیار رؤیت	۵ ـ ۸۰	option of sight
خیار شرط	۸۰	conditional option; right to withdraw
	۶۱	option of condition
	۸۵	stipulated right of cancellation
خیار غبن	۶۱	option of deception
خیار مجلس	۶۱	option of meeting place
	۸۶	right to repudiate the agreement during the session
خیار مشتری	۶۱	call option
انقضای مدت خیار	۶۱	expire of option
جعل خیار	۶۱	make option
خیاری	۶۱	optional
عقد خیاری.	۶۱	optional contract
خیّاطی	۱۲۰	tailoring; sewing
خیال	۱۱۳، ۴۰	imagination
	۱۰۳، ۸۰	fantasy
	۱۰۳	fancy; phantom
	۹۵	image
خیال الظل	۴ ـ ۸۰	shadow fantasy; shadow play
خیالی [وهمی]	۱۱	imaginary

خیانت	۸۷، ۱۶	treachery
	۴۲	breach of trust
	۸۵	embezzlement
	۲۵، ۱۵	perfidy
خیانت در امانت	۶۱	abuse of confidence
خیانت در قیمومت	۷۵	breach of trust
خیانتکار	۱۵	perfidious
خیر	۱۰۸، ۹۵، ۴۲ _ ۵	good
	۴۲	goodness
	۴ _ ۸۰	charity; gifts in money or kind; public welfare.
خیرا عِلی	۴۶، ۱۱	summum bonum
	۴۴	supreme good
خیر الانام [از القاب پیامبر اسلام (ص)]	۱۲۰	the best of men
خیر محض	۱۰۴، ۸۰، ۱۱	pure good
	۹۲، ۴۰	absolute good
خیر مطلق	۹۲	absolute good
	۳۱	chief good; summum bonum
	۹۲	supreme good
خیر مقدم	۳۱	welcome (to you)
خیر ممدوح	۶۹	praiseworthy good
خیرات (قرآنی)	۸۷، ۴۲	good deeds
	۱۰۰	good things
	۴۲	charities; act of charity
خیرات محسوس	۶۹	Sensible goods
خیرات معقول	۶۹	intelligible goods
خیرالامور اوسطها	۴۲	golden mean is the best
خیرالحاکمین (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷، ۷	The Best of judges

خیرالراحمین (اسم الهی) (قرآنی)	۷، ۱۰۰	The Best of mercifuls
خیرالرازقین (اسم الهی) (قرآنی)	۷، ۱۰۰	The Best of providers
خیرالغافرین (اسم الهی) (قرآنی)	۷، ۱۰۰	The Best of forgivers
خیرالفاتحین (اسم الهی) (قرآنی)	۷	The Best of diciders
خیرالماکرین (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	The Best of divisers
خیرالمنزلین (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	The Best of harbourers
خیرالناصرین (اسم الهی) (قرآنی)	۷	The Best of helpers
خیرالوارثین (اسم الهی) (قرآنی)	۷، ۱۰۰	The Best of inheritors
خیرخواه	۴	benevolent
خیرخواهی	۱۵	benevolence
خیر و شر	۴۲	good and evil
خیریّت	۹۵	goodness
خیزران	۴ـ ۸۰	bamboo
خیشوم (تجو.)	۱۲۸	nasal cavity
خیل	۴ـ ۸۰	equine species; horses
خُیلاء	۳۱	arrogance; pride
خیلتاش	۱۲۰	fellow - soldier
خیمه	۴/ ۸۰، ۶	tent
	۱۴	pavilion

د

داءالاسد (پز. قدیم.)	۱۲۰، ۷۱	leontiasis
داءالثعلب (پز. قدیم.)	۷۱	alopecia
داءالحیّه (پز. قدیم.)	۷۱	ichthyosis
داءالخنازیر (پز. قدیم.)	۱۲۶	scrofula

داءالرقص	۱۲۰	St. Vitus' dance; chorea
داءالفيل	۱۲۰	elephantiasis
داءالكلب	۱۲۰	hydrophobia
دائر (منط.)	۹۷	concomitans
دائرةالنبوّه	۵۸	the cycle of prophecy
دائرةالولايه	۵۸	the cycle of initiation
دائم (قرآنى)	۱۱۸	persistant
	۷	perpetual
	۸۷ .۱۰۶	everlasting
دائم التغيير	۱۱	everchanging
دائم الخمر	۱۲۰	habitual drunkard
دائمه	۱۰۷	constant
	۹۷	perpetual
دائمه مطلقه	۹۷	absolute perpetual
دائمى	۲۹	permanent
دأب (قرآنى)	۷	manner
دابّه (قرآنى)	۸۷	beast
دابة الارض (قرآنى)	۷.۸۷	Creature of the earth
	۳۸.۴۲	The Reptile of the earth
دابر (قرآنى)	۷ .۸۷	root (s)
داثر	۳۱	perishing
داخلتان تحت تضاد	۴۲ .۹۴	subcontrary
داد	۹۹	justice
دادار	۱۸	The Just
	۳۱	Distributor of Justice
دادخواهى (حقـ.)	۶۱	lawsuit
دادرسى (حقـ.)	۶۱	legal procedure
دادستان (حقـ.)	۶۱	public prosecutor
دادگاه	۸	court of law

	۶۱	court
دادگاه شرع	۲۷	religious court
دادگاه عمومی	۶۳	court of general jurisdiction
دادگاه نهایی	۶۳	court of last resort
دادو ستد	۶۱	bargain
دارالآخره [= الدارالآخرة] (قرآنی)	۱۰۰، ۸۰	the last abode
	۶۴	the last home
دارالاسلام (نیز ← اسلام؛ عالَمِ اسلام)	۹۱	sphere of Islam
	۴۷، ۴۵	the Abode of Islam
	۲۷	Muslim territory
دارالاماره	۳۱	royal residence
دارالایتام	۴۲	orphanage
دارالبقا [صفت بهشت]	۳۱	paradise; the everlasting abode
	۸۰	abode of ever lasting existence
	۹۳	everlasting kingdom
دارالبوار (قرآنی)	۱۰۰	abode of ruin
	۴۲	abode of perdition (Hell)
	۱۹	house of perdition
دارالبیضا (جغـ.)	۴۳، ۴۲	Casablanca
دارالتأدیب	۶۱	house of correction
دارالتعب	۲۴	house of affliction
دارالجزاء	۵۶	the abode of the reward
دارالحرب	۴ ـ ۸۲، ۴۷، ۴۵	Abode of war
	۳۸	land of warfare
	۱۲۶، ۸۵	enemy territory
دارالحُفّاظ	۳۳	place of the Reciters
دارالحکمه	۵ ـ ۸۲	House of Learning

	۲ _ ۸۰	house of wisdom
دارالخلافه	۱۴	the Caliph's palace
	۱۲	Capital
دارالخُلد (قرآنی) [صفت بهشت]	۱۰۰	Abode of Eternity
دارالسّلام (قرآنی) [صفت بهشت]	۱۰۰،۸۷،۸۰،۶۴	Abode of Peace
	۴۵	Abode of Bliss
	۴۲	Territory of Peace
دارالسّلطنه	۱۱۴	the capital
دارالشرع	۳۱	court of law; spiritual court
دارالشفا (نیز ← بیمارستان)	۳۱	infirmary; hospital
	۶۸	dispensary
دارالشوری	۱۲۰	consultative assembly
دارالصلح	۲ _ ۸۰	house of truce
دارالضرب (نیز ← ضرابخانه)	۲ _ ۸۰	mint
دارالضیافه	۸۰	guest - house
دارالضیف	۳۱	hospice
دارالعجزه	۱۲۰	asylum; infirmary
دارالعدل	۴ _ ۸۰	royal court of justice
دارالعلم	۲ _ ۸۰	house of sciences
دارالعمل	۵۶	abode of activity
دارالعهد	۲ _ ۸۰	land of the covenant
دارالغرور	۳۱	house of delusion; the world
	۱۰۲	house of vanity
دارالفاسقین (قرآنی)	۱۰۰	habitation of the ungodly
دارالفنا	۸۰	abode of transitoriness
	۵۶	realm of extinction
	۳۱	perishable abode; the world
	۵۵	transient sphere
	۹۳	transient existence

دارالفنون	۵۴	abode of sciences
	۱۲۰	polytechnic school
دارالقرار (قرآنی)	۱۰۰	abode of stability
	۷	abode to settle
	۳ ـ ۸۰	abode of permanence
دارالقسر	۱۰۲	house of obstruction
دارالکتب	۱۲۱	public library
دارالکفر	۲ ـ ۸۰	territory of unbelief
دارالمجانین	۱۲۰	lunatic asylum
دارالمُقامه [صفت بهشت]	۱۰۰	Abode of Everlasting life
دارالمکافات	۳۱	abode of retaliation; world
دارالندوه	۴۵	grand council
	۸۴	assembly house
	۱۹	House of Convocation
دارالهجرة	۱۲۱	Medina
دارایی	۶	possession
دار مرز (معمـ.)	۱۲۹	timber line
داروغه	۶۸	town head man
دارین [= دنیا و آخرت]	۳۱	present and future life
داعی (قرآنی)	۸۷	summoner
	۴۵	he who summons
	۴ ـ ۸۲، ۵۱	missionary
	۸۱	motive
داعیه (کلـ.)	۱۰	incitement
داغ	۱۰۱، ۱۸	brand
دافعه	۴	repulsion
دال (منط.)	۱۱	significant
	۹۷	indicans
دالان [= دهلیز؛ راهرو] (معمـ.)	۱۲۹	gallery; corridor; passage

دالبر (جلـ.)	۱۱۶	scallop
دام	۱۸ ،۱۰۳	snare
داماد	۱۲۰	bridegroom; son - in - law
دانای کلّ ← علام‌الغیوب		
دانهٔ تسبیح (نیز ← تسبیح)	۱۲۹	bead
داور	۶۱	arbitrator
داوری کردن	۶۱	arbitrate
داوود(ع) (قرآنی)	۷ ،۸۷ ،۱۰۰	David
داهی	۱۲۱	smart; sly;shrewd; cunning
	۱۲۰	ingenious
داهیه	۱۲۱	calamity; disaster;catastrophe
دایره	۳۶ ،۹۲	circle
دایرهٔ اعتدال (نجـ.)	۳۶	equinoctial colure
دایرهٔ ساعتی (نجـ.)	۳۶	hour cycle
دایرهٔ صغیره (جغـ.)	۷۴	small circle
دایرهٔ عالم	۱۱	circle of universe
دایرهٔ عظیمه (جغـ.)	۷۴	great circle
دایرهٔ فلك	۱۱	celestial circumference
دایرهٔ قائم (نجـ.)	۳۶	vertical circle
دایرهٔ معدل النهار	۹۹	equinoctial line
دایرهٔ وجود ← دایرهٔ عالم		
دایرهٔ هندی (جغـ.)	۱۹	Indian Dial
دایرةالبروج	۱۲۵	ecliptic
دایرةالمعارف	۱۲۰	encyclopedia
دایم ← دائم		
داین	۱۲۰	creditor
دایه	۲۰	wet - nurse
دایی	۱۲۰	maternal uncle
دبّ اصغر (نجـ.)	۳۶ ،۱۲۵	Ursa Minor

English	Pages	Persian
The Lesser Bear	۳۱	
tanner	۱۰۱	دبّاغ
tanning	۱۲۵	دبّاغی
Ursa Major	۳۶	دبّ اکبر (نجـ.)
The Greater Bear	۳۱	
anus	۱۲۰	دُبُر [= نشیمن] (فقـ.)
Aldebaran	۳۶	دَبَران (نجـ.)
school	۱۲۰	دبستان
secretary; scribe	۱۰۱	دبیر
Dubhe	۳۶	دُبّه (نجـ.)
blanket; cover	۱۲۳، ۱۲۱	دثار
Cygnus	۱۲۵، ۳۶	دَجاجه (نجـ.)
Dajjal	۳۴	دجّال
Antichrist	۱۰۳، ۹۹، ۳۷	
the «deceiver»	۲ ـ ۸۰	
Tigris	۱۲۵، ۴۳، ۲	دجله [رود]
darkness; obscurity	۱۲۳	دُجیٰ / دجیة
Smoke	۱۰۰، ۸۸، ۸۷	دخان [سوره]
The Evident Smoke	۷	
tobacco and its products	پ	دخانیات (نیز ← تدخین)
going in	۸۷، ۷	دخول (فقـ.) (قرآنی)
first coition in marriage	۱۲۱	
to whom protection should be assured	۲ ـ ۸۰	دخیل
income; return	۷۵، ۶۳	درآمد (اقـ.)
study	۱۲۱	دراسة (قرآنی)
reading	۸۷، ۷	
gown	۱۴	درّاعه
all - perceiving	۷۹	درّاک

واژه	صفحه	English
درایت	۱۳	perspicacity
	۱۱۳	comprehension
درایه [درایةالحدیث، درمقابل روایت الحدیث]		contextual study of hadith (ed.)
دربار	۱۲۰	court
درجه / درجات (قرآنی)	۷ ،۸۷	degree (s)
درد (تصـ. پز.)	۱۰۳	grief; pain
درد مفاصل (پز. قدیم.)	۷۱	rheumatism
دُرد(ی)	۱۰۳	dregs
	۱۲۱	sediment
درس	۱۲۰	lesson; lecture
درست (منط.)	۹۴	valid
دَرَك (فقـ.)	۸۵	default in ownership
درك اسفل [ضبط قرآنی این کلمه الدَّرْك الاسفل است]	۸۷	the lowest deep
درکات [مقـ. درجات]	۱۲۱	descending steps
درگاه [= دربار]	۱۴ ،۸۲ ،۱۰۱	court
	۱۰۳	royal court
	۳۴	throne
	۲۱	divine portal
درگاه (معمـ.)	۸۷ ،۱۲۹	doorway
	۱۲۹	port; portal
درگذشت [= وفات]	۱۲۱	pass away
دروازه	۱۲۹	gate; port; portal
دروغ	۱۱ ،۹۴	false
	۱۲۰	lie
	۱۶	falshood
درویش [این کلمه را با املای dervish و darvish نیز می نویسند]	۴،۴۵	derwish

دره	۱۲۹	valley
دِرهم [جمع این کلمه به صورت دراهم درقرآن به کار رفته است.]	۱۲۰	drachma
	۸۷	silver coin
دریا ← بحر		
درياق ← ترياق		
دریانوردی	۱۲۰	navigation
دریای شام ← بحرالروم [= دریای شام]		
دزد ← سارق		
دزدی ← سرقت		
دستار [= تقریباً برابر با عمامه]	۳۸	turban
دستخط	۱۲۰	handwriting; autograph
دست نماز ← وضو		
دستور (۱)	۱۲۰	grammar
دستور (۲)	۱۲۰	instruction; rule; precept; formula; permision
دستور (۳)[اقتباس عربها از دستور فارسی، که به معنی قانون اساسی به کار می برند]	۱۲۱	constitution (- al law)
دستنویس ← مخطوط / مخطوطه		
دعا (قرآنی)	۷،۳۸،۴۲،۴۵،۵۲،۹۲،۱۰۰،۱۰۳	prayer
	۵۷ ،۷۹ ،۱۱۳	supplication
	۲ _ ۸۰، ۲۳	invocation
دعای مأثور	۳۸	recorded prayer
دُعابه [= شوخی، مزاح]	۱۲۱	joking; jesting; funmaking
دُعات	۴۵	emissaries
دعا کردن	۵۵	offer a petition

	۴۲	pray; bless
دعاوی ← دعوی		
دعاوی حقّه (حقـ.)	۶۱	legitimate claims
دعوای ملکی (حقـ.)	۶۳	real action
دعوت (قرآنی)	۴۵ ،۱۰۵	claim
	۷ ،۶ ،۱۶	call
	۴۵	preach
	۹۹	propaganda
دعوت حقّ [= دعوةالحق] (قرآنی)	۹۹	truthful propaganda
	۱۰۰	call of truth
دعوی	۶۱ ،۸۵	claim
	۴۵	accusation or arraignment in civil and criminal law
	۸۵	lawsuit
	۲۵	a suit; a plaint
	۵۲	pretence
	۹۵	thesis
دعوی قضایی	۸	litigation
دعوی متقابل	۶۱	counterclaim
دعوی کردن	۶۱	set up claim to
دغا	۱۲۰	deceit (- fulness)
دف	۱۲۵	tambourine
دفاع [جنگ تدافعی]	۴	defensive warfare
دفاع کردن	۴	defend
	۱۶	vindicate
دفاعیّه نویس	۲۷	apologetic
دفتر (۱. کتاب؛ ۲. کتابچهٔ یادداشت	۱۲۳	1. book
و ثبت؛ ۳. اداره، دائره]	۱۲۰	2. note - book

	3. office	۱۲۰
دفتر ثبت اسناد	register of deeds	۷۵
دفترخانه	secretariat	۱۱۴
دَفّه (نیز ← بین الدفّتین)	cover	۱۲۱
دفن (نیز ← تدفین)	burial; burying	۴۲
دفن کردن	bury	۴
	entomb	۶۱
دفینه (فقـ.)	buried treasure	۶۱
دقیانوس (قصـ.)	Decius; Gaius Messius	۴۵، ۴۳
	Decianus	۱۰۳
دُکّان	bench; store; shop	۱۲۱
دِل (قصـ.)	soul	۲۱
	mind	۳۱
	heart	۱۰۳
دلّال (حقـ.) (نیز ← سمسار)	broker	۲ ـ ۸۰، ۶۱
	jobber	۱۲۹
	agent	۲ ـ ۸۰
	dealer	۱۲۰
دلالت (قرآنی)	guide	۷
دلالت (کلـ.)	indication	۱۱۸، ۹۷، ۸۳، ۱۰
	manifestation	۴ ـ ۸۰
	significance	۹۵
	token	۱۰
	signification	۱۱
دلالت التزامیّه (کلـ.)	indication per nexum	۹۷
دلّاله	middle woman; woman broker	۱۲۱
دلق (تصـ.)	cloak	۵۵، ۳۴
	frock of a dervish	۱۰۳
	dervish habit; cassock	۵۲

دلق	۵۵	cowl
دلق ازرق فام	۵۵	azure cowl; cloak of deceit
دلق ملمع [کمابیش برابر با دلق مرقع]	۵۵	patched cowl
دلق پوش	۵۲	wearer of the darvish habit
دلو	۸۰	a leather bucket
	۴۲، ۱۲۹	bucket
دلو (نجـ.)	۳۴، ۹۹	Aquarius
دلوك الشمس (قرآنی)	۱۰۰	sinking of the sun
	۷	declining of the sun
دلیل (قرآنی)	۱۰۰	guide
	۷	indication
دلیل (نیز ← استدلال)	۹۵،۱۰۲،۱۰۴، ۸۱،۹۴	proof
	۹۷، ۱۰۴	demonstration
	۶۳	evidence
	۸۰	indication
دلیل اقناعی (منط.)	۱۰۲	persuasive (non-apodictic) proof
دلیل شرطی (منط.)	۹۴	conditional proof
دلیل ضمنی (حقـ.)	۶۳	circumstantial evidence
دلیل عقل (منط.)	۱۰۴	rational demonstration (proof)
دلیل قطعی (حقـ.)	۶۳	conclusive evidence
دلیل قطعی (منط.)	۸۰	conclusive indication
دلیل موّجه (حقـ.)	۶۱	adequate reason
دم [خون] (قرآنی)	۷، ۸۷، ۱۰۷	blood
دم [نفس]	۱۰۳	breath
دم عیسی	۱۰۳	breath of Jesus
دمار	۱۲۱	ruin; destruction
دمشق (جغـ.)	۴۳	Damascus; Damas

دَمع [= اشک] (قرآنی)	۷، ۸۷	tears
دموی (پز.)		sanguine
دِمیاط [= شهری در مصر سفلی]	۱۲۵	Damietta
دَنَس	۱۲۰	filth; impurity
دنیا (قرآنی)	۸۷	the world
	۱۱۸	this world
	۸۰	transitory world
دنیای فانی	۱۰۳	the fleeting world
دنیاپرست	۳۱	mammonist
دنیادار	۱۳	worldly minded
دنیوی	۱۲۰	worldly; secular; mundane
دوا	۱۲۰	medicine; drug
دوات	۱۲۳	inkstand; inkpot
دواب (قرآنی)	۸۷	beasts
دوام	۷۹	everlastingness
	۹۵	permanence
	۴۰	perpetuity
دوبیتی (عربها به آن دو بیت یا الدوبیت گویند) (نیز ← رباعی)	۱۲۱	a rhymed poem consisting of four hemistiches
دوپیکر (نجـ.)	۳۶	Twins; Gemini
دو جنسی بودن (نیز ← خنثی)	۱۵	bisexuality
دودمان (نیز ← خاندان؛ ذریه)	۶۴	progeny
دَور (فقـ.)	۲۸	dependence
دَور (نجـ.)	۳۶	cycle
دَور (منط.)	۹۵	circle
	۱۰۶	circular proof
		circular evidenc; circular regress;
	۱۱	circular series
دور باطل [دور و تسلسل]	۱۱، ۲۹، ۱۰۲	vicious circle

دور ستر	۸۰،۴	cycle of occultation
دور کشف	۸۰،۴	cycle of unveiling
دور رحمت	۱۰۳	cycle of mercy
دوران جاهلیّت (نیز ← جاهلیت)	۲،۱۵	Pre-Islamic period
دوران حیض	۳۹	menstrual period (course)
	۱۰۹	menstrual cycle
دوران طُهر	۳۹	period of purity
دوران قاعدگی ← دوران حیض؛ حیض		
دورهٔ جاهلیت ← دوران جاهلیّت؛ جاهلیت		
دورهٔ حیض ← دوران حیض؛ حیض؛ قاعدگی؛ محیض؛ قُرء		
دَوری	۱۱	periodic
دوزخ (نیز ← جهنّم)	۱۸	Hell
	۱۳	Limbo
دوگانگی [نیز ← ثنویت]	۲۹	duality
دولت	۴۷،۹۹	dynasty
	۴۷،۱۰۳	fortune
	۴۷،۹۳،۱۰۳	state
	۴۷	temporal power; riches; wealth
دولت (عرف.)	۱۴،۱۰۳	felicity
دهاء (اخ.) (نیز ← داهی؛ داهیه)	۵۷	astuteness
دهر (قرآنی)	۱۰۰	perpetual duration
	۴۰	eternal duration
	۱۱	supratemporal duration
	۷۹	time
دهری	۴۲	atheist; materialist
دهریّه [فرقه]	۴۵،۹۳،۱۰۴،۱۰۵	Materialists
	۴۵	naturalists; fatalists
ده فرمان [احکام عشره] ← احکام عشره [ده فرمان]		

دهلیز (معمـ.)	۷۸	enterclose; hallway; vestibule
	۱۲۹	gallery
دیالمه (تخـ.)	۱۳	The Dailamites
دیّان [اسم الهی] (غیرقرآنی)	۴۲	The Reckoner
دیانت	۴۲	piety; religion
	۸۰ _ ۲	act of religion
	۷۹	religiosity
دیبا	۱۴	brocade
دیباچه	۱۳	exordium; preamble
	۱۲۰	preface
دَیْدَن [= دأب]	۱۲۳	habit; habitude, confirmed practice
	۳۱	custom
دَیر	۵۵	cloister
	۱۲۶	convent
دَیر مغان	۵۵	Magian's Cloister
دیمقراطیس ← ذیمقراطیس		
دیمومیّت [= دیمومة]	۸۰	everlastingness
	۹۵	duration
دیمی (نیز ← زراعت دیم)	۴۸	rain - fed cultivation
دَین (قرآنی) (نیز ← داین؛ مدیون؛ تداین)	۷،۴۲،۷۵،۸۰،۸۵	debt
	۴۲ ،۸۵ ،۱۰۱	obligation
	۸۵	claim
دَین بدون بهره	۷۵	passive debt
دین [قیامت] (قرآنی)	۸۰ ،۸۷	Judgement
	۱۰۰	Doom
دین [مذهب] (قرآنی)	۴،۷،۱۱،۱۲،۲۲،۴۵،۷۸،۹۵	religion
	۶ ،۷	faith
دین اجدادی	۱۱	ancestral religion

دین اسلام	۱۱	Religion of Surrender; Islam
دین جزمی	۱۱	dogmatic religion
دین حقّ [= دین الحق] (قرآنی)	۸۷، ۸۰، ۱۲	religion of Truth
	۲۲	True religion
دین حنیف (نیز ← حنیف)	۵۸	Primordial religion
	۵۴	Primordial tradition
دین زرتشتی	۴۳	Zoroastrianism
دین عتیق	۸۰	the «Old religion»
دین فطره	۹۳	religion of nature
دین مانی / مانویت	۴۳	Manichaeism
دین مبین اسلام ← اسلام: دین اسلام		
دین یهود	۴۲	Judaism
دینار (قرآنی)	۱۲۰	denarius
	۷	dinar
دیندار	۴۲	religious; pious
دینداری	۴۲	piety; religiousness
	۶	devoutness
	۱۱	faithfulness
دین شناس	۱۱	theologian
دیو (قصه.)	۱۰۳	devil
	۸۰، ۱۱	demon
دیوار	۱۲۹	wall; fence
دیوار مشترک (معم.)	۷۸	party wall
دیوان (تخ.)	۴ _ ۸۲	chancery
	۹۹	ministry archive
دیوان (شعر)	۳۷	collection of poem
	پ	divan, diwan

دیوانه (حق.)	۶۱	crazy
دیوجانس [= دیوژن]	۴۰	Diogénes
دیه (نیز ← خونبها)	۳۷،۴۵،۶۴،۸۰،۸۵،۸۶،۸۷	blood - money
	۲۶ ،۴۵ ،۸۰ ،۱۰۰	blood-wit
	۸۰ _ ۳	blood compensation
	۳۸ ،۴۵	fine
	۱۰۹	blood - price
دیة‌الخطأ	۴۵	compensation for an unintentional injury
دیة‌العمد	۴۵	compensation for an intentional injury

ذ

ذائقه	۳۱	taste; sense of tasting
ذات (فلـ.)	۴۲،۴۵،۵۶،۸۰،۹۵،۹۶،۱۰۳،۱۱۱	essence
	۸۰	substratum
ذاتاً	۴	essentially
ذات‌البروج (نجـ.)	۳۴	Zodiac
ذات البین (قرآنی)	۷	difference
	۱۲۱	enmity; disunion; discord
ذات‌الجنب (پز. قدیم)	۷۱،۹۸،۱۲۰	pleurisy
ذات‌الرّیه (پز. قدیم)	۷۱،۱۲۰	pneumonia
ذات‌الشمال (قرآنی)	۷	to the left
ذات‌الصدور (قرآنی)[= افکار، اندیشه‌ها، حاجتها]		

ذات الکرسی (نجـ.)	۳۶	Cassiopeia
ذاتِ الهی	۸۰،۹۶	Divine essence
ذات الیسار (پز. قدیم)	۷۱	inflammation of spleen
ذات الیمین (پز. قدیم)	۷۱	inflammation of liver
ذات الیمین (قرآنی)	۷،۱۰۳	right hand; to the right
ذات ربوبیّت [= خداوند]	۱۰۳	essence of Divinity; Lordship
ذات لایتناهی [= خداوند]	۳۴	The Infinite
ذات لایزال [= خداوند]	۱۲۰	The Eternal one;the Supreme Being
ذات مدرکه	۹۹	perceiving essence
ذات مطلق	۱۱	absolute essence
ذات ممکن	۳۴	contingent essence
ذات نهایی واقعیّت	۱۱	ultimate nature of reality
ذات واجب	۳۴	the essence of necessary
ذات واحد	۹۱	one essence
ذات و عرض [= بود و نُمود]	۱۱	essence and appearance
ذاتی [= ذاتیه] (منطـ.)	۴۲،۸۰،۹۵،۹۷	essential; essence
	۱۱	innate; nouminal
ذاریات [سوره]	۷،۸۸،۱۰۰	The Scatterers
	۸۷	The Winnowing winds
	۳۱،۸۷	Quick-Scattering (winds)
ذا قربی (قرآنی)	۷	relative
	۸۷	kinsman
ذاکر	۳۱	praiser of God
ذاکره	۱۲۱	memory
	۳۱	faculty of remembrance
	۳۱،۵۶،۹۵	retentive memory
ذاالنون [لقب یونس] (قرآنی)	۷	Yunus [=Jonah]
ذامَتربة (قرآنی)	۱۰۰	needy man

	۱۶	The distitute
ذامَقرَبة (قرآنی)		near of kin
ذُباب (قرآنی)	۷،۸۷	fly
ذبح (قرآنی)	۴۲	slaughter; sacrifice
	۳۱	sacrificing
	۶۴،۸۷	victim
ذبح کردن	۶۴	slaughter
ذبول (فلـ.)	۸۰	shrinking
ذخائر الله	۳۸	Repositories of God
ذخیره	۶	provision
ذراری ← ذریّه		
ذرع/ذراع (قرآنی)	۷،۶۵،۸۰،۸۷،۹۹	cubit
ذر [= عالم ذر] ← الست		
ذروه [به‌ضم یا فتح اول]	۱۲۰	summit; crest; eminence
ذرّه	۱۱،۳۸،۱۰۳	atom
ذریّه (قرآنی)	۳۱،۸۷	descendants
	۷،۳۱،۸۷	offspring
		progeny
ذکاء	۶۹	quick-wittedness
ذِکر [قرآن]	۷،۴۲،۸۷	Reminder
ذِکر (قرآنی)	۱۰	Liturgical glorification of God
	۵۸	invocation (of God)
	۲۱	meditation
	۲	remembrance
ذِکر الله (قرآنی)	۷	Allah's remembrance
	۸۷	remembrance of Allah
ذِکر جمیل	۳۱	favourable recommendation
ذِکر خدا	۶،۸۷	remembrance of Allah
	۳۱	praising of God

ذِکر خیر	۶	good mention
ذَکَر (قرآنی) [= جنس مذکر، ذکور، مقـ. انثی]	۷،۸۷	male
ذُکران (قرآنی)	۷ ،۸۷	males
ذکر گفتن	۳۱	invoke the name of God
ذِکریٰ (قرآنی)	۸۷	remembrance
ذلّ (قرآنی)	۸۷	submission; disgrace
	۷	abasement
ذلّت (قرآنی)	۲	disgrace
	۷ ،۸۷	humiliation
	۷	abasement
ذلول (قرآنی)	۷،۱۲۰	submissive
ذلیل	۳۱	mean; contemptible
	۱۲۰	abject, humbled
ذمّه (نیز ← اهل الذمه)	۴۲	obligation; bond of protection
	۷۹	protective covenant
	۵۳	covenant of protection
	۴۷	engagement; responsibility
	۳۱	suretyship
ذِمّی (نیز ← اهل الکتاب؛ اهل الذمه)	۱۲۱	Zimmi; Dhimmi; free non-Muslim subject living in a muslim country
ذمیمه	۳۱	crime; vice; misdemeanour
ذَنْب (قرآنی)	۷،۴۲،۸۷	sin; fault
	۳۱	crime; trespass
ذوالجلال (صفت خداوند) (قرآنی)	۷،۴۲،۸۷	Lord of Majesty (Glory)
ذوالقربی ← ذوی القربی؛ ذاقربی		
ذوالمنن (صفت خداوند)	۴۲	Bountiful
ذوالنون ← ذاالنون		

ذوانتقام ← منتقم		
ذوب	۱۲۱	melting; dissolution
ذوجنبتین	۱۲۰	equivocal
ذوحیاتین	۱۲۰	amphibious
ذوذنقه	۱۲۹	trapezoid
ذوق	۴۰	taste
	۵۹	intellectual intuition
	۵۴	tasting (of the truth)
ذووجهین	۱۲۰	equivocal
ذوی الارحام (نیز ← ارحام؛ ارقاب؛ خویشاوند)	۳۹	maternal relatives
ذوی العقول	۴۲	rational beings
ذوی القربی (قرآنی)	۴۲ ;۸۷	kinsfolk; kinsmen
	۶۴	near kindred
ذهاب	۱۲۶	deparsture
ذَهَب (قرآنی)	۸۷	gold
ذهن	۱۱	mind
ذهول (قرآنی)	۸۷	forgetting
	۱۰۰	neglect
ذیحق	۶۱	rightful
ذیل	۱۲۰	postscript; appendix; addenda
ذیمقراطیس [= دموکریتوس]	۱۲۵	Democritus

ر

رابط (دسـ. منطـ.)[=نسبت حکمیه]	۱۲۸	copula
رابطه (منطـ.)	۱۷،۹۴،۹۷	copula

رابطة الاسلامی	۴۲	Muslim League
رابطهٔ سببی (حقـ.)	۱۶	marriage relationship
رابطهٔ نامشروع (حقـ.) (نیز ← زنا)	۶۱	liaison
رابطهٔ نَسَبی (حقـ.)	۱۶	birth relationship
راتبه (نیز ← مستمری)	۱۲۰	pension; ration
راجح (فقـ.) (نیز ← رجحان؛ ترجیح؛ترجح؛ مرجح)	۴۵	preponderant
	۸۶	preferable
راجفه (قرآنی) (نیز ← رجفه)	۷،۱۱۳	quake
راجی (نیز ← رجاء؛ مرجو)	۱۲۰	hopeful
	۱۲۱	hoping
راحله	۱۴	mount
	۵۲	convoy
راحیل [مادر یوسف]	۴۲	Rachel
رازق [الرازق] (اسم الهی) (قرآنی) (نیز ← رزّاق ؛ خیر الرازقین	۸۷	Sustainer
	۲۴	Provider
رازی، ابوبکر محمد بن زکریا	۱۳،۱۲۵	Rhazes
	۴۰	Razi
راست (منطـ.)	۹۴	true
راستی (منطـ.)	۲۵،۹۴	truth
راستی منطقی	۹۴	logical truth
راسخ	۱۲۱	deep-rooted
	۶،۹۷،۹۹،۱۰۰	firmly rooted
راسخون فی‌العلم [= الراسخون فی‌العلم] (قرآنی)	۶،۷،۹۷،۹۹،۱۰۰	those firmly (deeply) rooted in knowledge
راشد [الراشد] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۸۰	The Leader

راشدون (قرآنی) (نیز ← خلفای راشدین)	۸۰،۸۶،۸۷	the rightly guided
راشی (حقـ.) (نیز ← ارتشاء؛ رشوه؛ مرتشی)	۶۱	briber
راضی	۱۲۰	content; satisfied
رافضه	۹۹	Disavowers
رافضی [عنوان تخفیف‌آمیزی است که بعضی ازمتعصبان اهل سنت در بارهٔ شیعیان به کار می‌برند]	۹۹	extremist Shîâh
	۳۱،۴۲	forsaker; heretic
رافضیّه [= رافضه / رافضی]	۴۲	The Separatists
رافع [الرافع] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۴۵	The Exalter
راقم		writer
رامشگر	۱۲۰	musician; singer
راوی (حد.)	۸۰	transmitter
	۴۲	narrator; reporter
	۲۳	traditionist
راهب (نیز ← رهبان؛ رهبانیت)	۲۱،۴۵	monk
	۴۲	Christian monk
	۴۵	devotee
	۱۰۹	hermit
راهبه	۴۲	nun
راهزن	۱۲۰	bandit;brigand;highway robber
راهِن (نیز ← رهن؛ رهین / رهینه؛ مرهون؛ مرتهن)	۱۲۱	pledger; mortgagor
راهنما	۶	guide
راهنمایی	۴	guidance

رایت	۳۱	banner
	۴۲	flag
رأس الجدی (نجـ.) (نیز ← مدار رأس الجدی)	۹۹	Capricorn
رأس السرطان (نجـ.) (نیز ← مدار رأس السرطان)	۹۹	Cancer
رأس الغول (نجـ.)	۳۶	Algol
رأس المال [جمع این کلمه به صورت رؤوس اموال در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۲،۴۵،۸۵،۹۵	capital
	۶۱	purchase price; cost price
رأفت (قرآنی)	۱۶،۱۱۳	compassion
	۱۰۰	tenderness
	۲۹	kindness
رئوف [=رءوف] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۰	The Merciful
	۷	Affectionate
	۵۶	Benevolent
	۸۷،۹۰	Clement
	۱۰۰	All - gentle
رأی (فقـ.)	۴۰،۴۵،۸۵،۸۶،۹۵	opinion
	۱۱۳	individual opinion
	۸۳	personal opinion
	۸۶	juristic speculation
رأی اعتماد (حقـ.)	۶۱	vote of censure
		vote of confidence
رأی العین (قرآنی)	۷	sight of the eye
	۱۲۰	witness of eye; eye-witness
رأی صواب	۶۸	correct opinion
رأی قضایی	۸	verdict

رای کفایت مذاکرات (حقـ.)	۶۱	closure
رای مخالف (حقـ.)	۶۱	dissenting opinion
رئیس	۱۲۱	president;manager;superintendent; director;boss;head master
رئیس الوزراء (نیز ← صدراعظم)	۱۲۱	prime minister; primier
رئیسه	۱۲۱	manageress; directress
ربّ(۱) (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۶،۳۱،۴۲،۴۵	Lord
	۳۱،۴۵	God
رب(۲)[دارنده، صاحب ونظایر آن]	۱۶،۴۵	master (of a slave)
	۸۵	owner
رب الارباب	۳۴	Lord of the lords
	۱۰۴	the Supreme Deity
رب الاعلی	۱۰۳	Supreme Lord
رب السماوات والارض (اسم الهی) (قرآنی)		Lord of Heavens and Earth
رب الشعریٰ(اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of Sirius
رب العالمین (اسم الهی) (قرآنی)	۲۹،۸۷	Lord of the Worlds
	۱۰۰	Lord of all Being
رب العرش (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of the Might Throne
رب العزه (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of Glory
رب الفلق (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰،۱۰۳	Lord of the Day break
رب المال	۸۵	sleeping partner

رب المشارق (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of the Easts
رب المشارق و المغارب (اسم الهی (قرآنی)	۱۰۰	Lord of Easts and Wests
رب المشرق و المغرب (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of the East and the West
رب المشرقین (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of the Two Easts
رب المغربین (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of the Two Wests
رب الناس (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Lord of Men
رب النوع	۱۳	archetype
	۳۱	specific deity; Lord of the species
رب کریم	۱۰۳	beneficent lord
ربا (قرآنی)	۲،۷،۴۵،۶۴،۸۰،۸۶،۸۷،۱۰۰،۱۱۳	usury
	۲ ،۸۵	interest
	۸۵	excess
ربا الفضل	۱۱۳	usury in kind
ربائب (قرآنی)	۷،۶۴،۸۷	step-daughters
رَباب (مسـ.)	۵۲	rebeck
رَبابه (مسـ.)	۸۰ـ۵	small viol
رباخوار	۳۱	usurer
رِباط	۴۸	inn
	۱۸	carvanserai
	۴۸،۵۱	hospice (Sufi hospice)
	۴۵	monastery
رِباط الخیل (قرآنی)	۱۰۰	strings of horses
رباعی (دسـ.)	۲۸،۱۲۱	quadriliteral

رباعی (بع.) (نیز ← دو بیتی)	۲۶،۸۰،۱۲۸	quatrain
	۱۲۸	tetrastich; rubai
رباعیّات (منط.)	۴۲	quadrivium
رباعیات (بع.)	۳۱	tetrastiches
ربانی [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۶	Divine
	۸۷	priest
	۱۰۳	man of god
ربانیّت [ربوبیّت]	۱۶،۲۱،۵۳،۹۳،۱۰۳	Lordship
	۴۲،۴۵،۱۰۳	Divinity
	۴۲،۱۱۱	Sovereignty (of God)
	۹۰	Divine powers
	۲	Godhead
ربح (۱) [مشتقی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۱۰۰	profit
	۷	gain
ربح (۲) [بهرهٔ پول، تنزیل، ربا]	۱۲۰	interest; usury
رَبَض	۱۲۱	outskirts; suburb
ربع مسکون	۸۰ _۳	the inhabited quarter of the earth
رِبقَه	۱۲۶	loop; noose
ربوبی	۸۰ _۴	Lordly
ربوبیّت ← ربانیّت		
ربیب	۱۲۱	foster son; stepson; foster father
ربیبه ← ربائب		
رتق و فتق	۳۱	ordering of affairs
	۱۱۴	administering
رثاء (بع.) (نیز ← مرثیه)	۱۲۱	lament
	۸۰ _۴	(funerary) elegy
رجاء (تصـ.) [مشتقات این کلمه در	۱۱۸، ۱۰۳، ۹۵، ۸۰، ۵۸، ۴۵	hope

قرآن مجید به کار رفته است.]
(نیز ← راجی، مرجو)

رجال (حد)	۴۵	authorities
رجال الغیب	۵۸	men of the invisible hierarchy
	۵۳	people from the unvisible
رجال دینی	۱۲	religious scholars
رجّاله	۱۲۰	the vulgar
	۹۹	foot soldiers
رجحان	۱۲۱	preponderance
	۱۲۰	preference
رج چینی ← آجر چینی		
رِجْز (قرآنی)	۸۷	terror
	۷	plague
رُجز (قرآنی)	۱۰۰	defilement
	۱۰۰	uncleanness
رَجَز	۱۲۶	a poetical meter
رَجَز	۱۲۰	boasting
رجس (قرآنی)	۹،۱۰۰	abomination
	۸۷	infamy;ignominy;unclean- ;wickedness
رجعت (کلـ.)	۳۹،۴۲،۴۵،۸۰	Return
	۲۴،۴۲	resurrection
	۴۴	second coming
	۸۰ ـ۵	return to life
رجعت (فقـ.)	۳۸،۴۲	restitution
	۲۲	withdrawal from divorce
رجعی [طلاق]	۴۲	revocable divorce
رجفه (قرآنی) (نیز ← راجفه)	۸۷	earthquake
رجل الجبار (نجـ.)	۳۶	Rigel

واژه	صفحه	English
رِجل قنطورس (نجـ.)	۳۶	Rigil Kentaurus
رجم (فقـ.) [مشتقات این کلمه، در معنی سنگسار یا راندن در قرآن مجید به کار رفته است. ولی در معنای اصطلاحی فقهی که از جمله «حدود» است، در قرآن به کار نرفته است.]	۷،۳۱،۴۵،۸۷	stoning (to death)
	۳۱	pelting with stone
	۴۵	Lapidation; casting of stones; curse
رجماً بالغیب (قرآنی)	۸۷	guessing at random
رجوع (فقـ.)	۸۵	withdrawal; revocation; retractation
	۹۵	return
	۱۵	revoke
رجوع (منط.)	۹۸	reduction
رجولیت	۱۲۱	masculinity
	۴۲	manliness; virility
رجیم [شیطان] (قرآنی)	۱۰۰	accursed
	۳۱	execrable (devil)
	۵۲	execrated one
رَحّاله [= جهانگرد، کثیر السفر]	۱۲۱	great traveler; explorer; globetrotter
رحلت (قرآنی) [= کوچ، سفر]	۸۷،۱۰۰	caravan
رحلت [=ارتحال،در گذشت، وفات]	۱۲۱	pass away; die
رحله [= سفرنامه]	پ	travel book
رَحْم [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۹،۱۰۳	mercy
	۴۲	compassion
رَحِم (نیز ← صلهٔ رحم؛ قطع رحم)	۲۹،۸۷،۹۹	womb
رُحَماء (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	the merciful

	۷	the compassionate
رحمان[=الرحمن](اسم الهی) (قرآنی)	۸۸،۱۰۰،۱۱۳	All - merciful
	۷،۸۷	The Beneficent
	۸،۴۵	The Compassionate
	۸۰	The Benefactor
رحمانیّت	۱۱۳	mercifulness
	۱۱	mercy
	۱۱۸	compassionateness
رحمانیّت مطلق	۱۱	all-mercy
رحمت (قرآنی)	۱،۷،۴۲،۸۷،۸۸،۹۶،۱۰۰،۱۰۳،۱۳۳	mercy
	۴۲،۴۵،۹۹	compassion
رحمت الهی	۶۳	Divine mercy
	۱۰۳	mercy of God; blessing of God
	۸۰	God's mercy
رحمت حقّ	۱۰۳	Divine mercy
رحمت خاصّه	۱	special mercy
رحمت عامّه	۱	all encompassing mercy
رحمت‌الله علیه	۲۵	on whom be the mercy of God
	۲۱	may God have mercy on him
رحمن ← رحمان		
رَحَمُوت	۱۲۲	pity; compassion
رَحِمَهُ الله	۶	may Allah be merciful to him
رحمه الله تعالی	۶۵	may God, who is exalted above all, have mercy on him
رحیق (قرآنی)	۸۷	pure wine
	۱۰۰	wine
رحیل	۸۰_۴	journy
	۲۵	decampment

رحیم (الرحیم) (اسم الهی) (قرآنی)	۲۹،۸۰،۸۷،۱۰۷	The Merciful
	۸۰،۹۹،۱۱۳	The Compassionate
	۱۰۰	The All-Compassionate
رُخام	۱۲۹	alabaster
	۳۱	marble
رخصت (فقـ.)	۸۶	special dispensation
	۸۰_۳	concession
	۴۵	liberty
	۳۴	license
ردّ [ابطال]	۱۵،۴۵،۸۰_۳	refutation
	۱۰۵	refuting
	۸۰_۳	rejection
ردّ السلام	۴۲	answer to salutation
ردّالشمس	۱۰۹	sending back the sun
ردّ الصدر علی العجز (عر.)	۱۲۸	gradatio; duplicatio; palilogia; anadiplosis; epanadiplosis
ردّ العجز علی الصدر (عر.)	۱۲۸	epanalepsis; epanadiplosis; serpentine verse
ردّ تهمت (حقـ.)	۶۱	recrimination
ردا	۳۱	cloak
	۲۱،۳۱	mantle
	۶۷	outer wrapping garment
ردّه (نیز ← ارتداد)	۴۵،۸۰،۸۸	apostasy
ردیف (عر.)	۱۲۸	identical rhyme
ردیف (بع.) [کلمه یا کلمات مکرری که در شعر فارسی پس از کلمهٔ قافیه می‌آید.]	۲_۲۶	refrain
ردیه	۲۷	rebuttal

رذایل	۱۰۴	vices
رزّاز	۱۲۰	rice-seller
رزّاق[الرزّاق](اسم الهی)(قرآنی)	۱۰۰	All-provider
	۴۵.۱۰۳	Provider
	۹۰	Sustaining
رزّاق مطلق	۱۱	All-sustaining
رزاقیّت مطلق	۱۱	all-sustenance
رزق (قرآنی)	۶۴.۸۷.۱۰۰.۱۱۲	provision
	۲۹.۱۱۰.۱۱۲	sustenance
	۱۰	preordained sustenance
رزق کریم (قرآنی)	۸۷	bountiful provision
رزّیه [= رزیئة]	۱۲۰.۱۲۶	misfortune
	۱۲۱	disaster; calamity
رسالات ← رساله		
رسالت (قرآنی)	۶.۷.۱۶.۱۰۰	message
	۶	messengership
	۴.۱۱	mission
رسالت اسلام	۱۶	the message of Islam
رسالت نبوی	۱۱	prophetic mission
رساله	۴۳.۵۱.۸۰.۹۱	epistle
	۲۰	treatise
	۵۱	report
رستاخیز (نیز ← حشر؛ رجعت؛ قیامت؛ معاد)	۱۱.۱۰۳	resurrection
رستگار	۴۲	saved; delivered
	۴	triumphant
رستگاری	۲۲	prosperity
	۴۲	salvation
رُسُل (قرآنی)	۷	apostles

	۱۰۰	messengers
رسم (منط. فلـ.)	۸۰،۹۷،۱۰۲،۱۰۵،۱۱۱	description
	۳۲،۸۰	descriptive definition
رسم تام	۹۷	complete description
رسم ناقص	۹۷	imperfect description
رسمی	۱۲۳	official; formal
رسوب	۳۱	sediment
رسول (قرآنی)	۸۵،۱۰۰،۱۰۳،۱۱۲، ۴۵،۸۰	messenger
	۴۵،۸۰،۱۰۹،۱۱۰	apostle
رسول الله (قرآنی)	۷،۱۰۹	Apostle of God (Allah)
	۴،۸۷	Messenger of Allah
رسوم	۳۱	customs; canons; dues; taxes; fees
رشاد (قرآنی)	۸۷	right conduct
رشد [مقـ. غیّ] (قرآنی)	۳۱،۱۰۰	rectitude
	۷	right way
رشوه (نیز ← ارتشاء؛ راشی، مرتشی)	۸،۸۵	bribery
رشید (قرآنی) (نیز ← رشد؛ رشاد)	۸۷	upright
رشید [= روزتا: شهری در مصر، نزدیک مصب رشید رود نیل ... ← دایرةالمعارف فارسی]	۹۹	Rosetta
رصد (نجـ.)	۳۶،۱۲۹	observation
رصدخانه	۳۶،۱۲۹	observatory
رض/رضه ← رضی‌الله عنه		
رضا [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۵۸،۹۳،۱۱۳،۱۲۱	contentment
	۲۵،۸۵،۹۵،۱۰۹	consent
	۸۰،۹۰،۱۲۱	satisfaction

رضاع [مصدر دیگری از همین ماده به صورت الرَّضاعة در قرآن مجید، به همین معنی به کار رفته است.]	۴۲.۸۵	fosterage
	۴۵	suckling; foster relationship
(نیز ← رضیع؛ مرضعه)		
رضایت	۴	pleasure
	۳۹	consent
رضایت ضمنی (حقـ.)	۶۱	sufference
رضایت دادن	۳۹	give consent
رضوان (قرآنی)	۴۵.۱۰۰.۱۱۲	good pleasure
	۸۷	contentment; acceptance
رضوان الله (قرآنی)	۷.۱۶.۸۷	good pleasure of God
	۸۰_۲	approval of God
رضی الله عنه [همین جملهٔ دعائی به صورت رضی الله عنهم در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷.۴۲.۸۲.۱۰۳	May God be (well) pleased with him
رضیع	۱۲۰	infant; foster-brother
رُطَب (قرآنی)	۸۷	ripe date
	۷.۱۴	fresh date
رَطب (قرآنی) (مقـ. یابس)	۸۷	wet
	۷	green
رَطل	۶۵	pint
رطوبت	۱۰۷	moisture
	۷۴.۱۲۹	humidity
رطوبت مطلق (جغـ.)	۷۴	absolute humidity
رطوبت نسبی (جغـ.)	۷۴	relative humidity
رُعاع ← همج الرعاع		
رُعاف	۱۲۱	nose bleed

رعایا	۴۷.۸۰.۱۰۱	peasants
	۴۷.۸۰	subjects
	۸۰	subject tribes; peasantry
رعایت (قرآنی)	۷.۸۷	observance
رُعب (قرآنی)	۷.۸۷.۹۹	terror
رعد [سوره]	۷.۸۷.۸۸.۱۰۰	The Thunder
رعشه (پز. قدیم)	۵۶	tension
	۷۱	tremor
رعونت نفس	۲۱	follies of the soul
رعیّت	۸۰ _۴	the folk
رغبت [مشتقات دیگر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۱۸	yearning
	۹۵	desire
رغم ← علی رغم		
رُفات (قرآنی)	۷	decayed particles
	۱۲۱	mortal remains; body (of a person)
رفاده (فقـ.)	۸۰ _۵	furnishing of provisions to the pilgrims
رفاه	۷۵	welfare
	۱۵	prosperity
رَفَث (قرآنی) [= جماع]	۸۷	lewdness
رَفْرَف (قرآنی) [= بالش؛ بساط گرانمایه]	۷.۸۷.۱۰۰	cushions
رفض (نیز ← رافضه؛ رافضی)	۹۵	nolotion
	۲۷	repudiation of the legitimacy
رفض والحاد (نیز ← الحاد؛ زندقه؛ ارتداد)	۱۱۴	heresy
رفعت [مشتقات دیگر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۱	loftiness

	۱	eminence
رفع حَجر از قاصر (فقـ.)	۶۳	emancipation
رفع محجوریت کردن	۱۵	raise interdiction from
رِفق	۹۹	kindness
	۴	tolerance
	۱۱۸	comfort
رفو	۱۲۱	mending; repair; darn
رفیع	۲۹	sublime
رفیع الدرجات (اسم الهی)(قرآنی)	۸۷،۱۰۰	The Exalter of Ranks
رفیق (قرآنی)	۱۰۰،۱۰۳	companion, comrade
رفیق شفیق	۵۵	a congenial mate
رِقّ	۸۰ـ۵	slavery
	۱۲۳	bondage
رِقاب/ فی الرقاب ← رقبه		
رقابت	۴	antagonism
	۱۲۰	rivalry
	۷۵	competition
رقابت نامشروع	۷۵	unfair competition
رقبه (قرآنی) (نیز ← فکّ رقبه، تحریر رقبه)	۴۲	captive slave
	۴۵،۸۵	slave
رقّت	۴	compassion
	۲۱	delicacy
رقّت طبع	۲۱	delicacy of nature
رقص	۱۲۰	dance
رقم	۱۰۸	script
رَقّ منشور (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	parchment unrolled
رَقّه [= کالینیکوس، شهر قدیم بین النهرین، بر ساحل چپ		Callinicum

فرات، در ناحیهٔ دیار مضر ← دایرة المعارف فارسی]		
رقیب [الرقیب] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۵،۸۷	The Watcher
رقیب (قرآنی)	۷،۱۰۰	watching
رقیت ← رق		
رقیقه	۳۱	female slave
رقیم ← اصحاب رقیم		
رقیمه	۱۲۰	letter
رُقْیَه	۳۱	enchanting; bewitching
رکاب (قرآنی) [= شتران بارگی]	۷،۸۷	riding camel
رکاز	۹۹	buried treasures
رُکبه	۱۲۰	knee
رَکعت (نیز ← رکوع)	۴ ،۱۴	rak'at (rak'a)
	۲۰	unit (of prayer)
	۹۳	genuflection
رکن (قرآنی) [۱. معنای قرآنی‌اش پشتوانه و نیرو است.] ۲. اساس و شرط اساسی و نظایر آن	۷،۸۷	support
	۱۱۳، ۹۹، ۸۲، ۵۱	pillar
	۴۰	element; base
	۸۵	essential element
	۱۱۳	fundamental obligation
رکن [= جزء عروضی، پایه]	۱۲۸	foot
رکن‌الدین	۸۲_۵	pillar of religion
رکن وثیق	۱۰۹	sure authority
رَکوب (قرآنی) [= بر نشستن بر حیواناتِ سواری]	۸۷ ،۱۰۰	riding
رکود	۱۶	stagnation
رکوع [مشتقات دیگراین کلمه در	۵۳ ،۱۱۲	bowing

قرآن مجید به کار رفته است.]

	۲۱	bowing the head
	۱۱۲	inclining one's head
	۲	kneeling
رکوع کردن	۶،۸۷	bow down
	۶۴	bow
	۲۹	genuflect
رَکوه	۲۱	leathern watter bottle
رگ	پ	vein
رگ گردن ← حبل الورید		
رماد (قرآنی) [= خاکستر]		
رَمّال	۳۱	geomancer; fortune teller
رمّالی [رمل]	۳۱ ،۵۴	geomancy
رمایه [= تیراندازی] (نیز ← رمی النشاب)	۲۷	arrow throwing
رمز (قرآنی)	۱۱	mystery
	۷،۸۷	sign
	۵۸،۹۵،۱۰۱	symbol
		allegory; indication
رَمس	۳۱	grave; sepulchre; tomb
رمضان (قرآنی)	۲۰ ،۱۰۰	Ramadan (Ramadhan)
رَمل [ریگ، شن]	۱۲۱	sand
رمل نیز ← رمّالی		
رموز بیخودی	۸۰-۳	mysteries of selflessness
رمی النُشّاب [= تیراندازی] (نیز ← رمایه)	۸۰ -۵	archery
رمی جمره (نیز ← جمره)	۴۵	stone-throwing
رِند (تصـ. ادب.)	۲۵	rake; profligate
	۳۱	sagacious

فارسی	صفحه	English
	۵۲	rakehelly
	۱۸	libertine
رواج	۱۲۰	currency; circulation
رواق (معمـ.)	۳۱،۱۱۵،۱۲۹	portico
	۴۵	loggia; pillared hall
	۱۲۹	porch
	۱۱۵	arcade
	۸۰ _۴	cloister like gallaries or arcades
رواقی	۳۱	Stoic philosopher
رواقیّون	۵۶	Stoics
رواقیّه [= رواقیگری]	۴۲	Stoicism
روان (نیز ← نفس؛ روح؛ ذهن)	۴۲ ،۱۰۳	soul
	۱۰۳	spirit
	۱۱	psyche; pneuma
روانشاد ← شادروان، مرحوم		
روان‌شناسی (نیز ← علم النفس)	۱۱	psychology; pneumatology
روایت (حد) (نیز ← درایت؛ حدیث؛ رجال)	۱۱۳	transmission
	۱۶	narration
	۹۹	recension
	۸۰ _۵	version
	۱۹	account
	۴،۲۸،۳۱	tradition
روایت صحیح	۲۸،۳۱	sound tradition
روایت مشهور	۳۱	celebrated or well-known tradition
روایت موقوفه	۴۱	discontinued narration
روایت کردن	۶	narrate
روح (قرآنی) (نیز ← روان؛ نفس، ذهن)	۹۵،۱۰۰،۱۰۳،۱۱۸،۱۹۹، ۴،۳۴،۴۵،۸۷	spirit

	۴،۷	soul
روح الامین (قرآنی)	۱۰۳	Trusted Spirit
	۸۷	True Spirit
	۷،۴۵،۱۰۰	Faithful Spitit
روح القدس (قرآنی)	۷،۴۳،۴۵،۸۷،۱۰۰،۱۱۲	Holy Spirit
روح الله [حضرت مسیح]	۳۴	God's Spirit
	۳۸	Spirit of God
روح اعظم	۳۸	exalted spirit
روح انسانی	۴۲،۱۰۳	human spirit
روح حیوانی	۱۱،۴۲،۹۹،۱۰۳	animal spirit
	۱۰۳	animal soul
روح سفلی	۴۲	lower spirit
روح علوی	۴۲	heavenly spirit
روح غریزی	۸۰_۳	natural spirit
روح فلکی	۴۲	celestial spirit
روح قلبی	۹۹	vital spirit
روح مثالی	۱۱	astral spirit
روح مُستَّر	۱۰۳	veiled spirit
روح ناطقه (نیز ← نفس ناطقه)	۳_ ۸۰	uncreated spirit of God
روح نباتی	۴۲	vegetable spirit
روحانی [۱. در مقابل جسمانی یا	۴۲، ۹۵	1. spiritual
مادی؛ ۲. رجال و علمای دینی]	۱۵،۱۶	2. clergyman; theologian
روحانیات	۸۰ _۲	spiritual delights
روحانیّت [نیز ← روحانی ـ معنای دوم ـ]	۴	spirituality
روحی ← روحانی		
رود (جغ.)	۱۲۹	river
روز	۳۱،۱۰۳	day
روز اجل	۱۰۳	day of death

روز بازپسین	۲	doomsday
روز بازخواست	۳۱	day of investigation
روز جزا	۳۱	day of retribution
روز حساب	۳۱	day of reckoning
روز قیامت	۴،۸۷،۱۰۰	Day of Resurrection
	۲۲،۱۰۰	The Last day
روز محشر	۳۱	day of gathering
روز نجومی	۷۴	sidereal day
روزنه [= منفذ؛ سوراخ] (معمـ.)	۱۲۹	mesh; orifice; stoma
روزه	۱۰۰،۱۰۳	fast
	۲	fasting
روزهٔ وصال	۲۱	continual fasting
روزه داشتن	۲۱	fast; observe the fast
روزه گرفتن (نیز ← صوم)	۴	fast
روزه گشادن (نیز ← افطار)	۱۴	break one's fast
روزی (نیز ← رزق)	۱۰۳	allotted portion
	۲	sustenance
روزی دهنده (← رازق؛ رزّاق)		
روش (منط.)	۱۱	method
روش استقرائی (منط.)	۱۱	inductive method
روش اصل موضوعی (منط.)	۹۴	axiomatic method
روش تبیینی	۱۱	explanatory method
روش تشریحی	۱۱	descriptive method
روش تطبیقی	۱۱	comparative method
روش دیالکتیك ← روش جدلی		
روش قیاسی	۱۱،۹۴	deductive method
روش‌شناسی	۱۱	methodology
روضه [ذکر سرگذشت و مناقب و مصائب چهارده معصوم (ع) و	۵۱	recital of the martyrdom of Imam Husain

امامزادگان، بر سر منبر. وجه تسمیهٔ این نوع خطابه این بوده است که ابتدا بخشهائی از کتاب *روضة‌الشهداء* تالیف ملاحسین واعظ کاشفی را برای شنوندگان می‌خوانده‌اند.] (نیز ← مرثیه، مرثیه‌خوانی)		
روضه‌خوان	۶۸	reciter
	۵۱	professional narrator
روضه خوانی	۲۷	recitation of the sufferings of holy martyrs
روضهٔ دارالسّلام	۵۵	Abode of Peace
روضهٔ رضوان [در تفاسیر وقصص اسلامی، رضوان نام خازن بزرگ بهشت است.]	پ	Garden of Paradise
روضیات [نوعی شعر]	۳ـ ۸۰	floral poetry
روم [سوره]	۷.۸۷	The Romans
روم [سرزمین] (نیز ← بیزانس؛ بوزانتیون)	۱۴.۹۹	Byzantine
رؤوف ← رئوف		
رؤیا (قرآنی)	۶.۷	dream
	۲۸.۴۵.۸۷.۹۹	vision
رؤیای صادقه	۶۸	true dream
رؤیت	۲۸.۹۰.۹۵.۱۰۶	vision
رؤیت الله	۸۰	vision of God
رِهان (قرآنی)	۸۷.۱۰۰	pledge
	۷	security
رُهبان (قرآنی) (نیز ← راهب؛ راهبه)	۷.۶۴.۸۴	monks

	۱۱	hermit
رهبانیّت (قرآنی)	۳۱،۴۵،۸۷،۱۰۰	monasticism
	۷	monkery
	۹۳	celibacy
رَهَبُوت	۱۲۲	fear
رهن (نیز ← راهن؛ مرهون؛ مرتهن؛ رهین/ رهینة)	۱۵	mortgage
	۳۱،۸۵	pawn
	۳۱،۳۸	pawning
	۳۸،۸۵	pledge
	۳۸	pledging
	۸۰،۸۳،۸۵	security
رهن گذاری	۷۵	hypothecation
رهنی	۴۲	property in pawn
رهین / رهینة (قرآنی)	۷،۸۷	pledge
ریا [تلفظ قرآنی این کلمه رئاء است.]	۱۶،۴۲،۹۵،۱۰۰	make display; hypocrisy
	۴۲،۵۷	dissimulation
	۱۲۱	eye service
ریاست	۱۲۱	direction; chairmanship; management
	۲۱	authority
ریاضت (نیز ← مرتاض)	۱۱،۱۰۳	asceticism
	۴۵،۱۰۳	austerity
	۲۲،۴۱	mortification
	۱۰۳	ascetic exercise
	۹	abstinence
ریاضت کشیدن	۳۱	suffer hardships
ریاضیات	۱۲۰	mathematics
ریسمان شاغول (معمـ.)	۱۲۹	plumb line

ریسمان کار (معمـ.)	۱۲۹	mason's line
رِیب (قرآنی)	۷.۸۷.۱۰۰	doubt
ریمیا [از علوم غریبه یا خفیه؛ شعبده]	۵۴	jugglery and tricks

ز

زائر (نیز←زیارت)	۴۲	pilgrim; visitor
	۳۱	pilgrim to a holy shrine
زائغین (نیز ← زیغ؛ ازاغه)	۱۰۵	heretics
زاد (قرآنی)	۷.۱۲.۶۴.۸۷	provision
زاد بوم	۳۱	mother country
زاد و ولد (نیز ← ذریه)	۴۴	progeny
زارع (قرآنی)	۱۲۰	sower
	۱۲۱	farmer
زاری (نیز ← بکاء)	۱۰۳	lament; sore grief; humility
زالو	۳۱	leech
زانویی (معمـ.)	۱۲۹	elbow
زانی (قرآنی) (نیز ← زنا)	۱۵	adulterer
	۷.۱۰۰	fornicator
زانیه (قرآنی) (نیز ← زنا)	۶۴	adulteress
	۷.۱۰۰	fornicatress
زاویه (تصـ.)	۴۲.۴۵	monastery
	۴۵.۸۰	convent
	۸۰_۴	hostle
	۵۸	Sufi center

واژه	صفحه	English
	۴۲	shrine
زاویه (رضـ. جغـ.)	۹۹،۱۲۹	angle
زاویهٔ حادّه (رضـ.)	۹۹،۱۲۱	acute angle
زاویهٔ ساعتی (جغـ.)	۷۴	hour angle
زاویهٔ ساعتی نجومی	۳۶	sidereal hour angle
زاویهٔ سمت (نجـ.)	۳۶	azimuth
زاویهٔ قائمه (رضـ.)	۹۹	right angle
زاویهٔ منفرجه (رضـ.)	۹۹	obtuse angle
زاهد [در قرآن مجید یك بار کلمهٔ الزاهدین به معنای ناخواهندگان و بی‌رغبتان به کار رفته است. ولی زهد و زاهد به معنای مصطلح در تصوف اسلامی در قرآن به کار نرفته است.]	۴	pious
	۲	recluse; renunciate
	۳۱	obstinent man; monk
زاهق (قرآنی) (نیز ← زَهوق)	۱۲۳	perishing
زایجه [= زایچه]	۱۲۵	horoscope; thema
زباله	۱۲۹	garbage
زباله‌دان ← مزبله		
زایمان (نیز ← وضع حمل)	۱۲۰	childbith
	۱۲۵	labor
زبان	۱۲۸	language
زبان حال	۱۲۸	gestures; non-verbal language
زبان عاطفی	۱۲۸	emotive language
زبان مادری	۱۲۰	vernacular language
زبان مجازی	۱۲۸	figurative language
زبان مقال	۱۲۸	verbal language
زبان منقول الیه [= زبان مقصد]	۱۲۸	target language

زبان منقول عنه [=زبان مبدأ]	۱۲۸	source language
زبان در قفا (گیا.)	۳۱	delphinium orientale ; lark
زُبانی جنوبی (نجـ.)	۳۶،۱۲۷	Zubenelgenubi
زُبانی شمالی (نجـ.)	۱۲۷	Zubenschamali
زَبانیَه (قرآنی)	۲۳،۱۰۰	guards of Hell
	۵۶	guardian demons
زُبدة الشیء	۹۵	quintessence
زَبَرجد	۳۱،۱۲۵	topaz
	۳۱،۱۲۰،۱۲۱	chrysolite
زَبور (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۰،۱۱۳	Psalms
	۴۵	Psalter
زَبور داود	۳۸	Psalms of David
زُجاجة (قرآنی)	۷،۱۰۰،۱۰۳،۱۲۹	glass
زُجاجیه (پز)		vitreous
	۱۲۰	hyaloid, hyaline
زجر (قرآنی)	۱۰۰	scaring
	۷،۸۷	drive away
زحاف (عر.)	۱۲۸	substitution; modification
زُحل (نجـ.) [= کیوان]	۳۶،۱۲۵	Saturn
زَحیر (پز.)	۱۲۶	dysentery
زُخرُف [سوره]	۸۸،۱۰۰	Ornaments
	۸۷	Ornaments of Gold
	۷	Embellishment
زُخرُف القول (قرآنی)	۱۰۰	tawdry speech
زر ← ذهب		
زراعت دیم (نیز ← دیمی)	۷۴	dry farming
زرّافه	۳۱	cameleopard; giraffe
زرّافه (نجـ.)	۳۵،۱۲۷	Camelopardalis

زربفت (هنـ.) (نیز ← زری بافی)	۴_ ۸۰	gold brocades
زرتشت [زردشت]	۴۳	Zoroaster; Zarathushtra
زرتشت‌گرایی [= زردشتیگری]	۱۱	Zoroasterianism
زرتشتی [= زردشتی]	۱۲۰، ۱۱	Zoroasterian
زرداب (نیز ← زَهره؛ صفرا)	۱۲۰	gall
	۳۱	bile
زَرق	۵۲	trickery
زَرقالی [به لاتینی آرزاکل؛ ابن زرقیال، ابواسحاق ابراهیم بن یحیی، منجم مسلمان اسپانیائی در قرن پنجم هجری]	۱۲۵	Arzachel
زرکش	۱۲۳	tapestry
	۱۲۶	embroider
	۱۲۱	brocade; gold and silver embroidery
زرنیخ	۱۲۹	orpiment
	۱۲۶	arsenic
زره (نیز ← جوشن)	۸۴	coat of mail
	۲	armour
زری بافی (هنـ.) (نیز ← زربفت)	۷۸	brocade weaving
زَعامت	۱۵	authority
زعفران [معادل انگلیسی این کلمه، متخذ از اصل عربی آن است.]	۵_ ۸۰	saffron
زعم [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	make-believe
	۸۷،۱۲۱	claim
زعمای دینی	۲۷	religious doctors
زعیم (قرآنی)	۷	responsible
	۴	leader
	۴۷	chief

زَفاف	۴۲	nuptial ceremony
	۱۲۰	consummation
زغال	۱۲۹	carbon
زَفیر (قرآنی) (نیز ــ شهیق)	۱۰۰	moaning
زَقّوم (قرآنی)	۵۶	bitter drink
	۸۷	Zaqqum
	۱۱۲	Zakkum
زکاء بالعمل	۱۰۴	purity from virtuous action
زکات [= الزکوة] (قرآنی)	۴۵،۵۷،۸۵	alms tax
	۲۶،۸۶،۱۰۰	alms
	۱۶،۸۷	poor-due
	۲،۱۰۳	poor-tax
	۱۰۳	alms giving
زکات مال	۹۹	charity tax on property
زکات فطر ← فطریه		
زُکام [= نزله]	۱۲۳،۱۲۶	cold; catarrh
زکام [= نزله] (پز.)	۷۱	nasal catarrh
زکریّا (قرآنی)	۷،۴۳،۴۵،۸۷،۱۰۰	Zachariah
زکوة ← زکات		
زکی (قرآنی)	۱۰۰	most pure
زکیّه (قرآنی)	۷،۱۰۰	innocent
زَلّت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۳	backsliding
	۱۲۶	slip; fault; fall
زِلزال [سوره]	۷	The Shaking
	۸۷،۸۸،۱۰۰	The Earthquake
زَلزَله (قرآنی)	۲۹،۸۷،۱۰۰،۱۲۹	earthquake
زمام	۱۲۰،۱۲۱	rein
زمامدار	۴	ruler

زمامداری	۳	guardian of the affairs
	۴	governorship
زمان	۳۱	time; tense
زمان (دسـ.)	۱۲۸	tense
زمان آیندهٔ ساده [مستقبل]	۱۲۸	simple future tense
زمان حال، ساده	۱۲۸	simple present tense
زمان ماضی	۱۲۸	past tense
زمان ماضی استمراری	۱۲۸	past continuous tense
ماضی بعید	۱۲۸	past perfect tense
زمان ماضی مطلق	۱۲۸	simple past tense
زمان ماضی نقلی	۱۲۸	present perfect tense
زمانی	۱۱،۹۵،۱۰۶،۱۰۸	temporal
زمره ← زُمَر	۷،۱۰۰	The Companies
زُمَر [سوره]	۸۷،۸۸	The Troops
زُمرّد	۱۲۱ ،۱۲۵	emerald
زَمْزَم (چاه معروفی در مکه)	۱۲۱	Zemzem
زمهریر (قرآنی)	۶۴،۱۰۰	bitter cold
زمین	۱۲۵	earth
زمین زراعی	۶۱	arable land
زمین صلح	۳ـ ۵	treaty land
زمین لرزه ← زلزله		
زمین مرکزی (نجـ.)	۳۶	geocentric
زمین موات (نیز ← احیاء اراضی موات)	۹۹	dead land
زن	۱۲۰	woman; wife
زن شوهردار	۱۲۰	married woman
زن صیغه‌ای (نیز ← سُرّیّه)	۱۲۰	concubine

زنا (قرآنی) [زنای محصنه یا مُحصَن غالباً برابر با معادل (۲) و زنای غیر محصنه برابر با معادل (۱) است. ولی گاه مسامحتاً این دو معادل را به طور مطلق و به جای یکدیگر هم به کار می برند.]	۱۱۲، ۱۰۰، ۷.۳۹.۴۵.۸۶	(1) fornication
	۱۰۹.۱۱۲، ۱۵.۲۲.۹۹	(2) adultery
زنا با محارم	۱۵	incest
زنا به عنف	۱۲۰	rape
زنادقه ← زندیق		
زنّار	۱۲۰	zone
	۱۰۳	(Ghristian) girdle
	۴۲.۱۰۳	girdle
زنا زاده ← ولدالزنا		
زناشویی	۱۵	matrimony
	۳۱	wedlock
زناکار ← زانی؛ زانیه		
زنا کردن	۶۱	adulterate
زنجبیل (قرآنی)	۷.۱۰۰	ginger
	۱۲۵	zingiber officinale
زنجیر زنی (نیز ← روضه خوانی؛ عزاداری؛ مرثیه خوانی)	۲۷	self-flagellation
زندان	۳۱	prison; jail
زندقه	۴۲	heresy
	۲۱	disbelief in positive religion
	۳۷	Manichaean heresy
زندیق [این کلمه معرب زندیك و اصلاً به معنی اهل تأویل است. ← فرهنگ واژه های فارسی در زبان	۴۵.۵۳.۹۹	heretic

عربی، دایرةالمعارف فارسی]	۶،۱۵،۳۱،۱۰۹،۱۲۱	atheist
	۶،۵۳	dualist
	۳۱	infidel; sadducee
زندگینامه (نیز ← سیره؛ ترجمه (۲))	۱۲۵	biography
زن مرده (= مردزن مرده] زنون ← زینون	۱۲۰	widower
زنهاریان [یعنی اهل کتاب و اهل ذمه ← به واژه‌های نامبرده]		
زنیم (قرآنی)	۸۷	intrusive
	۷	base-born
	۱۰۰	ignoble
زوال (قرآنی)	۷،۹۰	passing-away
	۷۹	extinction
	۵۶	transience
زوج (رض.)	۴۰	even number
زوج (قرآنی) [این کلمه در قرآن مجید به معنای مطلق همسر است یعنی هم شوهر و هم زن.]	۷،۳۱	spouse; husband; wife
زوج (منط.)	۹۴	couple; pair
زوج مرتّب	۹۴	ordered pair; ordered couple
زوجات (تعدد) ← تعدد زوجات		
زوجه [نگاه کنید به یادداشت مربوط به کلمهٔ زوج]	۳۱	spouse; wife
زوجیت	۱۵	conjugality
	۱۶	matrimony
زوجین (قرآنی)	۷	pair
	۳۱،۸۷	spouses
زُور (قرآنی)	۸۷	vanity

	۷	false
زورخانه	۳۱	gymnasium
	۱۲۹	palestra
زَهادت	۶	renunciation
زَهار	۱۲۰	pubes
زهد [نگاه کنید به یادداشت مربوط به کلمهٔ زاهد.]	۹،۸۰،۹۹،۱۰۹	asceticism
	۲،۴۵،۹۰	abstinence
	۲،۱۰۳،۱۲۱	renunciation
	۶،۱۱۸	piety
	۲	reclusion
	۱۵	austerity
	۱۰۹	abstention
زهدیّات	۴۲	ascetic poetry
زَهْر	۳۱،۱۲۰	poison
زُهره (نجـ.) [= ناهید] (نیز ← سعد اصغر)	۴۲	Venus
زهره [۱. صفرا، مراره، کیسه زرد آب، ۲. کنایه از دلیری و شجاعت وجرأت و جُربزه]	۲۵	1. gall
	۳۱	1.bile
	۳۱	2. boldness; spirit; vigour
زهکشی	۱۲۹	drainage
زِیّ	۹۵	fashion
زیارت (نیز زائر؛ حج) [مشتقی از این کلمه به صورت زُرتم در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴_ ۸۰	pious pilgrimage
	۳۸،۸۰	visitation
زیارت قبور	۸۰	visitation of tombs
زیارتگاه	۱۳	center of pilgrimage
	۷۹	site of pilgrimage

زیارتنامه	۳۱	place of pilgrimage
	۱۰۱	a series of traditional prayers
زیبق ← جیوه		
زَیت (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	oil
زیتون (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	olive
زیج (نجـ.)	۵۴،۹۹	astronomical tables
زَیغ	۱۰۰	swerving
	۸۷	doubt
زین‌العابدین [غالباً به عنوان لقب امام سجاد (ع) چهارمین امام از ائمه اثنی عشر به کار می‌رود]	۶۵	the Pride (Glory) of those that Worship God
زینت (قرآنی)	۶،۱۱۸	adornment
زینون [= زنون]	۴۰	Zeno
شبهات زینون	پ	Zeno's paradoxes

س

سائس	۳۱	governor
سائل (قرآنی)	۴۵	asker
	۹۹	petitioner
	۴۲،۴۵،۸۷	begger
ساباط (معمـ.)	۷۸	archway
	۱۲۹	penthouse; pentice
سابقون (قرآنی)	۱۰۰،۱۱۲	the outstrippers
ساتر	۳۱	concealer; coverer; hider
ساجد (قرآنی)	۸۷	prostrating

ساحت	۱۸.۴۴	realm
	۲۹	presence
ساحت ربوبی	۴۴	realm of God
ساحت مقدسِ پروردگار	۲۹	holly presence of Allah
ساحر (قرآنی)	۴۵.۸۴.۱۰۰	sorcerer
	۴۵.۱۰۳	magician
	۶۴.۸۷	wizard
	۴۵	illicit magician
ساحره	۴۵	sorceress
ساحل	۱۲۹	bank; beach
سادات (نیز ← سید)	۹۹	lords
	۱۲	descendants of the Prophet
سادات علویین	۱۲	descendants of the Prophet who were Shi'ite
سادة ← سید		
ساراسینها [نامی که یونانیان و رومیان به مردم سوریه و عربستان دادند سپس توسعاً به عربها و با توسع بیشتر به همه مسلمانها اطلاق می‌شد ← دایرةالمعارف فارسی	۱۲۵	Saracens
ساراگوسا ← سرقسطه		
سارق (قرآنی)	۸۷.۱۰۰	thief
سارق القلیل	۸۰.۵	petty criminal
سازگار (منط.)	۹۴	consistent
سازگاری (منط.)	۹۴	consistency
ساعة (قرآنی) [۱. قیامت؛ ۲. مقداری از زمان]	۱۰۰	1. Hour
	۷.۸۷.۱۰۰	2. hour
ساعت (آلت)	۳۱	clock;watch

water clock	۱۲۵	ساعت آبی [در منابع قدیم اسلامی = سَرّاقة الماء]
sundial	۱۲۵	ساعت آفتابی [= شاخص آفتابی]
clepsydra	۱۲۹	
felicitous hour	۱۱۴	ساعت سعد (نیز ← سعد)
alarm-clock	۱۲۰	ساعت شماطه‌دار
negative	۴۲،۹۴	سالب (منط.)
negative	۹۷	سالبه (منط.)
negative coincidental	۹۷	سالبهٔ اتفاقیّه (منط.)
negative antagonistic	۹۷	سالبهٔ عنادیّه (منط.)
negative cogent	۹۷	سالبهٔ لزومیّه (منط.)
solar year	۴۲	سال شمسی
lunar year	۴۲	سال قمری
sidereal year	۷۴	سال نجومی
traveller; devotee; disciple	۳۱	سالك (نیز ← سلوك)
a Sufi disciple	۸۰	
traveller (on the mystic way)	۱۰۳	
traveller upon the path	۵۸	
pilgrim	۳۴	
an ascetic; a mystic	۳۱	سالك راه خدا
farer on the way	۵۲	سالك طريق
follower of the path	۱۳	سالك طريقت
strider who is attracted	۸۰-۵	سالك مجذوب
a traveller attracted by Divine Grace	۵۸	
attracted devotee	۳۸	
safe	۷	سالم (قرآنی)
Shem	۱۹،۹۹	سام [فرزند نوح پیامبر]
Samaritan	۴۲،۴۵،۱۰۰،۱۱۲	سامری (قرآنی)

گوسالهٔ سامری. (نیز ← عِجل)	۴۲	Speaking Calf (wich was raised in Moses time)
سامعه ← حس سامعه		
سامی	۳۷	Semitic
ساهی (اسم فاعل از سهو)	۳۱	negligent; forgetful
سایا (نجـ.)	۳۶	abrasive
سایبان [= ساباط؛ آلاچیق]	۱۲۹	pergola; pentice; canopy; bower
سَبّ [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۷	vilification
سبا (قرآنی)	۷،۸۸،۱۰۰،۱۱۲	Sheba
سبّابه (انگشت اشاره، سابقه این تسمیه به عهد جاهلیت می‌رسد؛ معادل اسلامی آن مسبّحَه است)	۳۱	fore-finger; index
سبب (فلـ.)	۴۰،۴۵،۱۰۳،۱۰۵،۱۱۱	cause
سبب صوری	۱۰۵	formal cause
سبب عارض	۹۲	accidental factor
سبب (عر.)	۲۸	rope
سببیّت (فلـ.)	۴۲	causality
سَبْت (قرآنی)	۴۳،۸۷،۱۰۰،۱۱۲	Sabbath (Jewish day of rest)
سبتیه [اصحاب سبت]	۴۳	Sabbatarians
سبحان (نعت الهی) (قرآنی) [این کلمه را که در کاربرد قرآنی‌اش صفت نیست، گاه به صورت صفت فی‌المثل در «خداوند سبحان» به کار می‌برند.]	۷،۱۰۰	glory be to Him
	۱۱	The Pure
	۲	The Glorified
سبحان‌الله (قرآنی)	۶،۱۱۲	Glory be to God (to Allah)
	۳۸	Holiness be to God

English	Pages	Persian
Be He Glorified	۸۷	
To God be Glory	۱۰۰	
Glory unto thee	۸۷	سبحانك
Be He Glorified	۸۷	سبحانه (قرآنی)
Glory be to him, and highly exalted is He	۲۹	سبحانه و تعالی (قرآنی)
Glorified be He and High Exalted	۸۷	
rosary	۴۲،۴۵،۸۰	سُبحه [= تسبیح]
tribe	۴۲،۸۷	سِبط [جمع آن به صورت اسباط در قرآن مجید به کار رفته است.]
the two offsprings (of Ali), Hasan and Husain	۳۱	سبطین
The seven longest surahs (2,3,4,5,6,7,10)	۱۱۳	سَبع الطُوَل [هفت سورهٔ بلند قرآن]
Seven oft-repeated (verses)	۱،۸۷	سبع المثانی [هفت بخش یا آیهٔ مکرر قرآن] (قرآنی) [در قرآن مجید به صورت «سَبعاً من المثانی» به کار رفته است]
Seven Repetitions	۳۸	
savagery	۴	سبعیّت
Seveners	۴۵	سبعیّه [از فرق شیعه]
priority	۱۰۲	سبق
separable priority	۱۰۲	سبق انفکاکی
priority in the non-metaphorical sense	۱۰۲	سبق بالحقیقة
priority in terms of essence	۱۰۲	سبق بالذات
priority in terms of rank	۱۰۲	سبق بالرتبه
priority in terms of honour	۱۰۲	سبق بالشرف
priority at the level of perpetual duration	۱۰۲	سبق دهری

سبق سرمدی	۱۰۲	priority at the level of sempiternity
سبق طبیعی	۱۰۲	priority in terms of nature
سبق علّی	۱۰۲	causal priority
سبق فکّی	۱۰۲	separable priority
سبق وجوب علی الوجود	۱۰۲	necessity preceding existence
سَبْك	۱۲۰	method; style
سُبّوح (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۱۲۲	All-perfect; All-pure; All-glorious
سبی	۸۰_۴	captivity
سبیل (قرآنی)	۶،۱۰۰،۱۰۹،۱۱۸،۱۱۹	path
	۱،۱۰۰،۱۰۳	way
سبیل الله (قرآنی)	۱۰۰	God's way
	۱۰۳	way of God
	۶،۱۰۰،۱۰۹	path of God (Allah)
سپر (معمـ.)	۱۲۹	baffle; pile plank
سپر [صورت فلکی] (نجـ.)	۳۵	Scutum
سپهسالار	۳۱،۱۱۴	commander-in-chief (of the army)
	۸۲_۴	commander of the principal army
سپید جامگان ← مُبَیَّضه		
ستّار [السّتار] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۱۲۲	He who veils vicer
ستاره پرست (نیز ← صابئین)	۱۲	Sabaean; star worshipper
ستارهٔ قطبی (نجـ.)	۷۴	pole star
سِتْر (قرآنی)	۱۰۰،۱۱۸،۱۱۹	veil
سَتْر	۸۰_۴	occultation
ستون (معمـ.)	۱۲۹	pier; column; pillar; probe
ستون حنانه (قصـ.) [در قصص و اخبار اسلامی، معروف است که حضرت رسول (ص) هنگام خطبه خواندن به ستون چوبی ای	۱۰۳	Moaning Pillar

تکیه می‌زدند، سپس منبر را جانشین آن کردند، و آن ستون در فراق حضرت و سلب این توفیق، مانند جانداران می‌نالید. مولوی گوید: اُستن حنّانه از هجر رسول / ناله می‌زد همچو ارباب عقول]

سجاده	۴۲	prayer mat
	۱۱۵	prayer carpet
	۴	prayer rug
سجایای اخلاقی	۵۲	moral virtues
سجده [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰،۱۱۲،۱۱۵	prostration
	۷	adoration
سجده کردن (نیز ← سجود؛ ساجد؛ رکوع)	۹،۸۷	prostrate
	۶۴،۱۰۰	bow down
	۱۰۳	bow (in homage)
	۲۲	fall prostrate
سجع (بع.)	۷۹،۸۰،۹۹	rhymed prose
	۸۰	rhyming prose; end-rhyme
	۸۸	rhythmic and assonanced prose
	۲۶_۲	harmonious cadence
	۱۲۸	prose rhythm
سِجِل (قرآنی)	۱۲۰	register
	۷،۸۷	scroll
سِجن (قرآنی)	۷،۸۷	prison
سجود (قرآنی)	۲،۱۰۰،۱۱۵	prostration
	۵۳	prostration in worship
	۱۱۲	prostrating oneself

سِجّیل (قرآنی)	۱۰۰	baked clay
سجّیه (نیز ← سجایا)	۱۲۰	disposition
سحاب (قرآنی)	۷،۸۷	cloud
سحابی (نجـ.)	۳۶	nebula
سحّار	۶۴	wizard
سُحْت (قرآنی) [= حرام.]	۸۷	illicit
	۷	forbidden
سِحر (قرآنی) (نیز ← ساحر)	۴۵،۶۴،۸۰،۹۵،۱۰۳	magic
	۱۰۰	sorcery
	۴۵	glamour
سحر مبین (قرآنی)	۸۷	mere magic
سحرخیز	۳۱،۱۲۰	early riser
سحق ← مساحقه		
سخا	۳۱،۵۷،۹۹	liberality
	۳۱،۴۲،۱۰۳	generosity
	۴،۳۱	munificence
سخاوت ← سخا		
سختیان (جلـ.)	۱۱۶	saffian
سُخْره [=مسخره] (مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.)	۷	deride
	۸۷	scoff
سَخَط (قرآنی) [احتمالاً از کلمهٔ سَخت فارسی گرفته شده است]	۶،۷	displeasure; dislike
	۸۷	condemnation
سخن (منط.)	۹۲،۱۱۱	discourse
	۴	speech
	۲	utterance

سخن‌چین (اخـ.)	۳۱	informer; tale-bearer; caluminator
سخی (اخـ.)	۴،۱۰۳	generous
سَدّ [= بند]	۱۲۹	dam; weir
سُداب (پز، گیا.)	۱۲۰	rue
سداد	۳۱	rectitude; straightforwardness
	۱۰۳	righteousness
سدّ ذریعه (اصول فقه)	۲۷	blocking the means
سِدر [= کُنار] (قرآنی)	۷،۱۰۰	lote-tree
	۱۲۵	ziziphus lotus
سدرة‌المنتهی (قرآنی)	۱۱۳	tree of the outer boundary
	۱۰۰	Lote-Tree of Boundary
	۷	farthest lote-tree
	۵۲	Sidra of the Ultimate Extreme
سِرّ (قرآنی)	۷،۱۰۰،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	secret
	۳۴،۹۵،۱۰۳	mystery
	۹۰،۱۰۳	conscience
	۸۰_۲	inmost being
سِرّ الاسرار	۸۲_۴	secret of secrets (secretum secretorum)
سِرّ الهی	۸۰_۵	Divine secret
سِرّ حق	۹۶	inmost consciousness
سِرّ خفی ← سرّ پنهان		
سِرّ ذاتی	۸۰_۲	essential mystery
سرا	۱۴	lodging-place
	۸۰_۲	residence
سرای باقی	۳۱	mansion of eternity
سرای فانی	۳۱	fleeting abode
سرّاء (قرآنی) (مقـ. ضرّاء)	۷،۸۷	ease
سرائر (قرآنی)	۱۰۰	secrets
سَراب [= آب‌نما] (قرآنی)	۷،۷۴،۸۷	mirage

سِراج (قرآنی) [معرب چراغ فارسی است]	۷.۷۴.۸۷	lamp
سراجی	۱۱۵	leather work
سُرادِق (قرآنی) [این کلمه معرب کلمهٔ سراپردهٔ فارسی است ـ فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی]	۵۶	pavilions
سراقة‌الماء ← ساعت آبی	۹۹.۱۲۰	
سراندیب [= سرندیب]		Ceylon
سرپرست (فقـ.)	۶	custodian
سرپرستی (فقـ.)	۳۹	guardianship
سرخ جامگان (تخـ.)	۸۲_۴	Redwearers
سرخ رگ ← شریان		
سرداب	۱۴	catacomb
	۸۰_۵	underground gallery
	۱۲۹	grotto
	۷۸	apotheca; cellar
سَردانیه (جغـ.)	۹۹	Sardinia
سرسام	۱۲۰	delirium
سرسرا (معمـ.)	۱۲۹	loggia; corridor; lobby; passage; portico
سرشت (اخـ.)	۲۵.۴۰	nature
	۲۵	temperament
	۴۰	constitution
	۸۰_۴	essence
سرشماری	۱۲۰	census
سرطان (نجـ. پز.)(نیز ـ مدار رأس السرطان)	۳۴.۹۹	Cancer
سرفه	۱۲۰	cough
سرقت [مشتقات این کلمه در قرآن	۴۲	theft

مجید به کار رفته است.] (نیز ← سارق)		
سرقت ادبی (نیز ← انتحال)	۲۶_۲،۱۲۸	plagiarism
سَرَقسطه [= ساراگوسا، شهری در اسپانیا که موسی بن نصیر در سال ۹۴ ق آنرا فتح کرد.]	۱۲۵	Saragossa
سرقفلی (حقـ.)	۳۱	fees for unlocking
	۶۱	key-money
سر لوح (جلـ.)	۱۱۶	head- piece
سِرکه	۱۲۰	vinegar
سرمایه (نیز ← رأس المال)	۱۲۰	capital
سرمایه‌داری	۱۲۰	capitalism
سرمنارة (معمـ.)	۱۲۹	pinnacle; finial
سرمَد [کلمهٔ سرمد قرآنی است. و اصل آن فارسی است. ← فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی]	۸۷	everlasting
	۱۱،۱۰۲	sempiternity
	۸۰،۹۵،۱۰۳،۱۱۸	eternal
سرمه	۱۲۰	collyrium
سرمه‌دان	۱۸	box of collyrium
سُرنا	۱۱۴،۱۲۰	oboe
سُرَنج	۱۲۵	minium; red lead
سرندیب (جغـ.) [= سیلان کنونی]	۴۲،۹۹	Ceylon
	۴۲	Srilanka
سرنوشت (کلـ.) (نیز ← تقدیر)	۱۱	destiny
	۴	fate
سرو	۱۲۰	cypress
سروال [= سربال، جمع آن به	۱۲۰	trousers; breeches

صورت سرابیل در قرآن مجید به کار رفته است. این کلمه معرب «شلوار» فارسی است.]		
سرور (قرآنی)	۸۱،۸۷،۹۵	joy
سروش [به قولی سروش در سنت ایرانی برابر با جبرائیل در سنت اسلامی است]	۳۱	Gabriel
	۴۰	obedience; hearkening
سَرَیان	۱۲۱	spread; diffusion
سریانی [منسوب به سوریه]	۱۳،۸۴	Syriac
	۹۹	Syrian
سریر [جمع این کلمه به صورت سُرُر در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷،۸۷	couch
	۴۵	seat
	۹۹	throne
سیریش	۱۲۰،۱۲۹	paste; glue
سریع الحساب (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	Swift at reckoning
	۸۷	Swift to take account
سریع العقاب (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	Swift in prosecution
سَریّه [مقـ. غزوه؛ لشکر یا لشکرکشی‌ای که خود حضرت رسول (ص) فرمانده سپاه نبود یا در آن حضور نداشت.]	۸۴	expedition
سریه کنیزی که به همسری گرفته شده باشد، «صیغه»	۱۲۰	concubine
سطح [= تدریس حوزوی، بر مبنای قرائت متون درسی. ـ(مقـ.) پ «خارج»]		seminary lectures based on reading textbooks

Persian	Ref.	English
سطر	۱۲۰	line
سعادت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← سعید)	۱،۳۱،۵۷،۹۵	happiness
	۱۳،۳۱،۱۰۳	felicity
	۳۱،۱۰۴	bliss
	۳۱	prosperity
	۲۴	merit
سعادت ابدی	۱۳	eternal felicity
سعادت اخروی	۱	happiness in the life hereafter
سعادت جاوید	۳۱	eternal bliss
سعادت غائی	۵۷	ultimate happiness
سعادتمند (اخـ.)	۴۲	happy; prosperous
سعایت (نیز ← سخن‌چین؛ نمّام)	۳۱	calumny; accusation
	۹،۴۲	slandering
	۳۱،۴۲	slander
سعایت کردن	۳۱	caluminate
سعد (نیز ← ساعت سعد)	۴۲،۸۰ـ۳	auspicious
	۴۲،۱۰۳	lucky
سعد اصغر (نجـ.) [= زُهره]	۴۲	a lesser lucky star [Venus]
سعد اکبر (نجـ.) [= مشتری]	۴۲	a greater lucky star [Jupiter]
سعد الاخبیه (نجـ.)	۱۲۷	Sadachbia
سعدین (نجـ.) [زهره و مشتری]	۴۲	Venus and Jupiter
سعی (قرآنی)	۷،۱۰۰	strive
سعی [از مناسك حج]	۴۵	running
سعید (قرآنی)	۱۴	blessed
	۷،۹۰	happy
سعیر (قرآنی)	۸۸،۱۰۰	Blaze
	۴۲	Hell; flaming fire

سفارت	۱۲۰	embassy; legation
سفال	۱۲۹	tile; pantile; terracotta; roofline
سفالگری (هنـ.)	۷۸	ceramics; pottery
سفالینه (معمـ.)	۱۲۹	pottery; terracotta
سفاهت (قرآنی) (نیز ← سفید)	۸۷	foolishness
سفته (نیز ← چك؛ برات)	۷۵	promissory note
سَفَر (قرآنی) (نیز ← اسفار)	۷.۸۰.۱۰۳	journey
	۱۱	voyage
سفر الی الله	۸۰_۵	journey towards God
سفر فی الله	۸۰_۵	journey into God
سفر وجود	۱۱	voyage of being
سفرنامه (نیز ← رحله)	۸۲_۵	travel book
	۳۱	a book or account of travels
	۱۹	itinerary
سفره خانه (معمـ.)	۱۲۹	canteen
سفسطائی [= سفسطی]	۱۰۵	sophistry; sophistical
سفسطه [= سفسطه گرایی]	۱۱.۹۵	sophism
	۱۱	sophistry
سفك دم [خونریزی] (مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است)	۷.۸۷.۱۰۰	shed blood
	۱۱	sophistry
سفله	۵۲	one of low degree
سُفْلیٰ (قرآنی)	۷.۱۰۰	lowest
	۱۰۷	sublunary
سفیداب شیخ [= سفیداب سرب]	۱۲۵	white lead
سفیر	۴۵	envoy
سفینه (قرآنی) [= کَشتی]	۸۷.۱۰۰	ship
سفینه (نجـ.)	۳۶	Argo

سفینه [= بیاض، جُنگ]	پ	anthology
سفیه (قرآنی) [جمع این کلمه به صورت السفهاء نیز در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۰	fool
	۲۷	foolish
سقا	۱۴	water-carrier
سقاخانه	۴۵	water-carrier house
	۸۰،۵	drinking fountain
سقایة الحاج (قرآنی)	۱۰۰	giving of water to Pilgrims
	۸۰،۵	furnishing of drink to the Pilgrims
سَقَر (قرآنی)	۷،۸۷	Hell
سقراط	۴۳	Socrates
سقط جنین	۶۱	abortion
سقط کردن	۶۱	abort
سقف گنبدی (معمـ.)	۱۲۹	cupola
سُقم (مق. صدق یا صحت)	۱۶	falsity
	۱۲۰	illness; sickness
سَقْمُونیا [پز. قدیم = نوعی مسهل] (= محموده)	۹۲،۱۲۰	Scammony
		scammonia
سَقَنقُور [نوعی سوسمار که خواص داروئی دارد.]	۱۲۰،۱۲۵	skink
سقیم (قرآنی)	۷،۸۷	sick
	۸۰،۳	infirm
سُکاریٰ (قرآنی) [جمع سَکران یعنی مست]	۸۷،۱۰۰	drunken [the]
سکته (پز)	۱۲۰	apoplexy
سکته (عر.)	۱۲۰	pause in meter
سُکر (نیز ← سکاری)	۲۱،۴۵،۹۰،۱۰۳	intoxication

	۹۳	mystical intoxication
	۸۹	spiritual drunkenness
سَکرة الموت (قرآنی) [= سکرات مرگ]	۱۰۰	agonies of death
	۵۶	sufferings of dying
	۲۴	pangs of death
	۲۲	death pangs
سکّو	۱۲۹	platform; pace; berm
سکوت	۱۲۶	silence; pause
سکوتوپولیس ← بیسان		
سکون [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۸،۱۰۶	rest
	۷۹	stillness
	۲۱	inaction
	۹۵	immobility
	۱۵	stagnation
سکّهٔ خلافت	۱۱۴	caliphal coin
سِکّین (قرآنی)	۷،۸۷	knife
سکینه (قرآنی) [۱. آرامش دل، طمأنینهٔ قلبی. ۲. حضور نور الهی در تابوت عهد که ازیادگارهای مقدس بنی اسرائیل است.]	۶۴،۸۷	peace of reassurance
	۸۰،۱۱۹	tranquility
	۱۱۳	divine tranquility
	۱۰۰،۱۱۲،۱۲۰	presence of God'sShechina [light in the Ark of Covenant]
	۱۱۲	assurance
	۵۳	peace of mind;God-inspired composure

peace of God	۹۰	
serenity	۱۰۱	
tranquility	۸۰،۱۱۹	
divine tranquility	۱۱۳	
Shechina [= presence of God; light in the Ark of covenant]	۱۰۰،۱۱۲،۱۲۰	
ataraxia	۴۲، ۹۵	
assurance	۱۱۲	
peace of mind; God-inspired composure	۵۳	
peace of God	۹۰	
serenity	۱۰۱	
consumption	۱۲۰	
tuberculosis	۱۲۰،۱۲۵	سِل
extraction	۱۰۰	سُلالة (قرآنی)
progeny; dynasty	۴۲	سلاله (نیز ← زاد و ولد؛ ذریه؛ اعقاب)
the descendants	۶	
extract	۸۸	
All-peaceable	۱۰۰	سلام [السلام] (اسم الهی) (قرآنی)
peace	۷،۸۷	سلام (قرآنی) [= درود؛ امن و سلامت و عافیت]
salutation	۲۱،۴۵	
greeting; health	۴۵	
security	۹۰	سلامت
well-being	۹۹	
salvation	۴۰	
peace be upon you	۷،۴۲،۴۵،۸۷	سلام علیکم (قرآنی)
negation	۲۸،۹۵،۹۸،۱۰۲،۱۰۵	سَلب (منط.)

	۱۰۵	non-entity
سَلب محض	۱۰۴	pure negation
	۱۰۵	absolute non-entity
سَلب مطلق	۱۰۲	absolute negation
سلبی [سلبیّه، سالب] (منط.)	۱۱،۴۲،۹۵،۱۰۸	negative
سلبیّه ← سلبی		
سَلخ [= مُنسَلخ، آخرین روز ماه، مق. غرّه]	۱۲۱	end of month
سلس البول	۱۲۰	diabetes; polyuria
سلسبیل (قرآنی)	۴۲	nectar
	۷،۸۷،۱۰۰	Salsabil
سلسله (قرآنی)	۷،۲۹،۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۸	chain
	۹۵	series
سلسلة الترتیب	۱۰۸	chain of succession
سلسلة الذّهب	۸۲_۴	golden chain
سلسلة راویان (حد.)	۴۲	chain of transmitters
سلسلة صوفیه	۷۹	spiritual chain of Sufi orders
	پ	(Sufi) orders
سلسلة علل	۲۹	chain of causes
سلسلة نَسَب	۴۴	lineage
سلسلة وجود	۱۱	chain of being
سلسله مراتب	۱۳	hierarchy
	۴۲	hierarchical order
سلطان (۱) (قرآنی)	۸۷	power; clear warrant
	۷	authority
سلطان (۲) (شاه، فرمانروا)		king; sovereign; monarch; sultan
سلطنت	۱۲،۲۷	kingship
	۱۲۰	monarchy
سلطنت روحانیّه	۲۷	spiritual kingship

English	Pages	Persian
hereditary monarchy	۱۲	سلطنت موروثی
sway	۶۱	سلطه (حقـ.)
sovereignty	۴	
omnisovereignty	۲۹	سلطهٔ مطلق
already passed	۷	سَلَف (قرآنی)
the ancient	۸۰،۹۳	
precedent	۷	
predecessor; ancester	۴۷	
devout ancestor; pious ancient	۸۰	سَلَف صالح
pious forebear	۹۳	
take forward	۷۵	سلف خریدن (اقـ. حقـ.)
buy in advance	۶۱	
class; category; range	۱۲۰	سِلْک
contract for delivery with prepayment	۸۵	سَلَم [= سلف خریدن]
ladder	۷،۸۷،۱۲۰	سُلَّم [= نردبان] (قرآنی)
mystic (-al) journey	۱۱،۱۱۳	سلوک (عرفـ.) (نیز ← سالک)
sacred journey	۹	
discipleship	۴۴	
behaviour	۹۵،۱۲۰	سلوک [رفتار]
conduct	۱۱،۱۲۰	
the quails	۸۷	سَلویٰ (قرآنی)
sound	۴۲	سلیم
sound judgement	۴۲	عقل سلیم
whole heart	۸۷	قلب سلیم (قرآنی)
free heart	۷	
Solomon	۴،۸۷،۱۰۰،۱۰۳	سلیمان (ع) (قرآنی)
		سَم ← زهر
nether heaven	۷	سماءالدنیا (قرآنی)
the lowest heaven	۴۵	

سماحت (اخـ.)	۱۲۰	liberality; generosity
سَماط	۲۵	banquet; feast
سمّ الخیاط (قرآنی) [= سوراخ سوزن]	۸۷،۱۰۰	the eye of the needle
	۸۷	needle's eye
سَماع (تصـ.)	۲۱،۸۰،۹۰،۹۵	audition
	۱۴	mystic audition
	۸۰	spiritual oratorio; sacred dance music
	۵۸	spiritual concerts
	۳۴	mystic dance; mystic song
سَماعی	۱۲۱	sanctioned by common usage; traditional; unwritten
سِماك اعزل (نجـ.)	۳۶	Spica
سِماك رامح (نجـ.)	۳۶،۱۰۳	Arcturus
سَماوی	۱۲۰	celestial; heavenly
سماویّت [روحانیّت]	۱۱	heavenliness
السمت (نجـ.) [معادل انگلیسی این کلمه، از سُموت که جمع سمت است گرفته شده است.]	۱۲۰،۱۲۶	azimuth
سمت الرأس (نجـ.) [معادل انگلیسی این کلمه، از کلمهٔ «سَمْت» عربی گرفته شده است.]	۳۶،۷۴،۹۹،۱۲۹	Zenith
سمت القدم (نجـ.) [معادل انگلیسی این کلمه، از کلمه عربی «نظیر» گرفته شده است.]	۳۵،۷۴،۱۲۹	Nadir
سمسار (نیز ← دلال)	۸۵	broker
سمع	۱۰۳	hearing
سمعاً	۸۰ـ۲	traditionally
سمعی (نیز ← وحیانی)	۸۰	authoritarian

سمعیّات	۲ـ۸۰	traditional questions
	۱۰۶	authority
سَموم (قرآنی)	۸۷	scorching wind; breath of fire
سمیع [السمیع] (اسم الهی)	۱۰۸،	The Hearer
(قرآنی)	۱۹،۴۵،۸۰،۸۷	
	۱۰،۱۰۶	The Hearing
	۶۴،۱۰۰	All-hearing
	۸۷	Ever-Hearer
سمیع الدّعاء (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	The Hearer of prayer
سنا (پز. قدیم؛ نوعی مسهل) [معادل انگلیسی این کلمه، از عربی گرفته شده است.]	۱۲۵	senna
سنابرق (قرآنی)	۸۷	flashing of lightning
سُنباده	۱۲۵	corundum
	۱۲۰	emery; smyris
سُنبل	۱۲۰	hyacinth
سنبل الطیب	۱۲۰	valerian
سنّ بلُوغ (نیز ← بلوغ)	۶۱	adult age
سنبله (نجـ.)	۳۶،۹۹	Virgo
سُنبله (این کلمه و جمعهای آن به صورت سنابِل و سُنبلات قرآنی است.]	۱۰۰	ear
سنت [سنه] (قرآنی)	۴،۶۷،۱۰۹،۳۷	practice
	۷	course
	۸۷	way
	۲۱	ordinances
	۸۵	precedent or normatic custom
	۴۵	custom; use and wont; statute

سنّت الله (قرآنی)	۸۷	Allah's way of treatment
سنّت پیغمبر	۱۰۳	Prophet's rule
سنّت رسول الله	۳۷	practice of the Prophet
سنّت قدیمه	۲۳	established Sunna
سنّت کفایی	۲۳	collective Sunna
سنّت ماضیه	۸۵	well-established precedent
اهل سنّت (نیز ← سُنّی)	۳۱	Sunnite; an observer of the traditional law
سنت گرایی	۱۱	traditionalism
سنّتی	۱۱	traditional
سَنج [= صنج] (مسـ.)	۱۲۵	cymbal
سنخ	۴۰	origin
سنخیّت	۴	general resemblance
	۱۰۲	sharing the same root; cognation
سند (حقـ.)	۴۲	document; evidence
سند رسمی(حقـ.)	۷۵	official paper
سند مالکیّت	۶۱	abstract of title
	۷۵	proof of ownership; title deed
سند (حد.)	۱.۱۲	chain
	۱۰۹	authority
سند حدیث (حد.)	۱۲	chain of transmission of hadith
سِندان	۱۲۰.۱۲۹	anvil
سُندُس (قرآنی) [= پرند.]	۸۷	finest silk
سنگسار کردن (نیز - رجم)	۱۲۰	stoning
سنگ سنباده ← سنباده		
سنگفرش	۱۲۹	paving; pavement
سنگ مزار	۱۲۰	gravestone
	۷۸	ledger
	۱۲۹	tombestone

stele	۷۸	سنگ مزار قائم
inscription	۷۸،۱۲۹	سنگ نبشته (نیز ← کتیبه)
petrograph	۱۲۹	
epitaph	۷۸	سنگ نبشتهٔ مزار
chronological	پ	سَنَوی
annual; yearly	۱۲۰	
		سُنّه ← سنّت
year	۷،۸۷	سَنَه [= سال] (قرآنی) (نیز ← سال)
orthodox Muslim (s)	۱۲۱	سنی
Sunnite	۴۲	
Trucial Coast	۱۲۵	سواحل متصالح [هفت شیخ نشین: ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین، رأس الخیمه، و فجیره]
literacy; education; culture; sophistication	پ	سواد (دانش و فرهنگ)
learning	۱۲۰	
copy	۱۲۰	سواد (رونوشت)
great mass; great majority	۱۲۱	سواد اعظم
large city	۱۲۰	
ask; demand	۷	سؤال (قرآنی)
bad record	۶۱	سوء سابقه (حقـ.)
clean record	۶۱	عدم سوء سابقه
bad reputation	۶۱	سوء شهرت
bad intention; bad faith	۶۱	سوء نیّت
melancholia	۹۵	سودا (نیز ← مالیخولیا)
aspiration	۳۴	
black bile; passion; passionate longing	۱۰۳	

	۱۸	desire
سودای حقیقت	۱۰۳	passion for reality
سودای دین	۱۰۳	passionate longing for religion
سودای مجاز	۱۰۳	passion for unreality
سودای محال	۱۸	vain desire
سودایی (نیز ← مالیخولیائی)	۲۱	melancholic
سُور (منط.)	۱۱،۹۴،۹۸	quantifier
	۴۰	quantification sign
سور (دیوار؛ دیوار بزرگ پیرامون شهر)	۹۷	wall
سوره (قرآنی)	۲۰،۵۱،۶۴،۱۰۰	chapter [of the Quran]
	۲۲،۱۰۰	Sura
[برای نام سوره‌های صد و چهارده گانهٔ قرآن مجید نگاه کنید به نام یکایك آنها]		
سوریه [کمابیش برابر با شام]	۱۲۵	Syria
سوزن دوزی زربفت (هنـ.) (نیز ← زربفت، زرکش)	۱۱۵	embroidery
سوط (قرآنی)	۱۰۰،۱۲۰	scourge
سوفسطایی (نیز ← سفسطه)	۴۲،۹۷،۱۰۳	sophist
سوك	۱۲۰	mourning
سوگند (نیز ← قسم)	۶	oath
	۶۱	adjuration
سوگند خوردن	۴	swear
سوگواری (نیز ← عزاداری؛ تعزیه؛ روضه‌خوانی؛ مرثیه خوانی)	۴۲	mourning
سوهان	۱۲۹	rasp
سویدای دل	۳۱	heart's core
سویل ← اشبیلیه		

سُها (نجـ.)	۳۶	Alcor
سَهَر [بی خوابی]	۴۵،۸۰،۴	vigil
	۷۱	insomnia
سه طلاق	۱۲	triple divorce
سه طلاقه	۲۷،۴۵	triple repudiation
	۳۹	trebly divorced
سهم	۴۲	portion
	۲۷	share
سهم (اقـ.)	۷۵	stock
سهم عادی (اقـ.)	۷۵	common stock
سهم معوّق (اقـ.)	۷۵	outstanding stock
سهم ممتاز قابل ابتیاع (اقـ.)	۷۵	redeemable preferred stock
سهم (نجـ.) ← تیر		
سهم السعاده (نجـ.)	۶۰	Lot of Fortune
سهم الغیب (نجـ.)	۶۰	Lot of the Unseen
سهمَوی (نجـ.)	۳۶	parabolic
سهموی دوّار	۱۲۹	paraboloid of revolution
سهمی [= قطع مُکافی]	۱۲۵،۱۲۹	parabola
سهو	۴۵	inadvertence
سهیل (نجـ.)	۳۶	Canopus
سیاحت	۲۱	wandering
	۴۵	wandering life
سیادت (نیز ← سید؛ سادات)	۴۲،۹۵	sovereignty
سیّارات (نجـ.)	۱۲۰،۱۲۵	planets
سیّاره (قرآنی) [= کاروان]	۸۷	caravan
	۷،۱۰۰	traveller(s)
سیاست (نیز ← حکومت)	۴۰،۹۲	politics
	۶۹	government; governing
	۷۵	policy

	۶	statesmanship
سیاست اخیار	۴۰	aristocracy
سیاست ربّانی	۶۹	Lord's Government
سیاست شرعی	۸۰	juridical policy
سیاست قلّت	۴۰	oligarchy
سیاست کرامت	۴۰	timocracy
سیاست مردم	۴۰	democracy
سیاست منزل [تدبیر منزل]	۱۱	home economics
سیاست نفس [تدبیر نفس]	۱۱	ethics
سیاست وحدانی (نیز ← سلطنت)	۴۰	monarchy
سیاست [مجازات]	۶۹	chastisement
سیاست‌پیشه	۴	politician
سیاست کردن	۴	punish
	۶۹	chastise
سیاستمداری	۶،۲	statesmanship
سیّاف (= جلّاد)	۱۴	executioner
سیاق	۴۲،۹۵	context
سیاقة الاعداد (بع.)	۲۶،۲	proposition of multiples
سیّال	۱۲۵	fiuid
سیاهپوست [= زنگی، زنجی]	۱۲۵	Negro
سیاه‌جامگان ← مُسَوَّده		
سیاه قلم (هنـ.)	۱۲۹	pen drawing
سیّئه (قرآنی)	۸۰،۴	evil action
	۸۷	ill-deed
	۱۱۰	wrongful deed
سی پاره	۱۲۰	(one of) the thirty portions into which the koran is divided
سیحان (جغـ.)	۱۹	Sarus

سیحون (جغ.)	۱۹	Jaxartes
سیّد (قرآنی [جمع این کلمه نیز به صورت سادَة در قرآن مجید به کار رفته است]	۲۷،۳۷،۸۴	Lord
	۷،۸۰،۳	Leader
	۶،۳۱،۳۷	Chief
	۲۵،۳۷،۸۷	Prince
	۷۳	Sayyed
	۶۸	descendant of the Prophet
سیّد الانبیاء [= رسول اکرم (ص)]	۳۱	Chief of the prophets or apostles
سید الشهداء [لقب حضرت حمزه عموی رسول اکرم (ص) و نیز لقب امام حسین (ع)]	۶،۲	Chief of the Martyrs
	۲۷	Lord of the Martyrs
سیّد عالم	۲۵	Prince of the world
سیّد مرسلین [لقب رسول اکرم (ص)]	۸۴	Lord of the Sent Ones
سیّده (نیز ← سید به معنای ذریهٔ پیامبر اسلام(ص))	۳۱	Princess; Lady
سیر (قرآنی)	۷،۸۷	travel
	۱۱	development
	۵۸،۱۰۳	journey
سیر الی الله	۵۸	journey to God
سیر باطن	۱۰۳	interior journey
سیر حکمت	۶۹	course of wisdom
سیر صعودی	۴۴	upward march
سیر فی الله	۵۸	journey in God
سیر قهقرائی [واگشت]	۱۱	retrogression

سیر و سلوک (عرف.) (نیز ← سلوک)	۴۲	spiritual journey
	۳۴	mystic journey
سیرة (قرآنی) [= شکل و شیوه]	۷،۸۷	state
سیرت [سیرة]	۷۹،۸۰	conduct
	۲۵	morals; way of life
	۸۳	life-history
	۸۰،۳	biography
سیرهٔ نبوی [سیرة النّبی]	۳۷	biography of the Prophet Mohammad
	۴	life of the Prophet
سیطره	۲۹	domain
سیل	۱۲۹	flood; spate
سیماب ← جیوه		
سیمرغ (قصـ.)	۱۳	Griffin
سیمرغ (نجـ.)	۳۵	phoenix
سیمیا [«علم» خواص و اسرار حروف؛ علم «خیالات» ← دایرة المعارف فارسی]	۹۹	letter magic
	۱۰۳	magic
	۴۵	science of talismans
	۵۴	producing vision (one of the occult sciences)
سینه‌پهلو ← ذات الجنب		

ش

شابّ (نیز ← شباب)	۳۱	young man

English		Persian
youth	۴۵	
sheep, ewe	۱۲۱	شاة
lamb	۱۲۰	
indicator; index	۷۵	شاخص
		شاخص آفتابی ← ساعت آفتابی
abnormal; rare	۴۲،۱۲۳	شاذّ (حد.) (نیز ← شذوذ)
irregular	۸۳	
exceptional	۸۰_۵	
late; deceased	پ	شادْرَوان [= روانشاد = مرحوم]
moustache	۱۲۶	شارب [= سبیل]
commentator	۱۳	شارح
lawgiver	۴۲،۵۶،۹۹	شارع
legislator	۴۲	
The Prophet of Islam	۱۲	شارع اسلام
public road; highway	۱۲۰	شارع عام
poet	۷،۱۰۰	شاعر (قرآنی)
plumb-line	۱۲۵	شاغول / شاقول
pendulum; plumb bob; plumb	۱۲۹	
The Healer	۱۲۰	شافی [الشّافی] (اسم الهی) (غیرقرآنی)
The Healing	۱۱۳	شافیه [از صفات سورهٔ فاتحه]
All- grateful	۱۰۰	شاکر [الشّاکر] (اسم الهی) (قرآنی)
Grateful	۲۳	
Responsive	۸۷	
manner	۷،۱۰۰	شاکله (قرآنی)
relator	۶۱	شاکی خصوصی (حقـ.) (نیز ← مشتکی علیه)
student;disciple; pupil; apprentice	۳۱	شاگرد

شال [معادل انگلیسی این کلمه از اردو وآنهم از فارسی گرفته شده است.]		shawl
شالوده (معمـ.)	۱۱،۷۸،۱۲۹	base
	۷۸،۱۲۹	footing
	۱۲۹	foundation trench; pedestal; substructure
شام [سوریه]	۱۲،۴۳،۹۹	Syria
شامات ← شام		
شامل مطلق	۱۱	all-inclusive
شأن نزول ← اسباب نزول		
شانه	۱۲۰	comb
شانه بسر ← هدهد		
شاه (نیز ← سلطان)	۱۲۰	shah;king;monarch;sovereign
شاه اولیاء [غالباً کنایه از حضرت علی (ع) است.]	۴۵	King of Saints
شاهد (الشاهد) [از اسماء الهی، غیر قرآنی؛ ضمناً حضرت رسول (ص) سه بار در قرآن مجید «شاهد» نامیده شده است. باید توجه داشت که این کلمه به عنوان اسم الهی در قرآن یاد نشده، ولی کلمه ای قرآنی است.]	۴۲،۴۵،۸۰	The Witness
شاهد	۶	evidence
	۷،۱۲۰	witness
	۹۰،۱۱۸	attestation
	۱۰۸	visible
	۳۴	beauty
	۱۰۳	beloved

شاهد سمعی	۴۲	ears witness
شاهد عینی	۴۲	eye witness
شاهدانه (نیز ← حشیش)	۱۲۰	hemp
شاهراه	۱۲۹	highway; highroad; freeway; expressway; roadway
شاه ولایت [کنایه از حضرت علی (ع) است.]	۴۵	King of Sanctity
شاه نشین (معمـ.)	۱۲۹	dais; bay window
	۸۰،۱۲۹	a great alcove
شایگان (عر.)	۱۲۸	casibus; simile; homoioptoton
شباب	۳۱	youth
شبستان (معمـ.)	۱۲۹	bed chamber
شبستان (معمـ.)	۱۱۵	oratory; prayer hall; atrium
شب قدر (نیز ← لیلة القدر)	۸۷،۱۰۰	Night of Power
	۸۴	Night of Destiny
شبکلاه	۱۲۰	night-cap
شبهات زینون ← زینون		
شبه‌الاشتقاق (بع.)	۲۶،۲	pseudo-etymology
شبهت [شبهه]	۱۱۱	paradox
	۴۵	confusion
	۴۰	error
	۸۰	dubious thing
	۲	doubt
	۸۰،۳	resemblance
شبهت (فقـ.)	۸۰	suspicion of usury
شبهت الربا		
شبه جزیره	۱۲۰	peninsula
شبه ظلّ (نجـ.)	۱۲۰	penumbra
شبه عمد	۸۰،۲	quasi-deliberate
شُبهه ← شُبهت		

شبیه (نیز ← تعزیه)	۲۴	compeer
	۴۵	resembling
شتاء (قرآنی)	۷،۸۷،۱۰۰	winter
شتر [معادل انگلیسی این کلمه از اصل عربی جَمَل گرفته شده است.]	۱۲۰	camel.
شتم	۴۰	condemnation
شجاع (نجـ.)	۳۶	Hydra
شجرهٔ خبیثه (قرآنی)	۱۰۰	corrupt tree
شجرهٔ خلد (قرآنی)	۷،۸۷	tree of immortality
شجرهٔ زقوم ← زقوم		
شجرهٔ طیّبه (قرآنی)	۱۰۰	good tree
شجرهٔ مبارکه (قرآنی)	۶،۷	blessed tree
شجرهٔ ملعونه (قرآنی)	۷	cursed tree
	۱۰۰،۱۰۹	tree cursed
شجرهٔ ممنوعه	۲۹	forbidden tree
شجرهٔ نبوت	۶	tree of the prophethood
شجره نسب	۱۲۱	genealogical tree
	۴۴	family tree
شحّ (قرآنی) [=بخل؛آز]	۷	avarice
	۸۷	greed
شحنه	۸۰	military commandant
	۲۵	superintendent of the police
شخانه (نجـ.) [= نیزك]	۳۶	meteor
شخص	۹۳	individual
	۷۵	person; entity
شخص ثالث	۷۵	third person; third party
شخص حقوقی (نیز ← شخصیت حقوقی)	۷۵	legal person; legal entity

شخصیت	۴،۹۵	personality
شخصیّت حقوقی (نیز ← شخص حقوقی)	۷۵	persona moralis
شدت (نیز ← اشتداد)	۱۰۸	strength
شدّه (هنـ.)	۱۱۵	garland
شدیدالحساب	۶	terrible reckoning
شدید العذاب (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Terrible in Chastisement
	۸۷	Severe in Punishment
شدیدالعقاب (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	Severe in Punishment
شدید المحال (اسم الهی) (قرآنی)	۷۸	Mighty in Wrath
شذوذ (دستـ. ادب.) (نیز شاذ)	۱۲۱	irregularity;deviation;anomaly
شرّ (قرآنی)	۳۴،۸۷،۱۰۴	evil
	۹۲	malevolence; malady
	۱۱۱	malefic
شرّ کلّ	۱۱	total evil
شرّ محض	۱۱	pure evil
شِراء [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← بیع)	۱۲۰	buying; purchase
شراب (قرآنی) (نیز ← خمر)	۷،۸۷،۱۰۳	drink; wine
	۴۵	beverage
شراب طهور (قرآنی)	۷،۸۷	pure drink
	۱۰۰	pure draught
شَرّابه [= منگوله، طره، آویزه]	۷۸	fringe; fringes
شِراع	۱۲۱	sail; tent
شراع [صورت فلکی] (نجـ.)	۳۵	Vela
شرایع ← شریعت		
شُرب (قرآنی)	۷،۸۷	drink(ing)
شرب خمر	۲۷	wine-drinking

شرح (نیز ← شارح؛ تفسیر)	۱۳،۸۰	commentary
	۹۴	description
	۳۱	explanation
شرح جمعی (منط.)	۹۴	plural description
شرح کشّاف	۳۱،۱۲۰	lucid explanation
شرح مشخّص (منط.)	۹۴	definite description
شرح [سوره] [= انشراح]	۸۷	Solace
	۱۰۰	The Expanding
شرح صدر (قرآنی)	۷،۱۰۰	expansion of breast (mind)
شِرذمه (قرآنی)	۱۰۰	small troop
شرط	۲۰،۸۵،۹۵،۹۷،۱۰۵	condition
	۲۷،۸۵	prerequisite
	۱۵،۸۵	stipulation
شرط (منط. دســ.) [= جملهٔ شرطیّه]	۹۸،۱۲۸	protasis
شرط استطاعت	۲۷	prerequisite of solvency
شرط بندی	۱۲۰	betting; wager(ing)
شرط کافی (منط.)	۹۸	sufficient condition
شرط لازم [شرط واجب] (منط.)	۱۱	necessary condition
شرط محال (منط.)	۹۸	impossible condition
شرط واجب ← شرط لازم		
شرط کردن	۶	stipulate
شرطه	۸۵،۹۹	police
	۸۰	professional police
شرطه (باد) ← باد شرطه		
شرطی (منط.)	۲۸،۴۲،۹۸	conditional
	۴۲،۹۲،۹۷،۱۱۱	hypothetical
شرطی بسیط	۹۸	simple conditional proposition

شرطی حقیقی	۹۸	restricted conditional
شرطی صرف	۹۸	pure conditional
شرطی مختلط	۹۸	mixed conditional
شرطیّه ← شرطی		
شرع (نیز شریعت، شارع) [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۷.۱۰۵	Divine Law
	۳۷.۸۵	Sacred Law (of Islam)
	۱۰۶	Revealed Law
	۳۷	Muslim Law
شرعاً	۸۰_۲	legally
	۶۱	according to religious law
شرعی (نیز ← مشروع)	۱۲۳	lawful
	۵۹.۹۵	legal
	۲۷	canonical
شرعیّات	۵۴.۸۱	sciences of (Divine) Law
	۸۱	Laws of Scripture; obligations of the Divine law
	۸۰.۵	Divine Law
شرف	۴۲.۱۱۴	dignity
	۹۲.۱۱۱	excellence
	۴۲	honour
	۹۹	nobility
شَرَف (نجـ.) (مقـ. هبوط)	۱۲۵	exaltation
شرق	۴۲.۱۲۶	East; Orient
شرق شناس	۲۶_۱	Orientalist
شرق اقصی ← خاور دور		
شرق نزدیک ← خاور نزدیک		
شرق وسطیٰ / شرق میانه ← خاور میانه		

شرقی	۱۲۱	Eastern; Oriental
شرك (قرآنی)	۷،۲۳،۳۸،۴۵،۸۰،۹۵	polytheism
	۳۸،۹۱	idolatry
	۳۸	paganism
	۴۷	attributing partners to God
شرك خفی	۲۳	hidden polytheism
شرك آوردن [شرك ورزیدن]	۱۰۰	associate something with God
	۶۴	ascribe partners
شرکت	۵،۲۰	partnership
	۷۵	company
شرکت تعاونی	۷۵	coopration company
شرم (اخـ.)	۱۲۰	shame
	۴۷	modesty; self control
شروط ← شرط		
شره (اخـ.)	۵۷	self- indulgence
شریر	۳۱	wicked; malignant
شریان (نیز ← وتین؛ ورید؛ حبل الورید)	۱۲۵	artery
شریعت [اصل لغوی این کلمه قرآنی است، ولی معنای اصطلاحی آن قرآنی نیست.] (نیز ـ شرع)	۴۲،۴۷،۸۵،۱۱۳	sacred law
	۴۲،۴۸،۱۰۳	religious law
	۴۲،۴۵	Divine law
	۶	Divine order
	۲۲	revealed law
	۱۰۰	right way
شریعه ← شریعت		
شریف	۴،۵۶	noble

شریك (قرآنی) [جمع این کلمه به صورت شرکاء نیز قرآنی است.]	۱۰۰	associate
	۶	partner
شش ضلعی منتظم (رضـ.)	۱۱۵	hexagon
شط العرب (جغـ.)	۱۹	Tigris Estuary
شطح (عرفـ.)	۲۱،۴۵،۸۰	ecstatic phrase
	۸۰	theopatic phrase; hybrid utterance
	۴۵	divinely inspired utterance
	۲۸،۴۵	ecstatic utterance
	۴۴	paradox
	۱۳،۸۲	theophanic locutions
شطحیّات (عرفـ.)	۴۲	ecstatic statements
	۴۵	ecstatic utterances
	۸۰،۴	divinely-inspired utterances
شَطر (قرآنی)		towards
شطرنج	۱۲۰	chess
شطرنج باز	۱۲۰	chess-player
شطرنج بازی	۱۲۰	play chess
شعائر (نیز ← مناسك)	۱۳،۱۵،۴۲	rites
	۷۵	rituals
	۸۷	indications
	۶۴	symbols
شعائر الله (قرآنی)	۸۷	indications of Allah
	۱۰۰	waymarks of God
	۶۴	Allah's monuments
شعائر دینی	۴۲	religious rites
شعار	۱۲۳	motto
	۴	slogan

فارسی	صفحه	English
	۲۱	badge
شعاع (پرتو)	۱۲۰	ray; beam, gleam
شعاع (در دایره)	۱۲۰	radius
شَعب [در انساب] ← قبیله	۲۸،۸۰	people
شعبده	۱۲۰	jugglery
شِعر (قرآنی)	۷،۱۲۰	poetry; poem
شَعر	۱۲۰	hair
شعراء [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Poets
شَعرای شامی [نجـ.]	۳۶	Procyon
شَعرای یمانی (نجـ.)	۳۶،۱۱۲	Sirius
شعوب (قرآنی)	۱۰۰	races
	۸۷	nations
شعوبیّه	۴۲	nationalists; racists
	۸۰،۳	national groups
شعور	۸۰،۱۰۸	awareness
	۱۱،۱۲،۸۰،۹۵	consciousness
	۴۵،۵۹	perception
	۸۰	apperception
	۴۰	sensation
شعور خفی	۵۹	hidden perception
شعور کاذب	۱۱	false consciousness
شُعَیب (قرآنی) [پیامبر و پدرزن موسی (ع)؛ نام عبری او در سنت یهود یترون است.]	۳۷،۴۵،۸۷	Jethro
	۱۰۰	Shuaib
	۸۷	Shu'eyb
شَعیر	۱۲۶	barley
شغل	۱۲۰	profession;work;business;employment
شِفاء (قرآنی)	۷،۹۰،۱۰۰	healing

	۱۳	remedy
	۱۰۳	cure
شفاخانه ← بیمارستان؛ دارالشفاء؛ مستشفی		
شفاعت (قرآنی)	۱،۷،۴۲،۴۵،۸۷،۹۰،۱۰۰،۱۰۳	intercession
	۴۵	mediation
شفاعت تشریعی	۱	intercession in legislation
شفاعت تکوینی	۱	intercession in creation
شفاعت کردن	۲،۸۰،۸۷،۱۰۳	intercede
	۱۰۳	make intercession
	۸۷	intervene
شفاعت‌گر (نیز ← شفیع)	۱۰۳	intercessor
شفاهی	۱۲۰	oral, verbal
شَفع (مقـ. وتر) (قرآنی)	۱۰۴،۱۰۵	even
شُفعه	۳۸،۸۵	pre-emption
حقّ شُفعه (فقـ.)	۲۸	right of pre-emption
شفق (قرآنی)	۸۰-۵،۱۰۰	twilight;
شفق جنوبی	۱۲۰،۱۲۵	Aurora Australis
شفق شمالی	۱۲۰،۱۲۵	Aurora Borealis
شفقت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۱	kindness
	۴۰	pity
	۱۴	compassion
شفیع (قرآنی)	۴۲،۸۷،۱۰۳	intercessor
	۳	interceder
شقّ (منط.)	۱۷،۱۰۸	alternative
شِقّ الأنفُس (قرآنی)	۱۰۰	great distress
	۷	distress of the souls
شقاء	۱	toil

واژه	شماره	English
شِقاق (قرآنی)	۸۷،۸۸،۱۰۰	schism
	۶۴	breach
شقاقلوس ← غانغرایا		
شق‌القمر [در قرآن مجید جملهٔ فعلیه‌ای به صورت «وانشق القمر» به کار رفته است.]	۴۲	splitting of the moon
شقاوت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴	wickedness
	۲۴	wretchedness
	۶۴	evil fortune
	۱۰۶	misery
شقی (قرآنی)	۶۴،۱۰۰	wretched
	۱۸،۱۰۳	damned
	۸۷،۱۰۳	unblest
	۷	unblessed
	۳۱	felon; criminal
شک (قرآنی)	۷،۱۱،۸۷،۹۵	doubt
	۱۰۸	uncertainty
شک (فلـ.)	۱۶	scepticism
شکار	۱۲۰	hunting
شکاک	۱۶	sceptical
	۱۱	sceptic
شکایت (حقـ.) [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷،۶۳	complaint; plaint
موضوع شکایت	۶۳	grievance
شکایت کردن (حقـ.)	۶۳	lodge a complaint
شُکر (قرآنی)	۲۲،۴۵،۸۰،۹۰	gratitude
	۷،۸۷،۱۰۳	thanksgiving
شُکر یزدان	۱۰۳	thanksgiving to God

شکرانه	۴۲	gratitude
شکرگذاری [= شکرگزاری]	۳۱	thanksgiving
شَکَر [این کلمه و عربی آن سُکَّر و معادل انگلیسی و معادلهای اروپائی و یونانی و سانسکریت آن همه همریشه‌اند.]	۳۱	sugar
شکل (منط.)	۲۸،۹۲،۹۷،۹۸	figure
شکل الظّلی	۸۰،۵	the principle of the shadow (tangent)
شکل القَطّاع	۸۰،۵	the principles of the transversals
شکل المغنی	۸۰،۵	the principle of the four magnitudes
شکل منطقی	۱۱	logical form
شکلیّه	۴۲	figure; figure of syllogism
شکنجه	۴	torture
شکور [الشّکور] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	All- thankful
شَکور (قرآنی) (صفت بندگان)	۸۷	thankful
	۷	grateful
شکیّات	۱۲۰	doubtful matters
شکیّات	۱۵	misgivings
	۲۰	forgetfulness
شکیبایی (نیز ← صبر)	۴	endurance
شکیّه (فلـ.)	۱۱۷	aporetics
شلاّق (نیز ← تازیانه؛ سوط)		
شلجمی (هنـ.)	۱۲۰	parabola; parabolic (al)
شلغم	۱۲۰	turnip
شلیاق (نجـ.)	۳۶	Lyra
شَمّ	۹۵	smell
شماطه‌دار ← ساعت شماطه‌دار		
شِمال (قرآنی) ←اصحاب شمال		

شمال	۷۴	north
شمال جغرافیایی	۷۴	geographical north
شما حقیقی	۷۴	true north
شمال مغناطیسی	۷۴	north magnetic pole
شمایل (هنـ.)	۷۸،۱۱۵	icon
شمایل پرستی	۷۸	iconolatry
شمایل نگاری	۱۱۵	iconography
شمس [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Sun
شمسی (نیز ← سال شمسی؛ منظومهٔ شمسی)	۱۲۰	solar
شمش	۱۲۹	ingot; ingot stick; screed
شمشه (معمـ.)	۱۲۹	bloom
شمشیر	۱۲۰	sword
شمع	۱۲۰	candle
شمع (معمـ.)	۷۸	pile; shore; stay
شمع بندی (معمـ.)	۱۲۹	planking and strutting
شمن	۱۰۳	idolator
شمول	۴۴	universality
	۶۱	comprisal
	۱۱	inclusiveness
شمول مطلق	۱۱	all- inclusiveness
شناخت شناسی ← معرفت شناسی		
شناسایی	۴۰	recognition
شناسنامه	۶۱	identity certificate
شنگرف [= شنجرف]	۳۱،۱۲۰،۱۲۵	cinnabar; vermillion
شنیع	۱۲۰	obscene
	۴۰	absurd
	۴	abominable
شواذ (نیز شاذ و شذوذ)	۸۰،۵	deviant

شوالیه‌گری ← فروسیّت		
شورا (قرآنی)	۷،۸۷	counsel
شورا [= گروه مشاوران]	۴،۴۷،۱۱۵	council
	۸۰،۴	jurists
	۲	consultative committee
شورای نگهبان	۸	Guardianship council
شوریٰ [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	Counsel
شوق (عرف.)	۵۷،۹۳	yearning
	۴۰،۱۰۵	desire
	۱۴	mystic yearning
شوکت	۹۹	might
	۸۰،۳	coercive power
شوکت‌الیهود (هن.)	۱۱۵،۱۲۰	acanthus
شوهر (نیز ← زوج)	۱۲۰	husband
شهاب (قرآنی)	۱۰۰	meteor
شهاب ثاقب (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	piercing flame
شهاب سنگ (نجـ.) (نیز ← سنگ آسمانی)	۳۶	meteorite
شهابوار (نجـ.)	۳۶	meteoroid
شهابی	۱۱۵	meteorite
شهادت (قرآنی) [=گواهی]	۳۹،۶۱،۶۳،۸۵	evidence
	۴۵،۵۴،۶۴،۸۵،۸۷،۹۵	testimony
	۵۴	attestation
	۲۱	profession of Islam
	۸۰،۸۸	Islamic confession of faith
شهادت دروغ	۶۳	false evidence
شهادت شفاهی	۶۱	parol evidence; oral evidence
شهادت [= کشته شدن در راه حق و عقیدت؛ اضطهاد]	۴۲،۱۲۰	martyrdom

شهادت دادن	۳۹	testify
	۸	give evidence
	۶	bear witness
	۴۲	attest
شهادتگاه	۴۲	site of martyrdom
شهادتنامه	۱۲۳	certificate; diploma
شهادتین ← اشهد ان لااله الاالله؛ اشهد ان محمداً رسول‌الله		
شهامت	۱۲۰	bravery; courage
شهامت	۵۷	manliness
شهر (فارسی)	۱۲۰	city
شهر (عربی، جمع آن شهور و أشْهُر)	۱۲۰	month
شهرالحرام [= الشهرالحرام] (قرآنی)	۶۴	sacred month
	۱۰۰	the prohibited month
شهرت	۱۲۰	fame; publicity
شهرسازی	۱۲۹	town planning
شهریه (نیز ← مشاهره)	۱۲۰،۱۲۱	monthly salary
شهسواری ← فروسیت		
شهوانی	۹۵	sensual
شهوت (قرآنی)	۷،۳۱،۴۵،۵۳،۸۷،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	lust
	۸۷	vain desire
	۸۱،۱۰۴	desire
شهوت (فل.)	۸۰،۱۰۷	passion
	۹۵،۱۰۴	appetite
شهوت‌پرست	۳۱	slave to lust
شهوت‌پرستی	۳۱	sensuality; libertinism
	۱۵	lasciviousness

شهوترانی	۱۵	voluptuousness
شهود (جمع شاهد) ← شاهد		
شهود (عرف.)	۱۱،۴۶،۹۵	intuition
	۹۰،۱۱۳	presence
	۴۲	Divine vision
	۹۰	sensing His presence
شهودگرایی	۱۱	intuitionism; intuitionalism
شهید [الشهید] (اسم الهی) (قرآنی)	۷،۸۷	Witness
شهید [گواه] (قرآنی)	۷،۴۲،۴۵،۸۵،۸۷	witness
شهید	۱۱،۲۰،۴۵	martyr
شهید حقیقت	۱۱	martyr of truth
شهید شناسی [تذکرهٔ شهدا]	۱۱	martyrology
شهیق (قرآنی) (نیز ← زفیر)	۷	groaning
شیء [این کلمه و جمعش اشیاء قرآنی است.]	۱۱،۱۰۳	object
	۷،۱۱،۸۷،۹۲،۱۰۰	thing
شیء (فلـ.)	۹۳	entity
شیء خارجی	۱۱	external object
شیء محسوس	۱۱	sensible object
شیء معقول	۱۱	intelligible object
شیئان	۱۰۷	twofold
شیاطین ← شیطان		
شَیب (قرآنی [= پیری، مو سپیدی]	۱۰۰	hoariness
شیب (قرآنی) [= پیر]	۷،۱۰۰	grey- headed
شیث [پیامبر]	۱۹،۴۵،۹۶	Seth
شیخ (قرآنی)	۵۷	spiritual leader
	۲۳	spiritual director
	۸۰،۴	head of the clan; elder; old man

شیخ اشراق [لقب شهاب‌الدین یحیی بن حبش سهروردی مؤسس حکمت اشراق]	۱۳	master of illumination
شیخ الاسلام	۱۲۶	religious chief of the Muslems
شیخ السفراء	۴۲	doyen; dean
شیخ خانقاه	۹۶	abbot
شیخ طریقت	۸۰_۳	spiritual guide
شَیخوخه	۱۲۶	old age
	۱۲۳	senitity
شیرازه	۷۸،۱۱۶	head band
شیربها	۸۰،۴	bride price
شیر دادن (نیز ← رضاع)	۱۵	suckle
	۶۴	give suck
	۲۰	wet-nursing
شیروانی (معمـ.)	۱۲۹	gable roof; pitched roof
شیریزدان [اسدالله] [غالباً کنایه از حضرت علی (ع) است.]	۴۵،۱۰۳	The Loin of God
شیشه	۳۱	glass; bottle
شیشه‌بری	۱۲۹	glaziery; glazing
شیشه‌گرخانه	۱۲۹	glass house
شیشه‌گری	۱۲۹	glass blowing
شیطان (قرآنی)	۵۵،۸۰،۸۷،۱۰۰،۱۱۳	Satan
	۱۱،۴۵	Devil
شیطان رجیم (قرآنی)	۸۷	Satan the Outcast
شیطان‌پرستی	۱۱	devil-worship
شیطانی	۳۱	devilish; diabolic
شیطانیّه	۸۰،۴	Satanic
شیعه [اصل لغوی‌اش قرآنی است.	۲۰	Shi'ite

ولی کاربرد اصطلاحی‌اش به معنای امامیان مخصوصاً امامیهٔ اثنی عشریه، قرآنی نیست]		
	پ	Shi'a (h)
	۶،۲	follower
	۹۱	the «party»
شیعه دوازده امامی [اثنی عشری]	۱۲	Twelve-Imam Shi'ism
	۲۷	Shi'ism of the Twelver School
شیعی	۴۲	Shi'ite; partisan
شیوع	۱۲۰	prevalence
	۱۲۳	publicity; circulation

ص

ص [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰	Sâd
صائب	۱۲۰	right; correct
صابئون (قرآنی)	۸۷،۱۰۰،۱۱۲	Sabaeans
	۴۲،۶۴	Sabians
صابئه [= صابئون]	۴۵،۸۰	Sabaeans
صابئین ← صابئون		
صابر (قرآنی)	۴۲،۸۷	steadfast
	۴۲،۱۰۳	patient
صابون	۱۲۰	soap
صابی (مفرد صابئه یا صابئون) ← صابئه؛ صابئون]	۸۷،۱۰۰	comrade

صاحب (قرآنی) [= رفیق و همراه و همدم]	۷	companion
صاحب الحوت (قرآنی) ← یونس (ع)		
صاحب	۱۲۰	owner; master
	۸۱	lord
	۱۲۶	friend
	۶	possessor
صاحب الآیات	۹۷	doer of signs
صاحب الانشاء	۹۹	secretary of state
صاحب الزمان (لقب امام قائم حضرت مهدی، عج)	۴۲	Lord of our age
	۳۷	Lord of the time
	۳۸	Lord of the age
صاحب السّر	۲۸	the man with the secret
صاحب الشرع	۱۰۴	the law giver
صاحب الصیف		the leader with the sword
صاحب المدینه		town chief
صاحب المعجزات	۹۷	doer of miracles
صاحب شریعت	۶۹	custodian of the religion
صاحب معرفت	۱۰۳	possessed of knowledge
صاحبدل (تصـ.)	۱۰۳	spiritualist
	۳۱	man of piety
	۲۵	man of wisdom
	۵۲،۱۰۳	man of heart
صاحبقران (تخـ.)	۱۸	Lord of conjunction
صاحب منصب	۱۲۰	officer
صاحب نظر	۴	authority
صاحب نفس	۱۰۳	sensual man; sensualist
صاحبه (قرآنی) [همسر، زن، زوجه]	۷،۱۰۰	wife

صادرات	۱۲۰	exports
صادر کردن فرمان	۷۳	issue (a decree)
صادق (قرآنی)	۷،۱۶،۴۲،۸۷،۹۷،۱۰۰	true
	۷،۴۲،۸۷	truthful
	۱۶	loyal
صاعقه (قرآنی)	۱،۴۵،۱۰۰	thunderbolt
	۱۰۰	thunderclap
	۸۷،۱۱۳	lightning
صاغِر (قرآنی)	۸۷	degraded
صاف	۱۲۰	clear; smooth
صافّات [سوره]	۸۸،۱۰۰،۱۱۲	The Rangers
	۸۷	Those Who Set the Ranks
صافی	۱۰۳	pure
صالح (قرآنی)	۱۶،۸۷،۱۰۰،۱۰۳	righteous
	۲۵،۵۷	pious man
	۱۶	virtuous
صالحات (قرآنی)	۷،۸۰،۲	good deeds
	۴۲،۸۷	good works
صامت (تجو.)	۴۲،۱۱۸،۱۱۹	silent
صانع [غالباً مراد از آن خداوند است. ولی این کلمه از اسماء الهی نیست. وبر دیگران هم قابل اطلاق است.]	۵۴،۸۰،۱۰۴،۱۰۵،۱۰۸	creator
	۴۴	designer
	۱۰۷	producer
صبا	۵۵	morning gale
	۳۷	zephyr
صباح (قرآنی)	۷	morning
صباحت	۳۴	earthly beauty

صبّاغ	۱۲۰	dyer
صباوت	۱۲۰	childhood; youth
صبح تجلّی (نیز ← تجلی)	۱۰۳	dawn of Revelation
صبح صادق	۱۸،۱۰۳	true dawn
صبح کاذب	۱۰۳	false dawn
صبر (قرآنی)	۴۲،۹۵،۱۰۰،۱۱۸،۱۱۹	patience
	۴۲،۸۷	steadfastness
	۴۲،۹۳	fortitude
	۶۴	endurance
	۸۰_۳	patient endurance
	۱۰۳	self-denial
صبر جمیل (قرآنی)	۱۰۰	sweet patience
	۸۷	comely patience
صبغةالله (قرآنی)	۷،۱۰۰،۱۰۳	baptism of God
صبور [الصبور] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۵،۸۰	The Very Patient
	۱۱۰	The Forbearing
صبی	۴۵،۸۵	minor
صِبیان [جمع صبی= پسربچه‌ها]	۱۲۰	boy; lads
	۳۱	youths
صَبیّه	۱۲۰	girl; daughter
صحابه	۴۱،۴۵،۸۰،۱۰۳،۱۰۶	The Companions [of the Prophet
صحابی	۳۱	one of the Companions [of the Prophet]
صحاح	۴۲	authentic traditions digest
صحاح ستّه	۴۲	Six Reliable Tradition Collections
	۳۸	The Six Correct (books)
صحّاف	۱۲۰	bookbinder

صحافی	۱۲۰	bookbinding
صحبت [مقـ. خلوت]	۱۰۳،۱۰۸	companionship
	۸۰_۴	community
صحت	۴۰	good health
	۹۰	health
صحت (مقـ. خطا)	۱۲۳	correctness; exactness
صحت (فقـ.)	۶	veracity
	۸۰	validity
	۱۶	truth
صحرای محشر	۵۲	The Plain of Judgement
صُحُف (قرآنی)	۷	book
	۱۰۰	scroll
	۸۰،۵	Sheets
صُحف ابراهیم (قرآنی)	۶،۸۷	The Books of Ibrahim
	۶،۲	Written Sheets of Ibrahim
صَحن	۱۹،۳۳	court
	۴۵	courtyard; open quadrangle
صحنه	۱۲۰	stage; scene
صحو (تصـ.) (مقـ. سُکر)	۲۱،۴۵،۸۲	sobriety
	۸۹	spiritual sobriety
صحیح (فقـ.)	۴۵	valid
صحیح (حد.)	۴۵،۸۰	sound
صحیح الاحتجاج [حد.]	۸۰،۳	fit to be used as proof
صحیح الاعتبار [حد.]	۸۰،۳	fit to be considered
صحیفه (نیز ــ صُحُف)	۶،۱۴،۱۱۳	scroll
	۶	paper
	۴۲،۴۳	book
صحیفهٔ اعمال	۴۲	record of deeds; book of deeds
صحیفهٔ سجّادیه	۷۹	The Scroll of Al-Sajjad

صخره (قرآنی)	۷،۸۷،۱۲۶	rock
صخرهٔ ایّوب	۴۵	Stone of Job
صُداع	۳۱،۷۱	headache; megrim (=migraine)
صداق (نیز ← کابین)	۳۹	dower
	۲۰،۱۰۹	dowry
	۸۵	nuptial gift
صداقت	۱۶	truthfulness
	۹۵	friendship
صدر اسلام	۴	early Islam; advent of Islam
صدر اعظم (به عربی: الصدر الاعظم) (نیز ← رئیس الوزراء)	۶۸	chief minister
	۱۲۶	prime minister
	۸۰	grand vizir
صُدفه [= تصادف، اتفاق]	۱۱	chance
صدفه‌گرایی (قول به تصادف)	۱۱	accidentalism; tychism
صدق	۵۸،۸۱،۱۰۲	truthfulness
	۵۲،۸۰،۱۰۳	sincerity
	۵۲،۱۰۶	truth
	۹۵،۱۱۸	veracity
	۳۴	faithfulness
	۸۰ـ۴	uprightness
صدقه / صدقات (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۷،۹۸،۱۰۹	alms
	۲،۴۵،۱۰۷	charity
	۱۰۰،۱۱۲	freewill offering
	۴۲	almsgiving; voluntary alms
	۸۴	poor tax
صَد / صدود (قرآنی)	۸۷	hinder(ing)
	۷	prevent (ion)
صدمه	۱۲۰	collision; hurt; injury; accident

shock; stroke; blow	۱۲۱	
hundred fields of spiritual combat	۵۸	صد میدان (تصـ.)
breasts	۸۷	صدور (قرآنی؛ جمع صدر: سینه‌ها، دلها، ضمائر)
hearts	۷	
emanation	۴۲،۴۵،۸۰،۹۶،۱۰۸	صدور (فلـ.)
procession	۴۲،۹۵	
Plotinian emanation	۹۶	صدور افلوطینی
order-issuing	۷۷	صدور دستور
friend	۷،۸۷	صَدیق (قرآنی) [= دوست]
veracious (believer)	۲۱،۲۴،۹۰	صِدّیق (قرآنی)
truthful	۷،۱۶،۸۷،۱۰۳	
just man	۱۰۰	
great testifier of truth	۱۰۹	صِدّیق الاکبر
just woman	۱۰۰	صدّیقه (قرآنی)
saintly woman	۶۴	
righteous [woman]	۱۰۷	
baluster	۱۲۹	صُراحی (معمـ.)
path	۱،۷،۴۲،۵۶،۸۷،۱۰۰	صراط (قرآنی) (نیز ← پل صراط)
road	۴۲	
pathway	۲۸	
right path	۴۲،۸۷،۱۰۰،۱۱۲	صراط مستقیم [= الصراط المستقیم] (قرآنی)
straight path	۲۲،۵۶	
straight way	۲۲	
money changer	۷۵،۸۰	صرّاف
money changing; exchange	۱۲۰	صرافی
palace	۷	صَرح (قرآنی) [کوشك]

	۱۰۰	pavilion
	۴۵	tower
صرع	۱۲۰	epilepsy
صَرف [در معاملات]	۸۰.۸۵	exchange (of money and precio-us metals)
	۴۵	money changing
صَرف (دسـ.)	۲۸	morphology
	۱۲۸	conjugation
	۲۱	philology
صرفه [ذَنَب الاسد] (نجـ.)	۳۵	Denebola
صرفه‌جوئی	۱۲۰	economy; saving
صریح	۴۲	clear
	۴۲.۸۵.۹۵	explicit
صَریخ (قرآنی) [فریادوفریادرس]	۸۷	help
	۷	succorer
صَعب	۳۱	hard; difficult
صُعْلوك	۱۲۱	beggar; tramp; vagabond
	۱۲۶	poor, pauper
	۴۵	bandit
صعوبت	۹۵.۱۲۰	difficulty; hardness
صُعود [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۹	ascending
	۴۳	ascention; assumption
صَعید (قرآنی) [= خاك و غبار]	۷	earth
	۱۰۰	dust
صغائر (نیز ← کبائر)	۹۰	minor sins
	۸۰.۲	lesser sins
صِغَر (حقـ.)	۶۱	infancy
صغریٰ (منط.)	۹۵.۹۷	minor

صغیر (قرآنی)	۴۲،۸۰	minor
	۷،۱۰۰،۱۰۴	small
	۷،۸۷	little
	۴	juvenile
	۳۹	under puberty
صغیره (مقـ. کبیره) ← صغائر		
صفّ [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Ranks
صفا (تصـ.. اخـ.)	۴۲،۴۵،۹۰،۹۵،۹۹،۱۰۳	purity
	۴،۹۹	sincerity
	۹۰	sincere affection
	۸۰	inner purity
صفای ذهن	۶۹	clarity of mind
صفات (نیز ← صفت) (کلـ.)	۴۲،۴۵	attributes; qualities
صفات افعال	۸۰	attributes of action
	۴۵	active qualities
صفات الهی (نیز ← اسماء الحسنی)	۴۲	Divine attributes
صفات ثبوتیه (مقـ. صفات سلبیه)	۲۹	positive qualities
صفات حق	۱۰۳	attributes of God; Divine qualities
صفات حمیده	۲۲	praiseworthy qualities
صفات خَلقیّه	۸۰	creative attributes
صفات ذات (مقـ. صفات فعل یا صفات افعال)	۱۲	qualities of essence
	۴۲	attributes of essence
صفات ذمیمه	۳۴	evil dispositions
صفات ربوبی	۱۰۸	attributes of leadership
صفات ردّیه [= ردیئه]	۱۰۴	ignoble attributes
صفات ستوده	۲۲	saving qualities

صفات سلبیّه (مقـ. صفات ثبوتیه)	۲۹	negative attributes
صفات فعل (مقـ. صفات ذات)	۸۰	active attributes
	۱۲	qualities of action
	۴۲	attributes of action
صفات قائم به ذات خداوند	۹۹	attributes persisting in the essence of God
صفات قدیم	۴۲	eternal qualities
صفات کمالیّه	۵۶	attributes of perfection
	۱۲	qualities of perfection
صفات معنویّه	۸۰	attributes of qualification
صفاتیّه (کلـ.)	۴۲	Attributists (a school of thought)
صفّاریان (تخـ.)	۲۶،۱	Saffarids
صفت (نیز صفات)	۱۰۶،۱۰۸،۱۱۰،۱۲۸، ۲،۱۱،۴۵،۵۶،۹۵،۱۰۵	attribute
	۴۵،۵۷	quality
	۸۰،۳	qualification
صفت اعظم خدا	۱۱	The Greatest attribute (of God)
صفت الحقیقیة مع الاضافة و السلب (منطـ.)	۸۰،۵	real accompanied by relationship and negation
صفت الله تعالی	۱۰۴	atribute of God Exalted be He
صفت ایجابی	۱۱	attribute of affirmation
صفت ذاتی	۱۱	essentiality; essential attribute
صفت سلبی	۱۱	attribute of negation
صفت نفسی	۵۶	attribute of soul
صفت (دسـ.)	۳۱،۱۲۸	adjective
صفت عالی (دسـ.)	۱۲۸	superlative degree
صفت فاعلی (دسـ.)	۱۲۸	present participle

صفت مفعولی (دسـ.)	۱۲۸	past participle
صفح (قرآنی) [= عفو، بخشایش]	۱۰۰	pardon
	۸۷	forgive
صفحه‌آرایی (هنـ.)	۷۸	layout
صفحهٔ ابتدایی کتاب (جلـ.)	۱۱۶	frontispiece
صفحهٔ امضاء (جلـ.) [= فراغنامهٔ کتاب]	۱۱۶	colophon
صفحه پایانی کتاب (جلـ.)	۱۱۶	finispiece
صفحهٔ سمت چپ (جلـ.)	۱۱۶	verso
صفحهٔ سمت راست (جلـ.)	۱۱۶	recto
صِفر (رضـ.) [هر دو معادل انگلیسی این کلمه متخذ از همین کلمهٔ صفر عربی است که لغتاً یعنی تهی، خالی، و اصطلاحاً رقم و نماد ـ ریاضی معروف است]	۱۲۰	cipher [=cypher]; zero
صفرا	۱۰۳	yellow bile
صفراوی	۳۷	choleric
صَفْق	۴۵	handclasp, the conclusion of the bargain
صَفوان (قرآنی) [= سنگ صافی]	۸۷،۱۰۰	smooth rock
صفوت	۱۲۱	the best; the choicest
	۲۱	purity
صفورا [همسر حضرت موسیٰ]	۴۳	Zipporah
صفویّه	۱۳	Safavid
صفی	۱۰۳	chosen one
صفی الله (لقب آدم (ع))		chosen (pure) one of God (epithet of Adam)
صُقع (فلـ. عرف .)	۱۲۱	area; region

صقلیه (جغـ.)	۱۹.۸۰.۹۹	Sicily
صك ← چك		
صَلا	۱۲۰	call; invitation
صلابت	۱۴	rigour
	۲۵	harshness; severity
	۹۵	rigorism
	۱۰۷	hardness
	۲۹	firmness
صلات [صلاة، صلوة]	۷.۲۳.۴۵.۸۷	prayer
	۴۵	divine service
صلات الجمعه	۳۸.۴۲	The Friday prayer
صلاح [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۸۰.۴	benefit
	۲۹	righteousness
	۹۹	welfare
صلاحیّت	۸	eligibility
	۷۷	qualification
	۶۱	competence
عدم صلاحیّت	۶۱	incompetence; incapacity
صُلب (قرآنی)	۲۴.۸۷	loin
صَلب [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← تصلیب؛ صلیب)	۶	crucifixion
صلح (قرآنی)	۴۲.۸۷	peace
	۸۵	amicable settlement
	۳۹	settlement of claim
صُلح کلّ	۸۰	peace with all
	۸۰.۵	universal toleration
صلح (فقـ.)	۲۰	barter

صلح طلبی	۱۶	pacifism
صلح کردن	۱۴	make peace
صلحنامه	۸۴	armistice
صَلصال (قرآنی) [گلِ خشک]	۸۷،۱۰۰	clay
	۸۰	dry clay
صلوات (قرآنی)	۷،۶۴	blessings
صلوات (قرآنی) [= کنشت]	۸۷،۱۰۰	oratories
	۷	synagogues
صلوات فرستادن [سنت مستحب معروف در درود فرستادن بر روان رسول اکرم (ص) و خاندان گرامی او که در میان مسلمانان علی الخصوص شیعیان بسیار شایع است و عبارت است از ادای جملهٔ دعائیهٔ: اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد]	۱۲۰	reciting «Allahumma Sall-i Ala Muhammad (en) wa Al-i Muhammad(en) (= O' God bless Muhammad and his discendents)
صلوة ← صلات		
الصلوة علی النّبی	۴۲	benediction upon the Probhet
صله	۸۰،۳	financial award
صله (دس.)	۶۵	relative clause
صلهٔ رحم (نیز ← قطع رحم)	۹۹	blood ties
	۳۱	union of kindred; meeting of friends
	۲	regard for kinship
	۵۷	strengthening blood-kinship
صلی‌الله علیه	۲۱	On whom be peace
صلی‌الله علیه و آله	۲	Peace be upon him and his progeny
صلی الله علیه وآله و سلّم	۶،۲	May the blessing and peace

صلی الله علیه و سلّم	۱۱۲	of Allah be upon him and his progeny; God bless him and give him peace
صلیب [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است. نیز ← تصلیب؛ صَلب]	۴۲	cross
	۳۸	crucifix
صلیب [ستاره] (نجـ.)	۳۶	Acrux
صلیب جنوبی (نجـ.)	۷۴	Southern Cross
صلیبیون (نیز ←جنگهای صلیبی)	۳۷	Crusaders
صَمْت [کلمهٔ صامت از این ریشه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۵۷،۸۰	silence
صمد[الصمد](اسم الهی)(قرآنی)	۱۰۰	Everlasting Refuge
	۸۰	The Impenetrable
	۱۱۸،۱۱۹	Impermeable
صمدیّت	۲۸	impermeability
صنادید (مفرد آن: صِندید) [= مهتران]	۳۱	kings; princes; chiefs:
صناعت	۶۹	craftsmanship ;discipline;technique; art and technology
صنایع بدیعی [= محسنات بدیعی؛ وجوه بدیعی] (بع.)	۱۲۸	rhetorical figures; figures of speech
صنایع دستی	۵_۲،۱۲۹	handicraft industry
صنایع لفظی [= بدیع لفظی؛ صنایع لفظیه؛ وجوه لفظیّه] (بع.)	۱۲۸	Figures of word
صنایع معنوی [= بدیع معنوی؛ صنایع معنویّه؛ محسنات معنویّه] (بع.)	۱۲۸	figures of thought

English	Page	Persian
handicraft pursuits	۷۵	صنایع یدی
		صنج ← سنج
aid fund	۶۱	صندوق تعاون؛
handiwork	۷،۵۲،۱۰۰	صُنع (قرآنی)
creation	۵۴	
fashioning	۷۹	
making	۷،۱۰۰	صَنعت (قرآنی)
art; craft; industry; technology	۱۲۰	صنعت
class	۹۵،۱۱۷	صنف (منطـ.)
variety	۹۷	
kind	۱۰۵	
guild = gild	۱۳،۱۲۵	صنف [= رسته؛ گروه همکار]
idol; icon	۷،۸۷،۹۵،۱۰۳	صَنَم [جمع این کلمه به صورت اصنام در قرآن مجید به کار رفته است.]
image	۵۶	
adored one	۱۰۳	
like	۸۷	صِنوان (قرآنی) [= شاخه‌های همریشه و چیزهای هم اصل] (نیز ← غیر صنوان)
having one root	۷	
right; just	۷،۴۲،۸۷،۴۲،۹۵	صواب (قرآنی)
aright	۵۲	
correct	۸۰،۴	
correctness of opinion	۵۷	صواب‌الظّن
		صوامع ← صومعه
direction	۱۲۰	صَوب
sound; voice	۶،۸۰	صوت
trumpet;	۳۸،۴۲،۵۶،۱۰۰	صور (قرآنی)

	۲	the Horn
صور اسرافیل	۵۶	Israfil's Trumpet
صُور (جغ.) (شهری در لبنان؛ به یونانی: توروس)	۴۳	Tyre; Tyr; Sour; Zor; Tyrus
صورت (منط.)	۹۷،۱۰۳،۱۰۵،۱۱۱ ۷،۳۴،۴۵،۵۶،۸۷،۹۵،	form
	۴۰،۴۲	idea
	۱۰۷	shape
	۹۷	image
صورت ادراکیّه	۵۶	form in perception
صورت برزخی	۱۱	intermediate form
صورت جسمانی	۵۶	corporal form
صورت جسمی	۹۲	material form
صورت جوهری	۱۱،۸۰،۵	substantial form
صورت خاص	۱۰۵	specific form
صورت ذهنی	۴۶	idea
صورت صناعی	۱۰۷	outward shape
صورت عامّه	۱۰۵	common form
صورت علمیه	۷۹	cognitive form
صورت لونیه	۱۰۴	form of colouredness
صورت مادّی	۱۱	material form
صورت متممّة	۸۰،۳	perfective form
صورت مثالی	۱۱	ideal form
صورت محسوسه	۵۶	form in sensation
صورت مرتسمه	۱۰۲	imprinted form
صورت معقول	۴۲	pure intellectual concept
	۴۶	rational form
صورت مفارقة للمادة	۱۰۵	form separate from matter
	ب	immaterial form

صورت مقوّمه	۸۰،۳	constitutive form
صورت نباتی	۵۶	vegetal form
صورت نفس	۱۰۳	form of self
صورت نوعی (نیز ← اعیان ثابته)	۱۱	archetype
	۱۰۷	specific form
صورت هستی	۱۰۳	form of existence
صورت هیولانی	۱۰۵	form in matter
صورتبندی (فلـ.)	۱۳	formulation
صورت پرست	۱۰۳	worshipper of form
	۶۹	image worshipper
صورت فلکی (نجـ.)	۳۶	constellation
صورت گرایی	۱۱	formalism
صورت نگار	۵۲	picture painter
صوری	۴۲،۹۵	formal
	۴۲	external
صوفی	۳۱	Sufi
صوفیّه	۳۱	the sect of Sufis
	۸۰ـ۳	Sufis
صولجان ← چوگان		
صوم (قرآنی) (نیز ← صیام)	۷،۴۵،۵۳،۸۷	fasting
صوم التطوع	۴۲	voluntary fast
صومعه [جمع این کلمه به صورت صوامع قرآنی است]	۷،۱۶،۸۷	cloister
	۱۴	cratory
صِهر (قرآنی) [=داماد، خویشاوندی سببی] (نیز ← مصاهرت)	۱۲۶	son-in-law; brother-in-low
	۱۲۱	relationship by marriage
	۸۷،۱۰۰	kindred of marriage

صهیون	۴۳،۹۹	Zion
	۴۳	Sion
صهیونیسم [= صهیونیة]	۴۳	Zionism
صیاد	۱۲۶	hunter
صیام (قرآنی)	۷،۲۳،۸۷	fasting
صیانت	۱۱	preservation
صیانت ذات	۱۱	self preservation
صَیِّب (قرآنی)[=باران تندوپیاپی]	۱۰۰	cloud burst
	۸۷	rainstorm
صیت [= آوازه]	۱۲۱	repute; prestige; fame; renown
صیحه (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	cry
صید (قرآنی)	۷،۸۷	game
	۱۲۶	hunting
صیدا (جغـ.) [= صیدون؛ یکی از شهرهای لبنان]	۴۳	Sidon; Zidon; Saida; Sayda; Sayida
صیدنه / صیدله	۱۲۱	apothecary's trade; pharmacy; pharmcology
صیرورت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۴،۹۵،۱۱۷	becoming
صیرورت ابدی	۴۶	eternal process
صیغه (فقـ.) (نیز ← زن صیغه‌ای؛ سُرِّیَّه)	۳۹،۹۵	formula
صیغه طلاق	۳۹	formua of repudiation
صیغهٔ عقد	۱۵	recital
صیغه (دسـ.)	۴۰	form
	۱۲۸	paradigm
صیف (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	summer
صیقل [= جلا؛ پرداخت]	۱۲۹	polish
صین [= چین]	۱۲۰	China

ض

ضابط	۱۱۴	collector
ضابطه [ضابطه در عربی جدید به معنای پلیس police است.]	۱۱۴	regulation
ضار [الضار] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۲،۴۵	The Distresser
	۸۰	He who afflicts
ضارب (حقـ.)	۴۲	striker
ضالّ (قرآنی)	۶	misguided
	۴۲	stray
	۸۰،۲	wicked
	۱۰۹	who deviated from religion
ضالّین (قرآنی)		
ضامر (قرآنی) [= شتر لاغر]	۷،۸۷	lean camel
ضامن (نیز ← ضمان)	۸۵	liable
	۸۰،۲	guarantee of good faith
	۶۱	stand guarantor; surety
	۴۲	one who stands surety; warrant
ضایعات (اقـ.)	۷۵	wastes
ضایع کردن	۱۰۰	leave to waste
	۸۷	squander
ضبط [۱. مصادره و تصرف؛ ۲. قرائت و نحوهٔ ثبت]	۳۸	1. seizure; occupation
	پ	2. reading
ضَجیج [= بانگ و غوغا]	۱۲۱	cry, yell; outcry; noise
ضِحک [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۱	laugh (ing); laughter

ضحی [سوره]	۸۸	The Morning
	۸۷	The Morning hours
	۷	The Early hours
	۱۰۰	The Forenoon
ضدّ	۳۷،۹۵،۱۰۳،۱۱۱	contrary
	۹۲،۱۰۳،۱۰۵	opposite
ضدّ استبدادی	۸	anti-despotic
ضدّ اسلامی	۴	anti-Islamic
ضدیّت	۴	opposition
	۴۰	contrariety
ضرّ (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	hurt
ضرّاء (قرآنی) [= سختی و رنج]	۸۷	adversity
	۱۰۰	hardship
ضرّابخانه (نیز ← دارالضرب)	۷۵	mint
ضِرار (قرآنی)	۷	injury
	۸۷	hurt
	۴۲	damage
	۸۳	mutual infliction of damage
ضرب (رضـ.)	۹۵	multiplication
ضرب (عر.)	۲۸	last foot
ضرب (منط.)	۹۷،۹۸	mood
	۶۹	mode
	۲۸	confrontation
ضرب عقیم	۹۸	unproductive mood
ضرب مشهور	۹۸	indemonstrable mood
ضرب منتج	۹۷	conclusive (mood)
ضرب الاجل (حقـ.)	۶۱	period of grace
	پ	deadline
ضرب المثل	۱۲۰	proverb

ضرب‌النساء [در علم انساب]	۲۸	female heredity
ضرب کردن (جلـ.)	۱۱۶	punching
ضرر (فقـ.) (قرآنی)	۷	injury
	۸۷	hurt
	۸۶	damage
	۴۵	ill-treatment
ضرورت	۱۱،۹۵،۱۰۵	necessity
ضرورت العقل	۱۰۴	necessity of reason; rational necessity
	۱۰۵	necessity of thought
ضرورت ایجابی	۱۱	positive necessity
ضرورت شعری (بع.)	۱۲۸	poetic license
ضروری	۱۱،۴۵،۹۵	necessary
ضروریات	۹۷	self-evident knowledge
ضروری الوجود	۱۱	existent by necessity
ضروریة العدم	۱۱	non-existent necessity
ضروریّة مطلقه	۹۷	absolute necessary
ضریب	۱۲۹	factor; modulus
	۱۲۵،۱۲۹	coefficient
ضریح	۸۰،۳	burial chamber
	۳۳	grating
ضِعف (قرآنی) [جمع این کلمه به صورت اضعاف نیز در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	double
ضعف تألیف (بع.)	۱۲۸	solecism; solecismus
ضعیف [حد.] (فقـ.)	۲۸،۸۶	weak
ضعیف العقل	۴۲	weak-minded
ضعیف نوازی	۴۰	protection of the weak
ضلال (قرآنی)	۱،۸۷،۹۵،۱۰۰	error
	۶	misguidance

	۱۰۳	perdition
	۲۹،۸۲،۸۷	aberration
ضلال بعید (قرآنی)	۸۷	far astray
ضلال مبین (قرآنی)	۸۷	plain aberration
ضلالت ← ضلال		
ضلع	۴۰،۱۲۵	side
ضِماد	۱۲۵	poultice, cataplasm
	۱۲۳	dressing; bandage
ضمان (نیز ← ضامن)	۸۰،۸۵	liability
	۳۷،۴۲	surety
	۱۴	pledge
ضمانت	۴۲	surety; bail; security; sponsorship
ضمانت نامه	۷۵	surety bond
	۶۱	bail bond
ضمیر [وجدان]	۴۲،۹۵،۱۰۳	conscience
	۱۰۳	hidden mind
ضمیر (دستـ.)	۶۵ ،۱۲۸	pronoun
ضمیر استفهام	۶۵	interrogative pronoun
ضمیر اشاره	۱۲۰	demonstrative pronoun
ضمیر فصل	۶۵	pronoun of separation
ضمیر متصل	۶۵	connected pronoun
ضمیر منفصل	۶۵	separate pronoun
ضمیر موصول	۶۵	conjunctive pronoun
ضمیمه	۱۲۰	annex; addendum
ضوء	۱۲۶	light
	۱۰۳	illumination
ضیاع	۸۰،۴	estates
ضیافت	۱۲۰	feast; banquet
ضیف (قرآنی)	۷،۸۷	guest

ضیق نفس (پز. قدیم)	۷۱	asthema

ط

طائر (قرآنی) [= فال بد] (نیز ← تطیر)	۸۷	evil augury
	۷	evil fortune
طائف (قرآنی) [= خیال]	۱۰۰	visitation
طائفه (قرآنی)	۷،۸۷	party
	۹۵	community
طابع [۱. مُهر؛ ۲. چاپگر و ناشر]	۱۲۰	1. seal 2. printer; publisher
طاحون/ طاحونة	۱۲۶	mill
طارد (قرآنی)	۷،۱۰۰	who drives away
طارق [سوره]	۸۸،۱۰۰	The Night- Star
	۸۷	The Morning Star
	۷	The Night-Comer
طارمی (معمـ.)	۷۸،۱۲۹	balustrade;banister;grating;rail
طاری	۹۵	extrinsic
طاعات ← طاعت		
طاعت (قرآنی)	۷،۴۲،۴۵،۸۰،۸۷،۹۵،۹۹،۱۰۳	obedience
	۳۴،۴۲،۸۰	devotion
	۴۲	worship
طاعون	۳۱	plague; pestilence
طاغوت (قرآنی)	۴۲،۱۰۰،۱۱۳	idol
	۸۷	false god
	۶۴	false deity

	۲۷	Satan; illegitimate ruler
	۴۲	Devil
طاغوتی	۸	tyrannical
طاغی (قرآنی)	۷	inordinate
	۲۵	rebel
طاغیه (قرآنی)	۱۰۰	screamer
طاق [مقـ. جفت]	۴۲	odd number
طاق (معمـ.)	۸۰،۱۱۵،۱۲۹	vault
	۴۲،۱۲۹	arch
طاق تیزه‌دار (معمـ.)	۱۱۵	keel arch
طاق ضربی	۱۲۹	annular barrel vault; straight barrel vault
طاق گنبدی (معمـ.)	۷۸	domical vault
طاق نصرت (معمـ.)	۱۲۹	triumphal arch
طاق نعل اسبی (معمـ.)	۱۱۵	horse-shoe arch
طاق نیمدایره‌ای (معمـ.)	۱۱۵	semicircular vault
طاقبندی (معمـ.)	۷۸	vaulting
طاقت (قرآنی)	۷،۲۴،۸۷،۱۰۰	strength
	۹۵	energy
طاقچه (معمـ.)	۷۸،۱۱۵ ،۱۲۹	niche
	۷۸،۱۲۹	rack
طاقدیس	۱۲۹	anticline
طاق زدن	۱۲۹	arch; roof; vault
طاقنما (معمـ.)	۷۸،۱۲۹	blind arcade
	۱۲۹	bay; wall arcade
طالب (قرآنی)	۲۲،۴۵،۸۷،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	seeker
طالب علم (نیز ← طلبه)	۲۲	seeker after knowledge
طالح	۳۱،۱۰۳	wicked
طالع	۳۱،۸۰	horoscope

	۸۰.۴	ascendants
طالع سعد	۹۹	Luck position
طالع بینی	۴۲	horoscopy
طالق (نیز ← مطلّقه)	۱۲۱	divorced; repudiated
طالوت (قرآنی)	۷.۴۵.۱۰۰.۱۱۲	Saul
طامات [مفرد این کلمه به صورت الطّامّة قرآنی است]	۳۱	vainglory; incoherent speech
	۳۴	empty rites
طامّهٔ کبریٰ [= الطّامّة الکبری]	۱۰۰	The Great catastrophe
	۸۰.۵	The Major Disaster
طاووس	۱۲۰	peacock
طاووس (نجـ.)	۳۵	pavo
طاهر	۴۲	Holy; clean; pure
طاهریان	۲۶_۱	Tahirids
طب ← علم طب		
طب الاسنان	۸۰_۵	dentistry
طبّاخ	۱۲۰	cook
طباخی	۱۲۰	cookery
طبع (قرآنی) [= مُهر کردن]	۷.۸۷	seal
طبع (فلـ.)	۱۰۳.۱۰۵.۱۱۱، ۱۱.۵۶.۹۲.۹۵.۹۹	nature
	۱۸	humour; disposition
	۳۴	temperament
	۹۳	inherent nature
طبعاً (کلـ.)	۱۰	by nature
طبقات (نوعی فرهنگ زندگینامه ای)	پ	biographical dictionary
طبقه	۷۵.۸۰.۱۱۴	class
	۴۵	school
طبل	۱۲۰.۱۲۵	drum

طبیعت	۱۱،۱۰۴	nature
طبیعت اوّل	۱۱	first nature
طبیعت ثانوی	۲۹	second nature
طبیعیّات	۳۷	physics
	۵۹،۸۲	natural philosophy
طبیعیّون [= طبایعیان]	۲۱،۴۲	natural philosophers
	۸۰_۲	naturalists
طرابزون [= شهری باستانی در ترکیه]	۱۲۵	Trebizond
طراز	۱۲۱	type; model; calss
طراز اول [= الطراز الاول]	۱۲۱	first-class; first rate
طَرابُلُس شام [= تریپولیس]	۱۲۱،۱۲۵	Tripolis [=Trìpoli (in Lebanon)]
طرابلس غرب	۱۲۱،۱۲۵	Tripolitania [=Tripoli (in Libya)]
طراغودیا [= تراژدی]	۱۲۸	tragedy
طرب	۱۰۳	joy
	۱۱۳	joyful ecstasy
	۹۹	emotionalism
طَرد [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۹۵	exclusion
	۷،۱۰۰	drive away
طرد شق ثالث ← امتناع ارتفاع نقیضین		
طرد و عکس (بع.)	۲۶_۲	thrust and inversion
طردّیه	۸۰_۵	hunting poem
طرف	۱۰۴	limit
	۹۵	extreme
طُرفه	۱۲۰	rare; novel
	۳۱	new; agreeable
طرفةالعین (نیز ← لمحة البصر)	۳۴	twinkling of an eye

طریان	۱۰۶	occurences
طریف [جزیرات] (جغـ.)	۴۲،۹۹	Tarifa
طریق (قرآنی)	۸۷	road
	۴۲،۱۰۵	method
	۶	path; route
طریق البصریین	۴۲	method of Basreans
طریق الکوفین	۴۲	method of Kufians
طریق حق	۲۲	path of truth
طریق هدایت	۶	path of right guidance
طریقت [طریقه]	۱۱۳	Sufi path; path of Sufism
	۳۴	mystic path
	۴۵	order; path
	۸۹	Sufi order
	۸۰،۵	mystical order
	۸۲،۵	spiritual discipline
طریقه ــ طریقت		
طریقهٔ حنبلی	۲۶،۱	The Hanbalite
طریقهٔ حنفی	۲۶،۱	The Hanafite
طریقهٔ شافعی	۲۶،۱	The Shafi'ite
طریقهٔ صوفیه	۸۰،۴	Sufi fraternity
طریقهٔ مالکی	۲۶،۱	The Malikite
طَسق [= مالیات‌در فرهنگهای فارسی آمده است که این لغت مولد است و عربی اصیل نیست احتمالاً از تسک یا تشک فارسی به معنای بهره و بخش و سهم و نظایر آن آمده باشد. محتملاً این کلمه با کلمهٔ انگلیسی tax رابطه دارد.]	۵،۳	fixed land tax

طعام (قرآنی) (نیز ← اطعام)	۷،۴۵،۸۷	food
طَعن (قرآنی)	۱۰۰	traducing
طعنه	۱۲۰	sarcasm
طُغرا	۳۱	imperial signature
	۱۲۰	monogram
طغیان (قرآنی)	۱۰۰	insolence
	۷	inordinacy
	۸۷	contumacy
	۱	exceeding the bonds
	۱۶	chaos
	۱۰۹	despotism
طفره (کلـ.)	۱۰	leap
طفل (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	infant; child (ren)
طفولیّت	۴۲،۱۲۰	childhood; infancy
طفیل	۵۲	sponger
طفیلی	۱۲۰	parasite
	۲۱	intruder
طقس	۴۲	order
طلا (نیز ← ذهب)	۱۲۰	gold
طلاسم ← طلسم		
طلاق [سوره]	۷،۸۷،۱۰۰	Divorce
طلاق (فقـ.) (قرآنی) (نیز ← طالق؛ مطلّقه)	۶۴،۸۷،۸۸،۱۰۰	divorce
	۴۵،۸۰،۸۵،۸۶	repudiation
	۶۳،۱۰۷	divorcement
طلاق البدعه	۸۶	disapproved repudiation
طلاق السّنه	۸۶	approved repudiation
طلاق بائن	۴۲	irrevocable divorce
طلاق بالکنایه	۴۲	implied divorce

طلاق رجعی	۴۲	revocable divorce
طلاق صریح	۴۲	express divorce
طلاق لازم	۳۹	irrevocable repudiation
طلاق دادن	۳۹	divorce
	۱۵	repudiate
طلاق‌نامه	۳۱	bill of divorce
	۶۳	letter of divorcement
طلاکاری (جلـ.)	۱۱۶	gold tooling; gilding
طلاکوبی (هنـ.)	۷۸	gold beating
طلایه [ممکن است شکل تحریف شدهٔ طلایع باشد.]	۱۲۰	advanced guard
طلب (قرآنی)	۸۷	search
	۷۹	aspiration
	۷	find
	۱۰۸	desire
	۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	seeking
	۴۲	asking
طلب علم	۸۰ـ۵	study of knowledge
طلب مغفرت (نیز ← استغفار)	۴۲	asking for God's mercy
طلبکار	۲۰	creditor
طلب کردن	۶	seek out
طلبهٔ حوزهٔ علمیّه	۴۴	seminary student
طَلح (قرآنی) [= درخت موز]	۱۰۰	acacias
	۷	banana-tree (s)
طلسم	۳۱،۴۲،۴۵	talisman
	۱۳	theurgy
طلسمات	۵۹	natural magic
طَلع (قرآنی) [= شکوفه]	۱۰۰	spath (es)
طلوع (قرآنی)	۷،۱۰۰	rising of the sun

	۴۲	dawn; rising; advent
طُلَیطِلَه (جغـ.) [شهری در اسپانیا که قرنها کانون فرهنگی اسلامی بوده است.]	۴۲،۹۹	Toledo
طمأنینة	۹۵	quietude
	۳۱	tranquillity; serenity of mind
	۱۱۸،۱۱۹	poise
طَمْث [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷،۸۷،۱۰۰	touch
	۱۲۱	menstruate(menstruation);defloration
طمع (قرآنی)	۷	hope
	۴	avarice
	۱۰۰	eagerness
	۵۷	covetousness
	۱۰۳	desire
طناب	۱۲۰،۱۲۹	rope
طنبور [معادل انگلیسی این کلمه عیناً متخذ از این کلمهٔ عربی است، که خود از تبیر فارسی به معنای طبل گرفته شده است.]		tambour
طنجه (جغـ.)	۹۹،۱۲۱،۱۲۵	Tangier
طنز	۱۱	irony
	۱۲۸	satire
	۴۰	ridicule
طنز تقدیر	۱۱	irony of fate
طنز نویس	۱۲۸	satirist
طنین	۱۲۰،۱۲۱	tinkle;
	پ	echo
طواف [مشتقات این کلمه در	۴۵،۱۰۹،۱۱۳،۱۱۵	circumambulation

قرآن مجید به کار رفته است.]		
	۵۱	ritual circumambulation of the Ka'ba
	۴۲	ceremonial circumambulating of Ka'ba
طواف کردن	۲۱،۹۹	circumambulate
	۸۴	encompass
	۶۴	compass
طوبیٰ [کلمهٔ طوبیٰ یك بار در قرآن مجید در محل مدح و تحسین به معنای «خوشا» و «آفرین» به کار رفته است. ولی مفسران بر مبنای بعضی احادیث و قصص، آن را درختی شگرف و معجزه آسا در بهشت می‌دانند.]	۵۶	image of the tree of knowledge Paradise
طور [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰	The Mount
	۷	The Mountain
طور سینا [طور موسی]	۳۱،۴۳،۵۲	Sinai (Mount Sinai)
طوطی	۱۲۰	parrot
طوعاً اوکَرهاً (قرآنی)	۷،۸۷	willingly or unwillingly
	۴۲	willy-nilly
طوفان (قرآنی) [= طوفان نوح]	۴۲،۷،۸۷	(The Great) Flood; The Deluge (of Noah)
طوق	۱۲۹	yoke
طول جغرافیایی	۱۲۵	longitude
طومار	۱۲۱	roll; scroll
	۱۱۴	register
طٰهٰ [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	Tâ Hâ
طهارت [مشتقات این کلمه در	۶،۴۵،۱۰۸	purity

قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۵،۳۴	purification
	۲۶،۱	legal purity
	۸۰،۳	ritual purity
	۸۷	cleanness
طُهر (فقـ.)	۶۱	purity of woman
	۸۶،۸۰،۴	purity
طهور (قرآنی)[=پاك و پاك كننده]	۷	pure
	۱۰۳	purifying
طی الارض (قصـ.)	پ	folding up of the earth miraculously
طیّبات (قرآنی)	۶،۷،۸۷	good things
الطیّبات للطیّبین (قرآنی)	۱۰۰،۱۰۳	good women for good men
طیبت	۵۲	jesting
طیّبین (قرآنی)	۷،۱۰۰	good men
	۱۰۳	the noble
طیر (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	birds
طیف (نیز ← طائف)	۱۲۶	apparition; spectre
طیلسان	۸۰،۳	head veil
طِین (قرآنی)	۷	dust
	۸۰،۸۷	clay
طِین الجنان	۵۶	clay of the gardens
طِین لازب (قرآنی)	۸۰،۱۰۰	clinging clay
طینت	۱	substance

ظ

ظالم (قرآنی)	۶،۲۲،۸۷،۱۰۰	evil-doer
	۲۳،۸۱،۸۷	wrong-doer
	۱،۱۶	unjust
	۱۶	cruel; oppressive
	۴۲	tyrant
ظاهر [الظّاهر] (اسم الهی) (قرآنی)	۶،۸۰	The Manifest
	۸۰	The Patent
	۸۷،۱۰۰	The Outward
ظاهر [مقـ. باطن] (قرآنی)	۱۲،۲۳،۹۰،۱۰۰،۱۰۳	outward [aspect]
	۱۳	exterior
	۱۰۳	appearance
	۸۰،۴	apparent meaning; exoteric
	۴۵،۹۱	external; outer
ظاهر الکلام	۱۰۴	prima facie
ظاهر قرآن (نیز ← ظَهْر)	۸۵	literal meaning of the Koran
ظاهرات	۴۲	evident facts
ظاهری (فلـ.)	۳۷	exoteric
	۱۱۷	extrinsic
ظاهریون	۴۲	formalists; literalists
ظاهریّه	۹۹	Zâhirites
ظَعْن (قرآنی) [= کوچیدن]	۱۰۰	journey
	۸۷	migration
ظَفَر	۴،۹۹	victory

ظِلّ (قرآنی)	۱۳	shadow
	۷،۸۷	shade
ظلّ الله	۴۲	shadow of God
ظِلال (قرآنی)	۸۷	shadow
ظلم (قرآنی)	۴۲،۸۷،۹۰،۹۵،۹۹	injustice
	۱۰۰	evil-doing
	۸۱	wrongdoing
	۱۵	transgression; atrocity
	۲۹	oppression
ظُلُمات (قرآنی)	۵۵،۱۰۰،۱۰۳	darkness
	۷،۸۷	utter darkness
	۱۰۳	gloom
ظلمانی	۳۱	dark; obscure
ظلمت	۴۰	obscurity
	۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	darkness
ظَلوم (قرآنی)	۱۵	transgressor
	۷،۲۳	unjust
	۱۰۰	sinful
ظلوم و جهول [قرآنی: انّه کان ظلوماً جهولاً]	۲۵،۷	the most unjust and ignorant
	۸۷	tyrant and fool
ظلیم (نجـ.)	۳۶	Acamar
ظَمآن (قرآنی) [= تشنه]	۷،۸۷	thirsty
ظنّ (قرآنی)	۴۲،۸۷،۹۵،۹۹	opinion
	۷،۴۲،۸۶	conjecture
	۴۲	guess
	۱۰۰	surmise
	۱۰۱	probability
حسن ظنّ	۹۹	good opinion

Term	Pages	Meaning
سوءِ ظنّ	۹۹	bad opinion
	۴۲	mistrust
ظنّی	۱۲۱	hypothetical; presumptive
ظنین	۱۲۱	suspicious
ظهار (فقـ.) [مشتقات این کلمه - در معنای فقهی معهودش - در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۹	injurious assimilation
	۸۰،۴	incestuous comparison
		pre - Islamic form of divorce, consisting in the words of repudiation: you are to me like my mother's back [= انتِ علیَّ کظهر امّی]
ظهر (مقـ. بطن) (الفاظ و معنی ظاهری قرآن مجید)	۳۱	the text or letter of the Quran
ظهر [= نیمروز] [= معادل قرآنی آن از همین ریشه: الظهیرة است]	۱۲۰	noon, mid-day
ظهور	۴۰،۸۰،۱۱۸،۱۱۹	manifestation
	۵۶	manifestness
	۴،۱۰۹	appearance
	۹۶	epiphany
ظهور [در فرقهٔ اباضیه]	۴۵	public revolt
ظهیر (قرآنی)	۸۷	helper
	۷	aider
ظهیره (قرآنی) [= ظهر]	۸۷	midday
	۷	noon

ع

عائله	۸۰،۲	family
عابد (قرآنی)	۱۰۰	serving
	۳۱،۴۵،۸۰،۹۲	devotee
	۳۱،۸۰،۳	votary
	۴۲	worshipper
	۳۱	adorer or servant of God
عابدانه	۳۱	devoutly
عابر (قرآنی)	۱۲۰	wayfarer, passer - by
	۷،۱۲۰	traveller
عاج	۱۲۵،۱۲۹	ivory
عاجز (نیز ← عجز)	۹۹	impotent
	۴۲	disabled; unable
عاجل	۱۲۰	transitory; immediate
عادت	۱۱،۹۵	habit
	۱۰	custom
	۴۵	customary law
	۱۰۴	norm; moral
	۸۰	usage; normal course of events
عادت ماهانه (فقـ.) (نیز ←حیض؛ محیض، قاعدگی)	۱۵	menstruation
عادل	۹۵،۱۰۳	just
	۴۵،۱۰۱	equitable
	۸	justice- seeking
[بر خلاف تصریح بعضی از منابع	۸۰	The Just

از جمله دایرةالمعارف اسلام، عادل از اسماء الحسنی نیست و به جای آن طبق نظر متکلمان اسلام «عدل» [= عادل] جزو اسماء الحسنای الهی است.]

عادلانه	۳۱	justly; equitably
عادیات [سوره]	۱۰۰	The Chargers
	۸۷	The Coursers
	۸۸	The Runners
	۷	The Assaulters
	۳۸	The Swift Horses
عار	۱۲۰	shame; disgrace
عارف	۲۱،۸۰،۹۰،۹۹،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	gnostic
	۴	mystic
عارفانه	۱۲۰	mystical (ly); gnostical (ly)
عاریت / عاریه	۴۲،۸۰،۱۰۳	loan
	۸۵	loan of non-fungible things
	۱۰۳	borrowed thing
	۸۰	commodate
	۴۵	gratuitous loan
عاشق (نیز ← معشوق؛ عشق)	۱۰۳،۱۲۰	lover, fond
عاشورا	۴۳	Ashura
عاصمه [= پایتخت]	۱۲۰	capital town; metropolis
عاصی (نیز ← عِصّی؛ عصیان)	۸۷	rebelious
	۱۴	disobedient
	۴۲	sinner
عافیت	۹۹	good health
	۵۲	good state
عاق	۴۲	cursed; disinherited; disowned

عاقبت (قرآنی)	۷	end
	۹۵	destiny
	۸۷	sequel
عاقبت اندیشی	۳۱	farsightedness;foresight;prudence
عاقد	۱۵	solemnizer of marriage
عاقر (قرآنی) [= نازا]	۷.۸۷	barren
عاقل	۸۵.۱۰۱	sane
	۸۰.۳	intelligent (person)
	۱۱	rational
عاقلانه	۳۱	prudently; wisely
عاق نامه	۳۱	deed of disinheritance
عاکف [= معتکف] (قرآنی)	۷.۸۷	dweller
	۵۳	cleaver at a saint's shrine
عالِم [بر خلاف اشارهٔ بعضی منابع، «عالم» از اسماء الحسنی نیست. بلکه عالم الغیب و عالم الغیب و الشهادة و علاّم الغیوب، و علیم بذات الصدور از اسماء الحسنی است.]	۲۴.۹۳.۱۰۴.۱۱۰	The Knowing (one)
عالِم	۴۲	The Knower
	۱۵.۳۱	scholar
	۱۶.۳۱	learned
	۹۹.۸۱	religious scholar
	۸۰	traditionist
عالِم الغیب (اسم الهی) (قرآنی)	۴۱.۱۰۰	The Knower of the Unseen
	۸۷	The Knower of the invisible
عالَم [جهان]	۲۹.۹۵	universe
عالِم الغیب والشهادة (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	The Knower of the Invisible and Visible

	۸۰	world
	۱۱۳	realm
عالَم ارواح	۲۲،۴۲،۱۰۸	world of spirits
عالَم اسلام (نیز ← دار الاسلام)	۴۲	Muslim world
عالَمِ اظله	۲۴	world of shadow
عالَم الشهاده [= عالم شهادت]	۴۲،۹۳	the visible world
عالَم امر (مقـ. عالَم خلق)	۵۶	world of Divine Command
عالَم بالا	۴۶	transcendental world
عالَم برزخ (نیز ← برزخ)	۴۲	purgatory; intermediate world; limbo
عالَم بقا	۴۲	the future state
عالَم تکوین	۹۹	world of creation
عالم توحید	۶۹	world of unitarianism
	۱۰۳	world of unification
عالَم جان	۳۴،۱۰۳	world of spirits
عالَم جبروت	۱۱،۴۵	world of power
	۸۰	world of repairing; world of omnipotence
عالَم جزویّات	۱۱	world of particular being; world of individual beings
عالَم جسم (نیز ← عالم ناسوت)	۱۱	world of body
عالَم جمادی	۱۱	mineral kingdom
عالَم حیوانی	۱۱	animal kingdom
عالَم خلق (مقـ. عالم امر)	۵۶	world of creation
	۴۲	temporal world; this world
عالم ذر ← الست		
عالَم رتق (نیز ← عالم فتق)	۹۹	world of mending
عالَم سفلی (مقـ. عالم علوی)	۱۰۴	terrestrial world

	۴۲	lower universe
عالَم سکوت محض [هاهوت]	۱۱	world of absolute silence
عالَم شهادت [عالم الشهاده] (مقـ. عالم غیب)	۲۲	visible world
	۸۰	world of sense; world of sensual perception
عالَم صغیر (مقـ. عالم کبیر)	۱۱،۹۶	microcosm
عالَم صورت	۱۱	world of form
عالم ظاهر	۱۰۳	world of phenomena
عالَم عقل مجرّد [ملکوت]		world of pure intelligence
عالَم علوی (مقـ. عالم سفلی)	۴۲	higher universe
عالَم عناصر	۱۱	world of the elements
عالَم غیب (مقـ. عالم شهادت) نیز ← غیب	۲۲،۴۲	the invisible world
	۴۲،۵۶	the world of unseen
	۲۲	the unseen world
	۸۰،۴	spiritual and unmanifested world
عالَم فتق (نیز ← عالم رتق)	۹۹	world of rending
عالَم فیض	۹۳	world of emanation
عالَم کبریٰ	۱۰۳	macrocosm
عالم کبیر [جِرم کبیر] (مقـ. عالم صغیر)	۱۱،۱۰۳	macrocosm
عالم کلیات (مقـ. عالم جزویات)	۱۱	world of universal beings
عالَم کَون و فساد	۱۳	world of generation and corruption
	۸۰	world of origin and decline
عالَم لاهوت	۴۲	world of divinity
	۴۵	Divine Being
عالَم مثال	۶۶	world of symbols
	۸۰	world of ideas

	۳۷	world of archetypal image
عالَم مُحدَث [مخلوق]	۱۱	created world
عالَم معانی	۴۲	world of minds
عالَم معقول	۴۲	rational world
عالَم معنویات	۱۱	world of the intelligibles
عالَم معنی	۱۰۳	world of reality
عالَم ملك	۲۲	visible world
	۸۰	world of kingship
عالَم ملکوت	۲۲	invisible world
	۸۰	world of kingdom; world of severeignty
	۱۱۳	celestial realm
	۴۵	Divine authority
	۴۲	world of angels; world of domination
	۹۳	intelligible world
عالَم ناسوت	۴۲	sphere of humanity; world of human sense; present world ;
	پ	Nature
عالَم نباتی	۱۱	vegetable kingdom
عالَم نفی [لاهوت]	۱۱	world of negation
عالَم هاهوت ← عالم سکوت محض		
عالی	۹۵	superior
	۱۶،۹۶	sublime
عام	۶،۹۲،۹۵	general
	۹۲،۱۰۳،۱۰۵	common
	۴۴	generic
عام الوفود	۸۴	the year of deputation
عامل	۷۵	agent; factor
	۸۰،۴	state agent

عامل الخراج	۷۹	administrator
عامل السوق	۴۲	tax collector
عامل خلّاق	۸۵	inspector of the market
عامل متغیّر	۱۱	creative agency
	۷۵	variable factor
عامّه	۲۸	masses
	۹۰	commoners
	۴۷	common people
	۵۷	the multitude
عامی	۲۱	plebeian
عایق [= نارسانا]	۱۲۹	insulator
عبا	۱۲۰	cloak
	۸۰_۵	shoulder-mantle
	۲	shoulder-clothes
	۶۷	wide outer garment
عِباد ← عبد		
عبادت (قرآنی)	۳۰،۴۲،۵۷،۸۷	worship
	۷،۱۶،۱۰۰	service
	۹۵	adoration
عبادت الاوثان (نیز ← بت‌پرستی)	۴۲،۱۰۷	idolatry
عبادت الصنم	۱۰۷	idolatry
عبادت پیشه	۴	worshipper
عبادت خانه	۸۰	house of worship
عبارت (منط.)	۸۰،۹۴	expression
عبارت تنزیلی	۱۱	expression of revelation
عبارت قدما	۶۹	terminology of the ancient
عباسیان [= بنی عباس]	۴۲	Abbasides
عَبَث (قرآنی)	۱۶	futile
	۷،۹۵	vain

	۱۰۷	purposeless
	۸۰،۴	idly
عبد (قرآنی ۱. برده، ۲. بندهٔ خدا)	۶،۷،۱۶،۹۰،۹۵	1. slave
	۱۰۰،۱۱۸،۱۱۹	2. servant
عبرت [= العبرة] (قرآنی) [از همین ریشه «اعتبار» نیز کلمه‌ای قرآنی است.]	۹۰	admonition
	۷،۸۷،۱۰۰	a lesson
عِبری [= عبرانی]	۳۱	Hebrew; Hebraic
عَبَس [سورهٔ قرآن]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	«He Frowned»
عَبقری [۱. (قرآنی) : جامه‌های گرانبها ۲. سید، مهتر؛ بزرگ در علم و هنر. بسیاری از محققان ـ از جمله جفری و ادّی شیر ـ آن را معرب «آبکار» فارسی می‌دانند.]	۷،۸۷	1. carpet
	۱۲۲	2. lord; chief
	۱۲۱	genius
عبودیّت	۱،۳۱	servitude
	۲۱	servanthood
	۱۱۸،۱۱۹	servantship
	۱	bondage
	۳۱	slavery; service (of God)
عَبوس (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	frowning
	۷	stern
عبیدیان	۹۹	Ubaydid dynasty; The Ubaydid
عَتاق (نیز ← اعتاق؛ آزاد کردن بنده)	۴۲،۸۵	manumission (of slave)
	۴۲	emancipation of slave; setting free
عتبات	۸۰	holy shrines

	۶۸،۱۰۱	thresholds
عتباب عالیات	۱۰۱	The lofty or sacred thresholds
عترت	۱۲۰	family
	۶،۱۰۹	offspring
	۶	progeny
	۲	descendents
عترت محمد (ص)	۶	Relatives of Muhammad
عتق (به حرکات سه گانهٔ عین، یعنی آزادی یا آزاد کردن بنده) ← اعتاق؛ عتاق		
عته [جنون، خبط دماغ]	۱۲۰	insanity; dementia
	۱۲۱	idiocy; imbecility
عتیق [= معتَق] (نیز ← بیت العتیق	۴۲	freedman
عثمانی، امپراطوری ← امپراطوری عثمانی		
عُجاب (قرآنی)	۸۷	astounding
	۱۰۰	marvellous
عجالتاً	۱۲۰	for the time being
عجایب خلقت	۸۰	marvels of creation
عُجب (اخـ.)	۹۵	vanity
	۳۱	self-admiration; haughtiness
عجز [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۰،۱۰۳	powerlessness
	۲۱،۱۰۴	inability
	۲۱	impotence
	۱۰۳	weakness
عِجل (قرآنی) (یك معنایش در قرآن مجید، گوسالهٔ سامری است.)	۱۰۰	The Calf
عجل الله فرجه الشریف [جمله	۲ـ ۸۰	May God hasten his glad advent

دعائی است خاص شیعیان اثنی عشری که در انتظار ظهور حضرت قائم گویند و اختصار آن به صورت «عج» است.]		
عجله	۱۲۱	hurry; haste
عجم	۴،۸۰،۹۹	non-Arab
	۹۰	foreigner
عُجْمَه	۱۲۱	barbarism; incorrectness in Arabic
عَجَمی (نیز ← اعجمی)	۲۵	Persian
	۸۸	confused speaker
عَجوز / عجوزه [هر دو صورت به معنی پیرزن است. در قرآن مجید عجوز چهارمرتبه و هر چهار به معنی پیرزن به کار رفته ولی جز در قرآن، گاه عجوز به پیرمرد هم اطلاق می گردد]	۷	old woman
عدالت	۴۷،۹۵،۱۰۹	justice
	۴۷،۹۹	probity
عدالت خانه	۶۸	house of justice
عدالتخواهی	۱۶	advocacy of justice
عداله	۹۹	official witness
عداوت (قرآنی)	۱۰۰	enmity; detestation
	۴	odium
عدد (قرآنی)	۹۴،۱۲۸	number
	۱۲۸	numeral
عدد اصلی	۶۵،۹۴،۱۲۸	cardinal number
عدد اَصَمّ	۱۲۵	irrational number
عدد اول	۱۲۰	prime number
عدد ترتیبی	۶۵،۱۲۸	ordinal number

عدد صحیح	۹۴	integer
عدد طبیعی	۹۴	natural number
عدد فرد	۹۶	odd number
عدد مُنْطِق	۱۲۵	rational number
عدل [العدل] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۴۲	The Just
عدل (قرآنی)	۴۵،۵۷،۸۰،۹۰،۱۰۳	justice
	۶۴	equity
	۲	justness
	۴۵	equitabelness
عدل مدنی	۶۹	civic justice
عدل (قرآنی) [۱. داد؛ ۲. فدادادن و برابر نهادن، و فدیه و نظایر آن]	۷،۸۷	1. Justice
	۱۰۰	2. counterpoise
عدلیه	۱۲۰	ministry of justice
عدم	۴۲،۸۰،۱۰۲،۱۰۳،۱۰۵	non-existence
	۳۲،۵۶،۹۲،۱۱۱	privation
	۱۶،۱۱۸،۱۱۹	nothingness
	۹	annihilation
	۹۵	non-being
	۱۰۸	lack
عدم اختیار	۱۱	involuntariness
عدم استحقاق	۶۱	absence of right
عدم انتظام	۱۱	disorderliness
عدم تعیّن	۱۱	indeterminateness
عدم تمکّن	۶۱	lack of means
عدم تناقض	۱۱	non-contradiction
عدم تناهی	۱۱،۱۰۵	infiniteness
عدم زمانی	۵۶	non-existence in time

عدم شخصیّت	impersonality	۱۱
عدم فعالیّت	inactivity	۱۱
عدم محض	pure non-existence	۱۰۴
عدم مطلق	absolute nonentity	۳۴
عدمی	non-existential	۱۱
	privative	۵۶،۱۰۸
عدمی [مقـ. وجودی]	negative	۶۹
عدمیّت	nihilism	۹۵
عدن (قرآنی)	(garden of) Eden	۳۱،۳۸،۸۷
	perpetual abode	۷
عَدُوّ (قرآنی) [در تداول فارسی بر وزن عمو به کار می‌رود.]	enemy	۷،۴۵،۱۱۸،۱۱۹
عدوان (قرآنی)	aggression	۴۲،۹۵،۸۷
	transgression	۸۷،۱۰۰
عدول	deviation; revocation	۴۲
عدول محمول (منط.)	obversion	۹۴
عدّه (فقـ.) (قرآنی)	retreat	۳۹
	waiting period [waiting term]	۴۵،۸۳،۸۵،۸۶،۱۱۲
	legal period of rtirement	۲۲
	term	۱۰۰
عذاب (قرآنی)	chastisement	۶،۴۲،۱۰۰
	punishment	۴،۳۸،۸۷
	torment	۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۳،۱۱۳
	suffering; affliction	۴۵،۸۰
	doom	۸۷
	retribution	۲،۸۷
	penalty	۶۴
عذاب النار	torment of the fire	۸۷
عذاب قبر	punishment of the grave	۳۸

	۸۰،۵	punishment of the tomb
	۴۵	torment of the grave
عَذْب (قرآنی)	۸۷	sweet
عذر (قرآنی)	۷،۳۸،۸۰،۸۷،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	excuse
	۸۵	excuse (for non-fulfilment of a contract)
	۸۰	plea
	۱۴	atonement
عذر تقصیر	۵۲	excuse for one's shortcomings
عَرّاف	۹۹	diviner
عِرافه [پیشگوئی حوادث آینده از روی حوادث زمان حاضر. شعبه‌ای از کهانت نزد عربهای جاهلی بوده است.]	۸۰،۵	traditional divination
عراقین	۹۹	The Two Iraqs
عرب (نیز ← اعراب)	۱۲۱	Arab
عَرَبانه [شیوهٔ تزیینی اسلامی، اسلیمی]	۱۲۹	arabesque
عرب جاهلی	۲۹	Pre-Islamic Arab
عرب عاربه	۴۵	indigenous Arab
عرب مستعربه [= متعرّبه]	۱۲۰	Arabs of mixed descent
عربُون ← اربون		
عربیّت (نیز ← عروبت)	۸۲،۵	Arabic language and literature
عُرس [اصطلاح متصوفه]	۴۲	festivities
	۱۰۳	bridal
عرش (قرآنی)	۱۰۳،۱۰۴،۱۱۸،۱۱۹ ۶،۴۵،۸۷،۹۰،۹۹،۱۰۰،	The Throne
	۴۶	Clestial Throne
	۸۰	Divine Throne of Tabernacle

عرش اعظم	Supreme Throne	۵۶
عرش خدا	Throne of Heaven	۱۰۹
عرش رحمان	Throne of The Compassionate	۵۸
عرشه	deck	۱۲۰
عرصات	resurrection plain	۱۴
عرصه [مقـ. اعیان]	building site	۶۱
عَرَض (منط.)	accident	۴۵،۸۰،۹۵،۹۷،۱۰۵،۱۱
عَرَض خاصّ	particular accident; property	۱۱
عَرَض ذاتی	essential accident	۱۱
عَرَض عام	common accident	۱۱،۹۷
عَرَض لازم	inseparable accident	۱۱
	necessary accident	۹۲
عَرَض لازم بیّن	evident adherent accident	۹۷
عَرَض لازم غیر بیّن	non-evident adherent accident	۹۷
عَرَض مفارق	separable accident	۱۱،۹۷
عرض بلد (نجـ.)	latitude of a place	۹۹
عرض جغرافیایی (جغـ.)	latitude	۳۶،۱۲۵
عرضه و تقاضا (اقـ.)	supply and demand	۵ـ۲
عَرَضی	accidental	۵۶،۹۲،۱۰۲،۱۱۷
	casual	۱۶
عُرْضی	latitudinal	۱۳
عَرَضیّه	occasional	۸۰ـ۵
عُرف (قرآنی)	kindness	۸۷
	good	۷
عُرف	custom	۴۷،۸۰،۸۵،۹۵
	customary law	۴۵،۴۷،۶۸،۸۰
	secular jurisdiction	۶۸
	convention	۴۰
	common-sense	۴۶

عُرف بازرگانی	۶۳	trade custom
عُرف بین‌المللی	۶۱	international custom
عُرفاً	۶۱	according to common law
	۴۲	commonly
عرفات	۳۸	The «mount of Recognition»
	۸۷،۱۰۰	'Arafât
	۱۲۱	name of a mountain and adjacent plain ... where Mecca Pilgrims spend the 9th day of Zu'lhijja
عرفان	۴۲،۸۲،۹۹،۱۱۳	gnosis
	۴۲،۴۶	mysticism
	۴	Sufism
	۴۲	theosophy
عرفان عرشی	۴۶	Throne mysticism
عرفان عقلی	۹۲	mystical intelligence
عُرفی	۱۰۴	conventional
	۲۷	secular
عُرفیات	۸۰_۲	customary law
عرفیّهٔ خاصّه (منط.)	۹۷	special conventional
عرفیّهٔ عامه (منط.)	۹۷	general conventional
عِرق	۱۲۱	root, stem; vein, race
عِرق النساء (پز. قدیم)	۷۱	sciatica
عرقچین	۱۲۰	skull cap
عروبت (نیز ← عربیت)	۲۷،۸۰	Arabism
عروة‌الوثقی (قرآنی)	۱۰۰	the most firm handle
	۱۸	strongest handle
	۱۰۳	firmest handle
	۸۷	firm handhold

	۲۳	the strongest and dependable support
عروج [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← معراج)	۱۱	process of ascent
عروس	۳۹	bride
عروسی	۱۲۰	marriage; wedding (feast)
عَروض (ادب.)	۲۶_۱،۱۲۸	prosody
	۳۷،۱۲۸	metrics
عُروض (فلـ. کلـ.)	۱۰۲	occurrence
عَروضی	۱۲۸	prosodic; prosodist
عریان	۱۰۳	naked
عریضه	۴۲	petition
	۱۱۴	report
عزّ [عزّت]	۲،۱۰۰،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	glory
	۴۱	honor
	۶	majesty
	۲	dignity
	۹۰،۱۰۰	might
	۷،۹۹	strength
عزاء	۱۱۸	consolation
عزائم	۹۹	incantations
عزداری (نیز ← مراسم عزاداری؛ تعزیه؛ روضه؛ مرثیه؛ زنجیرزنی)	۲۹	mourning
عزازیل [= شیطان]	۵۲	Old Nick
عَزَب (نیز ← عزوبت)	۱۲۰	bachelor
	۱۵	celibate
عزّت (قرآنی)	۲،۱۰۰،۱۰۸	glory
	۷،۴۱	[honor =honour]

عزرائیل	۴۲،۴۳	Izrael
	۴۲	Azrael
	۴۲	the angel of death
عزل	۴۲	dismissal
عزلت	۴۲	retirement
	۴۵	retreat
	۹۰	isolation
عزم (قرآنی)	۷	determination
	۵۷	resolution
	۸۷	constancy
	۴۵،۹۵	decision
عزوبت (نیز ← عَزَب)	۱۵	celibacy
عزّ وجلّ [کلمات دعائیه که فقط برای خداوند به کار می‌رود.]	۱۰۳	Almighty and Glorious
	۶	To whom belong Might and Majesty
عُزیر [پیامبر بنی‌اسرائیل]	۶،۴۵،۹۹،۱۰۰،۱۱۲	Ezra
عزیز [العزیز] (اسم الهی) (قرآنی)	۲۴،۴۵،۸۷	The Mighty
	۲۲،۸۷،۱۰۰	The All-mighty
	۸۰	The Omnipoent; The Powerful;
عزیز [در حدیث]	۲۸	well- attested
	۸۰_۲	rare
عزیمه (نیز ← عزایم)	۱۰۸	will
	۳۸	incantation
عُسر (قرآنی) (نیز ← اعسار)	۱۰۰	hardship
عُسر و حَرَج (فقـ. حقـ.)	۲۷	distress and constriction
عسس	۵۲	the watch
عسکر	۸۰	army

	۳۷	night patrol
عسل (قرآنی)	۷،۸۷	honey
عشاء (قرآنی)	۴۲،۸۷	evening
	۸۷	prayer of night
نماز عشاء [= صلاةالعشاء که قرآنی است]	۷،۳۱۱	the prayer of nightfall
عشار (قرآنی) [= شتران آبستن]	۱۰۰	pregnant camels
عُشر	۴۲،۴۵،۶۰،۸۰	tithe
عشرت	۱۵	frivolity
عشرهٔ مبشره	۴۵،۸۰	The ten to whom Paradise was promised
عشق (نیز ← عاشق؛ معشوق)	۹۲،۱۲۰	love
	۸۰	passion
عشیره (قرآنی)	۷	kinsfolk
	۱۵،۸۷	tribe
	۸۰،۹۵،۱۰۰،۱۱۷	clan
عصای موسی	۴۲	Moses' stick; Moses ' rod
عُصبه (قرآنی) [= گروه]	۸۷	gang
	۱۰۰	band
عصبیّت	۲۷،۵۱،۹۳	group (of tribal) solidarity
	۹۹	group feeling
عصر [سوره]	۸۷	The Declining Day
	۸۸،۱۰۰	The Afternoon
	۷	Time
عصمت	۴۲،۴۵،۹۹،۱۰۹،۱۱۳	infallibility
	۱۲،۴۲،۸۰	inerrancy
	۹۰،۱۱۳	divine protection
	۴۵	immunity
عصمت نبوّت	۱۲	inerrancy of prophecy

عِصیان (قرآنی)	۱.۷.۱۰۰	disobedience
عطاء (قرآنی)	۷.۸۷	bounty
	۲۱ .۱۱۰	(God's) gift
عطّار	۳۷	drugist
عُطارد (نجـ.)	۳۶.۹۹.۱۲۵	Mercury
عِطر [در محاورهٔ امروز فارسی به فتح اول تلفظ می‌شود.]	۱۲۰	perfume; scent
عطسه	۱۲۰	sneeze
عطف (جلـ.)	۱۲۵	spine
عطف (دسـ.)	۱۲۸	hendiadys
عطف النسق ← عطف به حروف		
عطف به حروف [= عطف النسق]	۱۲۸	coordination; parataxis
عطف بیان	۱۲۸	appositive
عطف به ماسبق	۲۷	ex-post-facto
عطوف	۱۱۸	sympathetic
عطیّه	۱۲۰	gift; present
عَظْم (قرآنی) [= استخوان]	۷.۸۷	bone
عِظَم	۱۰۷	magnitude
عظمت	۴.۹۵.۱۱۸	greatness
	۱۱۱	grandeur
عظیم [العظیم] (اسم الهی) (قرآنی)	۷.۱۱.۴۲	The Great
	۷۹.۸۷	The Tremendous
	۱۰۰	The All-glorious
	۱۱۰	The Majestic
عفاف [عفّت] (نیز ← تعفّف)	۱۶.۴۲.۴۷.۹۹	chastity
	۴.۴۲.۸۰ـ۵	modesty

	temperance	۴۲،۹۵
	restraint	۴۷
	piety	۸۲_۵
	continence	۲۱
عفّت ← عفاف؛ عمل منافی عفت		
عفریت (قرآنی) [آرتور جفری این کلمه را مشتق از «آفریدن» فارسی می‌داند]	efreet[= freet]	۱۰۰
	Demon	۴۲
عفو (قرآنی) [۱. بخشایش؛ ۲. زیادتی مال]	1. forgiveness	۴۲،۸۷،۱۱۸،۱۱۹
	1. pardon	۴۲،۸۵،۱۰۳
	1. remission	۴۲
	2. abundance	۱۰۰
عفو خداوندی	Lordship pardon	۱۰۳
عفو عمومی	amnesty	۶۱
عَفوّ [العَفوّ] (اسم الهی) (قرآنی)	All-pardoning	۱۰۰
	Benign	۸۷
	The Pardoner	۴۵
عفو کردن	forgive; overlook	۶۴
عفیف	chaste	۴۲
	shrink from sin	۱۰۷
عِقاب (قرآنی)	punishment	۸۰،۹۰،۹۶،۱۰۴،۱۰۷
	retribution	۴۰،۱۰۰
عُقاب	eagle	۱۲۰
عقاب (نجـ.)	Aquila	۳۶
عِقار	immovables	۸۵
	landed property	۶۱
عَقّار ← عقاقیر		

عقایر (مفرد آن عَقّار) (پز)	۱۱۴	medical herbs
عقال [زکات سالانه شتر وگوسفند]	۱۲	tithes
عقبایی	۲۱	of the next world
عَقَبه (قرآنی)	۱۰۰	steep
	۷	uphill road
عُقبیٰ (قرآنی)	۵۲	the world to come
	۱۰۳	the next world
	۴۲	the after-life
عقد [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۵،۴۲،۸۰،۸۵،۹۵	contract
	۸۰	legal act
	۳۱	knot; tie; agreement; obligation
	۶۱	conclusion
عقد ازدواج	۱۵	marriage contract
عقد جایز	۴۲	authorised contract
عقد فضولی	۴۲	unauthorised contract
عقد مزارعه	۴_۵	sharecropping contract
عقد موقوف	۴۲	suspended contract
عقد نکاح	۴۵	contract of matrimony
عقد ازدواج بستن	۳۹	contract marriage
عِقد ثریّا (نجـ.)	۳۵	Alcyon
عقدنامه (نیز ← قبالهٔ ازدواج)	۲_۸۰	marriage contract
عقده	۴	complex
عقرب (نجـ.)	۳۶	Scorpius
	۹۹	Scorpio
عقل [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.](نیز ← عقول)	۱۱،۴۲،۸۰،۹۰،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۵،۱۰۸،۱۱۳،۱۱۸،۱۱۹	intellect

intelligence	۴۲،۸۰،۹۹،۱۰۳،۱۱۱	
reason	۲۹،۴۵،۹۵،۱۰۳،۱۰۵،۱۰۶	
Logos	۹۷	
intuitionism	۴۴	عقل اشراقی
Divine intelligence	۴۰	عقل الهی
human intelligence	۴۲	عقل انسانی
human intellect	۴۰	
human reason	۱۱	
first intellect	۱۱،۱۰۷	عقل اوّل
primal intelligence	۴۲،۸۰ـ۵	
first intelligence	۳۸	
natural genius of instinct; the Throne of God; the Holy Spirit	۳۱	
actual reason	۱۱	عقل بالفعل
actualized intellect	۸۰	
intellectus in effect	۴۲	
intellectus in actu	۱۳	
potential intelligence; intellect in pontentia	۴۲	عقل بالقوه
potential intellect	۸۰	
potential reason	۱۱	
intellectus adeptus or *acquisitus*	۱۳	عقل بالمستفاد (نیز ← عقل مستفاد)
intellectus in habitu	۱۳	عقل بالملکه
experimental intellect	۹۹	عقل تجربی
discerning intellect	۹۹	عقل تمییزی
reason	۵۸	عقل جزئی [عقل جزوی]
partial (discursive) reason	۱۰۳	
individual intellect	۱۱،۱۰۳	

	۷۹	particular intellect
عقل عملی	۸۰	practical intellect
	۴۲	practical wisdom
	۱۱	practical reason
عقل فعّال	۴۲،۹۲	active intelligence
	۵۶،۱۱۷	active intellect
	۶۱،۱۰۴	agent intellect
عقل قدسی	۹۲	sacred (prophetic) soul
	۱۳	sacred intellect
عقل کلّ	۴۰،۴۵	universal intelligence
	۱۱،۱۰۳	universal reason
	۱۱	universal intellect
	۱۰۳	universal mind
عقل متعالی	۱۱	supreme intelligence
عقل مجرّد	۱۰۴	pure intelligence
عقل محض	۴۲	pure reason
عقل مستفاد (نیز ← عقل بالمستفاد)	۹۳	acquired reason
	۴۰	acquired intelligence
	۱۱	acquired intellect
عقل ملکی	۱۱	angelic reason
عقل منفعل	۱۱	passive intellect
عقل منکوس	۱۱	crooked reason
عقل نبوی	۱۱	prophetic reason
عقل نظری	۴۰	speculative intelligence
	۹۹	speculative intellect
	۸۰	theoretical intellect
	۱۱	theoretical reason
عقل هیولانی	۴۰	material intelligence

عقل [مقـ. نقل]	۱۳	*intellectus materialis*
	۶۸	exertion of the reason
عقلاً	۸۰_۲	rationally
عقلاء مجانین	۸۰	wise fools
عقلانی [عقلی]	۴۴،۱۰۵	rational
	۲۱	intellectual
	۵۶	noetic
عقلیّات	۸۱	rational sciences
عقلیگری [= اصالت عقل]	۴۲	rationalism
عُقْم (نیز ← عقیم)	۹۸	sterility
عقوبت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۸ ،۴۵، ۸۰	chastisement
	۳۸،۴۵	punishment
عقول (نیز ← عقل)	۸۲،۱۰۶	intelligences
	۸۰_۵	spirits
	۱۰۳	intellects
	۷۹	powers of reason
	۹۷	minds
عقول الهی	۱۰۳	Divine Intelligences
عقول انسان	۱۰۳	human intellects
عقول مفارقه	۸۰	separate intelligences
عقول ملکیّه	۹۷	angelic minds
عقیده	۴۵،۸۰	creed
	۴۲	belief
	۱۱	opinion
	۹۵	dogma
	۱۶	doctrine
	۱۵	conviction
عقیق	۸۰	cornelian

	۷۸	agate
عقیقه	۴۵	offering
	۴۵	the sacrifice on the seventh day after the birth of a child
عقیم (قرآنی) (نیز ← سترون)	۷ .۱۵ .۸۷	barren
عقیم (منط.) (نیز ← عُقم)	۴۰	inconclusive syllogism
عکاسی	۱۲۰	photography
عکس	۱۲۰	photograph
عکس (منط.)	۹۷.۹۸.۱۱۷	conversion
	۹۴	converse
عکس استقامه (منط.)	۹۸	conversion *simpliciter*
عکس به تحدید (منط.)	۹۴	*conversion per accidens*
عکس ساده (منط.)	۹۴	simple converse
عکس مستوی (منط.)	۹۷	even conversion; *conversio simpler*
عکس نقیض	۹۷	conversion by contradiction
	۱۱۷	contraposition
	۹۸	*conversion per contrapositionem*
عکس نقیض [به قول قدما]	۹۴	obverted contrapositive
عکس نقیض (به قول متأخرین)	۹۴	contrapositive
علاج	۱۲۰	remedy; cnre; treatment
علاّم الغیوب (اسم الهی) (قرآنی) (نیز ← دانای کل)	۸۷	Knower of Things Hidden
علامه	۱۰۳	exceedingly learned man
علانیه (قرآنی)	۷.۸۷	openly
علّت [در قیاس فقها]	۸۰ـ۵	principle
علّت [مرض]	۱۰۳	illness
علّت (منط. فلـ.)	۴۲.۶۳.۸۰ ،۹۵.۱۰۷.۱۰۸	cause
علت اصلی	۶۳	underlying cause

Term	English	Pages
علت العلل	cause of causes	۱۱
علّت اول	first cause	۱۱، ۹۲، ۱۰۷
علّت اولیٰ	primal cause	۱۱، ۴۲
علّت تامّه	sufficient cause	۱، ۱۲
	complete cause	۱۲
	cause of completion	۹۲
علّت تمامی	final or perfect cause	۸۰_۳
علّت تمامیّه	immanent cause	۱۱
علّت درونی	formal cause	۴۲، ۸۰_۳، ۹۲
علّت صوری	general cause	۸۰_۳
علّت عامّه	material cause	۹۲
علّت عنصری	final cause	۱۱، ۴۲، ۹۲، ۱۱۱
علّت غائی	ultimate cause	۱۱، ۴۲
	inactive cause	۱۱
علّت غیر فعّال	efficient cause	۴۲، ۸۰، ۹۲، ۱۰۴، ۱۱۱
علّت فاعلی	receptive cause	۱۰۴
علّت قابلیه	material cause	۴۲
علّت مادّی	moving cause	۱۱
علّ متحرّک	separate cause	۸۰_۳
علّت مفارقه	cause that makes necessary	۹۹
علّت موجبه	incomplete cause; partial cause	۱۲
علّت ناقصه		
علتِ نهایی ← علتِ غایی		
	efficient cause	۴۲
علّت وجودی	material cause	۸۰_۳
علّت هیولانیه	actiology	۴۲
علت شناسی	The Blood-clot	۳۷، ۸۸، ۱۰۰
علق [سوره]	The Clot	۷، ۸۷
	Congealed Blood	۳۸
علقه ← علق		

عِلم (قرآنی)	۷،۵۷،۸۰،۸۷،۹۲،۹۳،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	knowledge
	۲۹،۹۲،۹۳،۹۵،۱۰۳	science
	۱۰۱	gnosis
عِلم آخرت	۴۲، ۹۵	eschatology
عِلم آداب	۱ـ ۲۶	belles lettres
عِلم ابجد	۶۶	science of letters
عِلم اتّصالی	۴ـ۸۰	unitive knowledge
عِلم اجمالی	۱۰۲	collective knowledge
عِلم احکام نجوم (نیز ← احکام نجوم)	۱ـ ۲۶	judicial astrology
علم اختلاج	۸۰	palmomancy; palmoscopy
عِلم اختیارات [کهانت]	۵ـ ۸۰	hemerologies and menelogies
عِلم اخلاق	۵۷	ethics
عِلم ادب [= فقه اللغه]	۴۲	science of philology
عِلم ادویه	۱ـ ۲۶	materia medica
عِلم ارواح (نیز ← علم روح)	۴۲	spiritism
عِلم استنباط المعادن [کهانت]	۵ـ ۸۰	detection of minerals
علم اسباب نزول ← اسباب نزول		
علم اسرار	۵ـ ۸۰	chiromancy
عِلم اسماء	۴۲	knowledge of names
عِلم اشتقاق لغات	۵۶	etymology
عِلم اصول (نیز ← اصول)	۴۱	methodology
عِلم اکتاف [کهانت]	۵ـ ۸۰	omoplatoscopy
عِلم الابدان	۱۲۰	physiology; medicine
عِلم الادیان	۱۲۰	theology
عِلم الله [علم الهی]	۲، ۹۶، ۱۰۴	Divine Knowledge
	۳۱	theology
	۹۲	metaphysical theology
	۸۰،۹۹	metaphysics

عِلم الهی ← علم الله		
عِلم الهیات ← علم الله؛ الهیات		
عِلم الیقین (قرآنی)	۷ ،۲۱،۴۵	certain knowledge
	۱۱۳	knowledge of certainty
	۸۰_۳	intellectual certainty
	۵۸	science of certainty
عِلم امراض	۲۶_۱	pathology
عِلم انساب	۲۶_۱	geneology
عِلم انشاء	۴۲	art of literary composition
عِلم انفعالی	۱۰۲	passive knowledge
عِلم باطن (نیز ← علم لَدُنّی)	۸۰_۳	inner knowledge
	۱۱۷	occultism
	۳۱	speculative science
	۵۷	esoteric knowledge
عِلم بدیع	۲۶_۱	euphuism
	۲۶_۲	science of rhetoric
	۹۹	science of rhetorical figures
عِلم برین	۹۳ ،۱۱۱	first philosophy
	۴۰	higher science; metaphysics
عِلم بسیط	۵۶	simple knowledge
عِلم بیان	۸۰_۵	science of figurative expression
	۱۲۸	figurative language
	۳۱	explanatory science (i.e. rhetoric, oratory, eloquence)
عِلم تاریخ (نیز ← تاریخ)	۹۹	historiography
عِلم تألیف	۶۹	science of composition
عِلم تدبیرخانه	۹۲	management of the house
	۴۰	economics
عِلم تدبیر شهر	۹۲	civics

عِلم تدبیر عامه	۹۲	science of public management
عِلم ترازو [= علم میزان]	۴۰	science of the scales =logic
عِلم ترسّل [= فن ترسّل]	۱۲۸	dictamen
عِلم تشریح	۳۱	anatomy
عِلم تصوف (نیز ← تصوف؛ عرفان)	۴۲	sufism; Islamic mysticism
علم تعلق القلب [کهانت]	۵_ ۸۰	charms
عِلم تعلیمی	۹۲	instructive science; instructible science
عِلم تفسیر (نیز ← تفسیر)	۴۰	exegesis
عِلم تفصیلی	۱۰۲	separative knowledge; detailed knowledge
عِلم تکوین جهان	۱۳	cosmogony
عِلم تواریخ	۳۸	chronology
عِلم توهمّی	۱۰۲	imaginative knowledge
عِلم جرّ اثقال	۶۹ ،۱۲۹	science of mechanics
عِلم جفر ← جفر		
عِلم جمادات	۳۱	mineralogy
عِلم جمال	۴۲ ،۸۰ _۳	aesthetics
عِلم حدیث	۱۱،۴۲	science of traditions
عِلم حروف	۸۰ _۴	onomatomancy
عِلم حساب	۴۲ ،۸۰ _۳	arithmetic
	۸۰ _۳	science of reckoning
عِلم حصولی	۱۰۲	empirical knowledge
	۵۴	acquired knowledge
عِلم حضوری	۴۲ ،۱۰۲	intuitive knowledge
	پ	immediate knowledge
	۵۴	presential knowledge; sapiential wisdom or gnosis

عِلم حکمت	۴۲	philosophy
عِلم حیل	۵۴	science of stratagems or ruses
	۹۲	science of observation by means of instruments
عِلم حیوان	۶۹	zoology
عِلم خطابه	۴۲	rhetoric
عِلم دلالت	۱۱۵	semantics
عِلم ربوبیّت	۹۲	science of the sovereignty
عِلم رجال	۴۵	biography and criticism of traditionists
عِلم رُقیه [کهانت]	۵ـ ۸۰	sympathetic actions or sorcery
عِلم رَمل	۵ـ ۸۰	gèomancy
عِلم روایت	۴۵	science of transmission
عِلم روح (نیز ← علم ارواح)	۹۵	spiritism
عِلم روحانیات	۵۹	knowledge of the spiritual world
عِلم ریاضی	۹۲	science of mathematics
عِلم ریافه [کهانت؛ علم استنباط آب؛ گمان‌زنی در بارهٔ اینکه فلان چاه به آب می‌رسد یانه.]	۵ ـ ۸۰	detection of wells
علم زبان (نیز ← فقه‌اللغه)	۹۶	philology
عِلم زیرین	۴۰	lower science; natural science
عِلم الساعة (قرآنی)	۸۷، ۷	knowledge of the Hour
عِلم سعد و نحس	۱ـ ۲۶	science of omens and portents
عِلم سیاست	۹۹	politics
	۹۲، ۴۲	political science
عِلم سِیَر	۱ـ ۲۶	biography
عِلم سیمیا (نیز ← سیمیا)	۴۰	magic
عِلم شعبذه (نیز ← شعبده)	۵ـ ۸۰	conjury

عِلم شهودی	۱۰۸	presentational knowledge
	۸۰ ـ۴	intuitive experiences vision
عِلم صرف	۳۱	etymology
	پ	declinsion; morphology
عِلم صوری	۸۰ ـ۴	knowledge by representation of the object
عِلم ضروری	۶۷	certain knowledge
عِلم طب	۶۹	medicine
عِلم طبیعی	۱۱۱، ۹۲، ۳۱	natural philosophy
	۹۲	natural science; physics
عِلم طلسمات (نیز ← طلسم، طلسمات)	۱۰۴	talismanic art
علم طیره [= فال بد]	۸۰ ـ۵	ornithomancy
عِلم ظواهر	۹۵	phenomenology
عِلم عروض	۸۰	science of versification; science of meter
	۳۱	poetry; prosody; versification
عِلم عزائم [کهانت]	۸۰	conjurations of demons or incantations
عِلم عقلی	۸۰ ـ۳	intellectual knowledge
	۹۹	intellectual science
	۹۲	intelligent knowledge
عِلم عملی	۹۲	practical science
عِلم غیب (قرآنی: علم الغیب)	۲، ۸۰	knowledge of hidden things
	۲۷	prescience
	۳۱	divination
عِلم غیبی	۱۰۸	absentational knowledge
عِلم فال	۸۰ ـ۵	omens
عِلم فراست (= قیافه شناسی)	۱۲۵، ۱۰۴، ۹۵، ۸۰، ۴۰	physiognomy
علم فرایض (ارث شناسی)	۴۲	laws of inheritance

عِلم فعلی	۱۰۲	active knowledge
عِلم فقه (نیز ــ فقه)	۴۰	Muslim jurisprudence
عِلم فلاحت	۶۹	science of agriculture
عِلم فلك (نیز ــ نجوم)	۵۴	astronomy
عِلم قدیم	۱۰۴	eternal's knowledge
عِلم قرعه	۸۰_۴	rhapsodomancy
عِلم قطعی	۲۷	definite knowledge
عِلم قیاسی	۹۴	deductive science
عِلم قیافةالبشر [کهانت]	۸۰_۵	divination by morphoscopic and genealogical lines
عِلم کائنات جَو ← آثار علوی		
عِلم کلام (نیز ← الهیات؛ علم الله؛ علم الهی؛ علم لاهوت؛ کلام اسلامی)	۴۰،۵۷،۱۰۹،۱۱۷	theology
	۹۹	speculative theology
	۹۵	dialectical theology
	۸۰	scholastic theology
عِلم کیان	۹۵	physics
عِلم کیمیا	۴۰	alchemy
عِلم لاهوت (نیز ← علم الهی؛ علم کلام)	۹۵	theology
علم لدن [= لدنی]	۱۰۳	knowledge that is with Him (God)
عِلم لَدُنّی (نیز ← علم باطن)	۱۰۳	esoteric knowledge
	پ	divine knowledge; intuitive knowledge
عِلم لغت	۱۰۱، ۸۰، ۳۱	lexicography
	۲۲	philology
عِلم مبادی	۴۲	elementary knowledge
عِلم متعارف	۴۰	axioms

عِلم محتوم	۴۵،۸۰	unalterable knowledge
عِلم محض	۸۰	absolute knowledge
عِلم مخارج حروف (نیز ← تجوید)	۶۰	phonetics
علم معادن	۶۹	mineralogy
عِلم معامله (اخـ.)	۵۷	science of devotional practice
عِلم معانی	۱۱۷	semantics
	۸۰ ـ۵	semantics of syntax
	۹۹	science of idea expression
عِلم معرفت (نیز ← معرفت‌شناسی)	۲۲	science of gnosis
علم مکاشفه	۵۷	science of revelation
عِلم مناظر و مرایا	۱۱۵	perspective
	۴۰ ،۶۹	science of perspective and optics
عِلم من لدن [= علم لدنی]	۱۰۳	esoteric knowledge
عِلم موازین	۸۰ ـ۵	relations of quantities
عِلم نباتات	۴۲	botany
عِلم نجوم (نیز ← علم احکام نجوم)	۴۰	astronomy
عِلم نحو	۳۱	grammar; syntax
عِلم نزول الغیث [کهانت]	۸۰ ـ۵	knowledge of (signs foretelling) rainfall
عِلم نظری	۴۰،۹۲	speculative science
عِلم نفس [روان‌شناسی]	۴۲ ،۹۵	psychology
عِلم نفسانی	۹۲	mental knowledge
	۴۰	psychological science
	۵۹	knowledge of souls
عِلم نیرنجات [کهانت]	۸۰ ـ۵	white magic
	۱۰۴	art of magic

عِلم واجبات [=فریضه شناسی]	۹۵	deontology
علم وجود	۹۵	ontology
عِلم هندسه	۴۲	geometry
عِلم هیأت	۳۱، ۸۰، ۱۰۷	astronomy
	۴۲	science of celestial spheres
عِلم یقین ← علم الیقین		
عَلَم [پرچم]	۴۲	flag; standard
	۶	sign
علمدار	۸۰	standard-bearer
علوّ	۹۶	sublimity
	۷۹	exaltation
علوم (نیز ← علم)	۸۰	sciences
علوم تعلیمیّه	۱۰۲	mathmatical sciences
علوم دنیوی	۱ـ ۲۶	mundane studies
علوم دینی	۴۲	religious studies
علوم شریعه [= علوم شرعیه]	۴ـ ۸۰	religious sciences
	۱ـ ۲۶	indigenous sciences
علوم ظاهر	۶۹	exoteric sciences
	۲ـ ۸۰	external sciences
علوم عجم	۴ـ ۸۰	foreign sciences
علوم عقلی	۴ـ ۸۲، ۴۲	intellectual sciences
	۴۲	speculative sciences; rational desciplines
	۱۰۴	rational cognitions
علوم عملیه	۱۰۱	practical sciences
علوم غریبه (نیز ← کهانت)	۵۴	occult sciences
علوم مجرّده	۱۱۷	abstract sciences
علوم معقول	۹۹	intellectual knowledge
	۱۳	intellectual sciences

	۷۳	contemplative sciences
علوم منقول	۹۹	traditional knowledge
	۴۲، ۱۳	transmitted sciences
علوم نقلی	۹۹، ۴۲	traditional sciences
علوم نقلی وضعی	۹۹	traditional conventional sciences
علوم یقینیّه	۹۷	positive sciences
عَلَوی	۴۵، ۲۵	descendant of Ali b. Abi Talib
علویان [= علویون = علویّه]	۴۳، ۴۲	Alawites
	۲۴	The Alids
علّهٔ صوریّه	۹۷	*causa formalis*
علّه غائیه	۹۷	*causa intentionalis*
علّه فاعلیّه	۹۷	*causa operativa*
علّهٔ مادّیه	۹۷	*causa materialis*
علّه (نیز ← علّت)		
عَلیّ [العلی] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۰	The High
	۱۰۰	All-high
	۸۷	The Sublime; Ever High
	۸۷، ۴۲	The Exalted
عِلّی	۱۱	causal
علی الاطلاق	۱۲۰	absolutely; generally
	۹۸	unrestricted
علی التحقیق	۱۲۰	certainly
	۹۸	restricted
علی الحساب	۱۲۰	partial payment
علی الخصوص	۱۲۰	especially
علی الدوام	۱۲۰	continually
علی السویه	۱۲۰	equally
علی القاعده	۱۲۰	as a rule; customarily
علی القیاس	۸۰ ـ ۵	**normally**; according to the norm

Persian	Pages	English
علی اللّهی (نیز ← اهل حق)	۸۰	Deifiers of ‘Ali
علیّت (نیز ← علت)	۱۶،۸۰،۱۰۲	causality
	۱۶	causation
علی رغم	۱۲۰	in spite of
علی سبیل الاجمال	۸۰ ـ۵	in a universal manner
علی سبیل التفصیل	۸۰ ـ۵	in a detailed manner
علیم [العلیم] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۲ ،۸۷ ،۱۰۰	All- Knowing
	۴۲ ،۸۰	The Omniscient
	۴۲	The Wise One
	۱۰۶	The Knowing
	۸۷	Knower
علیم بذات الصدور (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	Aware of what is in the breasts (hearts of men)
علیه السّلام	۸۷ ،۱۰۳	On whom be peace
	۴۲	Peace be upon him
علیه الصلوة والسلام	۱۰۳	On whom be God’s blessing and peace
عم (قرآنی)	۷ ،۱۰۰	paternal uncle
عمالقه [= عمالیق] (از اقوام قدیم سامی یا عرب)	۹۹	Amalekites
عمامه	۴۲ ،۴۵ ،۱۱۵	turban
	۲	head band
عمد	۸۰ ـ۲	deliberate
	۸۵	deliberate intent
عمداً	۴۲	deliberately
عُمْر [در قرآن مجید صورتی از این کلمه به صورت عُمُر به کار رفته است.]	۱۲۰	lifetime; life
عمران	۸۰،۹۹	civilization
	۹۹	urbanization

عمران بدوی	۳ـ ۸۰	primitive civilization
	۹۹	desert civilization
عُمران بدوی	۳ـ ۸۰	primitive civilization
	۹۹	desert civilization
عمران حضری	۳ـ ۸۰	urban civilization
	۹۹	sedentary civilization
عمره [حج] (نیز ← حج عمره)	۳۸ ،۱۱۲ ،۱۱۳	lesser Pilgrimage
	۴۲،۱۰۰	visitation
	۴۲	minor Pilgrimage; voluntary Pilgrimage to Ka'ba
	۴۵	little Pilgrimage
عمرهٔ قضا	۸۴	fulfilled Pilgrimage
عمق	۹۲	depth
عمل (قرآنی)	۶۹ ،۸۶	practice
	۷،۸۷،۱۰۳	work
	۸۰	action; performance; act
عمل صالح (قرآنی: العمل الصالح؛ یا به صورت جمله: من عمل صالحاً و نظایر آن)	۷	good deed(s)
	۸۰ ـ۴ ،۸۷	pious act (deed)
	۶	righteous action (deed)
عمل مطلق	۸۰	general practice
عمل منافی عفت	۶۱	unchaste act
عمود (در هندسه)	۱۲۵	perpendicular
عمود مُنَصِّف	۱۲۵	perpendicular bissector
عموم (منط.)	۵۶،۹۵،۹۷	generality
عموم و خصوص مطلق (منط.)	۹۷	absolute generality and peculiarity

عموم و خصوص من وجه (منط.)	۹۷	generality and peculiarity in some respect
عمومیّت	۱۱	generality
عمّه [جمع این کلمه به صورت عمّات در قرآن مجید به کار رفته است]	۶۱، ۷	paternal aunt
عمی (قرآنی)	۱۱،۸۷،۹۵،۱۰۳	blindness
عناب (به ضم اول، ولی در تداول فارسی به فتح اول تلفظ می‌شود)	۱۲۰، ۱۲۱	jujube
عناد (منط.)	۹۸	conflict
عناد تام	۹۸	complete conflict
عناد غیر تام	۹۸	incomplete conflict
عناد ناقص	۹۸	incomplete conflict; defective conflict
عناصر اربعه	۱۰۴	the elements
عناصر کلام	۳ـ ۸۰	basic categories of speech
عِناق (نجـ.)	۳۶	Mizar
عَنانَه [= عُنّه و عَنَن: ناتوانی جنسی] (نیز ← عنین)	۴۲	impotency
عنایت	۴۲،۵۷،۸۰،۹۵،۱۰۸	providence
	۲۱،۲۹،۴۲،۱۰۳	favour
	۲۹	blessing
	۹۹	attentiveness
	۴۲	grace
عنبر	۸۰، ۲۵، ۱۸	ambergris
عنبرین	۱۸	perfumed with ambergris
عِنبیّه [در چشم]	۷۱	Iris of the eye
عندالحاجة	۴۲	in time of need

عندالله (قرآنی)	۷، ۸۷	from Allah
	۴۵	in the sight of Allah
عنصر	۱۱،۱۰۳،۱۰۴،۱۲۹	element
عنصر آغازین [اسطقس]	۱۱	original element; primordial element
عنصر بسیط	۱۱	simple element
عنصر مرکب	۱۱	compound element
عنصری	۱۱	elemental
عُنف	۱۲۰	violence; harshness
عنفوان	۱۲۰	prime; bloom
عن‌قریب	۱۲۰	soon; before long
عنکبوت [سوره]	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰	The Spider
عنوان	۱۲۰	address
عنوان (نام کتاب)	پ	title
عُنّه [= عَنَن و عَنانه: ناتوانی جنسی)	۱۵	impotence; impotency
عنین	۱۵	impotent
عوارض الخاصّه	۸۰	intrinsic accidents
عوالم	۸۰	various worlds
عوام	۲۵	common people; vulgar class
	۴۲	populace
	۱۴	multitude
عوج بن عَناق	۹۹	Og the son of Anak
عُود	۸۰، ۵۹	aloes wood
عَود	۱۰۴	return
	۱۱۷	recurrency
عَود نشأت	۶۹	repetition of production
عورت [جمع این کلمه به صورت عَورات قرآنی است.]	۹۹	pudendum

	۲۰	genital region
	۱	nakedness
	۴۲	private parts of the body
عورتین	۴۲	the two private parts
عوض	۸۵	countervalue
	۸۰_۴	exchang value; compensation
عون	۱۲۱	help; aid; assistance
عویص	۱۲۱	difficult (to comprehend)
عهد (قرآنی)	۶،۴۵،۴۷،۸۰،۸۷،۱۰۳،۱۱۳	covenant
	۴۲ ،۸۰	agreement
	۴۲ ،۴۵	treaty
	۶	promise
	۴۰	convention
	۵۲،۱۰۹،۱۱۸،۱۱۹	compact
	۸۰	injunction
	۴۲	contract; a vow
	۴۷	testamentary designation
عهد الست	۵۲	«Am I not»'s compact
عهد جدید (شامل اناجیل و چند رسالهٔ دیگر)	۴۳ ،۸۰	New Testament
عهد عتیق (شامل تورات و چند کتاب و رسالهٔ دیگر)	۳۸ ،۴۲ ،۸۰	Old Testament
عهدشکنی	۴۲	breach of promise
عهدنامه	۳	protocol
عُهده	۱۲۰	charge, trust; responsibility; obligation
عیادت	۳۸	visiting sick people
عیاذ بالله	۴۲	God forbid
عیار	۹۹	standard
عیار فلزات	۱۲۹	fineness

عیّار [بعضی بر آنند که این کلمه معرب ایار پهلوی و «یار» فارسی است.]	۳ـ ۸۰	tricheurs
	۳۷	vagrant
	۲۱	brigand
عیال‌الله	۱۰۳	God's family
عیب	۱۰۳، ۵ ـ ۸۰، ۲۹	defect
	۶۸	vice
	۴	blemish
عیب ظاهر	۱۰۳	outward defect
عیب‌پوشی	۳۱	concealment of a fault; overlooking another's shortcomings
عیبجو	۵۲	censorious
عیبجویی کردن	۱۰۰	find fault
عیب‌گویی	۱۴	maligning
عید (قرآنی)	۱۰۰، ۸۰، ۴۵	festival
	۱۰۱، ۴۵، ۳۸	feast
عید اضحی [عید قربان]	۴۲	Feast of Sacrifice
	۵ـ ۸۲	Festival of Sacrifice
	۴۵	Sacrificial Feast
	۲	Day of Sacrifice
	۳ـ ۸۰	Sacrificial Festival
عید صیام [عید فطر]	۵۵	Feast of the Fast
عید غدیر	۳۱	Feast on 18th Zul- hijjat
عید فطر	۴۲	Feast of Fast-breaking
	۳ـ ۸۰، ۴۵	Festival of Breaking the Fast
عید قربان ← عید اضحی		
عید نحر ← عید اضحی		
عیسیٰ (ع) [حضرت مسیح] (قرآنی)	۱۰۹، ۱۰۳، ۸۷، ۴۱	Jesus

عیسی ابن مریم(قرآنی)	۱۰۹، ۸۷	Jesus, son of Mary
	۷	Isa, son of Marium
عین	۱۰۳	essence
	۱۱	object
	۹۶	identity; individual idea
عین الجمع	۹۳	essence of union
عین الدیک ← چشم خروس		
عین الیقین (قرآنی)	۱۰۰، ۸۹، ۷	eye of certainty
	۱۱۳	reality of certainty
	۸۷	sure vision
	۸۰_۳	visual certainty
	۱۰۳	intuitive (actual) certainty
	۵۲	certainty itself
	۲۱	certain sight
عیناً	۱۲۰	exactly; just
عینی	۹۵	objective
	۱۰۸، ۱۱	concrete
عینیّت	۹۵، ۱۱	objectivity
	۱۰۸	identity
عَیّوق (نجـ.)	۳۶	Capella

غ

غائب	۸۰_۵	the vanished one
	۱۰۸	invisible
غائب (دسـ.)	۱۲۸، ۶۵	the individual spoken of ; third person

غائط ← غایط		
غائله	۱۲۰	misfortune; evil
غار	۱۲۹	cave; cavern
غارت	۲۵	plunder
غازی (نیز ← غزا؛ غزوه)	۸۲ـ۵	fighter for the faith
	۵۲	warrior
غاشیه [سوره]	۱۱۲، ۱۰۰	The Enveloper
	۸۷	The Overwhelming
	۷	The Overwhelming Calamity
غاصب (نیز ← غصب)	۸۵، ۴۲	usurper
	۶۱	abator
غافر [سوره]	۱۱۲، ۴۵	The Forgiver
غافر الذنب (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Forgiver of sins
غافل (قرآنی)	۱۰۳،۱۰۰،۸۷،۵۲	heedless
	۸۷	unaware
	۱۰۳	forgetful
	۲	negligent
غالب (قرآنی)	۸۷، ۷	victorious
غالب الظّن	۸۰ـ۵	strong putative probability
غالی ← غلاة		
غالیه	۱۲۱	Galia moschata: a perfume made of musk and ambergris
غانغرایا [= قانقاریا / غانقرایا] (پز)	۱۲۴، ۱۲۰	gangrene
غایب ← غائب		
غایت (فلـ.)	۱۱۱،۱۰۸،۱۰۵،۱۰۲،۹۵،۹۳،۱۱	end
	۱۰۸، ۱۰۲	goal
	۱۱	finality
	۱۶	objective

	۷۹	limit
غایت بالذات	۱۰۲	essential goal
غایت بسیط	۱۰۲	simple goal
غایت ثانوی	۱۶	secondary objective
غایت خاصّه	۱۰۲	special goal
غایت عامّه	۱۰۲	general goal
غایت قصوی	۶۹	ultimate end
	۴۴	final end
غایت مرکب	۱۰۲	composite goal
غایت نهائی	۱۱	final end
غایط (فقـ.)	۱۲۰	feces; excrement
غایی	۱۱	final
غِب	۱۲۱	visiting some one at intervals
	۱۲۰	visiting every other day
غبار	۸۰، ۷۴	dust
غبطه	۱۲۳، ۱۲۰	envy
غبن (نیز ← تغابن)	۶۱، ۴۲، ۳۱	fraud
	۸۵، ۶۱	deception
	۴۲	deceit
	۳۱	cheating; gulling
غبن فاحش	۸۵	grave deception; fraud
	۴۲	laesio enormis; excessive loss
	۶۱، ۳۱	gross (or notorious) fraud
	۶۱	evident deception
غَبی	۱۲۰	stupid; dull
غَثّ و سمین	۱۲۰	worthless and worthy
غث و سمین (بع)	۱۲۸	inconsistency
غثیان	۱۲۰	nausea; vomiting
غَد (قرآنی) [= فردا]	۸۷، ۷	tomorrow

غدیر (نیز ← عید غدیر)	۴۲	pond; pool
غُراب (قرآنی)	۸۷	raven
	۷	crow
غرابت استعمال (بع.)	۱۲۸	barbarismus; barbarilexia; bar barism
غرامت	۲۲، ۶۳	indemnity
	۴۲	compensation
	۲۲	penalty
غرامت جنگی	۶۳	war indemnity
غربال	۱۲۹	mesh; riddle
غربال کردن	۱۲۹	sieve
غربت	۲۱	strangerhood
غَرَر (فقـ.)	۸۶	uncertainty; risk
غَرْس	۱۲۰	planting
غرض	۶۹، ۹۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱	purpose
	۶۹	goal
	۹۹	selfish interest
	۲۱	selfish motive
غرض شخصی	۶۱	private motive
غرض کلّی	۶۹	universal goal
غُرفه (قرآنی)	۴۵، ۱۰۰	lofty chamber
غَرْق (قرآنی) [همین کلمه به صورت غَرَق نیز در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷، ۸۷	drowning
غرق نور	۱۰۳	plunged in light
غرناطه [= گراناذا، شهری در جنوب اسپانیا، از مراکز فرهنگ و تمدن اسلامی]	۴۲، ۱۲۵	Granada
غروب (قرآنی)	۷، ۷۴	setting
	۱۲۰	sunset

غُرور (قرآنی)	۷	deceive
	۹۰	deceit
	۸۷	delusion
	۹۹	deceitfulness
غُرّه (نخستین روز هر ماه؛ مق.سلخ)		the first day of the month
غره	۲۵	proud
غریب	۸۰، ۲۸	rare
	۸۰	unfamiliar
	۵۴	occult
غریب [= بیگانه]	۶	stranger
غریزه	۱۲۵، ۹۵	instinct
	۷۹	temperament
غزا (نیز ← غزوه؛ جهاد)	۱۲۰	war (against infidels)
غزال [معادل انگلیسی این کلمه متخذ از همین کلمهٔ عربی است]	۲ـ ۸۰	gazelle
غزل (ادب.)	۵ـ ۸۰، ۵۲	lyrics
	۸۰ـ۲	song; elegy of love
	۱۲۸، ۲ـ ۲۶	ode
	۱۲۸	ghazel
غزلیّات (ادب.)	۸۰	lyrical poems
غزنویان	۱ـ ۲۶	Ghaznawids
غزوه (نیز ← جهاد)	۱۰۹، ۹۹، ۸۴	raid
	۹۹، ۳۷	expedition
	۱۱۳، ۳۸	battle
غزوهٔ خندق	۳۸	Battle of the Ditch
غزوهٔ فتح	۱۱۳	Battle of Conquest of Mecca
غسّاق (قرآنی) [خون و ریم دوزخیان]	۱۰۰	pus

غسال	۱۰۱	corpse- washer
غَسَق [لانور] (قرآنی)	۴۶، ۷	darkness
	۱۳	obscurity
	۱۱	not-light
غسل [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۸	legal bathing
	۸۳	ritual ablution
	۸۰ـ۲	major ritual ablution
	۴۵	ritual washing
غسل ارتماسی	۲۰	immersion
غسل ترتیبی	۴۲	ordinal bath
	۲۰	systematic [ablution]
غسل جنابت	۱۳	ablution after sexual intercourse
	۴۵	major ritual ablution
غسل میّت	۲	funeral ablution
غِسلین (قرآنی) [= آنچه بپالاید از اندام دوزخیان]	۱۰۰	foul pus
غشاوه (قرآنی)	۸۷، ۷	covering
غَشْی	۱۲۰	fainting; swooning
غصب (قرآنی)	۸۵، ۶۱	usurpation
	۸	usurpery
غصبی	۹	illegitimate
غُصّه	۱۲۰	grief; sorrow
غضب (قرآنی)	۱۱۱، ۱۰۴، ۹۵، ۵۷، ۴۵	anger
	۱۱۹، ۱۱۸	wrath
	۹۹	wrathfulness; zeal
غضب الهی	۷	Allah's wrath
	۱۲۰	God's wrath
غِطاء (قرآنی)	۸۷، ۷	covering

غفّار [الغفّار] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۵، ۴۲	The Forgiver
	۱۰۰، ۱۱، ۶	All- Forgiving
غفران (قرآنی) (نیز ← مغفرت؛ استغفار)	۹۰، ۳۱	remission
	۱۰۰، ۹۰، ۷	forgiveness
غفلت (قرآنی)	۲۹، ۷	negligence
	۱۱۹، ۱۱۸، ۱۰۳، ۱۰۰، ۲۱	heedlessness
	۲	neglectfulness; obliviousness
غفور [الغفور] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰، ۴۲	All- Forgiving
	۸۷	Forgiving
غِلّ (قرآنی)	۸۷	rancour
غُلاة [از فرق شیعه]	۹۹، ۸۰، ۲۶	Extremists
	۴۵	The Extreme Shi'as
	۳۸	Zealots
غلاظ (قرآنی)	۴۵	rough
	۱۰۰	harsh
غلاف	۱۲۰	sheath
غُلام (قرآنی) (نیز ← غِلمان)	۴۲	male slave
غلام (فقـ.)	۵ـ۸۲	slave
	۱۰۹	retainer
غلامبارگی [= لواط]	۱۲۰	pederasty; sodomy
غلبات وجد (تصـ.)	۱۴	throes of ecstasy
غلبه	۹۰	overmastery
	۲۱	preponderance
	۱۱۸	overwhelming
غَلَط	۹۵	false; error
غلط گیری [= نمونه خوانی]	پ	proof-reading

غلطنامه	۱۲۰	errata; corrigenda
غِلْمان (قرآنی)	۱۰۰	youths
غلمان (فقـ.)	۵ـ ۸۰	slave
غلّو [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۲ـ ۸۰، ۴۷	exaggeration
	۴ـ ۸۲	extremism
	۵ـ۸۰	hyperbole
	۲۱	extravagance
غلّو (بع.)	۱۲۸	impossibilia; adynaton
	۲۱	effervescence
غلیظ القلب (قرآنی)	۱۰۰	hard of heart
	۷	hard hearted
غم (قرآنی)	۸۷	grief
	۷	sorrow
غمّاز	۲۵	informer
	۵۲	layer of information
غَمَراتِ المَوت (قرآنی)	۷	agonies of death
	۸۷	pangs of death
غَنا	۱۱۳	profane singing
غِناء (نیز ← استغنا؛ غنی)	۲۹	needlessness
غنائم ← غنیمت		
غُنّه (دستـ.)	۱۲۰	nasal pronunciation
غنی [الغنی] (اسم الهی) (قرآنی)	۷، ۲۴، ۴۵، ۱۱۰	The Self- Sufficient
	۸۰، ۸۷، ۱۰۸	The Independent
	۱۰۰	All- Sufficient
غنیمت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← مَغانم)	۴۵، ۴۷، ۸۰، ۸۵	booty
	۳۷، ۴۲، ۴۵، ۸۴	spoils of war

	۳۸، ۴۲	plunder
	۳۷	pillage
	۲	collective property
غوّاص (قرآنی)	۷،۸۷،۱۲۰، ۱۲۹	diver
غوایت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱	going astray
غوث (تصـ.)	۵۳، ۸۰	The Helper (of the world)
	۸۰	supreme succour
	۴۵	succour; deliverance
غَور (قرآنی)	۷	sink down
غور رسی	۱۲	delve into
غوص	۱۲۰	diving
غوطه	۱۲۰	plunging
غوغا	۱۲۰، ۱۲۱	1. uproar; tumult 2. mob
غَول	۴۵	insidious destruction
غُول	۱۲۰	giant
	۴۵	cannibal; ogre
غَیّ (قرآنی)	۷، ۸۷	error
غیاب	۶۱، ۹۵	absence
غیاث المستغیثین [صفت خداوند]	۱۲۲	Aider of the seekers of aid
غیب (قرآنی)	۵۲،۶۴،۸۷،۱۰۰، ۱۰۹	The Unseen
	۱۱، ۸۷، ۱۰۳	The Invisible
	۱۱۳	The Concealed
	۹۹	Supernatural
غیب [عالم غیب] (نیز ← عالَم غیب)	۱۰۴	Hidden things; Hidden world
	۱۰۳	Unseen world; world unseen
غیبت [مقـ. حضور]	۹۰،۱۱۷،۱۱۸، ۱۱۹	absence
	۴۵، ۹۳	concealment

	۱۰۹، ۴۵	occultation
غیبت صغری	۶۸	lesser occultation
	۳۷	minor occultation
غیبت کبری	۳۷	major occultation
	۶۸	greater occultation
غیبت (اخلـ.) [به معنی بدگونی در غیاب کسی؛ مصدر دیگری از آن به صورت اغتیاب و به همین معنی، قرآنی است.]	۵۲	calumny
	۴۲	back-biting; slander
	۱۰۰	backbite
غیب دان (نیز ← علام الغیوب؛ عالم الغیب و الشهادة)	۵۲	The Knower of the Unseen
غیرت	۱۰۳، ۹۰، ۱۸	jealousy
	۱۲۳	zeal
غیرت حق	۱۰۳	jealousy of God
غیرت دینی	۱۱	religious zeal
غیر حسّی	۱۱	non-sensory
غیر زمانی	۱۱	non-temporal
غیر شخصی	۱۱	impersonal
غیر صنوان (قرآنی) [= مجازاً: ناهمانند] (نیز ← صنوان)	۸۷	unlike
غیر قدیم [محدث]	۱۱	non-eternal
غیر قیاسی	۹۵	asyllogistic
غیر مادی [مجرّد] (نیز ←مفارق)	۱۱	immaterial
غیر مباشر [غیر مستقیم]	۱۱	indirect
غیر متجلّی	۱۱	unmanifested
غیر متحیز	۱۰۴	unextended
غیر متعدّی	۹۴	non-transitive

غیر متعیّن	۱۱	indeterminate
غیر متقارن (منط.)	۹۴	non-symmetrical
غیر مخلوق [قدیم]	۳_ ۱۱ ،۸۰	uncreated
غیر مستند	۴۴	unwarranted
غیر معلول [غیر مخلوق]	۱۱	uncaused
غیر مفارق [ممتنع الانفکاك]	۱۱	inseparable
غیر مکانی [لامکان]	۱۱	non-spacial
غیر منبسط	۹۴	undistributed
غیر موجّه	۶۱	inexcusable
غیریّت	۴۴ ،۱۰۲	otherness
	۹۵	alterity
غیظ (قرآنی)	۷ ،۸۷	rage
غیور	۶۹،۱۰۳	jealous

ف

فاتح	۱۲۰	conqueror
فاتحه [سوره]	۴۲،۸۷،۸۸ ،۱۰۰	The Opening
	۴۲	The Preface; Introduction
فاتحه الکتاب	۱	The Opening of the Book
	۴۲	The Opening Chapter of Quran
فاجر [این کلمه وجمع مکسرآن به صورت فجّار نیز قرآنی است] (نیز ← فجور)	۹۰ ،۹۹	sinner
	۱۰۰	libertine
	۷ ،۱۰۶	immoral

فاحش	۱۶	gross
فاحشه (قرآنی) [= کار زشت و ناشایستی].	۷	indecency
فاحشه [زن خودفروش]	۱۲۰	prostitute
فارابی	۳۷	Alfarabius; Avennasar
فارس	۱۲۱	Persia
فارسی	۱۲۱	Persian
فارغ (قرآنی)	۸۷	void
	۷	free
فارق	۱۰۷	relinquish
فارقلیط [به زعم مسیحیان مراد از آن روح‌القدس و به اعتقاد بعضی از مسلمانان مراد از آن پیامبر اسلام (ص) است.]	۱۲۵، ۴۲	Paraclete
فاروق	۶	distinguisher
	۱۴	discriminator
فاسد	۸۵، ۸۰	defective
	۴۵	deficient; imperfect; incorrect
	۸۰	corruptible
فاسد الاخلاق	۱۲۰	immoral
فاسد العقیده	۴۲	heretic
عقد فاسد.	۸۰	irregular contract
فاسق (قرآنی)	۴۲،۴۵،۴۷،۸۵،۱۱۰	sinner
	۱۰۶، ۸۴، ۴۲	evil-doer
	۱۱۲، ۱۰۰، ۵۳	ungodly
	۸۷، ۶۴	miscreant
	۸۷، ۲۹	wrong-doer
	۸۷	evil-liver
فاصله [عر.]	۲۸	division

فاضل	۴۷ ،۱۱۷	virtuous
	۴۷	learned; excellent
	۴	erudite
	۸۰ _۴	great intellectual [person]
فاضلاب	۱۲۹	sewage
فاطر [الفاطر] (اسم الهی) (قرآنی)	۷ ،۸۷ ،۱۱۲	Originator
فاطر [سوره]	۸۷ ،۱۰۰	The Angels
	۷ ،۱۱۲	The Originator
فاطمیّون	۱۲ ،۴۲	Fatimids
فاعل	۲۱،۱۰۲،۱۰۴،۱۰۵،۱۰۸،۱۱۱	agent
	۸۰ _۵	efficient
	۶۵ ،۱۲۸	subject
فاعل (دسـ.)!	۸۰ _۵	beings subject to origin
فاعل المحدثات	۱۰۲	Divine agent
فاعل الهی	۴۰	prime agent
فاعل اوّل	۱۰۵	first agent
فاعل بالتجلّی	۱۰۲	agent-by-self-manifestation
فاعل بالتسخیر	۱۰۲	agent-by-compulsion
فاعل بالجبر	۱۰۲	agent-by-being-forced
فاعل بالذّات	۱۰۲	essential agent
فاعل بالرّضا	۱۰۲	agent- by- agreement
فاعل بالطبع	۱۰۲	agent- by-nature
	۱۰۵	natural agent
فاعل بالعَرَض	۱۰۲	accidental agent
فاعل بالعنایه	۱۰۲	agent- by- foreknowledge
فاعل بالقسر	۱۰۲	agent- by- being- pushed
فاعل بالقصد	۱۰۲	agent- by- intention
فاعل بسیط	۱۰۲	simple agent
فاعل بعید	۱۰۲	remote agent

فاعل جزئی	۱۰۲	particular agent
فاعل عام	۱۰۲	general agent
فاعل قریب	۱۰۲	proximate agent
فاعل کلی	۱۰۲	universal agent
فاعل مختار	۹۹ ،۱۰۵	voluntary agent
فاعل مرکب	۱۰۲	composite agent
فاعلیّت	۵۶	activity
فاق	۷۸	groove; notch; notching
فاقد	۱۲۰	missing; lacking
فاقه	۳۱ ،۴۵	poverty
	۳۱	necessity; want
	۲۱	starvation
فاکهه (قرآنی) (نیز ← فواکه)	۷ ،۸۷	fruit
فال (نیز ← تفأل)	۴۲	omen; a lot
فال بدزدن (نیز طائر؛ تطیّر)	۱۰۰	augur ill
فال بینی	۱۲۰	fortune-telling
	۴۲	sooth saying; divination
فالج [= رعشه، نام بیماری برابر با فلج، و نه نام کسی که گرفتار این بیماری است.]	۸۰ ـ۵	hemiplegia
	۷۱	paralysis
فالق الاصباح (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	The Cleaver
فالق الحبِّ و النّوىٰ (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	God Who splits the grain and the date-stone
فالنامه	۸۰ ـ۲	book of divination
فانوس	۱۲۹	lantern
فانوس دریایی	۱۲۹	lighthouse
فانی (قرآنی) [این کلمه در قرآن مجید به صورت فانٍ به کار رفته است.]	۱۰۰	perishing

	mortal	۱۱
فانی از خود (تصـ.)	dead to self	۲۱
فاهمه	understanding	۴۶
فایده	value	۹۲
فبها	well	۱۲۰
فتّاح [الفتّاح] (اسم الهی) (قرآنی)	The Opener	۴۲، ۴۵
	The Gratest Judge	۷
	The Final Opener	۴۵
	The victorious; the Judge; the Revealer	۸۰
فتاوی (نیز ← فتویٰ)	responsa	۹۹
فتح [سوره]	The Victory	۷، ۸۷، ۸۸، ۱۰۰
	Conquest	۴، ۸۰، ۱۰۹
فَتْرَت (قرآنی)	cessation	۷، ۸۷
	intermission	۳۸، ۴۲
	interval	۸۷، ۹۵
فَتق (پز)	hernia	۷۱، ۱۲۰
فتنه (قرآنی)	sedition	۴، ۸۰، ۱۰۰، ۱۱۳
	temptation	۸۷، ۹۰، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹
	persecution	۴۵، ۸۷، ۱۰۰
	trial	۱۰۰، ۱۱۳
	commotion; disturbance	۶
	civil war	۵۱، ۸۳
فتوا ← فتویٰ		
فتّوت (نیز ← فتیٰ؛ فَتَیات)	generosity	۱۶، ۱۰۳
	chivalry	۵۸، ۸۲
	magnanimity	۲۷
	piety	۴۵
	self- sacrificing love	۱۴

فتویٰ [از این رشته مشتقات اِفتاء و استفتاء در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← فتاوی)	۱۰۶، ۹۹، ۸۲، ۵۱	legal decision [of a *mofti]*
	۸۰، ۵۰، ۳۷	legal opinion
	۱۰۰، ۲۸	pronouncement
	۶۱، ۲۹	judgement
	۳۱	judicial decree
فتویٰ دادن	۲	pass judgement
	۶۴	give decree
	۵۲	give ruling
	۶۱	adjudge
فتیٰ (قرآنی)	۸۷، ۷	youth
	۱۴	knight
لافتی الاَّعلی	۱۴	There is no true knight but Ali
فَتَیات (قرآنی) [= کنیزان، زنان جوان]	۸۷	maids
	۷	maidens
فتیل (قرآنی) [= پوستهٔ هستهٔ خرما]	۱۰۰	date-thread
فتیله	۱۲۰	wick
فجّ (قرآنی) [= راه]	۷	path
فُجْاه	۱۲۰	sudden death
فُجار ← فاجر		
فجر [سوره]	۱۰۰، ۸۸، ۸۷	The Dawn
	۷	The Daybreak
فجور (قرآنی) (نیز ← فاجر)	۴۲	wickedness; debauchery
	۱۰۰	lewdness
فحاشّی	۶۱	abusiveness
فحشاء (قرآنی) (نیز ← فاحشه)	۱۰۰، ۷۹	indecency

	۸۷	lewdness; foul
	۱۵	promiscuity
فحص	۱۲۱، ۴۰	examination
فحل	۱۲۱	outstanding personality
	۸۰ـ۴	stallion
فحوا	۲۷	connotation
	۱۲۱	signification
	۴۴	nuance
فَخّار (قرآنی) [= سفال]	۱۰۰، ۸۷	potter's clay
	۷	earthen vessels
فَخِذ [در علم انساب]	۲۸	sub-sub-tribe
فَخِذ (نجـ.)	۱۲۷، ۳۶	Phecda
فخر [از این ریشه تفاخر و فَخُور در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۲ـ۴	glorification
	پ	pride; honor
فداء (قرآنی)	۱۰۰، ۸۰ـ۳، ۷	ransom
فدائی [اسماعیلیّه]	۸۲ـ۵	Assassin
فدائیان اسلام	۲۷	The Devotees of Islam
فداکاری	۲۹	self-sacrifice
فدیه (قرآنی)	۱۰۰،۸۷،۸۴،۴۵،۴۲	ransom
	۱۰۰، ۸۴	redemption (money)
فَذْلَکه	۱۲۱	résumé; summary; outline; abstract; epitome
فرّ	۶۹	aura
فُرات (قرآنی) [= آبِ خوش]	۸۷، ۷	sweet (water)
فُرات [رود معروفی که با دجله، شط العرب را در عراق تشکیل می‌دهد]	۹۹، ۴۳	Euphrates
	۴۳	Firat Nehri; al-Furat

فُرادیٰ (قرآنی) [یکان یکان] (در عرف فارسی زبان این کلمه غالباً صفت نمازی که به تنهائی خوانده شود ـ در مقابل نماز جماعت ـ قرار می‌گیرد)	۸۷	solitary
	۷	alone
فِرار (قرآنی)	۸۷	flee
فراست (نیز ← علم فراست)	۹۰	insight
	۴ـ ۸۰	foresight; thought reading
	۵۶	perspicacity
	۵ـ ۸۰	physiognomancy
	۵۹	physiogonomy
فَرّاش	۱۲۰	servant
فِراش	۸۵	marriage bed
فراعنه (نیز ← فرعون)	۴۲	Pharoahs
فراغ (فلـ.)	۱۰۶	imaginary space
فراغ	۱۲۰	leisure
فِراق (قرآنی)	۸۷	parting
	۱۰۳، ۱۸، ۷	separation
	۱۰۳	severance
فرایض ← فریضه؛ فرض؛ ادای فرایض		
فرتوت	۲۵	decrepit
فَرْج ← فروج		
فَرَج	۸۰	deliverance
	۱۴	relief
فرج بعد از شدّت	۸۲، ۸۰	joy after sorrow
فَرج و ظهور	۲۷	viaticum and Return
فَرح [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷، ۷	rejoicing

The One ۹۲
فرد [الفرد] (اسم الهی) (غیر قرآنی)
The Odd ۱۱
Alphard ۳۶
فرد (نجـ.)
fard (or unit) ۲ـ ۲۶
فرد (بیت شعر؛ تک بیت)
onefold ۴۶
فَردانی (منسوب به فرد)
singularity ۱۴
فردانیّت
isolation ۲۱
The Resurrection-morn ۳۱
فردای قیامت
Paradise ۴۲ ،۱۰۳
فردوس (قرآنی) [این کلمه معرب کلمه‌ای فارسی و اصلاً اوستائی است. معادل انگلیسی آن هم متخذ است از اصل فارسی - اوستائی، که ابتدا به زبان یونانی و از آن طریق به لاتین و اغلب زبانهای اروپائی رفته است.]
Heaven ۵۵
The Highest Heaven ۵۵
فردوس برین
individuality ۱۱،۹۵
فردیّت
parasang ۸۰ ،۹۹
فرسخ [معرّب فرسنگ فارسی است. و معادل انگلیسی آن هم، متخذ از فرسنگ فارسی است.]
league ۱۹
فرسنگ
milestone ۱۲۹
فرسنگ شمار [کیلومتر شمار]
earth; lowest earth ۱۰۳
فرش [مقـ. عرش]
flooring ۱۲۹
فرش
carpet ۱۲۰
angel ۲۲ ،۱۰۳ ،۱۱۵
فرشته (نیز ← مَلَك؛ ملائکه)
heavenly angel ۱۰۳
فرشتهٔ آسمانی

	۲۲	celestial angel
فرشتهٔ رقیب	۱۳	angel which watches over
فرشتهٔ مقرب [ملك مقرب]	۴۵	Archangel
	۱۰۹	Angel - closed to God
فرشتهٔ نگهبان	۱۳	guardian angel
فرشته‌شناسی	۱۳	angelology
فرصت	۱۲۱	opportunity; chance
فرض (نیز ← فرایض)	۹۵، ۹۲، ۲۹	supposition
	۲۵	precept
فرض (منط.)	۹۸، ۹۴	assumption
	۹۴	hypothesis
فرض (فقـ.) [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۰_۲، ۴۷	religious duty
	۴۷، ۶	obligation
	۸۵، ۸۱	duty
	۸۷	incumbent duty
فرض عینی [= فرض العین = واجب عینی]	۸۰، ۴۲	individual duty
	۸۰	imperative duty
	۳۷	personal duty
فرض کفایه [= فرض الکفایه = واجب کفائی]	۸۰	collective obligation; duty incumbent on the community
	۴۲	collective duty
فرضی	۱۱	hypothetic (-al)
فرضیّه	۱۱	hypothesis
فرضیّه مقدم [ملزوم]	۵۶	premise
فَرْط [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← افراط ؛ تفریط)	۱۲۰	excess

فارسی	صفحات	English
فرع (منط.)	۳۴، ۹۷	branch
	۸۳، ۱۰۳	derivative
فرع [مق. اصل]	۵ـ ۸۰	derived case; secondary thing
فرعون (قرآنی) (نیز ← فراعنه؛ تفرعن	۴۳،۴۵،۸۷، ۱۰۰	Pharaoh
فرعیه (منط.)	۴۵	derivative
فرغانی [= آلفرا گانوس] پ (محمدبن کثیر، منجم مسلمان در دربار مأمون و متوکل)		Alfraganus
فرفریوس [شاگرد افلوطین، و صاحب *ایساغوجی* در منطق]	۴۲	Prophyry
فرق	۴۰، ۸۰، ۸۵	distinction
	۱۱۸، ۱۱۹	separation
فرق حسّی	۹۲	sensible distinction
فرق عقلی	۹۲	intelligible distinction
فرقان [قرآن] (قرآنی) (نیز نام سوره)	۷، ۸۰، ۸۷	The Criterion
	۴۵، ۱۰۰، ۱۱۲	Salvation
	۴۲	The Distinguisher
	۴۵	Discrimination
	۱۱۳	The Criterion distinguishing truth from falsehood or error
فرقت	۲۱	severance
فرقدان (نجـ.)	۳۵	Deux Veaux
فرقه (قرآنی) [برای فرقه‌های مذهبی اسلامی ← نام یکایك آنها]	۷، ۸۷	party
	۱۱،۴۲،۸۰،۱۰۴	sect
	۳ـ ۸۰	subdivision

	۴۲	order (Sufi)
	۴	group
فرمان	۸۰، ۷۳، ۴۲	decree
	۸۰_۲	official document
	۴۲	command; ordinance
فرماندار	۶۱	governor
	۸۰	deputy governor
فرمانروایی	۲۹	governance; sovereignty
فروتنی (اخـ.)	۹۵، ۴	modesty
فروج (قرآنی) [در قرآن مجید به یکسان بر عورت و آلت مرد و زن اطلاق می گردد.]	۱۰۰	private parts
فروسیت [= شهسواری = شوالیه گری]	۵_ ۸۰، ۶۹	chivalry
فروع (مقـ. اصول)	۸۵	positive laws
	۳۱	fundamental principles
	۱_ ۲۶	applications
فروق ← فرق		
فره	۱۱	charisma
فره ایزدی	۲۷	Divine grace
فرهمند	۱۱	charismatic
فرهنگ	۴	culture
فرهنگ اسلامی	۴	Islamic culture
فریب	۶۱	deceit
	۱۵	delusion
	۳۴	illusion
فریضه (قرآنی)	۸۷، ۸۰	duty
	۸۷، ۶۴	injunction
	۸۰_۴	canonial obligation; obligatory rule

محشور (قرآنی) (نیز ← حشر)	۱۰۰	mustered
محشور شدن	۱۰۰	be mustered
محصّل	۱۲۰	student
		tax-gatherer
مُحصَّل	۱۲۰	outcome issue
	پ	difinite
مُحصِن [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۱،۱۲۰	chaste; continent; married
محصنات ← محصنه		
محصنه [جمع سالم این کلمه به صورت محصنات در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۲،۸۷	married woman
	۱۰۰،۱۱۲	woman in wedlock
	۶۴	virtuous woman
	۷،۴۲	chaste woman
محصور	۱۱	quantified
محصول	۱۲۹	product; output
مُحصی [المحصی] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۸۰	The Numberer
	۴۵	The Reckoner and Recorder of all things in a book
محضاً لله	۱۲۰	for God's sake
محضر [اسناد رسمی]	۶۱	notary public's office
محضری	۶۱	notarial
محظور (قرآنی)	۷،۱۰۰	confined
	۷۶،۸۰	forbidden
محفل	۲۵	company; meeting; assembly
محفوظ (قرآنی)	۱۲۰	protected; preserved
	۷	guarded

فصاحت کلمه (بع.)	۱۲۸	explanation; clarity
فصاحت متکلّم (بع.)	۱۲۸	elegance
فِصال [از شیر گرفتن فرزند] (قرآنی)	۸۷، ۶۴	wean
فصد	۱۰۱	phlebotomy
فصل (جغـ.)	۱۲۰	season
فصل [= یك بخش از کتاب]	۱۲۰	chapter
فصل (منط.)	۱۱۱، ۱۰۲،۹۲،۴۲	differentia
	۸۰، ۹۷، ۱۷، ۱۱	difference
	۱۰۵، ۱۰۲	specific difference
فصل اشتقاقی	۱۰۲	derivative differentia
فصل حقیقی	۱۰۲	real differentia
فصل خاص	۲ـ ۸۰	particular difference
فصل عام	۲ـ ۸۰	general difference; common difference
فصل محصل	۱۰۲	actualizing differentia
فصل مشترك	۱۲۹، ۹۴	intersection
فصل مقسّم [فصلِ مُنَوّع]	۱۱	specific difference
فصل منطقی	۱۰۲	logical differentia
فصل الخطاب (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷، ۶	decisive speech
	۷	clear judgment
فصلّت [سوره]	۱۰۰	Distinguished
	۸۸	Made Distinct
فصول (کلـ.) (نیز ← فصل)	۱۰	differentiae
فصیح (نیز ← فصاحت)	۲ـ ۸۰	eloquent
فضا	۱۱	space
فضائل (نیز ← فضیلت)	۱۱۴، ۱۰۹، ۴۵	virtues
	۳ـ ۸۰	merits
	۱۱۳	excellences
فضل (قرآنی)	۱۱۲،۱۰۰،۸۸،۸۷،۵۷	bounty

اصطلاح	صفحه	English
	۱۱۱، ۹۹، ۹۲	virtue
	۱۰۳،۱۱۲،۸۷،۴۲	grace
	۶	eminence; superiority
	۱۰۳، ۲۳، ۱۱	excellence
	۱۰۹، ۱۱	merit
	۹۰	generosity
فضل الهی	۱۸	God's bounteousness
فضل ذاتی	۱۱	essential excellence
فضل طاعت	۱۰۳	excellence of piety
فضل طبعی	۱۱	natural excellence
فضل فطری	۱۱	innate merit
فضولی [قدمای عرب زبان و فارسی زبان به آنکه ما امروزه فضول می‌گوئیم، یعنی به شخص، فضولی می‌گفتند و به آنچه ما امروز فضولی می‌گوئیم، فضول می‌گفتند]	۸۵	unauthorized agent
فضه (قرآنی) [= نقره]	۸۷، ۷	silver
فضیحت	۲۱	disgrace
فضیلت (نیز ← فضائل)	۹۵، ۴۲، ۲۵	virtue
	۴۲، ۲۹	merit
	۹۹	excellence
فطر ← عید فطر؛ فطریه		
فطرت (قرآنی)	۸۷،۲۹،۱۶،۷	nature
	۳ـ ۸۰.	natural disposition
	۴۰	innate disposition
	۶۶	primordial nature
	۵۷	natural position
فطرت اولی	۶۹	primal genesis

God-seeking nature	۲۹	فطرت خداجوی
God-given nature	۱۲	فطرت خدادادی
God-knowing nature	۲۹	فطرت خداشناسی
innate	۱۶ ،۹۵ ،۱۱۷	فطری
natural	۱۱	
alms given on the festival at the end of Ramazan	۱۲۰	فطریه [= زکات فطر]
fissure	۱۰۰	فطور (قرآنی)
stern	۸۷	فَظّ (قرآنی) [= درشت خو]
rough	۷	
Doer of what He will	۸۷	فعال لمایُرید (اسم الهی (قرآنی)
act	۱۱،۹۵،۱۰۳،۱۰۵،۱۰۸،۱۱۸،۱۱۹	فعل (قرآنی)
doing	۷ ،۸۷	
action	۱۱،۵۶،۱۰۳،۱۰۴ ،۱۱۱	
actuality	۵۶ ،۱۰۵ ،۱۱۱	
actual	۱۰۷	
reality	۹۷	
actualized	۱۱۱	
activity	۵۶	
volitional action	۱۰۴	فعل اختیاری [= فعل بالاختیار]
action by free choice	۱۰۴	
act of will	۱۱	فعل اراده [= فعل بالاراده]
action by will	۱۰۴	
Divine action	۱۱	فعل الهی
human action	۱۱	فعل انسانی
action by instrument	۱۰۴	فعال بآلة
action by nature	۱۰۴	فعل بالطبع
action of God	۱۰۳	فعل حقّ

creative act	۱۱	فعل خلّاق
action of created beings	۱۰۳	فعل خلق
mental act	۱۱	فعل ذهنی
causal action	۱۱	فعل عِلّی
pure act	۱۱	فعل محض
verb	۱۲۸، ۸۰، ۶۵	فعل (دسـ.)
hollow verb	۷۰	فعل اجوف
triliteral verb	۶۵	فعل ثلاثی
quadriliteral verb	۶۵	فعل رباعی
sound verb	۶۵	فعل سالم
intransitive verb	۱۲۸	فعل لازم
causative verb	۱۲۸	فعل متعدی سماعی
doubled verb	۶۵	فعل مضاعف
weak verb	۶۵	فعل معتل
auxiliary verb; helping verb	۱۲۸	فعل معین
action and reaction	۲۹	فعل و انفعال
actual	۴۰	فعلی
actuality	۱۰۲، ۱۱	فعلیّت
actualization	۱۱	
poverty	۴،۷،۴۵،۸۰،۱۱۸،۱۱۹	فقر (قرآنی)
spiritual poverty	۵۸	فقر (عرفـ.)
jurisprudence	۱۲،۴۲،۴۵، ۱۰۳	فقه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ـ تفقه؛ فقیه)
knowledge	۴۵ ،۸۵	
Islamic jurisprudence	۴۷	
divine law; canonical law	۴۲	
Islamic law	۱۱	
demonstrative jurisprudence	۱۲	فقه استدلالی

فقه الاکبر	۱۰۳	greatest science of God
فقه اللغه	۴_ ۸۰، ۲۶	philology
	۹۹	jurisprudence of lexicography
	۴۲	etymology
فقهی	۱۶	legal
فقید [= متوفیٰ]	پ	late
	۱۲۱	deceased
فقیر (قرآنی)	۱۱۸	poor
	۴۵	needer
	۹۰	pauper
فقیه (نیز ← فقه؛ تفقه)	۱۵،۴۲،۴۵،۸۶،۹۸،۹۹،۱۰۹	jurist
	۹۳، ۸۰، ۳۱	juristconsult
	۴۵، ۴۲	canonist
	۴۲	expert of Muslim law
	۱۶	jurisprudent
فکاهه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۱۲۱	joking; jesting; humor
فکاهی	۱۲۱	humorous; humoristic; humorist
فکر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← تفکر)	۸۰، ۵۷، ۴۲، ۴۰	reflection
	۱۱،۴۲،۸۰،۹۵،۱۰۳،۱۰۸	thought
	۹۰، ۸۹، ۸۰	meditation
فکر استدلالی	۱۱	descursive thought
فکرت	۹۵	idea
فکّ رقبه (قرآنی) (نیز ← اعتاق؛ عتاق؛ آزاد کردن بنده)	۷	setting free of a slave
فک رهن کردن	۶۱	redeem
فلاح [رستگاری] [مشتقات این	۱۱	salvation

کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]

فلاحت	۲ـ۸۰	agriculture
فلز	۱۲۹	metal
فلزکاری (هنـ.)	۱۲۹، ۱۱۵	metal work; metal working
فلزگری	۱۲۹	metallurgy
فلسْطین	۴۳	Palestine; Holy Land
فلسفه	۹۵، ۶۹، ۱۱	philosophy
فلسفه اپیکوروس ← فلسفهٔ باغ		
فلسفه اخلاقی	۱۱	moral philosophy
	۱۱	ethical philosophy
فلسفه ارسطو (نیز ← فلسفهٔ مشاء؛ ارسطوگرائی)	۱۱	philosophy of the Lyceum
فلسفه استعلایی	۱۱	transcendental philosophy
فلسفه اصالت لذّت	۴۲	hedonism
فلسفه افلاطون ← فلسفه آکادمی		
فلسفه افلوطین ← افلوطین گرائی		
فلسفه التقاطی	۴۲	electic philosophy
فلسفه الهی	۱۲	metaphysics
فلسفه اولیٰ	۱۱	philosophia prima; first philosophy
	۱۱	primary philosophy
	۱۳	metaphysics
فلسفه باطنی	۱۳	esoteric philosophy
فلسفه باغ [فلسفهٔ اپیکوروس]	۱۱	philosophy of the Garden
فلسفه تحصلی	۹۵	positivism
فلسفه رواق	۱۱	philosophy of the Porch

فلسفه رواقی	۳۷	Stoicism
فلسفه طبیعی	۱۳	natural philosophy
فلسفه محض	۱۱	pure philosophy; philosophy proper
فلسفه مشآیی (نیز ← فلسفهٔ ارسطو)	۱۱، ۱۳	Peripatetic philosophy
فلسفه مطلق	۱۱	absolute philosophy
	۱۱۷	absolutism
فلسفه منطق	۴۶	philosophy of logic
فلسفه نوافلاطونی	۹۶	Neoplatonism
فلسفه وجودی	۱۱۷	existential philosophy
فَلَق [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰،۱۱۲	The Daybreak
	۷	The Dawn
فَلَک (قرآنی)	۸۰، ۳۲، ۷	celestial sphere
	۱۰۸، ۵۶	sphere
	۱۰۳، ۱۱	heaven
	۹۹	firmament
فَلَک اطلس	۱۱	sphere of Atlas
فَلَک اعلیٰ [فَلَک اقصیٰ]	۱۰۴، ۹۹	the highest sphere
فَلَک الافلاک	۱۱	highest sphere; outer sphere
فَلَک البروج [فلک الکواکب]	۱۳	heaven of the zodiacal sings
	۱۱	sphere of fixed stars
فَلَک التدویر (نیز ← تدویر)	۵۹	sphere of rotation
فَلَک اوّل	۱۱	first sphere
فَلَک خارج المرکز	۱۰۷	excentric sphere
فَلَک محیط ← فَلَک الافلاک		
فلکی	۱۱	heavenly
	۵۶	celestial
فلوطین ← افلوطین گرائی		
فم‌الحوت (نجـ.)	۳۵	Famolhout

فن	art	۹۵، ۲۶
	technique	۱۱۶
	discipline	۹۹
فن بلاغت (بع.)	ars praedicandi	۱۲۸
فن ترسل ← علم ترسل		
فن خطابت ← خطابه		
فن شعر ← بوطیقا		
فناء	annihilation	۶،۴۵،۵۷،۸۰،۹۵،۱۱۳
	extinction	۳۸،۵۶،۸۰،۸۹،۹۳
	destruction	۱۰، ۹۳
	death	۱۰۳
	mortality	۱۱
	dying to self	۳۴
فنا فی‌التوحید	extinction in unity	۹۳
	annihilation in Divine unity	۵۷
فنا فی‌الله	annihilation in God	۱۱
فناءِ کلّی	absolute annihilation	۴۵
فنا شدن	pass away	۱۰۳
	be annihilated	۳۴
فناناپذیری [= بقای روح]	immortality	۱۳
فواتح سُوَر	the beginnings of suras	۲۳
فواحش (قرآنی) (نیز ← فاحشه)	indecencies	۱۰۰
فواکه (قرآنی) نیز ← فاکهه	fruits	۸۷، ۷
فواید عامّه	public utilities	۷۵
فَوت	loss	۲۱
	passing away; dying; death	۱۲۰
فوران	jet	۱۲۹
فورفوریوس ← فرفریوس		
فوز (قرآنی)	salvation	۲۲

	۱۰۹، ۱۰۰، ۸۷	triumph
فوز عظیم (قرآنی: فوزاً عظیماً)	۱۰۹	great triumph
	۸۷	great success
	۸۷	supreme triumph
فوق العاده	۱۲۰	extraordinary
فوق حسّی	۱۱	super-sensual; super-sensible
فوق طبیعی	۱۱	super-natural
فولاد	۱۲۹	steel
فهرست	۱۲۰	list; index; catalogue
فهرست مندرجات	۱۲۰	table of contents
فهم	۴۰	understanding
فیّاض	۱۱	gracious
فی الجمله	۸۰	generally speaking
	۲۵	in short
فی المجلس	۴۲	on the spot
فی امان الله	۱۲۱	in God's protection
	۱۰۳	God protect thee
فَیء [بر وزن شیء] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۹، ۸۰، ۴۵	booty
	۴_۸۲	revenue rights
	۳۱	spoil; tribute
فیثاغورث [= فیثاغورس = پیتاگوراس]	۳۷	Pythagorath
	۲_۸۰	Pythagoras
فی سبیل الله (قرآنی:)	۸۷، ۷	in the way of Allah
	۶۴	for the cause of Allah
فیض (عرف. فلـ.)	۱۱۷،۱۰۷،۱۰۲،۹۶،۹۵،۹۳،۸۰،۴۲	emanation

English		
blessing	۳۷، ۲۹	
flux; generosity	۸۰	
grace	۲۹	
perpetual blessing	۲۹	فیض ابدی
most holy emanation	۹۶	فیض اقدس (عرف.)
holy emanation	پ	فیض مقدّس (عرف.)
effusion	۱۰۸	فیضان
emission	۱۱	
overflowing light	۹۲	فیضان النور
tidings	۴۶	فیضانات
The Elephant	۱۰۰، ۸۸، ۸۷، ۷	فیل [سوره]
philosopher	۹۵، ۵۶، ۱۱، ۴	فیلسوف
philosopher of illumination	۱۱	فیلسوف اشراقی
The First philosopher (Aristotle)	۵۶	فیلسوف اوّل [= معلم اول]
natural philosopher	۱۱	فیلسوف طبیعی
in itself	۱۱	فی نفسه
blessing	۱	فیوضات
legislative blessing	۱	فیوضات تشریعی
creative blessing	۱	فیوضات تکوینی

ق

English		
Alkaid	۳۶	قائد (نجـ.)
the Upholder	۲۴، ۶	قائم (صفت امام زمان، عج)
The Riser	۸۰	
subsisting	۱۰	

	۱۱۹	perpetual
قائم الزاویه	۱۲۰	right-angled; rectangular
قائم بالحقّ	۱۲	He who is supported by the Truth
قائم بالذات	۱۰۶	self-subsistent
	۱۸	self-existent
قائم باللّه	۱۰	subsisting in God
قائم به نفس	۱۱۰	independently subsistent
القائم علی کل نفس (اسم الهی) (قرآنی)	۷	Who watches every soul
قائم مقام	۲۲	deputy
	۶۱	locumtenens
قاب	۱۲۰	case; frame
قابساز (معمـ.)	۱۲۹	maker of paneled ceiling
قابض [القابض] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۸۰	He who restrains
	۴۲	The Restrainer
قابض الارواح	۱۲۰	angel of death
قاب طوماری (جلـ.)	۱۱۶	cartouche
قاب قوسین (قرآنی)	۴۲ ،۸۷	Two bows length (signifying nearness to God)
	۷	measure of two bows
	۳۴	The distance of two bows'length
قابل (فلـ.)	۱۰۵ ،۱۰۸	recipient
	۱۰۳	capable
قابل انعکاس	۱۱	convertible
قابل تشریح	۱۱	describable
قابل تعریف	۱۱	definable
قابل تعیین	۱۱	determinable
قابل التّوب (اسم الهی) (قرآنی)	۷ ،۸۷	Acceptor of repentance

قابله	۱۲۰	mid wife
قابلیت تقسیم	۱۲۵	divisibility
قابلیّت	۹۵	receptivity
قابیل	۴۳	Cain
قاتل	۱۲۰	murderer; homicide
قاچاق	۱۲۰	contraband; smuggled; smuggling
قادر [القادر] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۶، ۴۵، ۴۲	The Powerful
	۱۰۴	Omnipotent
	۱۰۳	Mighty
قادر متعال	۴۴	Almighty
قادر مطلق	۳۴	Omnipotent
قادس [= کادیث، شهری در اسپانیا]	۴ـ ۸۰	Cadiz; Cadix
قارعه [سوره]	۸۷	The Calamity
	۷	The Terrible Calamity
	۱۰۰	The Clatterer
	۸۸	The Striking
قاروره ← قواریر		
قارون (قرآنی)	۲۱،۴۲،۴۵،۵۵،۸۰،۸۷،۱۱۲	Korah
	۲۱	Qar'un
	۴۲	Croesus
قاری (نیز ← قرائن؛ قُرّاء سبعه)	۸۰، ۲۱	Koran- reader
	۲۳	Qur'an- reciter
	۸۲	Chanter of Qur'an
	۴۵، ۲۶	reader
قاسِط (قرآنی) (نیز ← مقسطین)	۷	deviator
	۱۰۹، ۸۷	unjust
قاصّ (نیز ← قصّاص)	۴ـ ۸۰	story-teller; preacher
قاصد	۱۲۰	messenger

قاضی	۴۲ ،۴۵	judge
	۱۸ ،۲۱	Cadi
قاضی الحاجات (صفت خداوند)	۱۲۰	The Provider of Needs
قاضی القضات	۱۲۰	supreme judge
	۴۲ ،۸۱	chief justice
	۸۰	judge of the judges
	۲۱	chief cadi
قاضی عسکر	۴_ ۸۰	judge of the army
قاطبه	۱۲۰	The whole
قاطع الطریق	۱۲۰	highway robber
قاعد (قرآنی) [مقـ. مجاهد]	۷	helder bank
قاعدگی [در زنان] (نیز ← حیض؛ محیض؛ عادت ماهانه)	۴۲	menstruation
	۳۹	menses
قاعده	۱۱،۹۴،۹۵،۱۲۹	rule
	۴۲ ،۵۶ ،۱۰۲	principle
	۱۱	canon
	۱۲۹	norm
	۶۱ ،۱۰۸	axiom
	۲۷	formula
قاعدهٔ عقلیّه	۱۰۲	rational principle
قاعدهٔ فرعیّه	۱۰۲	principle of presuppsition
قاعدهٔ فقهی	۲۷	legal formula
	۴۲	legal principle
قاعدهٔ کلّی [اصل مسلّم]	۶۱	axiom
قاعدهٔ لاضرر	۱۰۱	principle of no harm
قاعدهٔ مشتق (منط.)	۹۴	derived rule
قاعده شدن (فقـ.) (نیز ← قاعدگی)	۳۹	menstruate

قافله	۵۲	carvan
قافیه	۲۶،۳۱،۸۰، ۱۲۸	rhyme
قافیه‌بندی	۳۱	rhyming
قافیه پرداز	۱۲۸	rhymer; rhymster
قال [مقـ. حال]	۱۰۳	discourse; words
		saying; talkativeness; loquaciousness
قالب	۴۵	outer form; sheath
	۳۱ ،۱۰۳	body
	۱۲۹	model; form
قالب (منط.)	۹۴	matrix; statement; form
قالب مثالی	۳۱	atom-like body
قالب ریزی (منط.)	۹۴	formalization
قالبگیری (معمـ.)	۱۲۹	mould
قالب مهرکوبی (جلد.)	۱۱۶	block stamping
قال وحال	۱۰۳	words and feelings
قال و قیل	۱۰۳	babble and palaver
قالی	۱۲۰	carpet
	۱۲۰	rug
قاموس [در اصل نام فرهنگ لغت مجدالدین فیروزآبادی: *القاموس المحیط*... بوده بعداً اطلاق و عمومیت یافته و به هر فرهنگ لغتی می‌گویند]	۳۷	lexicon
قانقاریا ← غانغرایا [= قانقاریا / غانقرایا]		
قانون [این کلمه، معرب کلمه «کانون» یونانی است. و با «کانون» فارسی فرق دارد. معادل انگلیسی آن هم متخذ از اصل یونانی است.]	۴۲،۸۲،۹۵،۹۷	Canon

	۵،۱۱،۴۲،۸۰،۹۴	Law
	۸۰	cadaster
	۲۹	principle
قانون اساسی	۸	constitution
قانون مدنی	۱۲۵	civil law
قانون حرکت	۲۹	principle of motion
قانون طب	۴۲	canon of medicine
قانون طبیعت	۱۱	law of nature
قانون طرد واسطه (نیز ← امتناع ارتفاع نقیضین)	۱۱	law of excluded middle
قانون عرضه و تقاضا (اق.)	۷۵	law of supply and demand
قانون علیّت (نیز ← علیت؛ علت)	۱۱	law of causation
	۲۹	law of causality
قانون علیّت عامه	۱	general rule of the cause-and-effect
قانون مطلق	۱۱	absolute law
قانون هویت [قانون همانی]	۱۱	law of identity
قانونگذار	۶۱	legislator
قانونگذاری	۶۱	legislation
	۴	law-giving
قانونی شمردن	۱۵	legalise
قاهر [القاهر] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	The Omnipotent
قایق	۱۲۰	boat
قَبا	۴۵	cloak
	۶۷	padded tunic
قباله	۱۲۰	deed of sale; purchase-deed
	۳۱	suretyship; deed; written agreement
	۲۵	deed of conveyance
قباله ازدواج (نیز ← عقد نامه)	۶۳	marriage certificate

قبح (نیز ← قبیح)	۵۹، ۱۰۳	evil
	۵۹	ugliness
	۳۱	baseness; villainy
قبر (نیز ← آرامگاه؛ مقبره؛ فشار قبر)	۲۹	grave
قبر امام	۲۹	shrine of Imam
قِبْرِس [تلفظ عربی این کلمه قُبْرُس و یونانی آن کوپروس است]	۴۲، ۱۲۳، ۱۲۵	Cyprus
قبرستان	۴۲	cemetry
قَبَس (قرآنی)	۱۰۰	brand
	۷	live coal
قبض (فقـ.)	۸۰، ۸۵	taking possession of
	۸۰ـ۴	handing over; seizure; abstention
	۶۱، ۸۰	grasping
قبض (تصـ.)	۴۵، ۸۰	contraction
	۸۰	dejection
قبض [مقـ. بسط و شادی]	۸۰ـ۴	anxiety
	۶۹	depression
قبض و بسط	۴۲	contraction and expansion
	۲۱	contraction and dilation
قبضه	۱۲۰	handle; hilt
قبضةُ الله	۱۰۳	grasp of God
قِبطی	۸۴، ۹۹، ۱۲۵	Copt (ic)
	۳۱	Coptic; Egyptian
قبلتین	۳۱	The Two Qiblas (Mecca and Jerusalem)
قبله (قرآنی)	۷، ۱۹، ۴۳، ۸۷	qiblah
	۱۱۲	direction faced in prayer

	۴۳	Kiblah
	۱۱۳	direction of prayer
	۵۴	direction of Mecca
قبلهٔ عالم	۱۱۴	cynosure of the world
	پ	king; sultan
قبول (فقـ.) (قرآنی)	۷،۴۲،۸۰،۸۵،۸۷	acceptance
	۱۰۸	receptivity
	۴۲	assent
قبول عام	۴۴	popularity
قبّه	۱۱۵، ۷۸	cupola
	۸۰ ـ۵	domed pavilion
	۷۸	dome; tester; thole; tholos
قبةالشعراء	۸۰	poets' hall
قبةالصخره	۴۲،۸۰،۱۱۵،۱۲۱	Dome of the Rock
قبةالهواء	۸۰ ـ۵	Dome of the Winds
قبیح (نیز ← قبح)	۸۰، ۸۱	evil
	۹۵	ugly
	۱۰۶	vile
قبیح (دسـ.)	۸۰	bad
قبیله [جمع مکسر این کلمه «قبایل» در قرآن مجید به کار رفته است. شعب بزرگتر از قبیله است و تقسیمات کوچکتر از قبیله عبارتند از عشیره ، جِذم، جمهور، عماره، بطن، فخذ، فصیله و رهط.]	۴ ،۸۰	tribe
قپان	۱۲۵	Scale
	۱۲۰	heavy balance; steelyard
قتال (قرآنی)	۸۷	warfare

Persian	Numbers	English
قَتال	۳_ ۸۰، ۷	fighting
	۱۲۳	lethal; fatal
قتل (قرآنی)	۸۷، ۷	slaughter
	۸۵، ۴۲	homicide
	۴۵	killing; putting to death
	۶	murder
قتل سبب	۴۲	indirect homicide
قتل شبه عمد	۴۲	non-intentional homicide
قتل عام	۶۱	general massacre; genocide
قتل عمد	۴۲	wilful murder; deliberate murder
قتل غیر عمد	۶۳	manslaughter
قتل نفس [خودکشی]	۴۲	suicide
	۲۶	homicide
قحبه	۱۲۰	prostitute
قحط	۱۲۰	scarcity; famine
قد	۱۲۰	stature
قَداست	۸	sacredness
	۹	sanctity
	۴۴	saintliness
قَدح	۱۲۰	blame; reproach
قَدح	۱۲۰	bowl; goblet
قَدْر	۱	measure
قَدْر [سوره]	۷	The Majesty
	۱۰۰، ۸۸، ۸۷	Power
قدر (نجـ.)	۳۶	magnitude
قدر ظاهری (نجـ.)	۳۶	apparent magnitude
قدر ظاهری مرئی (نجـ.)	۳۶	apparent visual magnitude
قدر مطلق (نجـ.)	۳۶	absolute magnitude
قَدَر (نیز ← قضا)	۱۰۳،۹۳،۹۰،۸۰،۴۵	predestination

	۱۰۹، ۹۵، ۵۶	destiny
	۹۶، ۵۶	determination
قدرت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۱۱۹،۱۱۸،۱۱۰،۱۰۴،۱۰۳،۸۰،۲۴	power
	۹۰	strength
قدرت الله	۱۰۴	Divine Omnipotence
	۱۰۷	Omnipotence
	۱۰۳	power of God
قدرت الٰهی	۴۲	Divine power
قدرت حقّ	۱۰۳	might of God
قدرت قدیم	۹۹	primeval power
قدرت مطلق	۲۹	omnipotence
قدرت نباتی	۴۰	vegetable force
قدرگرایی	۱۱	fatalism
قدریّه	۴۲	Qadarites; Free-willers
	۴۵	Kadarites
	۱۰	The Libertarians
قُدس (نیز ← بیت‌المقدس)	۱۰۳، ۴۲	holiness
	۱۱۸، ۱۰۸، ۴۲	sanctity
	۴	saintliness
قَدَّسَ الله سِرّه	۱۰۳	May God sanctify his spirit
قُدِّسَ سِرّه	۱۰۳	May his spirit be sanctified
قدسی	۴۴	holy
قِدَم [مقـ. حدوث] (نیز ← قدیم)	۱۰۵،۱۰۱،۹۳،۸۰،۱۱	eternity
	۱۰۲، ۱۱	pre-eternity
	۱۱	eternalness; uncreatableness
قِدَم اضافی	۱۰۲	relative pre-eternity
قِدَم حقیقی	۱۰۲	real pre-eternity
قِدَم ذاتی	۵ـ۸۰	essential eternity

قِدم زمان	۱۰۴	Time's eternity
قدم زمانی	۸۰ـ۵	temporal eternity
قدم عالم	۱۰۴	eternity of the world
قدم نفس	۵۶	pre-eternity of soul
قُدَما (فلـ.)	۸۰	eternals
قدما	۱۰۵ ،۱۰۶	ancients
قدمت	۵۶ ،۷۹	eternity
قُدّوس [القدوس] (اسم الهی) (قرآنی)	۷،۸۰ ،۸۷،۱۱۳	The Holy (one)
	۱۰۰	All- hloy
	۲۳	The Most Holy
قدیر [القدیر] (اسم الهی) (قرآنی)	۲۱ ،۸۰ ،۸۷	The Powerful
	۱۰۰	All-powerful
	۴۲	Almighty; Omnipotent
قدیم [مقـ. حادث] (نیز ← قِدَم	۱۰۴،۱۰۵،۱۰۸،۱۱۱، ۳۴،۴۵،۸۰،۹۲،۱۰۳	eternal
	۲۹	pre-existent
	۱۱	pre-eternal; uncreatable
	۹۰	everlasting
	۹۹	something primeval; Deity
قدیم [باستان]	۲۴ ،۸۰ ،۹۵	ancient
قدیم بذاته	۱۰۵	eternal-by-itself
قدیم بغیره	۱۰۵	eternal-through-another
قدیم بقدم	۸۰ ـ۵	eternal through an eternity
قدیم و محدث	۲۱	eternal and created; eternal and phenomenal
قَذف (فقـ.)	۲۲ ،۸۵ ،۸۶	false accusation (of unchastity)
	۸۰ـ۴	false charge of fornication; slanderous accusation of fornication

English	Pages	Persian
falsely accusing; slander	۴۵	
Qur'an [= Koran]	۷،۴۳،۵۴،۸۷،۱۰۰	قرآن (قرآنی)
recorded Quran;written Quran	۵۴	قرآن تدوینی
Quran of creation; created world	۵۴	قرآن تکوینی
noble (glorious) Qur'an	۸۸	قرآن کریم [این صفت را اهل سنت برای قرآن به کار می برند]
glorious Qur'an (Koran)	۷، ۸۷، ۱۰۰	قرآن مجید [این صفت را شیعه، یا فقط ایرانیان برای قرآن به کار می برند]
recitation	۱۲، ۸۰	قرائت (نیز ← قاری)
reading	۸۰	
recite	۶	قرائت کردن
The Seven Readers	۱۹	قُرّاء سبعه (نیز ← قاری)
pharmacopoeia;dispensatorium	۵،۳۱، ۴۲، ۸۰	قَرابادین (پز.) [= اقراباذین / اقرا بادین. مجموعهٔ دستورهای تهیهٔ داروها؛ نوعی فرهنگ داروها. نیز ← *دایرة‌المعارف فارسی*]
pharmacology	۱۳	
therapeutics	۱ـ ۲۶	
compound medicines; antidotes	۳۱	
relationship	۴۲ ،۸۶	قرابت (خویشاوندی)
kinship	۶ ،۸۰	
affinity	۴۲ ،۱۱۷	
foster relationship	۶۱	قرابت رضاعی
relationship by marriage; affinity	۶۱	قرابت سببی
consanguinity	۴۲	قرابت صلبی
relationship by blood	۶۱	قرابت نسبی
proximity	۳۸	قرابت [نزدیکی]
warrant for attachment	۶۳	قرار توقیف (حقـ.)

قران	۱۲۰	coincidence
	۴۵	combination
قران (نجـ.)	۸۰ ـ۵	conjunction
قراولان (نجـ.)	۳۶	pointers
قراین	۷۹	relationships
	۱۶	conjectures
	۸۰	indications; legal presumptions
قُرْء (فقـ.) [جمع مکسر این کلمه به صورت قُروء در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۶	menstrual period
قرب [قربت]	۹ ،۸۰ ،۱۰۴	proximity
	۹۰ ،۱۱۸ ،۱۱۹	nearness
	۸۰ـ۴	closeness
	۱۴ ،۲۸	propinquity
قربان [قربانی] (قرآنی)	۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۳	sacrifice
	۱۰۹	sacrificial (animal)
قربان کردن [قربانی کردن]	۱۰۳	offer in sacrifice
	۶	sacrifice
قربانگاه	۶۴	place of sacrifice
	۴	place of execution
	۱۲۹	altar
قربانی ← قربان		
قربانی کردن ← قربان کردن		
قربت	۱۴	propinquity
	۲۱	proximity
قربةً الی الله	۸۶	an approach to God
	۴۲	to please God; to win Godd's favor
قرةالعین [در قرآن مجید به صورت قُرّةعین و قُرّةاعین به کار رفته است]	۸۷،	consolation

	۳۴	joy of the eyes
	۱۰۳	delight of eyes
	۷	refreshment of the eye
قَرح (قرآنی)	۷	wound
قُرحة	۱۲۰	wound; ulcer
قِرَده (قرآنی)	۸۷، ۷	apes
قرض (قرآنی)	۸۷، ۸۵، ۸۰، ۴۲	loan
	۴۲	lending; borrowing
	۸۵	loan of fungible objects for consumption
قرض‌الحسنه [در قرآن مجید به صورت قرضاً حسناً به کار رفته است.]	۸۷	goodly loan; loan without interest
قرض بی‌پشتوانه	۷۵	unfunded debt
قرضهٔ دایمی	۷۵	undated debenture
قرضهٔ مقیّد	۷۵	tied loan
قرطاجنه [= کارتاژ]	۹۹، ۸۰، ۴۲	Carthage
	۸۰	Carteia; cartagena
قرطاس (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه به صورت قراطیس هم در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۰، ۸۰	parchment
	۸۰_۵	papyrus roll; rag paper
قُرطُبه [= کوردووا/کوردبا: شهری در اندلس، مقر خلافت امویان اسپانیا]	۹۹، ۴۲	Cordoba
قرع و انبیق ← انبیق		
قرعه	۸۰	drawing of lost; rhapsodomancy
قرقره [= غلطك]	۱۲۹	pully
قرمطی	۲۶،۴۵	Carmathian

	۱۲	Qaramite
	۲۱	Carmatian
قرمونه [در اسپانیا]	۸۰_۴	Carmona
قرن	۴۰	age
قرن (قرآنی) [نسل]	۶،۸۷	generation
قرن الذهب [شاخ زرّین]	۱۱۵	Golden Horn
قرنیز (معمـ.)	۷۸	cornice
قرنیه [در چشم]	۷۱	cornea
قرون وسطی	۱۲۵	Middle Ages
قریب [القریب] (اسم الهی) (قرآنی)	۷،۸۷	Nigh
قریب	۸۰_۳	close
	۱۰۸	proximate
قریحه	۱۲۰،۱۲۱	talent; genius, gift, faculty
قرین (قرآنی)	۷،۸۷	comrade
	۸۰_۴	companion
قرینه	۸۰	context; frame of reference
قرینه (منط.)	۹۷	mood
قرینه‌سازی (معمـ.)	۱۲۹	symmetry
قریه (قرآنی)	۷ ،۸۰ _۴	town; village
	۸۷	township
قزاق	۳۱	cossack; partisan
قَسّام	۸۰ _۴	divider
قِسام [در میان اعراب مسیحی]	۸۰ _۴	adjuration
قُسامه (فقـ.)	۴۲	taking an oath
	۸۵	a kind of compurgation
قساوت	۱۶	callousness
قَسْر (فلـ. کلـ.)	۵۶ ،۱۱۷	constraint
قَسْری	۳۱ ،۱۲۰	forcible; violent; compulsive

قِسط (قرآنی)	۸۷، ۶۴	equity
	۱۰۹، ۴۲، ۸	justice
قِسط	۱۲۰	instalment
قسطاس (قرآنی)	۸۷، ۷	balance
قُسطنطنیه [= استانبول = اسلامبول]	۴۲	Constantinople
قسم (قرآنی) (نیز ← یمتین، ایمان)	۸۷، ۸۰، ۴۵، ۴۲، ۷	oath
	۴۲	vow
قسمت [تقدیر]	۵ـ ۸۰	fate; destiny
قسمت [بخش]	۸۵	division
قسمت‌پذیری	۹۲	divisibility
قسم خوردن	۲۰	make an oath
قسم دادن	۶۱	adjure
قُسَنطینه [= قسطنطینه] شهری در الجزایر	۱۲۵	Constantine
قسوت (قرآنی)	۱۰۳، ۸۷، ۷	hardness of heart
قسی‌القلب	۱۲۰	hard-hearted
قسّیس (قرآنی)	۱۰۰، ۸۷	priest
قَشتاله [ناحیه‌ای در اسپانیا = کاستیل / کاستیا / کاستیلیا]	۴ـ ۸۰	Castile; Castilla
قشلاق (نیز ← ییلاق)	۸۲	winter camp
	۱۲۰	winter-quarters
قِصاص (فقـ.) (قرآنی)	۱۱۲، ۱۰۰، ۸۷، ۸۵، ۴۵، ۴۲	retaliation
	۸۶	just retaliation
	۴ـ ۸۰	talion
	۴۲	avenge for blood
	۲۲	blood ransom
قِصاص فی‌النفس	۵ـ ۸۰، ۴۵	blood- vengeance
قِصاص قبل از جنایت	۶۱	act based on prejudgement

English		Persian
punishment previous to the crime	ب	
storyteller	۸۰ _۳	قَصّاص (نیز ← قاص)
fortified castle; fortress; chief town	۸۰	قصبه
intention	۱۰۴، ۴۲	قصد
purpose	۸۱	
volition	۱۰۵	
resolution	۴۲	
primary intention	۱۰۴	قصد اوّل
second intention	۱۰۴	قصد ثانی
temporal volition	۱۰۵	قصد حادث
Alcazarquivir	۸۰ _۴	قصر الکبیر
curtail worship	۶۴	قصر صلوة [شکسته خواندن نماز]
The Story	۱۰۰، ۸۸، ۸۷	قصص [سوره] [به فتح اول و به صورت اسم و مصدر، نه به کسر اول و جمع قصه. چه صورت اخیر هرگز در قرآن مجید به کار نرفته است.]
The Narrative	۷	
stories of the prophets	۸۰ _۳	قِصَص الانبیاء
hagiography; hagiology	ب	قصص الاولیاء
ode	۸۰	قصیده
panegyric ode	۸۲ _۵	
Divine decree	۹۶، ۴۲	قضاء (نیز ← قَدَر)
decree	۹۰، ۵۶	
predestination	۸۰، ۱۱	
Allah's will	۳	
destiny	۱۰۳	
destination	۴۲	

	۹۶	fate
قضا [قضاوت]	۸۰	judgeship; jurisdiction; decision
	۴۰	judgement; justice
	۸	judiciary
	۴۵	judging
قضاء العقل	۱۰۴	intellectual judgement
قضاء [مقـ. اداء.]	۴۲	compensate; make up
	۴۵	discharging (obligation)
	۸۵	payment (of a debt)
	۸۰	belated accomplishment of a religious duty
قضاء النذر	۴۵	fulfilling the vow
قضاوت	۳۹	judgement
	۶۱	adjudication
قضا و قدر	۶۰	fore-ordination and destiny
	۴۱	fate and destiny
	۱۲	destiny and providence
	۲۴	destiny and decree
قضا و قدر الهی	۱۰	decree and ordinance of God
قضیب	۱۲۰	rod; stick; penis; phallus
قضیّه (فقـ.)	۸۰ _۳	case
قضیّه (منط.)	۹۷، ۹۵، ۱۷	proposition
	۱۱۱	syllogism
	۱۰۷	axiom
	۹۸	premiss
	۹۴	theorem
	۱۰۴	judgement
قضیّهٔ اتفاقیّه	۹۷	contingent (or coincidental) proposition
قضیّهٔ استنتاج	۹۴	deduction theorem

قضیّهٔ اصلی	۴۲	main clause
قضیّهٔ اولی	۶۹	primary proposition
قضیّهٔ بدیهیّه	۴۲	an axiom
قضیّهٔ بسیطه	۹۷	indivisible proposition
	۴۲	determinate (or atomic) proposition
قضیّهٔ تالی	۹۷	consequent
قضیّهٔ تنافی	۹۷	exclusion (proposition)
قضیّهٔ ثلاثی [ثلاثیّه]	۴۲	triadic proposition
	۹۷	ternary proposition
قضیّهٔ ثنایی [ثنائیّه]	۴۲	dyadic proposition
	۹۷	binary proposition
قضیّهٔ جزئی [جزئیّه]	۹۷، ۱۷	particular proposition
	۱۱	singular proposition
قضیّهٔ حقیقیّه	۹۷	verity- proposition
قضیّهٔ حملیّه	۱۲۸، ۹۷، ۴۲	categorical proposition
	۹۷	categoric proposition
قضیّهٔ حینیّهٔ ممکنه	۹۷	possible temporal proposition
قضیّهٔ خارجیّه	۹۷	actuality proposition
قضیّهٔ دائمهٔ مطلقه	۹۷	absolute perpetual proposition
قضیّهٔ دائمهٔ موافقه	۹۷	agreeing perpetual proposition
قضیّهٔ سالبه	۹۷، ۱۷	negative proposition
قضیّهٔ سالبهٔ اتفاقیّه	۹۷	negative coincidental proposition
قضیّهٔ سالبهٔ جزئیّه	۱۲۸، ۱۷	particular negative proposition
قضیّهٔ سالبهٔ عنادیّه	۹۷	negative-antagonistic proposition
قضیّهٔ سالبهٔ کلیّه	۱۲۸، ۱۷	universal negative proposition
قضیّهٔ شخصیّه	۹۸	singular proposition
	۹۷، ۴۰	individual proposition
	۴۴	singular statement
قضیّهٔ شرطیّه	۹۸	conditional proposition

	۹۷	hypothetical proposition
قضیّة شرطیّة متصلّه	۹۸، ۹۷	connective conditional proposition
	۴۲	conjunctive proposition
قضیّة شرطیّة متصلّه علی الاطلاق	۹۸	unrestricted connective conditional
قضیّة شرطیّه منفصله	۹۸	separative conditional proposition
	۴۲	disjunctive conditional proposition
قضیّة شهره	۹۸	widely accepted proposition
قضیّة ضروریه	۹۷	necessary proposition
قضیّة ضروریه مطلقه	۹۷	absolute necessary proposition
قضیّة ضروریة منعکسه	۹۸	convertible necessary proposition
قضیّة طبیعیّه	۹۷	physical proposition
قضیّة عدمیه	۴۰	privative proposition
	۴۲	absolute proposition
قضیّة عرفیّه	۹۷	conventional proposition
قضیّة عرفیّة خاصّه	۹۷	special conventional proposition
قضیّة عرفیّة عامّه	۹۷	general conventional proposition
قضیّة عنادیّه	۹۷	antagonistical proposition
قضیّة فرضیّه	۱۷	hypothetical proposition
قضیّة قیاسی	۹۵	comparative proposition
قضیّة کلیّه	۹۸، ۱۷	universal proposition
قضیة لزومیّه	۹۷	cogent proposition
قضیّة مانعةالجمع	۹۷	incompatible proposition
قضیّة مانعة الخُلو	۹۷	exclusive hypothetical; exclusive proposition
قضیّة متردده	۹۸	indeterminable proposition
قضیّة متصلّه	۹۷	conjunctive proposition
قضیّة متصله علی الاطلاق	۹۸	unrestricted connected proposition

قضیّهٔ متصله علی التّحقیق	۹۸	restricted connected proposition
قضیّهٔ متعارفه	۲۹	axiom
قضیّهٔ مُحَصَّلَه	۹۷	attributive proposition
قضیّهٔ محصوره	۹۷	fenced proposition
	۴۲	determinate proposition
قضیّهٔ محلیّه	۹۸	situation-describing proposition
قضیّهٔ مخصوصه	۹۷	peculiarized proposition
قضیّهٔ مسوّر	۱۱	quantified proposition
	۹۷	fenced proposition
قضیّهٔ مشروطهٔ خاصّه	۹۷	special conditional proposition
قضیّهٔ مشروطهٔ عامّه	۹۷	general conditioned proposition
قضیّهٔ مطلقه	۹۷، ۴۰	absolute proposition
قضیّهٔ مطلقهٔ عامّه	۹۷	general absolute proposition
قضیّهٔ معدوله	۹۷	privative proposition
	۴۰	modified proposition
قضیّهٔ مقدّم	۹۷	antecedent
قضیّهٔ ممکنه	۹۷	possible (or contingent) proposition
قضیّهٔ ممکنهٔ خاصّه	۹۷	particular possible proposition
قضیّهٔ ممکنهٔ عامّه	۹۷	general possible proposition
قضیّهٔ منتشره	۹۷	spread proposition
قضیّهٔ منفصله	۹۷، ۱۷	disjunctive proposition
	۹۸	separative proposition
قضیّهٔ منفصلهٔ محض	۹۸	pure separative proposition
قضیّهٔ منوّعه	۹۸	specific proposition
قضیّهٔ موجبه	۹۷، ۱۷	affirmative proposition
قضیّهٔ موجبهٔ جزئیّه	۱۲۸، ۱۷	particular affirmative proposition
قضیّهٔ موجبهٔ کلیّه	۱۲۸، ۱۷	universal affirmative proposition
قضیّهٔ موجّهه	۹۷، ۴۰	modal proposition
قضیّهٔ منطقی [قیاس]	۴۲	syllogism

قضیّهٔ مهمله	۴۰ ،۹۸	indefinite proposition
	۹۷	ambiguous proposition
	۴۲	specified proposition
قضیّهٔ وجودیّه	۴۲ ،۹۷	existential proposition
قضیّهٔ وجودیّهٔ لادائمیّه	۹۷	non-perpetual existential proposition
قضیّهٔ وجودیّهٔ لاضروریّه	۹۷	not-necessary existential proposition
قضیّهٔ وقتیّه	۹۷	temporal proposition
قضیّه ای	۱۱	propositional
قَطّ [زدن]	۱۲۰	nibbing; cutting
قِطاع	۱۲۵ ،۱۲۹	sector
قطاع [سنگ طاق] (معمـ.)		voussoir archstone
قطاع الطریق ← راهزن		
قطاعی (جلـ.)	۱۱۶	cut pattern
قطب (نجـ.)	۵ـ ۸۰	pole; terrestrial pole
قطب (عرفـ.)	۱۳،۴۰ ،۴۵،۹۹	pole
	۵۸	spiritual pole
	۸۹	spiritual axis
قطب اعلیٰ	۱۳	supreme pole
قطب الاقطاب	۵۳	Arch-pole
قطب الحسّی	۵ـ ۸۰	[temporal] phenomenal Kutb
قطب المعنوی	۵ـ ۸۰	[cosmic] noumenal Kutb
قطبنما	۱۲۹	compass
قطر	۱۲۹	diameter
قطران (قرآنی)	۱۲۹	tar
	ب	pitch
قطع تسلسل (فلـ.)	۱۰۴	termination of regress
قطع رحم (نیز ← صلهٔ رحم)	۲۵	break off connections with one's kindred
	۳۱	desertion, cutting, or alienation of kinsfolk
قطع روابط (حقـ.)	۶۱	rupture of relations

قطع طریق (نیز ← راهزنی)	۸۵، ۸۰، ۴۵	highway robbery
قطع مخروطی	۱۲۵	conic section
قطع مُکافی ← سهمی		
قطعنامه	۲۷	resolution
قطعی	۱۱	conclusive
قطعیت	۱۱	conclusiveness
قُعود (ترک جهاد) (قرآنی)	۱۰۰	tarry (to)
قفسه	۱۲۹	cabinet
قفل [جمع مکسر این کلمه به صورت اقفال در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۹، ۱۲۳	lock
قفل (عر.) [=سمط؛ لازمه]	۱۲۸	refrain
قلائد (قرآنی)	۱۰۰	necklaces
قلائص (نجـ.)	۳۶	Hyades
قُلّابی	۱۲۰	faked; false; counterfeit
قِلادَه	۱۲۰	collar; necklace
قلّاش	۱۸	rogue
قلب	۱۲۰، ۸۷، ۷	heart
قلب (کلـ.)	۱۰۲، ۱۰	transformation
قلب الاسد (نجـ.)	۳۶	Regulus
	۱۲۷	Calb-alezet; Leonis
قلب العقرب (نجـ.)	۱۲۵، ۳۶	Antares
	۱۲۷	Cabalatrab; Scorpii
قلب ماهیّت (حقـ.)	۶۱	transmutation
قلع	۱۲۹، ۱۲۵، ۱۲۰	tin
قلع و قمع	۱۲۰	eradication;uprooting
قلعه	۸۰ ـ۴	castle; fortress
	۱۲۹	peel
	۴۸	fort

قَلَق	۱۲۰	anxiety; restlessness
قلم [سوره]	۸۸، ۱۰۰، ۱۰۸،	The Pen
	۸۷، ۷	
قلم الاعلی	۱۰۸	The Most Exalted Pen
اهل قلم	۳۱	a scribe; a literary man
قلمتراش	۸۰ ـ ۴	penknife
قلمدان	۱۰۱	penbox
قلمرو	۱۳	domain
قلم کاری (جلـ.)	۱۱۶	tooling; toolwork
قلندر	۱۲۰	libertine
	۴۲	ascetic
	۱۲۰،۱۲۱	calender
قلّه [= اوج؛ تیزه]	۱۲۹	peak
قلْیا [معادل انگلیسی این کلمه از اصل عربی قلْوِی که قلیا محرّف آن است گرفته شده است.]	۱۲۰	alkali
قمار [مترادف قرآنی این کلمه مَیْسِر است]	۸۰، ۶۱، ۸	gambling
	۸۰	a game of chance
قمار باز	۱۲۰	gambler
قمر [سوره]	۱۰۰،۸۸،۸۷،۷	The Moon
قمر (نجـ.)	۳۶	satellite
قمیص (قرآنی)	۸۷، ۴۵، ۷	shirt
	۸۰	a shirt- like dress
	۴۵	shirt
قنات		subterranean tunnel; canal;
	۸۰ ـ ۴	irrigation system; water pipe
	۷۴	qanat
قناری [این کلمه، معرّب کلمهٔ	۱۲۰	canary

Term	Pages	English
کاناری انگلیسی و فرانسوی است که خود اصل اسپانیائی و نهایتاً اصل لاتینی دارد.]		
قنّاد	۱۲۰	confectioner
قنادی	۱۲۰	confectionery
قناعت	۱۰۳، ۵۲	contentment
	۴	continence
قند	۱۲۵، ۱۲۰	sugar
قندیل	۷۸	lantern
	۱۲۰	luster
قِنْطار (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه به صورت قناطیر هم در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	a sum of money
	۷	a heap of gold
قنطره	۴_ ۸۰، ۱۹	arched bridge
	۴_ ۸۰	aqueduct; high building; castle
قَنْطُورِسُ (نجـ.)	۳۶	Centaurus
قنوت	۱۰۹	personal prayer
قُنوط [صفت از این مصدر به صورت قَنوط، و نیز مشتقاتی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۰	despair
قواعد (فقـ.)	۳_ ۸۰	rules or norms
قوّال	۴۲	a mystic singer
قوام	۶۹	consistence
قوانین (نیز ← قانون)	۱۲۰	laws; rules; canons
قوای باطنی	۱۰۸	internal faculties
قوت [قوّه]	۱۰۸	faculty
	۱۰۷	potential

	۲۶	strength
قوت الحرکه	۵۶	momentum
قورخانه	۱۲۰	arsenal; armoury
قوس (نجـ.)	۹۹، ۳۶، ۳۴	Saggitarius
قوس (نیز ← قاب قوسین)	۳۶	arc
قوس شعوری	۵۴	arc of consciousness
قوس صعودی	۵۴	arc of ascend
قوس قُزح	۱۲۰	rain bow
قوس نزولی	۵۴	arc of descent
قوش	۱۲۰	falcon; hawk
قول (قرآنی)	۱۱۹،۱۱۸،۸۷،۴۰،۱۰	speech
	۱۰۸، ۹۵، ۸۷	discourse
	۱۰	utterance
	۱۰۵	argument
قول اقناعی (کلـ.)	۱۰	persuasive speech
قول جازم (منط.)	۴۰	proposition
قول شارح	۴۰، ۱۱	definition
	۴۰	expository proposition
	۹۷	oratio explicans; definiens
	۱۰۴	definitory formula
قول فصل(قرآنی:قولٌ فصل)	۴۲،	decisive word
	۱۰۰،۷	the distinguished speech
قولنامه	۶۱	preliminary agreement
قولنج (پز.)		colic
قولون (پز)	۱۲۰	colon
قوم (قرآنی)	۸۰، ۶۴	people
	۸۷	folk
قوم لوط (قرآنی)	۸۷	the folk of Lot
قومودیا [= کمدی]	۱۲۸، ۴۲	comedy

قومیّت [ملیّت]	۱۱۷، ۹۵	nationality
	۸۰_۴	nationalism
قونیه	۱۱۵	Konya
	۱۹	Iconium
قوّه	۱۰۵، ۱۰۲، ۹۲، ۵۶، ۴۰	potentiality
	۱۰۷، ۱۰۶، ۹۲، ۸۰، ۴۰، ۱۱	faculty
	۱۰۵، ۹۲، ۵۶	potency
	۱۰۲، ۹۲، ۹۰، ۱۳	power
	۱۰۸، ۴۰	force
	۱۰۲	potentia
	۹۲	ability
قوّهٔ ادراک	۶۹	faculty of perception
	۱۳	power of comprehension
قوّهٔ ادراکی	۱۱	perceptive power
قوّهٔ امکانیّه	۵۶	contingent potentiality
قوّهٔ اوهام	۶۹	faculty of estimation
قوّهٔ تعقّل	۱۱	reasoning faculty
قوّهٔ تفکر	۵۷	deliberative faculty
قوّهٔ تمییز	۶۹	faculty of distinction
قوّهٔ حیوانیه	۱۰۲	animal faculty
قوّهٔ جاذبه	۷۱	attractive power
	۴۲	gravitation
قوّهٔ حافظه	۵۷، ۴۰	retentive faculty
قوّهٔ حرکت	۱۳	faculty of motion
قوّهٔ حسی	۴۰	faculty of sensation
قوّهٔ حیوانی	۴۰	animal faculty
قوّهٔ خیال	۱۰۴	faculty of fantasy
	۵۶	imaginal power; imaginal faculty
	۵۷	representative faculty

قوّة دافعه	۱۰۷	force of repulsion
	۴۲	repulsive power
	۵ـ ۸۰	power of repulsion or evacuation
	۷۱	repelling power
	۴۰	faculty of ejection
قوّة دراکه	۴۲	perceptive faculty
قوّة ذاتی	۶۹	essential faculty
قوّة ذاکره	۵۷	recollective faculty
قوّة ذهنی	۱۱	mental faculty
قوّة شوقیّه	۵ـ ۸۰	faculty of desiring
قوّة شهوانی	۹۲	power of procreation
	۵۷	concupiscent faculty
	۶۹	appetitive faculty
قوّة شهوت	۱۰۴	faculty of desire
قوّة شهود	۱۱	intuitive faculty
قوّة شهوی	۶۹	concupiscible faculty
قوّة عالمه	۵۷ ،۱۰۴	theoretical faculty
	۵۷	knowing faculty
قوّة عامله	۵۷ ،۱۰۴	practical faculty
	۵۷	acting faculty
قوّة عقدی	۱۱	force of crystallization
قوّة عنصری	۵ـ ۸۰	power of the elements
قوّة غاذیه	۹۹	nutritive power
	۶۹	nutritive faculty
	۱۳	faculty of feeding
	۵۹	power of feeding
قوّة غضبی	۶۹	irascible faculty
	۱۰۴	faculty of anger
قوّة فلکیّه	۵ـ ۸۰	power of the sphere

قوهٔ قدسی	۴۰	divine power
قوهٔ قضائیه	۸	judiciary
قوهٔ ماسکه	۸۰ـ۵	power of retention
	۷۱	retentive power
قوهٔ مبصره	۱۰۴	faculty of sight
قوهٔ متخیّله	۹۹	power of imagination
	۵۷	imagination faculty
	۴۲	imaginative faculty
قوهٔ مجریّه	۶۳	executive power
قوهٔ محرّکه	۸۰ـ۳	motive force
	۵۹	moving force
	۴۰	locomotive faculty
	۴۰	faculty of appetance
قوهٔ مصوره	۸۰ـ۵	plasmatic power
	۱۱	retention faculty
قوهٔ مفکره	۴۰	faculty of thought
	۵۷	rational imagination faculty
قوهٔ مقنّنه	۸	legislature
قوهٔ ممیّزه	۶۹	distinguishing faculty
قوهٔ مولّده	۸۰ـ۵	generative power
	۱۳	faculty of reproduction
	۵۹	power of reproduction
قوهٔ ناطقه	۱۱	rational faculty
	۴۲	faculty of speech
قوهٔ نامیه	۴۲	faculty of growth
	۵۹	power of growing
	۷۱	augmentative power
قوهٔ نباتیه	۱۰۲،۱۰۴	vegetative faculty
قوهٔ نزوعی	۴۰	deliberative faculty

قوهٔ نطق	۶۹	faculty of rationality
قوهٔ نظری	۴۰	faculty of theorizing
قوهٔ نموّ	۱۱	force of growing
قوهٔ نوریّه	۴۵	power of light
قوهٔ وهمیّه	۵۷	estimate faculty
	۴۰	estimative faculty
قوهٔ هاضمه	۴۰	force of digestion
	۹۹	digestive power
قوی [القوی] (اسم الهی) (قرآنی)	۷،۴۲،۴۵،۸۰،۸۷	The Strong
قهار [القهّار] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۲،۴۵،۹۰	The Dominant
	۵۶،۸۷	Almighty
	۱۰۰	The Omnipotent
	۸۰	The Dominator
قهر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۴،۱۰۳	vengeance
	۱۸،۱۰۳	wrath
	۲۱،۱۰۳	violence
	۴۰	force
قهر الٰهی	۱۸	wrath of God
قهرمان	۱۲۰	hero; champion; warrior
قهر و غلبه	۴۷	force and constraint
قهری [غیر ارادی] (حقـ.)	۶۱	automatic
قهوه [معادل انگلیسی این کلمه، متخذ از عربی است.]	۱۲۰	coffee
قهوه خانه	۱۲۹	tea house
	۱۲۰	coffee - house
قی	۱۲۰	vomitting
قیاس (فقـ.)	۸۰-۵	judical reasoning by analogy
قیاس (منط.)	۴۰،۹۴،۹۷،۹۸،۱۰۸،۱۲۸	syllogism

	۸۲ـ۴	analytical reasoning
	۴۰	prior analytics; inference
	۱۶	priori
قیاس احتجاجی	۴۲	epicheirema
قیاس استثنایی	۹۷	interpellative syllogism
	۹۸	exceptive syllogism
	۹۴	*modus ponens*
	۴۲	exclusive syllogism
	۳۱	conditional syllogism
قیاس اقترانی	۹۷	conjugate syllogism
	۴۲	conjunctive syllogism
قیاس برهانی	۴۲	demonstrative syllogism
قیاس تمثیلی	۴۲	analogical syllogism
قیاس جدلی	۴۲	dialectical syllogism
قیاس حملی	۹۷	categoric syllogism
قیاس خطابی	۴۲،۱۲۸	rhetorical syllogism
قیاس خُلف	۴۲	syllogism per impossible
	۹۸	proof per impossible
	۹۷	*reductio ad absurdum*
قیاس دَور	۴۰	demonstration in circle
قیاس ذوالوجهین [قیاس ذوحدّین]	۹۴،۹۵	dilemma
قیاس ذوحدّین ← قیاس ذوالوجهین		
قیاس سوفسطایی	۴۰	sophistic syllogism
قیاس شرطی	۴۲،۱۰۴	hypothetical syllogism
	۹۸	conditional syllogism
قیاس شرطی اقترانی	۹۸	conjunctive-conditional syllogism
قیاس شرطی صرف	۹۸	pure conditional syllogism
قیاس شرطی متصّل	۱۰۴	hypothetical conjunctive syllogism

قیاس شرطی مختلط	۹۸	mixed conditional syllogism
قیاس شرطی مرکب	۹۸	compound conditional syllogism
قیاس صوری	۱۷	syllogism
قیاس ضمیر	۴۰	enthymeme
قیاس ظنّی	۸۰،۳	syllogism of opinion
قیاس فرضی	۱۷	hypothetical syllogism
قیاس فلسفی	۴۲	philosopheme
قیاس کاذب	۱۷،۶۱	paralogism
قیاس کامل	۹۸	perfect syllogism
قیاس مرائی	۴۰	contentious
قیاس مرکب	۹۷	compound syllogism
	۴۲	composite syllogism
قیاس مشکّك	۴۰	aporeme
قیاس مغالطه‌ای وسوفسطائی	۹۹	sophistical reasoning
قیاس مغالطی	۴۰	sophism
قیاس مقسّم	۹۸	divided syllogism
	۹۷	*enumeratio partium*
قیاس منطقی	۴۲	deduction
قیاس منفصل	۱۷	disjunctive syllogism
قیاس نظیر	۱۱۷	syllogism by analogy
قیاس وضعی	۹۸	hypothetical syllogism
قیاس یقینی	۸۰،۳	syllogism which is certain
قیاسی	۴۴	deductive
قیافةالبشر	۸۰،۵	physiognomancy
قیافه‌شناسی ← علم فراست		
قیام (قرآنی)	۸۰،۴	rising
	۷۳	up-rising
	۴	rising-up
قیام اللیل [شب زنده‌داری]	۲۳	vigil

قیام به قسط	۱۵	establishment of justice; upholding of justice
قیامت [سوره]	۷.۴۵.۸۸.۱۰۰.۱۱۳	The Resurrection
	۱۱۸.۱۱۹	The Day of Resurrection
	۸۷	The Rising of the Dead
قیامت (نیز ← یوم القیامه)	۱۰۴	The Judgement ; Doomsday
	۳۸	The Judgement Day
قیامت صغری	۵۶	The Lesser Rising
قیامت کبری	۵۶	The Greater Rising
قید (دسـ.) [= ظرف]	۱۲۸	adverb
قید استفهام	۱۲۸	interrogative adverb
قید زمان [= ظرف زمان]	۱۲۸	adverb of time
قید کیفیت [= قید وصف؛ قیدحالت]	۱۲۸	adverb of manner
قید کیفیت	۱۲۸	adverb of quality
	۱۲۸	adverb of state
	۱۲۸	adverb of description
قید مقدار (دسـ.)	۱۲۸	adverb of degree
	۱۲۸	adverb of quantity
	۱۲۸	adverb of extent
قید مکان	۱۲۸	adverb of place
قیر	۱۲۹	bitumen
قیروان	۹۹	Kairouan
	۴۲	Cairovan
قیصر	۲.۴۲	Caesar
قیطُس (نجـ.)	۳۶	Cetus
قیفاووس (نجـ.)	۳۶	Cepheus
قیل و قال	۱۲۰	idle talk
	۲۸	wordy discussion

chit-chat; babble	۳۱	
siesta	۱۲۰	قیلوله
superintendent; administrator	۸۰	قیّم
custodian	۶	
overseer	۹۹	
guardian	۴	
price	۷۵	قیمت (اقـ.)
valorization	۷۵	قیمت‌گذاری
preponderance	۲۷	قیمومت
guardianship	۴۲	
tutorship	۶۱	
The Self-subsisting	۷،۲۲،۴۵،۸۰	قیّوم [القیّوم] (اسم الهی) (قرآنی)
The Everlasting	۲۴،۱۰۰	
The Eternal	۶۴،۸۷	
self - existence	۱۱	قیومیّت [وجوب بالذات]
sovereignty	۲۷	

ک

glass; goblet	۴ ـ ۸۰	کأس (قرآنی)
cup	۷،۸۷	
being	۹۵	کائن
entity	۴۲	

کائنات ← کاینات

کائنات جو ← آثار علوی

کابین [= صداق]	۸۰،۴	marriage portion
کاتب (قرآنی)	۴۲،۸۰	secretary
	۷،۸۰،۸۷،۵	scribe
	۴۲	court-secretary
	۱۰۳	writer of revelation
کاتب وحی		
کادیث ← قادس		
کاذب	۷،۱۰۰	liar
	۹۷،۱۱۷	false
	۱۲۰	
کار		
کارتاژ ← قرطاجنه		
کارنامه	۸۲ ـ ۵	book of the deeds
کاروان [معادل انگلیسی این کلمه متخذ از فارسی است.] (نیز ← قافله؛ سیّاره)		Carvan
کاروانسرا	۱۲۰	carvanserai; inn
کاریز (نیز ← قنات)	۱۹	underground water course
	۱۲۹	gully; underground waterchannel
	۱۰۳	earner; worker
کاسب		
کاستیل ← قَشتاله		
کاشف [الکاشف] (اسم الهی) (قرآنی)	۳۱	The Revealer
کاشی (معمـ.)	۷۸،۸۰ ـ ۴،۱۲۹	tile
	۱۱۵	ceramic
	۷۸	glazed brick
	۱۲۹	porcelain tile
کاشی چینی	۷۸	glazed tile; faience
کاشی لعابی	۷۸	enamelled brick
کاشی مینایی	۷۸،۱۲۹	tiler; tile maker
کاشی پز	۱۲۹	tile cutter
کاشی تراش		

کاشیکاری	۳۷،۱۱۵	tile work
کاظمین الغیظ (قرآنی)	۷	those who restrain their anger
کاغذ	۱۲۰	paper
کافر (قرآنی)	۷،۱۶،۴۵،۸۵،۱۰۰،۱۰۹	unbeliever
	۴،۹۰،۱۰۳	infidle
	۲۳،۴۵	ungrateful
	۱۶،۸۷	disbeliever
	۴۲	non-believer
کافر شدن	۶	disbelieve
کافرون [سوره]	۷،۸۸،۱۰۰	The Unbelievers
	۸۷	The Disbelievers
کافور (قرآنی) [معادل انگلیسی این کلمه، متخذ از عربی و عربی متخذ از فارسی است. اصل این کلمه احتمالاً مالایائی یا سانسکریت است]	۸۰،۱۰۰،۱۱۲	Camphor
کافی [الکافی] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۴۲	The Sufficient One
کافیه [عنوان سورهٔ فاتحه]	۱۱۳	The sufficient One
کالا	۷۵	ware
	۵،۲	commodity
کالبد ← جسم		
کامل (قرآنی)	۱۱،۱۰۳	perfect
	۷،۸۷	whole
	۱۰۳	adept
کامن	۹۵	immanent
کان لم یکن (حقـ.)	۶۱	null (and void)
کاوین ← کابین		
کاهن (قرآنی)	۷،۳۸،۴۵،۸۴،۸۵،۸۷،۱۱۳	soothsayer

کاهنه	۸۰،۴	sorceress
کاینات	۳۱	creatures; existances; the universe; beings
	۵۲	extant beings
کاینات جوّ (علم)← آثار علوی		
کبائر [کبائر الاثم] (قرآنی) (نیز ← کبیره)	۷،۸۰،۲	great sins
	۸۰ _ ۴	grave sins
	۹۰	major sins
کِبار	۱۲۰	elders; great men; majors
کَبَد (قرآنی)	۱۰۰	trouble
	۸۰،۸۷	affliction
کِبر (قرآنی) (نیز ← تکبر؛ استکبار)	۴۲،۸۷	pride
	۷۹	grandness
	۴۲	haughtiness
کِبَر (قرآنی) [= پیری]	۷،۸۷	old age
کِبَر نفس	۴۲	magnanimity
کبریٰ (منط.)	۴۲،۹۴،۹۵،۹۷	major (premise)
کبریاء (قرآنی)	۸۷،۹۰،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	majesty
	۷	greatness
	۱۰۰	domination
	۳۴	sovereignty
کبریایی		
کبریت	۲۲،۸۰	brimstone
کبریت احمر	۲۲،۸۰	red brimstone
	۲۱،۱۲۰	philosopher's stone
کبریت بحری	۸۰-۵	brimstone of the sea
کبریت قانیء	۸۰-۵	bright red brimstone
کبریت قصّارین	۸۰-۵	brimstone of the bleachers
کبریت لاتحترق	۸۰-۵	incombustible sulphur

کبریت نهری	۸۰-۵	brimstone of the river
کبوتر نامه بر (قاصد)	۱۲۰	carrier - pigeon
کبیر [الکبیر] (اسم الهی) (قرآنی)	۷.۴۲.۴۵.۸۰.۸۷.۱۰۴.۱۱۰	The Great
	۱۰۰	All-great
کبیره [گناه کبیره] (نیز ← کبائر)	۹۳	grave sin
	۱۰۶	great sin
	۴۲	cardinal sin
	۱۴	deadly sin
	۳۱	mortal sin
کبیسه [سال کبیسه]	۳۷	leap year
کتاب [قرآنی]	۶۴.۸۷.۹۹	scripture
	۷.۱۲.۱۳.۴۲.۱۰۰	book
	۸۷	time prescribed
کتاب آسمانی	۱۲	revealed book
کتاب خدا	۴	Book of God
کتاب خطی	۱۲۰	manuscript
کتاب دعا	۱۲۰	prayer-book
کتاب لغت [= فرهنگ]	۱۲۰	dictionary; lexicon
کتاب مبین	۴۲	The manifest book (The Quran)
کتاب مقدّس	۱۱	holy book; holy writ
	۴۲	holy scripture
	۴۳	Bible
کتاب مقولات (منط.)	۹۹	Categories
اَهل کتاب.	۳۸	The People of the Book
	۳۷	scripturary
کُتّاب	۸۰_۴	secretaries
کتابت (نیز ← کاتب ؛ کتب ؛ خطاطی)	۲۶.۸۰	secretarial art
	۶۹	calligraphy

	۱۰۴	writing
کتابت (فقـ.)	۲۸	deed of manumission
کتابخانه [= کُتبخانه]	۱۲۰	library
کتابدار	۱۲۰	librarian
کتابداری	پ	librarianship
کتابفروش	۱۲۰	book seller
کتابه	۱۲۰	inscription; epigraph
کتابنامه	پ	bibliography
کتان	۱۲۱	flax; linen
کتب ضلال	۶۱	heretical books
کتب فقه	۴۲	canonical works
کتف	۱۲۰	shoulder; shoulder- blade
کتمان [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۰، ۶۳	concealment
	۴۵	disguise
کتمان شهادت	۶۳	concealment of a testify
کتمانیّه [نوعی تقیّه]	۲۷	arcane
کتیبه (نیز ← سنگ نبشته)	۷۸،۱۱۵،۱۱۶،۱۲۹	inscription
	۷۸	epigraph
کتیبه [= قرنیز] (معمـ.)	۱۲۹	cornice
کتیبه [= خفنگ] (معمـ.)	۱۲۹	fan-light ; skylight window
کثافه	۵۹	opaqueness
	۱۰۷	porosity
	۸۷	plenty
کثرت (قرآنی)	۶۹،۹۲،۱۰۲،۱۰۸،۱۱۱	multiplicity
	۷	abundance
	۶۹،۹۵،۱۰۴،۱۰۵	plurality
	۹۹	manifoldness
	۸۰ ـ۵	in frequent use

کثیر الاضلاع	۱۲۰	polygon; multilateral
کجاوه	۴۷	litter
	۱۱۴	travelling box
	۹۹	camel litters
کحّال	۸۰	oculist
کحّالی	۱۲۰	ophthalmology
کحل (نیز ← الکل)	۵۲،۸۰-۵	antimony
کحل بصر	۵۵	collyrium
کدخدا	۶۸	village headman
	۱۱۴	warden
	۸۰	steward
کدورت (تصـ.)	۵۹،۹۰	impurity
	۴	annoyance
کدّ یمین	۱۲۰	manual labour
کذا	۱۲۰	thus; such; like this
کَذّاب (قرآنی)	۷،۳۱،۹۹	liar
کِذّاب (قرآنی)	۷،۸۷	lie; lying
کذا و کذا	۳۱	so and so
کذب	۴۰،۱۰۵	false
	۹۵،۱۰۲	falsity
	۵۳	falsehood
کُر [آب کر.]	۲۰	Kur (384 liters) [water]
کرام الکاتبین [قرآنی = کراماً کاتبین]	۱۰۰	noble writers
	۷	honorable recorders
کرامت [۱. عمل خارق العاده	۴،۴۵،۸۰،۹۰،۱۰۱	1. miracle [of a saints]
ومعجزه آسای اولیاء و بعضی	۹۰،۱۰۶	2. grace
مرتاضان؛ ۲. کرم و مکرمت] (نیز	۹۵،۱۱۷	2. dignity
← استدراج؛ خارق عادت؛ معجزه)	۲	2. bounty

	۱۴	2. sign of grace
	۹۰	2. favour
	۹۹	2. act of divine grace
	۶۸	1. miraculous deed
	۸۰-۴	1. extra ordinary act
	۱۱۰	charisms
	۱۰۹	endowment
کراهت / کراهیت	۱۲۱	disgust; dislike; loathe
کراهت در سمع (بع.)	۱۲۸	cacemphaton
کرایه	۱۲۰	rent; hire
کَرْب (قرآنی)	۸۷	affliction
کرباس	۱۲۹	calico
	۱۲۰،۱۲۹	canvas
کربلا	۴۳،۹۱	Kerbela
	۴۳	Karbala
کرت ← اقریطش		
کردوبا ← قرطبه		
کردگار	۱۰۳	The Maker
کرسی (قرآنی) (نیز ← عرش)	۴۵،۸۷،۱۰۰،۱۰۷	The Throne
	۸۰،۹۹	The Divine Seat
	۲۴	The Chair
کرم (نیز ← کرامت ؛ کریم)	۵۲،۸۰،۹۰،۱۱۸،۱۱۹	generosity
	۵۷	magnificence
	۴	beneficence
	۹۹	nobility
کرم الهی	۱۰۳	loving kindness of God
کرّوبیان (نیز ← فرشته ،ملك)	۲۱،۱۰۳	Cherubim
	۲۲	archangels
کرّ و فرّ [= جنگ و گریز]	۹۹	attack and withdrawal

Term	Pages	English
کُره	۳۶،۷۴،۸۰	sphere
	۷۴،۸۰	globe
کُرهٔ آسمان (نجـ.)	۳۶	celestial sphere
کُرهٔ زمین (جغـ.)	۷۴	sphere of the Earth
کُرهٔ جغرافیایی	۷۴	terrestrial globe
کُرهٔ ذات الکرسی	۸۰ـ۵	the globe mounted on a stand
کُرهٔ عالم	۷۴	celestial sphere
کریم [الکریم] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۰،۹۵،۱۰۳	The Generous
	۱۰۰	All-generous
	۴۲	The All-Good
	۱	Benevolent
کریم النّفس	۳۱	noble-minded; of a generous soul
	۲۵	of a hospitable disposition; of a kind disposition
کسا	۶۷	a single piece garment
کُسالیٰ (قرآنی) [جمع کَسْلان= کسل]	۱۰۰	lazies
کساد (قرآنی)	۷	slackness
کسادی	۶۱	depression
کسب (کلـ.)	۲۸،۵۷،۸۰،۹۵	acquisition
	پ	occasionalism
کسب (نیز ← مکاسب)	۹۹	gainful occupation
کسبه [جمع کاسب]	۱۲۰	tradesmen
کسر (رضـ.)	۸۰ـ۴	fraction
کسر اصمّ	۸۰ـ۴	deaf fraction
کسر مبعضّ	۸۰ـ۴	subdivided fraction
کسر مختلف	۸۰ـ۴	disjunct fraction
کسر مستثنی	۸۰ـ۴	excepted fraction

کسر مفتوح	۸۰-۴	open fraction
کسر مفرد	۸۰-۴	simple or ordinary fraction
کسر منتسب	۸۰-۴	fraction of relationship
کسر مُنطق	۸۰-۴	pronounceable fraction
کسریٰ [= خسرو]	۱۲۰	Chosroe
کسوف	۳۶،۸۰،۱۰۹	eclipse
کسوف الشمس	۸۰-۵	eclipse of the sun
کسوف القمر	۸۰-۵	eclipse of the moon
کسوف جزئی	۳۶	partial eclipse
کسوه [پوشش کعبه]	۱۱۵	vesture
	۸۰-۴	curtain
کشتن (نیز ← قتل)	۴	murder
کشتی نوح	۴۲،۱۰۳	Ark of Noah
کشف	۴۲،۹۵	discovery
	۱۱۸،۱۱۹	reveal
	۴۵	uncover
	۴۲	unveiling
کشف (عرف.)	۲۸،۹۹	revelation
	۴۲	inward revelation; intuition; vision
	۲۲	intuitive knowledge
	۳۴	ecstatic experience
کشف الآیات	۴۲	index of Quranic verses
کشف الاسرار	۱۸	unveiling of mysteries
کشف المحجوب	۴۵	revelation of concealed matters
کشف صُوَری	۸۰-۴	imaginal perception of reality
کشف ضُرّ (قرآنی) [=کشف سوء=بلاگرداندن]	۷	removing the evil
کشف و شهود (نیز ← مکاشفه)	۱۳	intellectual intuition
	۱۱۵	intuition

کشف و عیان	۱۰۸	revelation and insight
کشکول	۸۰-۴	begger's bowl
	ب	anthology, miscellany
کشیش ← قسّیس		
کشیك خانه	۱۱۴	guard house
کظم غیظ [نیز ← الکاظمین الغیظ]	۱۰۳	suppression of anger
کظیم (قرآنی)	۸۷	suppressing (anger)
کعب (رضـ.)	۲۸	cube
کعبه (قرآنی)	۴۳.۸۷	kaaba; Kabah
	ب	Caaba
کفّاره (قرآنی)	۴۲.۴۵.۸۷.۱۰۰	expiation
	۴۲.۴۵	atonement
	۸۵	religious expiation
	۶۴	ransom
کفّاره دادن	۶۴	atone
کفالت	۸۵	suretyship
	۴۵	pledge
	۶۱	bail
کفایت	۲۵	sufficiency; thrift
	۹۹	competence
کفایه (فقـ.) [کُفُو بودن یعنی همپایهٔ اجتماعی بودن زن و شوهر]	۸۶	social equality (of the spouses in marriage)
کفر (قرآنی) [نیز ← ارتداد؛ الحاد؛ شرك]	۷.۶۴.۸۷.۱۱۸	disbelief
	۴۵.۴۷.۸۰	unbelief
	۶۴.۱۱۸	infidelity
	۱۴.۳۸.۱۱۳	blasphemy
	۲۹	atheism
کفر الانکار	۴۵	neither recognising nor ack-

		nowledging God
کفر الجحود	۴۵	recognising God, but not acknowledging Him with words
کفر المعانده	۴۵	recognising God and acknowledging Him with words but remaining unbeliever
کفر نعمت	۱،۸۱،۱۰۳	ingratitude [for a favour]
کفران (قرآنی)	۱۰۰	unthankfulness
	۶۴	rejection
کفر گفتن	۱۴	utter blasphemy
کفشدار (شغل و منصبی در مشاهد مشرّفه)	۷۳	shoe - holder
کفن (فقـ.)	۲،۲۰،۴۲	shroud
کفن کردن	۲۰	shrouding
	۲	clad in shroud
کَفور (قرآنی)	۷،۹۹،۱۱۲	ungrateful
	۱۰۰	unthankful
کُفور (قرآنی)	۷	denying
کفیل (قرآنی)	۴۷،۸۵	guarantor
	۷،۸۰،۸۵،۸۷	surety
	۶۱	acting
کفیل شدن	۶۱	stand bail; go bail
کلّ (قرآنی)	۹۷،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۵	whole
	۷،۸۷،۹۵	all
کَلّ (قرآنی) [= سربار]	۷،۸۷	burden
کَلاله (قرآنی) (فقـ.)	۱۰۰،۱۱۲	indirect heirs
	۸۷	distant heir
کلام (قرآنی)	۱۰۰	utterance
	۴۵،۵۶،۹۰،۱۰۸،۱۱۰	speech

Persian	Pages	English
کلام (بع.)	۱۲۸	discourse
کلام اسلامی [=الهیات]	۴۵،۵۴،۸۰،۸۱،۹۶	theology
	۴۵،۴۷،۸۰،۹۳	scholastic theology
	۶	Islamic theology
	۹۹	speculative theology
	۴۵	systematic theology
	۴۷	dogmatic theology
کلام الله	۳۸	The Word of God
	۸۷	Word of Allah
	۸۸،۱۰۱	The Speech of God
کلام الله غیر مخلوق	۸۰	uncreated word of God
کلام النفس	۸۰	discourse of the soul
	۱۰۸	speech of the mind
کلام پاك	۱۰۳	holy words
کلام لفظی	۱۰	uttered speech
کلام جامد (دســ.)	۱۲۸	primary word; prime word ; simple word
کلام فارغ (بع)	۱۲۸	pompous speech; bombastic speech; inflated speech
کلام نفسانی [= کلامِ نفسی]	۱۰	speech of the soul
	۴۲	logos
کلامی	۳۴	theologian
کلاه	۱۲۰	hat; cap
کلاه خود	۸۴	helmet
کلاه شرعی (حقـ.)	۶۱	legal trick
کلاه فرنگی (معمـ.)	۱۲۹	pavilion
کلب اصغر (نجـ.)	۳۶	Canis Minor
کلب اکبر (نجـ.)	۳۶	Canis Major
کلبهٔ احزان	۵۵	affliction's cell of gloom

کلبیون	۴۲	Cynics
کلدانیان [کلدانیّین، کلدیان]	۲۶،۴۲،۹۹	Chaldaeans
اَلکَلِمُ الطیب (قرآنی)	۷،۸۷	good words
کلمه	۱۱،۴۲،۹۵،۹۶	word
	۳۴،۴۵،۹۳	logos
کلمهٔ اعلیٰ	۱۱	high word
کلمهٔ الله (قرآنی)	۷،۸۷	word of Allah
	۴۴	Divine word; Logos
کلمهٔ خبیثه (قرآنی)	۸۷	bad saying
کلمهٔ شهادت	۱۴	attestation of faith
کلمهٔ طیّبه (قرآنی)	۸۳،۸۷	goodly saying
کلّی (منط.)	۱۱،۹۲،۹۷،۱۰۵،۱۱۱	universal
	۷۱	general term
کلّی طبیعی (منط.)	۹۷	physical universal
کلّی عرضی (منط.)	۹۷	accidental universal
کلّی عقلی (منط.)	۹۷	mental (metaphysical) universal
کلّی متساوی (منط.)	۹۷	co-extensive universal
کلّی منطقی (منط.)	۹۷	logical universal
کلّیات (حقـ.)	۶۱	general principles
کلّیات (منط.)	۱۱،۱۰۲،۱۰۳،۱۰۴	universals
	۸۰ـ۵	universal ideas
کلّیات خمس	۱۰۲	The Five universals
کلّیات صادقه	۱۰۴	true dicta
کلّیات مجرّده	۱۰۴	abstract universals
کلّیت	۱۶،۹۷،۱۰۲	universality
	۴۰	totality
	۱۶	generalization; universalization
کلید	۱۲۰،۱۲۹	key
کلیم	۲،۵۲	interlocutor

	۳۸	conversor
کلیم الله [لقب حضرت موسی (ع) است]	۲	The Interlocutor of Allah
	۳۸	The Conversor with God
کلیمی [مذهب] [= یهودیت]	۱۲	Judaism
کمّ [مقدار (نیز ← کمیّت]	۴۲،۵۶،۱۰۲،۱۰۵،۱۰۸	quantity
کمّ تعلیمی	۱۰۲	mathematical quantity
کمّ متصّل	۴۲،۱۰۲	continuous quantity
کمّ منفصل	۱۰۲	discrete quantity
کمال	۴،۴۵،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۶	perfection
	۵۶	completion
	۸۰	entelechy
کمال مطلق	۲۹	absolute perfection; supreme perfection
کمان (نیز ← قوس)	۱۲۰	bow
کم فروشی کردن (نیز ← مطفّفین)	۷۵	short weight
کمك مالی (نیز ← قرض الحسنه؛ تعاون)	۷۵	subsidy
کُمون (کل.)	۱۰،۸۰،۹۳	latency
	۹۵	immanence
	۹۳	latent properties of things
کمون و ظهور	۱۰	hiding and appearing
کمّی	۴۲	quantitative
کمیّت (نیز ← کمّ)	۴۲،۹۲،۹۵،۹۷،۱۰۶،۱۰۷	quantity
کمیّت متصل	۴۲،۹۲	continuous quantity
کنایه	۴،۸۵	allusion
	۸۵	implicit declaration
	۸۰-۵	metonymy
	۲۶-۱	invendo
کنایه (بع.)	۱۲۸	kenning

کنج عبادت	۵۲	devotion's niche
کنده کاری (هنـ.)	۷۸	carving; engraving
کنز (قرآنی) [این کلمه معرّب گنج فارسی است]	۷.۸۷	treasure
کنزالمخفی (تصـ.)	۴۲	the secret treasure
کنشت (نیز ← کنیسه)	۳۴	synagogue
کنعان	۳۸.۹۹	Canaan
کَنَف	۱۱۸	protection
کن فیکون (قرآنی) [= بشو، پس می‌شود؛ باش ، پس می باشد]	۸۷.۱۰۰	Be! and it is
کنگرهٔ عرش (نیز ← عرش)	۵۵	empyreal cupola
کُنه	۱۱.۱۱۸.۱۱۹	essence
	۷۹	the inmost center
کُنه ذات	۹۷	innermost core
کنیز (نیز ← فتیات ؛ ملك یمین)	۱۰۹	slave-girl
	۱۴.۱۰۳	handmaiden
	۱۴	serving wench
	۲	slave-maid
کَنیسه [معرّب کنشت است] (نیز ← کنشت؛ بِیع)	۴۲.۴۵.۸۰	synagogue
	۳۸	jewish synagogue
	۴۵.۸۰	church
	۸۰-۴	temple
کُنیه	۸۰-۵	patronymic
	۲۶-۲	nickname
	۶۷	surname
	۹۱	father - name
کوبهٔ در	۱۲۹	door knocker
کوپروس ← قبرس		

Term	Pages	English
کوثر [سوره]	۶۴،۸۷،۸۸،۱۰۰،۱۱۲	Abundance
	۷	The Heavenly Fountain
کودنی	۴	dullness
کَور	۴۰	cosmological cycle
کوردوبا ← قرطبه		
کورش [بعضی از محققان مراد از ذوالقرنین را در قرآن مجید، همان کورش می‌دانند]	۱ـ۲۶	Cyrus
کوره (نجـ.)	۳۵	Fornax
کورهٔ ذوب فلز	۱۲۹	furnace
کوزه	۱۲۹	vase
کوشك	۲۱،۸۰	pavilion
	۱۲۹	grange
کوفی [خط]	۱۱۵	Kûfi
کوفی تزیینی	۱۱۵	interlaced Kûfi
کوفی مربع	۱۱۵	rectangular Kufi
کوفی مشجّر [کوفی مورّق]	۱۱۵	floriate Kufi
کوفی موشح و مشبّك	۱۱۵	Kufi with interlacing shafts
کوفی مورّق ← کوفی مشجّر		
کوکب (قرآنی)	۶،۷،۸۷	star
کوکب دُرّی (قرآنی)	۷،۸۷	shining star
	۶	glittering star
کَون [حدوث]	۱۱،۶۹،۱۱۱،۱۱۷	generation
	۵۲،۵۳،۱۲۰	existance
	۵۳،۹۰	creation
	۵۳،۶۹،۱۲۰	being
	۹۵،۱۱۷	cosmos
	۱۱	coming-into-being; making
	۹۰	phenomena

	phenomenal world	۲۱
کَوْن (فلـ.)	mode	۹۳
کَوْن اوّل	primal being	۶۹
کَوْن ثانی	secondary being	۶۹
کَوْن مباینت	world of distinction	۱۱
کَوْن مشابهت	world of dissembling	۱۱
کَون و فساد	generation and corruption	۱۱،۸۰،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۵
	generation and destruction; making and unmaking; becoming and perishing; coming - into - being and passing away	۱۱
	becoming and decaying	۴۵
کون و مکان	time and space	۳۴
	the universe	۳۱
کونین	both worlds; both kind of being	۳۱
کوه	mountain	۱۲۰
کوه سینا	Mount Sinai	۴۳
کوه صهیون (نیز ← صهیونیسم)	Zion; Sion	۴۳
کهانت (نیز ← علم احکام نجوم؛ علم اختیارات؛ علم اختلاج؛ علم استنباط المعادن؛ علم اکتاف؛ علم تعلق القلب؛ علم رقیه؛ علم رمل ؛ علم جفر؛ علم ریافه؛ علم طیره؛ عرافه؛ علم عزائم؛ علم فراست؛ علم قیافة البشر؛ علم نزول الغیث؛) (نیز ← کاهن، کاهنه)	divination	۴۲،۸۰
	soothsaying	۱،۹۹
	fortune telling	۴۲

کهربا	۵۲،۸۰،۱۲۰	amber
	۸۰-۴	yellow amber
کهف [سوره]	۷،۸۷،۱۰۰	The Cave
	۹۵	Cavern
کهکشان (نجـ.)	۳۶	galaxy
کهکشان راه مکّه (نجـ.)	۷۴	Mecca way galaxy
کهشکانی (نجـ.)	۳۶	galactic
کهولت	۴۵	middle age
کَیّ [= داغ]	۱۲۱	burn (ing) ; brand
کیاست	۲۵	sagacity
کَید (قرآنی) (نیز ← مکر)	۸۷،۱۰۰	guile
	۸۷	plan
کیش	۴	religion
کَیف [کیفیّت] (کلـ.)	۱۱،۴۲،۵۶،۹۷،۱۰۲،۱۰۵	quality
	۹۰	modality
	۹۷	quale
کَیف انفعالی	۱۰۲	affective quality
کَیف بالعرض	۱۰۲	quality by accident
کَیف بالذات	۱۰۲	quality by essence
کَیف فعلی	۱۰۲	active quality
کَیف محسوس	۱۰۲	sensible quality
کَیف مسموع	۱۰۲	audible quality
کَیف نفسانی	۱۰۲	mental quality
کَیف و کَمّ	۱۳	quality and quantity
کیفر	۶۲	penalty; punishment
	۱۶	retribution
کیفی	۱۱	qualitative
کیفیّت ← کیف		
کیفیّت اولی	۱۱	primary quality

کیفیّت ثانوی	۱۱	secondary quality
کیل (قرآنی)(نیز ← مکیال؛ مکیل)	۷،۸۷	measure and weight
کیمیا (نیز ← اکسیر)	۴۲،۹۹،۱۰۳	alchemy
	۱۰۳	elixir
کینه	۶۱،۹۹	grudge
	۴	malevolence; animosity
	۲	malice
کیوان (نجـ.) [= زُحَل]	۱۰۳	Saturn
کیهان	۱۱	cosmos
کیهانی	۴۴	cosmic

گ

گازر	۱۸	washman
گاو	۱۲۰	cow
گاهشماری	۱۳	calendar
گبر (نیز ← زردشتی)	۱۰۳	fire-worshipper
	۱۴	Zoroastrian
	۳۴	Gueber
گچبر (هنـ.)	۷۸،۱۲۹	plasterer; stucco maker
گچبری	۷۸،۱۲۹	compo; moulding; plaster work
گچبری برجسته	۷۸	stucco relief
گچکاری	۷۸،۱۱۵	stucco decoration
	۱۲۹	plaster works
گچکاری برجسته	۷۸	chiselled plasterwork
گدا (نیز ← تکدی)	۱۲۰	beggar

گذشت (نیز ← عفو، غفران)	۲۹	forgiveness
	۱۵	forbearance
گراناذا ← غرناطه		
گرجستان	۴۲	Georgia
گرمابه	۱۲۰	bath; bath house
گرمسیر	۱۲۰	warm climate
		tropical country
گرو [رهان] (نیز ← رهن ؛ رهان)	۶۴	pledge
گروگان	۱۲۰	hostage; pledge
گرو گذاشتن	۶۱	put in pledge
گره بندی (جلـ.)	۱۱۶	knot work
گره سازی (جلـ.)	۱۱۶	fret work
گز [واحد طول]	۱۹	ell
گزاره ← قضیه		
گُل	۱۲۰	flower
گُلاب	۱۲۰	rose-water
گل اسلیمی (هنـ.)	۱۱۵	floral arabesque
گلخانه	۱۲۹	green house
گلدسته	۱۲۹	lantern
گلدوزی (هنـ.)	۷۸،۱۱۶	embroidery
گل گلاب [= گل محمدی]	۱۲۰	rose
گلیم	۲۱	woolen garment
گمان (نیز ← شک؛ تردید؛ تخمین)	۱۰۳	doubt
	۹۲	opinion
گمانه [چاه آزمایشی]	۱۲۹	trial hole
گمراه (نیز ← ضالّ)	۶۱،۱۰۳	astray
	۱۰۳	one whose way is lost
	۶	misguided
گمراه شدن	۹،۸۷	go astray

گمراه کردن	۲	get astray
	۸۷	mislead
	۹،۱۰۰	lead astray
گمراهی [ضلال]	۲	misleading
گمراهی آشکار [ضلال مبین]	۸۷	error manifest
گُمرك	۱۲۰	customs; custom-duties
گناه	۳۱،۴۲،۸۰،۱۰۰	sin
	۳۱	crime
	۴۲	vice
گناه باطن	۱۰۰	inward sin
گناه جبّلی [این مفهوم بیشتر در کلام مسیحی مطرح است، ولی طبعاً در کلام تطبیقی به آن اشاره می‌شود]	۲۷	original sin
گناه صغیره (نیز ← صغائر)	۴-۸۰	lesser sin
گناه ظاهر	۱۰۰	outward sin
گناه کبیره (نیز ← کبائر)	۱۰۰	heinous sin
	۴۵	mortal sin
	۹۹	capital sin
	۵۷	grave sin
	۴۲	cardinal sin
	۴	great sin
گناهکار	۴۲،۸۷	sinful
	۳۱	sinner; culprit; criminal
گناهکاری	۴۲	sinfulness
گنبد (معمـ.) (نیز ← قبه)	۳۱،۱۱۵،۱۲۹	dome
	۳۱،۱۱۵،۱۲۹	cupola
	۳۱	vault
گنبد ازرق [= آسمان]	۳۱	vault of heaven

گنبد آویخته (معمـ.)	۱۲۹	pendentive dome
گنبد دور تمام (معمـ.)	۱۲۹	spherical dome
گنج (نیز ← کنز)	۱۰۳	treasure
گنجه (معمـ.)	۱۲۹	cabinet; cupboard; wardrobe
گندم (فقـ.)	۱۲۰	wheat
گواه	۱۲۰	witness
گواهی دادن (نیز شاهد، شهادت)	۶۱	bear witness
	۲۹	testify
	۲	stand witness
گواهینامه	۶۱	certificate
گور	۱۲۰	grave; tomb
گور آب [تالاب]	۱۲۹	recharge basin
گورستان	۱۲۰	cemetery; grave-yard
گوشت خوك [= لحم الخنزير]	۱۰۰	flesh of the swine
	۸۷	swineflesh
گوشواره	۱۲۰	ear-ring
گوشه	۱۱۶	corner
گوشه (مسـ.)	۶۶	melody
گوهر [جوهر] (فلـ.)	۹۲،۱۱۱	substance
	۸۰ـ۴	essence
گوهر (نیز ← احجار کریمه؛ جواهر)	۱۰۳	jewel
گهواره	۱۲۰	cradle
گیاه (نیز ← نبات)	۱۲۰	vegetable

ل

لادری	۱۱	agnostic
لادریّه [= لادریگری]	۱۱،۹۵،۱۱۷	agnosticism
لااله الاّالله (قرآنی)	۶،۷،۲۱،۸۷،۱۰۳	there is no god except (save, but) Allah
لائم (قرآنی) (نیز ← نفس لوّامه)	۸۷	blamer
	۷	censurer
لابه	۱۰۳	supplication
لاتُعَدّولاتُحصی [= بیشمار]	۳۱	innumerable
لاتعیّن (نیز ← تعیّن)	۹۵	indetermination
لاجرم (قرآنی)	۸۷	assuredly
	۴۴	inevitably
لاجورد	۳۱	lapis lazuli; azure
لاحول و لاقوة الاّ بالله	۱۲۰	There is neither might nor strength but in God
لازم (دسـ.) (مقـ. متعدی)	۶۵	intransitive
لازم (منط.)	۹۷،۹۸	implicate; adherent
لازم [مقـ. جایز] (فقـ.)	۳۹،۴۵	irrevocable
	۸۰-۵	indispensable
	۶۱،۸۵	binding
	۹۵	inherent
لازم و کافی	۱۱	necessary and sufficient
لازم و ملزم [= لازم و ملزوم]	۴۲	correlative; interdependent
لاشعور	۹۵	unconscious
لاشیء	۴۶	nothing

	۱۰۲	non-thing
لاضرر ولاضرار فی الاسلام	۸۰-۴	In Islam there is no injury or malicious damage
لاطائل	۳۱	absurd; useless
لاعلاج	۱۲۰	remediless helpless; hopeless
لاقید (نیز ← لاابالی)	۱۲۰	Careless
لاك و الکل (هنـ.)	۷۸	shellack solution
لاکونیّت [=انکاروجودماسوی الله]	۹۵	acosmism
لال	۱۲۰	dumb
لاله	۱۲۰	tulip
لامادیّت	۹۵	immaterialism
لامتجانس	۹۵	heterogeneous
لامتمیّز	۹۵	indiscernible
لامتناهی (نیز ← لایتناهی)	۵۹	endless
	۹۵	infinite
لامحاله	۸۱	without fail
لامذهب	۱۲۰	irreligious
لامذهبی	۱۲۰	irreligion
لامسبوقیه بالغیر	۸۰-۵	having been preceded by nothing else
لامسه (نیز ← حس لامسه)	۳۱	touch; sense of feeling
لامکان	۱۰۳	non-space; quarter where place does not exist; realm where place is not; noplace
لامنقسم	۹۵	undivided
لاموجود	۱۰۲	non-existent
لانهایه	۴۲	infinite
	۱۱۰	infinity
لاوجود (نیز ← عدم)	۱۱،۹۵	non-being
	۱۰۲	non-existence

لاهوت [مقـ. ناسوت]	۳-۲۲،۸۰	Divine nature
	۵-۴۲،۸۰	Divinity
	۱۰۲	Divine world
	۲-۸۰	world of Divine Essence
لاهوتی	۱۱	metaphysical
	۴۴	divine
لایتجزی (نیز ← جزء لایتجزیٰ)	۱۲۰	indivisible
لایتغیّر	۴۴	immutable
لایتناهی (نیز ← لامتناهی)	۹۰	ad infinitum
لایجوز	۳۱	prohibited
لایحه	۳۱،۱۲۰	act; bill
لایزال (غالباً وصف خداوند است)	۱۰۳،۱۰۵	everlasting
	۴۲	immortal; eternal
لایعقل	۱۰۴	unintelligible
لایق	۳۱	worthy; decent; qualified
لایُقْرَء [ناخوانا]	۱۲۰	illegible
لایموت (قرآنی) (وصف خداوند است)	۱۱	everliving
لبّاده	۳۱	cloak for rain; quilted cloak; pelisse; wrapper
لباس (قرآنی)	۷	clothing
لباس التّقوی (قرآنی)	۸۷	raiment of restraint from evil
لبنان	۴۳	Lebanon
لبنیات	۱۲۰	dairy products
لبیّك [لبیك گفتن را در فقه ـ باب اعمال حج ـ تلبیه گویند] (نیز ← تلبیه)	۱۰۳	Here am I
	۸۴	at Thy service!
	۲۱	Thy will be done!

لجاج (اخـ.)	۶۹	quarrelsomeness
لچك [لچکی] (جلـ.)	۱۱۶	corner piece
لچکی (معمـ.)	۱۲۹	gable
	۱۱۵،۱۲۹	pendentive
لحاف	۱۲۰	quilt
لحم (قرآنی)	۸۷	meat
	۷	flesh
لحم الخنزیر (قرآنی)	۸۷	swineflesh
	۷	flesh of of swine
لحم طیر (قرآنی)	۷،۸۷	flesh of fowl (s)
لحن (قرآنی)	۲۷	tenor
لحن العامّه	۸۰-۵	errors of language made by the common people
لحیم [= جوش]	۱۲۹	solder
لحیم کاری	۱۲۹	brazing
	۷۸	soldering
لحیه (قرآنی)	۷،۸۷	beard
لَدُنّی (نیز ← علم لدنّی)	۳۱	inspired
لدی الاقتضا؛ (حقـ.)	۶۱	as occasion arises
لذاته	۱۰۸	to his essence
	۹۵	being for itself
	۱۱	for itself ; fur sich
لذت (قرآنی)	۱۰۰	delight
لذّت سرمدی	۱۰۴	eternal pleasure
لذّتگرایی	۱۱	hedonism
لرزه نگار [= زلزله سنج]	۷۴	seismograph
لزجی [= چسبندگی]	۱۲۹	viscosity
لزوم (نیز ← لازم)	۱۱	essentialness
	۸۰-۴	completion

لزوم (منط.)	۹۸	implication
	۹۷	adhesion
لزوم تام	۹۸	complete implication
لزوم غیر تام	۹۸	incomplete implication
لزوم ناقص	۹۸	dificient implication
لسان (قرآنی)	۸۷	language
	۵۵،۱۱۸،۱۱۹	tongue
لسان الحال	۱۸	mute eloquence
لسان الشرع	۱۰۴	theological language
لسان الغیب [در ابتدا صفت دیوان حافظ بوده و سپس به صورت لقبی برای خود او در آمده است.]	۵۵	The Tongue of the Unseen
	۳۱	the mystic tongue
لطایف ← لطائف		
لطف	۱۱،۸۱،۹۰،۹۵،۱۰۱،۱۰۳	grace
	۸۰،۹۰	favor
	۹۰	favour
	۲۹	blessing
لطف الهی	۴۴	Divine grace
	۸۰	Divine favour
	۴۲	Divine compassion
لطف حقّ	۱۰۳	grace of God
لطف خفی	۱۰۳	hidden grace
لطف ربّ	۱۰۳	God's grace
لطف سابق [= لطف ازلی الهی]	۱۰۳	Divine Mercy
لطف مطلق	۱۰۳	absolute mercy
لطف کردن	۱۰۳	do a kindness

لطیف [اللطیف] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	All-Subtle
	۴۵،۸۷	The Subtle
	۸۰	The Benevolent
لطیفه	۱۲۰	wit; witticism
لعاب [مینا؛ مینایی]	۱۲۹	enamel; frit
لعابی (هنـ.)	۱۱۵	enamelled
لعان (فقـ.) (نیز ← ظهار)	۳۹،۸۶	imprecation
لعان (حقـ.)	۶۱	solemn malediction
لعب (قرآنی) (نیز ← لهو و لعب)	۸۰،۸۷،۹۵	play
	۸۰-۴	game
لعل	۳۱،۱۲۰	ruby
لعن (قرآنی)	۴۲	imprecation
	۶۴،۸۷،۱۰۰	curse
	۸۰	cursing
لعنت (قرآنی)	۷،۸۷	curse
لعن کردن	۶،۸۷	curse
لعین	۱۰۳	accursed
لغت	۱۲۰	word
لغتنامه	۱۲۰	dictionary; lexicon
لغز [از انواع شعر] (نیز ← الغاز)	۲۶،۲،۱۲۸	enigma
	۱۲۸	aenigma
	۸۰-۴	semantic riddles
لغو [سخن بیهوده] (قرآنی)	۱۰۰	idle talk
	۲۵	inconsiderate speech
	۱۰۹	vanity
لغو [بیع]	۴۵	ineffective
لغو کردن (حقـ.)	۶۱	nullify
لُغوی	۸۰	lexicographical

	۴۲	literal; philologist
لفظ	۱۰،۹۱،۱۰۸	utterance
	۹۵	term
	۸۰	expression; pronunciation
لفظ و معنی	۵۳	letter and spirit
لفظی	۴۵	in expression
لفیف (دسـ.)	۲۸	doubly weak
لقاء (قرآنی)	۷،۸۷	meeting
	۴۶	vision
	۱۰۳،۱۰۹	countenance; meeting
لقاءالله (قرآنی)	۷،۸۷	meeting of (with)
	۱۰۹	meeting Lord
لِقاح	۱۲۰،۱۲۱	fecundation
لَقب [جمع مکسر این کلمه به صورت القاب در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۰	nickname; honorific title; familiar name; permanent title
	۴۲	appelation; title; surname
لُقَطه (فقـ.) (نیز ← لقیط)	۸۵	found property
	۸۰-۵	an article found
	۲۰	windfall
	۳۸	trove
لقمة الصباح	۱۲۰	breakfast
لقمهٔ حلال	۱۴	lawful food
	۱۸	lowful morsel
لقیط (نیز ← لقطه)	۸۵	foundling
لمحةالبصر (قرآنی) [= اللمح بالبصر] (نیز ← طرفةالعین)	۷،۸۷	twinkling of the eye
لُمَزَه (قرآنی) [= بد گو]	۱۰۰	slanderer
	۵۶	glimmering
لِمّی ← برهان لمی		

لَم یُزرَع	۴۲	barren
لم یزل (غالبًا وصف خداونداست) (نیز ← لایزال)	۱۰۵	uncreated
لم یولد (قرآنی) (وصف خداوند)	۱۰۰	who has not been begotten
	۱۱	The uncreatable
لن ترانی [کلمه‌ای است قرآنی به معنای «هرگز مرا نخواهی دید» ولی در عرف فارسی به معنای سخن نابجا و غیر منتظره و جواب سر بالا معروف شده است]	۱۰۰	Thou shalt not see me
	۱۲۰	disappointing reply
لنگر	۱۲۰	anchor
	۱۲۹	weight;moment;brake weight
لنگ	۱۲۰	lame; maimed
لؤلؤ (قرآنی)	۷،۸۷	pearls
لوا	۳۸،۸۰	banner; standard
	۸۰	flag
لواط (نیز ← همجنس‌بازی ؛ لوطی)	۳،۸۰-۵	sodomy
	۶۱	buggery
	۲۲	[male] homosexuality
لوازم [لواحق]	۱۰۸	concomitants
لوچ (نیز ← احول)	۱۲۰	squint- eyed
لوازم التحریر	۱۲۰	stationary
لوح [این کلمه به صورت مفرد فقط یك بار در ترکیب «لوح محفوظ» در قرآن به کار رفته و چهار بار به صورت جمع مکسر: الواح]	۷،۴۵،۸۰،۸۷،۱۰۳،۱۰۸	tablet

لوح (معمـ.)	۱۱،۹۵،۱۰۳	table
	۱۱۶	plate
	۴۵	board
	۱۲۹	slab
لوح ازل	۱۱	eternal table
لوح تقدیر	۳۷	book of fate
لوح حافظ	۱۰۳	guarding tablet
لوح عدم	۳۴	the page of not being
لوح محفوظ (قرآنی)	۷،۵۹،۸۷،۱۰۰،۱۰۳،۱۱۲	guarded tablet
	۸۰	Protected Table; Guarded Table; Safely Preserved Tablet
	۲۲	Protected Tablet
لوح و قلم	۴۱،۸۰	The Table and the Pen
لوحه	۱۱۶	panel
	۸۰-۵	wooden covers
لوط (ع) (نیز ← قوم لوط)	۷،۴۵،۸۷،۱۰۰	Lot
	۴۵	Loath
لوطی	پ	homosexual
	۱۲۰	bugger; rogue ;pederast
لوّامه [نفسِ لوامّه] (نیز ← نفس لوّامه)	۱۱۲	reproachful (soul)
لولا (معمـ.)	۱۲۹	pir; joint; hinge; articulation; linkage point
لولا (جلـ.)	۱۱۶	envelop flap
لوله کش	۱۲۹	pipe layer; plumber
لوله کشی	۱۲۹	piping
لولی	۱۲۰	gipsy-women; harlot
لومه (قرآنی) [= ملامت] (نیز ← لائم؛ ملامت)	۸۷	blame

لون (قرآنی)	۷،۸۷	color [= colour]
لهب [سوره]	۷	The Flame
لهجه	۱۲۰	dialect
لهو (قرآنی)	۸۰،۹۵،۱۰۰	diversion
	۸۰-۵	amusement
	۸۷	idle talk
	۲۱	frivolity
لهوالحدیث (قرآنی)	۷	frivolous discourse
لهو و لعب (قرآنی)	۸۰	diversion and play
	۷،۵۲	sport and play
	۳۱	playing and toying
	۲۵	sensuality; libidinous pleasures
لَیسیّه (تصـ.)	۹۳	nonbeing
لیل [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Night
لیلة الاسراء ← اسراء؛ معراج		
لیلة الحریر [شب معروف جنگ صفین]	۴۲	The Night of Clamour
لیلة القدر (قرآنی)	۷،۳۸،۱۰۰،۱۱۲	The Night of Power
	۴۵	Night of the Divine Decree
	۸۹	The Night of Worth
لیمیا	۵۴	magic

م

مآب (قرآنی)	۸۷	return; journey's end
مآثر	۱۲۰	memorable deeds

ماءالحیات (آب حیات / آب زندگی)	۱۲۰	water of life
ماءالمطر [آب باران]	۳۸	rain water
مائده [سوره]	۸۸،۱۰۰	The Table
	۸۷	The Table Spread
	۸۰_۴	Table Prepared
ماءِ معین (قرآنی)	۷	flowing water
	۱۰۰،۱۰۳	running water
مابعدالطبیعه	۱۳،۸۰،۹۵،۹۸	metaphysics
مابه الاتفاق	۱۰۲	identifying factor
مابه الامتیاز	۱۰۲	distinguishing factor
مابه الشرکت	۱۰۲	common aspect
ماترك	۶۱	heirloom
	۱۰۹	what is left
ماتم	۱۰۳	mourning
ماجد [الماجد] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۸۰	The Noble
ماجرا	۱۲۰	event; accident; adventure
ماحصل	۴۴	summary
ماحضر		whatever is ready
ماخولیا ← مالیخولیا		
مادر رضاعی	۱۲۰	foster-mother
مادرزاد	۱۲۰	inborn; congenital
مادّه	۵۶،۹۳،۹۵،۱۰۵،۱۰۸،۱۱۱	matter
مادّه اولیٰ [هیولای اولیٰ]	۱۱	primal matter
	۹۲	prime matter
مادّه تاریخ [= گنجاندن تاریخ واقعه‌ای در یك عبارت یا غالباً شعر بر حسب حساب جُمّل]	۱۲۸	chronogram

مادّه عنصری	۱۱	elemental matter
مادّه غیر متعیّن	۱۱	indeterminate matter
مادّه کلّی	۱۱	universal matter
مادّه مطلق	۱۱	absolute matter
مادّه گرایی	۱۱	materialism
مادّیت	۱۱	materiality
مادّیه [= مادّیون]	۴۵	materialists
مارپیچ (هنـ.)	۱۱۵	spiralloid
مارستان ← بیمارستان		
مارق	۳۱	apostate
مارونیها	۸۰-۳	Maronites
ماریه قبطیه [از همسران پیامبر (ص)]	۴۲	Mary the Copt
ماسبق	۶۱	what is preceded
ماسح	۸۰-۴	surveyor
ماسوی الله	۳۴	what is other than Allah
	۱۴	all other than God
	۸۰-۳	«Other» things which hide God
ماشاءالله	۶	What Allah Wills
ماضی	۱۲۰	past
ماعون [سوره]	۸۸،۱۰۰،۱۱۲	Charity
	۸۷	Small Kindnesses
	۷	The Daily Necessaries
مافات	۱۲۰	that which is past
مال (قرآنی) (نیز ← اموال)	۷،۱۸،۸۰	wealth
	۴۵	commodity
مال الاجاره	۱۲۰	rent
مال التجاره	۷۵	merchandise
مال الخاص	۸۰-۴	personal revenue
مال دنیا	۱۸	worldly wealth

مالک	۱۱۴	possessor
	۸۲-۵	landowner
مالک الملک (اسم الهی) (قرآنی)	۷.۸۰.۱۰۰	Master of the Kingdom
	۲۲	Lord of Sovereignty
مالکیّت	۱.۲۹.۶۱.۱۲۹	ownership
	۱۱۳	mastership
مالکیّت ارضی	۷۵	land tenure
مالکیت انتفاعی	۶۱	beneficial ownership
مالکیت خصوصی	۲۹	private ownership
مالکیت دولت	۵-۲	state ownership
مالکیت عمومی	۵-۲	public ownership
مالکیت فردی	۵-۲	private ownership
مالکیت قضایی	۶۱	legal ownership
مالکیت محدود	۶۱	restricted ownership
مالکیت مختلط	۵-۲	double ownership
مالکیت مطلق	۶۱	absolute ownership
مالک یوم الدین	۷	Master of the Day of Judgment
	۱۰۰	Master of the Day of Doom
مالنخولیا ← مالیخولیا		
مالی	۸	financial
مالیات	۷۵	tax
مالیات سرانه	۷۵.۸۰	poll-tax
	۷۵	head tax; capitation tax
مالیات بندی	۷۵	taxation; imposition
مالیات غیر مستقیم	۱۲۰	indirect taxes
مالیات مستقیم	۱۲۰	direct taxes
مأمور	۱۲۰	agent; employee
مانحن فیه	۱۲۰	the subject at hand
مالیخولیا [در متون قدیم و جدید	۳۱	melancholy

فارسی و عربی این کلمه که
همان بیماری سودا یا وسواس
سوداوی است، به صورت
ماخولیا و مالنخولیا و ملنخولیا به
کار رفته است. و معرب از اصل
یونانی است.]

مالیخولیائی (نیز ← سودایی)	پ	melancholic
ما ملکت ایمانکم [= ملك یمین]	۴۵	slave girls
ماندائی ← مندائیه		
مانع [المانع] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۸۰	The Tutelary Defender
	۴۵	Withholder
مانع	۱۰۴	impediment
	۱۱۴	hindrance
مانعة الجمع	۴۴	mutually exclusive
مانوی (کلـ.) (نیز ← زندیق؛ زندقه)	۳۱	Manichean; Mane's disciple
مانویّت (کلـ.)	۴۲	Manichaeanism
	۹۵	Manichaeism
ماوراءالطبیعه	پ	supernature
ماوراء الطبیعی	پ	supernatural
ماوراءالنهر	۲۱،۸۰،۹۹	Transoxania
ماه کنعان [= یوسف (ع)]	۵۵	The Moon of Kanaan
ماهوی	۱۱	essential
ماهیّت (منط.)	۴۵،۵۶،۸۰،۸۲،۹۵،۹۷،۱۰۳	quiddity
	۱۶،۸۲،۹۷،۱۱۱	essence
	۱۰۳	essential substance
ماهیّت ثابته (نیز ← اعیان ثابته)	۴۴	unchanging essence

ماهیّت ممکن	۵۶	quiddity of a contingent thing
ماهیت‌گرایی [= اصالت ماهیت]	۱۱	essentialism
مایملك	۶۱	possessions
مأجوج (قرآنی) [نیز ← یأجوج و مأجوج]	۷	Magog
مأجور	۱۲	rewarded by God
مأخذ	۴۰	source
مأذنه	۴،۹۹	minaret
مأذون	۴۲	authorized
	۸۵	a slave who has been given permission to trade
مأذون [در فرقهٔ اسماعیلیه]	۴۵	licenced to teach
	۸۰	licenced to preach
مألوف	۱۲۰	usual; customary; habitual
مأمن (قرآنی)	۱۰۰	place of security
	۸۰	safe place
	۱۲	place of refuge and security
مأموم (نیز ← امام)	۲۰	follower
مأویٰ (قرآنی)	۸۷	habitation; ultimate abode
	۱۰۰	refuge
	۲۱	abode
مباح	۴۲،۹۹،۱۰۶	permissible
	۴۲،۴۵،۴۷،۸۰	permitted
	۴۲	allowed
	۴۲	lawful
مباحثه	۳۱	disputing; dispute; debate
	۲۹	argumentation
مباحثه کردن	۶	debate
مبادله	۲ ـ ۵	exchange

	۶۱	interchange
مبادی	۱۱،۶۹،۸۰،۱۰۵	principles
مبادی الحوادث	۱۰۴	principles of the temporals
مبادی اولیّه [اصول نخستین]	۱۱	first principles
مبادی عقلی	۹۵	laws of thought
مبادی محسوسات	۶۹	principles of the sensibles
مبادات موجودات	۶۹	principles of existent things
مبارزه	۴	struggle
	۷۳	combat
مبارك (قرآنی)	۴۲،۱۰۰،۱۰۳	blessed
مباشر	۱۱۴	representative
	۱۲۹	district overseer
	۸۰-۵	bailiff
مباشرت	۶	relationship
مبالات	۱۲۰	care; regard; consideration
مبالغه	۱۲۰	exaggeration
	۲۶-۱	hyperbole
مبالغه (بع.)	۱۲۸	amplification
مبانی	۱۳	doctrines
	۱۶	fundamentals; basic principles
مباهات	۱۲۰	glory; honor; boasting
مباهله (نیز ← ابتهال)	۱۱۲	mutual cursing
	۸۴	mutual invocation of a curse (cursing)
	۸۰	imprecation
	۱۰۹	contest of prayer
مبایعه [= بیعت] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۰	(to) swear fealty
	۸۰	contract

	۸۷	(to) swear allegiance
مباین (منط.)	۹۷	heterogeneous; heteronymous
	۹۵	disparate
مباینت	۹۹	separateness
مبتدا (دسـ.)	۶۵	subject
مبتدای مؤخّر (دسـ.)	۶۵	subject placed behind
مبتدع	۱۰۸	innovator
مبتدعه (کلـ.)	۱۰،۴۵	innovators
مبحث وجود	۱۳	ontology
مَبدأ	۴۲،۶۰،۱۰۸	origin
	۲۴،۱۰۲،۱۰۸	source
	۱۱،۴۲،۹۵	principle
	۱۱	beginning
	۴۲	premise
مبدأ آثار	۵۶	source of effects
مبدأ اوّل	۴۰،۵۶،۹۵،۱۰۴،۱۰۵	first principle
مبدأ فعل	۸۰ ـ۵	origin of the act
مبدأ فیضان	۱۰۴	principle of emanation
مبدأ ملکوتی	۱۳	celestial origin
مبدأ و معاد	۸۲ ـ۴	origin and end
مبدع [مراد خداوند است.]	۸۰	The Innovator
	۱۰۳	Originator
	۴۰	Creator
	۲۹	Initiator
مبدع محض	۲۹	The Sole Initiator
مَبرّات	۱۲۰	charitable deeds
مبرور	۱۲۰	pious
مبرهن	۱۲۰	proved; demonstrated
مبشّر [جمع سالم این کلمه در قرآن	۹۹	bearer of glad tiding

مجید به کار رفته است.]		
	۲	conveyor of tidings
	۴	messenger
مُبطل		falsifier (ed.)
	۱۲۰	cancelling; invalidating
مبعوث (قرآنی)	۱۰۰	raised up
	۳ـ۶،۸۰	sent
	۶	envoy
مُبلغ	۴	emissary
مَبلغ (قرآنی)	۸۷	sum
	۶۳	amount
	۱۰۰	attainment
مبنی (دســ.)	۶۵	indeclinable
مبهم	۹۵،۱۲۰	ambiguous
مبهمات	۱۲۸	indefinite pronouns
مُبَیِّضَه [پیروان المقنع] (= سپیدجامگان، مُقَنَّعیه)	۴۲	The White - robed
مبیع	۸۷	sold
مبین	۷	manifest
	۸۷	plain; mere
متاع (قرآنی)	۲۱،۸۷	provision
	۱۰۰	enjoyment
	۲	plantation
	۶۴	means of livelihood
متاع الغرور (قرآنی)	۸۷	matter of illusion
	۷	provision of vanities
متأثر (نیز ← تأثر)	۲۹	emotive
متأخّر (نیز ← تأخر)	۱۰۴،۱۰۵	posterior
	۲۱	modern

	۱۰۵	later
متأخّرين	۵۶	recent thinkers
	۴۲	later generations
	۱۰	later ones
متألّه (نيز ← تأله)	۴۴	theologian
	۱۳	theosopher
متأهل (نيز ← تأهل)	۲۱	married
متباين (نيز ← تباين)	۹۷	heterogeneous
	۱۰۸	distinct
متبرّك	۱۲۰	holy; sacred; blessed
متجاسر	۱۲۰	daring; insolent
متجانس (نيز ← تجانس)	۹۵	homogeneous
متجاهر به فسق	۱۲۰	notorious for debauchery
متجدّد (نيز ← تجدد)	۵۶	renewed
	۴	modern thinker
	۱۰۷	temporary
متجلّی (نيز ← تجلی)	۱۰۲	self-revealing
	۱۱	manifested
متّحد (نيز ← اتحاد)	۱۰۳	unified
متحرّك (نيز ← حركت؛ تحرك)	۱۱،۹۵	mobile
	۸۰-۳	object moved
متحيّره	۴۰	planets
متخاصم	۱۲۰	hostile
متخصّص	۱۲۰	specialist
متخلّق	۱۲۰	characterized; endowed
متخيّله (نيز ← تخيل)	۱۳،۹۵	imagination
متداخل (منط.)	۱۱،۹۴	subaltern
متديّن (نيز ← دين، ديانت؛ تدين)	۳۱	orthodox; upright; firm in religion
مترادف (دسـ.)	۱۲۰،۱۲۸	synonymous , synonym

مترادف (عروض)	۱۲۸	single rhyme; male rhyme; masculine rhyme; one sylable rhyme
مترجم	۱۲۰	translator; interpreter
مُتَرَدِّیَه (قرآنی)	۱۰۰	beast fallen to death
مترف (نیز ← اتراف)	۱۶	affluent
متروك (حد.)	۲۸	rejected
متساوی الاضلاع	۱۲۰	equilateral
متساوی الزوایا	۱۲۰	equiangular; isogonal
متساوی الساقین	۱۲۰،۱۲۹	isoceles
متساویان (منط.)	۹۷	co-extensive
متساویة فی الزمان	۱۰۵	simultanous
متسلسل (نیز ← تسلسل)	۱۱	regressive
متشابه [آیه]	۲۴،۸۰	ambiguous
	۱۰۶	equivocal
	۴۲	metaphorical; uniform; intricate
متشابهات (قرآنی)	۷	allegorical
	۹۳،۱۰۰	ambiguous verses
متشابهات القرآن	۴۲	metaphorical expressions of the Quran
متشرع	۴	Islamic jurist
متصرّف	۱۲۰	possessing; occupying
متصل (منط.)	۴۲،۸۰،۹۷	conjunctive
	۴۲،۱۱۱	continuous
متصوّر (نیز ← تصور)	۴۵	the shaper
	۱۲۰	imagined ; conceived
متصوّره	۱۳	fantacy
متصوّفه (نیز ← تصوف)	۲۱	those who profess Sufism
	پ	Sufis
متضاد (نیز ← تضاد)	۱۱،۹۴،۱۲۸	contrary

متضاد (بع.)	۲۶،۲	antithesis
متضادتان (منط.)	۱۲۸	contraries
متضایف (نیز ← تضایف) (منط. فلـ.)	۱۱	correlative
متضرر	۱۲۰	sustaining a loss
متعادل (نیز ← تعادل)	۴	equilibrated
متعارض (نیز ← تعارض)	۱۰۸	incompatible
متعارف [قضیهٔ متعارف]	۴۰	axiom
	۴۵	generally known
	۸۵	customary
متعاقب	۱۲۰	following; subsequent
متعال [المتعال] (اسم الهی) (قرآنی)	۶،۷،۱۱	The Most High
	۴۲،۴۵	The Exalted
	۱۰۰	All-exalted
	۲	Almighty
	۸۰	The Very High
متعالی [اسم الهی] ← متعال		
متعالی	۱۱	supreme
	۱۱،۱۰۸	transcendent
	۹۵	transcendental
متعبّد	۱۲۰	devout; worshipper
متعدّی (دسـ.) (نیز ← لازم)	۲۸،۹۵	transitive
متعذّر	۱۲۰	difficult; impossible
متعرّب (نیز ← عرب)	۴۵	Arabicized
متعسر	۱۲۰	difficult
متعصّب (نیز ← تعصب)	۱۱	fanatic
	۱۰۸	bigot
	۲۳	zealot

متّعظ	۱۲۰	taking admonition; accepting advice
متعلق	۱۲۰	belonging
متعلّقات (حقـ.)	۶۱	appurtenances
متعه (فقـ.)	۴۵،۸۵	temporary marriage
متعهّد	۱۲۰	undertaking; engaged
متغیّر (نیز ← تغیر؛ تغییر)	۹۴،۹۵	variable
متفق القول	۱۲۰	unanimous
متفکره (نیز ← فکر، تفکر)	۱۲	mind
متقابل (نیز ← تقابل)	۱۱	opposed; opposite
متقارب (عر.)	۲۸	adjacent
	۱	synonymous
متقارن	۱۲۹	symmetrical
متقاضی	۶۱	applicant
متقاعد	۱۲۰	retired; convinced
متقدّرات	۵۶	measurable things
متقدم	۱۰۵	prior; earlier
	۱۲۰	precedent
	۹۹	ancient
متقدم بالذات	۱۰۴	prior in essence
متّقی [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۲،۸۷،۱۰۰،۱۰۳	God-fearing
	۱۶	pious ; noble
	۴۲	righteous
متّکا (قرآنی)	۷،۱۰۰	repast
	۱۲۰	bolster; pillow
	۱۲۹	saddle bearer
متکافی	۶۹	correspondent
متکبّر [المتکبّر] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۵،۸۰	The Haughty

	۱۰۰	All- Sublime
متکبّر (نیز ← تکبر)	۲۳	arrogant
	۹۰	proud
متکثر (نیز ← تکثر)	۱۱	multiple
متکلم [المتکلّم] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۲	The Speaker
متکلّم (دسـ.)	۶۵،۱۲۸	speaker; first person
متکلّم [عالم کلام] (نیز ← کلام)	۴۷،۸۰	scholastic theologian
	۲۲،۸۰،۹۹،۱۰۵،۱۰۸	theologian
	۹۹	seculative theologian
	۲۱	Scholastic philosopher
	۶	debator
متکیّف (نیز ← کیف)	۱۱	qualified
متلازم (نیز ← تلازم)	۴۴	concomitant
متلوّن (بغ.)	۲۶-۲	variegated or chameleon
متمدن (نیز ← تمدن)	۱۲۰	civilized
متمکّن	۸۰-۵	stable
متمکّنات	۷۹	things qualified by localization
متملق (نیز ← تملق)	۱۲۰	flatterer
متمّم	۹۴	complement
	۱۲۰	supplementary
متمنّی (نیز ← تمنّی)	۱۲۰	requesting; asking
متمول	۱۲۰	wealthy
متنازع	۱۲۰	disputed; contested
متنافس (قرآنی) (نیز ← تنافس؛ منافسه)	۷	aspirers
	۱۰۰	strivers
متناقض (نیز ← تناقض)	۱۱،۹۵	contradictory
	۱۰۵	self - contradictory

	۱۱	contradictive
متناوب	۱۲۰	alternate; periodic (al)
متناهی (نیز ← تناهی؛ لایتناهی)	۳۲،۱۰۲،۱۰۷	finite
	۳۲	limited
متنبّی	۱۱	false prophet
متواتر [از انواع حدیث] (نیز ← تواتر)	۸۶	widely transmitted
متواترات (منط.)	۹۷	Testata
متوازن [نوعی نثر مسجع]	۲۶ـ۲	symmetrical
متوازی [نوعی نثر مسجع]	۲۶ـ۲	parallel or concordant
متوازی الاضلاع	۱۲۰	parallelogram
متوازی السطوح	۱۲۹	parallelepiped
متواطی (منط.)	۹۷،۱۱۱	univocal
متوافق (منط.)	۹۴	equipollent
متوحّد	۶	unique
متوسّط	۱۲۰	mean; middle
	۸۰ـ۴	moderate
متوطّن	۱۲۰	native; indigenous; resident
متوفی (نیز ← وفات ؛ فقید)	۷۷	deceased; decedent
	۶۱	defunct
متوکل	۱۲۰	trusting; resigned
متولّدات (کلـ.)	۱۰	generated effects
متولّی (فقـ.)	۶۱،۶۸،۸۰،۸۲	administrator
	۴۲،۸۲	trustee
	۸۰ـ۲	superintendent
	۸۲ـ۵	curator
	۴۲	guardian
متهم [مدعی علیه] (حقـ.)	۶۱	accused
متهود (تازه ایمان؛ جدید المذهب)	۱۰۷	proselyte

متین [المتین] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۰	The Unshakable
	۱۰۰	Ever-Sure
	۷،۴۲	The Strong
مثال	۹۲،۱۱۱	analogy
	۵۲	parable
	۱۰۸	similitude
	۸۰-۴	figurative expression
	۱۱	idea
مثال افلاطونی	۱۱	Platonic idea
مثال خیالی	۲۲	imaginative form
مثال زمانی	۱۱	temporal idea
مثال عینی	۱۱	objective idea
مثال قدیم	۱۱	eternal idea
مثالی	۹۵	ideal
مثانه	۱۲۰	bladder
مثانی (نیز ← سبع المثانی)	۴۲	repetitions
مثبت (منط.)	۱۱	positive
مثقال (قرآنی)	۷،۸۷	weight
مثقال	۱۲۰	a weight equivalent to 5 grams
مَثَل (قرآنی)	۸۷	similitude
	۸۰_۲	paradigm
	۱۶	parable
مثل (بع.)	۱۲۸	proverb; adage; paroemia
	۲۷	prototype
مثل اعلا (قرآنی) [=المثل الاعلی]	۸۷	sublime similitude
مُثُل (نیز ← مثال افلاطونی)	۸۰_۴	exemplary ideas
	۹۶	ideas

مثلث	۱۲۰	Triangular
مثلث [صورت فلکی]	۳۵	triangulum
مثلثات	۱۲۰	trigonometry
مثلث جنوبی [صورت فلکی]	۳۵	Triangulum Australe
مثله کردن	۸۴	mutilate
مُثمر	۱۲۰	fruit bearing; fruitful
مثنوی	۲۶ـ۲	mathnawi (double- rhyme)
مثنوی (عر.)	۱۲۸	couplet; gemells; doublet
مثنیٰ (دسـ.)	۶۵	dual
المثنیٰ	۶۱	counterpart
	۱۲۰	replica
مثویٰ (قرآنی)	۸۷	lodging
مجادله [سوره]	۱۰۰	The Disputer
	۸۷	She that disputeth
	۸۸	The Dispute
	۷	The Pleading One
مجادله (منط.)	۹۸	dialectation
مجادله [جدل] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۹۵	polemics
	۷،۲۱،۸۷	disputation
	۲۲	argument; disputing
مجادلهٔ فلسفی	۱۱	philosophical controversy
مجادلهٔ کلامی	۱۱	theological controversy
مَجاز (بع.)	۴۰،۸۰،۹۵،۱۰۵	metaphor
	۴۰	figurative
	۱۰۲	figurative expression
	۲۶،۸۰	trope
مَجاز عقلی	۸۰ـ۵	trope of the intellect
مَجاز مجرد	۱۰۵	pure metaphor

مُجاز	۶۱	admissible; authorized
مُجازات	۸	sentence
مَجازات القرآن	۴۲	figurative expressions of the Quran
مجاز شمردن	۱۵	licensing
مَجازی (بع.)	۱۶،۸۰،۱۲۸	figurative
	۴	allegorical
	۴۵	metaphorical
	۱۰۳	false
مَجاعه	۱۲۰	hunger; year of famine
مجال	۱۲۰	leisure; opportunity
مجالس التذکیر	۸۰-۵	mystic sessions
مجالس الذکر	۸۹	sessions of remembrance
مجالست	۲۱	sitting with
مجامعت	۱۲۰	sexual intercourse; copulation
مُجانست	۲۱	homogeneity
مجاور (حقـ.)	۶۱	adjacent
مجاورت (حقـ.)	۶۱	adjacence
مجاور شدن (فقـ.) (نیز ← اعتکاف)	۱۴	take up residence
مجاوره	۸۰	pious retreat
مجاهد [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۰-۲	warrior for the faith
	۷	striver
	۸۰-۴	volunteer of faith
	۴۲	warrior in the cause of religion
	۲۹	combatant in the cause of religion
	۷۳	crusader
مجاهدت (نیز ــ جهاد)	۵۸،۱۱۳	spiritual struggle
	۹۹	(pious) exertion

mortification	۲۱	
self-mortification	۱۴	
striving of virtuous purification	۵۷	
		مُجاهده ← مجاهدت
Believers in Compulsion	۱	مُجبّره (کلـ.)
Compulsionists	۸۱	
Determinists	۴۵	
a complete eunuch	۴۲	مَجبوب [= اخته ، خواجه]
compelled	۱۰	مجبور (کلـ.)
determined	۱۶	
the chosen one	۱۰۳	مجتبی (نیز ← اجتباء)
collected	۲۱	مجتمع (نیز ← اجتماع)
religious jurist	۲	مجتهد (نیز ← اجتهاد ؛ مقلد)
qualified lawyer	۸۳	
expert in Islamic Jurisprudence	۷۳	
glory	۲۷،۸۰،۹۹،۱۰۷،۱۱۰	مَجد (نیز ← مجید)
nobility	۱۱۰	
renewer	۴۵،۶۸	مجدِّد (نیز ← مصلح)
reformer	۱۰۱	
ecstatic; the attracted one; mystic mania	۸۰	مجذوب (تصـ.)
devoutly attracted	۳۸	مجذوبِ سالك
attracted one who is striving	۸۰ـ۵	
square of a number	۱۲۰	مجذور (رضـ.)
leprous	۱۲۰	مجذوم
canal; duct; culvert	۱۲۹	مَجرا [کانال؛ جوی آب]
empirical premisses	۴۲	مجرّبات (نیز ← تجربه)
experta	۹۷	
bachelor	۶۱	مجرّد [مقـ. متأهّل]

مجرّد (منط.)	۱۱،۹۵	abstract
	۱۰۲	non-material
	۳۱	incorporeal beings; angels
مجرّدات	۶۹	abstractions
	۵۹	simple substances
مجرّدات فلسفی	۳۷	separate intelligences
مجرد الوجود	۱۰۲	sheer existence
مُجرم	۱۲۰،۶۱	guilty; criminal; culpable
مجروح	۱۲۰	wounded
	۱۲۱	injured; hurt
مَجسطی	۱۲۰	Almagest: Ptolemy's great work on astronomy
مجسّم (کلـ.) (نیز ← تجسیم)	۲۱	incarnate
	۴۰	solid
مجسّمون [= مجسّمه = مجسّمیه]	۹۹، ۵ ـ ۸۰	Anthropomorphists
	۱۰،۸۰	corporealists
مُجسّمَه	۱۲۰،۱۲۹	statue
مجسّمه ← مجسّمون		
مجسّمه سازی	۱۲۰	statuary; sculpture
مجسّمیه ← مجسمون		
مجعول	۴۲	fabricated; spurious
	۱۶	fabrication
	۴۴	fiction
مُجلّد	۱۲۰	volume; tome
مجلس	۸۶	session
	۱۴	assembly
	۸۰	meeting
	۲۱	assembly room
مجلس خبرگان	۸	The Assembly of Experts

بحریه	۸۰ ،۱۲۰	Navy; marine
بحمدالله	۳۱	God be praised
	۱۲۰	thanks (be) to God
بخت نصر	۴۲ ،۸۰ ،۹۹	Nebuchadnezzar
بخل (قرآنی)	۳۱،۸۰،۸۷،۱۰۳	avarice
	۳۱	parsimony; stinginess
بخور (پز.)		incens; fumigation
بخیل (اخلـ.)	۱۰۰	niggardly
	۴	miser
بداء (کلـ.)	۴۵	appearance; emergence
	۸۰	change in an earlier divine ruling
بداهت	۹۵	evidence
بدین	۳۱	impious; irriligious; heretic
بدر (نجـ.)	۳۱ ،۸۰ _ ۴	full moon
بدر (جغـ.)	۸۷	Badr
بدعت	۴۲،۴۵،۸۰،۸۶،۹۹،۱۱۳	innovation
	۴۲،۴۵،۱۱۴	novelty
	۴۲،۴۵،۹۳،۱۰۹	heresy
	۸۲	heretical practice
بدعت حسنه	۴۵	good innovation
بدعت خبیثه	۴۵	evil innovation
بدعت گذار	۹۹	innovator
بدله [حلّه]	۸۰ _ ۴	garments and ensembles
بدن مثالی (فلـ. کلـ.)	۱۱	ideal body
بدو	۸۰	pastoral nomads of Arabian blood, speech, and culture
بدوی	۴۲ ،۱۰۹	Bedouin; nomad
بدهکار	۲۰	debter
بدهی (اقـ.)	۷۵	debt

محادثه	۳۸	discoursing together
محارب	۱۲۰	combatant
محاربه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۲۱	wrangling
	۷،۲۴	waging war on
محاربه با خدا	۷	wage war against Allah
	۱۰۰	fight against God
محارم	۶۱	very near relatives
محارم الله [= محرّمات]	۹۰	inviolable ordinances (of God)
محاسبه (تصـ.)	۵۷،۹۳	self-examination
محاسبه (اقـ.)	۷۵	computation
محاسن	۸۰_۵	good intrigues
محاصره	۱۲۰	siege; besieging
محاضره	۸۰_۴	presence of heart in the subtleties of *bayān*
محاط	۱۲۰	surrounded
محاقله	۸۵	contract of barter in corn
محاکات	۴۰	imitation; representation
محاکمات	۹۳	critical decisions
محاکمه	۸	trial
	۶۱	court procedure
محال	۴۰،۸۰،۹۷،۱۰۵	impossible
	۴۰،۱۰۵،۱۱۷	absurd
	۱۰۷	fallacious
محالات شنیعه	۱۰۴	egregious absurdities
محالٌ علیه (حقـ.)	۶۱	assignee
محاوره [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۰	conversation; colloquy
محب	۱۴	lover

محبّت (نیز ← حُب)	۵۷،۶۹،۹۰	love
	۲۹	affection
	۴۵	mystic love
محبّت لوّامه	۶۹	reproachful love
محبس (نیز ← حبس)	۱۲۰	prison; jail
محبوس	۱۲۰	imprisoned prisoner
محتاج (کلـ.) (نیز ← احتیاج)	۱۰	dependent
	۲	needy
محتاط	۱۲۰	cautious
محترم	۱۲۰	honorable; respectable; revered; honored
محتسب (نیز ← حسبه)	۲۵،۲۷	censor
	۸۵	Islamic inspector of the market
محتکر (نیز ← احتکار)	۳۱،۱۲۰	forestaller; regrater; monopolizer
	۸۵	speculator on rising prices of food
محتلم (نیز ← احتلام)	۱۲۰	polluted
محتمل الضدّین (بع.) [= دووجهین، توجیه]	۱۲۸	*adianoeta*
محتوم	۸۰-۴	inevitable
محجر (معمـ.)	۱۱۵	crenellation
محجوب	۱۱۸،۱۱۹	veiled
	۱۲۰	modest
	۱۰۳	screened
محجور [= محجورٌ علیه]	۴۵،۱۲۱	under guardianship
مُحدّب [= گوژ]	۱۲۹	convex
مُحدَث [مقـ. قدیم] (قرآنی)	۲۱،۴۲،۹۳،۹۹	created [in time]
	۸۷،۱۰۰	fresh
	۱۱،۱۰۴،۱۰۶	originated
	۱۱،۱۱۰	contingent
	۲۱	non-eternal

مُحدِث (نیز ← حدوث)	۸۰،۹۳	creator
مُحدّث (نیز ← تحدیث ؛ حدیث)	۲۱	inspired relater
	۴۲،۹۳	traditionist
	۱۲	scholar of *hadith*
محدود (نیز ← حدّ)	۴۰	limited; defined
	۱۰۳	finite
محدودیّت	۴	limitation
محذور	۱۲۱	danger; peril; trouble
محذوف	۴۰	apocopated
	۸۰ـ۴	retrenched
محراب (قرآنی)	۷،۶۴،۸۷،۱۰۰	sanctuary
	۴۵،۵۳،۱۰۳،۱۱۵،۱۲۹	prayer niche
	۹،۱۱۵،۱۲۹	altar
	۱۲۹	oratory; apse
محراب دعا	۵۵	arch of prayer
مُحرّر (نیز ← خطاط؛ خوشنویس؛ کاتب)	۸۰ـ۲	calligrapher
	۱۱۴	secretary
مُحرَّر (قرآنی)	۱۰۰	dedicated
	۷	devoted
محرّک	۱۱،۱۰۷	moving agent
	۱۱،۱۰۵	mover
محرّک اوّل [محرّک اولیٰ]	۱۱	first mover; original mover
	۱۳	*primum mobile*
محرّک غیر متحرّک	۱۱	immovable mover; unmoved mover
محرّک مستقیم [محرک مباشر]	۱۱	direct mover
محرّکه	۵۷،۱۰۴	motive
محرّکه و مُدرکه	۱۰۴	motive and perceptive
مُحرِم (نیز ← اِحرام)	۱۰۶	[clothed] in a Pilgrim state

مَحرَم (نیز ← محارم)	۱۴	intimate
	۲۱	congenial person
	۱۰۳	confidant
	۷،۸۵	person related to another within in the forbidden degrees
مُحرَّم [= حرام] (قرآنی)	۸۷	prohibited
		forbidden degrees
محرمانه (حقـ.)	۱۲۰	confidential
	۶۱	restricted
محرم بودن	۲۱	be on confidential terms with
محروس	۱۲۰	guarded; protected
محروم (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	outcast
محروم کردن از ارث (حقـ.)	۶۱	abdicate
محرومیّت	۴	deprivation
محزون (نیز ← حزن)	۱۲۰	sad; grieved
محسن (قرآنی)	۱۰۰	good-doer
مُحَسِّنات	۱۲۰	advantages; virtues
محسنات بدیعه ← صنایع بدیعی		
محسود	۶	envied
محسوس	۵۶،۹۵	sensible
محسوسات	۴۲	sense data
	۵۹	sense impression
	۷۱	physical phenomena
	۳۴	objects of sense
	۴۵	senses
	۱۰۳	sensuous
محشر	۴۵	place of gathering
	۱۰۳	Resurrection
	۲۴	gathering-place of resurrection

محشور (قرآنی) (نیز ← حشر)	۱۰۰	mustered
محشور شدن	۱۰۰	be mustered
محصّل	۱۲۰	student
		tax-gatherer
مُحصَّل	۱۲۰	outcome issue
	پ	difinite
مُحصِن [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۱،۱۲۰	chaste; continent; married
محصنات ← محصنه		
محصنه [جمع سالم این کلمه به صورت محصنات در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۲،۸۷	married woman
	۱۰۰،۱۱۲	woman in wedlock
	۶۴	virtuous woman
	۷،۴۲	chaste woman
محصور	۱۱	quantified
محصول	۱۲۹	product; output
مُحصی [المحصی] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۸۰	The Numberer
	۴۵	The Reckoner and Recorder of all things in a book
محضاً لله	۱۲۰	for God's sake
محضر [اسناد رسمی]	۶۱	notary public's office
محضری	۶۱	notarial
محظور (قرآنی)	۷،۱۰۰	confined
	۷۶،۸۰	forbidden
محفل	۲۵	company; meeting; assembly
محفوظ (قرآنی)	۱۲۰	protected; preserved
	۷	guarded

محفوظ (حد)	۸۰ـ۳	committed to memory
محفوظات	۱۰۴	memorables
محقّق	۴	researcher
	۱۰۴	thinker
	۱۰۶،۱۰۸	verifier
محقَّق	۱۲۰	ascertained; certain; verified
مِحَكّ	۱۰۳	touchstone
مُحْكَمه (قرآنی) [جمع آن: محکمات، مقـ: متشابهات]	۸۷،۱۰۰	clear
	۱۰۹	clear defined
	۹۳	unambiguous
	۱،۷،۸۷	decisive
مَحْکَمه	۶۱	court
مَحْکمهٔ عدلیّه	۶۱	judicial court
مَحْکمهٔ عمومی	۶۱	open court
محکومٌ علیه (منط.)	۹۷	predicated by
محکوم کردن	۴	condemn
محل (کلـ.)	۱۰،۱۰۴،۱۰۸	substratum
	۱۰	abode
	۶۹	receptacle
	۱۰۶	locus
محلّل (فقـ.)	۴۵	He who makes permissible
محلّه	۷۴،۱۲۹	quarter
محلهٔ یهودی نشین ← جهود محله		
محمد [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	Muhammad [= Mohammad]
محمّدی [تعبیری که اسلامشناسان غرب سابقاً برای اسلام ومسلمانان به کار می‌بردند.]	۳۱	Muhammadan
محمل	۱۲۰	camel - litter

محموده ← سقمونیا		
محمول (منط.)	۴۶،۹۵،۹۷	predicate
	۲۸	attribute
محنت [محنه]	۴۲،۴۵،۸۸	inquisition
	۱۴ ،۴۵	trial
	۱۰،۸۰-۳	testing
	۱۰۳	tribulation
	۳۱	affliction
محو [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۱،۱۱۳،۱۱۸،۱۱۹،۱۲۰	effacement
محو (تصـ.)	۱۰۳	self-effacement;self-extinction; dead to self
	۸۰-۴	efface
محور	۳۶	axis
محور عالم (نجـ.)	۳۶	celestial axis
محور قائم (نجـ.)	۳۶	vertical axis
محور قطبی (نجـ.)	۳۶	polar axis
محوّل الاحوال [کنایه از خداوند]	۲۱	The Author of States
مَحْیا (قرآنی) [مقـ. ممات]	۸۷،۱۰۰	living
	۷	life
محیّر العقول	۱۲۰	wonderful; marvelous
محیص (قرآن) [=گریزگاه]	۷،۸۷	place of refuge
	۱۰۰	asylem
مَحیض (قرآنی)(نیز ← حائض؛ حیض)	۸۷	menstruation
	۱۰۰	monthly course
محیط [المحیط] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Encompassor
محیط [دایره]	۴۰،۱۲۹	circumference

اصطلاح		
محیط [پیرامون]	۱۱،۱۲۹	environment
	۱۲۹	outline; outside; perimeter
	۷۷	surrounding
محیط [احاطه کننده]	۱۱	embracing
محیط مطلق	۱۱	all-embracing
محیل [واگذار کننده] (حقـ.)	۴۲	assignor
مُحیی [المُحیی] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۵	The Giver of Life
	۸۰	The Creator of Life
	۱۱۳	Lifegiver
محیی الموتیٰ (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	Quickener of the Dead
مخادعه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۴،۸۷	beguiling
	۷	deceive
مخارج حروف (دسـ.)	۱۲۸	points of articulation
مخارج جاری (اقـ.)	۷۵	running expenses
مخارج عمومی (اقـ.)	۷۵	overhead expenses; standing expenses
مخاصمت (نیز ← تخاصم؛ خصومت)	۱۲۰	antagonism; opposition; enmity
مخاط	۱۲۰	mucus
مخاطب (دسـ.)	۱۲۸	addressee
	۶۵،۱۲۸	individual spoken to; second person
مخاطبه (نیز ← خطاب)	۱۲۰	conversation; speech; address
مخاطره (نیز ← خطر)	۴-۵	risk
	۶۱	jeopardy
مخافه / مخافت	۱۲۰	fear; dread; danger
مخالطت [مقـ. خلوت]	۴-۸۰	community
مخالف	۸۰	adversary
مخالفت	۲۱	discord

	۵۸	opposition
	۲	dissension
	۴۵	difference
مخالفت نفس	۵۸	opposition to the carnal soul
مخالفت قیاس صرفی (بع.)	۱۲۸	enallage; alleothea; antiptosis
مخالفت قیاس لغوی (بع)	۱۲۸	catachresis; hypallag; transferred epithet
مُخْبِت [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱،۷،۸۷	humble
مُخَبَّط [مشتقی از این ریشه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۰	idiot (ic); insane; mad
مختار	۱۰۵	choosing
	۱۰۴	willer
	۱۶	free
مخترع	۱۲۰	inventor
مختصر	۱۰۱	abridgement
	۸۰-۳	epitome
مختصر و مفید (حقـ.)	۶۱	laconic
مختلس (حقـ.)	۶۱	embezzler
مختلف الحدیث (حد)	۸۰-۳	inconsistency in hadith
مختون (نیز ← ختنه، ختان)		
مخدّر	۱۲۰	narcotic
مخدّره	۳۱	virtuous lady
مخدوش	۱۶	inconsistent
مخرج غائط (فقـ.)	۲۰	site of defecation
مخروط	۱۲۰،۱۲۹	cone
مُخروطی	۱۲۹	conical
مخزن	۱۲۹	reservoir; cistern; pond
مُخصِّص (کلـ.)	۱۰	particularizer
	۱۰۶	determining principles

	۸۰-۴	qualifying momentum
مخطوط / مخطوطه	۱۲۱	manuscript; handwritten
مُخَلَّد [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	immortal
مخلص (قرآنی) (نیز ← اخلاص)	۷،۱۶،۲۵،۱۰۰،۱۰۳	sincer
	۱۶	devoted
	۲۵	true
مُخْلَص (قرآنی)	۷	purified
	۱۰۰	devoted
مخلوق (نیز ← خلق)	۱۱،۸۰	created
	۱۱۰	created being
	۴	creature
مخلوق اوّل	۱۱	The First creation
مخمل [تلفظ عربی این کلمه مُخْمَل است.]	۱۲۰،۱۲۶	velvet
مخمس [از انواع شعر مسمط]	۲۶-۲	mukhammas (or five some)
مخنّث (نیز ← خنثی)	۵۲	catamite
مخوف	۱۲۰	terrible; horrible; dreadful
مخیّر	۲۸	optional
مخیّلات	۹۷	imaginativa
مُدّ [از اوزان و مقادیر]	۶۷	*mudd* (5 1/3 pints)
مَدّ [در قرائت]	۸۰-۵	extension
مَدّ [مقـ. جذر]	۷۴	high tide
مدّاح	۱۲۰	panegyrist; eulogist
مداخله	۱۰۸	intervention
	۸۰-۵	penetration
مداخله (کلـ.)	۱۰	interpenatrability [of bodies]
مِداد (قرآنی) [= مرکب نوشت افزار]	۸۷،۱۰۰	ink

pencil	۱۲۰	مداد [نوشت افزار امروزی]
parallel	۷۴	مدار (جغـ.)
orbit	۳۶	
closed orbit	۳۶	مدار بسته (نجـ.)
apparent path of the sun	۷۴	مدار حرکت ظاهری خورشید
Tropic of Capricorn	۷۴	مدار رأس الجدی
Tropic of Cancer	۷۴	مدار رأس السرطان
parallel of latitude	۷۴	مدار عرض جغرافیایی
orbit of the earth	۷۴	مدار گردش انتقالی زمین
parallel of declination	۳۶	مدار میل (نجـ.)
conciliation	۵۲	مدارا
symbiotic	۲۷	مُداراتی [از انواع تقیّه]
cognitive objects	۹۳	مدارك (فلـ.)
tropics	۷۴	مدارگان [= مدارین]
defendant	۳۹	مدافع
mutual defense	۹۹	مدافعه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]
defend	۷	
defense	۸۷	
medallion	۱۱۶	مدال تزیینی (جلـ.)
flattery	۱۲،۲۱	مداهنت [مداهنه] [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
compromise	۸۷،۱۰۰	
		مداهنه ← مداهنت
Ctesiphon	۸۸	مداین [=تیسفون]
administrator	۴۷	مدّبر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] نیز ← تدبیر.

	۶۹	regulator
	۱۱	controller
مُدَبَّر [بنده‌ای که پس از مرگ صاحب خود آزاد شود.]	۴۵	liberated slave (after his owner's death)
مدبّرون المدن [= زمامداران]	۱۰۷	statesmen
مدّت	۱۲۰	period; duration
مُدَثِّر [سوره]	۳۸،۴۲	The Enwrapped
	۸۸،۱۰۰	The Shrouded (one)
	۷	The Clothed one
	۸۷	The Cloaked one
مدح (بع.)	۲۶،۱۰۳،۱۲۸	praise
مدح شبیه به ذَم	۱۲۸	antanagoge
مدح موجّه (بع.)	۲۶-۲	implied praise
مُدْخَل (قرآنی)	۸۰-۳	place of entery
	۸۷	entering
	۸۰-۴	introduction
	۱۱۷	propaedeutices
	۱۰۸	role
مدخوله / مدخولٌ بها (فقـ.)	۱۲۰	lain with; concubine
مدد (قرآنی)	۱۴	succor
	۸۷	help
مُدرِّس	۸۰	tutor; lecturer
	۴۵	teacher; professor
مدرسه	۹۵	school
	۸۲	religious college; college of higher learning
مَدْرَسی	۲۷،۹۵	Scholastic
مَدرك	۱۱	evidence
مُدرِك	۸۱	perceiver
	۷۹	grasping

مُدرَك	۸۱	something perceived or perceptible
	۹۵،۱۰۴	percept
مُدرَك حقیقی	۱۰۴	real percept
مُدرَکه	۴۰	perceived
مُدرِکه	۵۷	perceptive
مدّعی	۱۵،۴۲،۸۵	claimant
	۳۹،۴۲،۸۵	plaintiff
	۴۵،۶۱	accuser
	۸۶	claimer
مدعی‌العموم	۱۲۰	prosecutor-general; attorney-general
مدّعیٰ علیه	۳۹،۴۲،۸۵،۸۶	defendant
	۴۵	accused
مُدْغم (نیز ← ادغام)	۱۲۰	contracted into one
مدفن	۱۲۰	tomb
	۴	graveyard
مدفوع	۱۲۰	feces; excrement
مدلول	۱۰۸	signification
مدنی	۸،۹۵	civil
مدنی [منسوب به مدینه]	۱	Medinite
مدیترانه ← بحرالروم [= دریای شام]		
مدیحه (بع.)	۱۲۸	panegyric
	۲۶-۲	panegyric proper
مدیحه سرا	۱۲۸	panegyrist
مدید (عر.)	۲۸	protracted
مدیر	۷۷	manager; director
مدیره	۱۲۰	directress; matron
مدینه [یثرب]	۴۳	Medina; al-Madinah; Yathrib
مدینه [= شهر]	۶۹،۸۰	city

مدینهٔ احرار	۶۹	free city
مدینهٔ جاهله	۶۹	ignorant city
مدینهٔ جباران	۶۹	city of despots
مدینهٔ جماعت	۶۹	city of community
مدینهٔ ضالّه	۶۹	errant city
مدینهٔ علم	۱۰۳	city of knowledge
مدینهٔ غیر فاضله	۶۹	unvirtuous city
مدینهٔ فاسقه	۶۹	impious city
مدینهٔ فاضله	۶۹	virtuous city
	۴۲،۹۹	ideal city; utopia
مدیون (نیز ← دین؛ داین؛ تداین)	۱۲۰	debtor; indebted; owing
مذاب	۱۲۰	melted
مذاکره	۹۲	discussion
مذاهب چهارگانه [ی فقهی]	۸۰-۳	four legal schools
مذبح	۱۲۱	slaughter house
	۱۲۰	altar; place for sacrifice
مذبذب [در قرآن مجید جمع سالم	۱۶	hesitant
این کلمه به کار رفته است]	۱۰۰	wavering
مذعن [در قرآن مجید جمع سالم	۱۰۰	submissive
این کلمه به کار رفته است.]		
	۷	obedient
مذکّر (دسـ.)	۶۵،۱۲۸	masculine
مذکر حقیقی	۱۲۸	natural masculine
مذکر مجازی	۱۲۸	grammatical masculine
مذکّر (قرآنی)	۷،۱۰۰	reminder
	۲۲	preacher
	۸۸	one who reminds, exhorts, admonishes
مذکور (قرآنی)	۱۰۰	remembered
	۱۲۰	mentioned

مُذِلّ [المُذِلّ] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۴۵	Abaser
	۸۰	Who abases and degrades
مذلّت (نیز ← ذلت)	۲۵	disgrace
	۲۵	abjectness
	۹۹	meekness
مذمّت	۲	reproach; disparagement
مذموم (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	condemned;
	۵۳،۹۹	blameworthy; reprehensible
مُذنب (نیز ← ذنب)	۱۲۱	culpable; guilty; sinner
مذهب	۸۰،۱۰۵،۱۱۱،۱۱۷	doctrine
	۱۲،۸۰،۶۹،۹۹	school
	۶۸،۸۵	school of (religious) law
	۴۵	school of canon law
	۲۳	school of thought
	۱۱،۹۵	sect
	۱۲۰	religion
	۱۰۴	opinion
	۱۰۵	theory
مذهب استدلالی	۱۳	rationalism
مذهب انانیت	۱۱۷	egoism
مذهب ایثار	۱۱۷	altruism
مذهب تشیع	۱۲	Shi'ite school
مذهب توحید	۹۵	monotheism
مذهب روحانی [اصالت روان]	۹۵	spiritualism
مذهب ظاهریّه	۹۹	The Zâhirite school
مذهب قضا و قدر	۱۱۷	fatalism
مُذَهَّب	۱۱۶،۱۲۰	gilded; gilt; illuminated
مُذَهِّب	۱۲۰	illuminator

	۸۰-۵	gilder
مذهبی	۴	religious
مُرائی، (نیز ← ریا؛ نفاق)	۶۹	hypocrite
مرابحه	۸۵	resale with a stated profit
	۳۱	making a profit
مرابطون [= سلسله‌ای اسلامی در اندلس]	۴۲	Almoravids; Marabouts
مراتب	۱۰۴	ranks
	۸۰	stages; hierarchical degrees; classifications
	۱۰۸	planes
مراتب دنیویّه	۱۰۴	mundane ranks
مراتب علوم	۸۰-۳	classification of the sciences
مراتب نفس	۱۰۲	stages of the soul
مراتب وجود	۸۲-۴	chain of being
	۵۸	hierarchy of universal existence
مراد	۵۹	object of desire
	۱۰۸	object of will
	۹۰	sought
	۸۱	intention
مُرادف	۹۷	synonymous
مراسم احتضار (نیز ← احتضار)	۴۲	last rites
مراسم عزاداری (نیز ← عزاداری)	۸	lamentation ceremonies
	۲۷	mourning ceremonies
مراعات	۲۶،۹۷،۱۲۰	observance
مراعات نظیر (بع.)	۲۶	observance of the similar
	۱۲۸	taxis
مراعی [مالیات مرتع]	۸۲-۵	pasture tax
مرافعه	۱۲۰	litigation; lawsuit

مَرافق (قرآنی)	۱۰۰	elbows
مراقبت	۵۸	constant attention
مراقبه (تصـ.)	۵۷،۱۱۳	vigilance
	۴۲	meditation
	۸۰-۲	absorption in mystic contemplation
مرام	۱۲	ideology
	۶۱	aim
مراوده	۱۲	correspond
مربع	۱۲۰	square
مربع مستطیل	۱۲۰	rectangle
مربع (بع.)	۲۶-۲	foursome
مربع تباینات (منط.)	۹۴	square of opposition
مربوب (نیز ← رب)	۹۶	object of lordship
مربّی	۱۲۰	educator
مرتاض (نیز ← ریاضت)	۱۱	ascetic
مرتبت ← مرتبه		
مرتبه [مرتبت]	۱۰،۹۲،۱۱۱	rank
	۱۰۲،۱۰۳	stage
	۱۰	order; hierarchy
	۹۹،۱۰۲	level
	۴۶	status
مرتبهٔ انسانی	۱۰۳	stage of humanity
مرتبهٔ ایجاد	۱۰۸	bringing into existence
مرتبهٔ بزرگی (نجـ.)	۳۶	order of magnitude
مرتبهٔ حیوانی	۱۰۳	stage of animality
مرتبهٔ حسرّ وخفی	۱۰۲	stage of the innermost and the hidden (of the soul)
مرتبهٔ عقلیّه	۱۰۲	rational level
مرتبهٔ مثال	۹۹	level of the ideas

مرتبهٔ وجودی	۴۶	ontological status
مرتجع (نیز ← ارتجاع، ارتجاعی)	۲۷	reactionary
مُرتَجِل (دسـ.) (نیز ← ارتجال)	۶۵	improvised
مرتد (نیز ← ارتداد)	۴۲،۴۵،۸۰،۸۵	apostate
	۶۴،۸۷	renegade
مرتد شدن	۳۹	apostatise
مرتشی (نیز ← رشوه؛ راشی؛ ارتشاء)	۶۱	bribee
مرتضی [از القاب حضرت علی علیه السلام]	۱۰۳،۱۰۶	the approved (one)
	۱۴	the well-approved
	۴۵	He in whom God is well pleased
مرتکب شدن	۴	perpetrate
مرتهن [= مرهون، رهین] (نیز ← راهن ؛ مرهون؛ رهین / رهینة)	۱۲۱	mortgagee; pledgee; pawan broker
مرثیه (نیز ← رثا)	۴۲،۸۰	elegy
		funerary elegy; martyrological epic
	۱۲۱	lamentation; elegiac poetry
	۲۶-۲	death-elegy
	۳۸	funeral elegy
	۲۷	elegia
مرثیه (عروض)	۳۷،۱۲۸	threnode
	۱۲۸	dirge
مرثیه خوان	۷۳	elegy reciter
مرثیه خوانی	۷۳	elegy recitation
مرجئه (کلـ.)	۴۲	Procrastinators
	۹۱	Murji'ites
مُرَجِّح (کلـ.)	۱۰	preponderator
	۱۰۴	determinant

مرجع تقلید (فقـ. اصول فقـ.)	۲۷،۱۰۱	source of imitation
	۷۳	authority of imitation; imitated authority
مرجع صلاحیتدار	۱۵	reliable testimony
مرجع ضمیر (دسـ.)	۱۲۸	antecedent
مرجعیّت	۱۲،۴۲	authority
مرجعیّت علمی	۱۲	religious authority; authority in religious sciences
مَرجُوّ (قرآنی)	۱۰۰	source of hope; hoped for; expected; requested
مرحله (منط.)	۹۴	step
مرحوم [کمابیش برابر با متوفی]	۱۲۱	late
	۱۲۶	deceased (person)
مرخّصی	۷۷،۱۲۰	leave; vacation
مرخّم (دسـ.)	۲۸	curtailed
مَرد	۱۲۰	man; husband
مرداب	۱۲۹	swamp; lagoom; marsh; quagmire
مردار	۱۸،۱۰۰	carrion
	۲،۱۰۳	carcass; carcase
مردن ← مرگ؛ وفات؛ فوت؛ موت		
مردن از اوصاف بشر (نیز ← فنا؛ محو)	۱۰۳	die to attributes of the flesh
مردود	۸۰_۳	objectionable
مرده	۱۲۰	dead
مرده ریگ [= میراث]	۱۲۰	heritage
مرز	۱۲۹	border; boundary
مُرسل [= رسول] (قرآنی) ← مرسلین		
مرسل (حد.)	۸۳	lacking [the mention of] the first transmitter

مرسلات [سوره]	۷.۸۷	The Emissaries
	۱۰۰	The Loosed Ones
	۸۸	Those That Are Sent
مرسلین (نیز ← رُسل)	۸۷.۸۸	messengers
مرسوم	۱۲۰	customary
مرشد (تصـ.)	۸۰	spiritual director
	۱۰۳	spiritual guide
مِرصاد (قرآنی)	۱۰۰	watch
مَرصد (قرآنی)	۱۰۰	ambush
مرصع	۱۸	jewel-studded
	۵۲	encrusted
	۸۴	jewelled
مرصوص ← بنیان مرصوص		
مرض (قرآنی) (نیز ← مریض)	۷.۷۱	disease
	۱۰۰	sickness
	۸۰_۳	illness
مرض‌الموت	۸۰_۳	the final illness
مرضات الله (قرآنی)	۷.۸۷	pleasure of Allah
مرضعة (قرآنی) (زن شیرده) (نیز ← رضاع؛ رضیع)	۱۰۰	suckling woman
مرغ بهشتی (نجـ.)	۳۵	Apus
مرغابی	۱۲۰	duck
مرغوب	۱۲۰	desired; desirable
مِرفق ← مَرافق		
مَرقد (قرآنی)	۱۲۰	sepulchre; tomb
	۷.۱۰۰	sleeping -place [- grave]
مرقعَ [۱. مجموعه، نوعی آلبوم؛	۸۰	1. album
۲. خرقهٔ وصله‌دار]	۸۲	2. patched garment
مرقعَه	۲۱	patched frocks

	۸۰،۵	pieces sewn together
مرقوم (قرآنی)	۷،۸۷،۱۲۰	written
مرکَب	۲۴	mount
مُرکّب	۲۱،۹۲،۱۱۱	composite
	۴۰،۶۵،۹۵،۹۷	compound
	۸۰_۳	composed
مُرکّب اسنادی (دسـ.)	۶۵	predicative compound
مُرکّب تام (منط.)	۹۷	complete compound oratio
مُرکّب مزجی (دسـ.)	۶۵	mixed compound
مُرکّب موضوع	۱۱۷	synthesis
مُرکّب ناقص	۹۷	incomplete compound oratio
مرکب [= مایع نوشتنی = به اصطلاح قرآن و قدما=مِداد]	۱۲۰	ink
مرکبه (فلـ.)	۹۳	productive
مرکّبة من آحاد	۱۰۵	aggregate of units
مرکز	۳۶،۱۰۴	center
مرکز انحناء (نجـ.)	۳۶	center of curvature
مرکوز	۱۲۰	fixed; concentrated
مرگ (نیز ← وفات ؛ موت)		
مرمّت	۱۲۰	reparation; mending
مرمر	۱۲۰	marble
مروّت	۴۲	manliness; virtue
	۲۱	chivalry
	۳۱	fortitude; manhood; virility
	۴۰	temperance
	۱۰۳	generosity
	۴	magnanimity
مرور زمان اکتساب حق (حقـ.)	۶۳	positive prescription; acquisitive prescription

مرور زمان ساقط کنندهٔ حق (حقـ.)	۶۳	negative prescription; extinctive prescription
مروی (حد.)	۴۲	transmitted; recorded
مرهم	۱۲۰	ointment
مرهون (نیز ← راهن ؛ مرتهن؛ رهین / رهینة)	۱۲۱	pawned; pledged; mortgaged
مریخ (نجـ.) [= بهرام]	۳۶	Mars
مرید [المرید] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۴۲	The Purposer
مُرید	۴۲،۴۵،۸۰	disciple
	۱۰۴،۱۰۵،۱۰۶،۱۰۸	willing
	۲۳،۸۰،۹۹	(Sufi) novice
	۸۰ـ۵	initiate
مَرید (قرآنی)	۸۷	rebel
مُریدی (نیز ← ارادت)	۳۴	discipleship
مریض (قرآنی) (نیز ← مرض)	۸۷	sick
مریضخانه ← بیمارستان؛ دارالشفاء		
مریم [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	Mary
	۷	Marium
	۴۲	Virgin Mary
مرئوس [= مرؤوس]	۱۲۱	subordinate
مزاج	۱۱،۱۰۲	temperament
	۹۵	temper
	۱۸	nature
	۶۰	constitution
مزاح	۴۵،۶۹	jesting
	۳۸	joking
مزاد ← مزایده		
مزار	۵۰	shrine; tomb of a saint

مُزارع	۶۱	cultivator
مزارعه	۶۱	contract for agricultural pruposes
	۸۵	contract of lease of agricultural land
	۸۰_۲	contract of crop-sharing; metayage
	۸۲_۵	quit-rent
مزامیر	۱۲۰	Psalms
مزاوجت	۱۲۰	marrying; coupling
مزایده (نیز ← مناقصه؛ حراج)	۷۵	high tender
به مزایده گذاشتن	۷۵	put up to auction
مزبله	۱۲۱	dunghill; garbage can
مزبور	۱۲۰	aforesaid; above - mentionend
مزجاة ← بضاعت مزجاة		
مزد	۲۹ ،۷۵	wage
مزدوج	پ	coupled; married
	۲۶-۲	the paired
	۸۰_۵	joint
مزدور	۱۲۰	hired; laborer
مزرعه	۱۲۰	field; farm
مزروع	۱۲۰	cultivated
مزکا	۱۲۰	purified
مزکی	۱۲۰	purifier
مزمّل [سوره]	۸۸،۱۰۰	Enwrapped (one)
	۸۷	The Enshrouded one
	۷	The Wrapped up
مزیدٌفیه (دسـ.)	۲۸	augmentation
مژده (نیز ← بشارت)	۲	good tidings
مَسّ (قرآنی)	۷	affliction
	۱۰۷	touch
مَساء	۱۲۰	evening

مسائل	۸۰	responsa; questions
	۱۰۴	problems
	۵۶	matters
مسائل الالهّیات	۱۰۴	metaphysical problems
مسائل الخلافیّه	۸۰ـ۵	disputed questions of law
مسائل الربوبیّه	۵۶	divine matters
مسابقه	۱۲۰	competition; race
مساحقه (فقـ.)	۱۲۱	tribady; lesbianism
	۱۲۰	clitorism
مساحت	۱۲۹	area; space
مسّاحی	۱۲۱	surveying; geodesy
مسارعت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۱۲۰	haste; hurrying
مساعدت	۵۷	honest dealing
مساعده (اقـ.)	۷۵	advance
مساعده بدون وثیقه (اقـ.)	۷۵	uncovered advance
مساقات	۸۵	contract of lease of agricultural land
مسالك	۸۰ـ۳	ways
مسامحه	۵۷	remission
مسامره	۱۲۰،۱۲۱	nightly chat; nightly conversation
مساوات	۴۰	equivalence
	۴،۹۵	equality
	۱۵	egality
مساوقت	۹۵	concomitance
	۱۰۴	concurrence
مساهله	۱۲۰	indulgence
مسایل ← مسائل		
مسایل ملقّبه (فقـ.)	۸۰	questions called by special names
مسأله	۵۳،۹۴،۹۵	problem

Persian	Pages	English
	۲۵،۵۳	case
	۱۰۵	discussion
	۵۳	question; issue
مسألهٔ شرعی	۲۵	a case of law
مسألهٔ صدق (منطـ.)	۹۴	problem of satisfiability
مسألهٔ قطع (منط.)	۹۴	decision problem
مسئولیّت	۹۵	responsibility
مسبّب	۲۱	causer
	۹۲،۱۱۱	effect
مسبّب الاسباب [صفت خداوند]	۲۱	The Author of Causes
	۱۰۴	The Cause of Causes
مسبح [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]		glorifier of God
مسبوق [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۰	aware; precedented
	۸۷	outrun
مست	۲۰،۱۰۳	intoxicated
	۱۰۳	drunken
مستأجر (نیز ← اجاره)	۷۵،۱۱۴	tenant
	۲۰	lessee
	۷۵	rentee
مستأصل	۱۲۰	eradicated; extirpated
	۴۲	lease-holder
مستأنف ← پژوهشخواه		
مستأنف علیه ← پژوهشخوانده		
مستبد	۱۲۰	despot
مستبصر	۶۹	perspicacious
مستبعد	۱۲۰	improbable
مستثنیٰ (دسـ.)	۶۵	the thing excepted

مستثنیٰ منه (دسـ.)	۶۵	that from which the exception is made
مستجاب (نیز ← اجابت ؛ استجابت)	۵۲	responded to
مستجاب الدعوه	۸۴	one whose prayers are answered
متسجیب [در فرقهٔ اسماعیلّیه]	۴۵	initiated
مستحبّ	۱۵،۸۵	recommended
	۸۰،۹۹	recommendable
	۳۱،۴۵	desirable
	۳۱	approved
	۲۳	praiseworthy
مستحبّات	۲	discretions
مستحدث	۱۲۱	new; novel; recent invention; modern product
مستحسن	۸۱	approved as good
مستحق	۱۲۰	deserving; worthy
مستحیل	۱۰۳	transmuted
مستخدم	۱۲۰	employee; servant
مستراح	۱۲۹	latrine
	۱۲۶	water-closet
مستراح تخت [شرقی]	۱۲۹	Turkish closet
مُستزاد [از انواع شعر]	۸۰،۴	increment poem
	۱۲۸	caudate sonnet
	۲۶ـ۲	mustazad or complemented
مستسقی (نیز ← استسقا)	۵۲	diabetic
	۱۲۰	dropical; hydropic
مستشار	۸۰	secretary of state
مستشرق (نیز ← استشراق)	۴۲،۱۲۱	Orientalist
مستشعر	۱۱	conscious
مستشفی ← بیمارستان؛ دارالشفاء		

مستضعف (قرآنی) [در قرآن مجید جمع سالم این کلمه به کار رفته است.]	۱۶،۱۰۰	oppressed
	۱۰۰	abased
	۱۶	tyrannized
	۸۷	feeble
مستطیع	۲۴	capable
مستطیل	۱۲۰	oblong; rectangular
مستعار	۲۱،۱۲۰	borrowed
مستعارله (بع.)	۱۲۸	tenor
مستعارمنه (بع.)	۱۲۸	vehicle
مستعان [المستعان] (اسم الهی) (قرآنی)	۷	He whose help is sougth for
مستعرب (نیز ← عرب)	۴۵	Arabicized
مستعرب [مسیحیان اندلس]	۴۲	Mozarebs
مستعلی (نیز ← استعلاء)	۱۶	superior
مستعلیه (تجوید)	۴۵	elevated
مستعفی	۱۲۰	resigned
مستعمره	۱۲۰	colony
مستعیناً بالله	۱۲۰	asking God's help
مستغلات	۱۱۴	rentable properties
	۸۲_۵	real property
مستغیث ← غیاث المستغیثین		
مستغنی (کلـ.) (نیز ← غنی)	۱۰	independent
مستفاد	۹۲	adapted
مُستَقبح (نیز ← قبح)	۸۱	disapproved as bad
مستقبل (دسـ.) (نیز ← استقبال)	۶۵	future time
مستقر (قرآنی) (نیز ← استقرار)	۸۷	habitation
	۱۰۰	sojourn

	۸۰،۳	permanent
مستقل (نیز ← استقلال)	۱۰۸	self-sufficient
مستقیم (قرآنی) (نیز ← صراط مستقیم)	۷،۸۷	right
	۱۱	direct
مستکبر (نیز استکبار)	۱۶	tyrant
مستکره (نیز ← اکراه)	۹۰	forced
مست کننده (نیز ← مسکر)	۶۱	intoxicating
مستلزم بودن (منط.)	۹۴	imply
مستمری (نیز ← حقوق؛ شهریه)	۷۷	annuity; benefit pension
مستملکات	۱۲۰	colonies; possessions
مستمند	۱۲۰	afflicted; needy; poor
مستند	۴۴	warranted
مستودع (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	repository
	۸۰،۳	depository
مستور (قرآنی)	۷	hidden
	۱۱۷	occult
مستوفی (نیز ← استیفا)	۸۰	director of finances
	۸۲ـ۵	chief accountant
	۶۷	treasurer
مستوفی الممالك	۱۱۴	controller general
مستهلك (نیز ← استهلاك)	۲۱	he who devotes himself to death
مستهلك کردن	۶۱	amortize
مستی	۱۰۳	drunkenness; intoxication
مسجد (قرآنی) [معادل انگلیسی این کلمه، از اصل عربی آن گرفته شده است.]	۴۲،۱۰۰	mosque
	۱۱۳	house of worship; place of prayer

مسجد الاقصی [= المسجد الاقصی] (قرآنی)	۸۰،۱۱۲	The Farthest Mosque
	۹۹	The Most Remote Mosque
	۱۹	The Farther Mosque
	۲۹	The Remote Mosque
مسجد التقوی	۴۲	mosque of piety
مسجدالحرام [= المسجد الحرام] (قرآنی)	۲۹،۸۰،۱۰۹	The Sacred Mosque
	۱۰۰،۱۱۲	The Holy Mosque
	۸۷	Inviolable Place of Worship
مسجد النّبی	۳۸	The Prophet's Mosque
مسجد جامع	۱۹،۱۱۵	Friday Mosque
	۱۱۵	Great Mosque
	۳۹	The Principal mosque
	۸۰_۵	cathedral mosque
مسجد شریف	۳۱	The Temple of Mecca
مسجد ضرار	۸۰	mosque of dissension
مسجّل (نیز ← سجل)	۶۱	registered
مسح کردن سر	۲۱	wipe the head with water
مسخ [مشتقی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷	transform
	۱۶	distortion
	۷	transform
مسخره کردن (نیز ← سخره)	۱۰۰	deride
مَسَد [سوره]	۸۷	Palm Fibre
	۱۰۰	Perish
مسدّس [= شش ضلعی؛ شش گوشه]	۱۲۹	hexagon
مسرف (قرآنی) (نیز ← اسراف)	۱۶،۸۷،۱۰۰	prodigal

	۱۶،۲۴	wasteful
	۱۶	extravagant; lavish
مُسری	۱۲۰	infectious; contagious
مسعود	۳۱	prosperous; blessed; august
مسعیٰ	۱۱۳	place of running
مسقط الرأس	۱۲۱	birthplace; home town
مِسك (قرآنی) [=مشك] [معادل انگلیسی و حتی یونانی این کلمه، از مشك پهلوی است. صورت قرآنی آن نیز متخذ از فارسی است. ولی محتمل است اصل فارسی متخذ از سانسکریت باشد.]	۷،۸۷	musk
مسکر (نیز ← مست کننده؛ مخدر)	۳۱	intoxicant
مسکنت (قرآنی)	۸۷	wretchedness
مسکوك (نیز ← سکه)	۱۲۰	coin ; coined
مسکین (قرآنی)	۶۴،۱۰۰	needy
	۸۷	a man in need
	۶۴	indigent
مسگر	۱۲۹	coppersmith
مسلك	۴	path; ideology
	۱۲	form of thought
	۱۰۳	tenor
مسلك تصدیق	۱۰۲	proof by way of judgement
مسلك تصوّر	۱۰۲	proof by way of representation
مُسلِم (قرآنی) (نیز ← مسلمان)	۷	submitting
	۸۸	one who submits himself (to God)
مُسلَّم	۱۲۰	certain
	۳۸	firm

اصطلاح	صفحه	English
مُسلّمات	۹۵	presupposition
	۹۷	admissa
مسلمان	۳۱	Musulman
	۴	Muslim [= Moslem]
مسلمانی (نیز ← اسلام)	۱۴	Muslimdom
مسلوب المنفعه (حق.)	۶۱	unutilized
مسلول (نیز ← سل)	۱۲۰	consumptive; tuberculous
مسمّط (بع.)	۴ـ۸۰	multiple poem
	۱۲۸	stanzaic poem; stanzaic form; stanzaic verse
مسموع	۱۲۰	heared; plausible; accepted; valid
مسمّی	۱۱	named
مَسند	۵ـ۸۲	throne
مُسند (دس.)	۶۵،۱۲۸	predicate
مسندٌالیه (دس.)	۶۵،۱۲۸	subject
مسواک	۱۲۰	tooth-brush
مُسوده [هم به تشدید واو درست است و هم به تشدید دال. پیش نویس، چرکنویس]	۱۲۱	draft; rough copy
مسوده [= سیاه جامگان، پیروان ابومسلم خراسانی]		
مسیح (قرآنی)	۴۳	Christ; Jesus Christ
	۴۱،۴۵،۸۷،۸۸،۱۰۰،۱۱۲	Messiah
مسیح الدجال (کلـ.)	۴۵	false Messiah
مسیح شناسی (کلـ.)	۱۱	Christology
مسیحی (کلـ.)	۸	Christian
مسیحیّت (کلـ.)	۲۹	Christianity
مسیطر (نیز ← مصیطر)	۸۸	overseer
مسیل (جغ.)	۷۴	dry river

	۱۲۹	ravine
کذّاب	۴۲	Musailameh the imposter
مشّائی [ارسطویی]	۱۱	Peripateticist
مشّائیان [مشّائین]	۴۳،۵۶	Peripatetics
مشّائیّه [= حکمت مشّاء]	۹۳	Peripateticism
مشاجره [مشتقی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴	debate
مشاجره کردن	۶۱	altercate
مشارٌالیه [= المشارٌالیه]	۱۲۱	aforementioned; aforesaid
مشارطه (نیز ← شرط)	۵۷	preconditioning
مشارکت (نیز ← شرکت)	۱۰۴	cosharing
مشاع	۸۵	joint ownership
	۶۱	held in undivided shares
	۴۴	public
مشاعر ظاهر (نیز ← مشعر)	۶۹	external sense-areas
مشاعره	۸۰،۲،۱۲۰	poetical contest
مشاور (نیز ← تشاور؛ شوریٰ)	۱۲۰	counsellor
مشاهده	۸۰،۱۰۸	vision
	۱۱	observation
	۲۱	contemplation
	۹۲	witness
مشاهره [= شهریه]	۱۲۱	monthly salary
مشاهیر	۳۱	celebrities
مشایخ (نیز ← شیخ)	۱۲۰	elders; chiefs
	۲۱	Sufi shaykhs
	۱۰۹	religious scholars
مشایعت	۳۱،۱۲۰	escorting accompanying
مشبک کاری (هنـ.)	۷۸	latticework; openwork
مُشبِّهه (نیز ← مُجَسِّمَه)	۲۱،۱۱۳	Anthropomorphists

English		
likeners	۱۰	
comparers	۷۹	
those who assert God's immanence	۱۰۳	
longing lover	۱۰۳	مشتاق
dubious; ambiguous	۱۲۰	مشتبه
conditional	۸۰_۴	مشترطه (مقـ. محتوم)
common	۹۵،۱۱۷	مشترك
shared	۹۸	
jointly	۶۱	مشتركاً (حقـ.)
joint ownerships	۴۲	مشتركات [در مالكيت]
equivocal	۱۰۵	مشتركه
Jupiter	۳۶	مشترى (نجـ.) [= برجيس]
inflamed; aflame	۱۲۰	مشتعل
occupied; employed; busy	۱۲۰	مشتغل
derivative	۶۵	مشتق (دسـ.)
accused; complained of	۱۲۳	مُشْتَكىٰ عليه (حقـ.)
laden	۷،۸۷	مشحون (قرآنى)
nature; temper; humour	۳۱	مشرب
disposition	۳۴	
drinking place	۱۰۰	مشرب (قرآنى)
projecting; overlooking	۱۲۶	مُشرف
honored	۱۲۰	مُشرَّف
east	۷	مشرق (قرآنى)
orient	۱۳	
polytheist	۳۱،۸۴،۸۸،۱۰۶	مشرك (قرآنى)
idolater	۳۱،۸۷،۱۰۰	
associater	۱۰،۸۸	
pagan	۳۱	
idolatress	۱۰۰	مشركه (قرآنى)

مشروب [۱. آبیاری شده ۲. آشامیدنی الکلی]	۱۲۰	1. irrigated; watered 2. alcoholic drink
مشروط (نیز ← شرط؛ اشتراط)	۹۵،۹۷،۱۱۷	conditioned
	۱۱	conditional
مشروطهٔ خاصّه (منط.)	۹۷	special conditioned
مشروطهٔ عامه (منط.)	۹۷	general conditioned.
مشروطیت	۲۷	Constitutionalism
مشروع (نیز ← شرعی)	۴	lawful
	۸۵	recognized by the law
	۴۵	keeping with the law
مَشعر (نیز ← مشاعر)	۱۲۰	wit; intelligence
مُشعر	۱۲۰	denoting; indicating
مشعرالحرام (قرآنی) [= المشعر الحرام]	۵۳،۸۷،۱۱۳	Sacred Monument
	۱۰۰	Holy Waymark
مشفق [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷	fearful
مشق	۱۲۰	drill; exercise
مشقت	۲۵	hardship
مُشك [تلفظ و املای قرآنی این کلمه مِسك است.] (نیز ← مسك)	۸۰،۴،۱۲۰	musk
مشك	۱۲۰	water-skin; leathern bag
مشكات (قرآنی) [= مشكوة]	۶،۷،۸۰،۸۷،۱۰۳	niche
	۵۶	lampniche
	۳۴	lamp
مشكات الانوار	۸۰،۵	the niche for lights
مشكات النّبوه	۵۶	lamp-niche of prophecy
مشكّك	۹۷	doubtful
	۹۵	equivocal

	۹۲،۱۱۱	analogous
مُشکل	۱۲۰	difficult; difficulty
مشکور (قرآنی)	۱۰۰	thanked
	۲۱	rewarded
مشکوة ← مشکات		
مشمول	۱۲۰	containted; in cluded
مشمول مرور زمان (حقـ.)	۶۱	barred by statute
مشورت (نیز ← مشاوره؛ شوریٰ)	۴	consultation
مشورت کردن	۳۹	consult
	۴	take counsel
مشهد	۴۵،۵۳	tomb- sanctuary
	۸۰	sanctuary
مشهود (قرآنی)	۷،۸۷	witnessed
	۴۴	observed; observable
مشهور (حد.)	۲۸ ،۸۳	well-known
	۸۰	generally received
مشهور (منط.)	۹۸	indemonstrable
	۴۲	generally accepted
مشهور (فقـ.)	۸۶	dominant
مشئوم	۱۲۰	ill-omened; unfortunate
مشیّت (کلـ.)	۱۱،۴۲،۸۰،۹۰،۱۰۳	(Divine) will
	۸۰	sovereign will
	۴۴،۲۹	providence
مشیّت الهیٰ	۱۱،۱۰۴	Divine will
	۲۹	Divine providence
مشیّت خدا	۱۱	will of God
مشیّت مطلقه	۲۹	supreme providence
مصاحبت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۶،۷	keeping company

	۱۱۴	friendly relations
	۸۰_۵	sources
مصادره (حقـ.)	۶۱،۸۰،۹۹،۱۲۱	confiscation
مصادره (منط.)	۴۰،۹۵	postulate
مصادره به مطلوب (منط.)	۱۱،۹۵،۱۱۷،۱۲۸	*petitio principii*
	۱۱	reasoning in a circle; begging the question
مصادره به مطلوب اوّل	۴۰	petition of principle
مصافحه [= دست دادن به هنگام درود و بدرود] (نیز ← معانقه)	۴۲	shaking hands
	۸۰_۵	hand clasp
مصالح	۴،۵،۲	interests
	۱۵	expedients
مصالحه (نیز ← صلح)	۶۱	compromise; conciliation
مَصانع (قرآنی) [= کوشك، حصار]	۱۰۰	castles
مصاهرت (نیز ← صِهْر)		
مصب [رود]	۱۲۹	estuary
مصباح (قرآنی)	۷،۸۷	lamp
	۳۴	torch
	۱۰۳	lighted wick; candle
مصحح	۸۰_۵	corrector of copied manuscripts
	پ	editor
مُصْحَف (نیز ← صُحُف)	۱۰۶	sacred volume
	۱۱۳	written text
	۸۰_۴	scriptural scrolls
مُصْحَف ناطق [کنایه از حضرت علی (ع)]	۳۱	The perspicuous book
مُصَحَّف [= تصحیف شده]	۱۲۰	misspelled; misread; incorrectly written
مصداق (منط.)	۱۷	extention

	۱۰۲	referent of a concept; denotation expansion
	۱	aspect
مصداق (حقـ.)	۶۱	applicability
مصداق پیدا کردن	۶۱	prove applicable
مصدر (دسـ.)	۶۵،۱۲۸	infinitive
مَصدَّق [تصدیق شده]	۶۱	certified
مصدِّق [تصدیق کننده] (قرآنی)	۶۴،۸۷	confirming
	۶	confirmer
مصر (قرآنی)	۴،۷،۸۷	Egypt
مصرع؛ مصراع (عر.)	۸۰	half; hemistich
مصرف (اقـ.)	۱۶،۷۵	consumption
مِصطَبه	۱۲۶	platform
مصطفی [لقب حضرت رسول (ص)]	۵۲	The Chosen One
مصطلحات	۳۱،۸۰	technical terms
	۳۱	idioms; idiomatical terms
مُصغَّر	۱۲۰،۱۲۸	diminutive
مُصلح (قرآنی) نیز ← اصلاح		
مصلح (نیز ← مجدِّد)	۴	reformer
مصلحت	۴۵،۸۰	common good
	۸۵،۱۰۹	public interest
	۸۶	notion of the public interest
	۱۱۳	general interest
	۲۷	expediency
مصلحت وقت	۱۲	demands of the moment
مصلحت‌گرایی [= صلاح عملی؛ استصلاح]	۱۱	pragmatism
مصلوب [مشتقاتی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۴۵	exposed on a gibbet
	۶	crucify

مصلّیٰ (قرآنی)	۷.۶۴.۸۷	place of prayer
	۱۴.۸۰	oratory
مُصلّی (قرآنی) [= نمازگزار]	۷	praying one
	۸۰.۲	prayer carpet
مصنِّف	۱۲۰	author ; composer
مصنَّف	۱۲۰	written; composed
مصوَّب	۱۲۰	approved sanctioned
مصُوِّت	۱۲۰.۱۲۸	vowel
مصوِّر [المصوِّر] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	The Shaper
	۴۲.۸۷	The Fashioner
	۸۰	The Maker; The Organizer
	۱۱	The Painter
مصوِّره (فلـ.)	۹۳	imagination; representative faculty
مصونیّت	۶۱	immunity
مُصیب	۸۰_۵	the truth
مصیبت (قرآنی)	۴.۱۸.۱۰۰	affliction
	۸۷	disaster
	۴	misfortune; tragedy
	۷۳	calamity
مصیبت نامه	۱۸	book of affliction
مَصیر (قرآنی)	۸۷	journey's end
	۱۰۰	homecoming
مُصَیطر [قرآنی؛ قیاساً املای این کلمه با «سین» به صورت مسیطر درست است ولی سنتاً در مصاحف قدیم وجدید با صاد نوشته‌اند.]	۱۰۰	authority
	۷	watcher

مضاجع (قرآنی)	۱۰۰	last couches
مضاجعه	۱۲۱	bed fellowship
مضاربه	۱۲۱	limited partnership
	۵،۴	partnership
	۶۱	bailment of a capital
مضارع مجزوم (دسـ.)	۶۵	jussive of the imperfect
مضارع مرخوم (دسـ.)	۶۵	imperfect indicative
مضارع منصوب (دسـ.)	۶۵	subjunctive of the imperfect
مضاف (منط.)	۹۲،۱۰۲	correlation
مضاف حقیقی	۱۰۲	real correlation
مصاف مشهوری	۱۰۲	correlation as commonly understood
مضاف (دسـ.)	۶۵	the annexed; the determining noun
	۱۲۸	determinatum; determined
مضافٌ الیه (دسـ.)	۱۲۰	noun in the genetive case
	۶۵	that to which annexation is made
	۱۲۸	determinant; determiner
مضافت	۱۱۱	correlation
مضامین شعری	۸۰-۲	poetical ideas
مضایف (منط.)	۹۸	correlate
مضجع [جمع مکسر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← مضاجع)	۱۲۰	sleeping place; bed
مضروب (حقـ.)	۶۱	beaten person
مضطر (قرآنی)	۸۰،۱۰۰	constrained
	۸۷	compelled; driven by necessity
مضمر (منط.)	۱۰۲	implicit thing
مضمضه	۱۲۰	rinsing
مضمون	۹۵	content
مضمون (فقـ.) [مقـ. ضامن]	۴۵	bail; pledge

مضمون به (فقـ.)	۸۰_۵	thing pawned
مضمون عنه (فقـ.)	۸۰_۵	debter
مضمون له (فقـ.)	۸۰_۵	creditor
مضیّق [در اصول]	۲۸	narrowed
	۱۰۸	predicament
مُطاع (قرآنی)	۷،۱۰۰	obeyed
مطالبه	۹۹	press claims
مطالعه	۱۱،۱۲۰	study
مطایبه	۱۲۰	jesting; joking
مطبخ	۱۲۰	kitchen
مَطبعه	۱۲۰	printing house
مطبق (منطـ.)	۹۴	stratified
مطبوعات	۱۲۰	press
	پ	printed matters; literature
مَطَر (قرآنی)	۷،۸۷	rain
مُطرب	۱۲۰	musician; minstrel
مُطرح	۸۰_۵	rejected
مُطَّرَد	۸۰_۵	generalised
مُطَرَّف [نوعی نثر مسجع]	۲۶	lop-sided
مطرود	۲۱	reprobate
	۱۲۰	rejected; expelled; banished
مطفّفین [سوره]	۸۸،۱۰۰،۱۱۲	The Stinters
	۷	The Defrauders
	۸۷	Defrauding
مطلاً (جلـ.) (نیز ← مذهّب)	۱۱۶	gilt
مطلاّکاری (هنـ.)	۷۸	gilding
مَطلب	۱۲۰	subject; matter
مطلع (قرآنی) [= محل طلوع]	۸۷	rising place (time)
مَطلع (بع.)	۸۰،۱۲۸	opening lines; firstline (of a poem)

	۱۲۸	opening verses
مَطلع ذوقافیتین (بع.)	۲۶،۲	double-rhymed matla' (= opening lines)
مُطّلع [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۱۲۰	informed; aware
مطلق	۴۲	absolute; general
مُطلّقه (نیز ← طالق)	۴۲	divorced woman
مطلقیّت	۱۱	absoluteness
مطلوب (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	sought
مطلوب (کلـ.)	۱۰	that which is sought
	۲۱،۲۲	sought
مطلوب (منط.)	۹۷	question
	۶۹	quest
	۱۰۸	thesis
	۹۸	*quaesitum*
مطلوب حقیقی	۶۹	true quest
مطمئن (قرآنی)	۷،۱۰۰	at rest
مطنطن	۲۷	high-sounding
مطوِّف [= راهنمای طواف]	۴۵	Pilgrim guide
مطهّر [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۶،۱۰۰،۱۰۳	purified
مطهّرات	۲۰	purifying agents
مطیع (نیز ← اطاعت)	۴	obedient
مظالم	۸۶	complaints
	۸۰_۵	grievances
	۵۲	tyrannies
	۸۲_۴	oppression; wrongdoing
مظلوم (قرآنی)	۷،۱۰۰	unjustly
	۲	oppressed
مظلومیّت	۱۲	being oppressed

مظنونات	۹۷	presumptions
	۴۰	primisses supposedly true
مظنّه (اقـ.)	۷۵	quotation
مظنّه [= ظن] (در اصول فقه)	۱۲۰	opinion; conjecture
مظنّه دادن (اقـ.)	۷۵	quote
مَظهر	۴.۸۰.۱۱۳	manifestation
	۹۶	epiphany
	۱۲	theophany
	۳۴	phenomenon
معاتبت [معاتبه]	۲۱	reproach
	۵۷	continuous reproach
	۲۵	wrath; reprimand
معاتبه ← معاتبت		
معاد [این کلمه در قرآن مجید به معنای بازگشت و بازگشتگاه به کار رفته است، نه به معنای اصلی از اصول عقاید و دین و مذهب]	۱۵.۸۰.۹۳.۹۹.۱۰۴.۱۰۹	resurrection
	۸۰_۳	return to God
	۲۲	life to come
معاد جسمانی	۹۳	resurrection of the body
معادشناسی	۴۲.۹۵	eschatology
معادله (منط.)	۹۴	equivalence
معاذالله (قرآنی)	۱۰۰	God forbid; God be my refuge
	۸۷	I seek refuge in Allah
معاذیر (قرآنی)	۷.۸۷	excuses
معارج [سوره]	۸۸.۱۰۰	The Stairways
	۸۷	The Ascending Stairways
	۷	The Ways of Ascent
معارض	۱۲۰	interferer; opponent

معارضه	۶۰	interference
	۹۵	antilogy
	۱۰۵	argument
معارف	۱۲.۳۱	sciences
	پ	disciplines
	۳۱	sorts of knowledge
	۸۰-۴	gnostic knowledge
معارف اسلامی	۱۲	Islamic sciences and culture
	۴	Islamic education
معارف الهیّه	۱۲	Divine Sciences
معارف قرآنی	۱	Quranic wisdom
معارف کلّی	۶۹	universal knowledge
معاش (قرآنی)	۱۰۰	livelihood
	۹۹	ways of making a living
مَعاشر ← مَعشر		
معاطاة	۸۶	offer
معافیّت (حقـ.)	۶۱	exemption
معاقبه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۵۷.۸۷	punishment
معالجه	۱۲۰	medical treatment; heling; curing
معالم الدّین	۱۰۹	principal features of religion
معاملات	۸۰	social relationships; human relations; usages and customs; matters of law in strict sense
	۱۴	rules of conduct
	۴۵	civil and legal matters
معامله [داد و ستد]	۴۲.۸۵.۹۲.۱۱۱	transaction
معاملهٔ پایاپای [مبادله]	۳۰	barter
معاملهٔ سلف	۷۵	time bargain

	۶۱	dealing in futures
معاملهٔ فضولی	۶۱	unauthorized transaction
معاملهٔ نسیه	۷۵	credit transaction
معاملهٔ نقد	۷۵	spot trading
معامله‌گر	۶۱	bargainer
معاند (نیز ← عناد)	۱۰۹	obstinate
معاندت [معانده]	۴۵	obstinate opposition
معانقه (نیز ← مصافحه)	۳۸	embracing
معانی (نیز ← علم معانی)	۸۰	concepts
	۹۷	meanings
معانی مفرده (منط.)	۹۷	simple meanings
معاوضه	۱۲۰	exchange
	۷۵	interchange
معاوضه مالیّه	۸۵	exchange of monetary assets
معاون	۶۱	assistant
معاون جرم	۶۱	abettor; accessory
معاهدون [اهل الذّمه]	۸۰ـ۵	Scriptuaries
	۴۵	protégés in accordance within an agreement
معاینه	۱۲۰	examination in spection
معبد	۲۹	temple
مَعْبَر	۱۲۰	passage
		pass; gallery
معبّر (نیز ← تعبیر رؤیا)	۲۲،۱۲۰	interpreter of dreams
معبود	۷۹	deity
	۱۰۳	object of worship
معتاد (حقـ.)	۶۱	addicted
معتبر	۱۲۰	reputable; creditable
مُعْتَد (قرآنی)	۸۷	aggressor; transgressor

معتدل	۱۲۰	moderate; temperate
معتزله	۲۶،۱۰۳	Mu‘tazilites
	۹۹	Mu‘tazilah
	۱۰	Separatists
معتزله‌گرایی [آیین معتزله] (نیز ← اعتزال)	۱۱	Mutazilaism
معتقد	۱۱	believer
معتکف ← اعتکاف؛ عاکف		
معتمد	۲۵	confidant; trusty person; worthy of confidence
	۶۱	reliable
معتنابه	۱۲۰	considerable
معجزه [مترادف قرآنی این کلمه آیه یا بَیِّنَه است. به این شرح که کلمهٔ معجزه در قرآن به کار نرفته و یکی از معانی کلمهٔ «آیه» یا بیّنه معجزه است.]	۴۲،۴۵،۱۰۹،۱۱۳	miracle
	۲۱،۱۰۶	evidentiary miracle
	۲۱،۱۰۳	prophetic miracle
	۱۰۷	wonder
معجم	۱۲۱	dictionary; lexicon
	۸۰ـ۵	arranged alphabetically
معجون	۷۳	concoction
	۸۰ـ۴	electuary
معدّل [= میانگین]	۱۲۰	average
مُعَدِّل النهار (نجـ.)	۳۶	celestial equator
	۱۰۷	equator
معدلت (نیز ← عدل)	۱۰۳	justice
معدن	۱۲۰	mine

معدنی	۱۲۹	mineral
معدود (قرآنی)	۷.۱۰۰	appointed
	۱۲۰	numbered
معدود متقارب	۸۵	things that can be counted
معدوله (دسـ.) [= غیر ملفوظ]	۱۲۸	silent; mute
معدوم (کلـ.) (نیز ← عدم)	۱۰.۴۵.۷۶.۱۰۳	non-existent
	۸۰.۱۰۵	annihilated
	۱۰۶	non-existing
معده	۱۲۰	stomach
معذّب (قرآنی)	۵۶	tormented
معذرة (قرآنی)	۷.۸۷	excuse
معذور (نیز ← عذر)	۲۱	excused
معراج (نیز ← اِسراء)	۳۴.۴۵.۵۶.۸۲.۹۰.۱۰۶	ascension
	۴۲.۴۵	ascent
	۴۵	Mohammad's ascension to Heaven
	۴۲	nocturnal ascent
معراج جسمانی	۴	bodily ascension of the Prophet
معراج حقایق	۱۰۳	ascension to (spiritual) realities
مُعْرَب (دسـ.)	۲۸.۱۲۸	declinable
مُعَرَّب	۱۲۰	Arabicized
معرِّف (منط.)	۱۱.۹۷.۱۲۸	definiens
	۱۱.۹۴.۱۲۸	definiendum
	۹۷	definitum
معرفت (نیز ← عرفان؛ علم)	۴۵.۵۸.۸۰.۹۰.۹۹.۱۱۸.۱۱۹	gnosis
	۱۰.۴۵.۹۵.۱۰۶	cognition
	۸۰	gnosis of God; inner knowledge; acquaintance
	۲۲.۹۹	knowledge
	۶	knowing

English		Persian
superior knowledge; higher knowledge	۱۱	معرفت اشرف [معرفتِ اعلیٰ]
		معرفت اعلیٰ ← معرفت اشرف
knowledge about the Imam	۶	معرفت الامام
knowledge of men	۴۵	معرفت الرّجال
inner knowledge of the soul	۵۶	معرفت النَّفس (نیز ← علم النفس)
knowing mastership	۶	معرفت الولایه
human knowledge	۱۱	معرفت انسانی
esoteric knowledge	۱۱	معرفت باطنی [معرفت خفی]
mediate knowledge	۱۱	معرفت باواسطه [معرفت حصولی]
self-evident knowledge; axiomatic knowledge	۱۱	معرفت بدیهی
exoteric knowledge	۱۱	معرفت جلی [معرفت ظاهری]
		معرفت حصولی ← معرفت باواسطه
		معرفت خفی ← معرفت باطنی
inferior knowledge	۱۱	معرفت دانی
knowledge of the essence	۲۲	معرفت ذات
knowledge of God's essence; knowledge of divine essence	۲۲	معرفت ذات خدا
spiritual illumination	۳۴	معرفت روحانی
intuitive knowledge	۳۷	معرفت شهودی
knowledge of attributes	۲۲	معرفت صفات
cognitional gnosis	۲۱	معرفت علمی
direct knowledge	۱۱	معرفت مباشر [معرفت مستقیم]
		معرفت مستقیم ← معرفت مباشر
absolute knowledge	۱۱	معرفت مطلق
relative knowledge	۱۱	معرفت نسبی [علم اضافی]

معرفت وحی‌شده [علمِ تأییدی]	۱۱	revealed knowledge
معرفت یقینی	۱۱	certain knowledge
معرفت‌شناسی [= علم المعرفه، شناخت‌شناسی]	۱۱،۹۵	gnosiology
	۴۴،۹۵	epistemology
معرفه (دسـ.)	۶۵	defined noun
	۱۲۸	definite
	۲۸	determinate noun
معرفی‌نامه	۶۳	letter of introduction
معرّق (معمـ.)	۱۲۹	mosaics
معرّقکاری (جلـ.)	۱۱۶	leather applique work
معرّقکاری (هنـ.)	۷۸	mosaic work
	۱۲۹	mosaics
معروف (قرآنی) [مقـ. منکر]	۶۴	kindness
	۲،۲۰	virtue
	۱۰۰	honour
معروف [مشهور]	۳۴	known
	۹۲	well-known
مِعزّ [المعزّ] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۵	The Honourer
	۴۲	The Honour- Bestower
معزّم (علوم غریبه)	۴۵	licit magician
معزول [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	banished
	۲۵	dismissed (from office)
	۱۰۰	expelled
	۶۱	deposed
معزول کردن	۶	expel

مُعسِر (حق.)	۶۱	insolvent
مِعشار (قرآنی) [= ده یك، یكدهم]	۷،۱۰۰	a tenth
مَعشر (قرآنی) [گروه]	۱۰۳	community
معشوق (نیز ← عاشق، عشق)	۱۱،۹۲	beloved
	۱۰۳	loved one
معشوق ازلی [كنایه از خداوند]	پ	Eternal Beloved
معصوم (نیز ← چهارده معصوم)	۴۵،۸۵	infallible
	۵۸،۸۰	inerrant
	۹،۱۰۳	immaculate
	۸۰	preserved from sin; immune from sin and error
	۲۱	sinless
	۲۷	innocent
معصومیّت (نیز ← عصمت)	۹	immaculacy; immaculateness
	۱۱	impeccability
	۴۴	inerrancy; infallibility
معصیت (قرآنی) (نیز ← عصیان)	۷،۲۲،۸۰،۸۷،۱۱۸،۱۱۹	disobedience
	۴۷،۸۰	disobedience to God
	۳۱،۸۱،۱۱۰	act of disobedience
	۳۱،۹۶	sin
	۲	sinfulness
	۱۱۰	transgression
معصیت كردن	۲۳	disobey God
معضله	۹۵	aporia
معطل	۵۲	idle
معطی [المعطی] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۲،۴۵	The Giver
معقول	۳۷،۵۶،۹۲،۹۵،۹۸،۱۰۴،۱۰۸	intelligible
	پ	philosophical

	۸۱	rational
	پ	intellectual
معقولات [مقـ. منقولات]	۷۱	mental phenomena
	۱۰۵	intellectual concepts
معقول و منقول	۸۰_۲	religious and foreign sciences
	پ	philosophical and traditional sciences
معکوس	۱۲۰	reversed
	۱۱	converse
مُعَلَّل	۱۲۰	caused; effected
معلّم اوّل [ارسطو]	۸۰	The First Teacher (Aristotle)
	۱۳	Stagirite [Aristotle]
معلّم ثانی [فارابی]	۱۳	The «Second Teacher» [= Alfarabius]
معلول [مقـ. علّت] (منط.)	۱۲،۳۷،۹۵،۹۸،۱۰۲،۱۰۶،۱۰۸	effect
	۱۱،۱۰۲	caused
	۱۰	caused thing
	۸۰_۳	thing caused
	۱۱۱	consequence
معلول اوّل (فلـ.)	۸۰	first caused
معلول غیر مفارق (منط.)	۹۸	inseparable effect
معلول مفروض	۱۲	assumed effect
معلولیّت	۸۰،۳	causedness
معلوم (قرآنی)	۷	known
	۸۰،۱۰۸	object of knowledge
	۸۰	object known
	۱۸	ascertainable thing
معلومات تصدیقی (منط.)	۹۷	declarative notions
معلومات تصوّری (منط.)	۹۷	apprehensional notions
مُعَلّیٰ (عروض)	۱۲۸	alliteration; initial rhyme; parimion

معمّا [از انواع شعر] (بع.)	۲۶_۲	riddle
معمار	۱۲۹	bricklayer; builder
	۱۲۰،۱۲۹	architect
معماری	۱۲۰	architecture
معمّرون	۸۰_۵	long-lived men
معمور	۹۹	cultivated
معموره	۴۲	inhabited region
معنا [معنی]	۹۲،۱۱۱	idea
	۴۲،۱۲۸	meaning; intention
	۱۲۸	sense
معنا [مقـ. صورت]	۱۰۳	reality
معنی اصطلاحی	۱۲۸	connotation
معنای ذاتی	۹۲	essential idea
معنای عام	۹۲	general idea
معنوی	۹	spiritual
	۴۵	in idea
معنی ← معنا		
معنی‌شناسی	۴۶	semantics
مَعونه	۱۲۱	help; aid; assistance; succor
معهود (حقـ.)	۶۱	agreed
معی [همبود]	۱۱	simultaneous
معیار	۴	criterion
	۷۵	standard
	۱۲۹	norm; rate of dosage
معیّت [همبودی]	۱۱	simultaneity
	۱۰۸	coextension
مُعید [المُعید] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۲،۴۵	The Restorer
	۸۰	He who resuscitates

معیشت (قرآنی) [نیز ← معاش]	۷،۸۷	life
	۲،۹۹	livelihood
	۱۵	sustenance
	۲	means of living
مُعین	۱۲۰	assistant; helper; supporter
مُعیّن (نیز ← عین؛ تعین)	۱۱،۹۵	determinate
	۱۱	determined
	۲۸	specified
مَعین ← ماء معین		
معیوب (نیز ← عیب)	۶۱	defective
مغ (نیز ← مجوس ؛ زرتشتی)	۱۱	magus
مغار (جلـ.)	۱۱۶	gouge
مغار (معمـ.)	۱۲۹	wood chisel
مَغارات (قرآنی) [= غارها]	۷	caves
	۸۷	caverns
مغازی (نیز ← غزا؛ جهاد)	۱۱۳	accounts of the early battles of Islam
مغالطه (نیز ← مغلطه؛ سفسطه)	۱۱،۹۷،۱۲۸	fallacy
	۱۰۲	sophistry
	۱۰۵	sophism
مغالطهٔ احوال عرضی لفظ	۱۲۸	fallacy of accent
مغالطهٔ اشتراك جوهر لفظ [= مغالطه به اشتراك اسم]	۱۲۸	fallacy of equivocation
مغالطه اشتراك حد اصغر	۱۲۸	fallacy of ambiguous major; fallacy of illicit process of the major
مغالطهٔ اشتراك حدّ اوسط	۱۲۸	fallacy of ambiguous middle; fallacy of illicit process of the middle
مغالطهٔ اطراف الاربعه	۱۲۸	fallacy of four terms

مغالطهٔ ایهام انعکاس	۱۲۸	*adicto secondum quidad dictum* simpliciter fallacy of converse accident
مغالطهٔ ترکیب فاسد	۱۲۸	fallacy of vicious circle
مغالطهٔ ترکیب مفصل	۱۲۸	fallacy of division
مغالطهٔ تشنیع بر مخاطب	۱۲۸	fallacy of *argumentuma adhominem*
مغالطهٔ تفصیل مرکب	۱۲۸	fallacy of composition
مغالطهٔ جمع المسائل فی مسألة	۱۲۸	fallacy of rigged questions
	۱۲۸	fallacy of many questions
مغالطهٔ رفع تالی	۱۲۸	fallacy of denying the consequent
مغالطهٔ رفع مقدم	۱۲۸	fallacy of denying the antecedent
مغالطهٔ سوء اعتبار حمل	۱۲۸	fallacy of *a dicto simpliciter ad dictum secundum quid;* fallacy of *secundum qued;* fallacy of accident
مغالطهٔ سوء تألیف	۱۲۸	fallacy of false cause; fallacy of *post hoc ergo propter hoc*
مغالطهٔ عدم اللزوم بالتبع	۱۲۸	fallacy of non sequitur
مغالطهٔ مصادره بر مطلوب	۱۲۸	fallacy of begging the question; fallacy of *petitio principii*
مغالطهٔ منطقی	۱۱	logical fallacy
مغالطهٔ نفس ترکیب	۱۲۸	fallacy of amphiboly; fallacy of ambiguity
مغالطهٔ وضع تالی	۱۲۸	fallacy of affirming the consequent
مغالطهٔ وضع مالیس بعلّة علّة	۱۲۸	fallacy of *non causa pro causa*
مغالطهٔ وضع مقدم	۱۲۸	fallacy of affirming the antecedent
مغالطه آمیز [= مغالطی]	۱۱	fallacious
مغالطی ← مغالطه آمیز		
مغان	۱۱	magi

مغانم (قرآنی) (نیز ← غنیمت)	۸۷	spoils
	۷	gain
مغایرت (کلـ.)	۱۰	otherness
مغبچه	۵۵.۸۰	young Magian
	۱۲۰	young tavern-keeper
مغبون (نیز ← غبن؛ تغابن)	۳۱	defrauded
مغبون کردن (حقـ.)	۶۱	let in
مغبونیّت	۱۶	victimization
مغرب [مقـ. مشرق]	۷.۸۷	west
	۱۳	occident
مَغْرِز (نجـ.)	۳۶	Megrez
مَغْرَم (قرآنی) [= تاوان]	۷.۸۷	dept
مغرور (نیز ← غرور)	۴	haughty
		deceived
مغضوب (قرآنی)	۱۲۰	disfavored
مغفرت (قرآنی) (نیز ← غفران؛ استغفار)	۶۴.۸۷.۸۸.۹۰.۱۰۰.۱۰۶	forgiveness
	۸۷.۱۰۰	pardon
مغلطه (نیز ← مغالطه)	۲۷	casuistry
	۳۱	labyrinth
مغلطه کردن	۳۱	jabber
مغلوب (قرآنی) (نیز ← غلبه؛ غالب)	۷	overcome
	۸۷.۹۹	vanquished
مُغنی [المُغنی] (اسم الهی) (غیرقرآنی)(نیز ← غنی)	۴۵.۸۰	The Enricher
	۴۵	The Sufficer
مغنّی	۱۲۰	singer; musician
مُغی	۱۱	magian

مُغیّبات	۱۲۰	mysteries; secrets; hidden things
مُغیلان	۲۵	acacia-tree
مفاتیح الجنان	۷۹	keys to the Gardens of Paradise
مفاتیح الحکمه	۶	keys of wisdom
مفاتیح الغیب [در قرآن مجید: مفاتح الغیب)	۴۲	keys of sacred knowledge
	۸۰_۲	keys of the mystery
	۷،۵۶	keys of the unseen
مفاخره (نیز ← فخر)	۴۲	boasting
مفاد	۱۲۰	purport; sense; contents
مفارق (منط.)	۹۷	separable [accident]
مفارق (فلـ.)	پ	immaterial
مفارقات	۱۳	separate substances
مفاضله	۱۰۸	inequality
مفاوضه	۸۵	unlimited mercantile partnership
مفتاح	۱۲۰	key
مفتاح الجنان	۳۸،۴۲	key of Paradise
مفتاح الجنّه ← مفتاح الجنان		
مفتح الابواب [اشاره به خداوند]	۱۲۰	opener of doors
مفتری (نیز ← افترا)	۶۱	accusant
مفتّش (نیز ← تفتیش)	۸۰_۵	inspector
مفتوح (حسـ.)	۲۸	commensurable
مفتوح العنوة [= سرزمینهائی که مجاهدان اسلام به نیروی نظامی فتح کرده اند]	۱۲۱	taken by force
مفتون (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	demented
مفتی (نیز ← فتوا، افتاء؛ استفناء)	۳۷،۸۶	jurisconsult
	۵۰	canon lawyer
	۴۲	jurist; expounder of law

	۸۳	mufti
مَفَرّ (قرآنی)	۷،۸۷،۱۰۰	flee
مفرد [مق. مرکب] (دسـ.)	۶۵	simple
مفرد [مق. جمع] (دسـ.)	۶۵	singular
مفردات	۸۰،۴	single elements
مفرغ	۱۲۹	bronze; gun metal
مفروض	۱۲۰	supposed; assumed; granted
مفروضه (نیز ← فرض، فرضی)	۱۰۸	hypothetical
مفسد (قرآنی) (نیز ← فساد)	۱۶،۸۷	corrupter
	۷	mischief-maker
	۱۶	mischief monger
	۸۷	
	۵۲	malfactor
مُفسدفی الارض	۲۷	corrupting (or causing disorders) on Earth
مَفْسَده (نیز ← فساد)	۵۳	harm; corruption; evil
	۱۵	depravity
	۲۷	inexpediency
مفسّر (نیز ← تفسیر)	۳۱	commentator; expositor; interpreter
مفصل [مفصلبندی]	۱۲۹	articulation; hinge; joint
مفصَّل (قرآنی) (نیز ← تفصیل)	۱۲۰	detailed
	۸۷	fully explained
	۷	plain
مفعول (دسـ.)	۱۲۸	object
مفعول با واسطه (دسـ.)	۱۲۸	accusative; direct object
مفعول بیواسطه	۱۲۸	cognate object
مفعولٌ فیه (دسـ.)	۶۵	accusative of time and place; that in which the act is done
مفعولٌ له (دسـ.)	۶۵	an accusative; that on account of which something is done

	۲۸	direct object
مفعول مطلق (دسـ.)	۶۵	the absolute object
	۱۲۸	cognate object
مفعولٌ معه (دسـ.)	۲۸	associated accusative
	۶۵	object in connection with which something is done
مفقودالاثر	۶۱	untraceable
مفکّره	۴۶	conceptual intellect
مفلحون (قرآنی) (نیز ← فلاح)	۱۰۰	prosperers
	۹۰	The prosperous
مفلس	۱۴،۸۵	bankrupt
	۶۱	destitute
مفوّضه	۷۶	delegators
مفهوم (منط.)	۹۷،۱۰۲	notion
	۱۱،۱۰۲،۱۰۵	concept
	۱۱،۱۷	intention
	۱۱	conception
مفهوم جزئی	۱۱	particular concept
مفهوم جنسی	۱۰۲	generic concept
مفهوم عام	۱۰۸	genral concept
مفهوم کلّی	۱۱	universal concept
مفهوم متعارف	۴۴	commonsense concept
مفهوم واحد	۱۰۸	single concept
مفهومی [تصوّری]	۱۱	conceptual
مَقابر (قرآنی)	۷،۸۷	graves
مقابله	۴۰	opposition
مقابله [تضادّ] (بع.)	۲۶_۱	antithesis
مقاتله [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← قتال)	۷،۲۴	fight

مقاربت	۲۰	sexual intercourse
مقارن	۱۰۵	simultaneous
مقارنه	۱۰۴	coexistence
	۷۹	affiliation; association
مقاطع مخروطی	۱۲۹	conic sections
مقاطعه کار	۱۲۰	contractor
	۶۱،۱۲۹	jobber
مقاطعه کاری	۷۵	piece work
مَقال	۵۲	discourse
	۱۰۳	talk
مقاله	۱۲۰	article
مَقام (قرآنی)	۷،۲۱،۴۵،۱۰۸،۱۱۳،۱۱۸،۱۱۹	station
	۱،۸۷	position
	۱۵	status
مَقام ابراهیم	۳۸،۱۰۰	Station of Abraham
	۴۲	Situation of Abraham
مَقام امن	۱۰۳	place of safety
مقام انسانی	۱۵	human status
مقام توحید	۶۹	abod of unity
مقام جمع (تصـ.)	۹۹	station of «Combination»
مقام خوف	۴۵	station of fear
مقام فرق (تصـ.)	۹۹	station of «differentiation»
مقام قدس	۱۰۳	station of Holiness
مقام مجازی	۵۵	dwelling-place of semblance
مقام محمود [قرآنی = مقاماً محموداً]	۴۲	glorious station
	۱،۸۷	praised position (state)
	۸۰	sojourn worthy of praise
مقامات (ادب)	۱۲۱	compositions (= a genre of Arabic

English	Page	Persian
rhythmic prose)		
mystic stages	۸۰	مقامات (تصـ.)
forty stations	۵۸	مقامات اربعین (تصـ.)
spiritual stations	۵۸	مقامات عرفانی
agreement; convention	۱۲۰	مقاوله
strength of materials	۱۲۹	مقاومت مصالح (معمـ.)
comparison	۹۵	مقایسه
exchange of goods	۴۵	مقایضه (فقـ.)
barter of merchandise	۸۰	
exchange of specific for specific thing; exchanging; bartering	۴۲	
burial place; sepulchre	۳۱	مقبره (نیز ← آرامگاه ؛ قبر؛ مقابر)
burying ground	۳۸	
shrine	۴۲	
mausoleum	۱۲۹	
prosperous; lucky	۲۵	مُقبل (نیز ← اقبال)
fortunate (elect) one	۱۰۳	
favoured	۱۸	مقبول (نیز ← قبول)
received	۱۰۶	
accepted premise	۴۲	مقبول (منط.)
followed; worthy to be followed	۳۸	مقتدا (نیز ← اقتداء)
exemplar	۱۸	
model	۶۹	
Mighty	۸۷، ۷	متقدر [المقتدر] (اسم الهی) (قرآنی)
The All-powerful	۸۰	
moderate	پ	مقتصد (قرآنی)
luke warm	۱۰۰	

مقتضی	۲۹	advisable
مقتضیات	۳۱	exegencies; conjectures
مقتضیات زمان	۱۵	demands of the age
مقتل	پ	book of martyrdom
	۸۰_۵	martyrdom
	پ	biography of martyrs
مقدَّر	۲۱	decreed by God
	۲۹	pre - destined
مقدِّر	۷۹	determiner
مقدّر کردن	۶	determine
	۲	ordain
مقدّس	۱۱	sacred
مقدّس مآب	۴	pretender to piety
مقدّم (منط.)	۱۷،۵۶،۹۴،۹۵،۹۸،۱۰۴	antecedent
	۹۴	condition; hypothesis; protasis
مقدّم [المقدِّم] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۴۵	The Avancer
	۸۰	He who brings near
مقدّمات (منط.)	۱۰۵	premisses
مقدّمات علوم	۳۱	preliminary studies
مقدّمه (منط. و کلـ.)	۱۰،۳۱،۴۲،۹۵	premise
	۹۴،۹۷	premiss
	۴۲	proposition
	۳۱	prerequisite
مقدّمهٔ حسیّه	۱۰۴	empirical premise
مقدّمهٔ شرطیّه	۹۷	hypothetical premise
مقدّمهٔ صغری	۱۱	minor premise
مقدّمهٔ عقلیه	۱۰۴	rational premiss
مقدّمهٔ کبری	۱۱	major premise

مقدّمهٔ مقدمه	۳ـ۸۰	introduction proper
مقدّمهٔ واجب	۲۷	obligatory preliminary
مقدّمه [دیباچه]	۴۲	preface
	۱۲۰	introduction
	۹۵	prolegomena
مقدورات	۱۰۸	objects of power
مُقِر (نیز ← اقرار)	۳ـ۸۰	declarant
مقرّب (نیز ← تقرب)	۲۱	favorite of God
	۱۰۰،۱۱۲	near-stationed
مقرّبون (قرآنی)	۱۱۲	the near-stationed
	۱۰۰	Those brought nigh
	۴۵	brought near
	۴ـ۸۰	Those who are close to God
مقرّر	۳ـ۸۰	regular
مقررات	۴	prescriptions
مقررات فرعی (حقـ.)	۷۵	by-laws
مقررات مرور زمان (نیز ← مرور زمان)	۶۳	statutes of limitation
مقرّری	۷۵،۱۱۴	allowance
مقرّری سالانه	۷۵	yearly allowance
مقرنس (معمـ.)	۸۰،۱۱۵	stalactite
	۴ـ۸۰	honey comb vaulting
مقرنس دایره ای	۱۱۵	curvilinear muqarnas
مقرنس زاویه عمودی	۱۱۵	rectilinear muqarnas
مقرنس کاری	۷۸	muqarnas; honey comb work; stalactite work
مقروض (نیز ← قرض)	۱۲۰	indebted; owing
مُقری [مقام مُقری که استاد قرائت و قرائت آموز است از قاری	۵۱	reciter of the Quran

بالاتر است.]

مُقْسِط [المقسط] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۸۰	The Just
	۴۲	the Equitable
مقسطین (قرآنی) (نیز ← قاسط)	۱۰۰	the just
مقسوم	۱۲۰	divided; distributed
مقسومٌ علیه (رض.)	۱۲۰	divisor
مقصد	۶۹	end
مقصود	۲۲	aim
	۱۰۳	object
	۸۰_۴	view
مقصور (تجو.)	۱۲۸	short vowel
مقصوره	۹۹	prayer enclosure
	۵۲	private chaple
	۴۵	sanctuary screened by lattice work
مقطع (بع.)	۱۲۸	final verses
مقطّعات [از انواع شعر]	۸۰	collection of fragments ; fragmentary pieces
مقطوع [= منقطع، از انواع حدیث]	۸۳	with an interrupted isnad
مُقعّر	۱۲۰،۱۲۹	concave
	۱۲۹	coved
مقلّد (فقـ.) (نیز ← مجتهد؛ تقلید)	۴۵،۸۶	imitator
	۸۰	follower
	۲۳	dogmatic follower
مقلوب [از انواع حدیث]	۸۰_۳	transposed
مقلوب (بع.)	۲۶_۲	anagram
مقلوب بعض	۲۶_۲	partial anagram
مقلوب کامل	۲۶_۲	complete anagram

مقلوب مُجَنح	۲ـ۲۶	winged anagram
مقلوب مستوی	۲ـ۲۶	even anagram
مقنعه (نیز ← حجاب؛ چادر)		veil (ed.)
مُقَنَّعیه ← مُبَیَّضَه (پیروان مقنع)		
مقنن (نیز ← تقنین؛ قانونگذاری)	۱۲۰	legislator
	۱۵	law-giver
مقَنّی	۱۲۹	well sinker; water driver
مقوّا	۱۲۰،۱۲۹	pasteboard; cardboard
مقول	۴۰	predication; predicated
مقولات ارسطو	۱۱	categories of Aristotle
مقولات عَشْر	۶۹	ten categories
مقوله	۱۱،۴۲،۹۵،۱۰۲،۱۰۷،۱۱۱	category
مقوّم	۱۲۱	estimator
	۹۵	constitutive
	۶۱	appraisor
	۷۵	assessor
مقوّم مالیات	۷۵	tax assessor
مقهور	۲۱	overpowered
مقیاس	۷۴،۱۲۹	scale
مُقیت [المقیت] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۰	The Determiner; The Witness; The Present
	۴۵	The Strengthener
مقیس (منط.)	۹۷	branch
مقیس علیه	۹۷	root
مقیم	۱۲۰	resident; residing
مُقَیِّی (قی آور)	۱۲۰	emetic; vomitive
مکابره	۳۱	haughtiness
مکاتبه (نامه نگاری)	۱۲۰	correspondence
مکاتبه (فقـ.)[= قرارداد بازخرید برده]	۸۵	manumission by contract

	۴۲	contractual enfranchisement
مکاتب ← مکتب		
مکاتیب ← مکتوب		
مَکّار	۱۸	deceitful
	۱۵	traitor
مَکارم	۲۵	kind acts; bounty
	۱۰۹	outstanding qualities
مَکارم اخلاق	۸۰	moral characteristics; nobility of character
	۴۵	prominent virtues
مَکاره [جمع مکرَهَ یا مکرهه]	۱۲۰	disagreeable things
مُکاری [= به کرایه دهنده]	۱۲۰	muleteer; common carrier
مکاسب	۴۲	earnings and professions
مکاسب و صنایع	۲۶_۱	trades and crafts
مکاشفه (نیز ← کشف)	۲۱،۴۳،۱۰۸	revelation
	۸۰_۴	presence of inner secret
	۲۳	mystical intuition
مکافات	۲۷	recompense
مکافئه (منط.) (نیز ← تکافو)	۹۸	have equivalent parts
مکالمه (نیز ← محاوره)	۱۲۰	conversation
مکان (قرآنی) (فلـ. و کلـ.)	۷،۱۲۹	place
	۱۰۳،۱۰۴	space
	۶۹	locus
	۱۰	spatial substratum
مَکانت (قرآنی)	۸۷	power
	۷	ability
مکانی	۳۷،۱۰۸	spatial
مکتب (نیز ← مذهب)	۴،۱۶،۵۵،۸۰	school
	۱۴	doctrine

ideology	۱۶	
writing-school	۳۱	مکتب خانه
orthodox; radical	پ	مکتبی
acquired	۸۱،۹۵	مکتَسَب (کلـ.) (نیز ← کسب؛ اکتساب)
acquirer	۱۰	مکتَسِب
acquisitor	۸۰_۴	
sufficient	۹۲	مکتفی
written down	۷	مکتوب (قرآنی)
letter; epistle	۴۸	
hidden; concealed	۱۲۰	مکتوم [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← کتمان)
deceit; deceitfulness; guile	۱۰۳	مکر (قرآنی)
devising	۱۰۰	
plotting	۸۷،۱۱۸،۱۱۹	
Allah's scheme	۸۷	مکر الله (قرآنی) [= مکر الهی] (نیز ← خیرالماکرین)
Allah's plan	۷۰	
high- honoured	۱۰۰	مکرَّم
hateful	۷،۸۷	مکروه (قرآنی)
disapproved	۴۷،۸۰	
disliked	۴۵،۹۹	
undesirable	۴۲	
discovered; uncovered; revealed	۱۲۰	مکشوف
cube; cubical	۱۲۰	مکعب
debtor	۸۰_۴	مکفول (نیز ← کفیل)
creditor	۸۰_۴	مکفول له
responsible	۴۷،۸۵	مکلّف (نیز ← تکلیف)

	۸۱	obliged; obligatee
	۱۱۳	under obligation
	۸۰_۴	fully capable
مکمّل	۴۹	perfecter
مکنونات	۱۰۸	mysteries
مکوّنات	۹۰	material objects
مکّه (قرآنی)	۷،۲۰	Mecca
مکّی	۱	Meccan
مکیال (قرآنی)	۷،۸۷	measure
مکیل	۸۵	things that can be measured
مُلاّ	ب	mulla (h)
	۴۲	a learned man
	۱۲۰	clergyman
	۱۶	chieftain
ملائکه (قرآنی) (نیز ← مَلَك؛ فرشته)	۴۵،۸۸	angels
ملائکه مقرّب	۱۰۴	favourite angels
ملائکه مهیمن	۱۰۸	ecstatic angels
ملات (معمـ.)	۱۲۹	mortar
ملاحت	۳۴	heavenly beauty
ملاحده	۴۲،۴۵،۸۲	heretics
ملاحظه	۹۵	observation
	۸۰_۴	association
ملازم	۸۰_۵	assistant
ملازمت	۲۵	servile
	۹۵	inherence
ملازمه	۱۰۶	consequence
ملاطفت	۲۵	benignity
ملاقات	۱۲۰	meeting; encontering; visit

مِلاک	۱۱	criterion
	۱۰۲	common basis
ملال	۱۲۱	boredom
	۱۲۰،۱۲۱	weariness
ملامت (نیز ← لوم)	۲۱	rebuke; blame
	۱۴	disrepute
ملامتیه	۴۳	Malamatiyeh
ملامسه	۸۵	an aleatory transaction
ملأ (مق. خلاء)	۴۲	plenum
ملأ (قرآنی)	۸۷	chieftains
	۷	chiefs
ملأ اعلیٰ (قرآنی) [= الملأ الأعلیٰ]	۱۰۰	High Council
	۸۷،۲۲	Highest Chiefs
ملأ عام	۱۲۰	the public
ملّت	۴۵،۶۹	community
	۸۰	people
ملّت [دین] (قرآنی)	۷،۴۵،۸۷،۸۸	religion
	۶،۱۰۰	creed
ملّت ابراهیم (قرآنی)	۷،۸۷،۸۸	religion of Abraham
	۱۰۰	Creed of Abraham
	۸۷	tradition of Abraham
ملجأ (قرآنی)	۷،۵۸،۸۷	refuge
مِلح (قرآنی)	۱۰۰	salt
	۸۷	saltish
ملحد (نیز ← الحاد)	۴۲	infidel
	۱۰	heathen
	۴۵،۹۹	heretic
	۱۱	atheist

ملحمه (تخ.)	۴۲	tribal insurrection
ملخّص	۴۴	summary
ملزوم (منط.)	۹۸	implicant
	۹۷	substrate
مَلَطیه (جغـ.) (شهری در ترکیه در غرب فرات)	۹۹	Malatya
ملعون [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است] (نیز ← لعن؛ لعین)	۴۲	damned
	۷۸	accursed
	۷،۱۵	cursed
ملفوظ	۱۲۰	pronounced; uttered
مَلَك (قرآنی) (نیز ← فرشته)	۲،۲۳،۴۵،۸۷،۱۰۹	angel
مَلَك‌الشعراء	۱۲۸	poet - laurate
مَلَك الموت (قرآنی)	۲،۴۵،۸۷	Angel of Death
مَلَك کریم (قرآنی)	۸۷	gracious angel
مَلَك مقرّب	۴۵	Archangel
	۵۶	cherubic angel
	۲۱	cherubim
	۱۰۹	angel- closed to God
ملك [الملك] (اسم الهی) (قرآنی)	۱،۷،۴۵،۸۰،۸۷،۱۱۰	The Sovereign
مَلِك القدّوس (اسم الهی) (قرآنی) (نیز ← قدوس)	۱۰۰	The King, The All-holy
	۴۵	The Holy King
مَلِك الناس (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	The King of Men
ملك [سوره]	۷۰،۸۰،۸۸،۱۰۰،۱۰۳،۱۱۸،۱۱۹	The Kingdom
	۸۷،۱۱۰	The Sovereignty
	۶۴	Dominion

	۹۹	Royal Authority
مُلک سلیمان (قرآنی)	۱۰۳	kingdom of Soloman
مُلک فانی	۱۸	transitory sovereignty
مِلک	۲۱،۸۰،۸۴،۸۵	property
	۴۵،۸۰	ownership
	۴۲،۹۵	possession
	۱۲۹	estate; real estate
	۸۰	private properties
مِلک استیجاری	۱۲۹	tenement
مِلک خالصه	۸۴	personal property
مِلک خبیث	۴۵	bad ownership
مِلک زراعتی	۱۲۹	rural property
مِلک طلق	۶۱	absolute property
مِلک عامه	۸۵	public property
مِلک یمین [قرآنی: ما مَلَکَتْ آیمانکم / آیمانهم / یمینک و...]	۱۰۰	what your right hands own
	۴۲	a slave
ملکات	۱۰۶	habits
ملکوت (قرآنی)	۱۴،۸۷،۱۰۰،۱۱۸،۱۱۹	Dominion
	۸۷،۱۰۰	kingdom
	۸۰	kingship; angelic substances
	۱۱۳	realm of dominion
	۵۶	kingdom of God; angelic realm
	۲۸	celestial kingdom
ملکوت آسمان	۱۱	kingdom of heaven
ملکوت اعلیٰ	۵۶	the highest kingdom
ملکه (فلـ. و کلـ.)	۱۳،۹۵	faculty
	۱۰	habit
	۹۳	babitus

ملکهٔ سبا ← بلقیس		
ملکیّت	۹۹	angelicality
ملل و نحل [علم]	۴۲	heresiography
ملمع (بع.)	۲۶_۲	patch-work or macaronic [verse]
	۱۲۸	macaronic verse
ملوک الطّوایف	۸۰	petty kings; satraps
	۹۹	*reyes de taïfas*
ملوک الطّوایفی	۴۲	anarchy
ملّی	۸۰_۴	popular; national
ملی گرائی (نیز ← قومیت)	۸۰_۴	nationalism
ملیک [الملیک] (اسم الهی) (قرآنی)	۷،۸۷،۱۰۰	King
ملّی کردن (نیز ← تأمیم)	۵_۲	nationalisation
ملیله (هنـ.)	۷۸	gold tinsel; gold lace
ملیله نقره‌ای	۷۸	silver tinsel
ملیله کاری (هنـ.)	۷۸	filigree work
ممات (قرآنی) [مقـ. مَحْیا]	۸۷،۱۰۰	dying
	۷	death
مماثل (کلـ.)	۹۵	analogous
مماثلت (کلـ.)	۱۰	likeness
	۶۹	similitude
	۲۱	mutual resemblance
ممارات (بع.)	۱۲۸	amphiboly
ممارست	۹۵	practice
مماطله	۱۲۰	delaying
ممانعت	۱۰	hinderance
ممتحنه [سوره]	۸۸،۱۰۰	The Woman Tested
	۸۷	She that is to be examined
	۷	The Examined

ممتر (قرآنی) [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	waverer
ممتنع	۱۱،۱۳،۹۲،۹۵،۱۰۲	impossible
	۱۳	absurd
ممتنع الوجود	۴۰	impossible being
مُمَثِّل	۴۴	analogue
ممدوح	۸۰-۴	maecena
ممدود (تجو.) [= حرف علّه]	۱۲۸	long vowel
ممسك (نیز ← بخیل؛ لئیم)	۱۰۳	niggard
ممکن (منط.)	۱۰۲،۱۰۵	possible
	۹۲،۱۱۱	contingent
	۱۰۸	contingent being
	۵۶	contingent thing
	۱۱	potential
ممکن الانفکاك	۱۱	separable
ممکن الوجود	۱۰۵	possible existent
	۴۰	possible being
	۳۴،۹۲	contingent being
	۴۵	possible of existence
ممکن حقیقی	۸۰-۳	the true possible
ممکن خاصه	۹۷	particular possible
ممکن ضروری	۸۰-۳	the necessary possible
ممکن عامّه	۹۷	general possible
مملوّ	۱۲۰	full; filled
مملوك (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۵	male slave
	۱	owned
	۷،۳۸،۸۷	slave
ممنوع	۱۲۰	forbidden; prohibited
ممنوعه (قرآنی)	۷،۸۷	forbidden

مُمیت [الممیت] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۸۰	The Creator of death
	۴۵	The Giver of Death
ممیّز	۸۵	intelligent minor; discriminating minor
ممیّز الجوهری (منط.)	۹۷	distinguens substantialis
ممیّز العرضی (منط.)	۹۷	distinguens accidentalis
ممیزی زمین [=نقشه برداری زمین]	۱۲۹	cadastral survey
مَنْ [= نَفْس]	۱۱	ego
مَنّ (قرآنی)	۸۷	the manna
مَنّ (قرآنی) [= منت نهادن]	۷،۸۷	reproach
مناجات	۴۲،۸۲	supplications
	۲۱	intimate supplications; praying to God in solitude
	۵۲	close communion
	۱۰۹	conversation to God
منادی (دســ.)	۶۵	the person of thing called
منادیْ (قرآنی)	۱۰۰	caller
	۸۷	crier
	۷۳	herald
	۷،۴۲	preacher
منادی حقّ	۷۳	herald of truth
منار	۱۲۹	light house; spire
مَناره [معادل انگلیسی این کلمه، از اصل عربی آن گرفته شده است.]	۴۲،۴۵،۱۱۵	minarate (of a mosque)
	۴۵	tower
	۴۲	pillar
منارهٔ پیچان	۱۱۵	twisted minaret
منازعه	۱۲۰	contestation; contention; dispute

واژه	شماره	English
منازل (قرآنی)	۷	stages
	۸۷	mansions
منازل (عرفـ.)	۸۰_۵	degrees of mystical perfection
منازل السائرین	۱۳	Stations of the Travellers
منازل القمر [با این عبارت از قرآن مجید مقایسه کنید: والقمر قدّرناه منازل، یس، ۳۹]	۴۵،۵۴	stations of the moon
	۸۰_۳	lunar mansions
مناسبات الکواکب [امتزاجات الکواکب] (نجـ.)	۱۰۴	configurations of stars
مناسبات حسنه	۶۱	good relations
مناسک (قرآنی) (نیز ← تنسّک؛ نُسُک؛ شعائرالله)	۶۴،۱۰۰	holy rites
	۴۲	sacred rites
	۸۷	devotions
مناسک حجّ	۴۲	sacred rites of the Pilgrimage
مَناظر	۱۱۱	optics
مُناظره	۶۸،۸۲،۹۹	disputation
	۴۲،۸۰،۹۲	debate
	۴۲	argumentation
	۸۰_۴	tenzons
منّاعٌ للخیر (قرآنی) [درتداول عام به صورت منّاع الخیر به کار می رود]	۸۷،۱۰۰	hinderer of good
منافات	۱۲۰	incompatibility; inconsistency
منافره	۸۰_۴	causing aversion
منافسه (اخـ.) (نیز ← تنافس؛ متنافس)	۵۷	competition
منافق (قرآنی)	۴،۱۶،۴۵،۸۷،۱۰۰،۱۰۳،۱۰۶،۱۰۹	hypocrite

	۴۵	waverer
	۱۶	dissenter
	۲۳	ostentatious person
منافقون [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Hypocrites
مناقب (نیز ← منقبت)	۸۰	loudatory biographies; virtues; eulogistic biographies; eulogies;hagiographic stories
مناقشه	۹۵	discussion
	۴۴	controversy
مناقصه (اقـ.) (نیز ← مزایده)	۷۵	low tender
	۱۲۹	tenders
مناقضه	۱۰۵	refutation
مناکحات (فقـ.)	۴۲	nuptials
	۴۵	laws regulating marriage
مَنام (قرآنی) [= خواب] (نیز ← نوم)	۸۷،۱۰۰	slumbering
	۷	sleeping
منّان (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۳۱	beneficent; propitious
مناوله [در حدیث]	۸۰_۳	handing over
مَناهی	۱۲۰	prohibitions; sins
منبّت‌ساز	۱۲۹	wood carver
منبّتکار	۱۲۹	wood engraver; embosser
منبّت کاری (هنـ.)	۱۱۶	filigree work
	۱۲۹	raised work; embossing ; enlay
	۷۸	marquetry
مِنبَر	۲،۴۵،۹۹،۱۰۳،۱۱۵	pulpit
	۴۸	mosque pulpit
	۴	minbar
	۱۱۵	cathedra

منبسط (منط.)	۹۴	distributed
منبع	۶۳،۹۲	source
	۱۰۸	fountain-head
منبع درآمد (اقـ.)	۶۳	source of incom
منتخب	۱۲۰	selection; anthology
منتشره (منط.)	۹۷	spread proposition
منثور	۱۲۰	written in prose
منتظَر [حضرت مهدی ع]	۹۹	The Expected One
منتقم (المنتقم) (اسم الهی) [درقرآن مجید این کلمه به صورت جمع مکسر ـ انّا منتقمون ـ که مراد از آن واحد است به کار رفته است. نیز خداوند «ذوانتقام» خوانده شده است.]	۴۲،۴۵،۸۰	The Avenger
	۲۹	The Vengeful
	۵۶	The Requiter
منتقمیّت	۱۶	vengeance; retribution
منّت نهادن (نیز ← مَنّ)	۸۷	reproach
منجلاب [مجازاً دامگاه ابتلاء وآلودگی]	۲۵	impure water
	پ	dirty situation
منجّم	۳۴،۸۰،۹۹	astrologer
	۱۱۱	astronomer
منجمد	۱۲۰	frozen; frigid
منجنیق	۱۸،۸۰	mangonel
	۶۵	catapult
منجی (نیز ← ناجی)	۶	deliverer
منحرف کردن	۱۵	perturb
منحصر به فرد	۱۲۰	unique
منحل کردن	۶۱	disorganize

منحنی	۱۲۹	curve
	۱۲۰	curved
منحوس (نیز ← مشئوم)	پ	sinister; gloomy
من حیث المجموع	۱۲۰	on the whole
مَنخر(ین)	۱۲۰	nostril (s)
منخنقه (قرآنی)	۱۰۰	beast strangled
مندائیّه [= مذهب ماندائی که فرقه‌ای از صابئین هستند]	۴۳	Mandaeanism
مندرجات (نیز ← فهرست مندرجات)	۱۲۰	contents
مَندوب (فقـ.) (نیز ← نافله؛ نوافل)	۲۸،۴۵،۸۵	recommended
	۸۶	praiseworthy
مُنذر [مقـ. مبَشر] (قرآنی) (نیز ← نذیر)	۶،۷،۸۷	warner
مَنزل (نیز ← منازل)	۶	abode
	۸۰_۴	mansion
	۹۱	position
	۱۲۹	domicile; dwelling; lodge
منزل (عرفـ.)	۵۵	stage
منزل بین منزلتین	۹۱	intermediate position
منزلت	۱۰۷	rank
	۱۱	station
منزلگاه	۱۳	abode
منزَّه	۲	glorified
	۲۱	exempt
منسک ← مناسک		
مُنسُلخ ← سَلخ		
منسوخ (نیز ← ناسخ؛ نسخ)	۴۱	abrogated
	۸۵	repealed passage
منسوخ کردن	۶	abrogate

منشأ	۱۵	abolish
	۱۱	origin
	۴۱	source
منشور اعطای خلعت یا منصب	۸۰_۵	investiture charter
منصب	۴۸	rank
	۲۵	dignity; office
منصب‌دار	۴۸	holder of a rank
منصرف (دسـ.)	۲۸	inflected noun
منصف	۴	equitable
منصوصٌ علیه	۱۲۱	fixed; appointed; laid down in writing
منطق	۱۱،۱۶،۹۴،۹۵	logic
منطق احتمالات	۱۱	probability logic
منطق ارسطو	۹۴	Aristotelian logic
منطق صوری [منطق صورت]	۱۱،۹۴	formal logic
منطق قیاسی	۴۴	deductive logic
منطق مشرقیین	۱۳	logic of the orientals
منطق موّجه	۹۴	modal logic
منطق ستیزی	۱۱	misology
منطق‌شناس	۱۱	logician
منطق‌الطیر (قرآنی)	۷،۸۷	language of birds
منطقه	۷۴،۱۲۹	zone ; belt
	۱۲۹	region
	۱۲۰	zodiac
منطقة البروج	۹۹	ecliptic
منطقهٔ حارّه	۷۴	torrid zone
منطقهٔ زمانی	۷۴	time zone
منطقهٔ فلك البروج	۹۹	ecliptic line
منطقهٔ معتدله	۷۴	temperate zone
منطقهٔ منجمده	۷۴	frigid zone

منطقهٔ نیمه قطبی	۷۴	sub-polar region
منطقی [۱ـ منطق‌دان ۲. مربوط به منطق]	۱۱،۳۷	1. logician 2. logical
منطقیّت (اصالت منطق)	۹۵	logicism
منطوق (اصول فقه)	۴۴	verbal text
	۹۵	enunciation
منظر	۱۲۹	perspective
	۱۰۷	appearance
منظره	۱۲۹	perspective; panorama; view
منظَم	۱۱	orderly
	۲۹	well-organized; systematic
منظومه	۱۲۰	system
	۸۰ـ۴	long poem
منظومهٔ شمسی	۱۲۰	solar system
منعم (نیز ← اِنعام)	۲۳	beneficent
	۵۲	benefactor
منفذ	۱۲۹	pore; mesh
منفصل	۴۴،۹۵	discontinuous
	۸۰ـ۳	disjunctive
	۱۱۱	discrete
	۹۷	disconjunctive
منفصلهٔ اتفاقیّه (منط.)	۹۷	coincidental disconjunctive
منفصلهٔ حقیقیّه (منط.)	۹۷	veritable disconjunctive
منفصلهٔ عنادیّه (منط.)	۹۷	antagonistical disconjunctive
منفصلهٔ مانعة الجمع (منط.)	۹۷	incompatible disconjunctive
منفصلهٔ مانعةالخلو (منط.)	۹۷	exclusive disconjunctive
منفعت (نیز ← نفع)	۹۰	benefit
	۸۵	proceeds; usufruct
منفعل	۱۰۴،۱۰۵	patient

منفق [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← انفاق؛ نفقه)	۱۰۰	expenders (in alms)
	۱۰۳	prodigal
	۱۶	charitable
منفكّ [جمع سالم این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۰	separate; detached
منفی	۱۲۰	negative
مِنقار	۱۲۰	beak; bill
منقبت (نیز ← مناقب)	۱۸	virtue
منقح	۱۳	elaborated
منقذ [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۵	liberator
	۵۷	deliverer
منقرض (نیز ← انقراض)	۱۲۰	extinct
منقضی	۶۱	expired; overdue
منقضی شدن	۶۳	laps; expire
منقوش	۸۰	ornamented
منقوض	۱۰۸	refuted
منقول (نیز ← اموال منقول)	۸۵	movable
	۵۶،۶۵	transferred
منقول اصطلاحی	۵۶	technically transferred word
منقول شرعی	۵۶	juristically transferred word
منقول عرفی	۵۶	conventionally transferred word
منقول و معقول	۳۴	traditional and rational verities
مُنکَر [مقـ. معروف] (قرآنی) (نیز ← نهی از منکر)	۷،۸۷	indecency
	۲	vice
	۶۴	wickedness

	۱۰۰	dishonour
مُنکَر [از انواع حدیث]	۸۳	objectionable (tradition)
مُنکِر [جمع مکسر این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴،۱۰۳	denier
	۱۰۳	sceptic
مُنکَرات	۱۲۰	unlawful things; sins
منکر بودن	۱۰۳	disbelieve
منکر شدن	۶	deny
منکسر	۱۲۰	broken
منکوحه (نیز ← زوجه؛ نکاح)	۴۲	married woman
مِنوال	۱۲۰	manner; method; mode; form
منّ والسّلویٰ (قرآنی)	۴۲،۸۴،۸۷،۱۰۰	manna and the quails
منوّر	۱۱،۱۰۳	illuminated
منور الفکر	پ	intellectual
	۱۲۰	enlightened
مِنوَم	۱۲۰،۱۲۱	soporific
	۱۲۱	somnifacient
منهاج (قرآنی)	۷،۸۷	way
	۱۶	method
	۵۳	holy way
مَنهی (نیز ← مناهی)	۱۲۰	forbidden; prohibited
مِنیٰ	۱۱۳	Mina
مَنی	۱۰۳	egoism
مَنی (قرآنی)	۱۰۰	sperm-drop
	۴۲	sperm
	۱۲۱	semen
مُنیب (قرآنی) (نیز ← انابه)	۱۰۰	penitent
	۸۷	repentant
من یزید ← مزایده؛ حراج		

مواجب (نیز ← مستمری؛ مراتبه)	۱۱۴	regular salaries
مؤاخات	۱۲۰	brotherhood; friendship
مؤاخذه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۸۷،۱۰۰	take to task
موازات	۴۰	parallelism
موازنه [= تعادل؛ ترازمندی]	۱۲۹	equilibrium
موازنهٔ بازرگانی (اقـ.)	۷۵	trade balance
موازنهٔ معوجه	۱۰۴	devious comparison
موازی	۱۲۰،۱۲۹	parallel
مواسات	۸۰	generous help
	۱۴	charity
مواظب	۱۲۰	careful
مواعده [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱	appointed rendezvous
موافق	۹۵	agreeable
موافقت	۲۱	concord
موافقت [در تقیّه]	۴۵	connivance
موافقت‌نامه	۶۱	letter of agreement
موافقه (منط.)	۹۸	chance connection
مواقعه (نیز ← وطی؛ جماع؛ رفث)	۱۲۰	sexual intercourse
موالات (نیز ← ولایت)	۳۱	continuing or following without intermission; continuation; friendship
	۸۵	contract of clientship
موالات علی	۶	acceptance of the leadership of 'Ali
مَوالی (قرآنی)	۱۰۰	kinsfolk
	۴۲	clients
	۷	heirs
مواليد ثلاثه	۶۹	three generables
مواليد سه گانه	۱۱	the three kingdoms

موؤده (قرآنی) [=دختر زنده بگور]	۱۰۰،۱۱۲	buried infant
موبد (نیز ← مغ؛ مجوس؛ زرتشتیگری)	۱۸	chief magian
	۳۷	Zoroastrian priest
موت (قرآنی)	۷،۳۱،۸۷،۹۵،۱۱۸	death
موت ابیض	۳۱	white death (natural death)
موت احمر	۳۱	red death (violent death)
موت اسود	۳۱	black death (death by strangulation)
موت فرضی (حقـ.)	۶۱	supposed death
مؤتفکات [= آبادیهای قوم لوط] (قرآنی)	۱۰۰	subverted cities
موتیٰ (قرآنی) [= مردگان]	۷،۸۷	the dead
موثّق	۶	trusted
	۴۴	authoriative
	۶۱	authentic
مَوج (قرآنی)	۷،۸۷،۱۲۹	wave
موجَب (منط.)	۱۰۴	effect
موجِب (منط.)	۱۰۴	cause
موجب [مقـ. سالب] (منط.)	۴۲،۹۴،۹۵	affirmative
موجد (فلـ.)	۱۰۴	producer
موجر (نیز ← اجاره؛ مستأجر)	۲۰	lessor
	۱۲۹	landlord
	۷۵	tenant; renter
موج شکن	۱۲۹	jetty; mole; pier
موجود (نیز ← وجود)	۵۳،۹۰،۹۹،۱۰۳	existent
	۹۵،۱۰۴	being
	۱۱	entity
موجود انسانی	۱۱	human being
موجود اوّل	۱۰۴	prime being

موجود بالفعل	۱۱	actual being
موجود بعد عدم	۱۰۴	being after non-being
موجود زمانی	۲۹	temporal being
موجود عالی	۱۰۴	high being
موجود فعّال	۱۱	active being
موجود کامل	۲۹	supreme being
موجود مادّی	۲۹	material being
موجود متحرک	۸۰ـ۵	mobile being
موجود متفکّر	۱۱	*res cogitans*
موجود مرکب	۱۰۵	composite existence
موجود مطلق	۱۱	absolute being
موحّد (نیز ← توحید)	۴۵،۵۶	unitarian
	۱۶،۱۰۶	monotheist
	۹۳	true confessor of Divine unity
موحّدون (سلسله‌ای اسلامی در شمال افریقا و اسپانیا)	۴۳،۹۹	Almohads
مؤخّر [المؤخّر] (اسم الهی)	۴۲،۴۵	Deferrer
	۸۰	He Who Sends away
مؤخّر	۱۲۰	posterior
مؤخّره	۳۱	epilogue
مودّت (قرآنی)	۷	friendship
	۲۱،۸۰ـ۴	affection
	۵۷	amiability
	۴،۸۷	love
مؤدّی	۶	fulfiller
مؤذّن (نیز ← اذان)	۱۴	Muezzin
موذی	۲۵	vexer; troubler
مورّب (جلـ.)	۱۱۶	diagonal
	۱۲۹	bevel

فارسی	صفحه	English
مورخ (نیز ← تاریخ)	۴	historian
موریانه	۱۲۹	wall louse
موسع	۲۸	enlarged
موسیٰ (ع) (قرآنی)	۴۱،۸۷،۱۰۰،۱۰۳	Moses
موسیقی	۱۲۰	music
موسیقی‌دان	۱۲۰	musician
موصوف (کلـ.)	۱۰	subject
موصوف (فلـ.)	۹۳	subject of qualification
موصول	۱۲۰	relative
موصی (قرآنی) (نیز ← وصی ؛ وصیت)	۳۷	legator
	۷،۸۷	testator
موصی‌له	۳۷،۳۹	legatee
موضوع (منط.)	۱۱،۹۵،۹۷،۱۰۶	subject
	۹۲	subject matter
	۱۰۵	substratum
	۹۵	object
موضوعٌ له (بع.)	۱۲۸	signified
موطن [جمع مکسر این کلمه به صورت مواطن در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۸	place
	۸۷	field
موعظه (قرآنی) (نیز ← وعظ)	۶۴،۸۷،۱۰۰،۱۱۸	admonition
	۱۶،۸۰،۸۷	exhortation
	۵۲	sermon
	۱۶	moral preaching
موعظه کردن	۸۷	admonish
	۲۳	exhort
موقعیّت اجتماعی	۷۵	social status

موقف [در حج]	۸۴	station
	۸۰_۳	place of standing
موقوت (قرآنی)	۷،۱۰۰	timed
موقوذه (قرآنی) [جانوری که به ضرب چوب و امثال آن کشته شده باشد.]	۱۰۰	beast beaten down
موقوف	۸۰،۸۵	left in abeyance
	۴۵	suspended
	۸۰	state of suspense
موقوفه (نیز ← وقف؛ اوقاف)	۸،۱۱۴	endowment
	۶۱	endowed property
	۳۱	pious bequest; donation
موکب	۱۲۰	retinue
موکّل [مقـ. وکیل] (نیز ← وکالت؛ وکیل؛ توکیل)	۸۵	the principal
	۴۲،۸۵،۸۸،۹۹،۱۱۳	client
مولا (نیز ← مولیٰ؛ موالی)	۸۰،۸۵	patron
	۴۲،۶۸،۹۹	master
	۶۴،۱۰۰،۱۰۳	protector
	۴۵،۸۰	freed slave
	۴۵،۶۸	lord
مولای متقّیان [علی علیه السلام]	۹	Master of The Virtuous
مولِد [زمان و مکان تولّد] (نیز ← مسقط الرأس)	۵۳	birthday; birthplace
مولِد	۱۱	procreative
مولّدات	۸۰	secondary acts
مولّدون [تازه مسلمانهای اسپانیا]	۴۲	Neo-Muslims
مؤلف	۸۰	compounded
	۱۰	composite

مؤلّفه (منط.)	۹۴	component
مؤلفةالقلوب [در قرآن: المؤلفة قلوبُهم]	۸۷	Those whose hearts are to be reconciled
مولود [= میلاد]	۸۰	birthday
مولوی [منسوب به مولا]	۱	authoritative
مولیٰ [المولی] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	Protector
	۷	Patron
مؤمن [المؤمن] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	All-faithful
مؤمن (قرآنی)	۷،۸۷	believer
مؤمنون [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰	The Believers
مؤنث (دسـ.)	۶۵،۱۲۸	feminine
مؤنث حقیقی (دسـ.)	۶۵،۱۲۸	real (natural) feminine
مؤنث مجازی (دسـ.)	۶۵	tropical feminine
مؤنث معنوی (دسـ.)	۱۲۸	grammatical feminine; feminine by signification
موهبت	۲۹	gift; bounty
	۸۰_۳	Divine gift
موهبت الهی	۲۹	Divine bounty
	۶۱	grace of God
موهبت طبیعی	۲۹	natural gift
موهن کید الکافرین (اسم الهی) (قرآنی)	۷	Weakener of the struggle of the unbelievers
موهوم (نیز ← وهم؛ واهمه)	۲۹	fancy
	۱۵	illusory
مویز	۱۲۰	raisins
مهابت	۲۵	awe; fear
مهاجر (قرآنی)	۱۶،۴۵،۸۰،۱۰۰	emigrant

	۲۱	
	۱۲	refugee
مهاجرت کردن	۶۴	immigrant
	۴	migrate
		emigrate
مهاجرین وانصار [قرآنی؛ المهاجرین والانصار]	۱۰۰	The Emigrants and the Helpers
مهاد (قرآنی) (نیز ← مهد)	۱۰۰	cradling
مهار	۱۲۹	guide rope; anchorage
مهارت	۱۲۹	skill; technique
مهتابی (معمـ.) [= بهار خواب؛ ایوان]	۱۲۹	terrace; veranda; open terrace
مهتدا (نیز ← اهتداء)	۱۸	guide
مهتدون (قرآنی)		the rightly guided
	۱	the guided aright
مهجور (قرآنی)	۷	forsaken
	۳۱	abandoned; separated
مَهد (قرآنی) (نیز ← مهاد)	۷،۸۷	cradle
مهدور الدّم [= واجب القتل]	۱۲۰	deserving death
مَهْدی [حضرت مهدی، عج]	۸۰ـ۵	Mahdi (the rightly guided one)
	۴۲	The Directed one
مَهْدی مُنتظَر	۹۹	The Expected Mahdi
مهذَّب	۳۱	free from vice; refined corrected
	۲۱	purged
مَهر [صداق]	۱۵،۴۲،۸۶	dower
	۴۵،۸۰	bridal gift
	۸۰،۸۵	nuptial gift
	۹۹	wedding gift
	۱۰۰	marriage-portion
	۸۰	dower sum

مَهر المثل	۴۲	suitable dower
مَهر مسمّیٰ	۴۵	definite mahr
مِهر [محبّت]	۱۰۳	love; loving kindness
	۹۵	sentiment
مُهر [مُهرنماز]	۱۰۱	clay disc
مُهر (نیز ← ختم؛ طبع)	۸۰.۱۰۳	seal
مُهر سلیمان	۱۰۳	Seal of Solomon
مَهرَجان [معرب مهرگان فارسی؛ در عربی به معنای جشن]	۱۲۰	festival; celebration
مُهردار	۸۰_۴	seal bearer
مهرداراباشی	۸۰_۴	seal-keeper
مهرکردن	۱۲۹	seal
مهرکوبی (جلـ.)	۱۱۶	stamping
مهروموم کردن	۶۱	affixing seals
مهره	۱۲۹	bead; burnisher; screw bolt; nut
مهلت (حقـ.)	۶۱	period of grace
مهلت دادن (نیز ← امهال)	۱۰۰	respite
مهمان	۱۲۰	guest
مهندس	۱۲۰	engineer
مهیمن [المهیمن] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۲.۴۵	The Protector
	۷.۸۷	Guardian
	۱۰۰	All-preserver
میانجی	۹۲.۱۱۱	intermediary
	۹۵	mediator
میانجیگری	۹۵	mediation
میانرودان (نیز ← بین‌النهرین)	۷۸	Mesopotamia
میانه‌روی	۱۰۹	acting moderately
میّت (قرآنی) (نیز ← موتیٰ)	۷.۸۷	dead

Persian	References	English
	۱۰۷	inanimate
مسّ میّت	۲۰	touching a human corpse
میته (قرآنی)	۴۲،۸۰،۸۷،۱۰۰	carrion
	۴۵،۸۵	animals not ritually slaughtered
	۴۲	dead animal
میثاق (قرآنی)	۴۲،۸۲،۸۷،۱۰۰	covenant
	۶،۸۷	pledge
	۹۳	divine covenant
میثاق گرایی	۱۱	conventionalism
میخ	۱۲۹	nail
میخ پرچ	۱۲۹	rivet
میخ چوبی	۱۲۹	peg; dowel; stake
میخ کوبی [= پیاده کردن مسیر]	۱۲۹	staking; setting out
میخوارگی	۹۹	winebibbing
میدان	۱۲۹	agora; field; plain; space
میدان دید (نجـ.)	۳۶	field of view
میدان کسب (اقـ.)	۷۵	trading ring
میرآب	۱۲۹	water bailiff
میراث (نیز ← ارث) (قرآنی)	۶۱	legacy
	۱۶،۴۵،۱۰۰	inheritance
	۸۷	heritage
	۳۹	bequest
میرغضب	۶۸	executioner of bodily penalties
میزان (قرآنی)	۵۴،۹۰،۱۰۰،۱۰۶	The Balance
	۸۰،۹۵	criterion
میزان عقلی	۸۰	rational criterion
میزان (نجـ.)	۳۶،۹۹	Libra
مَیسِر [قمار] (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۰	gambling
	۴۲،۴۵،۸۷	game of chance

	۱۰۰،۱۱۲	arrow-shuffling
میسره [مقـ. میمنه]	۸۴	left-wing
	۹۹	left flank
مَیسَره [= یُسر، فراخ بالی] (قرآنی)	۷،۸۷	ease
میشن (جلـ.)	۱۱۶	sheepskin
میعاد (قرآنی)	۱۰۰	tryst
میعاد الوصول	۵۶	promised time
میقات (قرآنی)	۲۲،۴۵،۱۰۰	appointed time
	۸۷	appointed tryst
	۱۸	trysting- place
میکائیل [قرآنی = میکال]	۷،۴۵،۱۰۰	Michael
میل (نجـ.)	۳۶،۹۵،۹۹	declination
	۱۱۸،۱۱۹	inclining
میل طبیعی (فلـ.)	۸۰	natural inclination
مَیمنه [مقـ. میسره]	۸۴	right wing
	۹۹	right flank
مینا	۱۲۹	enamel; enamel work
میناکاری (هنـ.)	۷۸،۱۲۹	enamelling
مینو (نیز ← جنت؛ فردوس)	۴	Heaven
مینوی	۴۴	numinous
مینیاتور (هنـ.)	۱۱۵	miniature
مُیُورقَه (جغـ.) [= جزیره‌ای در شرق اندلس]	۹۹	Majorca
میوه (نیز ← فاکهه؛ فواکه)	۱۲۰	fruit
میهن ← وطن		
میهن‌پرست ← وطن‌پرست		
میهن‌پرستی ← وطن‌پرستی		

ن

نااهل	۵۲	inept
	۲۵	blockhead
نابالغ	۶۱	underage
نابغه (نیز ← عبقری)	۱۲۰	genius
	۱۲	outstanding figure
نابغه علمی	۱۲	outstanding intellectual figure
نابودی	۱۶	annihilation
ناپاك (نیز ← نجس)	۱۲۰	unclean; impure
ناپیدا (نیز←غیب)	۱۰۳	unseen
ناجذ (نجـ.)	۳۶	Bellatrix
ناجی [= نجات یافته؛ رستگار) (نیز ← مُنجی)	۳۱	liberated; saved
ناجیه [فرقه]	۴۲	the saved sect; orthodox Muslim sect
ناحیه	۱۲۹	part
	۸۰	district
ناخوشی ← مرض		
نادر	۱۲۰	rare
نادره	۸۰_۳	a witticism; an anecdote
نادم (قرآنی)(نیز←ندامت؛ندم)	۱۰۰	remorseful
نادیده (نیز ← غیب)	۱۱	unseen
نار (قرآنی) (نیز ← جهنم)	۷،۴۲،۸۷	The Fire; Hell
نارالله (قرآنی)	۸۷،۱۰۰،۱۰۳	Fire of God (Allah)
نازعات [سوره]	۷	Those Who Pull out
	۸۸	Those Who Draw out

	۸۷	Those Who Drag forth
	۱۰۰	The Plackers
نازک کاری [= پرداخت کاری] (معمـ.)	۱۲۹	finishing
نازل شدن (نیز ← نزول)	۴	be sent down
	۸۴	coming down
نازل کردن	۶	send down
ناس (قرآنی) (نیز نام سوره‌ای از سوره‌های قرآن مجید)	۷،۱۰۰	The Men
	۸۸	The People
	۴۲،۸۷	Mankind
ناسپاس (اخـ.)	۵۲	ungrateful
ناسپاسی	۶	unthankfulness
ناسخ [نسخه بردار] (نیز ← نسّاخ)	۸۰	copyist (of manuscripts)
ناسخ [نَسخ کننده] (نیز ← نَسخ؛ منسوخ)	۲،۸۵	repealing
	۶،۱۰۹	abrogating
	۴۱	abrogative
ناسزا گفتن (نیز ← فحش)	۲	abuse
ناسک [در قرآن مجید جمع سالم این کلمه به کار رفته است.] (نیز ← مناسک؛ نُسُک)	۴۵	ascetic
	۸۷،۱۰۰	performer
ناسوت	۳۸،۸۰	human nature
	۳۴،۸۰	humanity
	۱۰۲	world of bodily forms
ناصبی	۱۰۹	anti-Shi‘a
ناصح (قرآنی) (نیز ← نصیحت)	۸۷	sincere adviser
	۷	adviser

	۱۰۳	counsellor
	۱۶	admonisher
ناصر (قرآنی)	۷،۸۷	helper
ناصره [زادگاه حضرت مسیح در فلسطین]	۴۲،۴۳	Nazareth
	۴۳	Nazerat; An- Nasira
ناصریه [علویه]	۴۳	Alawites
ناصیه (قرآنی)	۱۰۰	forelock
ناطق [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← نطق)	۴۲،۱۰۳،۱۰۶	rational
	۱۰۷	intellectual
	۹۵	reasonable
ناطقه ← ناطق؛ نفس ناطقه		
ناطور	۴۵	watch-tower
ناظر [در قرآن مجید جمع سالم این کلمه به کار رفته است.]	۴۵،۹۹	inspector
ناظرالجیش	۹۹	inspector of the army
ناظرالخاص	۹۹	inspector of the privy purse
	۸۰_۴	keeper of the privy purse
ناظم	۱۲۰	regulator; superintendent; poet
ناف	۳۱،۱۲۰	navel
نافذ	۴۵	effective
	۸۵	operative
نافع [النافع] (اسم الهی) (غیر قرآنی)	۴۲	The Profiter
	۴۵	The Advantager
	۸۰	He who favours
نافله (قرآنی)	۱۰۰	supererogation

	۲۳،۹۹	supererogatory
نافه	۱۲۰	bag of musk
ناقص	۶۹،۹۲،۱۱۱	deficient
	۱۱،۹۲،۱۰۸	imperfect
ناقص (دســ.)	۲۸	defective
ناقل (نیز ← نقل؛ منقول)	۹۹	reporter
	۱۲،۴۲	transmitter
ناقل حدیث	۱۲	transmitter of *hadith*
ناقور (قرآنی) [= شیپور]	۱۰۰	Trump
ناقوس	۳،۳۱،۱۲۰	bell
ناقه (قرآنی)	۱۰۰	she-camel
ناقه الله (قرآنی)	۱۰۰،۱۱۲	the she-camel of God
	۱۰۳	God's she-camel
ناکجاآباد ← مدینهٔ فاضله		
ناکح (نیز ← نکاح؛ منکوحه)	۴۲	married man
ناکَسی [مقـ. کَسی و تعیّن]	۱۰۳	non-individuality
نام مستعار	۶۳	assumed name
نامتعیّن	۴۴	indeterminate
نامتناهی	۱۱	infinite; unending
	۲۹	interminable
نامحدود	۱۱	unlimited
	۲۹	limitless
نامزدی (نیز ← خِطبة)	۶۱	betrothal
نامشروع	۱۲۰	illegal; unlawful
	۶۱	ill-gotten
نامعقول	۹۵	irrational
نامعیّن	۹۵	indeterminate
	۱۱	non-determined
نامنقسم	۹۲	indivisible

ناموجود [عَدَم]	۱۱	non-entity; non-existent
ناموس	۱۶،۱۲۰	honour
	۱۰۳	reputation
	۱۳،۶۹	law
ناموسِ اکبر [جبرئیل]	۸۴	the greatest Namus
ناموسِ الهی	۶۹	Divine edict; Divine commandment
ناموسِ حق	۶۹	Law of truth
نامه	۱۲۰	letter; epistle; book
نامهٔ اعمال (نیز ← کتاب)	۱	book of deeds
نامه‌نگاری ← مکاتبه (نامه‌نگاری)		
نامی (اسم فاعل از نمو)	۱۲۰	growing
نامیرایی [خلود]	۱۱	immortality
نامیه	۱۲۰	growth
ناودان	۱۲۹	rain-water pipe; gutter
ناهی (نیز ← مَنهی؛ مناهی)	۱۲۰	prohibiter; forbidder
	۱۶	one who forbids
ناهید ← زهره		
نایب	۴۲،۶۸،۸۵،۹۹	deputy
	۸۰	representative; delegate
	۱۰۳	vicegerent; vicar
نایب امام	۴۲	the deputy of the Imam
نایب حق	۱۰۳	vicar of God
نایب فاعل (دس.)	۱۲۸	grammatical subject
نبأ (قرآنی) (نیز نام سوره‌ای از سوره‌های قرآن)	۸۷،۱۰۰،۱۱۲	The Tiding
	۸۸	The Announcement
	۷	The Great Event
نبات (قرآنی)	۷،۸۷	vegetation
نبش قبر	۲۰،۶۱	exhumation

نبش کردن	۶۱	exhume
نبض	۷۱	pulse
نبض اطول	۷۱	long pulse
نبض اعرض	۷۱	broad pulse
نبض صغیر	۷۱	small pulse
نبض ضعیف	۷۱	feeble pulse
نبض طبیعی	۷۱	natural pulse
نبض عَرَضی	۷۱	accidental pulse
نبض غیر مستوی	۷۱	unequal pulse
نبض قوی	۷۱	vehement pulse
نبض کبیر	۷۱	big pulse
نبض مبسوط	۷۱	simple pulse
نبض مرکب	۷۱	combined pulse
نبض مستوی	۷۱	regular pulse
نبض منشاری	۹۸	saw-pulse
نبض موجی	۷۱	undulating pulse
بَنَط [= نَبَطیها: قومی از اعراب یا مستعربان که در شمال عربستان و بین‌النهرین ساکن بوده‌اند.]	۹۹	Nabataeans
نبوّت (قرآنی)	۳۴،۱۰۰،۱۰۹	prophethood
	۴،۸۰،۹۹	prophecy
	۲۷	messengership
نبوکه نصر ← بخت نصر		
نبی (قرآنی)	۶،۷،۸۰،۸۷،۱۰۳	prophet
نبی امّی [قرآنی: النبی الامّی]	۶،۱۰۰	prophet of the common folk
نبی مرسل	۵۶	prophetic messenger
نبیذ (فقـ.)	۹۹	date liquor
	۴۵،۸۰	wine
	۱۰	date wine

نتیجه (منط.)	۱۷،۹۵،۹۸	conclusion
نتیجهٔ قریبه	۹۸	proximate conclusion
نتیجهٔ قهری	۴۴	corollary
نثر (بع.)	۲۶-۲،۱۲۸	prose
	۱۲۸	style
نثر ساده	۲۶_۲	simple prose
نثر فنی (بع.)	۱۲۸	artistic prose
نثر مُرَجَّز	۲۶_۲	cadenced prose
نثر مرسل (بع.)	۱۲۸	aschematistom
	۱۲۸	ashematon;male figuratum
نثر مرسل ساده (بع)	۱۲۸	curt style; attic style
نثر مرسل مغلق	۱۲۸	asiatic style
نثر مسجع	۲۶،۲،۱۲۸	rhymed prose
نثر منظوم	۱۲۸	poetic prose
نجات (قرآنی)	۷،۹۹،۱۱۸،۱۱۹	salvation
	۶۰،۸۷	deliverance
نجات دادن	۴	save
نجّار	۱۲۰	carpenter
نجّاری	۱۲۰	carpentry
نجاست (نیز ← نجس)	۹۹	contamination
	۲۰	unclean substance
نجاشی [فرمانروای حبشه در زمان حضرت پیامبر (ص)]	۲۶،۴۲،۸۴	Negus
نجبا (نیز ← نجیب)	۸۰	pre-eminents
	۳۸	the excellent ones
نَجَس (قرآنی)	۷،۳۷،۸۷	unclean
	۳۷،۴۵	impure
نجس‌العین	۸۰_۵	major impurity
نجم (قرآنی) (نیز نام سوره ای از	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Star

سوره‌های قرآن)		
نجوا ← نجوی		
نجوم (قرآنی) [جمع نجم = ستارگان]	۷،۸۷	stars
نجوم (نیز ← منجم)		astronomy
نجویٰ (قرآنی)	۶۴،۸۷	secret conference
	۱۰۰	conspiring
نجیب (نیز ← نجبا)	۴	civilised
نَحْب (قرآنی) [در این عبارت قرآنی: «فمنهم من قضی نحبَه» به کار رفته و معنای پیمان به سر بردن یعنی وفات می‌دهد]	۷،۸۷	vow
نحر [مشتقی از این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۸۷،۱۰۰	sacrifice
نحس	۷	ill-luck
	۳_۸۰	inauspicious
	۱۰۰	ill fortune
نحل [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Bee
نحله [مذهب]	۹۵	sect
نحله [مدرسه]	۱۱	school
نحو	۴۲	mode
نحو [دستور زبان]	۳۴،۸۰،۹۴،۱۲۸	syntax
	۴۲،۱۲۸	grammar
نحو منطقی	۹۴	logical syntax
صرف و نحو	۳۴	accidence and syntax
نحوی	۱۳،۸۰،۱۰۳	grammarian
	۹۴	syntatical
نخبه	۲۷	elite
نخریسی	۱۲۹	spinning

نخل / نخیل (قرآنی)	۷،۸۷	palm
نخوت	۱۲۰	haughtiness; pride
نِدّ [جمع مکسر این کلمه به صورت انداد در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱	equal; peer; alike
	۷	rival
	۱۰۰	compeer
ندا (قرآنی) (نیز ← منادی)	۴،۴۱،۸۷،۱۰۰	call
ندای وجدان	۴۱	the call of the conscience
نَدامت (قرآنی)	۷	regret
	۲۱	contrition
	۸۷	remorse
ندب	۴۲	recommendatory
ندبه	۳۱	plaint; lamentation; elegy
ندرت (نیز ← نادر، نادره)	۱۲۰	rareness
نَدَم (نیز ← نادم، ندامت)	۵۷	remorse
ندیم (نیز ← همنشین؛ مصاحب؛)	۱۴،۸۲،۹۳،۹۹	boon companion
نذر (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۴،۱۰۰	vow
	۴۲	offering
نذر کردن	۸۴	vow
	۱۴	make a vow
نذر و نیاز	۳۸	vows and oblations
نذیر (قرآنی) (نیز ← بشیر و نذیر؛ منذر)	۶۴،۸۷،۸۸،۱۰۰	warner
نر (فقـ.)	۱۲۰	male; masculine
نَرد	۸۰ـ۵،۱۲۰	backgammon (s)
نردبان / نردبام	۱۲۰،۱۲۹	ladder
نرده	۱۲۹	fence; rail; balustrade; palisad
نزاریه	۱۲	The Nizaris

نزاع (نیز ← تنازع)	۶۱	affray
نزدیکی (نیز ← تقرب؛ جماع؛ مواقعه)	۹۲	proximity
نزع (نیز ← احتضار)	۱۲۰	agony of death
	۳۴	death agony
نَزغ (قرآنی)	۱۰۰	provocation
	۷	false imputation
نزف‌الدم (پز)	۱۲۰	hemorrhage
نِزم (جغـ.) [= بخار و مِه]	۷۴	haze
نزول [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است] (نیز ← تنزیل)	۲۸،۱۰۷،۱۱۳	descending
نزول قرآن	۲۴،۴۲	revelation of the Quran
نزول وحی	۲۴	descent of revelation
نزول [= سود پول، ربح]	۱۲۰	interest
نژاد	۲۹	race
نساء [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰	Women
نساءالنبی (قرآنی) [= همسران پیامبر اسلام (ص)]	۷،۸۷	Wives of the Prophet
نسابه	۲۸،۱۲۰	genealogist
نسّاج	۱۲۰	weaver
نسّاجی	۱۲۰	weaving
نَسّاخ	۱۰	copyist
نُسّاك	۸۰،۱۰۷	pious people
نسب (قرآنی)	۶،۳۲،۹۹	genealogy
	۴۲،۹۹	lineage
	۷ ،۶۱	blood relationship
نسب اسمائیه	۱۰۸	nominal relation
نسبت	۳۴،۹۸	attribution

نسبت (کلـ. و منط.)	۱۰،۹۴،۹۷،۹۸،۱۰۵	relation
	۶۹	relationship
نسبت اضافهٔ لازمه	۹۸	relation of inseparable attribution
سبت تألیفی	۶۹	synthetic relationship
نسبت ترتیبی	۹۴	ordering relation
نسبت تعادل	۹۴	equivalence relation
نسبت حکمیّه	۹۷	judicial relation
نسبت حمل	۹۸	relation of belonging
نسبت صریح اضافه حقیقی	۹۸	explicit relation of real attribution
نسبت عددی	۶۹	numerical relationship
نسبت مؤلفه	۶۹	composite relationship
نسبت متّصله	۶۹	continuous relationship
نسبت مسّاحی	۶۹	superficial relationship
نسبت منفصله	۶۹	discrete relationship
نسبت همانی	۹۴	identity relation
نسبت هندسی	۶۹	geometrical relationship
نسبت دادن	۲۹	attribute
نسبی	۱۱	relative
نسبیّت	۱۶،۹۵	relativism
	۱۱	relativity
نسخ (قرآنی)	۷،۱۵،۸۰،۸۶،۸۷،۱۱۲،۱۱۳	abrogation
	۸۵،۸۶	repeal
	۸۰_۴	act of concellation
نسخ کردن	۶۴،۸۷،۱۰۰	abrogate
نسخهٔ خطی ← مخطوط / مخطوطه		
نسخه نویسی	۳۱	recipe-writing
نسر طایر (نجـ.)	۳۶	Altair
نسر واقع (نجـ.)	۳۶	Vega
نسطوری (کلـ.)	۳۱	Nestorian; a Christian

نَسَق	۱۲۰	mode; manner; allotment of lands; torture ; punishment
نُسُك (قرآنی) (نیز ← مناسك؛ تنسك؛ ناسك)	۷،۱۲۱	sacrifice
	۸۷	offering
	۱۲۱	ceremonies (of the Pilgrimage)
نسل (قرآنی)	۴	generation
	۷،۱۰۰	stock
	۱۵	offspring
نسوان	۱۲۰	women
نسیان [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۴،۸۰،۱۰۳	forgetfulness
	۹۵	forgetting
نَسیء (قرآنی)	۷،۸۴،۸۷	posponement of a sacred month
نسیه (مقـ. نقد)	۱۲۰	on credit
نسیم	۷۴	breeze
نشأة (قرآنی)	۷،۸۷،۱۰۰	growth
	۱۲	state of being
	۷،۸۷،۱۰۰	creation
	۴۰	creative breath; growth
نشت [= نَشْد]	۱۲۹	leakage
نشوء	۱۰۴	growth
نشور (قرآنی) (نیز ← حشر؛ بعث؛ قیامت)	۱۰۰	uprising
	۸۰_۵	resurrection
نشوز (قرآنی)	۶۴،۸۷	ill treatment; rebellion
	۱۰۰	rebelliousness
	۴۵	refractoriness
	۶۱	disobedience

نصّ (نیز ← منصوص)	۳۱،۳۴،۴۵،۸۰،۸۶،۹۹	text
	۴۷،۸۰،۱۱۰	designation
	۴۷	Quranic text
	۳۱	tradition; wording
نصّ جَلی	۸۰_۳	clear designation
	۹۹	express statement
نصّ خفی	۹۹	implied statement
نصّ صریح	۲۸	clear terms
نصّ کریم	۳۱	the text of Quran
نصاب ← حدّ نصاب		
نصارا (قرآنی) (نیز ← نصرانی)	۳۱،۴۵،۸۷،۱۰۹	Christian
	۳۱	Nazarenes
نصب	۱۰۷	to place oneself; to stand
	۱۲۹	installation
نصر [سوره]	۷،۸۸،۱۰۰	Help
	۸۷	Succour
نصرانی (قرآنی) (نیز ← نصارا)	۷،۸۷،۱۰۳	Christian
نصرانیّت (نیز ← مسیحیت)	۶	Christianity
نصرت	۲۷	assistance
نصرت الهی	۲۷	divine assistance
نصف (قرآنی)	۷،۸۷	half
نصف‌النهار	۳۶	meridian
	۱۲۹	line of longitude
نصف سماوی	۳۶	celestial meridian
نصف مبدأ	۷۴	prime meridian
نص‌گرایی (نیز ← نص)	۱۱	textualism
نَصوح (قرآنی)	۷،۸۷	sincere
	۳۱	true; constant; sincere
نصوص ← نص		

portion	۷	نصیب (قرآنی)
fortune	۸۷،۹۵	
destined share	۳	
counsel	۲۷	نصیحت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]
proffering good counsel	۸۰	
Helper	۷،۸۷	نصیر [النصیر] (اسم الهی) (قرآنی)
elaboration	۹۵	نضج
sperm	۱۱	نطفه (قرآنی)
life-germ	۴۱	
sperm drop	۱۰۰	
drop of seed	۸۷	
speech	۷۹،۱۰۳	نطق (نیز ← ناطق؛ منطق)
beast gored	۱۰۰	نطیحه (قرآنی) [= جانوری که به زخم شاخ جانور دیگر مرده باشد.]
governance	۲۹	نظارت
control	۷۵	
supervision	پ	
supreme control	۷۵	نظارت عالیه
cleanliness	۳۰	نظافت
order	۴،۸۰،۹۲،۹۵	نظام
military service	۱۲۰	
system	۵،۱۱،۷۵،۱۰۴	
ordinance	۸۵	
organization	۶۹	
order of creation	۴	نظام آفرینش
moral order	۴۴	نظام اخلاقی

نظامِ اقتصادی اسلام	۱ـ۵	Islamic system of Economics
نظام مُلك	۸۲ـ۵	order of the realm
نظام خرده مالکی	۷۵	small holdings system
نظام خیر	۱۰۴	system of good
نظام خیر کلّی	۹۲	good universal order; the best world order
نظام کلّ	۱۰۴	universal system
نظام مالی	۳ـ۵	financial system
نظام وجود	۱۱	system of being
نظامنامه	۶۸	rules of procedure
نظر [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴۲،۹۵	speculation
	۴۲	view; contemplation
	۸۰	rational speculation; intellectual observation
	۸۰	observation
	۵۴	glance
	۱۰۸	reason
نظری	۱۱،۹۵،۱۱۱	speculative
	۸۰	theoretical
	۹۵	discursive
نظریّه	۱۰۴	speculation
	۱۱	theory
نظم (نیز ← نظام)	۱۱	order
	۱۲۸	verse
نظم	۱۲۸	poetry
نظم‌دهنده	۶۲	designer
نظمیه [= شهربانی]	۱۲۰	police (office)
نظیر	۸۰ـ۵	homologue

	۲۴	rival
نظیر السمت (نجـ.) [معادل انگلیسی این کلمه، متخذ از اصل عربی است.]	۱۲۰	nadir
نعاس (قرآنی) [= خواب]	۸۷،۱۰۰	slumber
نعت	۸۰_۵	quality
	۷۹،۹۰	description
	۸۲_۵	eulogy
نعت (دسـ.)	۶۵	adjective; descriptive epithet
نعت گفتن	۵۲	eulogize
نعش	۱۲۰	bier; coffin
نعل	۱۲۰	horse shoe
نعلین	۲۱	clogs
	۱۸	a pair of slippers
نعم‌المولیٰ (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Excellent Protector
	۸۷	Most Excellent Patron
نعم‌النصیر (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷	Transcendent Helper
نعم‌الوکیل (اسم الهی) (قرآنی)	۷	Most Excellent Protector
نعمت (قرآنی)	۲،۱۰۰،۱۱۰	blessing
	۷	favor
	۲،۱۱۸،۱۱۹	bounty
	۸۷،۵۹	grace
	۱۰۰	bliss
	۸۰	gracious bounty
نعمت آخرت	۲۴	the good of the next world
نعمت ابدی	۶۲	everlasting blessing
نعمت الله (قرآنی)	۸۷	grace of Allah
	۷	favor of Allah
نعمت جاودانی	۱۰۰	lasting bliss

واژه	شماره	English
نعمت دنیا	۲۴	the good of this world
نعوذ بالله [صیغه مفرد این عبارت به صورت اعوذ بالله در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۱	We seek refuge in God
	۲۵	God defend us! God preserve us!
نعیم (قرآنی)	۱۰۰،۱۱۳	bliss
	۵۶	blessing
نغمه	۱۲۰	melody; song
نفاذ (فقـ.)	۸۰ـ۲	efficacity
نفاس (نیز ← نفساء)	۱۲۰	childbirth
	۲۰	abortion
نفاق (قرآنی) (نیز ← منافق)	۴،۷،۸۷،۱۰۰،۱۰۳	hypocrisy
	۴	sedition
نفت [= نفط]	۱۲۹	kerosene; petrol
	۱۲۰	oil; petroleum
نفح [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۳	breathing
نفحه (قرآنی)	۷	blast
	۸۷	breath
نفخ صور [در قرآن مجید بارها عبارت نُفِخَ فی‌الصور به کار رفته است.]	۱۰۳	The blast of the Trumpet (at the resurrection)
	۵۶	blowing of Trumpet
نفخه	۵۲،۱۰۰	blast
نَفَر (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	company
	۷	group
نفرت	۴	hatred
نفرین (نیز ← لعن)	۳۱،۱۲۰	curse
نَفْس (قرآنی)	۷،۱۱،۴۵،۸۷،۹۵،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۸	soul

۶۳۴ نَفس

	۲،۴۵،۱۰۳	self
	۱۱،۸۰	ego
	۱۰۵	mind
نَفس ازلیّه	۱۰۴	eternal soul
نَفس افلاک	۱۱	soul of spheres
نَفس امّاره [در قرآن مجید آمده است: ان النّفس لامّارةٌ بالسوء]	۱۱	despotic soul
	۳۷،۱۰۳	carnal soul
	۱۰۳	commanding soul
	۵۲	soul imperative
	۱۴	soul thad bids to evil
نَفس انسانی	۱۱	human soul
نَفس بسیط	۴۶	pure ego
نَفس بهیمی	۱۱	beast soul
	۶۹	bestial soul
نَفس جزئی	۱۱	individual soul
	۴۶	finite self
نَفس حسّاس	۷۱	sensation
نَفس حیوانی	۷۱،۹۵	animal soul
نَفس زکیّه	۸۰،۹۹،۱۰۹	pure soul
نَفس سبعی	۶۹	savage soul
نَفس شهویّه	۵۶	appetitive soul
نَفس عاقله	۶۹	intelligent soul
	۱۰۴	rational soul
نَفس عالَم [جانِ جهان]	۹۵	soul of the world
نَفس غضبیّه	۵۶	irascible soul
نَفس غیر فعّال	۱۱	inactive soul
نَفس فلکی	۵۹	heavenly soul

نَفس قدسی	۵۹	sacred soul
نَفس کلّ	۴۰،۴۵،۱۰۳	universal soul
	۴۶	universal self
نَفس لوّامه (قرآنی)	۶۶	reproaching soul
	۷	self- accusing soul
	۱۰۰	reproachful soul
	۲۱	blaming soul
نَفس مُدرِک	۱۰۴	percipient's soul
نَفس مطمئنه (قرآنی)	۶۶،۸۰،۸۷،۱۰۰	soul at peace
	۶۹	peaceful soul
نَفس ملَکی	۱۱	angelic soul
نَفس منطقیه	۸۰ـ۳	dianoetic soul
نَفس ناری	۱۰۳	fiery soul
نَفس ناطقه	۵۴،۹۲،۹۹،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۸	rational soul
	۱۱	reasoning soul
	۳۴	reasonable soul
	۱۰۴	communicative soul
نَفس نباتی	۷۱،۹۵	vegetable soul
	۵۹	vegetative soul
نَفس نبویّه	۹۹	prophetical soul
نَفس واحده (قرآنی)	۸۷	single being
نَفَس	۵۴،۹۶	breath
نَفَس الرّحمٰن	۹۶	The breath of the Merciful
	۵۴	The breath of the compassionate
نُفَساء	۹۹	woman in labor
نفسانی	۱۱۱	mental
نفسانیّت	۴۴	egocentricity
نفس پرستی	۱۲۰	sensuality; egoism
نفس‌شناسی	۱۱	egology

نفسی	۹۵	psychical
نفسیّت	۱۱۱	spirituality
	۵۶	soulhood
نفع (قرآنی) (نیز ← منفعت)	۷	profit
	۸۱	benefit
نفقه (قرآنی)	۱۵،۸۰،۸۵	maintenance (food, clothing, lodging)
	۷،۸۷	spending
	۶۱	money for expenditure
	۶۴	alms
	۸۷	contribution
نَفَقَهٔ زوجه و اطفال (حقـ.)	۶۱	necessaries
نفوذ	۴	influence
نفی	۱۱،۸۰،۱۰۳	negation
	۱۰۴،۱۰۵	denial
نفی اوّلیه	۸۰ـ۵	negation of a first beginning
نفی بلد	۳۷،۸۵	banishment
	۶۱	exile; deportation
نفی جسمی	۱۰۵	incorporeality
نفی مضاعف	۹۴	joint denial
نفی مطلق	۱۱	absolute negation
نفی کردن	۲۹	negate
نفیس	۱۲۰	precious
نقاب	۱۲۰	mask
نقابت	۱۲۰	chieftainship; leadership
نقّاد (نیز ← نقد)	۱۱	critic
نقّارخانه [نقاره خانه]	۸۰ـ۵	drum house
	۴۵	music house
نقّاره	۱۱۴	small kettledrum
	۳۱	kettledrum

نقاره خانه ← نقارخانه

نَقّاش	۱۲۰،۱۲۹	painter
نقاشی	۱۲۰،۱۲۹	painting
نَقّال	۱۲۰	story-teller; narrator
نقّالی	۱۲۰	story-telling; narration
نقب (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	pierce
	۷	hole
نُقبا (نیز ← نقیب)	۸۰	chief assistants; chiefs
نقد [= انتقاد]	۱۲۰،۱۱	criticism; critique
نقد (مقـ. نسیه)	۱۲۰	cash; in cash
نقدینه	۶۱	current fund
نقرس	۳۱،۱۲۰،۷۱	gout
نقره	۱۲۰	silver
نقش	۱۰۳	form; image
نقش اسلیمی (هنـ.) (نیز ← اسلیمی)	۱۱۵	arabesque
نقشِ برجسته (هنـ.)	۱۱۵	relief decoration
نقش درهم هندسی (هنـ.)	۱۱۵	geometrical interlacing arabesque
نقش و نگار	۱۲۹	pattern; motif; design
نقشه (جغـ.)	۷۴	map
نقص (قرآنی)	۱۱،۱۵،۵۶،۱۰۴	imperfection
	۷،۸۷	loss
	۹۵	defect
	۱۱	deficiency
نقص عضو (حقـ.)	۶۳	mutilation
نقض (قرآنی)	۹۵،۱۰۷	refutation
	۷،۸۷	breaking
	۳۱	violation
نقض پیمان	۳۱	violation of agreement; breach of treaty

نقض عهد	۷۵	breach of promise
نقض قانون	۷۵	breach of rule
نقض مفاد قرارداد	۷۵	breach of clause
نقض میثاق [درقرآن مجید دو بار عبارت «فبما نقضِهم میثاقَهم» به کار رفته است]	۷.۸۷	breaking covenant
نقض عهد کردن	۶۱	abjure
نقطهٔ عطف	۷۳	turning point
نقطه‌گذاری (نیز ← سجاوندی)	۱۲۰	punctuation
نقل	۲۳.۸۰	tradition
	۱۲.۸۰	transmission
	۴۵	traditionalism; authority
	۶۸	transmitted doctrine
نقل به معنی	پ	paraphrase
	۱۲	corruption in transmission
نقل صحیح	۳۸	correct relation
نقلی	۱۲۰	traditional
	۱۲	transmitted
نقیب (قرآنی) (نیز ← نقباء)	۱۰۰	chieftain
	۱۲	chief
	۸۴	leader
	۴۲	watchman; guardian
نقیر (قرآنی) [هستهٔ خرما]	۱۰۰	date-spot
نقیص	۸۰_۳	defective
نقیض (منط.)	۹۴.۹۷.۹۸.۱۰۲.۱۰۶	contradictory
	۴۴.۹۵	antithesis
	۸۱	contrary
	۴۶	disproof
نقیضه	۹۵	antinomy

نکاح (قرآنی) (نیز ← ناکح؛ منکوحه)	۷،۱۵،۲۲،۳۹،۴۵،۸۵،۸۷	marriage
	۳۹	wedlock
نکاح تفویض	۳۹	marriage by delegation
نکاح جایز	۳۹	non-forbidden union
نکاح شغار	۱۵	Shighar marriage (exchange of daughters)
نکاح صحیح		valid marriage
نکاح کردن	۶۴،۸۷	wed
	۶۴	marry
نکره (دسـ.)	۲۸	indeterminate noun
	۶۵	undefined noun
نکول (فقـ.)	۸۵	refusal (to take the oath , etc.)
	۷۵	non- acceptance
	۶۱	refusal of acceptance
نکوهش کردن (اخـ.) (نیز ← لومه؛ ملامت)	۱۶	reprimand
نگین انگشتری (نیز ← خاتم)	۹۶	seal
نگین‌دان	۹۶	bezel
نما (معمـ.)	۱۱۵	facade
	۱۲۹	mode
	۱۱	presentation
نما (رضـ.)	۱۲۹	exponent ; index
نما [بلندی از پی به بالا] (معمـ.)	۱۲۹	elevation
نماز (نیز ← صلاة)	۴،۸۷،۱۰۳	prayer
	۱۰۳	ritual prayer
نماز آیات	۲۰	signs prayer
نماز استسقا	۹۹	prayer for rain
نمازپیشین [= نماز ظهر]	۳۱	mid-day prayer

نماز جماعت	۴۲	congregation prayer
	۹	congregational prayer
	۴	communal prayer
	۲۹	community prayer
نماز جمعه	۴۲،۱۰۹	friday prayer
نماز خسوف	۴۲	moon-eclipse prayer
نماز خوان	۱۲۰	prayerful
نماز خوف	۹	prayer of fear
نماز دیگر [= نماز عصر]	۳۱	afternoon prayer
نماز شب	۱۰۹	night prayer
	۳	midnight prayer
نماز صبح [صلوة‌الفجر]	۴۲	morning prayer
	۱۰۹	dawn prayer
نماز ظهر	۴۲	moontime prayer
نماز عشاء	۴۲	night prayer
نماز عصر ← نماز دیگر		
نماز عید	۲۰	festival prayer
نماز عیدین	۴۲	prayer of the two festivals
نماز قصر [=نماز کوتاه] [در قرآن مجید آمده است: لیس علیکم جناحٌ ان تقصروا من الصلاة]	۸۷	curtail worship
	۷	shorten the prayer
نماز قضا	۲۰	defaulted prayer
نماز کسوف	۴۲	sun-eclipse prayer
نماز گزار ← نماز خوان		
نماز مریض	۴۲	prayer of the sick
نماز مغرب	۴۲	evening prayer; sun-set prayer
نماز میّت	۴۲،۱۰۹	funeral prayer

	۲۰	prayer for the corpse
	۴	burial prayer
نماز نافله (نیز ← نافله)	۱۰۹	supererogatory prayer
نماز واجب	۲۰	obligatory prayer
	۱۰۹	statutory prayer
نماز وَتر	۲۳	odd prayer
نماز یومیّه	۱۰۹	statutory prayer
نماز خانه	۱۲۹	oratory
نماز خواندن	۴	recite the prayer
نماز کوتاه خواندن [= نماز قصر]	۸۷	curtail worship
نمّام (نیز ← نمیم؛ سخن چین ؛ سعایت)	۹۹	caluminator
نمایندگی	۱۲۰	deputation
	۷۷	agency
نَمَد	۱۲۰،۱۲۹	felt
نَمَط	۹۵	type
	۴۰	mode; kind
نمك (نیز ← ملح)	۱۲۰	salt
نمکزار	۷۴	salt flat
	۱۲۹	salina
نمل [سوره]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	The Ant
نموّ (نیز ← نامی ؛ نامیه)	۱۲۰	growth; development
نمیم (قرآنی) [= سخن چینی] (نیز ← سعایت ؛ غیبت)	۷،۸۷	slander
نواب ← نایب		
نواده ← نوه		
نوافل (نیز ← نافله؛ ندب؛ مستحب)	۱۰۹	supererogatory prayers
	۸۰_۳	supererogatory works
	۸۱	works of supererogation

Persian	Pages	English
نواهی	۱۲۰	prohibitions
نوح (ع) (قرآنی) [نیز نام سوره‌ای از سوره‌های قرآن مجید است.]	۴۳،۸۷،۸۸،۱۰۰	Noah
	۷	Nuh
	۴۳	Noe
نوحه	۱۸،۳۸	lamentation [for the dead]
نور (قرآنی) [نیز نام سوره‌ای از سوره‌های قرآن مجید است]	۷،۸۷،۱۰۰	The Light
	۱۰۳	illumination
نور احمد	۱۰۳	The Light of Ahmad
نور اسفهبدی	۱۳	signeural light (lordly light)
نور اعلی	۱۳	supreme light
نور اقرب	۱۳	the most proximate light
نور الله (قرآنی)	۷،۸۷	light of Allah
نور اولیٰ	۱۱	primal light
نور باطنی	۳۴	inner light
نور باقی	۱۰۳	everlasting light
نور بَحت	۱۱	pure light
نور بصیرت	۲۳	light of spiritual insight
	۲۲	light of insight
نور خدا (نیز ← نورالله)	۱۰۳	light of God
نور دل	۱۰۳	light of heart
نور روح	۱۰۳	light of spirit
نور قاهر	۱۳	victorial light
نور قدیم	۱۰۳	eternal light
نور مجرّد	۱۳	incorporeal light
	۱۱	abstract light
نور محمّدی	پ	light of Muhammad; Muhammadan light
نورالسماوات والارض (اسم	۷،۸۷	Light of the Heavens and the Earth

الهی) (قرآنی)		
نورانی	۱۴	luminous; illumined
نورانیّت	۱۳	luminosity
نور علی نور (قرآنی)	۶،۷،۸۰،۸۷،۱۰۳	light upon light
	۸۰	light on light
نورگیر	۱۲۹	louvres
نوروز [در متون عربی این کلمه را به صورت نیروز می‌نویسند.]	۳۱	new-year's day
	۸۰	spring festival
نوریّه	۹۰	illuminated
نوشتن (نیز ← کتابت؛ خط؛ خطاطی؛ نویسندگی)	۱۲۰	write; writing
نوشدارو (قصـ.)	۲۵	unguent; electuary
نوع (منط.)	۱۱،۹۲،۹۵،۹۷،۱۰۵	species
نوع اضافی (منط.)	۹۷	relative species
نورالانواع (منط.)	۹۷	species specierum
نوع حقیقی (منط.)	۹۷	veritable species
نوع سافل (منط.)	۹۷	low species
نوع عالی (منط.)	۹۷	high species (summa species)
نوع متوسّط	۹۷	intermediate species
النوع مفرد	۹۷	singular (solitary) species
نوعدوستی	۲۹	philanthropy
نوعی	۵۹	specific
	۱۶	generic
نوعیّت	۴۲	specificiality
نوگرایی ← تجدد		
نوم (قرآنی) (نیز ← منام)	۷،۸۷	sleep
نوه	۱۲۰	grandchild
نویسندگی	۱۲۰	writing; authorship

نویسنده	۱۲۰	writer; author; scribe
نهاد	۱۱	institution
	۱۲۰	nature
	۱۱،۹۲	posture
	۹۲،۱۱۱	situation
نهار (قرآنی) [= روز] (نیز ← نأهار)	۷،۸۷	day
نهایت	۷۹،۹۵،۱۰۵	end
	۵۶	limitation
	۹۲	limit
نهایت (تصـ.)	۵۸	supreme goal
نهایی	۱۱	ultimate
نهج	۳۱	rightway; highway; mode; manner
نهر (نجـ.)	۳۶	Eridanus
نَهَر [تلفظ قرآنی این کلمه به فتح اول و دوم است. نیز جمع مکسر این کلمه به صورت انهار بارها در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷،۸۷	river
نهضت	۸،۷۳	movement
	۶۱	rising
نهضت مشروطیّت	۷۳	The Constitutional Movement
نهی [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است. نیز ← منهی؛ مناهی؛ امر]	۱۰۳،۱۰۷،۱۱۸،۱۱۹	prohibition
	۴،۶،۱۶،۸۰،۱۰۰	forbidding
	۸۵	discourage
نهی تأویلی	۱۰۳	prohibition admitted of an interpretation
نهی تحریمی	۱۰۳	prohibition for the purpose of

		making unlawful (the thing prohibited)
نهی توهیمی	۱۰۳	prohibition admitted a cause of perplexity·
نهی از منکر [این اصطلاح با افعال و صیغه‌های مختلف از جمله «ینهون عن المنکر» و غیره در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← امر به معروف)	۹۹	probid to do evil
	۱۰۹	forbid from doing evils
	۸۷	forbid indecency
	۷،۲۰	forbid of wrong
نهی کردن	۶	forbid; refrain
نیابت (نیز ← نایب)	۱۰۳	vicarate
	۴۷	deputyship
	۸۵	proxy in worship
نیاز (نیز ← نذر و نیاز)	۱۴	indigence
	۱۰۳	supplication
	۳۸	offering to a saint
نیازمند	۲۹	needful
نیایش (نیز ← عبارت ؛ نماز؛ دعا)	۵۷	invocation
نیّت	۲۰،۴۵،۸۰،۹۵،۱۰۳	intention
	۸۵	intent
نیّت کردن	۸۰_۲	declare the intention
	۲۰	make intention
نیّر	۵۶	luminous
نیرانیّات [طبیعیات]	۵۹	theurgy
نیرنگ ← مکر		
نیروز ← نوروز		

نیستی	۲۹،۹۲،۱۱۱	non-existence
	۱۱	non-reality
	۱۰۳	self-naughting
نیقیه ← ازنیق [= نیقیه]		
نیکوکار	۸۷	right-doer
	۴	good doer
	۸۷	righteous
	۲۹	benevolent
نیکوکاری	۸۷	righteousness
نیکویی	۹۲	benevolence
نیکی	۴۲،۹۲	goodness
	۶۴	right conduct
نیل (رود)	۱۲۰	Nile
نیم گنبد (معمـ.)	۱۱۵	semi-cupola
نیم مصراع	۱۲۸	half-verse
[نیم] مصراع	۱۲۸	hemistich
نینوا	۳۱،۸۴	Nineveh

و

واجب	۱۳،۳۱،۸۰،۸۵،۸۶،۹۲،۹۵	obligatory
	۸۰	necessary duty; compulsory
	۲	obligation
	۸۳	obligatory proper
واجب القتل ← مهدورالدّم		
واجب‌الوجود	۱۱،۱۰۵،۱۰۸	necessary existent

Persian	Pages	English
	۳۴،۵۶،۸۰	necessary being
	۹۱	necessarily existent
واجب‌الوجود بذاته	۱۰۵	existent necessary through itself
واجب بالذات [قیّوم]	۱۱	subsistent
واجب بذاته	۱۰۵	necessary by itself
واجَب تخییری	۴۲	obligatory with choice
واجب تعیّنی [= تعیینی]	۴۲	absolutely obligatory
واجب عینی [فرض‌العین]	۲۷	individual duty
واجب کفایی [فرض الکفایه]	۱۲	sufficient necessity
	۱۵	general obligation
	۲۷	collective duty
واجب نفسی	۴۲	obligatory for itself
واجبات	۲	obligations
واجبات الواسعه	۹۵	loose duties
واجباً لغیره	۱۰۵	necessary through another
واجب بودن	۶	be obligatory
واجب کردن	۶،۱۲۱	enjoin
واجد [الواجد] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۴۲	The Inventor
	۴۵	Existing
	۸۰	The Opulent
واجد شرایط	۶۱	possessing qualifications
واجد صلاحیّت	۷۷	eligible; qualified
واحد [الواحد] (اسم الهی) (قرآنی)	۷،۱۱،۴۵،۸۷،۹۵،۱۰۳،۱۰۴	The One
واحد	۷۵،۱۱۱	unity
	۱۱،۷۵	unit
واحدالعین [= اعور، یك چشم]	۱۲۰	one - eyed
واحدالوجود	۴۵	the one existent

واحد جزئی	۹۲	particular unity
واحد ذاتی	۱۱	essential unit
واحدیّت	۹۵	monism
	۸۰.۳	the unity of the multiple
	۶۶	oneness
واحه	۷۴.۱۲۹	oasis
وادی	۴.۳۴.۱۲۰	valley
	۷۴	wadi
	۵۵	vale
وادی ایمن [قرآنی: الواد الایمن]	۷.۸۷	right side of the valley
وادی الحجاره [= گواذالاخارا] [شهری در اسپانیای دورهٔ اسلامی]	۱۲۵	Guadalajara
وادی الرمل	۹۹	Sand River
وادی الکبیر [= گواذالکیویر] [رودی در اندلس]	۱۲۵	Guadal quivir sand River
	۳۴	The Valley of peace
وارث [الوارث] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۶.۸۰.۸۷	The Inheritor
	۷.۳۹.۴۵.۸۵	The Heir
وارث (نیز ← ارث؛ موروث؛ میراث؛ تراث)	۳۹.۴۵.۸۵	heir
	۱۶.۸۰	inheritor
وارث طبقهٔ دوّم	۳۹	residuary
وارث قانونی	۶۱	heir at-law
وارث مسلّم	۶۱	heir apparent
بی وارث	۶۱	hierless
وارث شدن	۶۱	accede to
واردات (تصـ.)	۵۲	divine contingencies

واردات (اقتـ.)	۱۲۰	imports
واسطه	۲۹،۷۵،۸۰،۱۰۴،۱۰۸،۱۱۸	intermediary
	۳۸،۷۵	agent; broker
	۷۵	middle man
	۲۹	intercessor
	۹۵	means
واسطه [درشعر، بندِ ترکیب یا ترجیع]	۸۰	refrain
واسع [الواسع] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۷،۱۰۰،۱۰۹	All-Embracing
	۴۵	The Comprehensive
واسع المغفرة (اسم الهی) (قرآنی)	پ	Abounding in Forgiving
واصف	۷۹	describer
واصل (نیز ← وحدت مع الله)	۳۴،۱۰۳	united
	۱۰۳	united with God
واضع	۳۱	inventor; founder; legislator
واعظ (نیز ← وعظ؛ موعظه)	۳۸،۸۰	preacher
	۲	orator
وافیه [سورهٔ فاتحه[	۱۱۳	The suficient one
واق [= واقی] (قرآنی) [= نگهبان]	۷	protector
	۸۷،۱۰۰	defender
واقع	۱۱	fact
واقعه [سوره]	۸۷،۸۸	The Event
	۷	The Great Event
	۱۰۰	The Terror
واقعهٔ کربلا	۲۷	Karbala drama
واقعه نویس	۸۰	reporter
واقعی	۱۱	real; factual
واقعیّت (فلـ.)	۱۱	reality
واقعیت تجربی	۱۱	empirical reality

واقعیت جاویدان [حقیقت قدیم]	۱۱	eternal reality
واقعیت خارجی	۱۱	external reality
واقعیت ذهنی	۱۱	subjective reality
واقعیت عینی	۱۱	objective reality
واقعیت مطلق	۱۱	absolute reality
واقعیت نهائی	۱۱	ultimate reality
واقف	۱۲۰	aware; informed; intelligent; bequeather of pious foundation
واقفیّه [فرقه]	۴۲	Wagifites
واق واق	۵ ـ ۸۰	the people of Gog and Magog
والا	۴	exalted
	۱۱	sublime
والایی	۱۱	sublimity
والد [= پدر]	۱۲۰	father
والده (قرآنی)	۷،۸۷	mother
والدین (قرآنی)	۷،۳۱،۸۷	parents
والله [والله، بالله و تالله سه صیغهٔ رسمی و شرعی قسم در اسلام هستند]	۳۱،۱۲۰	by God
والی [الوالی] (اسم الهی) (غیرقرآنی)	۸۰	The Reigning
	۴۵	The Governor
والی	۴۲،۴۵،۹۹	governor; ruler
والی‌الجرائم (فقـ.)	۸۶	official in charge of crimes
وام (نیز ← قرض)	۲۲،۷۵	loan
	۶۱	debt; accomodation
وام اقساطی	۷۵	installment loan
وام تولید	۷۵	production loan

English	Page	Persian
mortgage loan	۷۵	وام رهنی
debt of honour	۶۱	وام شرافتی
call money	۷۵	وام عندالمطالبه
giver	۴۰،۹۳،۱۰۴	واهب (نیز ← وهّاب)
grantor	۶۱	
Giver of forms	۴۰،۹۳،۱۰۴	واهب‌الصّور [= خداوند]
Giver of souls	۱۰۴	واهب‌النّفوس [= خداوند]
faculty of the estimate	۹۳	واهمه [قوهٔ واهمه] (منط.)
vain; futile	۱۲۰	واهی
frail	۷،۸۷	واهیه (قرآنی)
cholera; plague	۱۲۰	وبا
evil consequence	۸۷	وبال (قرآنی)
mischief	۱۰۰	
peg	۲۸	وتد (عز)
stump	۲	
odd [number]	۳۸،۱۰۴	وِتْر (نیز ← نماز وتر)
uneven [number]	۱۰۵	
hypotenuse	۱۲۰،۱۲۱	وَتَر (هنـ.)
life-artery	۸۷	وتین (قرآنی) (نیز ← ورید؛ شریان)
life-vein	۱۰۰	
aorta	۷	
bind	۷،۸۷،۱۰۰	وثاق (قرآنی)
authority	۴۴	وثاقت
idol; fetish	۴۲	وَثَن [بُت] (نیز ← صنم؛ اصنام]
idolator; pagan; heathen	۳۱	وَثَنی
fetishism; idolatry	۴۲	وثنیّه [وثنیّت]
document	۹۵	وثیقه
written document	۸۵	

	۶۱	gage
وجاهت	۱۲۰	beauty; comeliness; esteem; respect reputation
وَجَب	۳۱	spar.
وَجد (عرف.)	۲۹،۹۰،۹۵،۱۰۳،۱۱۳	ecstasy
	۴۶	rapture
	۵۴	bliss
وجدان	۱۱	conscience
	۱۰۸	inner sense
	۱۰۶	sensibility
وجدانیّات	۹۷	sensa
وَجع	۱۲۰،۱۲۱	pain; ache
وجوب (نیز ← واجب)	۶،۱۱۰	obligation
	۴۰،۵۶،۱۰۵	necessity
	۲۷،۸۱	obligatoriness
وجوب بالذات	۱۱	subsistence
وجوب ذات	۵۶	necessity of essence
وجوب شرعی	۲۷	canonical oligatoriness
وجود (نیز ← موجود؛ ماهیت)	۱۱،۹۵،۱۰۳،۱۰۵،۱۰۶،۱۰۸	existence
	۱۱،۴۵،۸۰،۱۰۳	being
	۱۶	entity
وجود اولای لایتناهی	۱۱	infinite primal being
وجود اولیٰ	۱۱	primary being
وجود باری	۱۰۴	the being of the creater
وجودبالفعل[وجودمتحقّق]	۱۱	actual entity
وجود بَحت	۱۱	pure existence
وجود جزوی	۱۱	partial existence
وجود حادث	۹۶	contingent being
وجود حقیقی	۹۶	real being

real existence	۱۱	
external existence	۱۱	وجود خارجی
proper existence	۱۰۸	وجود خاصّه
noetic being; mental being; conceptual being	۵۶	وجود ذهنی
mental existence	۱۱	
being in consciousness	۵۶	وجود شعوری
ubiquity	۹۵	وجود فی کل مکان
generic existence	۱۱	وجود کلّی
material existence	۱۱	وجود مادّی
supreme being	۱۱	وجود متعالی
		وجود متحقّق ← وجود بالفعل
ideal existence	۱۱	وجود مثالی
abstract existence	۱۱	وجود مجرد
pure existence	۱۱	وجود محض
pure being	۹۶	
absoluteness in existence	۹۲	
continued existence	۱۱	وجود مستمر
absolute existence	۱۱،۱۰۸	وجود مطلق
absolute being	۱۰۳	
possible being	۴۰	وجود ممکن
potential entity	۱۱	
contingent being	پ	
virtual	۹۵	
necessary being; necessary existence	۱۱	وجود واجب
ultimate necessary existence	۱۱	وجود واجب نهایی
		وجود واقعی ← وجود حقیقی
spatial being	۵۶	وجود وضعی
		وجودگرایی ← اصالت وجود

وجودی	۶۹	positive
	۱۱.۹۴.۹۵.۱۰۸	existential
وجوه شرعیّه	۴۲	religious taxes; legal alms
وجه [صورت]	۴۵.۱۱۸.۱۱۹	face
وجه [جنبه]	۱۱	aspect
	۴۰	mood; manner
وجه (دسـ.)	۱۲۸	mood
وجه اخباری	۱۲۸	indicative mood
وجه التزامی	۱۲۸	subjunctive mood
وجه امری	۱۲۸	imperative mood
وجه جامع (بع.)	۱۲۸	focus of the figure
وجه شبه (بع.)	۱۲۸	point of resemblance; medium of comparison; tertium com– partionis
وجه الضّمان	۶۱	debenture; recognizance
وجه الکفاله	۶۱	safe pledge
وجه الله (قرآنی)	۸۷	Allah's Countenance
	۹۹.۱۰۰	The Face of God
	۱۰۰	God's Face
وجه مجهول (دسـ.)	۶۵	the passive voice
وجه شرطی	۱۲۸	conditional mood
وجه مصدری	۱۲۸	infinitive mood
وجه معلوم (دسـ.)	۶۵	the active voice
وجهه (قرآنی)	۷.۱۰۰.۱۲۰	direction
وجیه (قرآنی)	۱۰۰	high honoured
	۸۷	esteemed
	۱۲۰	handsome ; beautiful; respectable
		able
وحدانی	۲۱	unitarian

وحدانیّت	۴۵،۷۹،۹۰،۹۵،۱۱۸،۱۹	oneness
	۴،۱۱،۳۴،۱۰۴،۱۰۵،۱۰۷	unity
	۵۶،۱۰۸	unicity
	۸۰	singleness
وحدانیّت خدا	۴	Unity of God
وحدت	۵۶،۹۵،۱۰۳،۱۰۸	unity
	۸۰،۱۰۴	oneness
وحدت ازلی [وحدت قدیم]	۱۱	eternal unity
وحدت اسلامی [= اتحاد اسلام]	۴۳	Pan- Islamism
وحدت اعتباری	۷۹	unreal unity
وحدت اولیٰ	۱۱	primal unity
وحدت تشکیکی وجود	۱۱	graded unity of being
وحدت جنسی	۵۶	generic unity
وحدت جوهری وجود	۱۳	existential monism
وحدتِ شخصی	۵۶	particular unity
وحدت در کثرت	۹۶	unity - in - plurality
وحدتِ ذاتی	۱۱۳	unity of essence
وحدتِ شهود	۱۳،۸۰	unity of witness
	۸۰	oneness of witness
وحدت صرف	۱۱	pure unity
وحدت ضدّین	۴۶	identity of opposites
وحدتِ قدیم ← وحدت ازلی		
وحدت مطلق	۱۱	absolute unity
وحدت مع الله (نیز ← واصل)	۴۲	union with God
وحدت نفس	۵۶	unity of soul
وحدت نوعی	۵۶	specific unity
وحدت وجود	۱۵،۱۰۲،۱۱۵	unity of existence
	۱۳،۹۶،۱۱۳	unity of being

	۳۴،۸۰،۹۵	pantheism
	۸۰_۲	monism of the being
	۸۰	oneness of being; oneness of existence
	۱۱۵	unity of the real
	۵۸	transcendent unity of being
وحدت و کثرت	۱۱	unity and diversity
وحش	۳۱	wild beast
وحشی	۱۲۰	savage, wild
وحوش (قرآنی)	۱۰۰	savage beasts
	۷	wild animals
وحی (قرآنی)	۴،۴۵،۹۹،۱۰۹،۱۱۰	revelation
	۱۰۳،۱۰۹	inspiration
	۱۱	divine revelation
	۸۰	divine inspiration; divine messages
وحیانی [= وحی + ـانی : منسوب به وحی]	۴۴	revealed; revelatory
وحید (قرآنی)	۷،۱۰۰	lonely; alone
وحی کردن	۶	reveal
وخیم	۱۲۰	unhealthy; dangerous; fatal
وداد	۳۱	love; friendship
وداع	۱۲۰	good-bye
	۳۱	fare well
وَدود [الوَدود] (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	All-loving
	۴۲	The Loving One
	۸۰	The Benevolent
ودیعه	۳۸	deposit
	۴۵	deposited
ودیعةالله	۱۰۳	deposited by God

وراثت (نیز ← ارث)	۶،۳۱	inheritance; heritage
	۹۵	heredity
	۳۹	succession
وَرّاق	۱۲۱	paper maker; stationer; copyist
ورثه ← وارث		
ورثةالعلم	۶	heirs of knowledge
وَرد	۳۱،۱۲۰	rose
وِرد	۴۵	invocations; access; arrival
	۸۰-۵	litany
ورزش	۱۲۰	exercise
ورزشگاه	۱۲۹	stadium; palestra
ورشکست	۷۵	trade fallen
ورشکست شدن	۷۵	smash up
ورشکستگی	۶۱	culpable bankruptcy
ورشکسته ← ورشکست		
وَرَع	۳۱،۵۲	temperance
	۳۱،۸۲	fear of God
	۹۳	piety
	۸۰	scrupulosity; absteniousness
	۵۷	abstinence
	۵۸	abstention
ورق (قرآنی) [بعضی از محققان ورق را معرب «برگ» فارسی می‌دانند]	۷،۸۷	leaf
ورق کتاب (جلـ.)	۱۲۰	sheet
	۱۱۶	folio
وَرَم	۱۲۰	swelling; inflammation
وَرید (نیز ← حبل‌الورید؛ وتین؛ شریان)	۷۱	vein

وزارت	۱۲۰	ministry; viziership
	۹۹	wazirate
وِزر (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه نیز به صورت اوزار در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	load
وزن (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	weighing
	۳۱،۱۲۹	weight
وزن [در شعر]	۲۶،۸۰	metre
وزن (عروض)	۱۲۸	rhythm
وزیر (قرآنی) [این کلمه مقتبس از ویچیر پهلوی است.]	۷	aider
	۸۷،۱۰۰	minister
	۴۲،۸۲_۴	vizier
	۴۸	minister; chief minister
وِساده	۳۱	cushion; pillow
وساطت (نیز ← واسطه)	۱	intermediation
	۱۱	instrumentality
وَسَط (قرآنی)	۱۰۰	midmost
	۷	medium
وُسع (قرآنی) (نیز ← واسع)	۸۷،۱۰۰	capacity
	۸۷	scope
وسنی ← هوو		
وسواس (قرآنی)	۸۷ ،۱۰۰	whisperer
	۹۵	obsession
	۲۱	diabolic suggestions
	۷۱	insania
وسوسه [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۳	evil suggestion; satanic temptation
	۳۱،۴۲	temptation of the devil

English	صفحه	فارسی
suggestion of devil	۲۱	
whisper	۶۴.۸۷.۱۰۰	وسوسه کردن
means (of nearness)	۷.۸.۱۰۳	وسیله (قرآنی)
channel vehicle; mediator	۴۲	
union	۳۴.۱۰۳.۱۱۳	وصال (نیز ← وصل؛ واصل)
union with God	۱۰۳	وصالِ حقّ
executorship	۶۱	وصایت (نیز ← وصیت،وصی؛ موصی)
attribute; attributing, attribution	۷.۱۱.۴۵.۸۷	وصف (قرآنی) (نیز ← صفت)
quality	۴۵	
enargia	۱۲۸	وصف (بع.)
description	۱۲۸	وصف
descriptio		وصف (بع.)
affirmative attribute	۱۱	وصف ایجابی
particular characteristics	۹۲	وصف خاصّ
positive	۹۵	وصفی
union; union with the God	۴۵	وصل (نیز ← وصال؛ واصل؛)
attainment [to the truth]	۲۸.۱۰۳.۱۱۳	وصول (عرفـ.)
union	۱۱۸.۱۱۹	
collection	۷۵	وصل (اقـ.)
legatee	۴۷.۸۰.۹۹	وصیّ (نیز ← وصیت ؛ وصایت؛ موصی)
executor of a will	۴۵.۸۰	
executor of testament	۱۲.۸۵	
testamentary guardian	۳۹	
guardian appointed by testament	۸۵	
will	۷	
testament	۱۴.۴۲.۴۵.۱۰۰	وصیّت (قرآنی) (نیز ← وصی؛موصی؛ وصایت)

	۴۲,۴۵,۶۱	last will
	۴۲,۸۷	bequest
وصیّت کردن	۶۴,۸۷	bequeath
	۱۰۰	make testament
	۱۴	give one's last testament
	۲	leave will
وصیّت کننده (نیز ← موصی)	۶۴	testator
وصیّت نامه	۶۱	last will; testament
	۸۰_۲	testament
وضع (نیز ← واضع)	۱۱,۹۲,۹۵	situation
	۴۰,۱۰۵	position
	۴۰	convention
وضع حمل (فقـ.) [در قرآن مجید آمده است: و تضع کل ذات حمل حملَها]	۳۹,۱۰۰	deposit the burden;childbirth
	۸۷	deliver
وضع کردن	۱۵	ordain
وضع موازین [در قرآن مجید آمده است، و نضعُ الموازین القسط لیوم القیامة]	۷,۸۷	set balance
	۵۶	setting up of the scales
وضع موجود (حقـ.)	۶۱	*status quo*
وضعی	۱۰۵	conventional
وضع ید (حقـ.)	۶۱	lay hand upon
وضو (فقـ.)	۲۳,۱۰۹	ritual ablution
	۴۵	minor ritual ablution
	۸۳	minor ablution
	۲۰	ablution
وضوی جبیره	۲۰	splint ablution

وضیع	۱۲۱	humble
	۱۲۰	mean; ignoble
وطن	۳۱	country; home
وطن‌پرست	۱۲۰	patriotic; patriot
وطن‌پرستی	۱۲۰	patriotism
وطی (نیز ← جماع؛ دخول ؛مواقعه)	۴۲	sexual intercourse
	۱۲۰	coition; copulation
وظیفه	۶۲	obligation
وِعاء (قرآنی)	۱۲۰	receptacle; container
وعّاظ (نیز ← واعظ)	۳۱	preachers
وعد [وعده] (قرآنی)	۴،۷،۱۸،۸۷،۹۰،۹۱،۱۰۳،۱۰۶	promise
وعظ [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است] (نیز ← واعظ؛ موعظه؛ نصیحت)	۵ـ۸۰	religious admonition
	۱۰۳	admonition
	۳۱	sermon; oration
وعظ کردن	۲۱ ،۳۱	preach
	۲۳	admonish
	۸۷	exhort
	۳۱	sermonize
وعید (قرآنی)	۷،۳۱،۸۷،۱۰۶	threat
	۲۳،۱۱۰	threat of punishment
وفا [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۹۹،۱۰۳	faithfulness
	۳۱	good faith; fidelity; loyalty; keeping an engagement
وفا [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴	death
وفاق (قرآنی)	۸۷	proportion

	۴۴	congruence
	۷	corresponding
وفا کردن به عهد	۱	keep one's word
	۶	fulfil the promise
	۲	fulfil the pledge
وفد (قرآنی)	۸۷	company
	۱۰۹	delegation
وفق دادن	۲۹	adapt
وقاحت	۵۷	shamelessness
	۲۵	impudence; audacity
وقار (قرآنی)	۱۰۰	majesty
	۸۷	dignity
وقایع نگار	۴۸	court-appointed news writer
وقایع نویس	۸۰	historiographer
وقایه [= نگهداری، بازداشتن؛ مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۸۷	preserve
	۷	save
وقت (قرآنی)	۷،۸۷،۱۰۴	time
وقت (عرف. و تصـ.)	۱۴	mystic moment
	۹۰	spiritual moment
	۹۰	moment; occasion
وقت محلّی	۳۶	local time
وقت‌شناسی	۳۰	punctuality
وقتیّه (منط.)	۹۷	temporal proposition
وقس علی هذا	۱۳	and so on
وقعه (نیز ← واقعه)	۱۲۰	accident; event fight
وقف (نیز ← اوقاف؛ موقوفه)	۴۵،۴۷،۸۰،۸۵	pious foundation
	۳۷،۴۷،۸۵	mortmain

	۳۷،۴۲،۴۵	endowment
وقف خاص	۴۲	private endowment
وقف عام	۴۲	public endowment
وقف [در قرائت قرآن]	۸۰_۵	pause
	۴۵	discontinuation
وقف لازم [وقف مطلق]	۴۲	full stop
وقف مطلق ← وقف لازم		
وقف کردن	۶	bequeath
	۶۱	dedicate
وقف نامه	۸۰_۲	act for the establishment of a pious foundation
وَقود (قرآنی)	۱	fuel
وقوف	۴۵	festival assembly
وقوف [در مراسم حج]	۸۰،۸۴	halt
وقوف در عرفات	۸۴	halt at Arafat
وقوف (کلـ.)	۸۰_۴	pronouncement
وکالت (نیز ← توکل؛ توکیل؛ وکیل؛ موکل)	۴۵	representation
	۸۵	procuration
	۶۱	attorneyship
وکالت کردن	۶۱	advocation
وکالت نامه	۶۳	deed of proxy
وکیل [الوکیل] (اسم الهی) (قرآنی)	۲۲،۴۵،۱۰۰	The Guardian
	۸۰،۸۷	The Trustee
	۸۰	The Protector
وکیل (فقـ.)	۳۸،۸۰،۸۵	agent
	۸۰،۸۵	proxy
	۴۵	plenipotentiary

وکیل (حقـ.)	۴۷.۸۵	deputy
	۱۵.۸۵	attorney
	۴۷	regent
	۸۷	warden; defender
وکیل الرّعایا	۸۰_۴	representative of the people; regent for the people; lieutenant
وکیل دعاوی (حقـ.)	۶۱	barrister
وکیل مدافع (حقـ.)	۶۱	advocate; defending attorney
وَلاء [مشتقات این کلمه از جمله تولّی و ولی و اولیاء در قرآن مجید به کار رفته است.]	۳۱.۳۸	friendship
	۳۱	love; kindred; relationship
	۳۸	proximity; kin
	۸۵	relationship of client and patron
ولاء الموالات (نیز ← موالات)	۴۲	friendly love
ولادت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۶۱	birth
ولایَت (قرآنی)	۷.۸۷.۱۰۰	protection
ولایت (تصـ.)	۵۸.۸۰	sanctity
	۵۶	sainthood
	۶	mastership
	۱۲.۴۵.۶۱	guardianship
	۱۰۹	authority
ولایت ائمه	۲۴	devotion; love of Imams
	۱۱۳	loyalty or allegiance to the Imams
ولایت باطنی	۱۲	esoteric guidance
ولایت عامّه	۱۲	general guardianship
ولایت فقیه	۸۵	jurisdiction
	۲۷	gurdianship of the jurisconsult

ولایت [ایالت؛ استان]	۸۰	county
	۱۱۴	province
وَلَد (قرآنی)	۷،۱۰۰	son
	۸۷	child
وُلد [= اولاد]	۳۱	sons; children
ولدالزناء	۳۱	bastard
وِلدان (قرآنی) [=کودکان]	۷،۸۷	children
ولی [الولی] (اسم الهی) (قرآنی)	۸۰،۱۰۰	The Friend; The Protector; The Surety; The Patron
ولی (قرآنی) (نیز ← اولیاءالله)	۴۵	
	۸۷	protecting friend
	۸۰،۱۰۰	protector
ولی (تصـ.)	۳۴،۴۵،۹۰،۱۰۳	saint
	۱۰۳	holyman
	۶	custodian; master
	۸۰	friend of God
ولی (فقـ.) (نیز ← ولایت فقیه)	۸۵	legal guardian
	۱۲	guardian
	۱۰۹	ruler
ولی‌امر (نیز ← اولوا الامر)	۱۱	plenipotentiary
	۱۰۹	master of the affairs
ولی دم	۱۰۹	blood-wit
	۴۵،۸۰	avenger of blood
	۴۲	next of kin
ولی شرعی	۴۲	legal guardian
ولی الله (نیز ← اولیاء الله)	۴۵	The Friend of God
ولی المتقین (اسم الهی) (قرآنی)	۱۰۰	Friend of the God fearing
ولی المؤمنین (اسم الهی) (قرآنی)	۷	Guardian of Believers
ولیعهد	۸۰_۳	hier-presumptive
ولیمه	۳۱،۴۵	banquet

	۴۲	nuptial feast
ولینعمت	۲۵	benefactor; patron
وهّاب [الوهاب] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۵،۱۰۰،۱۰۳	The Giver
	۶،۱۰۰	The All-giving
	۴۲،۸۷	The Bestower
وهّابیگری	۲۷	Wahhabism
وهّابیه [= وهابیان]	۴۲	Wahhabites
وهم (نیز ← واهمه؛ موهوم)	۹۲،۱۰۳،۱۰۴،۱۰۵	imagination
	۱۰،۹۳،۱۰۸	estimation
	۸۰،۱۰۶	estimative faculty
	۱۱۳	illusion
	۳۴	fancy
	۱۱	fantasy
وهمیّات	۴۰	imagined premisses
	۹۷	preconceptions
وَهْن (قرآنی)	۸۷،۱۰۰	weakness
ویل (قرآنی)	۷،۸۷	woe

هـ

هابیل (نیز ← قابیل)	۷	Abel
هاتف (نیز ← سروش)	۲۱،۱۰۳	heavenly voice
	۹۰	supernatural voice
	۵۲	secret voice
هاتف القلب	۱۲۱	inner voice

هاجر [همسر حضرت ابراهیم (ع) و مادر اسماعیل (ع)]	۴۳،۹۹	Hagar
	۴۳	Agar
هاجس (تصـ.)	۳۸	thought
هادی [الهادی] (اسم الهی) (قرآنی)	۴۲،۴۵،۸۰	The Guide
هادی (قرآنی)	۷،۸۷	guide
هارون (قرآنی)	۴۳،۴۵،۸۷،۹۹	Aaron
هاشورکاری (جلـ.)	۱۱۶	hatched work
هاضمه (نیز ← هضم)	۱۲۰	digestive power
هامش	۳۱	margin of a book
هاون	۳۱	mortar
هاویه (قرآنی)	۲۴	burning fire
	۷	abyss
	۳۱	nethermost hell
	۹۵	chaos
هاهوت	۱۳	Divine essence
هباءً منثوراً (قرآنی) [کنایه از هیچ و پوچ]	۸۷	scattered motes
هبوط [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۱۶	descent; declassing
	۸۷	fall down
	۱۱	process of descent
	۵۹	dejection
هبوط آدم	۴۴	Adam's fall
هبوط (نجـ.) (مقـ. شَرف)	۱۲۵	dejection
هبه (فقـ.)	۶۱،۸۰،۸۶	gift
	۸۵	donation
هبه کننده	۳۹	donor

هبه گیر	۳۹	donee
هبه نامه	۶۱	deed of gift
هتاکی	۱۲۰	violation
	۶۱	aspersion
هتك حرمت	۶۳	desecration
هجا (بع.) (نیز ← هجو)	۸۰،۱۲۰	satire
هجا (دست.)	۱۲۰	syllable
هجا (تجو.)	۱۲۸	syllable
هجا (عروض)	۱۲۸	poetical invective
هجران [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۳	severance
هجرت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.] (نیز ← مهاجر)	۴۵،۸۰،۹۵	emigration
	۲	immigration
	۹	migration
	۴۵	flight
	۴۳	Hegira; Hejra; Hijrah
هجرت کردن	۲	migrate
	۶۴	suffer exile
هجری [= بعد از هجرت]	۱۲۰	A.H. [=*anno Hejira*]
هجو	۱۲۸	satire
هجو (نیز ← هجا)	۴۰	invective
هجوم	۳۱	attacking ; invading; assaulting
هجویّه [نوعی قصیده]	۲۶،۲	satire (hajw)
هجی کردن	۱۲۰	spelling
هدایت [مشتقات این کلمه از جمله هادی، هدیٰ، مهتدی و اهتدا بارها در قرآن مجید به کار رفته است.]	۴،۴۵،۸۷،۹۰،۱۰۳	guidance

	۵۷	Divine guidance
هدایت عامه	۵۷	general guidance
هدایت کردن	۲۲	guide
هدف	۸	objective
	۴	goal
هَدْم [مشتقی از این کلمه به صورت هُدِّمَتْ در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۰۴	destruction
هُدْنه [= صلح، آرامش؛ آتش بس]	۴۵	truce
	۱۲۱	peace; armistice
هدهد (قرآنی)	۷،۸۷	hoopoe
هَدْی (قرآنی) [= قربانی]	۶۴	sacrifice
	۱۰۰	offering
	۱۰۹	sacrificial (animal)
	۸۰_۳	oblation
هُدیٰ (قرآنی) (نیز ← هادی؛ مهتدون؛ اهتداء مهدی)	۶۴،۸۷،۱۰۰	guidance
	۸۰،۹۹	right guidance
	۸۰	right direction
	۳۱	way of salvation
هَدیّه (قرآنی)	۸۷	gift
	۷،۸۷	present
هذلولوی (نج.)	۳۶	hyperbolic
هذلولی (هندسه)	۱۲۰،۱۲۹	hyperbola
هذیان (پز. قدیم)	۷۱	delirium
هرج و مرج	۹۵	anarchy
	۱۲	disorder and confusion
هَرْطَقه [= زندقه، بدعت]	۱۲۱	heresy
هَرطوقی	۱۲۳	heretic

هرقل	۸۰،۹۹	Heraclius
هِرَقْلَه (جغـ.) [شهری در آسیای صغیر که هارون‌الرشید فتحش کرد. امروزه ایرغلی نامیده می‌شود.]	۹۹	Heracleia
هرم	۱۲۹	Pyramid
هرمسیان	۱۳	Hermeticists
هرودوت [مورّخ یونانی]	۱_۲۶	Herodotus
هَرْوَلَه [شتافتن یا آهسته دویدن هنگام سعی بین صفا و مروه که از ارکان حج است.]	۳۱،۸۴	trotting [= a pace adopted by the pilgrims at Mecca]
	۳۱	going moderately
هره [= رُخبام؛ آجرکاری] (معمـ.)	۱۲۹	brickworks; string course; window sill brick
هزارات (نجـ.)	۸۰	millenar cycles
هزارباف (معمـ.)	۷۸	ornamental brickwork
هزل (قرآنی)	۱۰۰	merriment
	۷	joke
	۳۱	jest; jesting; playfulness
	۲۱،۸۷	pleasantry
	۱۲۸	parody
هزلیات	۱۲۸	facetious poems
هزلیات	۸۲_۵	facetiae
هزیمت [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است]	۳۱	flight; defeat
هزینه	۳۱	expenditure
	۷۵،۱۲۹	expense
هستی (نیز ← وجود)	۱۱،۲۹،۹۲،۱۰۳،۱۱۱	existence
هستی عام	۹۲	universal being

هستی محض	۲۹،۹۲	absolute being
هستی نامحدود	۲۹	infinite existence
هشت ضلعی	۱۲۹	octagon
هشت گوشه	۱۲۹	octangle
هشت وجهی	۱۲۹	octahedron
هشتی (معمـ.)	۱۲۹	porch
	۱۱۵	atrium
هشیار	۱۰۳	sensible
هشیاری (نیز ← هوشیاری)	۱۰۳	self-consciousness
هضم	۱۲۰	digestion
هضم نفس [= شکسته نفسی]	۳۱	suppression of passion
هفتاد و دو ملت	۳۱	seventy - two sects of Iislam
هفت آسمان [افلاك سبعه، هفت فلك، هفت گردون]	۱۰۳	seven spheres
هفت اقلیم (جغـ.)	۱۹	Seven Climes
هفت انجم	۱۰۳	Seven Planets
هفت اندام	۱۸	seven members
هفت پیکر	۸۰-۵	the seven effigies
هفت تنان [= اصحاب کهف]	۳۱	The Seven Sleepers
هفت دریا	۱۰۳	Seven Seas
هفت فلك ← هفت آسمان		
هفت گردون ← هفت آسمان		
هفته	۳۱	week
هلاك [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۲۱	perdition
	۷،۸۷	perish
هلال [جمع مکسر این کلمه به صورت اَهِلّه به کار رفته است]	۷۴،۸۰	the crescent
هلال خضیب	۴۳	Fertile Crescent

هلال ماه	۳۸.۴۵.۸۰	the new moon
	۷۴	crescent of the moon
هَلُمَّ جرّاً [«هَلُمَّ» در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۲۶	and so on; et cetera
هلوع (قرآنی) [= ناشکیبا]	۸۷	anxious
	۷	hasty
هلیله	۳۱	myrobalan
هلیوپولیس ← بعلبک		
هَمّ [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۱۸.۱۱۹	attention
	۹۵	care
همّاز (قرآنی) [= بدگوی] (نیز ← هُمَزه)	۱۰۰	backbiter
	۷	defamer
همان گویی [تکرّر معلوم، تحصیل حاصل]	۱۱	tautology
همت	۱۲۱	ambition
	۵۶	spiritual intention
	۵۸	spiritual will
	۹۵.۱۲۱	zeal
	۴.۱۲۱	determination
	۳۸	resolution
هَمج الرَّعاع [این ترکیب نخست بار در نهج البلاغه به کار رفته است. به معنی دنباله روان بی‌تمیز، و بی‌سروپا]	۲۷	the «rabble»
	پ	mob
همجنس بازی (نیز ← مساحقه؛ پ لواط)		homosexuality
همچندی	۹۲	equality

همخوابگی	۳۱	sleeping together
همدین	۲۷،۳۱	co-religionist
هُمَزه [سوره] نیز ← همّاز	۸۸،۱۰۰،۱۱۲	The Backbiter
	۸۷	The Traducer
	۷	The Slanderer
هَمَزات(قرآنی) [وسوسه های شیطانی]	۷،۸۷	evil suggestions
همسایه	۳۱	neighbour
همسر (نیز ← زوج، زوجه؛ منکوحه؛ زن ؛ شوهر)	۱۵	spouse
همسری [زناشویی] (نیز ← نکاح)	۱۵	conjugality
همسفر	۳۱	fellow-traveller
هم‌سوگند [= حلیف؛ متحد ، هم‌پیمان]	۸۴	alley
همشهری	۹۲	fellow-citizen
همشیر	۱۲۰	foster brother or sister
هم‌قوّه [منط.]	۹۴	equinumerous; equipotential
هم مذهب ← همدین		
هم‌مسلك	۴	brethren
همیشگی (نیز ← جاوید،مخلّد،ابدی)	۱۱	everlasting
هند	۱۲۰	India
هندی (نیز ← هندوگرائی)	۱۲۰	Indian
هندسه	۹۵،۱۲۹	geometry
	۸۰	engineering
	۱۰۶	laws of measurement
هندسهٔ اقلیدسی	۹۴	Euclidean geometry
هندسهٔ تحلیلی	۱۲۹	analytic geometry
هندسهٔ ترسیمی	۱۲۹	descriptive geometry
هندسهٔ مسطّحه	۱۲۹	plane geometry
هنر	۱۲۰	art

هنرمند	۳۱،۱۲۰	artist
هنیئاً مریئاً (قرآنی) [نوش و گوارنده]	۱۰۰	with wholesome appetite
هو (قرآنی)	۷،۸۷،۱۰۰	He
هوا [هویٰ] (قرآنی)	۸۰،۸۷،۱۰۳،۱۰۶	desire
	۵۷،۸۰،۸۷،۹۵،۱۰۳	passion
	۱۰۳	sensuality
	۶،۱۰۰	caprice
هواپرست	۴	sensual
هواپرستی	۱۵	sensualism; sensuality
هوای نفس	۱۰۳	sensual desire
	۴۲	carnal desire
	۳	passions
هود (قرآنی) [پیامبر قوم عاد؛ نیز نام سورهٔ یازدهم از قرآن مجید؛ نیز به معنی یهود]	۱۰۰	Hood
	۷،۸۷،۸۸	Hud
	۷،۸۷	jew
هودج	۱۸	camel-litter
	۸۰_۳	litter
هورقلیا [قالب نجمی، قالب مثالی] (کلـ.) [این کلمه را که احتمالاً اصل عبری دارد نخست بار شیخ اشراق به کار برده سپس شیخ احمد احسائی و حاج ملاهادی سبزواری و دیگران نیز در بارهٔ آن بحث کرده اند]	۱۱	corps astral
هوس (اخـ.)	۱۶،۱۰۳	(sensual) desire
هوسرانی (اخـ.)	۱۵	promiscuity; capriciousness; sensuality
هوشیاری [مقـ. غفلت] (نیز ← هشیاری)	۱۰۳	spiritual intelligence

هول	۳۱	horror; fright; terror
هَوُو	۱۲۰	rival wife
	پ	wives of the same husband
هویٰ ← هوا		
هویّت	۵۶،۸۰،۹۰،۹۷،۱۰۸	ipseity
	۸۰،۱۰۵	identity
	۱۱	personal identity; he-ness
	۱۶	essence
	۱۰۶	itness
هویّت اولی	۸۰	prime being
	۵۶	substantial ipseity
هیئت (فلـ.)	۳۱،۸۰	state; quality; form
	۸۰	configuration; shape; figure, deputation
هیئت [نجوم]	۵۹،۹۹	astronomy
هیئت ارکان	۸۰_۳	configuration of elements
هیئت امنا	۷۵	board of trustees
هیئت نفسانی	۶۹	psychical affection
هیبت	۴۴،۱۰۳	awe
	۵۷	reverence
هیبت حقّ (نیز خشیةالله)	۱۰۳	awe of God
هیکل	۱۳،۵۸،۸۰	temple
	۳۱،۱۲۰	figure, image, statue
	۹۹	monument
	۳۱	stature
هیکل نورانی	۸۰_۳	temple of light
هیمیا [از علوم غریبه]	۵۴	subjugating of souls
هیولا (فلـ.) (مقـ. صورت)	۵۶،۸۰،۱۰۵	matter
	۹۲،۹۳	prime matter
	۱۳	materia

	۱۱	eule
	۹۵	hyla
هیولانی	۴۰	material
	۹۲	potential
هیولای انسانی	۶۹	primary matter of man
هیولای اولی	۶۹	primary matter
	۱۱	prima materia
هیولیٰ ← هیولا		
هیهات (قرآنی)	۱۰۹	In no way
	۸۷	begone
	۱۰۰	away
	۷	far
	۲۵	alas!
هیهات مِنّا الذّلّة [سخنی معروف از امام حسین (ع)]	۱۶	we and disgrace? How preposterous!

ی

یاالله (نیز ← اللّهم)	۱۲۰	O God
یاایهاالنّاس (قرآنی)	۷	O people!
	۸۷	O mankind!
یائسگی	۱۵	menopause
یاد	۹۵	recollection
یادگار [تذکره]	۱۱	memorial
یادنامه	۱۳	commemoration volume
یار ← رفیق؛ مصاحب؛ ندیم؛ صحابی		

یاغی	۴	rebellious
یافث [پسر نوح]	۱۹،۴۵،۹۹	Japhet
یاقوت	۳۱،۱۲۱	hyacinth; ruby
یأجوج و مأجوج	۷،۳۸،۹۹،۱۱۲	Gog and Magog
یأس [مشتقات این کلمه در قرآن مجید به کار رفته است.]	۱۱،۹۵	despair
یتیم (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه نیز به صورت یَتامیٰ در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷،۳۹،۴۵،۸۷	orphan
	۴۵	fatherless minor child
یحیی (ع) (قرآنی)	۸۷،۱۰۰،۱۱۲	John
یحیی تعمیددهنده [معمّدان] ← یحیی		
یخچال (معمـ.)	۱۲۹	glacier; ice house; ice pond
یَد (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه نیز به صورت ایدی در قرآن مجید به کار رفته است.]	۷،۸۷	hand
ید بیضا [معجزه حضرت موسی] [در قرآن مجید آمده است: ونزع یده فاذاهی بیضاء للناظرین]	۷،۵۵،۸۷	White Hand
ید سفلی	۲۵	the hand that receives
ید طولا [= طولیٰ]	۳۱	power; strength; skill
یدعلیا	۲۵	the hand that gives
یرقان (پز.)	۷۱	jaundice; icterus
یزدان ← الله؛ خدا		
یزدانی	۳۱	Divine
یٰس [سوره]	۸۷،۸۸،۱۰۰	Ya Sin
	۷	Ya Seen
یساول	۸۰	harbinger; aide-de-camp

یُسر (قرآنی)	۷،۸۷	ease
یُسر	۱۲۰	black coral
یَسعَ (قرآنی) [= الیَسعْ] (از پیامبران بنی‌اسرائیل و شاگرد الیاس)	۸۷،۱۰۰	Elisha
یشم	۱۲۰	jasper
یعقوب (ع) (قرآنی) [= اسرائیل]	۷،۱۰۰	Jacob
یعنی	۱۲۰	namely; means; signifies
	۳۱	That is to say
یغما	۱۲	plundering
یقظه	۴۰	awakeness
	۱۰۳	time of waking
یقین (قرآنی) (نیز ← حق‌الیقین؛ علم الیقین؛ عین الیقین)	۲۱	intuitive faith
	۵۸،۸۰،۹۷،۱۰۶،۱۱۸،۱۱۹	certainty
	۷،۸۷	sure
	۹۵،۱۱۱	certitude
	۱۰۹	certain truth
	۱۰۰	certain
یکتاپرستی (نیز ← توحید؛ وحدت؛ واحد)	۱۱	monotheism
یکتای ذاتی	۲۹	one by essence
یکتایی	۱۱	oneness
	۱۴	singleness
یکتایی بسیط	۱۱	simple oneness
یکتایی مطلق	۱۱	absolute oneness
یکنواختی [مشابهت]	۱۱	uniformity
یکی ← یکتائی ؛ یگانگی، وحدت؛ واحد		

یگانه [غالبا صفت خداوند قرار می‌گیرد]	۳۱	one; single; sole; unique; alone
یگانگی (نیز ، یکتائی؛ احدیت، واحد)	۳۱،۹۲	unity
	۵۶	unicity; oneness
	۳۱	singularity
	۱۶	homogeneity
یمّ (قرآنی) [= دریا]	۷،۸۷	sea
یَمَن	۴	Yemen
یُمن	۲۵	blessing; felicity
یمین، [سوگند] [در قرآن مجید جمع مکسر این کلمه به صورت أیمان به کار رفته است]	۳۹،۸۰	oath
یمین [دست راست] (نیز ← ملك یمین؛ اصحاب الیمین)	۷،۸۷	right hand
یمین بالطلاق	۸۰-۴	oath of repudiation
ینبوع	۳۱	spring; source; fountain
ینبوع الهی	۱۰۳	Divine fountain
یوسف (ع) (قرآنی) [از پیامبران بنی اسرائیل، فرزند یعقوب، که سوره‌ای به نامش و درباره‌اش در قرآن مجید هست.]	۷،۸۷،۸۸،۱۰۰	Joseph
	۷	Yusuf
یوشع [وصی حضرت موسی (ع)]	۴۵	Joshua
یوم (قرآنی) [جمع مکسر این کلمه هم به صورت ایام بارها در قرآن مجید به کار رفته است.]	۶،۷،۴۵،۸۰،۸۷،۱۱۳	day
یوم الآخر (قرآنی)	۷،۸۷	last day
یوم الاحزاب (قرآنی)	۱۱۳	The Day of the Parties

یوم الاضحی (نیز ← عید اضحی (= عید قربان))	۴۵	The Day of the Great Sacrifice
یوم الایاب	۹۹	Day of Return
یوم البعث	۷.۸۷	Day of Resurrection
	۶	Day of Upraising
یوم تُبلی السرائر (قرآنی)	۱۰۰	the Day when the secrets are tried
یوم الترویه	۱۱۳	Day of Quenching
	۳_ ۸۰	Day of Watering
	۴۵	Day of Moistening
یوم التغابن (قرآنی)	۱۰۰	Day of Mutual Fraud
یوم التلاق (قرآنی)	۷.۶۴.۸۷	Day of Meeting
یوم التناد (قرآنی)	۶۴.۸۷	Day of Summoning
یوم الجمع [روز محشر] (قرآنی)	۵۶	Day of Uniting
	۷.۱۰۰	Day of Gathering
یوم الحساب (قرآنی)	۷.۸۷	Day of Reckoning
یوم الحشر (قرآنی)	۳۸	Day of Assembly
یوم الخُلود (قرآنی)	۱۰۰	Day of Eternity
یوم الدین (قرآنی)	۷.۳۸.۵۶.۸۰.۸۷.۱۰۰	Day of Judgement
	۱۰۰	Day of Doom
یوم الفرقان (قرآنی)	۷	Day of Distinction
	۸۷	Day of Discrimination
یوم الفصل [روز قیامت] (قرآنی)	۸۷.۱۰۰	Day of Decision
	۵۶	Day of Separating
یوم القیامه (قرآنی)	۶.۷.۸۰-۵.۸۷	Day of Resurrection
	۱۰۴	Day of Judgement
یوم الله [در قرآن مجید جمع	۱۰۰	Day of God

این کلمه به صورت ایام‌الله
به کار رفته است]

English	Pages	Persian
Day of Great Sacrifice	۴۵	یوم النحر
Day of Slaughter	۱۰۱	
Day of Resurrection	۱۰۳	یوم‌النشور
daily; quotidian	۱۲۰	یومیّه
Jonah	۷،۴۵،۸۷،۸۸،۱۰۰،۱۱۲	یونس (ع) [= ذوالنون، صاحب الحوت] (قرآنی)
Yunus	۷	
Jews	۴،۷،۸۷	یهود [قوم یهود] (قرآنی)
Judah	۴۳،۹۹	یهودا
Jew	۷،۴۳،۸۷	یهودی (قرآنی)
Judaism	۱۱	یهودیّت
summer camp	۵ـ۸۲	ییلاق (نیز ← قشلاق)

A GLOSSARY OF ISLAMIC TECHNICAL TERMS

PERSIAN-ENGLISH

Compiled by:

M.T.Akbari
A.Rezvani
M.T.Monshi Toossi
H.Soltanifar
(Translation Department Islamic Research Foundation)

Edited by:

B. Khorramshahi

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی

آستان قدس رضوی

A GLOSSARY OF ISLAMIC TECHNICAL TERMS

PERSIAN-ENGLISH

Compiled by

M.T.Akbari

A.Rezvani

M.T.Monshi Toossi

H.Soltanifar

Islamic Research Foundation
Translation Department

Edited by
B. Khorramshahi

Islamic Research Foundation
Astan Quds Razavi
Mashhad - IRAN
1991